

مدیر شهری

نشریه علمی - پژوهشی مدیریت شهری و روستایی،

مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی

سال سیزدهم، پاییز ۱۳۹۳

شماره استاندارد بین‌المللی: ۱۶۰۷-۲۲۲۷

سال سیزدهم، پاییز ۱۳۹۳

۱. تدوین چارچوب طراحی شهری برای خیابان ملاصدرای شیراز با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی
۲. بررسی رابطه رشد و اندازه شهرها در مناطق شهری ایران با استفاده از قاعده جیبرات
۳. ارزیابی عملکرد سرای محلات در راستای توسعه مدیریت محلی؛ نمونه موردی: سرای محله‌های اوین، تجریش و نیاوران
۴. راهبردهای احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی رود دره دارآباد تهران
۵. بررسی عوامل موثر بر تغییر سازه‌های ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷
۶. طراحی ورودی شهر با رویکرد هویت بخشی به فضای شهری؛ نمونه موردی: ورودی شرقی شهر زنجان
۷. بررسی نقش طراحی معماری در انبوه‌سازی مسکن؛ نمونه موردی: مقایسه مجموعه مسکونی در ملبورن استرالیا با مجموعه مسکن مهر شهر پردیس در تهران)
۸. تحلیل گردشگری روستایی شهرستان مریوان با استفاده از مدل SWOT
۹. بکارگیری شبکه عصبی مصنوعی برای قیمت‌گذاری شناور مجوز طرح ترافیک تهران جهت مدیریت بهینه شهر با هدف کاهش آلودگی هوا
۱۰. تحلیل و ارزیابی سیاست پژوهی نقش‌پذیری نهادهای رسمی در فرایند تامین زمین و مسکن شهری با ارائه راهکارها و پیشنهادات در ایران
۱۱. فرآیند تحلیل شبکه در ارزیابی عملکرد بوم‌شناختی سیمای سرزمین رود - دره‌ی درکه
۱۲. مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای
۱۳. تعیین عوامل انگیزشی ساکنین بافت فرسوده شهر شیراز برای مشارکت در بهسازی و نوسازی آن
۱۴. نقش و جایگاه حسابرسی عملکرد در بهبود برنامه‌های خدمات‌رسانی و توسعه روستایی با تأکید بر جامعه دانایی‌محور
۱۵. بررسی و ارزیابی نحوه توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی؛ نمونه موردی: شهر بومهن
۱۶. تبیین مفهوم گفتمان مدنی در عرصه‌های عمومی شهری با رویکردی اکتشافی؛ از حمام‌ها تا تالارهای شهری
۱۷. تحلیل نشانه‌شناختی از فرهنگ «معماری خانه» در عصر جهانی شدن با تأکید بر معماری پسا‌ساختارگرایی؛ از «خانه تا ناخانه»
۱۸. تحلیل ابعاد مختلف حقوق شهروندی از دیدگاه شهروندان؛ بررسی میدانی: محدوده پیرامونی خیابان کارگر شمالی و مرکز قلب تهران
۱۹. امکان‌سنجی توسعه اجتماعی و فرهنگی شهر تهران با تأکید بر سیستم‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه؛ مطالعه موردی: منطقه ۲۰ تهران
۲۰. بررسی آثار اقتصادی و نالیسم بر هزینه‌های شهرداری و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی: مطالعه موردی مشهد

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم می‌پذیرد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر یک روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه‌گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ



هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته).
- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران.
- دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- دکتر مصطفی بهزادفر، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت.
- دکتر محمدرضا پورجعفر، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته).
- دکتر حمیدرضا صارمی، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- دکتر محمود طاووسی، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته).
- دکتر محمد مهدی عزیزی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- دکتر علی عسگری، استاد برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا.
- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- دکتر علی اکبر فرهنگی، استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- دکتر غلامرضا لطیفی، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- دکتر محمدنقی زاده، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

مدیر داخلی: دکتر هادی محمودی نژاد.

امور اجرایی: مهدی شهریاری.

کمیته اجرایی: ابوذر دلفارادی، احسان طاهری مهر، نیما متین فر، امید احدیان.

ویراستار انگلیسی: دکتر صدیقه سلیمانی.

ویراستار فارسی: دکتر یوسف عالی عباس آباد.

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه «کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

- «پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)» (www.ISC.gov.ir)
- «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)» (www.SID.ir)
- «بانک اطلاعات نشریات کشور» (www.Magiran.com)
- «درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی» (www.IMO.org.ir)
- «پایگاه مجلات تخصصی نور» (www.noormags.com)
- «سیستم شناساگر دیجیتال نشریات علمی» (www.doi.org)
- «پایگاه اطلاعات علمی شهری و روستایی» (www.rur.ir)
- «پرتال جامع علوم انسانی» (www.ensani.ir)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014



مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۶۳۹۰۲۰۸۳، دزنگار: ۸۸۹۷۷۹۱۲، کد پستی: ۱۳۱۶۶۳۳۶۶۱

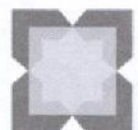
درگاه اینترنتی ارسال مقالات

<http://ijurm.imo.org.ir>

سامانه فروش الکترونیکی

<http://safta.imo.org.ir>

وزارت کشور



سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور
انتشارات

Site: www.imo.org.ir

E-mail: JModiriyatshahri@gmail.com

داوران ویژه این شماره:

دکتر علیرضا رضایی، دکتر علی رجبلو، دکتر هادی رحمانی فضلی، دکتر مظفر صادقی،
دکتر رجبعلی برزویی، دکتر علی بقایی سرابی، دکتر حسین سرتیپی،
دکتر حمید شاه بندرزاده، دکتر فیصل حسنی.

اسامی داوران فصلنامه مدیریت شهری که تاکنون با این نشریه همکاری نموده‌اند:

دکتر ناصر میرسپاسی، دکتر مصطفی بهزادفر، دکتر هادی محمودی نژاد، مرحوم دکتر رحمت
الله صدیق سروستانی، دکتر محمد نقی زاده، دکتر محمد مهدی عزیزی، دکتر ناصر براتی، دکتر
غلامرضا لطیفی، دکتر هاشم داداش پور، دکتر مجید عبداللہی، دکتر ایرج اعتصام، دکتر سید
محسن سرتیپی پور، دکتر محمود صفارزاده، دکتر محمد رضا پمانیان، دکتر ناصر برک پور، دکتر
علی عسگری، دکتر منصور یگانه، مهندس محمد مهدی متوسلی، دکتر قاسم مطلبی، دکتر
علیرضا عینی فر، دکتر فرشاد نوریان، دکتر حمیدرضا پارسی، دکتر محمد مهدی محمودی،
دکتر مهدی زندیه، دکتر سعید عابدین درکوش، دکتر حامد کامل نیا، دکتر حسین پرویز اجلالی،
دکتر علیرضا عنادلیب، دکتر مهدی طالب، دکتر فرح حبیب، دکتر حسین ایمانی جاجرمی، دکتر
پرویز کردوانی، دکتر علیرضا دربان آستانه، دکتر بهمن ادیب زاده، دکتر اسماعیل صالحی، دکتر
محمد حسین پاپلی یزدی، دکتر محمد رضا مثنوی، دکتر محمد جواد مهدوی نژاد، دکتر
عبدالرضا رکن الدین افتخاری، دکتر عیسی حجت، دکتر محمد علی عبدلی، دکتر حسن علی
پورمند، دکتر علی محمد احمدی، دکتر علی اکبر تقوایی، دکتر محمد رضا رضوانی، دکتر
علیرضا احمدی فینی، دکتر غلامرضا اسلامی، دکتر روح الله محمود خانی، دکتر مجتبی
رفیعیان، دکتر ناصر غراب، محمد جوانمردی، مهندس سعیدنیا، مهندس حمیدرضا حاجوی،
مهندس حسین رجب صلاحی، دکتر مهدی شیبانی، مهندس مسعود احمدی، دکتر کوروش
گلکار، دکتر شمس نوبخت، دکتر آرمین جراحی، دکتر شهریار ناسخیان، دکتر سید محسن
حبیبی، دکتر مهناز شایسته فر، دکتر علی اصغر ادیبی، دکتر حسن هویدی، دکتر حمید ماجدی،
دکتر صادق صالحی، دکتر شهیندخت برق جلوه، دکتر کیانوش سوزنجی، دکتر محمد منصور
فلامکی، دکتر احمد خدادادی دربان، دکتر محمد حسین صبحیه، دکتر محمد رضا پور جعفر،
دکتر مصطفی عباس زادگان، دکتر سید مجتبی شفیع.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۲
No.36 Autumn 2014

فهرست مطالب

۱. تدوین چارچوب طراحی شهری برای خیابان ملاصدرای شیراز با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی
سهند لطفی، ارسلان گل مکانی، محمد حسین پور، مهسا شعله ■ ۹-۲۴
۲. بررسی رابطه رشد و اندازه شهرها در مناطق شهری ایران با استفاده از قاعده جیبرات
سیاوش گلزاریان پور، هادی رحمانی فضلی، الدار صداقت پرست ■ ۲۵-۳۴
۳. ارزیابی عملکرد سرای محلات در راستای توسعه مدیریت محلی؛ نمونه موردی: سرای محله‌های اوین، تجریش و نیاوران
زهره فنی، جمیله توکلی نیا، حمید قربانی، اکبر سلطان زاده ■ ۳۵-۴۶
۴. راهبردهای احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی رود دره دارآباد تهران
محمد رضا پورجعفر، علی اکبر تقوایی، پرویز آزادفلاح، علی رضا صادقی ■ ۴۷-۶۶
۵. بررسی عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷
مهران شیروند، حسین علی جاهد، کاوه تیمورنژاد، سجاد احمدوند ■ ۶۷-۸۲
۶. طراحی ورودی شهر با رویکرد هویت‌بخشی به فضای شهری؛ نمونه موردی: ورودی شرقی شهر زنجان
زهره ترابی، یلدا سیما ■ ۸۳-۱۰۴
۷. بررسی نقش طراحی معماری در انبوه‌سازی مسکن؛ نمونه موردی: مقایسه مجموعه مسکونی در ملبورن استرالیا با مجموعه مسکن مهر شهر پردیس در تهران
نیما موهبتی، مهدیه طابعی ■ ۱۰۵-۱۲۴
۸. تحلیل گردشگری روستایی شهرستان مریوان با استفاده از مدل SWOT
رشید بوکانی، رضوان امیری ■ ۱۲۵-۱۴۴
۹. بکارگیری شبکه عصبی مصنوعی برای قیمت‌گذاری شناور مجوز طرح ترافیک تهران جهت مدیریت بهینه شهر با هدف کاهش آلودگی هوا
احسان اله اشتهاردیان، محمدعلی فاضلی راد ■ ۱۴۵-۱۵۴
۱۰. تحلیل و ارزیابی سیاست پژوهی نقش‌پذیری نهادهای رسمی در فرایند تامین زمین و مسکن شهری با ارائه راهکارها و پیشنهادات در ایران
پدرام اخوان گوران ■ ۱۵۵-۱۸۲

۱۱. فرآیند تحلیل شبکه در ارزیابی عملکرد بوم‌شناختی سیمای سرزمین رود- دره‌ی درکه

شهبندخت برق جلوه، نیکو مدقالچی ■ ۱۸۳-۲۰۲

۱۲. مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای

ناصربرک پور، مونا بلوکات ■ ۲۰۳-۲۲۲

۱۳. تعیین عوامل انگیزشی ساکنین بافت فرسوده شهر شیراز برای مشارکت در بهسازی و نوسازی آن

خسرو موحد ■ ۲۲۳-۲۳۲

۱۴. نقش و جایگاه حسابرسی عملکرد در بهبود برنامه‌های خدمات‌رسانی و توسعه روستایی با تأکید بر جامعه دانایی‌محور

عبدالرضارحمانی فضلی، مظفر صادقی ■ ۲۳۳-۲۴۶

۱۵. بررسی و ارزیابی نحوه توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی؛ نمونه موردی: شهر بومهن

زینب کرکه‌آبادی، معصومه تدینی، حسین الماسی مفیدی ■ ۲۴۷-۲۶۸

۱۶. تبیین مفهوم گفتمان مدنی در عرصه‌های عمومی شهری با رویکردی اکتشافی؛ از حمام‌ها تا تالارهای شهری

محمد مهدی بلندیان، سارا ناصری ■ ۲۶۹-۲۹۸

۱۷. تحلیل نشانه‌شناختی از فرهنگ «معماری خانه» در عصر جهانی شدن با تأکید بر معماری پسا ساختارگرایی؛ از «خانه تا

ناخانه»

سیده‌آذین نیک‌نام اصل، محمد زرقانی، زهره فرشی حقی ■ ۲۹۹-۳۲۲

۱۸. تحلیل ابعاد مختلف حقوق شهروندی از دیدگاه شهروندان؛ بررسی میدانی: محدوده پیرامونی خیابان کارگر شمالی و مرکز

قلب تهران

مجتبی آراسته، علی اکبر تقوایی، مریم کامیار ■ ۳۲۳-۳۲۸

۱۹. امکان‌سنجی توسعه اجتماعی و فرهنگی شهر تهران با تأکید بر سیستم‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه؛ مطالعه موردی:

منطقه ۲۰ تهران

محمد رضا بمانیان، محمد علی خلیجی ■ ۳۳۹-۳۵۰

۲۰. بررسی آثار اقتصادی و ندالیسم بر هزینه‌های شهرداری و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی؛ مطالعه موردی مشهد

هادی رفیعی دارانی - سارا پارساپو - مجید دانایی سیج - افسانه زارعی ■ ۳۵۱-۳۶۸

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

■ ۸ ■

تدوین چارچوب طراحی شهری برای خیابان ملاصدرای شیراز با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی

- سه‌نند لطفی* - استادیار طراحی شهری، گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
ارسلان گل مکانی - کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
محمد حسین پور - استادیار برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
مهسا شعله - استادیار طراحی شهری، گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

خیابان ملاصدرای شیراز برخوردار از جذابیت‌های متعدد و متنوعی است که مایه حضور شهروندان با انگیزه‌های گوناگون در بیشتر ساعات روز می‌شود. رجوع به مراکز مهم فعالیت، خرید، تماشای مغازه‌ها، پرسه زدن و گردش، دیدن و دیده شدن، همه و همه خیابان ملاصدرا تبدیل به فضایی مملو از انواع رویدادها برای شهروندان نموده است. این خیابان مهم شهر شیراز، اما به دلیل کمبود عرض پیاده‌رو، کمبود فضاهای جمعی برای مکث و سکون و گردهمایی، کمبود جای نشستن، نبود فعالیت در شب و روزهای تعطیل، ازدحام سواره‌رو و جریان ترافیک عبوری، و شرایط کالبدی نامناسب، بستری متناسب برای برقراری تعاملات میان مردم و کاربران فضا نیست. پژوهش حاضر به دنبال تبیین نقش عوامل موثر در ارتقاء تعاملات در خیابان ملاصدرای شیراز است. بدین منظور، پس از بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل تاثیرگذار بر تعامل میان مردم در فضای شهری خیابان، فرآیند شناخت و تحلیل محدوده خیابان ملاصدرا به انجام رسیده است. برونداد این مرحله، در قالب جمع بست پژوهش، شامل چهارچوبی دربردارنده راهبردهای مبتنی بر سه مولفه عملکردی، تجربی - زیبایی شناختی و زیست محیطی است که نشان دهنده خط مشی طراحی شهری با هدف تعامل پذیرکردن خیابان ملاصدرای شیراز می‌باشد. این چهارچوب می‌تواند الگویی پیشنهادی در فرآیند احیاء و تعامل پذیرکردن خیابان‌های تجاری - تفریحی دیگر باشد. واژگان کلیدی: خیابان ملاصدرای شیراز، چهارچوب طراحی شهری، تعاملات، زندگی جمعی، الگوهای رفتاری و کالبدی.

Urban Design Framework for MollāSadrā Avenue in Shiraz (Iran) with an Approach to Social Interactions

Abstract

MollāSadrā Avenue in Shiraz has a variety of attractions and numerous gravitations which lead people to having a quasi-permanent presence in this important public space. Coming to shopping centres, window shopping, flânerie and the ability to see people and be seen by them, makes MollāSadrā Avenue a vibrant hub full of crowd and enjoyment. But in the other hand the lack of well-designed sidewalks and their limited width, the lack of public places to seat, relax and gather and an obvious shortage of activities throughout the night and holidays accentuated by traffic jam and mediocre physical and architectural conditions, decrease the eventuality of public interactions. This research seeks to reveal the role of effective factors in improvement of public interactions in MollāSadrā Avenue as a vibrant public space.

As such, after studying and analyzing the pertinent factors in public interactions an entire field research process has been accomplished. The result of the research is shown as an urban design framework categorized by activities, aesthetics and experiential aspects and environmental issues which demonstrate the direction of the process of urban design to make MollāSadrā Avenue an interactive urban space. This urban design framework could be used as a model to the revival of commercial and leisure streets elsewhere in Iran.

Keywords: MollāSadrā Avenue (Shiraz), Urban Design Framework, Public Interactions, Public Life, Social Behaviour and Physical Pattern.

۱. مقدمه

شهر امروزین برای جوابگویی به نیازهای بشر قرن بیست و یک و تکنولوژی جدید باید به مواردی بیش از صرفاً طراحی ابنیه و شبکه‌های دسترسی بپردازد و به خلق فضاهایی بیندیشد که موجب تنوع و جذابیت بیشتر شهر گردیده و تاثیر بیشتری بر پیوند شهروندان، فضاها و مکان‌های شهری بگذارد (لنارد و دیگران، ۱۳۷۷). از میان انواع مسیرهای یک شهر، خیابان بیشترین حساسیت و ظرافت را به خود می‌طلبد زیرا خیابان‌ها مکان‌هایی هستند که تعاملات اجتماعی و جنب و جوش شهری در آن‌ها به حداکثر کمی و کیفی خود رسیده، ذهن شهروندان را انباشته از خاطرات جمعی و ذهنیت‌های مشترک راجع به نوع و چگونگی حیات مدنی می‌گردانند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲)؛ حال امروزه نقش خیابان به عنوان مکانی برای تعاملات اجتماعی، دیدارها، برخوردها و صحنه حضور شهروندان شدیداً تضعیف شده است. در عوض خیابان تبدیل به کانالی صرفاً برای گذر و سرشار از دود، آلودگی، ترافیک و انواع مزاحمت‌های خواسته و ناخواسته گردیده است. خیابان ملاصدرای شیراز نیز از این قاعده مستثنا نیست. این خیابان تجاری با وجود پتانسیل بالا در جذب جمعیت از گروه‌های مختلف اجتماعی توانایی لازم را در برقراری ارتباط میان آنها ندارد و معمولاً این خیابان را برای عبور، انتخاب می‌نمایند. از دیگر سو، با توجه به پیاده‌رو کم عرض، ترافیک سنگین سواره در طول روز و این‌که خیابان مورد نظر در بافت میانی شهر شیراز قرار گرفته است و نیاز به نوسازی کالبدی دارد، مداخله در آن امری ضروری می‌باشد. کاوش در مطالب بالا ما را با این سوال مواجه می‌سازد که چه عواملی (کالبدی، فعالیتی و معنایی) را می‌توان برای ایجاد فضاهای تعاملی در خیابان‌های تجاری، مورد توجه قرار داد؟ چه مشکلاتی در بستر مورد مطالعه ما برای برقراری تعاملات میان شهروندان وجود دارد؟ و کدامین تعریف و الگوی طراحی، جهت افزایش تعاملات در بستر مورد مطالعه ما جوابگو خواهد بود؟

مواد و روشها

در این تحقیق، با روشی «توصیفی - تحلیلی»، به منظور

شناخت کامل تری از مفهوم خیابان‌های تعامل پذیر، متون تخصصی مختلف هم در ادبیات شهری غرب و هم در ادبیات شهری ایران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و درگام بعد به منظور تجمیع و تحلیل یافته‌ها و اژگان اصلی که در ارائه این مفهوم به کار گرفته شده‌اند، استخراج گردیده و با توجه به نحوه تاثیرگذاری آنان در خیابانهای تجاری، در مطالعه موردی بر روی خیابان ملاصدرای شیراز از طریق روش «پیمایشی» با ابزار گردآوری داده به صورت «مشاهده» مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. در پایان، یافته‌های پژوهش به منظور ارائه تدوین چهارچوب طراحی برای خیابان ملاصدرای، در جدولی طبقه‌بندی و خلاصه‌سازی گردیده‌اند.

۲. ادبیات نظری

انسان موجودی اجتماعی است که از معاشرت با دیگران لذت می‌برد. مردم برای گفت و گو، دیدار و تعاملات اجتماعی با دوستان یا غریبه‌های آشنا به مکان‌هایی امن، غیر از خانه و محل کار، در فضاهای شهری نیازمندند. خیابان‌ها از عمده‌ترین فضاهای همگانی هستند که نباید تنها به عنوان «کانالی عبوری» به آن‌ها نگریست چرا که از دیر باز خیابان‌ها برای دیدار، مرادده، گذراندن اوقات فراغت، با هم بودن، دادوستد و هم چنین تردد، مورد استفاده مردم قرار می‌گرفته است (معینی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

۱-۲. تعاملات در فضاهای جمعی شهری

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، انسان‌ها به دلیل نیاز و علاقه به هم‌نوعان خود، از معاشرت با دیگران لذت می‌برند. صحبت کردن، خوردن یا نوشیدن در فضای عمومی، راه رفتن، تماشای ویتترین مغازه‌ها، بازی کردن، اجرا یا دیدن برنامه‌ها در خیابان با یک یا چند همراه، از جمله تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند (2007 Mehta). تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (et al, 1992 Car). همچنین نوشتن، نقاشی کردن، طراحی معماری،



کالبد‌های شهری و غیره همه روش‌های انتقال انگاره‌های اجتماعی اند و به وسیله فرهنگ محدود می‌شوند. این روشها منابع مصنوعی انگیزش و اطلاعات در مورد جهان هستند (لنگ، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰). راپاپورت فضای شهری را به عنوان محیط اجتماعی که در بردارنده مجموعه ای از ارتباطات است مطرح می‌سازد و شناخت فضای شهری را از طریق شناخت فرم بصری و اهمیت اجتماعی آن امکان پذیر می‌داند. ارتباطی که استفاده کنندگان در فضا برقرار می‌کنند، اهمیت عناصر و فضاها را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Rapoport, 1984). فضای جمعی فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش، و فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و برخورد‌های غیرشخصی است (Walzer, 1986, 470)، فضایی است که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم اند، این فضاها محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند؛ چنین فضاهایی بیش از آنکه تنها یک فضا باشند، یک تجربه‌اند (دانشپور به نقل از Hajer, 1986). این فضاها در شهر به عنوان مکان‌هایی که بیشترین کنش‌ها و ارتباطات میان شهروندان در آن روی می‌دهد، بستر اصلی فعالیت‌های کارکردی و مراسمی شهروندان را ایجاد نموده و عنصر مهمی در ایجاد پیوند اجتماعی میان شهروندان و هم چنین خاطره جمعی مشترک در بین آنهاست (عندلیب، ۱۳۸۹، ص ۱۸). فضاهای جمعی مطلوب و هماهنگ با فرهنگ، ویژگی‌ها و نیازهای اجتماعی و مناسب با شرایط محیطی را می‌توان ارزشی انکار ناپذیر در مطلوبیت فضای زندگی شهری امروز به شمار آورد (گل، ۱۳۸۹، ص ۱). فضاهای جمعی دارای ابعاد گوناگونی هستند که از مهمترین آن‌ها می‌توان به فعالیت و کاربری، دسترسی و ارتباط، تصویر ذهنی و آسایش و اجتماع پذیری (2000 PPS.org) اشاره نمود. ابعاد دیگری چون امنیت، عوامل بصری، مقیاس (Gehl, 1987)، معنا، فضای دموکراتیک، رازگونی (Car et al, 1992) و غیره نیز این فضا را تحت تاثیر قرار می‌دهند. فضاهای جمعی مشتمل بر فضاهای شهری گوناگونی چون: خیابانها، معابر،

میادین، پلازاها، پارکها، زمین‌های بازی، ماله‌ها، سواحل و کناره‌ها و سایر فرم‌های فضاهای تجمع می‌باشند (لنگ، ۱۳۸۶) و از نظر فعالیت می‌توانند جهت تامین یک فعالیت ویژه طراحی و برنامه ریزی شوند و یا آن‌که دارای تنوع کالبدی و فعالیتی و در نتیجه اجتماع پذیری بیشتر باشند (Car et al, 1992). در قسمت بعد «خیابان تعامل پذیر» را با توجه به موضوع پژوهش و نقش مهم آن در عرصه همگانی شهر، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۲. خیابان‌های تعامل پذیر

از پیدایش و شکل‌گیری شهرها به عنوان اجتماعات یکجانشین، فضاهایی وجود داشته‌اند که تعامل بین گروه‌های مختلف شهروندان در آن‌ها صورت می‌گرفته است. معابر شهری علاوه بر محلی برای عبور و مرور، جزو فضاهای شهری نیز به شمار می‌رفته است. با تغییر مفاهیم شهرنشینی، ورود اتومبیل و بهبود اقتصاد شهر، امر شکل‌گیری فعالیت‌های مختلف در لبه خیابان‌ها مانند فضاهای فراغت، دیدار با یکدیگر و گذراندن ساعاتی در فضای خیابان به صورت یک امر عادی درآمد. بدین ترتیب نقش اجتماعی معابر به ویژه خیابان‌ها تثبیت شد. لیکن امروز تنها برخی از آن‌ها را می‌توان به عنوان خیابان‌های تعامل پذیر دانست. در خیابان مطلوب یا تعامل پذیر، خودروها، دوچرخه‌سواران و عابران پیاده از حقوق یکسانی برخوردارند و نیازهای عابران پیاده اولویت خواهند داشت (جیکوبز، ۱۳۸۸). برمن (۱۹۸۲) اشاره می‌کند، نکته ضروری در ارتباط با خیابان اصلی که شخصیتی خاص بدان می‌بخشد، اجتماعی بودن خیابان است. مردم می‌آیند تا ببینند و دیده شوند و دیدگاه‌های خود را بدون هرگونه حس رقابت یا حرص و طمع باد دیگران در میان بگذارند. باید در خیابان اصلی حس لذت، تنوع و ایمنی برای پیاده‌روی فراهم باشد. علاوه بر این، خیابان اصلی مکانی برای برخورد‌هایی اتفاقی، تفریح و سرگرمی، مکالمه‌های روزمره و اوقات فراغت است. چنانچه به عقیده جیکوبز «خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن بخش مهم و اصلی مکان‌های عمومی شهر بوده و مهم‌ترین جزء حیاتی آن هستند. اگر خیابان‌های اصلی شهر جذاب باشند، شهر



جاذب و جالب خواهد بود» (بهزادفر به نقل از جیکوبز، ۱۳۸۸). تفاوت عمده‌ای بین خیابان‌های «سرزنده»^۱ و خیابان‌های «معاشر پذیر»^۲ در فضاهای شهری وجود دارد. خیابان‌های سرزنده با تنوع کاربری‌های اداری، تجاری، مسکونی و غیره عموماً با شلوغی و ازدحام جمعیت همراه است و به عنوان مبدایی برای رسیدن به مقصدی مورد استفاده مردم قرار می‌گیرند که درنگ و تعاملات اجتماعی مردم به هم در آن کم است، در حالی که خیابان‌های معاشر پذیر که در آن بیشتر مکان‌های سوم خودنمایی می‌کنند، مکانی هستند که باعث درنگ و توقف مردم می‌گردند و افزایش تعاملات اجتماعی غریبه و آشنا در شهرهای بزرگ و شلوغ را برای همگان امکان پذیر می‌نماید (معینی، ۱۳۹۰، ص ۴۴). در ادامه عوامل تاثیر گذار بر تعاملات را در خیابان، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۳. عوامل تاثیر گذار بر تعاملات در خیابان‌ها

میزان و ویژگی تعاملات انجام گرفته در فضاهای شهری، به شدت از برنامه‌ریزی فیزیکی تاثیر می‌پذیرند. تعاملات و کنش‌های اجتماعی وقتی که شرایط محیطی نامناسب باشد، انجام نمی‌گیرند و در صورت وجود شرایط مطلوب، رونق می‌یابند. از جمله مواردی که در این زمینه می‌توانند مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

پیاده مداری: نکته دارای اهمیت این است که تمامی فعالیت‌های اجتماعی با معنا، تجربیات قوی، مکالمه‌ها و دلجویی‌ها در خیابان هنگامی که مردم ایستاده‌اند، نشسته‌اند، استراحت می‌کنند و یا قدم می‌زنند، اتفاق می‌افتد. یک فرد می‌تواند از پنجره قطار یا ماشین نگاهی کوتاه به دیگران بیندازد؛ اما زندگی در حالت پیاده اتفاق می‌افتد. تنها حالت پیاده برای فرصت‌های با معنا برای برقراری ارتباط و دریافت اطلاعاتی که شخص برای تجربه نمودن آن زمان صرف می‌کند، مکث می‌کند و خود را درگیر می‌کند، موقعیت آفرینی می‌کند (گل، ۱۳۸۷، ص ۶۵). پیاده راه‌ها باید پیوسته مورد استفاده قرار بگیرند؛ چه برای افزودن به تعداد چشم‌های کارایی که به خیابان

دوخته می‌شوند و چه برای تشویق تعداد کافی مردم ساکن در ساختمان‌های طول خیابان، برای نگرستن به پیاده راه‌ها. هیچ‌کس از نشستن کنار پنجره و خیره شدن به یک خیابان خالی لذت نمی‌برد. تقریباً هیچ‌کس چنین کاری نمی‌کند؛ اما مردم بسیاری خود را گاه و بی‌گاه با تماشای فعالیت‌های خیابان سرگرم می‌کنند (جیکوبز، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

آمیختن^۳: آمیختن، یعنی به فعالیت‌های گوناگون و گروه‌های مختلف مردم (افرادی که از لحاظ طبقه اجتماعی، شغل، سن یا جنس با یکدیگر متفاوت اند) امکان عملکردهای مختلف با یکدیگر یا در کنار هم داده شود. در این صورت برای تک تک وقایع این امکان وجود دارد که یکی، دیگری را برانگیزد و تحریک کند. شرکت کنندگان در یک موقعیت فرصت دارند که در وقایع دیگر شرکت کرده و آن‌ها را تجربه کنند. یک فرآیند خود تقویت‌کننده می‌تواند آغاز شود. اگر مردم و رویدادها، به طرز محسوس در هم آمیزند، نتیجه آن بهبود شرایط برای فعالیت‌های اجتماعی و همین‌طور خصوصی است (گل، ۱۳۸۷، ص ۷۷).

یکپارچه کردن^۴: یکپارچه کردن بر این مفهوم که فعالیت‌های گوناگون و مردم با روحیات متفاوت می‌توانند در کنار هم و پهلو به پهلو عمل کنند، دلالت دارد. یکپارچه کردن فعالیت‌ها و عملکردهای گوناگون درون و اطراف فضای عمومی به مردم این اجازه را می‌دهد که با هم فعالیت و عمل کنند و باعث ایجاد انگیزش در یکدیگر گردند. علاوه بر آن، آمیزش مردم و عملکردهای متفاوت تعبیر چگونگی ساخت و عملکرد محیط و جامعه اطراف را میسر می‌سازد. آنچه که اهمیت فراوان دارد این است که مردمی که در ساختمان‌های مختلف کار و زندگی می‌کنند از فضاهای عمومی مشابه استفاده کنند و در رابطه با فعالیت‌های هرروزه با یکدیگر ملاقات کنند (گل، ۱۳۸۷، ص ۹۶).

دعوت کردن^۵: جاذب یا دافع بودن فضای عمومی بستگی به شکل قرارگرفتن فضای عمومی در رابطه با فضای خصوصی و چگونگی طراحی مرز بین این دو

1. Lively Streets
2. Sociable Streets
3. Assemble

4. Integration
5. Invite

دارد. مرزهای انعطاف پذیر، به شکل نواحی انتقالی ای که کاملاً خصوصی یا عمومی نیستند، عملکرد ارتباط دهنده دارند و از نظر فیزیکی و روانی حرکت ساکنان و فعالیت‌ها را بین فضاهای عمومی و خصوصی و فضای خارج و داخل سهولت می‌بخشند (گل، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷). چشمهای خیابان^۶: چشم‌ها باید به روی خیابان گشوده باشند؛ چشم‌هایی که به صاحبان مسلم خیابان تعلق دارند. ساختمان‌های خیابانی که برای مواجهه با بیگانگان همچنین تضمین امنیت آن‌ها و ساکنان خود تجهیز شده باشد، باید رو به سوی خیابان داشته باشند. ساختمان‌ها نمی‌توانند پشت یا سمت خالی خود را به سوی خیابان بگیرند و آن را کور کنند (جیکوبز، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

تبادلات اجتماعی و فرهنگی: فضایی که زمینه را برای فعالیتهای فرهنگی، تبادلات اجتماعی، نمایشهای خیابانی، سیرکها، موسیقی خیابانی و غیره فراهم سازد. هم‌چنین فضایی جمعی دموکراتیک، برای همه گروه‌ها باشد (Gehl, 2002, 8).

کیفیت کالبدی: کیفیت‌های کالبدی یک فضای جمعی با نحوه دسترسی، موقعیت، آسایش فیزیولوژیکی در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت، در رابطه است. علاوه بر این وجود عناصر طبیعی در فضای جمعی که سبب افزایش هیجان و سرزندگی محیط و دعوت عابرین به این فضاها و فراهم نمودن امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می‌گردند نیز، در این میان بسیار حائز اهمیت اند (دانشپور به نقل از lan-kap, ۱۳۸۶). ایجاد فرصت برای دیدن از بیرون (فضای شهری) به درون (ساختمانها) و برعکس تجربه‌های حسی زیادی را ایجاد می‌کند (شفافیت^۷). زمانی که مادر خیابان قدم می‌زنیم و بتوانیم ببینیم که در آن‌ها چه می‌گذرد، تجربه حسی خوبی به ما دست می‌دهد و می‌توانیم ببینیم که در محیط اطراف ما چه می‌گذرد. واحدهای کوچک تجربه‌های گوناگونی را ایجاد می‌کنند، و تعداد زیاد درب‌ها ارتباط‌های درون و بیرون را افزایش می‌دهند (مقیاس و ریتم^۸). مصالح خوب و جزئیات

مناسب برای مردم هنگام قدم زدن در خیابان جذاب هستند (بافت^۹). مصالح و جزئیات فرصتی مناسب برای جذب کردن مردم و دادن کیفیت به محیط می‌باشند. قدم زدن در طول جداره همکف با اصول ریتم‌های عمودی بسیار جذاب و چشم‌نواز می‌باشد (ریتم‌های جداره عمودی^{۱۰}). ما از ستونی به ستون دیگر حرکت می‌کنیم در صورتی که مسیر کوتاه‌تر به نظر می‌رسد. جداره‌های با اصول ریتم‌های افقی مسیر را بیشتر از آن چیزی که هست، نشان می‌دهند (Gehl, 2006).

کیفیت کارکردی: مشخصات کارکردی فضاهای جمعی می‌تواند بر کیفیت و کمیت جذب مردم برای توقف و تعامل در این فضاها، تاثیر گذار باشد. وجود فضاهای کافی جهت نشستن و وقوع رویدادهای خاص در فضا از قبیل نمایش‌های خیابانی، هنرهای عمومی و رخدادهایی از این دست که مردم را با یکدیگر پیوند می‌دهند، به جذابیت این فضاها می‌افزاید (دانشپور به نقل از Whyte, ۱۳۸۶). عملکردهای درونی ساختمانها

تاثیر بسزایی بر فعالیت و جذب فضای بیرونی دارند. واحدهای کم‌عرض و تعداد زیاد درب‌ها در جداره موجب تنوع بالای عملکردهای درون ساختمان‌ها می‌شود. نتیجه داشتن تعداد زیاد واحد، افزایش تبادل بین فضای درونی ساختمان‌ها و فضای بیرون و هم‌چنین افزایش تجربه‌ها و وقایع مختلف می‌باشد (تنوع عملکردها^{۱۱}). ما می‌توانیم زمانی که توسط ساختمان‌ها محصور هستیم، حس‌های گوناگون را تجربه کنیم و زمان کافی را برای دیدن، شنیدن، بوییدن و لمس کردن داشته باشیم (رسیدن به حس‌های گوناگون^{۱۲}) (Gehl, 2006).

6. Eyes on the Street
7. Transparency
8. Scale and Rhythm
9. Texture
10. Vertical façade rhythms
11. Diversity of Functions



نمودار ۱. جمع بست مبانی نظری: شاخصه‌های تأثیرگذار بر تعاملات؛ ماخذ: نگارندگان.

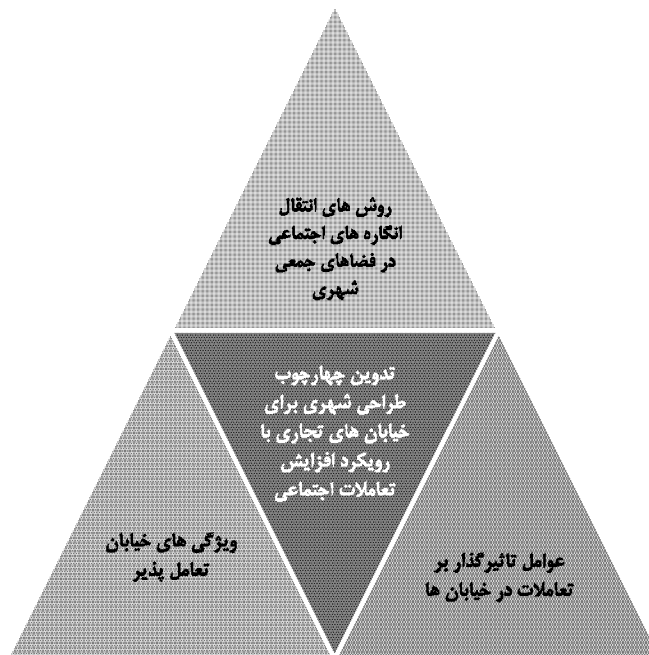
۲-۴. چهارچوب طراحی شهری برای خیابان تعامل پذیر در پژوهش حاضر، به منظور تدوین چهارچوب طراحی شهری برای مولفه‌های خیابان تعامل پذیر و هم چنین تعیین راهبردی برای محدوده مطالعاتی، از مطالعات پیشین در همین حوزه بهره گرفته شده است. در این راستا راهبردهایی که برای محدوده مطالعاتی پیشنهاد داده می‌شوند، بر آیند سه مولفه، کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی و کیفیت زیست محیطی خواهند بود. «مؤلفه عملکردی کیفیت طراحی شهری از یکسو دربرگیرنده تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب پیاده‌ها و سواره‌ها به مراکز جاذب شهری است و از سوی دیگر، برخلاف آموزه‌های مدرنیسم که نقش عملکردی فضاهای شهری را به کانال ساده‌ای برای رفت و آمد تقلیل می‌دهد، دربرگیرنده عملکردهای دیگر همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون، غذاخوردن و گفتگو، روزنامه خواندن، ملاقات با دوستان و... نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهرگردند. مؤلفه تجربی-زیباشناختی کیفیت

طراحی شهری به دریافت‌های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سروکار دارد و در نهایت، مؤلفه زیست محیطی کیفیت طراحی شهری در بعد خرد آن دربرگیرنده مقولاتی همچون تنظیم اقلیم خردفضاهای شهری (آفتاب، جریان هوا، سایه‌گیری) و در بعد کلان دغدغه پایداری زیست محیطی را داشته و با کیفیت تعادل مبتنی بر بوم‌شناسی محیط شهری و چگونگی استفاده از منابع طبیعی اعم از زمین، آب و... در رابطه با طرح‌های شهری سروکار دارد» (گلکار، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

۳. مورد پژوهی

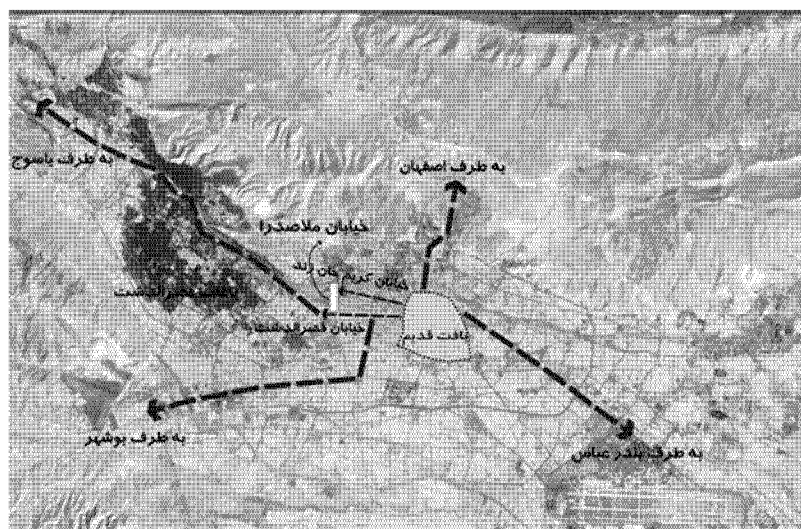
برای رسیدن به نتیجه‌ای قابل پذیرش و بسط و بازایی مفاهیم بررسی شده در زمینه‌ای سازگار با شرایط محلی و بومی مطالعه ای موردی بر روی خیابان ملاصدرای شیراز صورت گرفته است.

۱-۳. موقعیت استراتژیک خیابان ملاصدرای در شهر شیراز در میان مشخصه‌های شهری که شیراز را معرفی می‌کنند،



نمودار ۲. مدل مفهومی تحقیق: تدوین چهارچوب طراحی شهری برای خیابان‌های تجاری با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی؛
 ماخذ: نگارندگان.

یکی دانشگاهی بودن این شهر است و دیگری تمرکز خدمات پزشکی در آن؛ که این دو کاربری مهم‌ترین حوزه‌های ابتدای خیابان ملاصدرا را تشکیل می‌دهند. یعنی دانشگاه شیراز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های دانشگاهی ایران در کنار بیمارستان نمازی که بزرگ‌ترین حوزه درمانی جنوب کشور دانسته می‌شود. در کنار چنین کاربری‌های قطبی، بسیاری کاربری‌های دیگر نیز این خیابان را پر اهمیت می‌کنند. همجواری دو درمانگاه تخصصی با سطح مراجعه منطقه‌ای در جنوب کشور، پایانه اتوبوس رانی، ایستگاه مترو، دانشکده مهندسی و همچنین خوابگاه دانشجویی و کتاب فروشی‌ها و کاربری‌ها تجاری خرد مجاور آن.



شکل ۱. موقعیت خیابان ملاصدرا در شهر شیراز؛ منبع: Google Earth.



شکل ۳. راه‌های موجود در محدوده
خیابان ملاصدرا؛ ماخذ: Google Earth.



شکل ۲. کاربری‌های موجود در محدوده
خیابان ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان.

صورت می‌گیرد. در این قسمت از پژوهش، ابتدا مشکلات این خیابان را در برقراری تعاملات بین شهروندان مورد بررسی قرار می‌دهیم و در مرحله بعد سیاست‌های پیشنهادی برای ارتقاء تعامل پذیری این خیابان، با توجه به پارامترهای تعیین‌کننده خیابان‌های تعامل پذیر، در قالب جدولی ارائه می‌گردد.

۲-۳. بررسی عوامل تاثیر گذار بر تعاملات در خیابان ملاصدرا

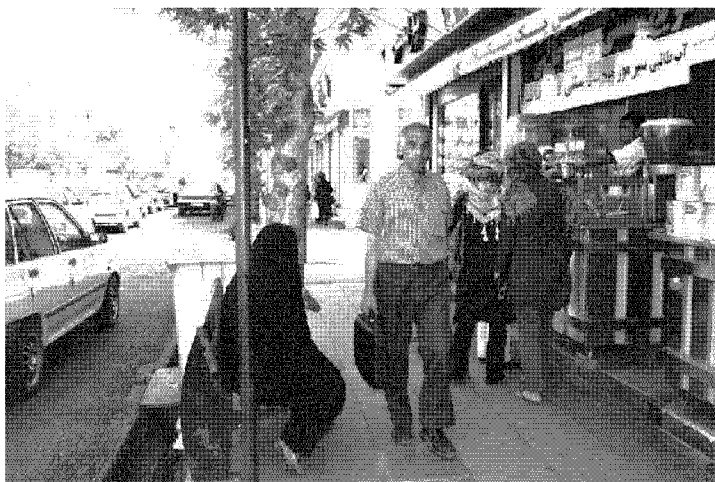
رفت و آمد عبوری: تداخل میان رفت و آمد سواره و عابران پیاده، یکی از بزرگترین مشکلات در خیابان ملاصدرا

مهم‌ترین و تاریخی‌ترین خیابان شیراز یعنی خیابان کریم خان زند که با قدمتی چند قرن، ارگ کریم‌خانی و باغ‌های تاریخی اطرافش را به هم وصل می‌کند در شمال و خیابان با اهمیت قصرالدشت نیز در جنوب این خیابان واقع شده‌اند. هم چنین خیابان‌های اردیبهشت، معدل، هدایت و حکیمی از شرق و خیابان‌های شهید جمالی و خلیلی از غرب راه‌های دسترسی به این خیابان هستند. خیابان ملاصدرا از گران‌ترین بدنه تجاری شیراز محسوب می‌شود و در حال حاضر خیابانی تنگ و همیشه پر ترافیک می‌باشد که برای پیاده و سواره‌گذر از آن به سختی



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۱۶



شکل ۴. عرض کم پیاده رو؛ ماخذ: عکاسی در محل.

می‌باشد. در این خیابان رفت و آمد عبوری و ترافیک سنگینی حاکم است، که بر آن فشار وارد می‌کند و کیفیت زندگی جمعی و فضای عمومی را کاهش می‌دهد. برای توسعه خوب خیابان، و ارتقای کیفیت یکپارچه آن، عریض‌تر کردن پیاده‌رو (شکل ۴) و کاهش تعداد سفرهای وسایل نقلیه خصوصی که از خیابان می‌گذرند، ضرورت دارد. سیستم حمل و نقل سازمان یافته‌ای چون اتوبوس رایگان، تراموا، دوچرخه و ... نیز نیازمند توسعه‌اند تا برای افرادی که به خیابان می‌آیند جایگزینی برای خودروی شخصی باشند.

جداره خیابان: کیفیت ساختمان‌های کنار پیاده‌روها عامل بسیار مهمی برای کیفیت یک ناحیه شهری محسوب می‌شوند (گل، ۱۳۸۹، ص ۳۶). نماهای طبقه همکف خیابان ملاصدرا را اکثراً و پرتیرین‌های تمام شیشه‌ای تشکیل داده‌اند که جزئیات طراحی زیادی در آنها قابل مشاهده نیست. از محاسن لبه خیابان ملاصدرا واحدهای کوچک با درهای زیاد می‌باشد که تاثیر خوبی بر جذب مردم به خیابان دارند؛ زیرا این واحدها تعداد زیادی و پرتیرین و اجزای مورد استفاده دارند که حتی در یک مسیر کوتاه، مورد تماشا قرار می‌گیرند. این واحدهای کم‌عرض، باعث ایجاد ساختار نمای عمودی می‌گردند که تاثیر بصری مهمی در احساس کوتاه شدن فاصله‌ها دارد و هم چنین موجب جذاب‌تر و راحت‌تر شدن قدم زدن در خیابان می‌شود. البته در بعضی از نقاط خیابان، هم چون مکانی‌هایی که دیواره صلب دانشکده مهندسی و کاربری‌های مسکونی قرار دارند و هم چنین جداره‌هایی که در طول زیادی بسته می‌باشند، این ویژگی تنزل پیدا می‌کند.

گذراندن وقت در خیابان: شمارش عابران، گویای تعداد فراوان آن‌ها در خیابان می‌باشد که فقط تعداد اندکی از آن‌ها ماندن و وقت‌گذرانی در خیابان را انتخاب می‌کنند. مستندات فعالیت‌های مستلزم توقف در خیابان ملاصدرا، نشانه نرخ بسیار پایین فعالیت‌ها می‌باشد. فعالیت‌ها بیشتر شامل ایستادن (نگاه کردن به کالاهای موجود در خیابان یا پشت و پرتیرین مغازه‌ها، صحبت کردن با دوستان و آشنایانی که با هم قدم می‌زنند)، نشستن روی تک نیمکت‌های موجود می‌باشد. این بدین معنی است که

کیفیت‌های فضاهای عمومی در این خیابان پایین می‌باشد و امکانات برای توقف به صورت مناسبی توسعه نیافته‌اند.

میدانگاه و فضاهای در انتظار توسعه: مکانی برای رویدادهای جمعی در خیابان ملاصدرا دیده نمی‌شود؛ در حالی که این خیابان، با توجه به جذب اقشار مختلف اجتماعی دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای در بعضی نقاط خود می‌باشد که تاکنون کشف نشده‌اند. از جمله فضاهای عمومی که در این خیابان نیاز به آنها احساس می‌شود؛ می‌توان به بوستان، میدانگاه یا فضاهای فعال تری که به منظور تجمع و فعالیت‌های متنوع استفاده شوند، اشاره کرد. این‌گونه فضاها در زندگی پرتپش این خیابان مکثی ایجاد می‌کنند و حس تعلق را به وجود می‌آورند و هم چنین بستری را برای رویدادها، فعالیت‌های اجتماعی و استراحت فراهم می‌آورند.

جداره در شب و فعالیت‌های شامگاهی: تعداد فعالیت‌های شامگاهی و محل آن‌ها، عامل‌های مهمی برای سرزندگی خیابان و ادراک ایمنی به شمار می‌آیند. اگر تعداد فعالیت‌ها در ساعات شامگاهی کم باشد، بازدیدکنندگان احساس می‌کنند خیابان خالی است و از قدم زدن در آن دوری می‌کنند. در خیابان ملاصدرا فعالیت‌ها وجود ندارد تا زندگی در شب این خیابان را به وجود آورد. به همین دلیل با توجه به کاربری‌های موجود، این خیابان شب‌هنگام خالی از تردد شهروندان می‌باشد و از زمان‌وارگی و امنیت آن می‌کاهد. بنابراین نیاز به کاربری‌هایی چون هتل، رستوران و کافه، سینما و تئاتر یا ... در این خیابان احساس می‌شود که زندگی شب‌در آن تضمین‌کنند. از دیگر سواکثر جداره خیابان ملاصدرا در شب به صورت بسته (کرکره‌های بسته) می‌باشند (شکل ۷). که این امر موجب می‌شود خیابان در تاریکی فرورود و تونل غیرجذابی به وجود آید که هرگونه میل به دیدن مغازه‌ها و قدم زدن در شب و روزهای تعطیل را از بین می‌برد.

پارکینگ: پارکینگ‌های خیابان ملاصدرا، در خیابان‌های فرعی موجود می‌باشند (شکل ۵ و ۸)، که این مکان‌ها علی‌رغم این‌که وضعیت نسبتاً خوبی را برای افراد مراجعه‌کننده به خیابان فراهم می‌سازند، مشکلات تداخل





شکل ۵. پارکینگ موجود در خیابان‌های فرعی؛ منبع: عکاسی در محل.

ایجاد می‌کند تا از کنار آن عبور کرده یا لحظه‌ای مکث کنند (گل، ۱۳۸۹، ص ۳۶). نماهای جداره‌های خیابان ملامصدرا به جز نمای کتابخانه دانشکده مهندسی و بنای موجود در نبش خیابان اردیبهشت و تعدادی مغازه طلا فروشی جذابیت خاصی را برای شهروند ایجاد نمی‌کنند (شکل ۷) و نیاز به یک سری سیاست‌های تشویقی برای ارتقاء نماهای خیابان، از سوی شهرداری برای مالکان احساس می‌شود.

انقطاع در پیاده‌رو: در خیابان ملامصدرا ۵ انقطاع غیر ضروری یافت می‌شود، که پیاده‌رو باید در این مکان‌ها ادامه یابد، ولی به دلیل تلاقی با خطوط رفت و آمد عبوری مثل خیابان‌های فرعی و خط پارک خودروها قطع می‌شوند (شکل ۶). تاسف‌آور است که عابران پیاده برای اجتناب از برخورد با خطوط ویژه سواره، مجبور به پایین و بالا رفتن در سطوح گوناگون باشند، چراکه این امر برای افراد سالخورده، بچه‌ها و افراد ناتوان نوعی مانع محسوب می‌شود. حال با اصلاح هندسی پیاده‌رو در محل‌های انقطاع، می‌توان این امر را برای عابر پیاده بهبود بخشید.

درختان: درختان خیابان ملامصدرا به صورت نامنظم و پراکنده در سطح خیابان موجود هستند (شکل ۸). از آنجا که عرض خیابان نشان دهنده سطح اهمیت آن است، درختان خیابان می‌توانند این تصویر را تقویت کنند و به برقراری سلسله مراتب متمایزی در شناخت خیابان

سواره و پیاده را در خیابان نیز افزایش می‌دهند. خیابان ملامصدرا همچنین با استفاده از پارکینگ طبقاتی درمانگاه مطهری و پارکینگ طبقاتی موجود در خیابان شهید جمالی، زمینه را برای محدود کردن دسترسی وسایل نقلیه شخصی به این خیابان را مهیا می‌سازد.

نشستن در فضای باز: نیمکت‌ها، لبه‌ها، پله‌ها و نشستن روبه روی کافه‌ها و رستوران‌ها از مهم‌ترین مکان‌های خیابان‌ها برای نشستن عابران پیاده می‌باشند. در خیابان ملامصدرا تعداد نیمکت‌ها در لبه شرقی آن (۱۲) عدد و در لبه غربی آن (۱) عدد می‌باشد (شکل ۸)، که این آمار بسیار ضعیفی برای یک خیابان پرتردد شهری می‌باشد. هم‌چنین به دلیل عرض کم معابر هیچ یک از اغذیه‌فروشی‌ها نتوانسته‌اند در فضای باز روبه روی خود، امکان نشستن را به خوبی ایجاد کنند. هم‌چنین لبه‌های این خیابان به صورت بسیار پراکنده امکان نشستن را ایجاد می‌کنند و هیچ تدبیر از پیش تعیین شده‌ای در این راستا صورت نگرفته است. ضروری است که در توسعه آینده، مکان‌های از پیش تعیین شده‌ای برای نشستن و استراحت در نظر گرفته شود.

نماهای جذاب: لبه‌ها غالباً محبوب‌ترین مکان برای معاشرت، نشستن یا ایستادن یا تماشا کردن زندگی جمعی هستند. یک لبه سرزنده می‌تواند از طریق نماهای سرزنده به وجود آید که با ستون‌های کنده‌کاری شده، پله‌ها و طاقچه‌ها، محیط جذابی را برای مردم

تدابیری در جهت دعوت مردم به دوچرخه سواری به اجرا دوچرخه سواران احساس می شود. خطوط اختصاصی در آید. در این راستا نیاز به شبکه ای امن برای دوچرخه در موقعیتی امن، فواصل مشخص در

جدول ۱. مولفه عملکردی: اولین مولفه از مولفه های سه گانه؛ ماخذ: نگارندگان.

مولفه عملکردی		
کیفیت	ابعاد	راهبرد
کیفیت قرارگاه های رفتاری	اشتغال فعال	در نظرگیری کاربری و کالبد مناسب برای انجام انواع فعالیت های هنری - علمی، گردهمایی ها و گفت و گو کردن، امکان قدم زدن بدون توقف با بهره مندی از کالبد زیبا و کفیوش مناسب، در نظر گیری مکان هایی برای خوردن و استراحت کردن، ایجاد فضای خیابانی متناوب و میدانچه هایی برای کوتاه به نظر رسیدن مسیر پیاده.
	اشتغال غیر فعال	امکان مشاهده و نظاره دیگران، ایستادن، نشستن، شنیدن، رعایت حریم و حباب های شخصیتی افراد، ایجاد دیده های بدون مانع و جذاب.
	تعامل پذیری	امکان حضور گروه های مختلف اجتماعی (سالخوردگان، کودکان، زنان و ...)، فرصت برای صحبت کردن و تعامل با آشنایان، دوستان و ...، در نظر گیری انواع فعالیت های فردی و جمعی، افزایش تعداد افراد موجود در فضا، پتانسیل شکل گیری گروه های اجتماعی.
	انعطاف پذیری فعاليتها	امکان انجام فعالیت ها در ساعات مختلف شبانه روز، فصول مختلف سال و حتی در روزهای تعطیل، کشاندن فعالیت بعضی از کاربری ها به بیرون، انواع فعالیت ها برای تمامی سنین.
کاربری ها	کاربری مختلط	در نظر گیری کاربری های مختلف برای تنوع و جلوگیری از شب مردگی، بناهای مسکونی در نزدیکی محور اصلی خیابان در نظر گرفته شوند.
	کاربری جذاب	در نظر گیری کاربری هایی چون: فروش پوشاک، شیرینی فروشی، گل فروشی، سینما، اغذیه فروشی، کتاب و روزنامه فروشی، مراکز هنری، موسسات آموزشی و ...
	مکان سوم	کاربری هایی چون: کافه ها، کافی شاپ ها، رستوران، کتابخانه ها، گالری ها و ...
دسترسی و ارتباط	نفوذ پذیری و راحتی دسترسی به فضا	امکان نفوذپذیری بالا به جداره ها و بلوک های اطراف، راحتی دسترسی به فضای خیابان و طبقات بالایی ساختمان های جداره، اتصال پیاده راه به سامانه حمل و نقل همگانی.
	تسلسل حرکت	حفظ تسلسل حرکت، حمایت از مکث، سکون و سرعت کم، از بین بردن انقطاع در پیاده رو.
	کنترل	کنترل ورود و خروج انواع وسایل نقلیه و ساماندهی آنان و هم چنین کنترل پارکینگ ها.
	سیستم حمل و نقل	تقویت دسترسی عابران پیاده به خیابان، اولویت دادن به پیاده و تقویت شبکه دسترسی پیاده برای قدم زدن، بروز برخورد های اجتماعی و دسترسی به کاربری های مجاور، بهره گیری از سیستم حمل و نقل مختلط، حمل و نقل عمومی و جذاب، در نظر گیری مسیر دوچرخه و امکانات برای آن، در نظر گیری پارکینگ های عمومی.
ایمنی و امنیت	امنیت روانی و فیزیکی	رویت پذیری فضا (چشمان خیابان) توسط کاربری های فعال در شب و کاربری مسکونی، همپوشانی فعالیتها در فضا و زمان، شناسایی وحذف مناطق نا امن، نورپردازی مناسب کنترل مکان: ۱- مکانیکی (دوربین، دروازه و ...)، ۲- طبیعی (تعریف فضا، قلمرو و ...)، ۳- سازمانی (پلیس، نگهبان و ...).
	ایمنی	ایجاد حریم برای پیاده توسط درختان، کنترل سرعت سواره با طراحی مناسب خیابان، کم کردن برخورد سواره و پیاده، طراحی بیرون آمدگی های پیاده رو در تقاطع ها.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۲۰

تقاطع‌ها، رنگ‌آمیزی خطوط دوچرخه، اطلاعات و .. کافی دوچرخه سوار است. رانندگان هنگامی می‌آموزند مواردی هستند که آگاهی بیشتری را فراهم می‌کنند. راز برای دوچرخه‌سواران اهمیت قائل شوند که دو چرخه محبوبیت و ایمن‌سازی دوچرخه‌سواری، داشتن تعداد سواری بخشی از فرهنگ عمومی رفت و آمد باشد.

جدول ۲. مولفه تجربی- زیبایی شناختی: دومین مولفه از مولفه‌های سه گانه؛ ماخذ: نگارندگان.

مولفه تجربی - زیبایی شناختی		
کیفیت	ابعاد	راهبرد
کیفیت محیط کالبدی - فضایی (محیط عینی)	سازمان کالبدی	در نظرگیری فرم و هندسه جذاب هنگام طراحی جداره های خیابان، استفاده از واحدهای کوچک و کم عرض (۱۰ الی ۲۰ درب در هر ۱۰۰ متر)، ارتقای کیفیت نماهای طبقه همکف، بهره گیری از جاذبه‌های بصری برای پیاده، به کارگیری معماری خاص برای بناهای مهم، تعریف ورودی های دعوت کننده، ایجاد فرصت کالبدی برای نشستن و گردهمایی افراد و گروه ها، استفاده از تناسبات ۱ به ۲ و ۱ به ۱/۵ برای عرض خیابان، استفاده از مصالح بومی.
	استخوان بندی فضایی و توده و فضا	تعریف و کنترل ورودی و خروجی های خیابان، ایجاد ریتم و ضرباهنگ در لبه‌ها و جداره‌ها، گشودگی فضایی و ایجاد میدانچه‌ها برای مکث و سکون، در نظرگیری تراکم مطلوب، ایجاد کردن پیوستگی فضایی ضوابط مشخص برای تورفتگی ها و بیرون آمدگی ها.
	رویت پذیری	شفافیت جداره ها برای تبادل بصری افراد و اتفاقاتی که در داخل بنا رخ می دهد، امتزاج فضای بیرون و درون، دسترسی بصری و کالبدی.
	نقشه نولی انعطاف پذیری کالبدی	رعایت حریم و سلسله مراتب فضای های عمومی و خصوصی و ارتباط صحیح آن‌ها. استفاده هر چه بیشتر از نرم فضا ها برای جدا کردن حریم ها، در نظرگیری پیوستگی کف، تامین شرایط مناسب برای نا توانان جسمی و افراد با کالسکه بچه.
کیفیت محیط ادراکی - حسی (محیط ادراکی)	تحلیل ساختار کالبدی خیابان	بالا بردن خوانایی و وضوح نماهای خیابان و مسیر پیاده طراحی با توجه به مقیاس انسانی، در نظر گیری پیوستگی لبه ها و جداره ها، یکپارچگی و وحدت نماهای ساختمان ها، نظم و هماهنگی در طراحی کالبدی خیابان.
	سرزندگی	تداوم حضور شهروندان در خیابان، شور و هیجان ناشی از فعالیت های موجود، تشویق و راغب کردن مغازه داران به مشارکت در امرزیا سازی فضاهای رو به روی مغازه خود.
کیفیت محیط ادراکی ذهنی (محیط شناختی)	معانی انضمامی	در نظر گیری عناصر محیطی با هویت، به گوش رسیدن آوای گذشته (قرائت میراث فرهنگی)، حفاظت تاریخی، تداعی معانی فرهنگی، شخصیت بخشی به طراحی، ایجاد خاطره در اذهان شهروندان.
	منظر ذهنی (فضایی و زمانی)	ایجاد حس جهت یابی، نشانه گذاری کالبدی و فعالیتی توسط بناهای شاخص، تعیین و تشخیص فضاهای خیابان، طراحی کفپوش به گونه ای که عابر را هدایت کند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

جدول ۳. مولفه زیست محیطی: سومین مولفه از مولفه‌های سه گانه؛ ماخذ: نگارندگان.

مولفه زیست محیطی		
کیفیت	ابعاد	راهبرد
کیفیت اقلیم خرد فضاهای شهری	آسایش فیزیولوژیکی وذهنی	آفتاب گیری معبر در ماه های سرد سال، سایه اندازی در ماه های گرم سال، در نظر گیری گردش هوا و استفاده بهینه از باد، رطوبت و ...، استفاده از درختان فراوان، سایبان های متعدد در مسیر، استفاده وسیع و منظم از آب، خاک، هوا و گیاهان برای فضاها.
	کیفیت اصوات، بو و رایحه محیط	در نظر گیری کاربری هایی چون گل فروشی، اغذیه فروشی ها، شیرینی فروشی، رستوران ها و...، در نظر گیری فعالیت هایی که صدای آن ها موجب سرزندگی فضا می شود چون اجرای موسیقی و
	تقلیل آلودگی ها	اولویت دادن به پیاده، دوچرخه و سپس حمل و نقل عمومی، باز یافت مواد.

۴. نتیجه گیری

۴-۱. پیشنهادات راهبردی برای بهبود تعاملات در خیابان

ملاصدرای شیراز

با توجه به مشکلات خیابان ملاصدرا در برقراری تعاملات بین شهروندان و بررسی عوامل تاثیر گذار بر این تعاملات، راهبردهایی برای تعامل پذیر کردن خیابان ملاصدرای شیراز؛ با توجه به چهارچوب طراحی شهری، که در بخش ۴ - ۲ همین مقاله به آن اشاره شد، در قالب جدولهایی با سه مولفه عملکردی (جدول ۱)، تجربی - زیبایی شناختی (جدول ۲) و زیست محیطی (جدول ۳) ارائه شده‌اند.

۴-۲. بیان یافته‌های تحقیق

این پژوهش در سه سطح مطالعاتی به نتایجی دست پیدا کرد. در سطح اول، در پاسخ به تعیین این پرسش که چه عواملی را می‌توان برای ایجاد فضاهای تعاملی در خیابان‌های تجاری، مورد توجه قرار داد و با توجه به مطالب و کلیدواژه‌های برگرفته شده از ادبیات پژوهشی، به معیارهای تاثیر گذار در مورد این پرسش دست یافت. در سطح دوم به دنبال تعیین دلایلی که موجب عدم شکل گیری تعاملات در بستر مورد مطالعه ما شده‌اند، در قالب برداشت‌های میدانی مطرح گردیدند. به این نتیجه رسید که خیابان مورد مطالعه به دلیل کمبود فضا در



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۲۲

پیاده‌رو، کمبود فضاهای جمعی برای مکث و سکون و گردهمایی، کمبود جای نشستن، نبود فعالیت در شب و روزهای تعطیل، ازدحام سواره‌رو، شرایط کالبدی نامناسب و غیره توانایی برقراری تعاملات را بین مراجعه‌کنندگان ندارد. در سطح سوم با توجه به شناخت از بستر مورد مطالعه و عوامل زمینه ساز برای برقراری تعاملات در خیابان‌های تجاری، به چهار چوب طراحی برای خیابان ملاصدرای شیراز با رویکرد افزایش تعاملات رسید.

منابع و ماخذ

۱. بهزادفر، مصطفی، رزاقی اصل، سینا (۱۳۸۸)، «خیابان اصلی: الزامات و توقعات طراحی شهری» نشریه آبادی، سال نوزدهم، شماره ۶۳، تابستان، تهران، صفحات ۶۳-۵۶.
۲. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸)، «راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران»، تهران، انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما، چاپ چهارم.
۳. جیکوبز، آلن بی (۱۳۸۸)، «مفاهیم و اصول برنامه‌ریزی خیابان ویژه» نشریه آبادی، مترجمان بهزاد اسکندر افشار و مژگان محمودی راد، سال نوزدهم، شماره ۶۳، تابستان، تهران، صفحات ۴۳ - ۳۸.

پذیر؛ محل درنگ و ماندن» سازمان زیباسازی شهر تهران، نشریه شهر زندگی، زیبایی، شماره ۲، دوره اول، زمستان، صفحات ۴۵-۳۶.

16) Carr, S., Mark, F., Leanne, R. and Andrew Stone (1992). Public Space, Massachusetts: Cambridge university press.

17) Gehl, j. (2002). Public space and Public life, The Danish Architectural Press.

18) Gehl, J., Johansen, L. and S. Reigstad (2006). "Close encounters with buildings", Urban Design International, no. 11, pp. 29-47.

19) Mehta, V. (2007). 'Lively Streets, Determining Environment Characteristics to Support Social Behaviour', Journal of Planning Education and Research, vol. 27, no. 2, pp. 165-187.

20) Rapoport, A. (1984). "Culture and The Urban Order", In: Agnew John Mercer and David Sopher (Eds.), The City in Cultural Context, Boston: Allen and Unwin.

21) Walzer, M. (1986). "Pleasures and Costs of Urbanity", Dissent vol. 33, no. 4, pp. 470-475.

22) www.pps.org (accessed: 2013/7/21)

23) www.gehlarchitects.com (accessed: 2013/8/6)

۴. جیکوبز، جین (۱۳۸۸)، «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»، مترجمان حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۵. دانشپور، سید عبدالهادی، چرخچیان، مریم (۱۳۸۶)، «فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی» نشریه باغ نظر، شماره ۷، بهار و تابستان، تهران، صفحات ۲۸ - ۱۹.

۶. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۹)، «فضای جمعی و حیات مدنی» نشریه تخصصی منظر، شماره ۷، خرداد، تهران.

۷. کارمونا، متیو و دیگران (۱۳۸۸)، «مکان‌های عمومی - فضاهای شهری»، مترجمان دکتر فریبا قرایی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.

۸. گل، یان (۱۳۸۷)، «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها»، ترجمه شیما شصتی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.

۹. گل، یان (۱۳۸۹)، «فضاهای عمومی و زندگی جمعی»، مترجم علی غفاری و صادق سهیلی پور، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۰. گلکار، کورش (۱۳۷۹)، «مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری» نشریه علمی - پژوهشی صفا، شماره ۳۲، تهران، صفحات ۶۵ - ۳۸.

۱۱. لنارد، هنری و لنارد، سوزان (۱۳۷۷)، «طراحی فضای شهری و زندگی اجتماعی» نشریه معماری و شهرسازی، مترجم رسول مجتبی پور، شماره ۴۵.

۱۲. لنگ، جان (۱۳۸۸)، «آفرینش نظریه معماری»، مترجم دکتر علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

۱۳. لنگ، جان (۱۳۸۶)، «طراحی شهری»، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۱۴. ماجدی، حمید، منصوری، الهام، حاجی احمدی، آذین (۱۳۹۰)، «بازتعریف فضای شهری - مطالعه موردی: محور ولی عصر حدفاصل میدان ولی عصر تا چهارراه ولی عصر» نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۷، بهار و تابستان، تهران، صفحات ۲۶۳ - ۲۸۳.

۱۵. معینی، سید مهدی (۱۳۹۰)، «خیابان‌های معاشر



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳

No.36 Autumn 2014

■ ۲۴ ■

بررسی رابطه رشد و اندازه شهرها در مناطق شهری ایران با استفاده از قاعده جیبرات

هادی رحمانی فضلی* - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
سیاوش گلزاریان پور - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
الدار صداقت پرست - دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

ارتباط بین نرخ رشد یک پدیده قابل سنجش و اندازه اولیه آن سوال با سابقه تاریخی طولانی در مباحث آماری است. سهم بنیادی در مورد این بحث مربوط به رابرت جیبرات (۱۹۳۱) می‌باشد. وی مشاهده کرد که توزیع اندازه بنگاه‌ها می‌تواند به خوبی به صورت یک تابع توزیع نرمال خطی تقریب زده شود و مستقل از رشد بنگاه‌ها است. قاعده جیبرات در رشته اقتصاد شهری به خصوص از دهه ۹۰ میلادی در بسیاری از مطالعات تجربی در مورد توزیع اندازه شهرها استفاده شده است که در اغلب این مطالعات اعتبار آن مورد تأیید قرار گرفته است. در این مطالعه نیز رابطه رشد شهر و اندازه شهر با استفاده از داده‌های جمعیت هماهنگ شده ۳۱۱ شهر کشور در دوره ۸۵-۱۳۵۵ و ۳۰ استان کشور در دوره ۸۵-۱۳۷۵ برآورد شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که قاعده جیبرات برای مناطق شهری ایران صادق نیست و شهرهای کوچک با نرخ رشد بالاتری به سمت همگرایی با شهرهای بزرگ پیش می‌روند. واژگان کلیدی: اقتصاد شهری، اندازه شهر، نرخ رشد شهر، قاعده جیبرات.

Investigate the relationship between growth and size of cities in the urban areas of the rule Gibrat

Abstract

How to verify any relationship between initial value of a variable and its growth rate is a historical question. Robert Gibrat (1931) found a lognormal distribution for firms' size which was independent of their growth. Since 1990s, Gibrat's Law has been considered applicable in urban studies to specify whether or not city size has lognormal distribution (mostly verified). This study, using truncated data of 311 cities during 1355-85 and 30 provinces during 1375-85, estimated the relation between city size and city growth. The results show that Gibrat's Law is not confirmed with urban data so small cities having high growth rates converge towards large cities, with reasonable pace.

Keywords: urban economy, City size, rate of growth, Gibrat's Law

(۱) میان اندازه پایه (اولیه) یک شهر و اندازه موجود آن

رابطه ای وجود ندارد و

(۲) شهرهای با اندازه کوچکتر دارای نرخ رشد بالاتری نسبت به شهرهای با اندازه بزرگتر هستند و به این ترتیب دارای همگرایی بین اندازه شهرها هستیم.

ساختار این مطالعه به این صورت است که پس از بررسی ادبیات موضوع و تبیین نظریه جیبرات در مورد اندازه شهرها، سوابق تجربی این نظریه مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به روش تجزیه و تحلیل و داده‌های مورد استفاده در مطالعه تشریح و به آزمون نظریه در رابطه با شهرها و نیز استان‌های کشور پرداخته می‌شود. در پایان ضمن ارائه جمع‌بندی نتایج کاربردی و پیشنهادات عملی اشاره می‌گردد.

روند شهرنشینی در جهان و ایران

امروزه، افزایش روند شهرنشینی و هجوم جمعیت به شهرها تقریباً در همه نقاط جهان و در همه کشورها اعم از پیشرفته و در حال توسعه به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل شده است. تمرکز جمعیت در شهرها بویژه در دو سده اخیر و پس از انقلاب صنعتی بطور کلی تابع دو عامل عمده بوده است: یکی افزایش کلی جمعیت جهان بدلائل متعدد و از جمله کاهش مرگ و میر در اثر ارتقاء بهداشت عمومی و فراهم آمدن وسایل رفاهی و دیگری پدیده قابل توجه مهاجرت از روستاها به شهرهاست. عمده این مهاجرتها که در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد به علت مشکلات نهفته در روستاها همچون بیکاری، فقر، خدمات نامطلوب، خشکسالی، تبلیغات کاذب شهرها و... می‌باشد.

در بررسی پدیده‌های شهری، تحولات قرن بیستم از اهمیت فراوانی برخوردار است. چراکه در این قرن تمرکز بی‌بدیل جمعیت در مناطق شهری شکل جدی تری به خود گرفت. در ابتدای قرن بیستم، جمعیت ساکن در کلیه شهرهای جهان در حدود ۱۵۰ میلیون نفر یعنی نزدیک به ۱۰ درصد جمعیت جهان را شامل می‌گردید. در حالیکه در انتهای همین قرن جمعیت نقاط شهری با بیست برابر افزایش به حدود سه میلیارد نفر یعنی ۵۰ درصد جمعیت جهان بالغ گردید. همین امر سبب گردید که بخصوص از نیمه دوم قرن بیستم و پس از پایان جنگ

با توسعه کشورها، شهرنشینی در آنها گسترش می‌یابد. پیشرفت فناوری نیز در هر کشور باعث انتقال نیروی کار از تولید کالاهای کشاورزی به تولید کالاهای شهری می‌گردد. انتقال جمعیت روستایی به مناطق شهری باعث تغییر شکل فضایی و اقتصادی کشور می‌گردد. این تغییر شکل مستلزم رشد شهرهای موجود، یا خلق شهرهای جدید، رشد روستاها و تبدیل آنها به مراکز شهری و یا هر دو مورد است. مقیاس بزرگتر فعالیت‌های اقتصادی در شهرها، از طریق عواملی مانند ارتباطات، صرفه‌جویی‌ها و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تخصصی شدن، سبب افزایش بهره‌وری می‌گردد. به دلیل وجود صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در مصرف و تولید، جمعیت در کنار هم جمع می‌گردند و شهرها شکل گرفته یا بزرگتر می‌شوند.

از طرف دیگر هم‌زمان با صرفه‌های ناشی از مقیاس، در اثر تمرکز و گسترش شهرها هزینه‌هایی مانند آلودگی، برخوردهای اجتماعی و افزایش هزینه‌های رفت و آمد نیز پدید می‌آید. با کنار هم گذاشتن صرفه‌جویی‌ها و عدم صرفه‌جویی‌ها، اندازه‌های تعادلی متفاوتی را برای شهرها می‌توان متصور بود. از همین رو، در هر اقتصادی انواع مختلفی از شهرها وجود دارند. اندازه شهرها بر حسب نوع صناعی که در آن تخصص یافته‌اند، متفاوت خواهد بود و لذا شهرهای کوچک و بزرگ به طور هم‌زمان در کشور وجود خواهند داشت و برای هر کشور یک توزیع اندازه شهرها قابل ترسیم است.

با وجود شهرهای با اندازه‌های مختلف، برای هر اقتصاد یک تابع توزیع اندازه شهرها قابل ترسیم است که در طول زمان تغییر می‌یابد. در مطالعات اقتصاد شهری نیز به شیوه‌های متفاوت به بررسی توزیع اندازه شهرهای مختلف پرداخته شده است که یکی از آنها «رابطه جیبرات» می‌باشد. بنا به قاعده جیبرات بین اندازه شهر و رشد شهر نمی‌توان رابطه معنی‌دار و مستقیمی پیدا کرد و لذا ایده همگرایی شهرها زیر سوال می‌رود. هدف این مطالعه بررسی رابطه رشد شهر و اندازه شهر برای شهرهای کشور ایران می‌باشد. به همین جهت در این راستا دو فرضیه را مطرح کرده‌ایم:



جهانی دوم شهرهایی با جمعیت میلیونی بوجود آیند. همزمان با این تحولات در ادبیات شهرسازی جهان، واژه‌ها و اصطلاحاتی همچون کلان شهر، ابرشهر، ناحیه مادرشهری و... پدیدار گردیدند. در عین حال همانطور که تعریف مفهوم شهر در کشورهای مختلف متفاوت می باشد، تقسیم بندی انواع شهرها نیز بر حسب سطح فعالیت‌ها، میزان جمعیت پذیری و حیطه نفوذ شهر در کشورهای گوناگون با یکدیگر یکسان نیست^۱. از همین رو، در برخی کشورها مبنای شناخت کلان شهرها از شهرهای معمولی فقط میزان جمعیت آن‌ها تعیین گردیده حال آنکه براساس نظر بسیاری از محققان در تعریف کلان شهر علاوه بر عامل جمعیت باید وجود زیرساخت‌ها، حیطه عملکردی، تنوع فعالیت‌ها و ارتباطات خارجی شهر با نواحی پیرامونی را نیز مد نظر قرار داد^۲.

کلانشهر که با عنوان مادرشهر یا متروپولیس (metropolis) هم شناخته می شود عنوانی است که در مورد شهرهای بزرگ و پرجمعیت به کار می رود. یک کلان شهر معمولاً از یک شهر مرکزی و تعدادی شهر اقماری تشکیل شده است و معمولاً از اهمیت سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی زیادی برخوردارند. همچنین کلان شهرها، دارای امکانات ورزشی، فرهنگی، آموزشی و گردشگری زیادی هستند و به همین علت، پذیرای مسافران دیگر شهرها و کشورها هستند. تردیدی نیست که کلانشهرها به عنوان موتورهای محرکه بسیار با اهمیتی برای رشد محسوب می گردند و در عین حال تردیدی وجود ندارد که در جریان توسعه سریع شهری آهنگ رشد رفاه از آهنگ رشد اقتصادی کندتر است. مگاسیتی یا شهر میلیونی اصطلاح دیگری است که ترکیبی از دو واژه Mega (میلیون) و city (شهر) و در مجموع شهر میلیونی است. اما در اشکال مدرن خود، این شهرهای میلیونی یا نواحی کلان شهری شهرهایی با

پیش بینی جمعیتی ۱۰ میلیون نفری تعریف شده اند. اصطلاحات دیگری مانند فراشهر (super city)، ابرشهر (giant city)، منظومه شهری (conurbation)، ابر مادر شهر (megalopolis)، شهر جهانی (global city) و دیگر اصطلاحات در کنار و بعضاً مترادف مگاسیتی بکار گرفته شده است که متأسفانه از اجماع بسیار ضعیفی در میان متخصصان شهری در تعاریف برخوردار است. با وجودی که بر مبنای بیانیه سمینار سازمان ملل متحد در خصوص شهرهای میلیونی تعریف کاملاً مشخصی در مورد آن‌ها وجود ندارد، اما می توان بر عوامل موثری چون (۱) تعداد جمعیت، (۲) توان و جایگاه اقتصادی، (۳) اندازه فیزیکی و (۴) تراکم شهر، در تعریف شهرهای میلیونی اشاره نمود.

جمعیت شهرنشین ایران در سده اخیر رشد چشمگیری داشته است. در نخستین سرشماری رسمی ایران که در سال ۱۳۸۵ صورت گرفت، از کل جمعیت ایران (۱۸۹۵۴۷۰۴ نفر) حدود ۳۲ درصد (۶۰۰۲۶۲۱ نفر) در شهرها ساکن بوده اند. در این سرشماری، پس از تهران که با ۱۵۶۰۹۳۴ نفر پرجمعیت ترین شهر ایران بود، شهرهای تبریز، مشهد، اصفهان، آبادان، شیراز، کرمانشاه، اهواز، رشت به ترتیب در رده های بعدی قرار داشتند. این در حالی است که در سرشماری رسمی که در سال ۱۳۸۵ انجام گرفت، جمعیت شهرنشین ایران ۴۸۲۵۹۹۶۴ نفر بوده و ۶۸ درصد از کل جمعیت ایران (۷۰۴۹۵۷۸۲ نفر) را شامل شده است. مهم ترین دلیل این افزایش، مهاجرت مردم از روستاها به شهرها بوده است؛ البته عواملی چون تبدیل روستاهای بزرگ به شهر نیز در آن نقش داشته اند. در آخرین سرشماری سال ۱۳۹۰ انجام گرفت جمعیت کشور بالغ بر ۷۵،۱۴۹،۶۶۹ تن بوده است.

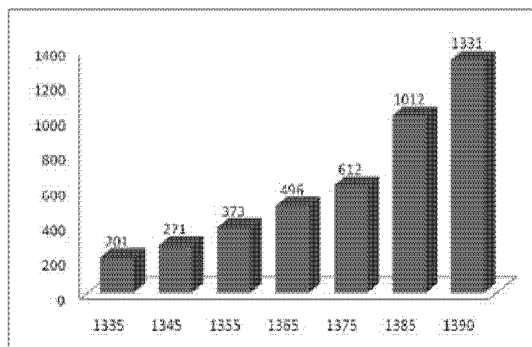
تغییرات جمعیت شهرهای ایران با یکدیگر تفاوت چشمگیری داشته است. به عنوان مثال شهر کرج به جهت نزدیکی به پایتخت، رشد بسیار زیادی داشته و از

۱. بر اساس یک تعریف بین المللی که توسط سازمان ملل متحد ارائه گردیده واژه کلان شهر یا مادرشهر به شهرهایی اطلاق می گردد که جمعیتی بالاتر از ۸ میلیون نفر داشته باشند. در همین راستا، از میان شهرهای کشور ما تنها تهران پس از سال ۲۰۰۰ میلادی که سطح جمعیتی آن به بیش از هشت میلیون نفر بالغ گردیده می تواند در زمره کلان شهرهای جهان محسوب گردد. در حال حاضر در ایران شهرهای با جمعیت بالای یک میلیون نفر کلان شهر تعریف گردیده اند

۲. کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۴) پایگاه اطلاع رسانی معماری و شهرسازی ایران، آئورا (<http://note.aruna.ir>)

یک شهر کوچک با ۱۴۵۲۶ نفر جمعیت در سال ۱۳۳۵ به یک کلان‌شهر با ۱۳۷۷۴۵۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۸۵ تبدیل شده است. در همین حال، شهر آبادان به دلیل مهاجرت اجباری ساکنان آن در زمان جنگ ایران و عراق، موقعیت خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ایران از دست داده است.

بر اساس اعلام توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۳۵ و در اولین سرشماری رسمی ایران تعداد شهرهای کشور ۲۱۰ شهر بوده است. در سال ۱۳۸۵ تعداد شهرها به ۱۰۱۲ شهر و در سال ۱۳۹۰ این تعداد به ۱۳۳۱ شهر بالغ گشته است. تعداد کلان‌شهرهای کشور در حال حاضر به ۹ رسیده است که تنها تهران با بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت با تعاریف مرسوم که ملاک تعریف را جمعیت شهری در نظر می‌گیرند، یک کلان‌شهر می‌باشد.^۲



نمودار ۱. تعداد شهرهای ایران؛ ماخذ: مرکز آمار ایران.

در کشور ایران، تقسیم بندی کشور به صورت استانی است. هر استان، دارای بخش‌های کوچک‌تر دیگری نیز هست که به آن شهر، شهرستان، بخش و روستا می‌گویند. استان‌های ایران به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه

۳. همان

و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازنداران، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد.

ادبیات موضوع

ارتباط بین نرخ رشد یک پدیده قابل سنجش و اندازه اولیه آن سوالی با سابقه تاریخی طولانی در مباحث آماری است. سهم بنیادی در مورد این بحث مربوط به رابرت جیبرات^۴ (۱۹۳۱) می‌باشد. جیبرات مشاهده کرد که توزیع اندازه بنگاه‌ها (در مشاهدات او از طریق مقدار فروش یا تعداد کارگران محاسبه می‌شد) می‌تواند به خوبی به صورت یک توزیع نرمال خطی^۵ تقریب زده شود و مستقل از رشد بنگاه‌ها است.

این قضیه به نام قاعده جیبرات شناخته می‌شود و از آن موقع تاکنون کارهای بسیار زیادی برای بررسی صحت این قاعده در مورد توزیع اندازه بنگاه‌ها صورت پذیرفته است. در اصل قاعده جیبرات تصدیق می‌کند که یک حرکت منظم از هر نوع را نمی‌توان بین نرخ رشد و اندازه اولیه استنباط کرد (جیبرات (۱۹۳۱)).

قاعده جیبرات در رشته اقتصاد شهری به خصوص از دهه ۹۰ میلادی در بسیاری از مطالعات تجربی در مورد توزیع اندازه شهرها استفاده شده است که در بیشتر این مطالعات اعتبار آن مورد تأیید قرار گرفته است. اما مسئله قابل توجه در این مطالعات آن است که اگرچه اغلب محققان استقلال نرخ رشد و اندازه اولیه شهر را پذیرفته‌اند، اما در برخی موارد توزیعی که اندازه شهرها از آن تبعیت می‌نماید، توزیع پارتو^۶ می‌باشد که این با توزیع نرمال خطی بسیار متفاوت است.

اخیراً جان ایخوت^۷ (۲۰۰۴) موفق شد، این نتیجه متضاد را تطبیق دهد. وی به این نتیجه رسید که اگر برای اندازه شهرها محدودیت قائل شویم، آنگاه فقط دنباله بالایی توزیع نرمال را در نظر گرفته‌ایم، اما اگر تمام شهرها را در نظر بگیریم، آنگاه به توزیع درست که همان نرمال خطی است، دست خواهیم یافت.

بر اساس مطالعه گاباکس و ایونیدز^۸ (۲۰۰۴) قاعده

4. Robert Gibrat
5. Lognormal Distribution
6. Pareto Distribution

7. Jan Eackhout
8. Gabaix & Ioannides

جیبرات توضیح می‌دهد که نرخ رشد اندازه یک واحد اقتصادی (بنگاه اقتصادی، شرکت سرمایه‌گذاری و شهر) با نماد S نمایش داده می‌شود و دارای تابع توزیعی با میانگین و واریانس مستقل از خود S می‌باشد. حال اگر S_{it} اندازه شهر i در زمان t باشد و g نرخ رشد شهر باشد، آنگاه با لگاریتم‌گیری از رابطه زیر خواهیم داشت:

$$S_{it} = S_{it-1}$$

می‌توان عبارت عمومی زیر را بدست آوریم:

$$\ln S_{it} - \ln S_{it-1} = \mu + B \ln S_{it-1} + u_{it} \quad (1)$$

در این عبارت $\mu = \ln(1+g)$ و u_{it} متغیر تصادفی است که بیانگر شوکهای تصادفی نرخ رشد می‌باشد که برای تمامی شهرها از هم مستقل می‌باشد و همچنین دارای میانگین صفر و واریانس ثابت می‌باشد. قاعده جیبرات در مطالعات تجربی به صورت آزمون تأثیر اندازه پایه شهرها بر نرخ رشد آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. رابطه تجربی مورد استفاده در آزمون این قاعده اغلب به صورت زیر است:

$$\ln(S_{it+1}) - \ln(S_{it}) = \alpha + \delta t + \beta \ln(S_{it}) + u_{it}$$

که در آن S_{it} سهم جمعیت شهر i در کل جمعیت شهری در زمان t ، ضریب δ_t مربوط به اثرات ثابت زمان و فرضیه صفر مورد آزمون تحت قاعده جیبرات، فرض $\beta=0$ است. با توجه به توزیع مستقل u_{it} ، استفاده از روش تخمین OLS در برآورد رابطه فوق، اشکالی ایجاد نمی‌کند. اکنون برای بررسی قاعده جیبرات باید معادله (1) با توجه به اطلاعات موجود برآورد شود تا از این طریق بتوانیم با توجه به ضریب β برآورد شده در مورد رد یا عدم رد قاعده جیبرات قضاوت نمائیم.

اگر $\beta=0$ باشد این به معنای آن است که اندازه اولیه شهر (S_{it-1}) و نرخ رشد شهر از یکدیگر مستقل هستند و قاعده جیبرات برقرار است.

در این حالت ($\beta=0$) این مسئله قابل اثبات است که ارزش انتظاری اندازه شهر i در زمان t فقط به تعداد زمانهایی که گذشته و اندازه آن در دوره صفر وابسته است.

$$E(\ln S_{it}) = \lambda t + \ln S_{i0} \quad (2)$$

در این حالت واریانس هم برابر است با

$$\text{var}(\ln S_{it}) = t \cdot \sigma^2 \quad (3)$$

اگر برآورد ضریب β از نظر آماری مخالف صفر باشد ($\beta \neq 0$) آنگاه قاعده جیبرات را نمی‌توان پذیرفت و با ۲ حالت مواجه هستیم ($\beta > 0$ یا $\beta < 0$).

در حالتی که $B > 0$ است، واگرایی خواهیم داشت. چرا که رشد شهر دارای رابطه مثبت و مستقیم با اندازه اولیه شهر است. به عبارتی هرچه اندازه اولیه شهر بزرگتر باشد دارای نرخ رشد بزرگتری است و بالعکس. که این خود نمایانگر بیشتر شدن اختلاف اندازه شهرهای کوچک و بزرگ می‌باشد حال اگر $B < 0$ باشد در این حالت همگرایی داریم. به عبارتی چون بین نرخ رشد شهر و اندازه اولیه آن رابطه معکوس داریم. یعنی هرچه اندازه اولیه شهر کوچکتر باشد نرخ رشد بالاتری دارد. بنابراین در بلندمدت شهرهای کوچکتر با نرخهای رشد بالاتر و شهرهای بزرگتر با نرخهای رشد کمتر به یک اندازه متوسط همگرا می‌شوند.

در این حالت معادلات ۲ و ۳ به صورت مقابل در می‌آیند.

$$E \ln(S_{it}) = \mu \cdot \frac{(B+1)^t - 1}{B} + (B+1)^t \ln S_{i0} \quad (4)$$

$$\text{var} \ln(S_{it}) = \sigma^2 \cdot \frac{(B+1)^{2t} - 1}{B^2 + 2B} \quad (5)$$

با توجه به معادلات فوق می‌توان نشان داد، هنگامی که $t < 1$ و رشد واگرا ($B > 0$) است واریانس (رابطه ۵) سریعتر از واریانس (رابطه ۳) رشد می‌کند و هنگامی که رشد همگرا ($B < 0$) است واریانس رابطه ۵ کمتر از واریانس رابطه ۳ است.

پیشینه تجربی

در ادبیات اقتصاد شهری، متخصصان بسیاری تلاش نموده‌اند تا یک قاعده‌مندی را در ارتباط با اندازه شهرها در یک سیستم شهری توضیح دهند. در این راستا، مطالعات متعددی برای کشورهای مختلف و دوره‌های زمانی متفاوت صورت گرفته است. مطالعه در مورد بررسی رابطه جیبرات در اقتصاد شهری از دهه ۹۰ آغاز شد. نکته مهم در مورد مطالعات فوق این است که با وجود آنکه کشورهای مورد مطالعه، روشهای



اقتصادسنجی برآورد پارامترها و همچنین حجم نمونه‌های مورد استفاده مطالعات فوق با یکدیگر متفاوت است، اما اکثریت آنها قاعده جیبرات را رد نکرده‌اند.

در مطالعاتی که توسط ایتون و اکشتین^۹ در سال (۱۹۹۷) و دیویس و وینشتین^{۱۰} (۲۰۰۲) برای شهرهای کشور ژاپن انجام شد اگرچه آنها از نمونه‌هایی با حجم‌های متفاوت و اندازه‌های زمانی مختلف استفاده کردند، قاعده جیبرات را پذیرفتند. در مطالعه دیویس و وینشتین نشان داده شد که اندازه بلندمدت شهرها حتی در مقابل شوکهای آبی بزرگ مقاوم است و در مورد اثر جنگ جهانی دوم به این نتیجه رسیدند که اثر این شوک در کمتر از ۲۰ سال از بین رفته است.

در مطالعه‌ای دیگر توسط استون برکسن و هری گارتسن^{۱۱} (۲۰۰۴) در مطالعه ۱۰۳ شهر کشور آلمان به نتایج یکسانی رسیدند و قاعده جیبرات را تأیید کردند، اما همین محققین در همان سال (۲۰۰۴) با مطالعه ۶۲ شهر در غرب آلمان به نتایجی مختلط دست یافتند به طوری که قاعده جیبرات فقط برای ۲۵٪ نمونه برقرار بود.

ضمناً در دو مطالعه استفن کلارک و جک استابلر (۱۹۹۱) و مارسلورسیند (۲۰۰۴) فرضیه رشد شهری متناسب (قاعده جیبرات) برای کشور کانادا و برزیل پذیرفته شد. مطالعه اول تنها ۷ شهر کانادا را در نظر گرفته است، اما از روش داده‌های تابلویی و آزمون ریشه واحد در تحلیل رشد شهر استفاده شده است و مطالعه دوم ۴۹۷ شهر برزیل را در نظر گرفته است.

در مورد شهرهای آمریکا کارهای متفاوتی انجام شده است که قاعده جیبرات چه در سطح شهرها و چه در سطح MSA^{۱۲}ها در برخی پذیرفته شده و در برخی رد شده است که از آنجمله میتوان به مطالعه بلک و هندرسن^{۱۳} (۲۰۰۳) که این مدل را برای شهرهای ایالات متحده در دوره ۱۹۹۰-۱۹۰۰ برآورد نمودند و فرضیه صفر $\gamma=0$ رد شد و مطالعه آلن و گلگر (۲۰۰۷) که برای مناطق شهری جنوب شرقی ایالات متحده انجام شده است اشاره کرد. تنها یک

مطالعه در آمریکا توسط ایخوت (۲۰۰۴) انجام شده که تمام شهرها را بدون محدودیت جمعیتی در نظر گرفته و قاعده جیبرات را پذیرفته است.

در مورد کشور فرانسه هم مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۵ توسط فرانس پیس انجام شد نشان داد که برای شهرهایی با بیش از ۲۰۰۰ سکنه برای دوره ۱۹۹۰-۱۸۳۶ یک رابطه قوی بین اندازه اولیه شهر و نرخ رشد شهر وجود دارد. اما در مطالعه‌ای دیگر که توسط ایتون (۱۹۹۷) برای ۳۹ شهر بزرگ فرانسه انجام شد نتایجی عکس بدست آمد.

در مطالعات دیگری که در مالزی و یونان در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ انجام شد قاعده جیبرات رد شد. در مورد کشور چین هم اندرسون و بینگ^{۱۴} (۲۰۰۸) نتایجی مختلط را برای ۱۴۹ شهر با جمعیت بیشتر از صد هزار نفر به دست آوردند. مطالعه دیگری نیز توسط رسیند^{۱۵} (۲۰۰۵) برای کشور برزیل طی سالهای ۲۰۰۴-۱۹۸۰ انجام شده که پس از بررسی ریشه واحد از داده‌های تابلویی بهره گرفته ولی نتیجه کاروی قاعده جیبرات را رد کرده است.

بر اساس مطالعات انجام شده فوق به جز یک مطالعه که تمامی شهرهای آمریکا را بدون هیچ محدودیتی در نظر گرفته است بقیه مطالعات انجام شده محدودیت‌های جمعیتی در مورد اندازه شهرها قائل شده و نتایج متفاوتی را بدست آورده‌اند. مطالعات فوق در جدول شماره ۱ به صورت خلاصه ارائه شده‌اند.

داده‌های آماری

در این مطالعه، برای بررسی تحول فضایی سیستم شهری ایران، از روش کتابخانه‌ای و ابزار تحلیل تجربی بهره گرفته می‌شود. به طور کلی اطلاعات آماری مورد استفاده در مباحث اقتصادسنجی به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از:

الف- اطلاعات سری زمانی که مربوط به اندازه‌گیری و ثبت مقادیر یک متغیر در دوره‌ای از زمان است نظیر آمار حسابهای ملی؛

9. Eaton and Eckstein
10. Davis & Weinstein
11. Eston Bergsen & H.garetsen
12. Metropolitan Statistical Area

13. Black & Henderson
14. Anderson & ying
15. Resende

جدول ۱. خلاصه مطالعات تجربی قاعده جیبرات در کشورهای مختلف

نویسندگان	سال	کشور مورد بررسی	سال	تعداد مشاهدات	نتیجه تحقیق
Eaton and Eckstein	(۱۹۹۷)	France and Japan	۳۹ (F),	۳۹ (F), ۴۰ (J)	پذیرفته شد
Davis and Weinstein	(۲۰۰۲)	Japan	۱۹۲۵- ۱۹۶۵	۳۰۳	پذیرفته شد
Brakman et al.	(۲۰۰۴)	Germany	۱۹۴۶- ۱۹۶۳	۱۰۳	پذیرفته شد
Clark and Stabler	(۱۹۹۱)	Canada	۱۹۷۵- ۱۹۸۴	۷	پذیرفته شد
Resende	(۲۰۰۵)	Brazil	۱۹۸۰- ۲۰۰۰	۴۹۷	پذیرفته شد
Eeckhout	(۲۰۰۴)	US	۱۹۹۰- ۲۰۰۰	۱۹۳۶۱	پذیرفته شد
Ioannides and Overman	(۲۰۰۳)	US	۱۹۰۰- ۱۹۹۰	۳۳۴ to ۱۱۲	پذیرفته شد
Black and Henderson	(۲۰۰۴)	US	۱۹۰۰- ۱۹۹۰	۱۹۴ (۱۹۰۰) to ۲۸۲ (۱۹۹۰)	پذیرفته نشد
Guérin-Pace	(۲۰۰۳)	US	۱۹۰۰- ۱۹۹۰	۱۱۲ (۱۹۰۰) to ۳۳۴ (۱۹۹۰)	پذیرفته نشد
Soo	(۱۹۹۵)	France	۱۸۳۶- ۱۹۹۰	۶۷۵ (۱۸۳۶) to ۱۷۸۲ (۱۹۹۰)	پذیرفته نشد
Petrakos et al.	(۲۰۰۷)	Malaysia	۱۹۵۷- ۲۰۰۰	۴۴ (۱۹۵۷) to ۱۷۱ (۲۰۰۰)	پذیرفته نشد
Henderson and Wang	(۲۰۰۰)	Greece	۱۹۸۱- ۱۹۹۱	۱۵۰	پذیرفته نشد
Bosker et al	(۲۰۰۷)	World	۹۶۰-۲۰۰۰	۱۲۲۰ (۱۹۶۰) to ۱۶۴۴ (۲۰۰۰)	مختلط
Anderson	(۲۰۰۸)	Germany	۱۹۲۵- ۱۹۹۹	۶۲	مختلط



ب- اطلاعات مقطعی که مربوط به اندازه‌گیری یک متغیر در زمانی مشخص برای واحدهای مختلف، همانند آمار بودجه خانوار؛ و

ج- اطلاعات تلفیقی یا تابلویی که ترکیبی از اطلاعات سری زمانی و مقطعی می‌باشد.

در این پژوهش در راستای برآورد مدل به منظور آزمون قاعده جیبرات در ایران از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است. مطابق آمار منتشر شده مرکز آمار ایران، تعداد نقاط شهری کشور از ۲۰۰ نقطه شهری در سال ۱۳۳۵ به ۸۸۹ نقطه شهری در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته که حدود ۴/۵ برابر شده است. به منظور آزمون قاعده جیبرات در مناطق شهری از داده‌های جمعیت هماهنگ شده ۳۱۱ شهر کشور در دوره ۸۵-۱۳۵۵ استفاده می‌گردد. به منظور آزمون قاعده فوق در مورد استانها از داده‌های

جمعیت برآوردی ۳۰ استان کشور توسط مرکز آمار ایران برای سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۹ استفاده می‌نمائیم.

برآورد مدل و نتایج

۱) بررسی قاعده جیبرات برای شهرها

برای برآورد معادله مربوط به قاعده جیبرات و آزمون قاعده فوق در مورد جمعیت شهرهای ایران از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌نمائیم. در برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی کلیه داده‌های ۳۱۱ شهر مورد نظر برای سالهای سرشماری ۱۳۵۵-۱۳۸۵ را همزمان در نظر گرفته یک معادله برای آن برآورد می‌کنیم. به منظور جداسازی اثرات مقاطع (شهرها) از یکدیگر با توجه به آماره آزمون هاسمن که فرض صفر مبنی بر مناسب بودن روش اثرات تصادفی رد شده است، روش اثرات ثابت را به کار می‌بریم. نتیجه برآورد در زیر آمده است:

با توجه به نتایج بدست آمده از برآورد معادله، مشاهده می‌شود که ضریب β که بیانگر رابطه بین جمعیت اولیه شهر با رشد جمعیت آن منطقه شهری می‌باشد، از نظر آماری معنادار است. این بدان معناست که بین اندازه منطقه شهری و رشد آن رابطه وجود دارد. بدین ترتیب قاعده جیبرات در مورد شهرهای ایران رد می‌شود.

از طرف دیگر چون ضریب β عددی مثبت می‌باشد با توجه به مباحث مطرح در بخش ادبیات موضوع این

بدان معنی است که اندازه اولیه منطقه شهری و رشد آن دارای رابطه‌ای مستقیم هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شهرهای با اندازه کوچکتر دارای نرخ رشد کمتری می‌باشند و شهرهای با اندازه بزرگتر دارای نرخ رشد بیشتری می‌باشند و به این جهت شهرها در بلندمدت دارای واگرایی هستند. به این معنا که در بلند مدت شهرهای کوچکتر از نظر اندازه فاصله بیشتری با شهرهای بزرگتر خواهند داشت.

۲) بررسی قاعده جیبرات برای استانها

برای برآورد معادله مربوط به قاعده جیبرات و آزمون قاعده فوق در مورد جمعیت استانهای کشور از آمار جمعیتی ۳۰ استان کشور برای سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۹ (۱۵ سال) که توسط مرکز آمار استخراج شده است استفاده می‌نمائیم. روش برآورد معادله، روش داده‌های تابلویی است که به منظور جداسازی اثرات مقاطع (استانی) از یکدیگر روش اثرات ثابت را به کار می‌بریم. خروجی نرم افزار در برآورد مدل به صورت زیر می‌باشد:

با توجه به نتایج بدست آمده از برآورد معادله، مشاهده می‌شود که ضریب β که بیانگر رابطه بین جمعیت اولیه استان با رشد جمعیت آن استان می‌باشد، از نظر آماری معنادار است. این بدان معناست که بین اندازه استان و رشد آن رابطه وجود دارد. بدین ترتیب قاعده جیبرات در مورد استان ایران نیز رد می‌شود.



Dependent Variable: R?				
Total panel (balanced) observations: ۱۲۴۴				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LNP	۰,۶۷۱	۰,۰۰۵۳	۱۲۵,۰۳	۰,۰۰۰
R-squared		۰,۹۶	Adjusted R-squared	۰,۹۴

Dependent Variable: R?				
Total panel (balanced) observations: ۴۲۰				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LNP	۰,۱۳۷	۰,۰۰۰۶۰	۲۲,۵۸۴	۰,۰۰۰
R-squared		۰,۹۵۷	Adjusted R-squared	۰,۹۵۴

از طرف دیگر چون ضریب β عددی مستقیم می باشد با توجه به مباحث مطرح در بخش ادبیات موضوع این بدان معنی است که اندازه اولیه استان و رشد آن دارای رابطه ای مستقیم هستند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که استان با اندازه کوچکتر دارای نرخ رشد کمتری می باشند و استان ها در بلندمدت دارای واگرایی هستند.

نتیجه گیری و جمع بندی

نیمی از جمعیت ایران یعنی حدود ۳۵ میلیون نفر فقط در ۲۵ شهر متمرکز شده است و ۴۵ درصد از این ۳۵ میلیون نفر یعنی ۱۶ میلیون نفر در ۷ کلانشهر اسکان دارند که این حاکی از فرآیند تجمع و تمرکز نامتوازن جمعیتی در نظام اسکان جمعیت است. جمعیت شناسان از این پدیده تحت عنوان نظام نخست - شهری یاد می کنند. منظور از نظام نخست - شهری آن است که یک یا چند شهر خاص از لحاظ اندازه، رشد و درجه تاثیرگذاری بر بقیه شهرها تسلط داشته و این شهرها در واقع به عنوان پمپ های مکنده و انباشت کننده سرمایه انسانی و سرمایه مادی و فیزیکی در نقاط خاص به شمار می آیند، این فرآیند موجب افزایش هرچه بیشتر نابرابری های منطقه ای می شود.

مقایسه نظام سکونتی کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه نشان می دهد که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته تعداد اندکی کلان شهر و حجم قابل توجهی شهر با اندازه متوسط و همچنین تعداد بسیار زیادی شهرهای کوچک وجود دارد. در این نوع نظام شهری، مدیریت شهری آسان تر و کم هزینه تر می باشد. در نظام نخست - شهری که از ویژگی های نظام شهری کشور ماست، کنترل و مدیریت امور شهری در کلان شهرها، با چالش های جدی مواجه است.

با توجه به نتایج بدست آمده، نظام نخست - شهری در ایران هم همانند سایر کشورهای در حال توسعه مشاهده می شود. به این معنا که بین جمعیت اولیه مناطق شهری با رشد جمعیت شهری در ایران رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به این معنا که مناطق شهری با اندازه کوچکتر دارای نرخ رشد کمتری می باشند و مناطق شهری با اندازه بزرگتر دارای نرخ رشد بیشتری می باشند. لذا مناطق

شهری ایران در بلندمدت دارای واگرایی هستند. بنابراین با توجه به نتایج فوق به نظر می رسد حل مسئله بی تعادلی در نظام توزیع جمعیتی در سطح ملی و منطقه ای که در واقع منشاء بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، به یک برنامه جامع نظام اسکان جمعیت و آمایش سرزمینی در سطح ملی و منطقه ای نیاز دارد. عنصر و عامل کلیدی در اجرای برنامه جامع اسکان جمعیت و آمایش سرزمین، ایجاد تعادل و توازن بین قابلیت ها و پتانسیل های طبیعی و اقتصادی منطقه ای و ظرفیت های جمعیتی است.

منابع و مآخذ

۱. کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۴) پایگاه اطلاع رسانی معماری و شهرسازی ایران، آئورا
2. (<http://note.aruna.ir>)
3. Ahjond S. Garmestani, Craig R. Allen, Colin M. Gallagher and John D. Mittelstaedt, 2007, Departures from Gibrat's Law, Discontinuities and City Size Distributions, Urban Studies, Vol. 44, No. 10
4. Bosker, Maarten, Steven Brakman, Harry Garretsen, and Marc Schramm. 2006. "A - Century of Shocks: the Evolution of the German City Size Distribution 1925 - 1999." CESifo working paper 1728.
5. -Clark, J. Stephen, and Jack C. Stabler. 1991. "Gibrat's Law and the Growth of Canadian Cities." Urban Studies, 28(4): 635-639.
6. Córdoba, Juan C. Forthcoming. "A generalized Gibrat's Law for Cities." International Economic Review.
7. Duranton, Gilles. 2007. "Urban Evolutions: The Fast, the Slow, and the Still." American Economic Review, 97(1): 197-221.
8. Eaton, Jonathan, and Zvi Eckstein. 1997. "Cities and Growth: Theory and Evidence from France and Japan." Regional Science and Urban Economics, 27(4-5): 443-474.
9. -Eeckhout, Jan. 2004. "Gibrat's Law for (All) Cities." American Economic Review, 94(5): 1429-1451.
10. Eeckhout, Jan. Forthcoming. "Gibrat's Law for (all) Cities: Reply." American Economic Review.
11. Gabaix, Xavier, and Yannis M. Ioannides.



2004. "The Evolution of City Size Distributions." In Handbook of Urban and Regional Economics, vol. 4, ed. John V. Henderson and Jean. F. Thisse, 2341-2378. Amsterdam: Elsevier Science, North-Holland.
12. GIBRAT, R. 1957 On economic inequalities, International Economic Papers, 7, pp. 53-70
13. Kalecki, Michael. 1945. "On the Gibrat Distribution." *Econometrica*, 13(2): 161-70.
14. Levy, Moshe. Forthcoming. "Gibrat's Law for (all) Cities: A Comment." *American Economic Review*.
15. -MANSFIELD, E. (1962) Entry, Gibrat's law, innovation, and the growth of firms, *American Economic Review*, 52, pp. 1023-1051
16. Marcelo Resende, 2004, Gibrat's Law and the Growth of Cities in Brazil: A Panel Data Investigation, *Urban Studies*, Vol. 41, No. 8, 1537-1549.
17. R. Piergiovanni, E. Santarelli, L. Klomp, and A.R. Thurik. Gibrat's Law and the Firm Size/Firm Growth Relationship in Italian Services.
18. Resende, Marcelo. 2004. "Gibrat's Law and the Growth of Cities in Brazil: A Panel Data Investigation." *Urban Studies*, 41(8): 1537-1549.
19. Santarelli, Enrico, Luuk Klomp, and Roy Thurik. 2006. "Gibrat's Law: An Overview of the Empirical Literature." In *Entrepreneurship, Growth, and Innovation: the Dynamics of Firms and Industries*, ed. Enrico Santarelli, 41-73.
20. -Singh A. and G. Whittington, 1975, The Size and Growth of Firms, *Review of Economic Studies*, 42(1), 15-26
21. Soo, Kwok T, 2007. "Zipf's Law and Urban Growth in Malaysia." *Urban Studies*, 44(1): 1-14.
22. Sutton, John. 1997. "Gibrat's Legacy." *Journal of Economic Literature*. 35(1): 40-59.
23. Wagner, J. 1992, Firm Size, Firm Growth, and Persistence of Chance: Testing Gibrat's Law with Establishment Data from Lower Saxony, 1978-1989, *Small Business Economics*, 4(2), 125-131.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

ارزیابی عملکرد سرای محلات در راستای توسعه مدیریت محلی؛ نمونه موردی:

سرای محله‌های اوین، تجریش و نیاوران

زهرة فنی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

جمیله توکلی نیا - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری شهید بهشتی، تهران، ایران.

حمید قربانی - مدیر مطالعات و برنامه‌ریزی امور مناطق مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، تهران، ایران.

اکبر سلطان‌زاده* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

امروزه سیاست‌های پایداری شهری بیش از پیش اهمیت واحدهای همسایگی و اجتماعات محلی را در چارچوب مفهوم توسعه پایدار روشن ساخته است. از اینرو توجه مدیریت شهری در برنامه‌ریزی به سوی سطح خرد‌گرایش یافته است. در کشور ما توجه به سطح خرد در شهرها از سابقه طولانی برخوردار نیست اما در سالهای اخیر مدیریت شهری تهران با تشکیل شورایی‌ها و بعد از آن ایجاد سرای محلات به عنوان محلی برای فعالیت مدیریت محله گامی جهت محقق شدن آن صورت گرفته است. در این مقاله حکمروایی خوب شهری، برنامه‌ریزی محله‌محور، اهمیت و ضرورت توسعه مدیریت محله در راستای مشارکت شهروندان و توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های محلات مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه به منظور ارزیابی اثربخشی عملکرد سرای محلات در راستای مدیریت محلی سرای محله‌های اوین، تجریش و نیاوران در منطقه یک شهرداری تهران به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته و سه محور اطلاع رسانی و آگاهی، مشارکت شهروندان در اداره امور محله و استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلات از طریق پرسشنامه و مصاحبه استخراج گردیده است. نتایج نشان می‌دهد، هر سه سرای محله در این محورها دارای تفاوت عملکردی هستند. در محور اطلاع رسانی - آگاهی بخشی و مشارکت ساکنین، سرای محله اوین نسبت به سرای محله تجریش و نیاوران عملکرد بهتری داشته است. در زمینه محور سوم توانمندسازی، استفاده از پتانسیلها و ظرفیت‌های محلات هم با وجود تفاوت در ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی محله‌های مذکور مدیریت شهری در تعریف محورهای فعالیت مدیریت محله (خانه‌های چهارده گانه) به این ظرفیت‌ها و توانایی‌های ویژه محلات توجهی نشده است و هنوز مدیریت محله از اصول برنامه‌ریزی محله محور و حکمروایی خوب شهری فاصله زیادی دارد.

واژگان کلیدی: سرای محله، توسعه پایدار، مدیریت محلی، اوین، تجریش، نیاوران

Assessment of Neighborhood House's Functions in Develop Local Management

Case study: Neighborhood House of Evin, Tajrish and Niavaran

Abstract

Nowadays urban sustainability policies has clarified the importance of neighborhood unites and local congregations in sustainable development concept framework more than ever. Hence the attention of urban management in planning has been attracted mostly to micro levels. In our country, also, paying attention to micro level at cities hasn't long history, though during recent years Tehran Urban Management established council association and then Neighborhoods' Serais to reach this goal. In this study well urban management, neighborhood-based planning, paying attention to neighborhood capabilities and capacities have been noticed and examined. Then in order to evaluate the efficiency of Neighborhoods' Serais performance in serai's local management, Serais of Evin, Tajrish and Niavaran at district I of Tehran Municipality were studied as sample and three basis of informing, awareness and public corporation in neighborhood affairs management and using neighborhoods capacities and capabilities were elicited using questioner and interview. Results obtained from this investigation indicated that all three Serais have different performances regarding these bases. Regarding informing and awareness basis, Evin Neighborhood Serai had better performance compared to Tajrish and Niavaran Neighborhoods Serais. Regarding enabling basis, using neighborhoods capabilities and capacities, urban management has not taken these capabilities and capacities into consideration, when defining neighborhood management activities basis, in spite of differences in population, social and economical features of above mentioned neighborhoods. Still neighborhood management has a far distance from principles of neighborhood-based planning and well ruling.

Key words: neighborhood Serai, sustainable development, local management, Evin, Tajrish, Niavaran

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۱۷۶۴۵۷۳، رایانامه: Soltanzadehakbar@yahoo.com

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان ارزیابی اثربخشی سرای محله به منظور ارائه الگوی متناسب با ویژگیهای مناطق و محلات، مطالعه موردی: سرای محله‌های اوین، تجریش و نیاوران - شهرداری منطقه یک تهران گرفته شده است.

موضوعاتی چون محله‌محوری، شهروندمداری، قانون مداری، مشارکت شهروندی بیش از هر زمان دیگری در پی تجدید ساختار محله‌ای شهر تهران و استوار نمودن برنامه‌های خود بر اساس محلات شهری است.

از اینرو با عنایت به وظایف و نقش شهرداری تهران در گسترش مشارکت و حضور شهروندان در عرصه‌های مختلف و سیاست محله‌محوری و در راستای تحقق مفاد بندهای ۲ و ۵ و ۷ مندرج در ماده ۷۱ قانون وظایف و تشکیلات شورای اسلامی کشور مصوب مجلس شورای اسلامی و به استناد مصوبات ۱۸۸۵-۷۱۹-۱۶۰ مورخ ۱۰/۲/۸۵ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۱۱۷۸۵-۱۳۱۷-۱۶۰ مورخ ۱۳/۸/۸۸ جلسه ۲۲۹ شورای اسلامی شهر تهران، برای مهیا کردن شرایط و زمینه‌های قانونی، اجرایی و تشکیلاتی لازم در جهت شکل‌گیری مشارکت آگاهانه، معنادار، قاعده‌مند و پایدار و استفاده بهینه مدیریت شهری از سرمایه اجتماعی «دستورالعمل ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی در محلات شهر تهران» در راستای دستیابی به رویکرد محله‌محوری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در غالب هیأت امناء محله در سطح محلات تصویب گردید (ذاکر، ۱۳۹۰، ص ۲). بر همین اساس شهرداری تهران اقدام به تاسیس سرای محلات به عنوان رکن اجرایی محله در سطح محلات کرده است. بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده که اثربخشی عملکرد سرای محلات را در زمینه اطلاع‌رسانی و آگاهی، مشارکت ساکنین در اداره امور محله و استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلات با انتخاب سه سرای محله اوین، تجریش و نیاوران مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. در همین راستا این سوال مطرح شده است که چه عواملی در افزایش اثربخشی و کارایی سرای محله‌ها موثرند؟ قبل از رسیدن به نتیجه واقعی و قطعی، فرضیه‌ای در خصوص موضوع مورد سؤال پژوهش مطرح می‌گردد: ظرفیت‌ها و توانایی‌های (جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی) ویژه هر محله موجب افزایش کارایی و اثربخشی سرای محله می‌شود.

مطالعات و بررسی‌ها در مورد مدیریت شهری به صورت متمرکز و از بالا به پایین نشان می‌دهد که این شیوه از مدیریت اعتبار خود را در میان جوامع از دست داده و با تنگناهای نظری و عملی فراوان روبرو است. ناکارآمدی این نوع مدیریت به علل مختلف از جمله عدم مشارکت مردم و ذی‌نفعان مدیریت شهری در برنامه‌های شهری، ارائه برنامه‌های یکسان برای مناطق، نواحی و محله‌های متفاوت شهری و مانند این‌ها نمود بیشتری داشته است (صراف، ۱۳۸۸، ص ۳۲-۳۳) و از طرفی رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدید از رشد شهری موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه شود (حاجی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۳۸). از اینرو امروزه محله‌های شهری به عنوان کوچک‌ترین واحد سازمان فضایی شهر در پایداری شهری نقشی اساسی ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که شکل‌گیری هویت محله‌ای، اقتصاد محلی، ایمنی، توسعه فضایی و کالبدی و تحکیم روابط اجتماعی، با پایداری محله‌های شهری ارتباط می‌یابد (توکلی‌نیا و استادی سبسی، ۱۳۸۸، ص ۲۹). در این میان توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است (Friedman, 1993)؛ چنان‌که پژوهش‌ها و مطالعات زیادی در یکی دو دهه اخیر صورت گرفته است که همه به نوعی سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد، یعنی محله در شهر هدف قرار داده است (Madaniour, 2003: 1996). این الگو در خردترین سطح توسعه پایدار شهری با عنوان محله و محله‌گرایی پی‌گیری می‌شود. برنامه‌ریزی توسعه اجتماع محله‌ای مبتنی بر توانمندسازی اجتماع محله‌ای بر پایه منابع، ظرفیت‌ها، دارایی‌ها، و نیازهای اجتماع^۱ محله‌ای با هدف کارآمدی بیشتر مدیریت برنامه‌ریزی شهری پاسخگو، پذیرش تکثرگرایی در توسعه شهری و مشارکت مردمی در فرایند برنامه‌ریزی می‌باشد. بر همین اساس، مجموعه مدیریت شهری تهران با طرح



امروزه رهیافت نوین اداره‌ی شهرها بر تمرکززدایی در سطح ملی و تمرکز در سطح محلی، نظام باز و کثرت‌طلبی در جامعه‌ی مدنی، اقدامات ابتکاری و تسهیل‌کننده‌ی وضع مطلوب، عمل اجتماعی و مشارکت فراگیر استوار است (لاله پور، ۱۳۸۶، ص ۶۰). به منظور برون رفت از تنگناهای پیش‌آمده و گذر از نظام متمرکز به نظام غیر متمرکز، امروزه ایجاد تحول در نظام مدیریت توسعه‌ی شهری به مفهوم مشارکت توأمان مردم، نهادهای محلی، سازمانهای دولتی و غیردولتی (بازیگران اصلی توسعه‌ی شهرها) یک ضرورت است. در همین راستا در سالهای اخیر مدیران و برنامه‌ریزان شهری توجه خود را به سمت راهبرد نوین توسعه پایدار و مدیریت پایدار شهری با رویکرد حکمروایی خوب شهری متمرکز کرده‌اند. حکمروایی مطلوب شهری فصل مشترک تمام‌کنشگران اجتماعی است و ریشه در چشم انداز مدیریت عمومی نو دارد (Sadashiva, 2008: 6) که از اواخر دهه ۱۹۸۰ با ابتکار عمل بانک جهانی و مرکز اسکان بشر سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی در ادبیات توسعه وارد شده است و در واقع رهیافتی ساختار شکنانه به برنامه‌ریزی توسعه شهری مدرن دارد که بیشتر مبتنی بر مالکیت خصوصی و عقلانیت ابزاری است (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۶). حکمروایی شهری مجموعه‌ای از راههایی است که افراد و نهادها اعم از خصوصی و دولتی به مدیریت و اداره شهر می‌پردازند. چنین فرایندی عملی پیوسته است که بوسیله آن منافع افراد مختلف به کمک فعالیت‌های مشارکت‌گونه تأمین خواهد گردید و شامل نهادهای رسمی و غیر رسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (رستگاری و محملی، ۱۳۸۹). در واقع حکمروایی نوعی فرایند است و این فرایند، متضمن نظام بهم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را دربر می‌گیرد. پاسخ‌گویی، تناسب و آینده‌نگری در حکمروایی، توانایی برخورد مؤثر با مسائل جاری و پیش‌بینی رویدادها نه تنها به شبکه‌های سازمانی رسمی بستگی دارد، بلکه مستلزم شبکه‌هایی غیررسمی نیز هست شبکه‌هایی که مردم را قادر می‌سازند زمانی که

شبکه‌های رسمی در کار فرو می‌مانند آن را به انجام رسانند (mcloughlin, 1973: 249- 250). حکمروایی خوب شهری شامل نه ویژگی عمده است. این اصول و ویژگی‌ها عبارتند از مشارکت، قانونمداری، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اراده جمعی، تساوی و دربرگیرندگی، کارآمدی، پاسخگویی و بینش راهبردی (5-3: 1997: UNDP).

برنامه‌ریزی محله محور

یکی از خصوصیات نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جدید، نفی برنامه‌ریزی متمرکز و خطی و تقسیم وظایف برنامه‌ریزی میان سطوح مختلف تصمیم‌گیری و مدیریت و تأکید بر تقویت نهادهای برنامه‌ریزی و مدیریت محلی است. از اینرو نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نوین به طور عمده بر اساس امکانات نهادهای محلی، جامعه محلی و مشارکت محلی استوار است که لازمه تحقق توسعه پایدار شهری و تامین نیازها و ارزشهای بومی محسوب می‌شود. از این رو امروزه برنامه‌ریزی محله محور رویکرد جدیدی در برنامه‌ریزی است که با هدف گرد هم آوردن گروه‌های مختلف درگیر یا ذینفع در برنامه‌ریزی و توجه به نیازها و خواسته‌های همگانی ایشان در تدوین برنامه‌ها به حوزه‌ی برنامه‌ریزی وارد شده است (امین ناصری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹). در برنامه‌ریزی محله محور مشارکت مردمی در معنای واقعی آن هدف قرار گرفته و شعار «برنامه‌ریزی به وسیله مردم نه صرفاً برای مردم» آرمان این نگرش در برنامه‌ریزی است (حاجی پور، ۱۳۸۵، ص ۴۱).

در شهر تهران نیز در سالهای اخیر با اهتمام مدیریت شهری و همکاری و تعامل سایر نهادها و سازمانها ذیربط، در قالب تشکیل و حمایت از فعالیت‌های «شورایاری‌های محلات» اقدامات بسیار خوبی در زمینه استفاده از ظرفیت مشارکت و همکاری شهروندان و توجه به اولویتهای و نیازهای محلی صورت گرفته است. و فعالیت‌های دیگری نیز در این جهت به منظور اجرایی کردن رویکرد «محله محوری» در حال انجام است. از جمله این فعالیت‌ها، اجرای «طرح مدیریت محله» در محله‌های شهر با هدف سپردن امور فرهنگی، اجتماعی



و ورزشی در مقیاس محله به خود ساکنین محله و بهره گیری موثر از ظرفیت مشارکت، همکاری و توانمندی ساکنین، فرصت دیگری برای حضور، همکاری و تعامل تمامی علاقه‌مندان به مسائل شهری در مقیاس محلات و شکوفایی استعداد های محله‌ای فراهم گردد. در این راستا شهرداری تهران اقدام به تاسیس سرای محله به عنوان رکن اجرایی محله در سطح محلات کرده است. هدف از راه‌اندازی سرای محله مشارکت شهروندان در امور مربوط به خودشان و در نهایت واگذاری تصمیم‌گیری‌های محله به خود آنهاست. این نکته از اهداف اصلی شروع به کار سراهای محله است که در لایحه تشکیل سرای محله نیز به آن اشاره شده است. این سراها توسط هیأت‌های مدیره‌ای اداره می‌شوند که اعضای آن اعضای شورایی، مدیر محله و مسئولان کارگروه‌های تخصصی هستند. وظیفه آنها برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و نظارت بر امور محله در چارچوب سیاست‌های اجرایی شهرداری است. اهداف تشکیل مدیریت محله (هیأت امانه محله) به شرح زیر می‌باشد:

- افزایش مشارکت مردمی در اداره امور شهر از طریق بکارگیری توانمندیها و ظرفیت‌های مادی و معنوی آنان و استفاده مثبت از امکانات محلات؛
- ایجاد یک رکن اجرایی در سطح محله متناسب با رکن مشورتی و نظارتی شورایی؛
- افزایش اعتماد و ارتباط متقابل بین شهرداری و ساکنین محلات؛
- تطابق هرچه بیشتر تصمیمات، برنامه‌ها و فعالیت‌های شهرداری با خواسته‌ها و مطالبات اصلی و مهم مردم؛
- تلاش در جهت احیاء و برجسته سازی هویت و جایگاه محله‌ای،
- افزایش همکاری مشترک شهروندان و شهرداری در انجام فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و رفاهی (ذاکری، ۱۳۹۰، ص ۸).

از آنجاکه اغلب مسائل توسعه پایدار و راه حل‌های آن ریشه در سطوح خرد شهری دارند، مشارکت و همکاری مسؤولین محلی عاملی تعیین کننده از واقعی کردن و امکان پذیر نمودن پایداری آتی می‌باشد (افتخاری،

۱۳۸۲، ص ۱۳). بنابراین سرای محله یکی از ابزارهای توانمندسازی و جلب مشارکت مردمی با تکیه بر رویکرد محله محور است و با تشکیل سرای محله و شورایی‌ها بستر مناسبی برای بسط، تقویت و نهادینه کردن مشارکت شهروندان در عرصه مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عمرانی، خدماتی و رفاهی فراهم گردیده است.

روش شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر روش تحقیق با توجه به ماهیت کار از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش جمع آوری اطلاعات به صورت اسنادی و پیمایشی می‌باشد و از طریق پرسشنامه و مشاهده، داده‌های مورد نیاز گردآوری شدند. جامعه آماری ۳۰۷۶۸ نفر بوده که شامل دو گروه ساکنین محلات و مراجعه‌کنندگان به سرای محله می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. در مجموع ۲۱۰ پرسشنامه در سه محله مورد مطالعه (۷۰ پرسشنامه در هر محله که ۴۰ پرسشنامه در خود محله بین ساکنین و ۳۰ پرسشنامه بین مراجعه‌کنندگان به سرای محله) به روش تصادفی ساده توزیع و نهایتاً داده‌های موجود، استخراج و طبقه بندی شدند. لازم به ذکر است جهت دسترسی به اطلاعات بهتر و برخورداری از اظهار نظر واقعی تر پرسش شونده‌گان بعضی سؤالات به صورت باز طراحی گردید و همچنین برای اطلاع از نظرات گروه‌های سنی متفاوت ساکنین محلات و مراجعه‌کنندگان به سرای محله‌ها، پرسشگری در روزهای متفاوت هفته و اوقات متفاوت روز انجام گرفت. برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که با بررسی داده به وسیله نرم افزار آماری SPSS ضریب پایایی پرسشنامه ۰/۸۹۴ حاصل گردید که نشان دهنده پایایی بالای ابزار بوده است. برای اعتبار محتوای پرسشنامه این تحقیق، از نظر اساتید، صاحب نظران ذیصلاح بهره برده شد که اکثریت مناسب بودن گویه‌ها را تایید نمودند.

محدوده مکانی مورد مطالعه

محدوده مکانی مورد مطالعه منطقه یک شهرداری

خیابان شهید پور ابتهاج، از شرق به خیابان شهید زینعلی - میدان خیبر و از غرب به مسیل جمشیدیه منتهی می‌گردد (شهرداری منطقه یک، بی تا. ۱۳۸۸).

یافته‌های تحقیق

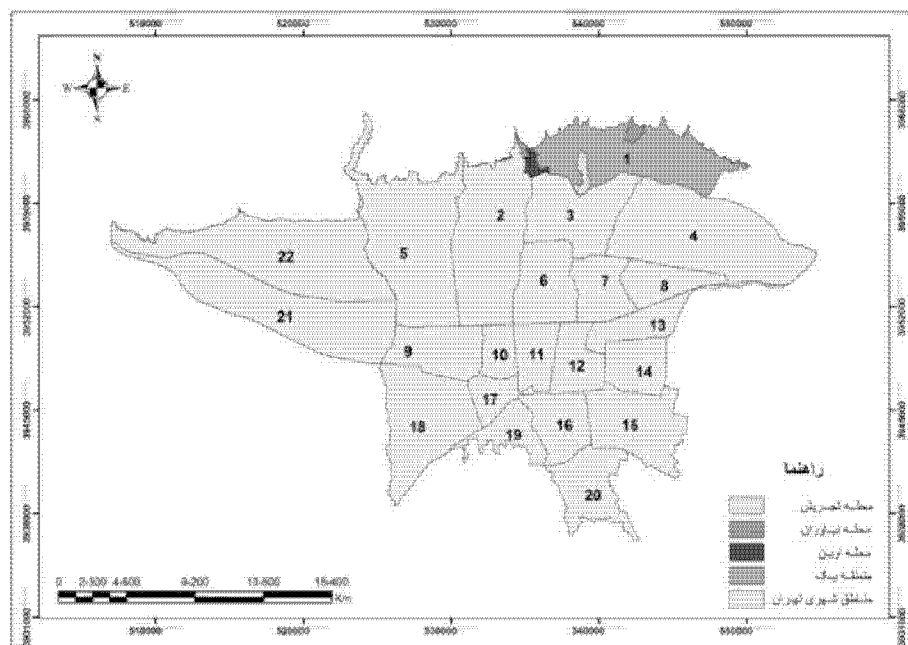
واقعیت امر اینست که توسعه پایدار شهری بدون بنیان نهادن پایه‌های خود بر شالوده اجتماعات محله‌ای، در رسیدن به اهداف خود با مشکل مواجه خواهد شد و این اجتماعات محله‌ای هستند که خصلت پایداری را در بطن خود نهفته دارند و نیازمند به حرکت درآوردن و بالفعل کردن پتانسیل‌های بالقوه خود می‌باشند. از این رو موفقیت مدیریت محله و همچنین اثربخش بودن عملکرد سراهای محله در وهله اول مستلزم شناخت پتانسیل‌ها و توانایی‌های اجتماعات محلی (محلات) می‌باشد. در این راستا به منظور سنجش عملکرد سرای محلات سه محور مهم اطلاع رسانی و آگاهی بخشی، مشارکت ساکنین در اداره امور محله و توانمندسازی و استفاده از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های (جمعیتی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی) محلات مورد مطالعه قرار گرفته است (جدول ۱).

تهران می‌باشد که سه محله اوین، تجریش و نیاوران از این منطقه انتخاب شده و عملکرد سرای محله آنها مورد مطالعه قرار گرفته است. محله اوین با مساحتی معادل ۲۵۴۸۶۱۸ متر مربع واقع در ناحیه دو منطقه یک

شهرداری تهران می‌باشد. محدوده فعلی این محله از شمال به بلوار دانشجو - شمال دانشگاه شهید بهشتی - بلوار فضل الله، از جنوب به بزرگراه چمران - خیابان دشت بهشت، از شرق به بلوار دانشجو و خیابان یمن و از غرب به رودخانه درکه منتهی می‌گردد (شهرداری منطقه یک، بی تا. ۱۳۸۸).

محله تجریش با مساحتی معادل ۲۵۳۰۸۶۴ متر مربع واقع در ناحیه هفت منطقه یک شهرداری تهران می‌باشد. محدوده فعلی این محله از شمال به خیابان شهرداری، از جنوب به اتوبان صدر - اتوبان مدرس، از شرق به خیابان دکتر شریعتی و از غرب به شمال خیابان آفریقا - خیابان دربندی - خیابان شهید آقا بزرگی منتهی می‌گردد (شهرداری منطقه یک، بی تا. ۱۳۸۸).

محله نیاوران با مساحتی معادل ۱۶۹۹۳۷۹ متر مربع واقع در ناحیه چهار منطقه یک شهرداری تهران می‌باشد. محدوده فعلی این محله از شمال به ارتفاعات جمال آباد - شمال اردوگاه باهنر، از جنوب به خیابان شهید باهنر -



نقشه ۱. موقعیت محلات اوین، تجریش و نیاوران در شهر تهران؛ منبع و ترسیم: نگارندگان.

جدول ۱. مقایسه عملکرد سرای محلات با توجه به یافته‌های تحقیق در سرای محله‌های مورد مطالعه (به درصد)؛ ماخذ: نگارندگان.

محورها	گویه‌ها	اوپن		تجریش		نیاوران	
		ساکنین	مراجعه کنندگان	ساکنین	مراجعه کنندگان	ساکنین	مراجعه کنندگان
اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی	اطلاع از وجود سرای محله	۱۰۰	-	۶۵	-	۹۲,۵	-
	مراجعه به سرای محله	۵۵	-	۲۵	-	۶۵	-
	آشنایی با فعالیت‌ها و برنامه‌های سرای محله	۶۵	۷۰	۲۵	۸۶,۶	۶۵	۵۰,۱
	آشنایی با وظایف و کارکردهای سرای محله	۴۰	۵۳,۳	۱۰	۶۳,۴	۳۷,۵	۳۶,۷
	شناخت مدیر محله	۴۵	۵۳,۳	۱۵	۳۰	۶۲,۵	۳۰
مشارکت ساکنین در اداره امور محله	نظرسنجی از ساکنین برای فعالیت‌های سرای محله	۲۵	۴۶,۷	۱۵	۴۶,۶	۲۷,۵	۳۰
	مشارکت در برنامه‌های سرای محله	۵۰ درصد مشارکت نکردند	۳۰ درصد مشارکت نکردند	۸۰ درصد مشارکت نکردند	۴۳,۴ درصد مشارکت نکردند	۵۷,۵ درصد مشارکت نکردند	۴۶,۷ درصد مشارکت نکردند
	تمایل به مشارکت در فعالیت‌های سرا	۷۵	۵۳,۳	۵۵	۵۳,۴	۵۴	۵۶,۷
	تاثیر گذاری فعالیتهای مدیریت محله در افزایش مشارکت اجتماعی	۵۵	۸۶,۷	۳۲,۵	۶۰	۲۵	۳۴,۴
	تاثیر گذاری فعالیتهای مدیریت محله در افزایش حس تعلق	۵۰	۶۶,۷	۱۰	۵۳,۴	۳۰	۴۶,۷



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۴۰

جمعیت در محله اوپن ۳۸/۹۵ درصد، تجریش ۱۰/۸۹ درصد و نیاوران ۱۶/۱۷ درصد بوده است و شاخص سواد که نمایانگر تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی گروه‌های اجتماعی و سطح عرضه خدمات وابسته به خود در عرصه مجتمع‌های زیستی است هر سه محله مذکور از این لحاظ نیز دارای تفاوت می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). در مرحله بعد از طریق آزمون تحلیل واریانس (Anova) به بررسی تفاوت ظرفیت‌ها و توانایی‌های سه محله مذکور پرداخته شده است که این آزمون نشان می‌دهد بین ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی محلات اوپن، تجریش و نیاوران در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی داری وجود دارد.

برای بررسی محور «استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلات» در مدیریت محله ابتدا به تفاوت‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی سه محله مذکور با توجه به اطلاعات حاصل از سرشماری مرکز آمار به صورت بلوک‌های آماری پرداخته شده است. با توجه به اطلاعات بدست آمده از سرشماری ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران هر سه محله اوپن، تجریش و نیاوران از لحاظ ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مانند ساخت سنی ترکیب جمعیت، بعد خانوار، سطح سواد، مهاجرت، جمعیت در سن کار، شاغلین و بیکار و ... دارای تفاوت‌هایی می‌باشند. به طوری که بعد خانوار در محله اوپن ۴/۳۸، محله تجریش ۳/۰۵ و نیاوران ۳/۰۷ بوده و میزان مهاجرت از مجموع

جدول ۲. نتایج آزمون Anova در مورد ویژگیهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی محلات اوین، تجریش و نیاوران

		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
ویژگیهای جمعیتی	Between Groups	۱۰۸,۷۲۸	۲۰	۵,۴۳۶	۲,۵۲۴	.۰۰۱
	Within Groups	۴۰۷,۰۲۹	۱۸۹	۲,۱۵۴		
	Total	۵۱۵,۷۵۷	۲۰۹			
ویژگیهای اجتماعی	Between Groups	۵۳۱,۷۰۳	۲۰	۲۶,۵۸۵	۱,۵۰۸	.۰۸۲
	Within Groups	۳۳۱۳,۶۰۸	۱۸۸	۱۷,۶۲۶		
	Total	۳۸۴۵,۳۱۱	۲۰۸			
ویژگیهای اقتصادی	Between Groups	۵۴۰,۸۸۷	۲۰	۲۷,۰۴۴	۷,۱۸۲	.۰۰۰
	Within Groups					



محلات نبوده است. به طوری که مقایسه رتبه چهارده خانه مذکور در سه محله اوین، تجریش و نیاوران گویای این تفاوت در نیازهای ساکنین هر سه محله می باشد. ولی با وجود تفاوت نیازهای ساکنین هر سه محله مذکور، این خانه ها که به عنوان محورهای فعالیت و خدمات سرای محله ها نیز می باشند یکسان در نظر گرفته شده است. نکته قابل ذکر این است که خانه سلامت و خانه ورزش در هر سه محله بیشترین امتیاز را کسب کرده اند. این مسئله با توجه به قدمت فعالیت خانه سلامت که قبل از تأسیس سرای محله نیز در این محلات فعالیت داشته است و همچنین توجه ساکنین این محلات به ورزش می باشد.

در ادامه برای بررسی همبستگی بین میزان رضایت از فعالیت های سرای محله و ظرفیت ها و توانایی های محلات از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده

سنجش خانه های چهارده گانه سرای محله ها

در جدول شماره ۴ خانه های چهارده گانه که به عنوان محورهای فعالیت های مدیریت محله در سرای محله می باشند، تنظیم شده و مورد بررسی قرار گرفته است. قرار بر این بود که ساکنین محله ها و مراجعه کنندگان به سرای محله های خویش به خانه های مذکور با توجه به نیاز خود و محله شان امتیاز ۱ تا ۱۰ بدهند (امتیاز ۱ اصلاً نیاز نیست و ۱۰ کاملاً لازم است). بنابراین ابتدا مجموع امتیازات هر یک از خانه های چهارده گانه بدست آمده، و بعد میانگین امتیازات هر خانه را بر اساس تعداد پرسش شوندگان بدست آورده شده است و در انتها رتبه هر کدام از خانه های مذکور در هر سه محله تعیین شده است.

نتیجه سنجش محورهای فعالیت مدیریت محله در سرای محلات نشان می دهد فعالیت ها و خدماتی که در سراها صورت می گیرد متناسب با نیازهای ساکنین

جدول ۴. نتیجه سنجش محورهای فعالیت مدیریت محله در سرای محله اوین، تجریش و نیاوران

نیاوران			تجریش			اوین			خانه‌های چهارده گانه سرای محلات
رتبه	میانگین	امتیاز	رتبه	میانگین	امتیاز	رتبه	میانگین	امتیاز	
۲	۸,۱۷	۵۷۲	۱	۸,۷۴	۶۱۲	۱	۸,۲۸	۵۸۰	سلامت
۱	۸,۶۱	۶۰۳	۲	۸,۵۴	۵۹۸	۲	۸,۲۴	۵۷۷	ورزش
۳	۷,۹۱	۵۵۴	۴	۷,۶۸	۵۳۸	۳	۸,۱۴	۵۷۰	اسباب بازی
۶	۶,۹۷	۴۸۸	۳	۷,۹۱	۵۵۴	۴	۸,۰۵	۵۶۴	کارآفرینی و توانمندسازی
۷	۶,۹۴	۴۸۶	۷	۷,۱۴	۵۰۰	۵	۷,۸۸	۵۵۲	کتاب
۴	۷,۳۲	۵۱۳	۶	۷,۲۸	۵۱۰	۶	۷,۳۷	۵۱۶	فناوری و اطلاعات
۹	۵,۹	۴۱۳	۱۱	۶,۵	۴۵۵	۷	۷,۳۱	۵۱۲	رفاه و خدمات اجتماعی
۱۳	۴,۸	۳۳۶	۹	۶,۷۴	۴۷۲	۸	۷,۲۴	۵۰۷	ایمنی
۵	۷,۰۴	۴۹۳	۱۰	۶,۶۷	۴۶۷	۹	۷,۲۱	۵۰۵	فرهنگ و هنر
۱۲	۵,۰۷	۳۵۵	۱۳	۶,۰۲	۴۲۲	۱۰	۷	۴۹۰	قرآن و عترت
۸	۶,۳۱	۴۴۲	۵	۷,۳۵	۵۱۵	۱۱	۶,۷۲	۴۷۱	علم و زندگی
۱۴	۴,۶۷	۳۲۷	۱۲	۶,۳	۴۴۱	۱۲	۶,۶۱	۴۶۳	دوام
۱۰	۵,۸۷	۴۱۱	۸	۶,۸۴	۴۷۹	۱۳	۶,۶	۴۶۲	تسنیم
۱۱	۵,۷۴	۴۰۲	۱۴	۵,۷۸	۴۰۵	۱۴	۶,۵۱	۴۵۶	پژوهش



شدند. یکی از دلایل عدم موفقیت سراهای محله‌ها، اطلاع رسانی ضعیف از سوی مدیریت محله و مدیریت شهری می‌باشد به طوری که اکثریت ساکنین محلات از وجود سرای محله بخصوص از فلسفه تشکیل سرای محلات و وظایف و کارکردهای آنها بی اطلاع بوده‌اند و بازتاب این بی‌اطلاعی ساکنان، خود را در عدم مشارکت ساکنین در فعالیت‌های مدیریت محله نشان می‌دهد. برای اثبات آن بین «میزان آگاهی و اطلاع رسانی سرای

است. نتایج این آزمون همبستگی بیانگر این است که بین میزان رضایت ساکنین از فعالیت سرای محله و ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلات همبستگی مثبت وجود دارد، به عبارتی هر چه قدر فعالیت‌های مدیریت محله و متقابلاً سرای محله همسو با ویژگی‌های و توانایی‌های محلات باشد عملکرد سرای محله‌ها اثربخشی و کارایی بیشتر خواهد داشت. در انتها می‌توان اشاره کرد که جدا از مواردی که در بالا ذکر

جدول ۳. همبستگی بین رضایت و ویژگیهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان اوین، تجریش و نیاوران

		ویژگی های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی	میزان رضایت
ویژگی های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی	Spearman's rho	Correlation Coefficient	۱,۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۵۰۶**
		N	.۰۰۰
		۲۰۹	۲۰۹
میزان رضایت		Pearson Correlation	.۵۰۶**
		Sig.	۱,۰۰۰

R: .۵۰۶ p: .۰۰۰ ** . Correlation is significant at the .,۰۱ level (۲-tailed).

محلّه و «مشارکت ساکنین» در محلّه های اوین، تجریش و نیاوران از آزمون های همبستگی اسپیرمن استفاده شده است (جدول شماره ۵). نتایج آزمون همبستگی بیانگر این امر است که بین «میزان آگاهی و اطلاع رسانی» و «مشارکت ساکنین» همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی هرچه میزان آگاهی ساکنین و اطلاع رسانی بیشتر باشد میزان مشارکت ساکنین در فعالیت های مدیریت محلّه (در سرای محلّه) بیشتر خواهد شد. با توجه به نتایج بدست آمده از بررسی ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی هر کدام از محلات که نشان دهنده این بود که هر سه محلّه از این لحاظ دارای تفاوت هایی می باشند. به طوری که آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (Anova) هم گویای این تفاوت بوده است. همچنین با رتبه بندی فعالیت های مدیریت محلّه (خانه های ۱۴ گانه) با امتیازاتی که ساکنین و مراجعه کنندگان به آنها داده بودند گویای تفاوت در نیازهای ساکنان هر کدام از این محلّه ها می باشد. ولی با این وجود این تفاوتها در نیازهای ساکنین و همچنین ظرفیت ها و



جدول ۵. همبستگی بین میزان اطلاع رسانی، آگاهی و مشارکت ساکنان اوین، تجریش و نیاوران

		میزان اطلاع رسانی و آگاهی	مشارکت
میزان اطلاع رسانی و آگاهی	Spearman's rho	Correlation Coefficient	۱,۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۴۵۶**
		N	.۰۰۰
		۲۱۰	۲۱۰
مشارکت		Pearson Correlation	.۴۵۶**
		Sig.	۱,۰۰۰

** . Correlation is significant at the .,۰۱ level

توانایی‌های ویژه هر محله از دید مدیریت شهری به دور مانده و این امر منجر به ناکارآمدی عملکرد سراهای محله شده است. بنابراین در جهت افزایش کارایی و اثربخشی عملکرد سرای محله‌ها توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های ویژه هر کدام از محلات لازم می‌باشد تا فعالیت‌هایی که در این سراها صورت می‌گیرد منطبق با ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلات و نیازهای ساکنین باشد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

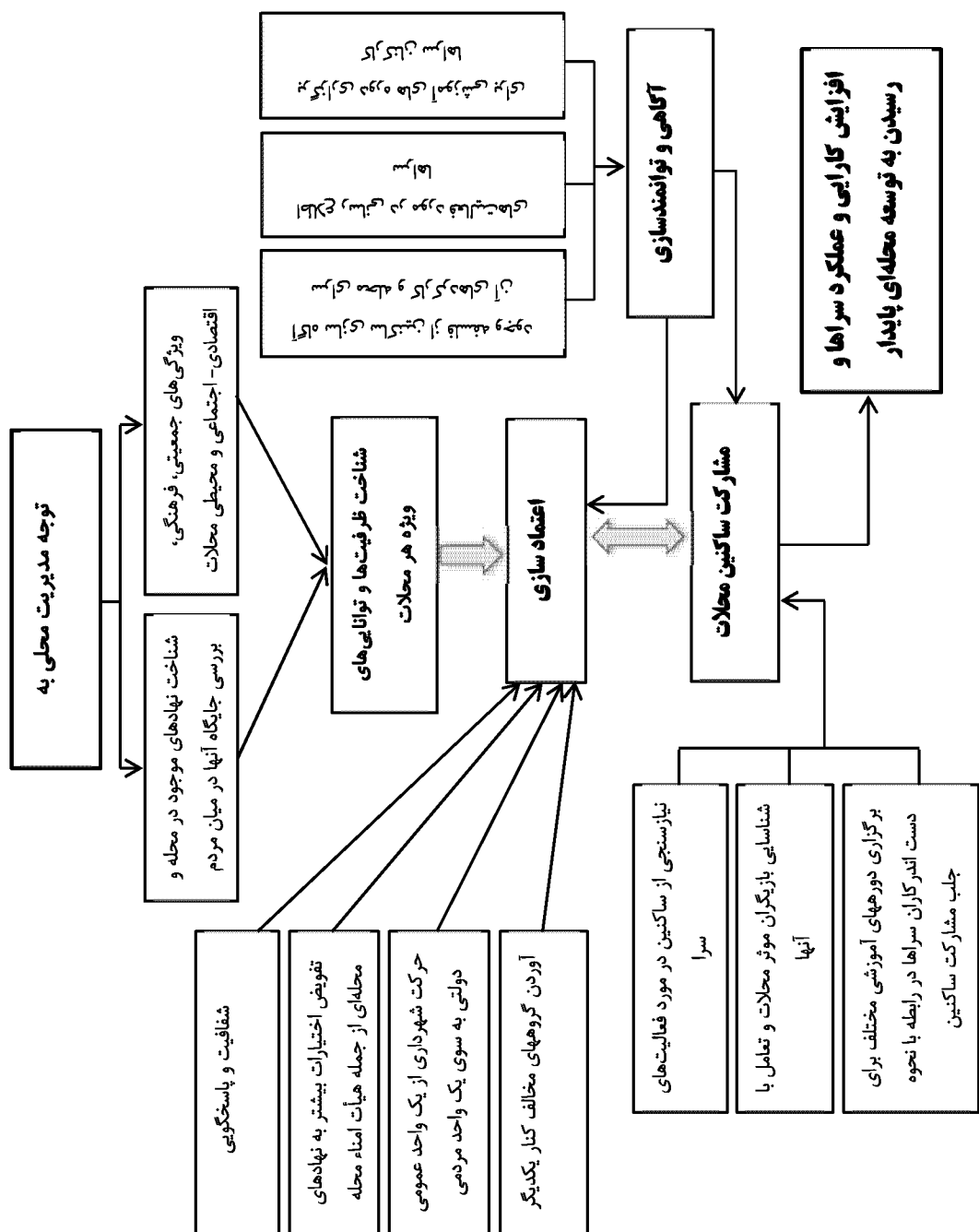
براساس یافته‌های این تحقیق، هر سه سرای محله اوین، تجریش و نیاوران در تمامی سه محور مورد مطالعه عملکرد متفاوتی داشتند. به طوری که در زمینه اطلاع رسانی و آگاهی بخشی سرای محله اوین نسبت به سراهای محله تجریش و نیاوران عملکرد بهتری داشته است. در محور مشارکت نیز سرای محله‌ها به طور کلی موفق به جلب مشارکت ساکنین نشده‌اند و «برنامه‌ریزی به وسیله مردم نه برای مردم» که یکی از شعارهای رویکرد محله محوری تحقق نیافته است. البته لازم به ذکر است که سرای محله اوین در مقایسه با سراهای محله تجریش و نیاوران تا حدودی موفق به جلب مشارکت ساکنین شده است که از دلایل مهم آن می‌توان به اطلاع رسانی خوب و وجود شورایاری فعال در این محله که به عنوان رکن اصلی هیأت امناء محله می‌باشند، و همچنین یکدست بودن انسجام فرهنگی و اجتماعی بیشتر این محله و متقابل آن احساس مسئولیت بیشتری که ساکنین نسبت به محله خود دارند اشاره کرد. از طرفی در محله تجریش به دلیل تنوع قومی و قرارگیری آن در مرکز شمیرانات و یکدست نبودن انسجام فرهنگی و اجتماعی که باعث کم رنگ شدن توجه ساکنین به امور محله شده و همچنین ضعف عملکرد مدیریت محله (هیأت امناء محله) در محلات تجریش و نیاوران در آگاهی بخشی و جلب مشارکت ساکنین در فعالیت‌های مدیریت محله از دلایل موفقیت کم سرا در این محله‌ها می‌باشد.

بنابراین برای رسیدن به برنامه‌ریزی محله‌مبنا و توسعه اجتماع محلی آنچه باید توسط مدیریت شهری و بخصوص مدیریت محله (هیأت امناء محله) در نظر

گرفته شود توجه به چهار عنصر ارتباط، آگاهی، اعتماد و مشارکت می‌باشد. بحث اعتماد و اعتمادسازی به منظور بستر سازی جلب مشارکت ساکنین از مهمترین این عناصر است. اعتمادسازی مکانیزمی است که از طریق آن شکل‌گیری و تداوم تعاملات رسمی و غیر رسمی امکان پذیر می‌گردد و دارای فرایند چند مرحله‌ای است. این مفهوم بنیان‌کنش اجتماعی است که به مرور شکل می‌گیرد حال آنکه سلب اعتماد دفعی و لحظه‌ای است و اهمیت و پیامد آن به ترتیب از سطح خرد به سطح کلان افزوده می‌شود. برای نزدیک شدن به خواسته‌ها و نیازهای مردم، ابتداد باید اعتماد آنها را جلب نمود. بخش قابل توجهی از فرایند اعتمادسازی، حین اطلاع رسانی انجام می‌شود. برقراری ارتباط به منظور اطلاع رسانی در راستای اهدافی همچون حساس سازی، آگاه سازی، جلب مشارکت، بسیج اجتماعی، شفاف سازی، پاسخگویی، جلب اعتماد، کمک به تداوم برنامه، تعامل در تصمیم‌گیری و ارزشیابی و دریافت بازخوردهای به منظور اصلاح برنامه است.

به منظور ایجاد چارچوب مناسب جهت تقویت کارایی و اثربخشی عملکرد سرای محلات در راستای رسیدن به توسعه اجتماعات محلی با استفاده از نتایج بدست آمده از پژوهش، پیشنهاداتی به شرح زیر مطرح می‌شود:

- تبلیغات و اطلاع رسانی بیشتر در مورد رسالت سراها و مدیریت محله و برنامه‌های اجرا شده سرای محله‌ها از طریق رسانه، روزنامه و غیره؛
- بازنگری در دستورالعمل‌ها و قوانین مربوط به اهداف سرای محله، طرح مدیریت محله محور و اصلاح و شفاف سازی قواعد و مقررات تعیین شده؛
- تعریف روابط بین مدیر محله و اعضای شورایاری محله و جایگاه آنها؛
- انتخاب مدیر محله نیز مانند انتخاب شورایاری‌ها به دست خود مردم محله صورت پذیرد. همچنین مدیر محله از خود ساکنین محله انتخاب گردد؛
- شناخت ویژگی‌ها و ظرفیت‌های ویژه هر محله توسط شهرداری (با تعامل مدیریت محله) و استفاده همه جانبه از آنها برای پیشبرد فعالیت‌ها و اهداف سرای محله و مدیریت محله؛



شکل ۱. الگوی پیشنهادی برای افزایش اثربخشی و کارایی عملکرد سرای محله؛ مأخذ: نگارندگان.

- شهرداری باید نقش خود را به عنوان یک تسهیلگر و یک پایه کار مشارکتی باز تعریف کند و از یک واحد عمومی دولتی به یک واحد مردمی حرکت کند. و با کاهش تصدی‌گری، واگذاری امور به مردم و به رسمیت شناختن توانایی‌های آنان، اعتماد شهروندان را جلب کند و زمینه
- مشارکت فعال و همه جانبه آنها را فراهم کند؛
- راه‌اندازی سایت محله برای ایجاد ارتباط با ساکنین و همچنین اطلاع‌رسانی از اهداف و وظایف مدیریت محله و رسالت سرا و فعالیت‌های آن؛
- با توجه به این که یکی از بزرگترین مشکلات سراهای

محله مباحث مالی و درآمدزایی است پیشنهاد می شود مدیریت محله ها موقوفات در سطح محلات را از سمت مساجد، حسینیه ها و به این سمت هدایت کنند؛

○ انتشار روزنامه محله به منظور اطلاع رسانی در رابطه با وقایع محله؛

○ ارتباط بیشتر مدیر محله از طریق برگزاری جلسات مشترک با گروه های مختلف (نهادهای و ارگان های دولتی و غیر دولتی) موجود در سطح محله تا از امکانات و منابع موجود در این نهادها نیز برای حل مشکلات و معضلات محله و پاسخگویی به مطالبات ساکنین سود جست.

در انتها با توجه به یافته های بدست آمده و اینکه رویکرد اصلی پژوهش حاضر توجه به حکمروایی خوب شهری و برنامه ریزی محله مینا بوده است. لذا با بهره گیری از مولفه های این رویکردها در جهت افزایش اثربخشی و کارایی عملکرد سراهای محله راهکار و الگوی پیشنهادی زیر ارائه شده است.

منابع و مآخذ

۱. امین ناصری، آراز (۱۳۸۶) «برنامه ریزی محله ای (مبانی، تعاریف، مفاهیم و روشها)»، نشریه جستارهای شهرسازی، شماره نوزدهم و بیستم، صص ۱۱۸-۱۲۵.
۲. پورمحمدی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹) «حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی- فضایی ارتباطی و فاعلیت مندی غیر اقتصادی، مطالعه موردی کلانشهر تبریز»، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره اول.
۳. توکلی نیا، جمیله و استادی سیسی، منصور (۱۳۸۸) «تحلیل پایداری محله های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایاریها، نمونه موردی: محله های اوین، درکه و ولنجک»، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، صص ۲۹-۴۳.
۴. حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵) «برنامه ریزی محله- مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۶، تهران، صص ۳۷-۴۶.
۵. ذاکری، هادی (۱۳۹۰) «مجموعه دستورالعمل ها و آیین نامه های ساماندهی مشارکت های اجتماعی در

- محلات شهر تهران»، تهران، انتشارات مدبران.
۶. رستگاری، سید حمید و محملی، حمید رضا (۱۳۸۹) «حکمروایی خوب شهری ابزاری برای تغییر کارکرد شهرداریها»، همایش نقش و جایگاه مدیریت محله و شورایاریها در ارتقای مشارکت اجتماعی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
 ۷. شهرداری منطقه یک (۱۳۸۸) «سند توسعه محله ای منطقه یک ۱۳۸۸- محله اوین»، بی تا.
 ۸. شهرداری منطقه یک (۱۳۸۸) «سند توسعه محله ای منطقه یک ۱۳۸۸- محله تجریش»، بی تا.
 ۹. شهرداری منطقه یک (۱۳۸۸) «سند توسعه محله ای منطقه یک ۱۳۸۸- محله نیاوران»، بی تا.
 ۱۰. صرافی، مظفر (۱۳۸۸) «مدیریت یکپارچه شهری در خدمت توسعه اجتماعات محلی»، ماهنامه منظر، شماره سوم.
 ۱۱. لاله پور، منیژه (۱۳۸۶) «حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه جستارهای شهری، شماره نوزدهم و بیستم.
 ۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن به صورت بلوک شهری».
 13. Sadashiva m. (2008), Effects of civil society on urban planning and governance in Meysor, India, Doctoral thesis, Technical university of Dortmund.
 14. Mcloughlin, B. (1973). Contral and Urban planning London, Faber and Faber.
 15. UNDP (1997), Governance for Sustainable human development.- Hall, Peter (2000), Urban Future 21, E and FN spon press.
 16. Fridman, John(1993), "Toward a Non-Euclidin Mode of Planning-APA Journal", Autumn- 482.
 17. Madanipour, A. (2001),"How relevant is 'planning by neighbourhoods' today?", in Town Planning Review, 72 (2).
 18. Madanipour, A. (1996), Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process, London: John Wiley & Son Ltd

راهبردهای احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی رود دره دارآباد تهران

محمد رضا پورجعفر* - استاد تمام گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

علی اکبر تقوایی - دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.

پرویز آزاد فلاح - دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.

علی‌رضا صادقی - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.

Strategies for Reviving the Environmental Aesthetic Values in Daar Aabaad River-Valley of Tehran

Abstract

In recent years, urbanization has always experienced ever increasing growth. In that, the last decades of the past century witnessed 100% increase in urban population, comprising about 45% of the world population. Besides advantages such as accessibility to clean water, hygiene, and so like, the negative effects of urbanization on environment, especially degradation and pollution of urban environment, cannot be ignored. These negative effects have faced the process of environmental aesthetics experience in human with problem. On the other hand, in half of the twentieth century, environmental aesthetics related theoretical subjects and understanding the beauty of natural and artificial environments around human being were addressed more than ever. Paying attention to this approach was a response to analytical aesthetic attitude towards understanding and perceptualization of the environment which argued that aesthetics and understanding natural and artificial environment around men are unimportant, subjective, and non-aesthetics due to the defects and failures of environment and nature and the way they are understood. In contrast, environmental aesthetics theorists such as Hepburn and Aldo Leopold believed that natural and human-made environments surrounding men are indeed resources that can be used to obtain a different aesthetics experience which is potentially rich and valuable. Since environment is in no way limited to concepts such as artistic-historical traditions and artistic-critical theories. Therefore, it allows human to obtain infinite, pleasant, and creative understanding of it. It is the understanding that follows an evolutionary shift from superficial aesthetics experience to a deep and serious one. Therefore, environmental aesthetics and the experience from it are formed based on two main bases. First, differences between art and environment with respect to the resources available for achieving aesthetics understanding and experience. In fact, environmental aesthetics paved the way for obtaining aesthetic experience from the environment by highlighting infinity of natural and human-made environments and the importance of understanding them by men. In order to revive the environmental aesthetic values in Daar Aabaad river-valley area, the results of this research emphasize on the importance of preserving and reviving natural systems, training the citizens, creating a sidewalk along the river-valley, organizing and preserving the watershed ahead, preserving the corridors of the air and water streams, preserving and reviving the gardens within the urban part of the river-valley area, protecting the unstable soils in areas with a sharp slope, controlling the destruction and pollution in the natural margin of river valley, preserving and improving the biological diversity, and preventing the limitation of view toward the natural and mountainous sights.

Keywords: Reviving the natural environment, Aesthetic values, Environmental aesthetics, Daar Aabaad river-valley of Tehran

چکیده

در بین فضاهای عمومی شهر تهران، رود دره‌ها جایگاهی قابل اعتناء دارند. اما آلودگی منابع حیاتی آب، فرسایش خاک، اضمحلال ذخایر گیاهی و جانوری، ساخت و سازی رویه در حریم بستر رود دره‌ها و غیره، زمینه از بین رفتن ارزش‌های زیبایی شناختی محیطی اینگونه فضاها را فراهم آورده است. شناخت و تحلیل یکپارچه بستر اینگونه فضاها به منظور ایجاد تعادل مطلوب میان حضور انسان و توان اکولوژیکی رود دره و احیاء ارزش‌های زیبایی شناختی محیطی آن، امری اجتناب ناپذیر است. از اینرو این نوشتار بر آن است تا در بستری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری و مشاهده به ارائه راهبردها و سیاست‌هایی پردازد که زمینه احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی رود دره دارآباد تهران را فراهم آورد. جهت احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی رود دره دارآباد، نتایج حاصل از این پژوهش بر حفظ و احیای سیستم‌های طبیعی، آموزش شهروندان، ایجاد مسیر پیاده حاشیه رود دره، سامان‌دهی و حفظ آبخیز بالادست، حفاظت از کریدورهای جریان هوا و آب، حفظ و احیای باغ‌های موجود در حاشیه رود دره در بخش شهری، حفاظت از خاک‌های ناپایدار در قسمت‌های پر شیب، کنترل تخریب و آلودگی حاشیه طبیعی رود دره، حفظ و افزایش تنوع زیستی و حفاظت از دیدهای باز و جلوگیری از محدود شدن دید به سمت مناظر طبیعی و کوهستانی تاکید دارد.

واژگان کلیدی: احیاء محیط طبیعی، ارزش زیبایی‌شناسی، زیبایی‌شناسی محیطی، رود دره دارآباد تهران.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۱۳۵۵۷۱؛ رایانامه: pourja_m@modares.ac.ir

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری آقای علی‌رضا صادقی با عنوان «تبیین نسبت حس تعلق با زیبایی‌شناسی محیطی در فضاهای عمومی شهر ایرانی اسلامی» است که به راهنمایی آقایان دکتر محمد رضا پورجعفر و دکتر علی اکبر تقوایی و مشاوره آقای دکتر پرویز آزاد فلاح در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران در حال انجام است.

مقدمه و بیان مساله

در نیمه قرن بیستم به مباحث نظری زیبایی‌شناسی محیطی و درک زیبایی محیط طبیعی و مصنوع پیرامون انسان بیش از پیش توجه شد. توجه به این رویکرد پاسخی به شیوه نگرش زیبایی‌شناسی تحلیلی به موضوع شناخت و ادراک محیط بود که استدلال می‌کرد زیبایی‌شناسی و درک محیط طبیعی و مصنوع پیرامون انسان به علت نقص و نارسایی محیط و عالم طبیعت و چگونگی شناخت آن، بی‌اهمیت، شخصی و غیرزیبایی‌شناختی است. در مقابل نظریه پردازان زیبایی‌شناسی محیطی چون «هیپورن» و «آلدو لئوپولد» معتقد بودند که محیط طبیعی و انسان ساخت پیرامون انسان، در حقیقت منابعی هستند که می‌توان با بهره‌گیری از آنها به نوعی تجربه زیبایی‌شناختی متفاوت دست یافت که بالقوه بسیار غنی و ارزشمند است. چرا که محیط به هیچ‌وجه در قیدوبند مفاهیمی همچون سنت‌های هنری- تاریخی و نظریات هنری- انتقادی نیست، بنابراین این امکان را فراهم می‌کند که انسان به درکی نامحدود، دلپذیر و خلاق از آن دست یابد. شناخت و درکی که روندی تکاملی از تجربه زیبایی‌شناختی سطحی به تجربه زیبایی‌شناختی عمیق و جدی را دنبال می‌کند. بنابراین ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی و تجربه حاصل از آن بر اساس دو پایه اصلی شکل گرفته است. نخست مسئله تفاوت‌های میان هنر و محیط در زمینه منابعی که برای رسیدن به درک و تجربه زیبایی‌شناختی وجود دارد و دوم مسئله چگونگی شناخت و درک محیط طبیعی و انسان ساخت که تا پیش از این و در زیبایی‌شناسی تحلیلی، در قیدوبند پارادایم قدیمی تأمل بی‌طرفانه در ویژگی‌های حسی و صورتی بود. اما در سالهای اخیر، همواره شهرنشینی با رشد روزافزون رو به رو بوده است. به طوری که دهه‌های پایانی قرن گذشته میلادی، جمعیت شهری تقریباً ۱۰۰ درصد افزایش یافته و تقریباً ۴۵ درصد از جمعیت جهان را تشکیل داده است. درکنار مزایایی چون دستیابی به آب تمیز، بهداشت و ... نمی‌توان تأثیرات منفی شهرنشینی بر محیط زیست را، به خصوص در زمینه تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست شهری، نادیده

گرفت. این اثرات منفی، فرآیند ادراک ارزش‌های زیبایی‌شناسانه محیط را نیز در انسان با مشکل مواجه ساخته است. در بین فضاهاى عمومی شهر تهران، رود دره‌ها (به عنوان یکی از عوامل شکل‌دهی مورفولوژی و عامل پایداری اکولوژی شهر تهران) جایگاهی قابل‌اعتناء دارند. علی‌رغم توانایی خود بازسازی رود دره‌ها پس از وقوع آشفستگی‌های طبیعی و انسانی، امروزه تخریب وسیع اینگونه مناظر شهری طبیعی، که عمدتاً عاملی انسانی دارند، مشاهده می‌شود. در واقع امروزه به واسطه کاهش حوزه‌ها و مناظر طبیعی با ارزش اکولوژیکی در داخل مناطق شهری، که بخش مهمی از فضای عمومی و منظر شهری به شمار می‌آیند، مسایل محیط زیستی بیشماری به وجود آمده است. به نظر می‌رسد به منظور کاهش معضلات محیط زیستی شهرهای امروزی و کاهش اثرات منفی شهرنشینی بر محیط زیست شهری، حضور پررنگ‌تر طبیعت و عناصر طبیعی در منظر شهری (به عنوان محیط و ظرف فعالیت انسانی) و غنی‌تر کردن تجربه درک عناصر طبیعی منظر شهری برای شهروندان ضروری است. چرا که منظر شهری متشکل از محیط‌های طبیعی و محیط‌های انسان ساخت است که همواره بستر فعالیت‌های انسانی را فراهم آورده‌اند. از اینرو فعالیت‌های انسانی بر منظر شهری طبیعی و انسان ساخت پیرامون انسان تأثیر گذاشته و از آن تأثیر پذیرفته است.

از اینرو این نوشتار بر آن است تا در بستری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری و مشاهده به بازخوانی مفاهیم مرتبط با زیبایی‌شناسی محیطی، منظر شهری و رود دره‌های شهری بردارد و با تحلیل یکپارچه رود دره دارآباد تهران (به عنوان فضایی عمومی و عنصری شاخص در منظر شهری تهران) راهبردها و سیاست‌هایی ارائه نماید که زمینه احیاء ارزش‌های زیبانشناسی محیطی این عنصر منظر شهری تهران را فراهم آورد. با توجه به آنچه گفته شد در ادامه به بازخوانی مفاهیم مرتبط با منظر شهری طبیعی و عناصر آن پرداخته است و رود دره‌ها به عنوان یکی از عناصر اصلی منظر شهری



طبیعی معرفی شده‌اند.

چارچوب مفهومی موضوع پژوهش

روددره‌ها به عنوان یکی از عناصر اصلی منظر شهری مطالعه تاریخ ملل مختلف در ارتباط با طراحی شهری سرزمین‌هایشان می‌تواند روشنگر نیاز و میزان تلاش انسانها برای هماهنگی با شرایط حاکم بر عصر خود باشد که به هر حال این هماهنگی از دو راه تطابق و یا مقابله در برابر شرایط تحمیل شده فراهم آمده و حاصل این فرآیند منظر نام دارد. منظر تصویری است مادی، جامد، فیزیکی و واقعی که حرکت ذاتی ندارد، عمل نمی‌کند ولی در عین حال انسانها آن را به وسیله‌ی حواس خود درک می‌کنند. هر یک از این حواس تأثیر بسیاری بر برداشت بیننده از محیط دارند. (سیف‌الهی، ۱۳۸۱، ص ۵۳-۵۴) در واقع منظر آن قسمت از محیط است که انسان در آن ساکن بوده و به واسطه‌ی ادراک خود آن را درک می‌کند. نمی‌توانیم از آن بگریزیم یا به عنوان یک موضوع اختیاری اضافی یا فضایی برای گذراندن اوقات فراغت به آن نگاه کنیم (بل، ۱۳۸۶، ص ۹۱)؛ بنابراین مسلم است فضای بیرونی هر مکانی که در میدان دید باشد و در چشم اندازی واقع شود که شامل مجموعه‌ای از اطلاعات بصری مانند زمین یا اشیا و ساختارهای مصنوع و همچنین پوشش گیاهی و آب و جز آن و نیز آسمان می‌باشد، جلوه‌ای از منظرشناخته می‌شود (خراسانی زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

در این زمینه «منظر شهری آن بخش از محیط یا فرم شهر است که بر روی کنش و واکنش شخص و نتایج اعمال وی موثر است. در منظر شهری است که بخشی از اطلاعات بالقوه محیط به کیفیتی مستقیماً محسوس (یا اطلاعات بالفعل) تبدیل می‌شود. بدین ترتیب منظر شهری جنبه عینی یا قابل ادراک محیط می‌باشد که به نوبه خود دارای فرم، عملکرد و معناست» (پاکزاد، ۱۰۱: ۱۳۸۵)؛ اصولاً طراحی شهری، مدیریت منظر شهری (منظر عینی و ذهنی) است (گلکار، ۱۳۸۵، ص ۳۸-۴۷) و منظر شهری هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها و خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند (کالن، ۱۳۸۲: الف)؛ در منظر شهری،

عناصر بصری شامل مجموعه عناصری هستند که در زمینه‌های مختلف، نشان‌دهنده قابلیت‌های منظر یک حوزه مشخص می‌باشند و موجب خوانایی و ارتقا کیفیت منظر مجموعه شده و در نقشه ذهنی افراد جایگاه خاصی برای کمک به جهت یابی و راه یابی در مجموعه دارا می‌باشند (مهندسین مشاور پارهاس، ۱۳۸۳، ص ۱). این عناصر عبارتند از: نشانه‌ها و نمادها، کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های بصری، ورودی و دروازه‌ها، عرصه‌ها و فضاهای عمومی، کناره‌های محدودکننده یا اتصال دهنده و مسیرها، منظور از کیفیت‌های محیطی در اینجا ویژگی‌های طبیعی خاص چون وجود تپه‌ها، پستی و بلندی‌ها، شیب طبیعی زمین، درختان و حوزه‌های اکولوژیک، رودخانه‌های فصلی و دائمی، روددره‌ها، محوطه آرایه‌ها، گیاهکاری و توپوگرافی‌های ویژه است. ویژگی‌هایی که این نوشتار از آنها به عنوان منظر شهری طبیعی نام می‌برد. در واقع بشر برای زندگی راحت نیازمند یک منظر شهری مطلوب است. این منظر شهری متشکل از محیط طبیعی و مصنوع است. محیط طبیعی در منظر شهری موهبتی است که به ما عطا شده، همچون منابع طبیعی که شامل کوه‌ها محیط سبز و رویه خاک مناسب جهت پوشش گیاهی است (پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۳۹). در واقع منظر شهری طبیعی شبکه‌ای منسجم و یکپارچه از جاذبه‌ها، زیست‌گاه‌ها و اکوسیستم‌های طبیعی در شهر هستند که توسط جریان‌های انتقالی و بینابینی (چون جریان‌ها و پهنه‌های نمادین، فرهنگی، کالبدی، عملکردی، خرد اقلیمی، جانوری و انسانی) با هم مرتبط هستند. به واسطه ارتباط بنیادین مفهوم بسیار پیچیده طبیعت با مفهوم منظر شهری طبیعی، طیف وسیعی از دیدگاه و نگرش‌های متفاوت در زمینه حضور طبیعت در سکونت‌گاه‌های انسانی مطرح شده‌است. دو نگرش کلی در این زمینه وجود دارد که در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و در دو سر این طیف قرار دارند. از یک سو نگرشی طبیعت را عاری از حضور انسان می‌ستاید و معتقد است «آنچه را انسان‌ها به آن دست بزنند خراب خواهد شد» (اسپیرن، ۱۳۸۴، ص ۹۹) و از سوی دیگر دیدگاهی مدافع حضور انسان در کنار طبیعت به عنوان حامی و حتی نجات بخش آن است. مطابق این





نمایه ۱. عناصر منظر شهری طبیعی و دیدگاه‌های متفاوت نسبت به آن؛ ماخذ: نگارندگان.

عوامل شکل‌دهی مورفولوژی و استخوانبندی اصلی شهر و عامل دوام و پایداری اکولوژی شهری هستند (دیناروندی و دیگران، ۱۳۹۱) در واقع یکی از بارزترین مولفه‌های طبیعی که همواره در منظر شهری موثر بوده‌اند، رود دره‌ها هستند. وجود دره‌های سرسبز، آب‌های جاری، کریدورهای هوای خنک کوهستانی و مناظر و چشم‌اندازهای بدیع و دیگر موهبت‌های طبیعی جایگاهی جذاب و هویت بخش را در اختیار توسعه شهر قرار داده است و این دره‌ها همواره یکی از مهم‌ترین

نگرش انسان می‌تواند با بالا بردن شناخت و درک خود از منظر شهری طبیعی و جلوگیری از تخریب روزافزون آن، نقش هدایتگری و محافظت از طبیعت را نیز به عهده بگیرد. در نمایه شماره ۱ عناصر منظر شهری طبیعی و دیدگاه‌های متفاوت نسبت به رابطه انسان و منظر شهری طبیعی تبیین شده است.

اما در بین عناصر منظر شهری طبیعی، رود دره‌ها جایگاه مشخص و قابل‌اعتنایی دارند. چراکه رود دره‌ها و باغ‌های شکل‌گرفته در محیط پیرامونی آنها یکی از مهم‌ترین

جدول ۱. رود دره‌ها در منظر شهری؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از منابع مختلف.

رود دره‌ها به عنوان عنصری از منظر شهری طبیعی			
تهدیدها	فرصت‌ها	الزامات قابل توجه	تاثیر در وجوه مختلف منظر شهری
<ul style="list-style-type: none"> ○ توسعه ساخت و ساز با تراکم زیاد در مجاورت رود دره‌ها ○ هدایت آب‌های سطحی و فاضلاب شهری و آلوده نمودن آب رود دره‌ها ○ تخلیه زباله در درون رود دره‌ها ○ تخریب و از بین بردن عناصر طبیعی در مسیر رود دره‌ها ○ امکان وقوع سیل و آب گرفتگی در اثر توسعه غیر اصولی بستر رود دره‌ها ○ عدم پیش بینی حریم مشخص برای بستر رود دره‌ها ○ بی توجهی به حفظ و احیای عناصر طبیعی موجود و در شرف نابودی بستر رود دره‌ها ○ عدم توجه به الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از بستر رود دره‌ها و عدم برنامه ریزی برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان در این فضاها 	<ul style="list-style-type: none"> ○ تامین منابع آب شیرین ○ کریدور طبیعی جریان آب و هوا ○ ایجاد فضاهای گردشگری و محل تجمعات برای مراسم مختلف ○ ایجاد مناظر و چشم اندازهای بدیع با تلفیق محیط طبیعی و عناصر انسانساخت ○ ایجاد فضاهایی برای ارتقا سطح تعاملات اجتماعی شهروندان ○ ایجاد فضاهایی برای کاهش استرس و فشار روحی شهروندان از طریق ایجاد ارتباط مطلوب با طبیعت ○ امکان دسترسی مناسب به وسیله سیستم حمل و نقل عمومی به محل قرارگیری رود دره‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> ○ استفاده عقلایی و پایدار از امکانات رود دره‌ها در زمینه ارتقای کیفیت محیط شهری. ○ ایجاد پیوندهای بصری و اکوسیستمی میان بافت‌های جداشده شهری از طریق معبر سبز و مشجر با کاربری‌های گذران اوقات فراغت. ○ قرارگیری رود در بستر طبیعی و در کنار هر محله و جلوگیری از تبدیل شدن آن به کانال فاضلاب. ○ استفاده از رود دره‌ها در برقراری پیوند بین بافت‌های شهری و به ویژه بافت مسکونی با طبیعت. ○ افزایش جاذبه‌های گردشگری شهری و بهبود کیفیت زندگی شهروندان ○ استفاده از تکنیک‌های احیا و برنامه‌ریزی اجرا طرح‌های ارتقا کیفیت رود دره‌ها ○ ارزیابی اثرات زیبایی شناختی، اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی رود دره‌ها بر بافت‌های شهری 	<ul style="list-style-type: none"> ○ زیبایی شناسی منظر شهری ○ خوانایی منظر شهری ○ به عنوان عنصر نمادین و هویت ساز در منظر شهری ○ خلق سکانس در منظر شهری ○ ارتقا گوناگونی منظر شهری ○ رفتار و فعالیت شهروندان ○ پایداری و تداوم اکولوژیکی منظر شهری ○ منظر شنیداری ○ ایجاد انسجام بین پهنه‌های سبز شهری ○ کاهش آلودگی‌ها در منظر شهری ○ ایجاد تعادل در فرآیند قطبی شدن منظر شهری ○ ارتقا تعاملات اجتماعی ○ حفظ گونه‌های گیاهی و جانوری در منظر شهری طبیعی ○ تعامل با خرد اقلیم و عنصر آب در منظر شهری



عناصر پیوند انسان، شهر و طبیعت در دامنه جنوبی البرز بوده‌اند. (پاسبان حضرت، ۱۳۷۹) این منابع ارزشمند دارای ویژگی کاملاً متمایز از سایر منابع طبیعی شهرها هستند. گسترش و نفوذ رود دره‌های شهری در میان بافت‌های شهری و در نتیجه دسترسی پذیری بالای آنها از جمله خصوصیات مهم این عنصر منظر شهری طبیعی می‌باشد.

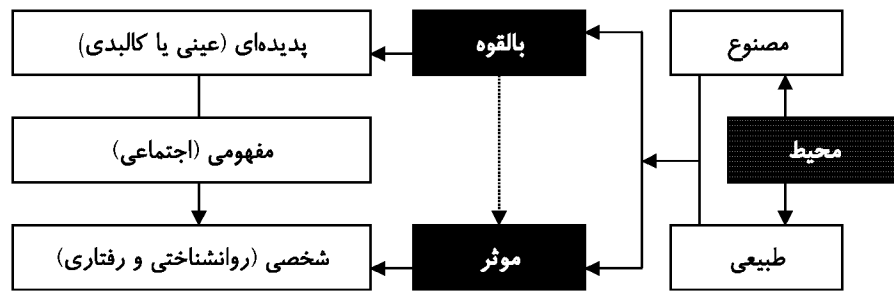
این ویژگی، برخلاف خصوصیات عناصر محیطی دیگر چون کوه‌ها، باغ‌ها، مرتع‌ها و جنگل‌ها می‌باشد که به دلایل روشن از دسترس بسیاری از شهروندان به دور هستند. به همین دلیل اهمیت این دره‌ها دیگر تنها در ارزش‌های طبیعی و محیطی آنها نهفته نیست، بلکه با گذشت زمان هر یک از آنها به سرمایه‌ای تاریخی، فرهنگی و زیست محیطی برای شهر تبدیل شده‌اند حال

آنکه در ساختار شهری و مدیریتی شهر مورد بی مهری و فراموشی قرار گرفته‌اند (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۸۷-۳۰۲). ترکیب عناصر طبیعی آب، خاک، صخره‌ها و گیاهان با یکدیگر و به اشکال گوناگون هنری در رود دره‌ها (به‌ویژه در رود دره‌های شهر تهران) جلوه‌های طبیعت بکر را یادآوری و آرامش خاصی به انسان می‌بخشد. متأسفانه در دهه‌های گذشته انسان بدون توجه به حفظ و نگهداری اکوسیستم‌های طبیعی و ارزیابی توان زیست محیطی منطقه با فشار بیش از توان محیط، به تخریب محیط طبیعی پرداخته و ادامه تداوم حیات طبیعی این نعمت‌های الهی را با مشکل مواجه ساخته است (بزرگی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳-۷۱). توجه به این مهم و ضرورت نگهداری از این عنصر منظر شهری طبیعی سبب شده است که در مبانی توسعه شهر تهران، استفاده از رود دره‌های شمالی- جنوبی شهر به منظور تمرکززدایی از مرکز و تراکم عملکردهای غیر مسکونی در پهنه‌ی محورهای پیوسته شمالی- جنوبی مد نظر قرار گیرد. همچنین تعدیل فرآیند قطبی شدن شمال- جنوب تهران با توزیع و استقرار عملکردهای عمومی در حاشیه رود دره‌ها و تجهیز مراکز شهری در مقیاس‌های متفاوت و پراکنش آنها در اطراف رود دره‌ها از جمله اصول اساسی توسعه شهر تهران شناخته شده است (بمانیان، ۱۳۸۷، ص ۱-۱۴). در جدول شماره ۱ نقش رود دره‌ها در شکل‌گیری منظر شهری، الزامات قابل توجه در این عناصر و مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی این عنصر منظر شهری طبیعی تدقیق شده‌است.

به نظر می‌رسد طرح مبحث زیبایی‌شناسی محیطی در منظر شهری و به‌ویژه در منظر شهری طبیعی و عناصر آن سبب می‌شود که ارزش‌های زیبایی‌شناسی از نمایشگاه‌های آثار هنری و تک بناهای معماری به فرم‌های طبیعی و محیط‌های انسان‌ساخت بزرگ مقیاس انتقال یابند؛ چرا که به گفته روس (rose, ۱۹۷۶) کیفیت‌های زیبایی‌شناسی محیط و تحسین‌گسترده آن‌ها به میزان زیادی توسط تئوری‌های زیبایی‌شناختی کنونی نادیده گرفته شده‌است. اگر فلسفه زیبایی‌شناسی نتواند به ما در درک واکنش‌مان نسبت به محیط کمک‌کند باید به طور حتم جهت خود را تغییر دهیم.

مفاهیم مرتبط با ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی واژه محیط دارای معانی گوناگونی است که امکان رسیدن به تعریفی واحد از آن را دشوار می‌کند. فرهنگ لغات آکسفورد در تعریف محیط آن را محدوده یا شرایطی تعریف می‌کند که هر پدیده یا موجودی در آن زندگی یا فعالیت می‌کند. (Hornby et al., ۲۰۰۷: ۵۱۱). همچنین فرهنگ لغات فارسی معین محیط را دربرگیرنده، احاطه‌کننده و جای زندگی آدمی معرفی می‌کند (معین، ۱۳۷۱، ص ۳۹۲۹). در واقع، فضای اطراف، اصلی‌ترین معیار تعاریف محیط است. بنابراین هر توصیف، تعریف یا تبیین ماهیت کارکرد محیط باید با توجه به چیزی در فضای اطراف باشد (لنگ، ۱۳۸۱، ص ۸۵). در باب تقسیم‌بندی انواع محیط با دو نوع محیط مواجه هستیم. اول محیط بالقوه برای رفتار انسان و دوم محیط موثر که فرد به آن توجه می‌کند و آن را مورد استفاده قرار می‌دهد. همچنین بسیاری از پژوهش‌ها بین محیط «کالبدی»، «اجتماعی»، «روانشناختی» و «رفتاری» تمایز قایل می‌شوند. محیط کالبدی شامل پهنه‌های زمینی و جغرافیایی، محیط اجتماعی شامل نهادهای متشکل از افراد و گروه‌ها، محیط روانشناختی شامل تصاویر ذهنی مردم و محیط رفتاری مجموعه عواملی است که فرد به آن واکنش نشان می‌دهد. آنچه در این تقسیم‌بندی بیش از هر چیز به دیده می‌آید، تفاوت میان جهان واقعی (حقیقی یا عینی) پیرامون انسان و جهان پدیدارشناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه، الگوهای رفتاری مردم را به واکنش و می‌دارد. علاوه بر این داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷) محیط مفهومی را مطرح می‌کند که آن را به مفاهیم محیط‌های پدیده‌ای (عینی) و شخصی (رفتاری) می‌افزاید.

در واقع منظور از محیط در بحث حاضر، همانا محیط عینی یا پدیده‌ای است. محیطی که پاکزاد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۴۵) آن را اینگونه تعریف می‌کند: محیط به هر آنچه در پیرامون وجود دارد و به‌صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. هر چند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط تمامی اطلاعاتی است که از پیرامون ما، ارسال می‌گردند. این اطلاعات می‌تواند از محیط طبیعی



نمایه ۲. تقسیم بندی انواع محیط؛ ماخذ: نگارندگان.

هر آنچه در طبیعت است و بدون دخالت انسان به وجود آمده) یا محیط مصنوع (آنچه ساخته دست انسان است) ارسال گردد. (نمایه شماره ۲)

از سوی دیگر لغت زیباشناختی (استتیک) در اصل یونانی و به معنی ادراک است. از قرن هجدهم میلادی مفهوم زیبایی بیشتر جنبه روانشناسانه به خود گرفت. زیبایی در ارتباط با ادراک دیده شده و بیننده جزئی از این مجموعه به حساب آمد. «الکساندر گوتلیب باومگارتنر» از مفهوم زیباشناختی به عنوان مفهومی به موازات علم الاخلاق و منطق استفاده نمود. نقشی را که عقل در علم الاخلاق داشت سلیقه در زیباشناختی به دست آورد و سلیقه، احساس و ادراک بار دیگر در علم زیبایی شناسی راه یافتند. به این ترتیب زیباشناختی در قرن بیستم به صورت فلسفه و دانش تمامی نمودهای زیبایی شد. در واقع زیبایی شناسی معمولاً با طبیعت، معنا و تحسین هنرهای زیبا مانند نقاشی، مجسمه ساز، موسیقی، تئاتر و احتمالاً معماری ارتباط دارد. (بل، ۱۳۸۶، ص ۸۸)

بی شک یکی از نمودهای اصلی زیبایی شناسی در محیط پیرامون انسان رخ می نماید. زیبایی شناسی محیطی با زیبایی شناسی هنر تفاوت دارد، هر چند ارتباطاتی نیز بین آن ها یافت می شود اما زیبایی شناسی محیطی تجربه خصوصیات ادراکی و احساسی محیط با استفاده از تمامی حواس است. در این دیدگاه، علم زیباشناسی به معنی وسیع کلمه به بررسی و روشهای احساس و ادراک محیط و موقعیت فرد در داخل آن می پردازد. چراکه انسان از محیط جدا نیست و قسمتی از یک کل با اجزای مربوط به هم است. در واقع تجربه زیبایی شناسی محیطی ماهیتی کاملاً ادراکی دارد هر چند عوامل غیر

ادراکی نیز تجربه را کامل کرده و تحت تاثیر قرار می دهند. این موضوع به زیبایی شناسی محیطی این حق را می دهد که به عنوان یکی از عوامل مهم زندگی انسان مورد توجه قرار گیرد. در واقع زیبایی شناسی محیطی پیوند چندحسی و فراگیر با محیطی است که انسان از اجزای طبیعی آن است. هنگامی که احساسات زیبایی یا تعالی در حد بالایی باشد، تجربه زیبایی شناسی محیطی می تواند بسیار قوی و دارای تحریکات ذهنی ارزشمندی باشد. زیبایی محیطی می تواند احساس لذتی روزمره و معمولی در اطرافمان باشد که بیشترین حد آن در محیطی با کیفیات همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن است (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳-۱۲۵).

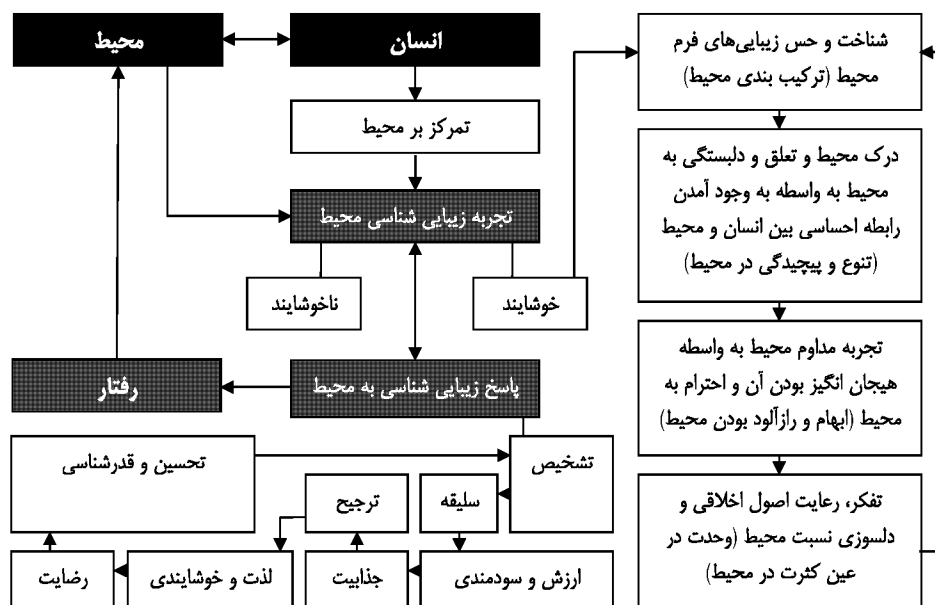
با توجه به آنچه گفته شد می توان اذعان کرد که زیبایی شناسی محیطی درصدد فراهم کردن چارچوبی است که بر اساس آن بتوان ارزش های کیفی و کمی محیط طبیعی و مصنوع را مورد نقد، بررسی و سنجش و آزمون قرار داد. در واقع درک و تحسین زیبایی محیط توسط انسان ها می تواند پایه و اساس مشترکی برای نجات انسان ها و سایر مخلوقات در محیط باشد (پورتیوس، ۱۳۸۹، ص ۱۲).

از آنجا که محیط پیرامون انسان در کلی ترین نگاه به محیط طبیعی و محیط انسان ساخت تقسیم می شوند، زیبایی شناسی محیطی نیز به عنوان زیبایی شناسی معطوف به محیط به زیبایی شناسی محیط انسان ساخت (فرآیند و روش های احساس و ادراک محیط انسان ساخت و تبیین موقعیت فرد در آن) و زیبایی شناسی محیط طبیعی (فرآیند و روش های احساس و ادراک محیط طبیعی و تبیین موقعیت فرد در آن) تقسیم می شود. در واقع زیبایی شناسی محیطی تنها ادراک

متوالی اشیای متفاوت نیست بلکه درک این موضوع است که چگونه الگوی محیط به عنوان یک کل دارای وحدت و همبسته درک شود. در زیبایی شناسی محیطی حس کلی زیبایی و و تعالی بیشتر به خصوصیات کلی بستگی دارد تا خصوصیات اجزای محیط. (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵-۱۱۶) از زیبایی شناسی محیطی به فرآیند «نائل شدن» به «بودن» در محیط (در تقابل با «داشتن» محیط) تعبیر می شود. یعنی برخورداری از کیفیت زندگی (بودن در محیط) به جای استاندارد زندگی (داشتن محیط) از طریق توجه به کیفیت محیط (انجام دادن اعمال صحیح در محیط). فرآیند نائل شدن از داشتن به معنای انباشته شدن دارایی های مادی (که اغلب به طور متناقض باعث فقر در زندگی می گردد) که مستلزم برخورداری از میزان بالایی از لذات نازل است آغاز شده و به سمت بودن یعنی جایی که برخورداری از دارایی های زیباشناسانه غیر مادی ارزش است در حرکت دائمی است. دارایی هایی که کیفی و پیچیده هستند مانند آثار هنری، هوای پاک، لذت خلاقیت و تجربه محیط های بکر. در زیبایی شناسی محیطی عامل طبقه اجتماعی در فرآیند نائل شدن به بودن نقشی غیر قابل انکار دارد. هر چند که در آغاز هزاره جدید میلادی بخش عظیمی از شهروندان کشورهای

بیشتر توسعه یافته از توجه صرف به استاندارد زندگی پارا فراتر نهاده و با مسائل مربوط به کیفیت محیط زیست طبیعی و مصنوع روبه رو شده اند و به سوی بودن در محیط در حرکت هستند. همچنین زیبایی شناسی محیطی شباهتی آشکار با سلسله مراتب مشهور نیازهای انسانی دارد که حدود یک نسل پیش توسط مازلو، روانشناس انسان گرا، مطرح شده است. هدف مازلو هموار کردن حرکت فردی و اجتماعی به سمت قسمت بالای هرم نیازهای انسانی، یعنی اوج به ثمر رسیدن خلاقیت است (پورتیوس، ۱۳۸۹، ص ۱۸-۲۴).

پانتر با پذیرش این نکته که طبق بندی در حوزه زیبایی شناسی محیطی مشکل است، ۳ پارادایم اصلی در حوزه زیبایی شناسی محیطی مطرح میکند. پارادایم اول، یعنی ادراک منظر بر روی ساز و کار این مطلب تمرکز می کند که ما چگونه بر اساس ارتباط بین ادراک، فهم، ترجیح و اقدام منظر را درک می کنیم. در پارادایم دوم یعنی درک و تحسین منظر، معنا برجسته شده است و بیشتر به صورت کیفی با منظر به عنوان عاملی برای بیان فرهنگ، سبک زندگی و ارزش ها سروکار دارد. پارادایم سوم که به عنوان رویکرد منظر یا کیفیت بصری شناخته می شود یک رویکرد زیبایی شناسی تجربی است که با



نمایه ۲. تقسیم بندی انواع محیط؛ ماخذ: نگارندگان.

کیفیت‌های حسی - زیبایی شناسی رسمی سروکار دارد، به ویژه منظر شهری، که مستقیماً در برنامه ریزی و طراحی شهری کاربرد دارد. (punter, ۱۹۸۲, p ۱۰۲). همچنین پورتیوس با در نظر گرفتن دو معیار دقت و ارتباط، چهار رویکرد واضح اما در هم تنیده در تحقیقات زیبایی شناسی محیطی تشخیص داده‌است. این پارادایم‌ها طیف متنوعی دارند. در یک سو رویکرد انسان‌گرایانه یا لغوی که بر لایه سطحی مسائل و در عین حال بر جنبه‌های شهودی و جستجوی قوانین جهان شمول تاکید دارد که در نتیجه باعث اجتناب از رابطه بی‌درنگ با عمل‌گرایی محیطی می‌شود. در سوی دیگر اندیشه‌ای که نهایت رابطه را طالب است و در قالب فعالان زیست محیطی شخصیت می‌یابد (با شعار همین حالا اقدام کنید) و در طرف دیگر نهایت دقت دانشمندان تجربه‌گرایی علوم اجتماعی (با شعار: قبل از آنکه دنیا را تغییر دهیم باید ابتدا آن را بفهمیم) قرار دارند. همچنین برنامه‌ریزان محیطی (مدیران، طراحان، سیاست‌گذاران و ...) که با مسائل ناگهانی مواجه می‌شوند و در حال حاضر و معمولاً موضعی علمی و توأم با دقت دارند و یا آموزش‌های علوم اجتماعی را گذرانده‌اند در میانه طیف مذکور قرار می‌گیرند. (پورتیوس، ۱۳۸۹، ص ۲۸-۳۰) در همین زمینه بل معیارهای زیبایی شناسی محیط را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- تنوع و پیچیدگی که باعث تحریک حواس، کنجکاوی و تخیل، احساس اشتیاق و لذت‌کشف می‌گردد؛
- ۲- ترکیب بندی که چه در طبیعت و چه در آثار هنری و یا محیط‌کالبدی از عوامل پیدایش فرم زیباست؛ و
- ۳- ابهام که یکی از ویژگی‌های ادراکی است چه در عرصه طبیعت یا اثر هنری یا کالبدی موجب انگیزش و تنوع عواطف می‌گردد (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲).

در واقع چارچوب زیبایی شناسی محیطی، حاصل تعامل همه جانبه، دو طرفه و مداوم انسان با محیط و به تبع آن محصول بر هم کنش دو طرفه تجربه زیبایی شناسی محیط از سوی انسان با پاسخ زیبایی شناسی انسان به محیط است. این چارچوب چهار بعد، وجه یا زیر مجموعه اصلی دارد. بعد اول در لذت بردن از مناظر و حس زیبایی‌های فرمی منظر شهری خلاصه می‌شود. (با

حواس پنج‌گانه سروکار دارد) بعد دوم دلبستگی، تعلق و عشق به محیط می‌باشد. (احساس) بعد سوم بحث معنویت و احترام به محیط است. (تجربه و هیجان) و در نهایت بعد چهارم بحث لزوم رعایت اصول اخلاقی در برخورد با محیط و دلسوزی برای محیط زیست طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی است. (فکر و ذهن) (نمایه شماره ۳) با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد شناخت و تحلیل یکپارچه بستر باعث تحکیم و تنظیم پیوند انسان و طبیعت شده و احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رودرده‌ها (به عنوان عنصری از منظر شهری طبیعی) را به دنبال خواهد داشت.

روش‌های شناخت و ارزیابی الگوهای طبیعی در منظر شهری

گفته شده است که ساختار منظر شهری، حاصل توزیع هم بسته لکه‌ها و کریدورها در بستر ژئودزیک شهر است که ویژگی‌های این مولفه‌های طبیعی مبین وضعیت ساختاری آن می‌باشد (پاوری و دیگران، ۱۳۸۳)؛ از اینرو بوم‌شناختی منظر شهری طبیعی، مطالعه و استفاده از اطلاعات مربوط به الگوها و فرآیندهای اکولوژی و چگونگی تداخل آن‌ها با شکل زمین (در اینجا منظر شهری) در مقیاس مختلف است (بل، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴-۲۷۳) این الگوهای طبیعی در منظر شهری می‌توانند شامل توپوگرافی، پوشش و جنس زمین، آبراه‌های سطحی و زیرزمینی، مسیل‌ها و حاشیه رودخانه‌های فصلی و دائمی، نوع خاک، شیب‌های تند، جنگل‌ها و درختزارها، گونه‌های گیاهی و جانوری، نوع اقلیم و آب و هوا و ... باشند. روش‌های گوناگونی برای شناخت و ارزیابی الگوهای طبیعی وجود دارد. چرا که همواره شرایط محیطی تعیین‌کننده روش‌شناسی می‌باشد و نمی‌توان از قبل، روش‌شناسی خاصی را برای انجام مطالعه‌ای خاص، بدون بررسی‌های اولیه منطقه مطالعاتی، در نظر گرفت. در جدول شماره ۲ برخی از مهم‌ترین روش‌های شناخت و ارزیابی منظر طبیعی معرفی شده است.



جدول ۲. روش‌های شناخت و ارزیابی الگوهای طبیعی در منظر شهری؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از (بهرام سلطانی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱-۱۷۹) (شفیعی، ۱۳۸۰)، (شفیعی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۴)

نام روش	مفهوم و چگونگی عمل
جغرافیای گیاهی	این روش زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مقیاس مطالعات کلان باشد. در این روش سلامت رویش طبیعی و دست‌نخورده‌گی آن یکی از پیش‌فرض‌های اولیه به شمار می‌آید. هرچند در اینجا رویش طبیعی نقش اصلی را ایفا می‌نماید، لیکن می‌بایست به بررسی سایر عوامل بیجان و جاندار نیز توجه کامل نمود. سلسله مراتب مطالعات (سلسله مراتب اکولوژیک) همواره به صورت زیر است: شناخت اقلیم با کلیه ویژگی‌های آن، شناخت آب‌های سطحی و زیرزمینی و کلیه ویژگی‌های آن، شناخت ساخت زمین‌شناسی و کلیه ویژگی‌های آن، شناخت پوشش خاک و کلیه ویژگی‌های آن، شناخت ساخت توپوگرافیک و واحدهای کلان فیزیوگرافیک. در این روش تحلیلی از چگونگی روابط متقابل عوامل بیجان با یکدیگر ارائه شود. این تحلیل به درک هرچه بهتر چگونگی تکامل عوامل جاندار-رویش طبیعی و حیات‌وحش یا به طور کلی اجتماع زیستی-کمک می‌نماید. سپس بر مبنای این تحلیل است که، می‌توان روابط سیستمیک موجود میان اجزا تشکیل‌دهنده سیستم اکولوژیک مورد مطالعه را شناسایی و در نهایت به ساخت «مدل اکوسیستم» منطقه مبادرت نمود. مدل باید توانایی نشان دادن امکانات، محدودیت‌ها و قابلیت‌های محیط را دارا باشد. با تکیه بر مدل اکوسیستم منطقه، برنامه‌ریزان می‌توانند به سهولت دریابند که، توانایی محیط برای بارگذاری تا چه میزانی است و اگر قرار باشد که، برنامه‌ریزی و در پی آن طراحی سازگار با محیط به انجام رسد، مدل تهیه شده بهترین مبنا برای حرکت در این زمینه می‌باشد.
ناحیه‌شناسی گیاهی	ناحیه گیاهی محدوده‌ای است که در درون یک منطقه گیاهی قرار گرفته- لذا از آن کوچکتر است- و خود را از طریق رویش طبیعی و اجتماع گیاهی ویژه، از سایر نواحی گیاهی متمایز می‌سازد. قاعده مربوط به اصالت رویش در اینجا نیز رعایت می‌گردد. به بیان دیگر و به طور خلاصه، نخست باید اطمینان حاصل نمود که، ناحیه گیاهی انتخاب شده، از رویش طبیعی خاص خود برخوردار بوده و اجتماعات گیاهی مهاجم یا Invasive ریشه‌های اصلی را اشغال ننموده‌اند. در این صورت می‌توان، برای گام نخست، ناحیه گیاهی را به عنوان محدوده برنامه‌ریزی برگزید. سایر مراحل مانند مراحل روش جغرافیای گیاهی صورت می‌گیرد.
جامعه‌شناسی گیاهی	در طبیعت گیاهان نه به تنهایی و به صورت مستقل، که در اجتماع و با گونه‌های هم‌نوع و دیگر گونه‌های گیاهی زندگی کرده و از این طریق «اجتماعات گیاهی» را تشکیل می‌دهند. بررسی گونه‌ها و ترکیب آنها، ساختار اجتماعی، علل شکل‌گیری اجتماعات در رویشگاهی خاص، توزیع و پراکندگی فضایی این اجتماعات گیاهی و بسیاری دیگر از این قبیل در زمره اهداف جامعه‌شناسی گیاهی می‌باشد. در مورد استفاده از روش جامعه‌شناسی گیاهی جهت انجام تقسیمات فضایی، می‌بایست به چند نکته توجه نمود: توجه به اصالت رویش، به دلیل زمان‌بر بودن تحقیقات جامعه‌شناسی گیاهی (حداقل یک سال) و پیشینه بسیار ضعیف آن در ایران، تنها در شرایط خاص- برای مثال وجود پوشش گیاهی بسیار متنوع در محدوده مطالعاتی- می‌توان از آن استفاده نمود و استفاده از این روش تنها برای پروژه‌های کوچک مقیاس توصیه می‌شود.
ژئومرفولوژیک	یکی از روش‌های مرسوم در مطالعات محیط‌زیست با هدف انجام تقسیمات فضایی و نیز برنامه‌ریزی استراتژیک است. زمانی که از منظر محیط به عنوان یکی از عوامل طبقه‌بندی و تیپ‌بندی فضایی بیوسفر استفاده می‌شود، الزاماً می‌بایست شکل زمین نیز به عنوان بازتابی از فرآیند تکامل چشم‌انداز طبیعی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. در چارچوب این روش، منظور از شکل زمین عبارت است از ساختار پیکربندی زمین، پوشش خاک (پدوسفر) و لایه زیرین آن (لایه هوا دیده و تخریب فیزیکی شده، سنگ مادر) و ویژگی‌های سنگ‌شناختی منطقه مطالعاتی. شکل زمین از طریق حضور خود به



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

<p>عنوان عامل تنظیم کننده (در مفهوم سیستم آنالیز) بودجه چشم‌انداز عمل می‌نماید. شکل زمین به تشکیل سری خاک‌ها یا Catene (خاک‌های هم سن که از سنگ مادر مشابه و در شرایط اقلیمی یکسان به وجود آمده، ولی عوارض طبیعی و زهکشی آنها متفاوت است) کمک کرده، تفکیک فضایی حوزه‌های آبی را مشخص می‌سازد، بر میکرو کلیما موثر افتاده که این عامل خود مجدداً بر بودجه آبی حوزه‌ها تاثیر گذاشته و عامل اخیر در هدایت، توزیع و گسترش عوامل جاندار نقشی جدی ایفا می‌نماید. کارکردهای ذکر شده درباره شکل زمین در قالب واحدهای فضایی هر یک دارای محتوایی متفاوت می‌باشند، در محیط بازتاب می‌یابند.</p>	
<p>حوزه‌ها و زیرحوزه‌های آبی نیز می‌توانند مبنای تقسیمات فضایی قرار گیرند. اکثر مطالعاتی که در ایران به انجام رسیده است، خصوصاً در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی، بر همین اساس صورت گرفته است. آنچه در مطالعات ایرانی مورد توجه قرار نگرفته، ویژگی‌های یکپارچگی حوزه است و به همین سبب در نتیجه اجرای برخی از طرح‌ها و پروژه‌ها آسیب‌های جبران‌ناپذیر بر وضعیت زیست‌محیطی حوزه یا زیرحوزه‌های آبی وارد آمده است. تا جایی که به تقسیمات حوزه‌ها و زیرحوزه‌های یک حوزه کلان برمی‌گردد، روش رایج استفاده از یال ارتفاعات جهت تعیین محدوده حوزه‌ها می‌باشد. سایر مراحل مطالعاتی مانند گذشته، با بررسی عوامل بیجان و جاندار شروع و به تحلیل اکولوژیک محیط منتهی می‌شود. نکته مهم و قابل توجه در اینجا، ضرورت ادراک فضای برنامه‌ریزی و طراحی به عنوان فضا و محیطی یکپارچه است. تحقق این ضرورت نیازمند تغییر نگاه مهندسی، از مهندسی خطی، تک‌ساختی و بخشی و تبدیل آن به نگاه و شیوه تفکر سیستمیک و همه سو نگر است. مبنای نقد مهندسی تک‌ساختی را می‌توان در سرفصل‌های زیر خلاصه نمود: عدم توجه به ساختار سیستمیک بیوسفر زمین، عدم توجه به ساختار اکولوژیک حوزه آبی، عدم توجه به عوامل طبیعی به عنوان زیرسیستم‌های اکوسیستم حوزه، عدم توجه به روابط متقابل میان عوامل تشکیل‌دهنده ساختار اکولوژیک حوزه، عدم توجه به رسمیت نشناختن کاربری‌های طبیعی.</p>	<p>مبتنی بر سازماندهی و مدیریت یکپارچه حوزه‌های آبی</p>
<p>بنیان‌گذاران بیوم‌شناسی تحت عنوان بیوم، رویشگاه مستقر در یک فضای طبیعی خاص، به انضمام کلیه گونه‌های جانوری وابسته به آن را مد نظر قرار می‌دادند. در تعریف بیوم گفته شده است زمانی که منظورمان فقط اجتماع گیاهی است، از اصطلاح فرماسیون و زمانی که هم اجتماع گیاهی و هم اجتماع جانوری وابسته به آن است، از اصطلاح بیوم استفاده می‌کنیم. بر این مبنا اصطلاح بیوم دلالت بر وجود یک اجتماع زیستی کلان دارد. در مناطق مختلف، اقلیم‌های منطقه‌ای با موجودات زنده و بستر زیست آنها در کنش و واکنش هستند که در نتیجه آن واحد بزرگی از اجتماع‌های زیستی به نام بیوم به وجود می‌آید. از آنجا که شکل رویش پوشش گیاهی از یک طرف اختصاصات مهم اقلیم و از طرف دیگر ماهیت ساختمانی بستر زیست جانوران را مشخص می‌سازد، می‌تواند به عنوان وسیله‌ای منطقی برای رده‌بندی سیستم‌های اکولوژیک مورد استفاده قرار گیرد.</p>	<p>بیوم‌شناسی</p>
<p>ارزیابی توان اکولوژیک یکی از روش‌های ارزیابی سرزمین به منظور تعیین توان طبیعی آن است. در این روش، کلیه منابع اکولوژیکی با مشخصه‌های سطحی یا نزدیک به کره سرزمین (شیب، خاک و پوشش گیاهی) به صورت دو بعدی تعیین می‌شوند و به سختی منعکس کننده آنچه به واقع روی زمین وجود دارند، می‌باشند. به منظور تکمیل این روش و در نظر گرفتن ارتباط بین واحد ها و تطبیق خروجی ها با واقعیت، از روش ارزیابی و تحلیل منظر (سیمای سرزمین) استفاده می‌شود. در این روش کلیه منابع و مشخصه‌های طبیعی و انسانی یک جا در نظر گرفته می‌شود و کار تحلیل و تفسیر بر اساس شناخت عناصر ساختاری منظر (لکه ها و دالان ها و ماتریس) و لکه بندی و آرایش آن ها، به صورت تحلیل فضایی (سه بعدی) انجام می‌گیرد.</p>	<p>ارزیابی توان اکولوژیک</p>



<p>سنجش و ارزیابی سلامت بوم شناسی باید بخش اساسی در طراحی پروژه های بزرگ مقیاس مرمت منظر باشد. فاکتورهای اصلی در «ارزیابی جامع سلامت بوم شناسی» منظر شامل موارد زیر است: تنوع گونه ها: عموماً منظر سالم ظرفیت حمایت از رده های کامل و تعریف شده از گونه های گیاهی و جانوری را داراست. پویایی: منظر بوم شناسی که بستری برای جابه جایی گونه های متنوع خود باشد و همچنین قدرت بازسازی خود را پس از ایجاد آشفتگی در آن داشته باشد. باروری: منظر بوم شناسی سالم تنوعی از گونه ها و رده های مختلف باروری را ایجاد می کند. بهینه سازی: مناظر بوم شناسی سالم عموماً آب، خاک، مواد مغذی (و انرژی) را در خود حفظ و ذخیره کرده و به کندی این منابع را در طبیعت رهاسازی می کنند. ارزش های حیاتی طبیعی: اکوسیستم ها طبیعی دارای ذخایر ژنتیکی، رفتاری و دیگر ویژگی های پایداری هستند. در این میان ارزش های حیاتی طبیعی می توانند به شکل تکه ای چوب برای استفاده ی انسان یا موریانه ظاهر شوند، آب پاک برای آبزیان و انسانها، چرخه ی اکسیژن و هوای پاکیزه برای تنفس نیز نمونه هایی از ارزشهای حیاتی طبیعی منظر هستند.</p>	<p>ارزیابی سلامت اکولوژیکی</p>
<p>در این چارچوب، هم پیامدهای اکولوژیک و هم آثار اجتماعی و اقتصادی سیاستها، برنامهها و طرحها مورد بررسی قرار می گیرند. هدف استفاده از این ابزار توجه به جنبه های محیط زیستی به هنگام تدوین سیاستها، برنامهها و طرحها، هم تراز با جنبه های اجتماعی و به ویژه اقتصادی می باشد. ارزیابی استراتژیک محیط زیست نوعی فرآیند محسوب می شود که از سلسله اقدامات متوالی تشکیل یافته است؛ ارزیابی گزینه های مختلف برای هر یک از برنامهها و طرحها، تهیه گزارش محیط زیست، اعلام تصمیم نهایی و پایش، جملگی از اجزاء اصلی ارزیابی استراتژیک محیط زیست محسوب می شوند. به ویژه مشارکت لایه های اجتماعی صاحب نظر و متخصصین بی طرف، نشان دهنده ابعاد دموکراتیک این شیوه تصمیم گیری می باشد. این فرآیند، به طور بسیار خلاصه از مراحل زیر تشکیل یافته است: غربال یا Screening: تبیین ضرورتها و الزامات انجام SEA. تعیین عمق، دامنه مطالعات و محدوده مطالعات یا Scoping: تشریح و تعیین محدوده مطالعاتی. تدوین «گزارشات محیط زیست» توسط «نهاد مجری طرح» پایش یا Monitoring: نظارت بر اثرات ناشی از اجرای برنامهها و طرحها، مشاوره: معرفی و تشریح طرح، گزارش محیط زیست و سایر اسناد طرح برای عموم و نهادهای مرتبط با محیط زیست و ادغام نظریات نهادهای مرتبط با محیط زیست و جامعه در تدوین برنامه نهایی.</p>	<p>ارزیابی استراتژیک محیط زیست</p>

زیستی، پتانسیل های گردشگری و تفریح را برای این محدوده فراهم ساخته است. در بخش قدیمی محله دارآباد مهاجرپذیری و توسعه ساخت و سازها به صورت رسمی و غیررسمی و غیرمجاز مشاهده می شود. بسیاری از مجتمع های مسکونی جدید نیز بدون توجه به فرم طبیعی زمین و ظرفیت معابر اطراف ساخته شده یا در حال ساخت می باشند. پیشروی ساختمانها تا لبه رودخانه و دره سبب شده که فرصت استفاده از پتانسیل گردشگری در حاشیه رودخانه و دره با مشکل مواجه شود. بستر رود دره دارآباد به ۳ لکه اصلی کوهستانی- طبیعی، نیمه شهری- طبیعی و شهری- طبیعی تقسیم می شود. رود دره دارآباد در تمامی بخشها (کوهستانی، طبیعی و نیمه شهری و شهری) دارای پوشش گیاهی مناسب است. بر اساس

تحلیل ارزشهای زیبایی شناسی محیطی رود دره دارآباد تهران عناصر اصلی بستر رود دره دارآباد شامل محور رودخانه، ارتفاعات، کوه، دره و تپه های دارآباد و لکه های طبیعی مربوط به آن، پوشش های گیاهی رودکناری و منظر طبیعی بکر و منظر شهری طبیعی پیرامون رودخانه، هسته روستایی و شهری سکونتی، بیمارستان مسیح دانشوری، پهنه درشت دانه نظامی، محور حرکتی پورابتهاج، فضاهای خالی و دست نخورده و باغها و لکه های سبز قدیمی هستند. ارزیابی الگوهای محیط طبیعی و انسان ساخت در محدوده رود دره دارآباد نشان می دهد که ارزشهایی چون بافت مسکونی ارگانیک، باغها و فضای سبز، وجود عناصر طبیعی رودخانه و فضای سبز و باز کوهستانی علاوه بر مزایای محیط

تحلیل وضع موجود	امکانات و فرصتها	محدودیت‌ها و تهدیدها
<ul style="list-style-type: none"> ○ وجود سه قطعه غیر همگن (کوهستانی، رود دره‌ای و فلات کاملاً شهری شده) از نظر ویژگی‌های زیستی، غیر زیستی و فرهنگی. ○ وجود پوشش‌های گیاهی طبیعی و انسان‌ساز. ○ تغییر شکل رودخانه و آلوده شدن فراوان آن در بخش جنوبی (شهری). ○ تغییر شکل و مسدود شدن حاشیه رودخانه در اثر ساخت‌وساز بی‌رویه. ○ تمرکز پوشش گیاهی متراکم‌تر در قطعات شمالی محدوده مورد مطالعه. ○ تمرکز ساخت و سازها در قطعات جنوبی. ○ وجود مناظر طبیعی، نیمه‌طبیعی و شهری در حاشیه رودخانه. ○ تغییر سیمای منظر حاشیه رودخانه و افزایش آلودگی‌ها و مناظر ناخوشایند از شمال به جنوب. ○ تغییر سیمای طبیعی حاشیه و کف رودخانه با تبدیل شدن آن به کانال در بخش جنوبی سیمین قلعه (بدنه و کف بتونی). ○ تخریب و خشک شدن باغات حاشیه رودخانه به دلیل عدم توجه و رسیدگی. ○ دفع فاضلاب‌های شهری و زباله در رودخانه و حاشیه آن. ○ عدم وجود مسیر پیاده پیوسته در حاشیه رودخانه بخصوص در 	<ul style="list-style-type: none"> ○ برخورداری از پوشش گیاهی و دید مناسب به کوه و رودخانه به‌ویژه در قطعات شمالی. ○ وجود جاذبه‌ها و مناظر طبیعی مانند قطعات سبز طبیعی، آبشار، دره، کوه و ○ ترکیب مناظر دره‌ای و کوهستانی در دیدهای جنوب به شمال. ○ وجود قطعات باقیمانده باغ‌ها در حاشیه جنوبی رودخانه. ○ وجود مناظر متنوع با ترکیب درختان و دره به‌خصوص در قطعات شمالی. ○ وجود فضاهای باز باقیمانده در غرب و بالاخص شرق حاشیه رودخانه در بخش مسکونی. ○ بکر و دست نخورده بودن رودخانه در حاشیه شمالی. ○ وجود آب کافی (رودخانه) در بیشتر فصول سال جهت توسعه فضای سبز. ○ وجود مصالح بومی و طبیعی جهت کاربرد در توسعه فضاهای باز و نماسازی. ○ وجود خاک مناسب به عمق کافی جهت توسعه فضای سبز. ○ وجود گیاهان بومی مناسب جهت تکثیر و استفاده در توسعه فضای سبز. ○ وجود پتانسیل گردشگری و شرایط تفریح ○ حضور رودخانه، چشمه، کوه و دره با دید خوب به سمت شهر. ○ حضور بخشهای بکر و دستنخورده ○ وجود خاک مناسب جهت درختکاری ○ وجود آب شیرین ○ تنوع شرایط محیطی با توان و تناسب متنوع ○ دسترسی نسبتاً خوب محلی و شهری ○ امکان ایجاد مسیر پیاده در دو طرف رودخانه 	<ul style="list-style-type: none"> ○ تبدیل رودخانه به کانال و از بین رفتن منظر طبیعی حاشیه و دره در قسمت جنوبی. ○ توسعه ساخت‌وسازها تا لبه رودخانه و محدود شدن دید و دسترسی به حاشیه رودخانه. ○ انباشت زباله در حاشیه رودخانه و کاهش ارزش کیفیت بصری. ○ ریخته‌شدن پساب ساختمان‌ها به رودخانه و کاهش ارزش بصری و کیفی منظر. ○ دیوارسازی و بسترسازی نامطمئن و ناهماهنگ با منظر طبیعی و تخریب حاشیه طبیعی رودخانه. ○ بی‌توجهی به نمای ساختمان‌ها از سمت مشرف به رودخانه. ○ افزایش آلودگی آب رودخانه و کاهش حجم آب آن، تیرگی و گل‌آلود شدن آب و کاهش ارزش بصری و روان‌شناختی آن. ○ اغتشاش خط آسمان از جهات گوناگون شرق به غرب، غرب به شرق و جنوب به شمال. ○ عدم توجه به <i>Land mark</i> های طبیعی و مصنوعی در بافت مسکونی. ○ بی‌هویتی ساخت و سازهای جدید. ○ حضور آلودگی‌های جامد و مایع ○ حضور مالکیت خصوصی و تعدی به حریم رودخانه ○ شرایط تهویه محدود در درون مسیل به خصوص در طی زمستان و شب‌ها ○ تهاجم توسعه شهری ○ حضور شرایط سانحه خیزی نظیر سیل ○ تغییر و تخریب شکل زمین، گیاهان و محیط و منظر



<p>○ نامشخص بودن حریم رودخانه و عدم رعایت قوانین و ضوابط مربوطه</p> <p>○ روند فزاینده تخریب و تغییر شکل اراضی کوهستانی و دره‌ای از شمال به جنوب</p> <p>○ وجود محدودیت‌های طبیعی مانند رخنمون‌های سنگی فرسایش خاک، شیب زیاد و عمق کم خاک در بعضی از قسمت‌های محدوده مورد مطالعه.</p> <p>○ برهم خوردن بافت و ترکیب خاک در قسمت شهری رود دره به دلیل ریختن زباله و پساب و نامناسب شدن آن جهت رشد گیاه</p> <p>○ آلوده شدن آب رودخانه در اثر ریختن زباله و پساب بخش شهری</p> <p>○ عدم رعایت حریم مناسب جهت ساخت و ساز در بخش شهری و از بین رفتن پوشش طبیعی رودکناری</p> <p>○ مالکیت خصوصی باغهای با ارزش رود دره در بخش شهری و عدم رسیدگی مالکین به این باغها</p> <p>○ عدم تناسب در دید و منظر عمومی درختکاری شده به واسطه تکرار یکنواخت و کسل کننده سوزنی برگان بویژه سرو نقره‌ای.</p>	<p>○ وجود دامنه‌های آفتابگیر و سایه‌دار</p> <p>○ آسایش اقلیمی برای پیاده‌روی در اکثر ساعات روز</p> <p>○ کیفیت مطلوب دید و منظر در ارتباط با شهر، کوه، دره و رودخانه</p> <p>○ وجود عرصه‌های درختکاری تازه کاشت نسبتاً گسترده با سیستم آبیاری قطره‌ای در بخش کوهستانی (توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور)</p> <p>○ وجود جوامع درختی رودکناری با درختان با ارزش بید، صنوبر، چنار، عرعر و زبان گنجشک.</p> <p>○ وجود باغهایی با درختان ماندگار فضای سبز نظر چنار، گردو، توت، انجیر و کاج.</p> <p>○ وجود اراضی باز بدون کاشت هم در پهنه طبیعی و هم در پهنه شهری</p> <p>○ امکان استفاده از روشهای مختلف جهت تثبیت خاک اراضی شیبدار و بدون کاشت دره</p> <p>○ امکان ایجاد باغ‌های سنگی در برخی عرصه‌های محدوده مورد مطالعه</p> <p>○ وجود آب و خاک مناسب جهت توسعه فضای سبز و پوشش گیاهی</p> <p>○ وجود گونه‌های بومی مناسب جهت توسعه پوشش گیاهی محدوده مورد مطالعه</p>	<p>قسمت شهری.</p> <p>○ بخش شهری به دلیل ساخت و ساز بی‌ضابطه تا حریم رودخانه باعث آلودگی و تخریب فیزیکی بستر رودخانه شده است.</p> <p>○ توسعه ساخت و سازها در بخش شهری موجب محصور شدن کامل رودخانه و عدم دسترسی به آن در قسمت‌های زیادی شده است.</p> <p>○ بخش نیمه طبیعی رود دره در اثر استفاده بی‌ضابطه و غیر اصولی گردشگران دچار آلودگی محیط و تخریب پوشش گیاهی گردیده است و این روند با افزایش گردشگران تشدید شده است.</p> <p>○ ریخته شدن زباله‌ها و رها شدن پساب واحدهای مسکونی در رودخانه باعث آلودگی شدید آب رودخانه در پایین دست گردیده است.</p> <p>○ بخش شهری به لحاظ آلودگی‌های شهری و جذب مخاطرات زیست محیطی، به شدت در حال تخریب و افزایش یافتن آلاینده‌ها می‌باشد.</p>
--	--	--

می‌تواند موجبات سرزندگی و پویایی اجتماعات بشری را فراهم آورد. در عصر حاضر و به دنبال شتاب گرفتن روند نابودی، تخریب و زوال منابع محیط زیستی انسان، ضرورت حفاظت و احیاء ارزش‌های زیبایی شناسایی محیطی و جلوگیری از روند تخریب مناظر، بسترها و چشم‌اندازهای طبیعی و ساماندهی این گستره‌های هویت‌بخش بیش از هر زمان دیگری به دیده می‌آید. درک نامحدود، دلپذیر و خلاق، آگاه شدن از ماهیت حقیقی محیط و طبیعت، کلید اصلی فرآیند زیبایی شناسی محیطی است. در فرآیند زیبایی شناسی محیطی با ارزش‌های زیباشناختی، فرآیندها و الگوهای طبیعی و

پارامترهای شیب، جهت، خاک، شکل زمین محدوده مورد مطالعه به سه قطعه همگن طبیعی، همگن نیمه طبیعی و همگن کاملاً اختلالی قابل تقسیم است. در جدول شماره ۳ تحلیل یکپارچه محدودیت‌ها - تهدیدها و امکانات - فرصت‌های رود دره دارآباد که ارزش‌های زیبایی شناسانه محیطی این فضای عمومی شهری را تحت تاثیر قرار داده‌اند تدقیق شده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد پیوند و ارتباط مداوم ساکنین شهرها با طبیعت و مناظر شهری طبیعی،

رانش زمین احتمال بروز خطرات ناشی از سیل را دو چندان می‌کند. این موضوع از مهمترین تهدیدها در محدوده مورد مطالعه محسوب می‌شود. از دیگر موارد قابل ذکر اغتشاش در مالکیت اراضی است. این موضوع نیز محدودیت و تهدیدی جدی برای توسعه و احیاء ارزش‌های زیبایی شناختی این رود دره به شمار می‌آید. بخش شهری و نیمه شهری دارآباد به دلیل ساخت و ساز بی‌رویه و ضابطه تا حد حریم رودخانه‌ی دارآباد رودخانه را به عنوان محیط طبیعی از بین برده است و بخشی از آن را به صورت فضایی محدود در بین ساختمانها در آورده است. به دلیل عدم وجود حریم مشخص در اطراف رودخانه، بخشی از فضا غیر قابل عبور شده و بخش‌هایی نیز تخریب و رها شده و به محل تخلیه نخاله‌های ساختمانی و زباله‌ها تبدیل شده است. این بخش به دلیل آلودگی‌های حاصل از ریختن فاضلاب خانه‌ها، بیمارستان و تخلیه‌ی زباله‌ها محل مناسبی برای حضور موجودات موذی و تولید مثل بی‌رویه آنها، همچنین تولید بوی متعفن از آب و زباله آلوده گردیده است و روند آلاینده‌های محیطی در این بخش رو به افزایش است. در بخش کوهستانی و طبیعی، رود دره‌ی دارآباد کمتر مورد تعرض و آسیب قرار گرفته است، اما با رها سازی زباله‌های جامد و نیمه جامد توسط گردشگران در رودخانه و سایت، که به دلیل عدم سازماندهی سیستم جمع‌آوری زباله صورت می‌گیرد، منطقه را با خطر آلودگی بیشتر مواجه شده است. در قسمت کوهستانی، که مورد استفاده گردشگران و کوهنوردان قرار دارد، ارزش‌های زیبایی شناسانه کاملاً طبیعی به چشم می‌خورد. ارزش‌هایی چون چشمه‌ها، تنوع گونه‌های گیاهی، جریان آب، وجود سنگ به عنوان مصالح بومی، چشم اندازه‌های بخش‌های کوهستانی و تنوع خط‌الرأس‌های کوهستان (خطوط آسمان)، تنوع بافت بدنه‌ها، تنوع رنگی و ترکیب آنها، ارتباط آب و سنگ، آبشار، حوضچه‌ها. از اینرو هرگونه پروژه توسعه در این بخش بایستی بر اساس حفظ شرایط طبیعی انجام گیرد و با کمترین دخالت، در جهت تقویت و توسعه ارزش‌های زیباشناختی طبیعی باشد. بدین منظور بایستی از آب، انواع گیاهان بومی موجود در منطقه و گیاهانی که با هدف تنوع

گونه‌های گیاهی و متناسب با مناظر طبیعی و اقلیم منطقه باشد، استفاده بهینه به عمل آید. همچنین استفاده از رنگ، احجام و بافت طبیعی جهت نمایان ساختن نقاط عطف در محدوده‌ها بایستی مورد نظر قرار گیرد. اقدامات در بخش نیمه شهری، که مورد هجوم ساختمان سازی و برج سازی قرار گرفته است، به گونه‌ای است که خط آسمان در حال تخریب و دید به کوهستان در حال مسدود شدن است. بنابراین باید اقداماتی با هدف جلوگیری از روند این تخریب انجام شود تا به حفظ ارزشهای باقی مانده کمک کند. لازم است فضاهای باز باقیمانده در حاشیه رودخانه در این بخش، برای توسعه فعالیت گردشگری با کاربری سبز تثبیت شود. در صورت امکان برای هویت دادن به ساخت و سازهای جدید از دیواره سازی‌ها و یا کاشت درختان پوشش‌دهنده و ... بهره‌گرفته شود. در بخش شهری رود دره دارآباد امکان استفاده از ارزش‌های زیبایی شناسانه از طریق ایجاد پیاده راه دوستدار طبیعت عملاً با مشکل مواجه شده است. چراکه تمرکز ساخت و ساز، اشغال حریم رودخانه و قطع شدن مسیر اطراف را به دنبال داشته است. همچنین منظره طبیعی رودخانه در قسمت پایین تراز سیمین قلعه مورد تهاجم قرار گرفته و به صورت کانال بتنی درآمده است. ریخته شدن زباله، زائدات ساختمانی و فاضلاب واحدهای ساختمانی به رودخانه، ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رود دره دارآباد را مورد تهدید قرار داده است. قسمتی از باغهای قدیم در این بخش به صورت نیمه خشکیده و رها شده باقیمانده‌اند. ضروری است پروژه‌های احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی رود - دره دارآباد تهران به گونه‌ای طراحی شوند که در بخش شهری بستر رودخانه و باغ‌های اطراف آن به سبز راه و پارک‌هایی در حد واحد همسایگی تبدیل شود. اصلاح و بهینه‌سازی منظره اطراف کانال بتنی، ساماندهی فاضلاب رودخانه‌ها و جداسازی آن، طراحی کف رودخانه برای جلوگیری از شسته شدن، بدنه سازی رودخانه در بخش شهری با استفاده از دیوارها با بافت طبیعی (سنگ و گیاه) و احداث آب بندها باید از اهداف پروژه‌های احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رود دره دارآباد باشد. از اینرو راهبردهای زیر می‌توانند در

احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی این رود دره مفید باشند: استفاده از عناصر، مواد و گیاهان بومی در طراحی منظر جهت هماهنگی با طبیعت بکر محدوده؛ توجه به نیازهای اکولوژیک عوامل زنده نظیر گیاهان در طراحی منظر؛ حفظ بستر طبیعی رودخانه و احیای نواحی تخریب شده؛ حداقل مداخله در بخش‌های طبیعی دره؛ جلوگیری از بلندمرتبه‌سازی در حاشیه رودخانه به منظور حفظ حریم رودخانه؛ رعایت مقیاس و تعدیل خط آسمان؛ نفوذ دادن طبیعت به داخل بخش‌های مسکونی؛ استفاده از مصالح بومی در نمای ساختمان‌ها به خصوص در حاشیه رودخانه؛ تعیین توان بالقوه طبیعی جهت گسترش فضای سبز؛ رعایت مقیاس، زمان و تنوع فصلی در کاشت درختان؛ سامان دهی باغ‌های حاشیه رودخانه در بخش شهری؛ استفاده از گیاهان بومی منطبق با شرایط طبیعی حاکم بر منطقه؛ ساماندهی حاشیه رودخانه در بخش شهری و پاکسازی زباله‌ها؛ تعیین و اجرای ضوابط جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست؛ ایجاد تمهیدات حفاظتی و پهنه‌های ضربه‌گیر؛ حفظ حریم لازم برای مسیر رودخانه و اصلاح قسمت‌هایی که خارج حریم ساخته شده‌اند؛ ایجاد شرایط بهینه با دید پانورامیک و با رعایت اولویت‌ها؛ و جلوگیری از تغییر شکل فیزیکی مسیر رود دره و پوشش گیاهی آن. همچنین در زمینه راهبردهای بیان شده، سیاست‌های زیر باید مورد توجه قرار گیرند: بازکاشت عرصه‌های درخت کاری تنک با افزودن گونه‌های درختی پهن برگ مقاوم و منظر ساز نظیر ایلان، سماق کوهی، چاتلانقوش، بلوط و...؛ افزودن بر تعداد پهنه‌های درختکاری حاشیه رودخانه با نمونه‌هایی چون داغداغان، زالزالک، بادام کوهی، انجیر و...؛ تثبیت خاک با کاشت پوشش گیاهی مناسب در قسمت‌های پر شیب؛ بوته کاری و درختچه کاری در رویشگاه‌های صخره‌ای و اراضی شیب دار فرسایشی با استفاده از گیاهان بومی منطقه نظیر گون زرد، تنگرس، بادام کوهی و...؛ تملیک اراضی باغ و افزودن آن بر فضای سبز رود دره؛ ترغیب باغداران به حفظ و احیای باغ‌های موجود و ایجاد کاربری تلفیقی تفریحی و تفرجی در باغ‌ها؛ احداث پارک‌های مراکز واحد همسایگی در اراضی بایر قسمت

شهری؛ ساماندهی و احداث پیاده راه سبز در حاشیه رودخانه در قسمت شهری؛ طراحی و احداث باغ‌های سنگی در عرضه‌های مناسب محدوده مطالعاتی؛ اجرای قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط به حفاظت و بهسازی محیط زیست محدوده مطالعات؛ آموزش عمومی در جهت حفظ محیط طبیعی محدوده مطالعاتی و پوشش گیاهی آن؛ تبدیل زمین‌های بایر حاشیه رودخانه در بخش مسکونی به مراکز سبز واحد همسایگی؛ استفاده از سازه‌های سبک؛ تثبیت خاک در نقاط شیب دار؛ کنترل سیلاب و حرکت آب در نقاط حساس رودخانه؛ جلوگیری از تخلیه زباله و پساب به درون رودخانه و حاشیه آن؛ جلوگیری از تبدیل بخش‌های باقیمانده رودخانه به کانال؛ و تثبیت حریم رودخانه. امید است راهبردها و سیاست‌های ارائه شده زمینه احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی رود دره دارآباد تهران را فراهم آورد.

منابع و مآخذ

۱. آل احمد (۱۳۷۷) سوررآلیسم، انگاره زیبایی‌شناسی هنری، نشر نشانه، چاپ دوم، تهران.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۵) حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر، نشر مرکز، تهران.
۳. اسکبلوند (۱۳۸۲) ترمیم بوم‌شناختی به عنوان آموزش همگانی در محیط‌های شهری، فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۳+۱۲.
۴. اسپیرن، آن ویتسون (۱۳۸۴) زبان منظر، ترجمه: سید حسین بحرینی و بهناز امین زاده. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۵. ایرانی بهبهانی، هما و نورمین رازی مفخر (۱۳۸۴) طراحی پایدار توسعه پارک جنگلی شیخ تپه ارومیه، نشریه علمی پژوهشی محیط‌شناسی، شماره ۳۷.
۶. ایرانی بهبهانی، هما و آرتا شریفی (۱۳۸۲) نگاهی به محافظت و باززنده سازی مناظر باستان شناختی (نمونه موردی: تخت سلیمان)، فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۲+۱۳.
۷. ایرانی بهبهانی، هما و بنفشه شفیعی (۱۳۸۶) منظر سازی کوهستان با استفاده از گیاهان بومی، نشریه علمی پژوهشی محیط‌شناسی، شماره ۴۲.



۸. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر، الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه: بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۹. بوتکین، دانیل و ادوارد کالر (۱۳۸۲) شناخت محیط زیست، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۱۰. پروینیان، ماندانا (۱۳۸۲) بازآفرینی منظر، فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۳+۱۲.
۱۱. بزرگی، علی رضا، پور جعفر، محمد رضا و محمد رضا بمانیان (۱۳۸۴) روند برنامه ریزی در جهت احیا رود دره‌های شهر تهران مورد مطالعه رود دره کن، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۶
۱۲. بمانیان، محمد رضا (۱۳۸۷) برنامه ریزی در راستای احیا محیط طبیعی رود دره‌های شهر تهران در رویکرد تحلیل عوامل راهبردی SWOT: مطالعه موردی رود دره ولنجک، فصلنامه علمی پژوهشی علوم محیطی، شماره ۲۰
۱۳. بمانیان، محمدرضا، انصاری، مجتبی و محمد شریف شهیدی (۱۳۸۸) بررسی یک ضرورت: التزام برنامه ریزی پارکهای رودکناری بر اساس مبانی طراحی محیطی و برنامه ریزی منظر (نمونه مورد مداخله: رود دره دارآباد، فصلنامه علمی پژوهشی علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره ۴۳
۱۴. بهرام سلطانی، (۱۳۸۷) مجموعه مباحث و روش‌های شهر سازی محیط زیست، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهر سازی ایران، تهران.
۱۵. پاسبان حضرت، غلامرضا (۱۳۷۹) رود دره‌های شهرهای ایران بستر پیوند انسان، شهر و طبیعت، فصلنامه معماری و شهر سازی، شماره ۵۸-۵۹
۱۶. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهر سازی، جلد اول، چاپ اول، تهران.
۱۷. پورتیوس، داگلاس (۱۳۸۹) زیبایی شناسی محیط زیست؛ ترجمه محمد رضا مثنوی، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۱۸. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱) احیا سیستم آبرسانی در مناطق حاشیه خلیج فارس، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷
۱۹. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۳) عناصر آب، خاک و گیاه در طبیعت: مورد مطالعه رود دره دارآباد، هم اندیشی عناصر طبیعت، فرهنگستان هنر
۲۰. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، انتشارات پیام
۲۱. پورجعفر، محمدرضا، احمدی، فریال و علی رضا صادقی (۱۳۸۹) بسط اصول و معیارهای طراحی منظر پایدار در مرمت منظر طبیعی مسیل خشک شیراز، نشریه علمی-پژوهشی علوم محیطی، شماره ۲۸
۲۲. خراسانی زاده، محسن (۱۳۸۲) مباحثی درباره شناخت معماری منظر، فصلنامه ی معماری ایران . شماره ۱۳+۱۲.
۲۳. دینارودی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۱) رود دره‌ها به عنوان پارادایم شاخصه‌های طبیعی در حفظ محیط زیست شهری (مطالعه موردی رود دره درکه)، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران
۲۴. سیف‌الهی، شهره، (۱۳۸۱) منظر پنجره‌ای به سوی قلمرو انسانی، مجله معماری و شهر سازی، شماره ۶۸-۶۹
۲۵. شفیع، بنفشه (۱۳۸۰) تلفیق تفرج و طبیعت در مناطق رودکناری با رعایت اکولوژی منظر مطالعه موردی: طراحی حاشیه رودخانه جاجرود واقع در پارک ملی خجیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.
۲۶. شفیع، بنفشه و دیگران (۱۳۸۲) ارائه الگوی طراحی و احیاء در مناطق رودکناری با رعایت اصول اکولوژیک منظر مطالعه موردی: حاشیه رودخانه جاجرود واقع در پارک ملی خجیر، نشریه علمی پژوهشی محیط شناسی، شماره ۳۲
۲۷. کالن، گوردون (۱۳۸۲) گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
۲۸. گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۹) دانشنامه زیبایی شناسی، ترجمه صانعی دره بیدی و دیگران، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ چهارم
۲۹. گلکار، کوروش (۱۳۸۵) مفهوم منظر شهری، نشریه

- 44- Farina, A. (2007). Principles and Methods in Landscape Ecology towards a Science of Landscape. Netherland: Springer..
- 45- Fernandes, J. (2000). Landscape ecology and conservation management Evaluation of alternatives in a highway EIA process. Environmental Impact Assessment Review 20. Pp 665-680
- 46- Hornby et al., (2007). Oxford Advanced Learner's Dictionary, Oxford University Press.
- 47- IUCN. (2009). Komadugu Yobe Integrated Management Project. http://cmsdata.iucn.org/download/komadugu_yobe_river_nigeria.pdf. access date: 2009/15/05
- 48- Neisser, u, (1967), cognitive psychology, englewood cliffs ,nj
- 49- Norberg- Schulz, Christan (1975), "Meaning in Western Architecture", Praeger Publishers, New York
- 50- Punter, J.V. (1982) Landscape aesthetics: a synthesis and critique; pp. 100-23 in J.R.Gold and J.Burgess (eds) Valued Environments. London; Allen and Unwin.
- 51- Rose, M.C. (1976) Nature as an aesthetic object: an essay in meta-aesthetics. British Journal of Aesthetics 16; 3-12.
- 52- Seamon. David (1982), " The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology ", Journal of environmental psychology, no.2, pp. 119-140.
- 53- Smardon, R. (1988), Perception and aesthetics of urban environment, Landscape and Urban planning 15, p: 85-106
- 54- Spreiregen , Paul .(1956) Urban Design . AIA . United States.
- 55-Thorne, J. (1993). landscape ecology: a fountain for greenway design. minneapolis: university of minnesota.

- آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید)
۳۰. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲
۳۱. لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی‌رضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- ۳۲- لیت، کالین (۱۳۸۲) تجربه زیبایی شناختی، ترجمه فرزانه علیا، فصلنامه خیال، فرهنگستان هنر، شماره ۷
۳۳. لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه دکتر حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۳۴. لینچ، کوین (۱۳۸۱)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، تهران.
۳۵. لینچ، کوین (۱۳۸۱)، بازنگری در سیمای شهر، ترجمه کوروش گلکار، نشریه صفا، شماره ۳۴
۳۶. ماتلاک (۱۳۷۹) آشنایی با طراحی محیط و منظر، ترجمه: معاونت آموزش و پرورش سازمان پارکها و فضای سبز تهران، سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران.
۳۷. مک کارتی، بتل (۱۳۸۲) منظر پایدار، فصلنامه ی معماری ایران، شماره ۱۳+۱۲.
۳۸. مک هارگ، ایان (۱۳۸۶) طراحی با طبیعت، مترجم: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۳۹. معین، (۱۳۷۱)، فرهنگ لغات معین، انتشارات سپهر، چاپ هشتم، تهران.
۴۰. مهندسین مشاور پارهااس و همکاران (گروه مشاوران همکار)، (۱۳۸۳) چارچوب طراحی شهری اراضی عباس آباد، شرکت نوسازی عباس آباد
۴۱. وزیری، علینقی (۱۳۶۳) زیباشناسی در هنر و طبیعت، انتشارات هیرمند، چاپ اول، تهران.
۴۲. نیوتن، اریک (۱۳۶۶) معنی زیبایی، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۴۳. یآوری، احمد رضا و دیگران (۱۳۸۳) اصلاح ساختار اکولوژیک و عملکرد زیست محیطی سرزمین شهری مورد مطالعاتی: کریدورهای طبیعی رود دره‌ها در پایتخت، مجموعه مقالات اولین سمینار ساخت و ساز، انتشارات سابقون

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

■ ۶۶ ■

بررسی عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷

مهران شیرواند - جامعه شناس و پژوهشگر، استادیار دانشگاه.

حسین علی جاهد - استادیار مدیریت آموزش عالی و مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

کاوه تیمورنژاد - استادیار گرایش مدیریت تطبیقی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

سجاد احمدوند* - کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی گرایش استراتژیک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لبنان، بیروت، لبنان.

Factors influencing organizational change perceived in District 17

Abstract

In this study, the factors affecting organizational change perceived in District 17 will be reviewed. Several factors affect the perceptual process of organizational change. But in this study is based on Chvan- Fang Qi Ang (2010) variables, communication, collaboration, education, attitudes toward organizational change and organizational commitment have been studied. In the survey, to measure variables with a 5-choice Likert questionnaire that included 16 questions related to five variables were studied and 17 questions related to organizational change. The questionnaire among 147 managers, assistants and specialist staff were distributed in 17 municipalities. To analyze the data obtained from questionnaires, according to the normality of the data, linear regression was used. The results showed that all the variables of communication, collaboration, and education, attitude and commitment significantly positive effect on perceived organizational changes have had on the population studied.

Keywords: Perceived organizational change, communication, collaboration, education, attitude change, and organizational commitment.

چکیده

در این مطالعه به بررسی عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ پرداخته می شود. عوامل مختلفی در فرایند ادراک تغییرات سازمانی مؤثر است، اما در این پژوهش بر اساس مطالعات چوان- فانگ چی آنگ (۲۰۱۰) متغیرهای ارتباطات، مشارکت، آموزش، نگرش به تغییر سازمانی و تعهد سازمانی مورد مطالعه قرار گرفته اند. در این پژوهش پیمایشی، جهت سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه‌ای با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت که شامل ۱۶ سؤال مرتبط با پنج متغیر مورد مطالعه و ۱۷ سؤال مرتبط با تغییر سازمانی ادراک شده، استفاده شد. این پرسشنامه میان ۱۴۷ نفر از مدیران، معاونان و کارکنان کارشناس شهرداری منطقه ۱۷ توزیع گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسش‌نامه‌ها، با توجه به نرمال بودن داده‌ها، روش رگرسیون خطی مورد استفاده قرار گردید. نتایج تحقیق نشان داد که تمامی متغیرهای ارتباطات، مشارکت، آموزش، نگرش و تعهد سازمانی تأثیری مثبت و معنادار بر تغییر سازمانی ادراک شده در جامعه مورد پژوهش داشته‌اند.

واژگان کلیدی: تغییر سازمانی ادراک شده، ارتباطات، مشارکت، آموزش، نگرش به تغییر، تعهد سازمانی.

مقدمه

سازمانها کمتر ارگانیک، انعطاف پذیر و پویا هستند. تحت این شرایط الگوهای ایستا کافی اند. اما الگوهای ایستا یا علت تغییر را بیان نمی کنند و یا فقط تغییر را در قالب مقایسه بین دو حالت ایستا، مد نظر قرار می دهند؛ بنابراین به موازات سرعت در تغییرات و افزایش عدم اطمینان محیطی، الگوهای ایستا کافی نیستند و به چیزی بیش از آنها نیاز است (Kayser and et.al, 2000). اهمیت تغییر سازمانی - درک شده از سوی کارکنان در شهرداری منطقه ۱۷ - با توجه به دنیای متغیر امروز ایجاب می کند که سازمانها برای بقاء و رشد خود به دنبال تطبیق با تغییرات محیطی در راستای برآورده نمودن نیازهای شهروندان باشند. یکی از ابزارهایی که می تواند سازمانها را در تأمین این اهداف یاری دهد، تغییر سازمانی می باشد. لذا انجام تحقیقی در جامعه مورد پژوهش، که به بررسی و شناسایی عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ بپردازد، ضروری به نظر می رسد و به دلیل فقدان چنین مطالعه ای، محقق که خود از کارکنان شهرداری منطقه ۱۷ می باشد سعی دارد تا به بررسی و شناسایی عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ بپردازد. از اینرو مسأله اصلی در تحقیق حاضر این است که: عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ کدامند؟

در تحلیل فرایند تغییر سازمانی، علاوه بر محرکها و موانع تغییر، باید مسئولیت شخصی کسانی که در مورد اقدام به چنین تغییراتی تصمیم می گیرند را نیز به حساب آورد. معمولاً مدیران ارزیابی نیروهایی که محرک یا مانع تغییر هستند را به عهده دارند. در نتیجه، برآوردی که ایشان از موازنه این نیروها دارند می تواند نسبت به ایجاد تغییر یا عدم تغییر مؤثر باشد. اما باید در نظر داشت که مدیران نیز مانند سایر افراد از عوامل معینی تأثیر می پذیرند که می تواند تعبیر آنها از وقایع پیرامونشان را تحت تأثیر قرار دهد (Milliken and Lant, 1991)؛ همچنین از نظر «بورک و لیت وین»^۱ به وسیله تغییر و تحول می توان آن بخشهایی از سازمان را که با نیروهای محیطی و مجموعه رفتارهای جدید از سازمان مواجه می شوند و موجبات تغییرات سازمانی را فراهم می کند، بشناسند.

از دیدگاه فلکینز و همکارانش (۱۹۹۲) برای تغییر سازمانی، تعیین برنامه های دقیق آموزش، تکنولوژی مناسب و ایجاد انگیزه برای هر موقعیت مورد نیاز است. بنابراین با در نظر گرفتن موارد ذکر شده و نیز اهمیت خدمات عمرانی و شهری شهرداری در تحقیق حاضر به بررسی عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ پرداخته خواهد شد.



۱- بیان مسئله

ما در زمانی زندگی می کنیم که تغییر در سازمانها به صورت امری روزمره درآمده است. در این میان ادغامها، بلعیده شدن ها، گسترش های بی مورد، تخطی از قوانین، تعدیل نیرو، ورود فناوری نوین و افزایش رقابت از نمونه تغییراتی است که هر روزه با آن روبرو می شویم. در این شرایط سخت شما به عنوان یک مدیر و رهبر همواره برای حفظ عملکرد خود تحت فشار هستید و کارکنان نیز ممکن است در حالت سردرگمی، مقاومت و دلسردی به سربرند (Hoag and Ritschard, 2002).

سازمانها برای بقای خود دست به تغییر می زنند و نظریه پردازان سازمان برای توصیف و تبیین آنها نیاز به الگوهای پویا خواهند داشت. زمانی که محیط مطمئن باشد،

۲- ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

در حال حاضر با پیشرفت سریع علم و فن آوری و پیچیده شدن اوضاع سیاسی و محیط اجتماعی لزوم ایجاد و مدیریت تغییر سازمانی اهمیت ویژه ای یافته است. چنین روندی به رشد در لزوم تغییر سازمانی نیاز به دانش و مهارت کافی برای بهبود و تکامل سازمانی را تشویق می نماید؛ چراکه در سال های اخیر، تغییرات عمده ای راه خود را به محیط کاری باز کرده اند و اگر هم این تغییرات در جزئیات با یکدیگر تفاوت داشته باشند، مسأله اساسی تأثیر آنها است که با سرعت محیط های کاری را درمی نوردند. دلیل شهرت این تغییرات هم در همه گیر شدن آنها نیست بلکه اصل نیازمندی به استراتژی های

جدید است که به طور کلی بر اساس این حقیقت استوار شده‌اند که سازمان‌های امروز نیاز به سازماندهی بر پایه وجود تغییرات مستمر دارند (Huy, 2002)، و از آنجاکه دنیا به طور مداوم در حال تغییر و تحول است و به تعبیر «دراکر»، یگانه امر ثابت در دنیای امروز تغییر است. اگر تغییر، تحول و نوآوری ضرورت نداشت، بشر هنوز در زندگی انسان‌های اولیه و شاید هم در سطح زندگی جانوران باقی می‌ماند و هیچ تغییر و تحولی در دانش، نگرش و رفتار او حاصل نمی‌شد. اگر انسان‌ها خاصیت تغییرپذیری و اصلاح نداشتند، در چارچوب تنگ‌فکری خود باقی می‌ماندند و راه پیشرفت آنان مسدود می‌شد. در نتیجه در دنیای رقابتی و پرشتاب امروزی، ضرورت تغییرات سریع سازمانی و مدیریت آن یکی از شرایط اساسی موفقیت سازمانها است. با توجه به این امر تحقیق حاضر به بررسی عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ می‌پردازد چراکه شناخت عوامل موثر بر تغییر سازمانی ادراک شده مقدمه ای برای ایجاد تغییرات سازمانی در راستای پیشرفت سازمان می‌باشد.

۳- ادبیات نظری و پیشینه موضوعی تحقیق

● ماهیت تغییر سازمانی و برخی اصطلاحات مرتبط

تغییر سازمانی بی مقدمه صورت نمی‌گیرد. محرک‌های تغییر معمولاً از محیط سازمانی یا بازار سرچشمه می‌گیرند. این محرکها مواردی از قبیل حرکات جسورانه رقا، تکنولوژی جدید یا تغییر مقررات دولتی را در بر می‌گیرند همچنین ناکارایی مدیر می‌تواند محرکی برای تغییر در سازمان باشد (نقوی و مدرسی، ۱۳۸۷). تغییر سازمانی به هر گونه واکنش یا پاسخ برنامه ریزی شده یا برنامه ریزی نشده نسبت به فشارهای خارجی یا درونی و یا عواملی که می‌توانند ماهیتاً منجر به توسعه، گذار یا گشتار گردند تعریف می‌شود (جان ولتی پیچی و جنیفر برونیک، ۲۰۱۲).

«فریدریک نیکولز» تغییر را آن گونه تعریف می‌کند: «یک چیزی که از یک مکان به مکان دیگر انتقال داده می‌شود (انتقال از یک موقعیت مشکل ساز^۲ به یک موقعیت حل مساله^۳)».

«رومانلی و تاشمن»^۵ (۱۹۹۴): تغییر در پنج حوزه فعالیت سازمان اتفاق می‌افتد: فرهنگ سازمانی، استراتژی، ساختار، توزیع قدرت، سیستم‌های نظارتی. اهمیت این پنج حوزه تا آنجایی است که بقا سازمان بدون آنها امکان پذیر نیست و تمام فعالیت‌های سازمان در درون این پنج حوزه اتفاق می‌افتند. فعالیت هر یک از این حوزه‌ها اگرچه ویژه و خاص است اما در عین حال به یکدیگر وابسته‌اند به طوری که فعالیت‌های متناقض و نامناسب در درون هر یک از این حوزه‌ها منجر به عملکرد پایین یا شکست می‌شود. رومانلی و تاشلی (۱۹۸۵) دو نیروی اساسی را که منجر به تغییر بنیادی می‌شود را شناسایی کردند:

- ۱- عملکرد پایین که ناشی از فقدان هماهنگی و سازگاری در بین فعالیت‌های حوزه‌های مختلف است و در نظر نگرفتن جهت‌گیری استراتژیکی کلی و مناسب؛ و
- ۲- ایجاد جهت‌گیری استراتژیکی از طریق تغییر عمده رقابتیت، تکنولوژیکی و اجتماعی در محیط (بیوگلسدیجک و اسلانگن، ۲۰۰۱).

مفهوم تغییر سازمانی از نظر مارچ^۶ (۱۹۸۱): چیزی که ما تغییر سازمانی می‌نامیم مجموعه راه‌حل‌هایی از گروه‌های مختلف در درون یک سازمان است که به آن واکنش نشان می‌دهند.

نیروها و محرکهایی در محیط وجود دارند که نیاز به تغییر را افزایش می‌دهند. این محرک‌ها که شامل محرک‌های بیرونی و درونی می‌شوند عبارتند از محیط، الزامات فرهنگی، ماهیت نیروی کار، تکنولوژی، شوک‌های اقتصادی، رقابت، روندهای اجتماعی، سیاست‌های جهانی، رفتار کارمندان و مدیران، قالب ذهنی رهبر و کارمندان. اکثر مدیران با قلمروهای بیرونی نسبت به قلمروهای درونی (فرهنگ، طرز فکر، رفتار) آشناتر هستند؛ قلمروهای درونی با وجود جدید بودنشان نزد اکثریت به اندازه قلمروهای بیرونی مهم هستند در صورتی که رهبران در قلمروهای درونی دخالت نکنند و بگذارند که تغییرات برآمده از قلمروهای بیرونی به آنها جهت دهد تلاششان ناکام خواهد ماند. عمده کشمکش‌های برخاسته از تغییر نتیجه غفلت مدیران از



2. Jon Welty Peachey, Jennifer Bruening,
3. Problem state
4. Solved state

5. Romanelli and Tushman
6. Beugelsdijk, Slangen,
7. March

عوامل درونی در فرآیند تغییر است. همچنین عدم توجه به محرک‌های بیرونی هم باعث شکست می‌شود (نقوی، ۱۳۸۷، اعرابی ۱۳۸۷). واژه تغییر از مصدر باب تفعیل، که با متون مدیریت تطابق دارد، به معنای چیزی غیر از چیزهای موجود است. در حقیقت، چیزهایی قدیمی را نادیده گرفتن و به جای آن چیز جدیدی آوردن است. «نوآوری» یعنی چیز جدیدی خواستن، بدون آنکه چیزهای قدیمی را از صحنه خارج کنیم (باقر یوسفی، ۱۳۷۵، ص ۵۲).

بنابر تعریف دیگر، «برای یک نظام یا سیستم، خواه فرد، گروه یا سازمان، تغییر عبارت است از حرکت از یک حالت ایستا به حالتی دیگر. یا به عبارتی، تغییر در سازمان، عبارت است از فرآیند تحول و دگرگونی در رفتارها و حالت خط مشی‌ها، منظورها و بازده‌ها (ابوالقاسم نوری، ۱۳۶۸، ص ۶۶).

«هنسن»^۸، این مفاهیم را بدین گونه توضیح می‌دهد: اختراع به فرآیند تکوین تکنولوژی‌ها، پروژه‌ها یا خط مشی‌ها، در یک سازمان اشاره می‌نماید. نوآوری یا ابداع اشاره دارد به تغییر ویژه‌ای که بکر و در عین حال عمومی است و تصور می‌رود که در تحقق هدف‌های سیستم کارآمد باشد. تغییر در سازمان عبارت از فرآیند تحول و دگرگونی است که در رفتارها، ساختارها، خط مشی‌ها، منظورها یا برون داده‌ها پاره‌ای از واحدهای سازمان رخ می‌دهد. او در نهایت، در کتاب رفتار سازمانی و مدیریت آموزشی، واژه‌های تغییر و ابداع را در پاره‌ای موارد باهم مترادف گرفته است (هنسن، ۱۳۷۱، صص ۳۲۱-۳۳۰). بطور کلی، دو واژه‌ای که در متون مدیریت بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. همان واژه‌های تغییر و نوآوری است که تغییر به انجام دادن امور به شیوه‌ای غیر از روش‌های قبلی اشاره دارد و نوآوری، به ارائه روش‌ها و شیوه‌های نوگفته می‌شود که الزاماً نمی‌کننده شیوه‌های قبلی نیست.

● انواع و اقسام تغییر و تحول سازمانی

تمامی تغییراتی که در سازمان‌ها رخ می‌دهند، نتیجه یک راهکار برنامه ریزی شده نیستند، این تغییرات به صورت خود به خودی یا تصادفی و بدون توجه عوامل تغییر،

رخ می‌دهند، این تغییرات می‌توانند مانند اعتصاب کارگران شکننده و یا مانند تضاد دو نفر که باعث ایجاد یک رویه جدید در روان شدن کارها میان دو بخش سودمند باشند. هدف اصلی در مدیریت تغییر برنامه ریزی شده، اقدام به موقع به محض شناسایی نیاز به تغییر است، تا آثار منفی آن حداقل و مزایای احتمالی آن حداکثر شود (شرمرهون: ۱۹۹۴، ص ۹۳۶).

تغییر برنامه ریزی شده، پاسخ مستقیم به شناخت ضعف (شکاف) میان عملکردهای وضع موجود و مطلوب است. چنین به نظر می‌رسد که توجه به انواع و اقسام تغییر و تحول سازمان به طور ضمنی اهمیت انتخاب از میان انواع و اقسام را مطرح می‌سازد. انتخاب نیز بدون معیار امکان پذیر نیست. در جدول شماره ۱ انواع الگوها مورد مقایسه تطبیقی قرار گرفته است (ازگلی، ۱۳۸۳).

نخستین سوالی که قابل طرح به نظر می‌رسد این است که آیا معیارهای جهانشمول وجود دارد یا بومی بودن یا بومی‌کردن معیارهای انتخاب ضروری است. از دیدگاه نظری با نگرش اقتضایی، نمی‌توان معیارهای مطرح در متون علمی مدیریت را برای کاربرد در جامعه ای نظیر جامعه ما، کافی دانست. برای هر نوع از انواع سازمان‌های خود، باید نسبت به بومی‌کردن مجموعه معیارهای مربوط و موجود در ادبیات علمی مدیریت، اقدام، و حتی معیارهای اصلی یا فرعی مورد اقتضای طراحی شود.

شاید یکی از الگوهای رایج در سازمان‌های عمومی کشور ما، توسل به تغییر «تشکیلات» برای اهدافی، نه چندان روشن است. شاید ساده بودن تغییر تشکیلات در مقایسه با تغییر رفتارها و فرایندها، مروج چنین گرایشی است. احتمالاً بسیاری از مواقع حتی مطالعه ای مقدماتی برای تشخیص سهم «تشکیلات» در وقوع مشکلات و مسایل مورد نظر صورت نمی‌پذیرد و «تشکیلات» به وضع مبهمی، عامل اصلی یا عامل مهم، در پیدایش مشکلات و مسائل پنداشته می‌شود. این در حالی است که در بیشتر وضعیت‌های مذکور، تغییر تشکیلات در عین ساده‌ترین بودن، سطحی‌ترین و کم اثرترین تغییر به نظر می‌رسد. الگوهای رایج تغییر و تحول سازمانی در کشور ما، خود موضوع پژوهشی جداگانه است؛ اما اگر الگویی که قبلاً

جدول ۲. مقایسه تطبیقی ده الگوی نوع شناسی تغییر؛ ماخذ: ازگلی، ۱۳۸۳.

ردیف	انواع الگوی تغییر؛ نوع شناسی تغییر	نوع ۱	نوع ۲	نوع ۳	نوع ۴
۱	الگوی سه شاخه ای	تغییر محیطی	تغییر ساختاری	تغییر رفتاری	----
۲	الگوی سیستمی	تغییر در سازمان	تغییر در بخشی از سازمان	----	----
۳	الگوی تغییر سیستم	تغییر در فراسیستم	تغییر در کل سیستم	تغییر در بعضی سیستم های فرعی	تغییر در تعامل های درون سیستم
۴	الگوی کلان نگر الگوی خردنگر	تغییر در عموم سازمان های کشور	تغییر در نوعی از سازمان های کشور	تغییر در یک سازمان	----
۵	الگوی مناسب نوع سازمان ها	----	----	----	----
۶	الگوی ابعاد بهبود	----	----	----	----
۷	الگوی درجه تاثیر	تغییر اساسی	تغییر فرعی	----	----
۸	الگوی نرخ تنزل در واحد زمان	تغییر با شتاب	تغییر تدریجی	----	----
۹	الگوی قابلیت پیش بینی کنترل تغییر و تحول	تغییر قابل پیش بینی و کنترل	تغییر غیر قابل پیش بینی و کنترل	----	----
۱۰	الگوی میزان دخالت انسان	تغییر طبیعی	تغییر مصنوعی (اقتناعی، تحکمی)	----	----



انواع تغییر از دیدگاه «لیندا آکرمن آندرسون» (۱۹۸۶) نیز عبارتند از:

۱) «تغییر توسعه‌ای»: این نوع تغییر بر ارتقا مهارتها، دانش و عملکرد تمرکز دارد. تغییر از طریق آموزش، توسعه مهارت، توسعه فرآیند و ارتباطات اتفاق می‌افتد. همچنین این نوع تغییر افراد را همیشه در حال رشد، چابک، و کوشا در جهت رسیدن به سطح تازه‌ای از عملکرد نگه می‌دارد. انگیزه ایجاد این نوع تغییر در سازمان بهبود است در هر نوع تغییر توسعه‌ای دو پیش فرض اساسی وجود دارد: ۱- افراد ظرفیت برانگیخته شدن را دارند؛ ۲- اگر آموزش، انگیزه، منابع مناسب را دریافت کنند حتماً بهبود خواهند یافت.

۲) «تغییر انتقالی»: تمرکز این نوع از تغییر بر طراحی مجدد استراتژی، سیستمها، فرآیندهای تکنولوژی کار است. جهت گیری این نوع تغییر تمرکز گسترده بر ساختار، تکنولوژی و کارهای پروژه محور است. و هدف از ایجاد آن حل یک مشکل است. تغییر انتقالی یعنی جایگزینی یک چیز کاملاً متفاوت با وضع فعلی و

گفته شد، واقعاً رایج باشد به نظر می‌رسد که سازمان های عمومی کشور ما خسارت زیادی را متحمل می‌شود که شاید مهم ترین آن ها زمانی است که مدیران این گونه سازمان ها به انتظار بهبود حاصل از تغییرات تشکیلاتی می‌نشینند (کریمیان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲).

تغییر جزئی مناسب تر است یا تغییر کلی؟ پاسخ به این سوال مستلزم طرح این سوال مقدماتی است که تغییر کلی چیست؟ به نظر می‌رسد با توجه به تعریف جزء و کل، می‌توان تغییر کلی را تغییر در «مجموعه» اجزا یا تغییر در یک یا چند رکن سازمان دانست. به این ترتیب تغییر جزئی، تغییری است که در یک یا بعضی اجزای کل به شرطی که شامل جزء رکنی نشود، واقع گردد. اینک در پاسخ اولیه به پرسش مطرح شده می‌توان گفت: «بستگی دارد». این پاسخ اولیه تنها مبنایی برای تفکر و پژوهش است. انتخاب نوع تغییر در این پرسش، «کلی یا جزئی بودن»، مستلزم به کارگیری معیارهای انتخاب است. در چه اوضاع و احوالی تغییر کلی و در چه موقعیتی تغییر جزئی انتخاب شود؟ (کریمیان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰).

9. Developmental change

10. Transitional change

هنگامی آغاز می شود که مدیران سازمان متوجه مشکلی شوند که مورد پیگیری لازم قرار نگرفته است. به قول «ریچارد بکهارد» و «رابین هریس» (۱۹۸۷) سه مرحله در تغییر انتقالی وجود دارد: ۱- وضعیت قدیم؛ ۲- وضعیت جدید؛ و ۳- وضعیت انتقالی. در وضعیت انتقالی، وضعیت قدیم کاملاً باید اوراق شود و به ایجاد یک وضعیت جدید کاملاً طراحی شده پرداخت. یکی از جنبه های حیاتی استراتژی های تغییر انتقالی روشن کردن تفاوت اساسی میان وضعیت قدیم و وضعیت مطلوب است (چیزی شبیه تجزیه و تحلیل شکاف) و به تعیین پیامدهای ضمنی این شکاف می پردازد. این مجموعه عملیات تجزیه و تحلیل اثر نامیده می شود که به ارزیابی اثرات انسانی و سازمانی می پردازد و اطلاعاتی اساسی برای ایجاد یک نقشه تغییر مناسب و کاهش آسیب های انسانی فراهم می سازد. تجزیه و تحلیل اثر مشخص می کند که چه جنبه هایی از وضعیت قدیم به درد وضعیت جدید می خورد و می شود به آن ادامه داد و چه جنبه هایی را باید به طور کامل کنار گذاشت.

۳) «تغییر دگرگون ساز»: پیچیده ترین نوع تغییر است و به معنی تغییر بنیادین از یک وضعیت به وضعیت دیگر است. در این نوع تغییر قالب ذهنی حتماً باید تغییر کند و جهت گیری این تغییر مستلزم تغییر در فرهنگ و رفتار و قالب ذهنی است. در این نوع تغییر تغییرات بازار و محیط آن قدر پر اهمیت است که پیشرفتی عمیق و سریع در جهان بینی افراد لازم است تا خودشان پی ببرند که وضعیت جدید را جایگزین عملیات جاری کرد (نقوی، ۱۳۸۷).

● الگوها و مدل های تغییر سازمانی

۱- الگوی مسئله گشایی «یونگ ولی پیت»

مدل سنتی تغییر که «یونگ ولی پیت» تفسیر و توجیه کرده اند، اساساً یک مدل مسئله گشایی یا تصمیم گیری است؛ زیرا با فرایند تفکر منطقی، که بر مغز به کارگیرنده اثر می گذارد، سر و کار دارد. این مدل فرایند تغییر، با ویژگی خاصی که اشاره گردید، چنانچه در مورد مسائل مدیر مدرسه با معلمان کلاس به کار گرفته شود، بسیار سودمند است. عامل شش گانه این مدل که «یونگ ولی پیت»

بررسی کرده اند، به شرح زیر است: شناسایی مسئله، تشخیص مسئله، جمع آوری اطلاعات لازم و بحث و گفتگو در کاربرد آن به منظور حل مسئله، تنظیم بدیل های کارکردی دیگر، آزمون امکان استفاده از بدیلها و شق های دیگر و منطبق ساختن و به کار گرفتن بدیل انتخاب شده (جیمز، م. لی فام، جیمز، ا. هووتف، ۱۳۶۷، ص ۱۴۵).

۲- الگوی پژوهش، توسعه، اشاعه و پذیرش

این مدل ابتدا شامل سه مرحله پژوهش، توسعه [پرورش] و اشاعه بود که بعداً مرحله پذیرش نیز بدان افزوده گردیده است. «مدل پژوهش»، پرورش [توسعه] و اشاعه^{۱۱}، که دومین مدل فرایند تغییر در تعلیم و تربیت است، از این لحاظ در تعلیم و تربیت با استقبال گسترده ای مواجه شد که بسیاری از نظریه پردازان و مسئولان تعلیم و تربیت متوجه گردیدند که مدارس و نواحی آموزش و پرورش در بسیاری از مسائل وجه اشتراک دارند. در اواخر دهه ششم قرن حاضر، وقتی معلوم شد که تغییرهای اشاعه یافته، نهادی نمی گردند، نظریه پردازان، مرحله جدیدی را به مدل اضافه کردند. «هنکلی» مدل جدید را «پژوهش، پرورش، اشاعه و پذیرش» تغییر نامید. «رابرت اونز»^{۱۲} نمودار این الگو را بصورتی که در شکل ۲ آمده ارائه می دهد.

۳- الگوی بهسازی (گسترش سازمان)

نظر به اینکه بعضی ها اعتقاد دارند که مدل پژوهش، پرورش، اشاعه (و پذیرش) بیش از حد متوجه سازمان های رسمی است تا متغیرهای غیر رسمی شخصیتی، مدل گسترش (بهسازی) سازمان^{۱۳} به وجود آمده است. این مدل بر میانگین های اجتماعی تاکید می کند و با پاره ای از مفروضات عقیدتی سیستم های اجتماعی، که در چهارچوب مدل های مسئله گشایی و پژوهش، پرورش، اشاعه (و پذیرش) قرار می گیرند، موافقتی نشان نمی دهد (اونس^{۱۴}، ۱۹۹۱، ص ۲۱۵).

پیشینه تحقیق

۱. تحقیقات انجام شده داخلی:

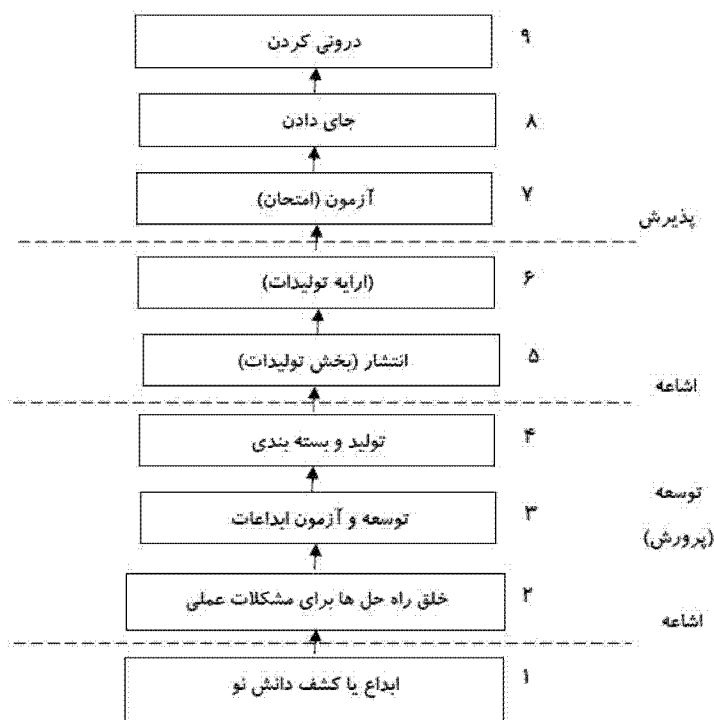
۱. ناهید بخشی (۱۳۹۰) پژوهشی را تحت عنوان تغییر سازمانی انجام داده است. چکیده این پژوهش بیان

11. Reseach , Devlopment, Diffusion

12. Robert G. Owens

13. Organization Developmen

14. Owens, Robert G.,



شکل ۲. الگوی پژوهش، توسعه، اشاعه و پذیرش

«ارایه مدلی برای افزایش عملکرد از طریق هماهنگ سازی استراتژی‌های تغییر سازمانی» انجام داده‌اند. هدف از تحقیق حاضر، دریافت بررسی رابطه هماهنگی گونه‌های پذیرش استراتژی‌های تغییر سازمانی (گونه‌های ساختار، تکنولوژی، فرهنگ، نیروی انسانی، اهداف) بر افزایش عملکرد است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که به موازات افزایش عملکرد شرکت‌های هواپیمایی، گونه‌های استراتژی‌های تغییر سازمانی تغییر پیدا می‌کنند.

۲. تحقیقات انجام شده خارجی

۱. هائو ژیانو و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۳) تحقیقی تحت عنوان «چه زمانی باید تغییرات سازمانی را پیاده سازی و اجرا نمود؟ تاثیر واسطه ای پویایی محیط در رابطه بین توانمندی‌های پویا و عملکرد شرکتی جدید» را انجام دادند که هدف از این تحقیق تبیین تاثیرات واسطه ای پویایی محیطی بر رابطه بین توانمندی‌های پویا و عملکرد شرکتی جدید و تغییرات سریع محیطی در چین (مطالعه موردی) می‌باشد. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که توانمندی‌های حس فرصت

می‌کنند که در حال حاضر با پیشرفت سریع علم و فن آوری و پیچیده شدن اوضاع سیاسی و محیط اجتماعی لزوم ایجاد مدیریت تغییر سازمانی اهمیت ویژه‌ای یافته است. چنین روندی به رشد در لزوم تغییر سازمانی نیاز به دانش و مهارت کافی برای بهبود و تکامل سازمانی را تشویق می‌نماید.

۲. توفیقی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را تحت عنوان «تاثیر تغییرات سازمانی بر شاخص‌های سلامت سازمان و ارتباط آن با اثربخشی سازمانی» انجام داده‌اند. هدف از این تحقیق، بررسی تاثیر تغییرات بر شاخص‌های سلامت سازمان و ارتباط آن با اثربخشی سازمانی بود. میزان شاخص‌های سلامت سازمانی قبل و بعد از اجرای تغییرات بررسی و تغییرات ایجاد شده در آن ارزیابی شد و ارتباط بین شاخص اثربخشی سازمانی با شاخص‌های سلامت سازمان بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که محیط سالم کاری به میزان ۴۰.۷٪، اثربخشی سازمانی به میزان ۶۰.۴٪، روحیات کارکنان به میزان ۶۰.۶٪ و مشارکت کارکنان به میزان ۱۶.۰۸٪ کاهش داشت

۳. اعرابی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی را تحت عنوان

و توانمندی‌های بازسازی دارای تاثیرات معناداری بر عملکرد جدید شرکت‌ها می‌باشند.

۲. کریستف نوهه و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۳) تحقیقی را تحت عنوان «بررسی رابطه بین کاریزما و تغییر سازمانی: مطالعه چندسطحی از کارزیرمای اداراک شده، تعهد نسبت به تغییرات و عملکرد گروهی» را انجام دادند که هدف از این تحقیق بررسی و مطالعه رهبران در زمان پیاده‌سازی تغییرات سازمانی و همچنین تجزیه و تحلیل سازوکارهایی است که به واسطه آن‌ها رفتارهای تغییربرانگیز رهبران با عملکرد گروهی عجین می‌شوند. نتایج حاصل از این تغییر حاکی از آن است که رهبران گروه‌ها زمانی که در رفتارهای برانگیزنده تغییر وارد می‌شوند دارای شخصیت کاریزماتیک بیشتری اداراک می‌شوند. این گونه رفتارها موجب تسهیل عملکرد گروهی از طریق اداراک شخصیت کاریزماتیک رهبران و تعهد به تغییر در میان پیروان آن‌ها می‌گردد.

۴- روش‌شناسی تحقیق

۱-۴- قلمرو تحقیق

- قلمرو مکانی: قلمرو مکانی تحقیق شامل شهرداری منطقه ۱۷ می‌باشد.
- قلمرو زمانی: پژوهش حاضر از نظر قلمرو زمانی مربوط به آبان ماه سال ۱۳۹۲ هجری شمسی می‌باشد.
- قلمرو موضوعی: این تحقیق از لحاظ قلمرو موضوعی در حیطه مباحث تحول سازمانی می‌باشد.

۲-۴- جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری عبارت است از مجموعه‌ای از افراد، اشیاء و... (واحد) که حداقل در یک صفت مشترک باشند (خاکی، ۱۳۸۷). جامعه آماری مورد مطالعه در این

تحقیق، مدیران و معاونان و کارکنان کارشناس شهرداری منطقه ۱۷ می‌باشند، که تعداد آنها برابر با ۲۳۸ نفر می‌باشد. با توجه به اینکه در حال حاضر تعداد مدیران و معاونان و کارکنان کارشناس شهرداری منطقه ۱۷ برابر با ۲۳۸ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برآورد می‌شود:

$$n = \frac{(238)(1/96)^2(0/5)(1-0/5)}{(238-1)(0/05)^2 + (1/96)^2(0/5)(1-0/5)} \approx 147$$

۳-۴- روش گردآوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی استفاده می‌گردد. الف) روش‌های کتابخانه‌ای: جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات تحقیق موضوع و تاریخچه سازمان مورد مطالعه از کتب، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، مقالات علمی- پژوهشی و مجلات و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است.

ب) روش‌های میدانی: در این پژوهش به منظور تحلیل کمی اطلاعات و نیز آگاهی از نگرش مدیران و معاونان و کارکنان کارشناس شهرداری منطقه ۱۷ نسبت به موضوع مورد مطالعه از طریق ابزار پرسش‌نامه، اطلاعات جمع‌آوری شده است.

۴-۴- توصیف متغیرهای تحقیق

۰ متغیرهای مستقل: ارتباطات، تعهد سازمانی، مشارکت، آموزش، نگرش به تغییر سازمانی.

۰ متغیر وابسته: تغییر سازمانی ادراک شده

۴-۵- پرسشنامه

۴-۶- اعتبار و روایی ابزار تحقیق

جدول ۳. ساختار پرسشنامه

ردیف	متغیر	تعداد سوالات	شماره سوالات
۱	ارتباطات	۳	۱-۳
۲	مشارکت	۳	۴-۶
۳	آموزش	۳	۷-۹
۴	نگرش	۴	۱۰-۱۳
۵	تعهد سازمانی	۳	۱۴-۱۶
۶	تغییر سازمانی ادراک شده	۱۷	۱۷-۳۳

جدول ۴. طیف پرسشنامه

کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	گزینه انتخابی
۵	۴	۳	۲	۱	امتیاز

مؤلفه	تعداد سوالات	شماره سوالات	آلفای کرونباخ
ارتباطات	۳	۱-۳	۰/۷۴۳
مشارکت	۳	۴-۶	۰/۷۴۶
آموزش	۳	۷-۹	۰/۷۱۴
نگرش	۴	۱۰-۱۳	۰/۷۷۳
تعهد سازمانی	۳	۱۴-۱۶	۰/۸۱۸
تغییر سازمانی ادراک شده	۱۷	۱۷-۳۳	۰/۹۱۰

ابزاری که آلفای کرونباخ آن بالاتر از سطح مقدار می نیمم که توسط نانلی^{۱۷} (۱۹۸۷) پیشنهاد گردید یعنی ۰/۷ باشد، از پایایی مناسبی برخوردار است. آلفای کرونباخ تمامی مؤلفه‌ها بالای ۰/۷ بدست آمده است و پایایی پرسشنامه تأیید می شود.

۵-۲- آمار استنباطی

● آزمون کلموگروف- اسمیرنوف

نتیجه این آزمون در جدول ۶ آورده شده است، در این آزمون فرضیه‌های صفر و یک به صورت زیر می باشد: بر اساس سطوح معناداری بدست آمده از آزمون

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{توزیع احتمالی مشاهدات نرمال است} \\ H_1: \text{توزیع احتمالی مشاهدات نرمال نیست} \end{array} \right.$$

۵- تجزیه و تحلیل اطلاعات

۵-۱- شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های پژوهش

نتایج جدول ۴-۵ نشان می دهد که متغیر تغییر سازمانی ادراک شده دارای میانگین ۳/۴۶۴ و انحراف معیار ۰/۵۸۹ بوده است. نیمی از امتیازات این متغیر از ۳/۴۷۰ کمتر و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار بوده اند. از بین عوامل مؤثر بر تغییر سازمانی ادراک شده، متغیرهای مشارکت (با میانگین ۳/۸۱۶) و آموزش (با میانگین ۲/۷۴۳) به ترتیب

جدول ۵. شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه	میانگین	میانه	انحراف استاندارد
ارتباطات	۳,۷۴۱	۳,۶۶۶	۰,۶۶۶
مشارکت	۳,۸۱۶	۴,۰۰۰	۰,۶۸۳
آموزش	۲,۷۴۳	۲,۶۶۶	۰,۶۳۲
نگرش به تغییر سازمانی	۳,۷۲۱	۳,۷۵۰	۰,۶۳۱
تعهد سازمانی	۳,۳۶۵	۳,۳۳۳	۰,۷۳۵
تغییر سازمانی ادراک شده	۳,۴۶۴	۳,۴۷۰	۰,۵۸۹



جدول ۶. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف

مؤلفه	آماره کلموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری	نتیجه
ارتباطات	۰,۷۲۶	۰,۵۰۵	نرمال
مشارکت	۱,۱۶۵	۰,۱۲۷	نرمال
آموزش	۱,۲۸۸	۰,۰۷۳	نرمال
نگرش به تغییر سازمانی	۱,۳۳۵	۰,۰۵۷	نرمال
تعهد سازمانی	۱,۱۵۲	۰,۱۴۱	نرمال
تغییر سازمانی ادراک شده	۰,۶۵۰	۰,۷۹۲	نرمال

نمود. همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس مدل برازش شده را (با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱) در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵، معنادار برآورد کرده است. سطح معناداری آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر ارتباطات در مدل برازش شده کمتر از ۰/۰۰۱ بدست آمده است، در نتیجه فرضیه صفر بودن این ضریب را رد کرده و این فرضیه ی پژوهش، در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵، پذیرفته می‌شود. بدین معنا که ارتباطات بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ تاثیر معنی داری دارد. مثبت بودن ضریب رگرسیونی بدست آمده برای متغیر ارتباطات (۰/۶۳۶)، نشان دهنده ی مثبت بودن رابطه اش با متغیر پاسخ تغییر سازمانی ادراک شده است. بدین معنی که هر چه ارتباطات در سطح بالاتری قرار داشته باشد، تغییر سازمانی ادراک شده از سوی کارکنان نیز ارتقاء پیدا خواهد کرد. مدل رگرسیونی برازش شده برای بیان این رابطه را می‌توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

خطا + (ارتباطات) ۰/۶۳۶ + ۱/۰۸۳ = تغییر سازمانی ادراک شده

کلموگروف- اسمیرنوف مشاهده می‌شود که سطح معناداری برای تمامی مؤلفه ها، بیشتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ بدست آمده و در نتیجه فرضیه نرمال بودن تمامی مشاهدات را در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵ می‌پذیریم.

● برازش مدل رگرسیونی

۱- ارتباطات بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ موثر می‌باشد. جزئیات برازش مدل رگرسیونی بین متغیر پاسخ تغییر سازمانی ادراک شده و متغیر پیش بینی کننده ارتباطات، در جدول ۷ آورده شده است.

۲- از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده از جدول ۴-۷ بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، می‌توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. در نتیجه مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب به لحاظ برقراری شرط استقلال جملات خطا برخوردار است. با توجه به ضریب تعیین بدست آمده (۰/۵۱۸)، با استفاده از متغیر توضیحی ارتباطات می‌توان تا ۵۱/۸ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه



جدول ۷. نتایج برازش مدل رگرسیونی بین ارتباطات و تغییر سازمانی ادراک شده

پارامتر	ضریب رگرسیونی	خطای برآورد	ضریب استاندارد شده	آماره آزمون t	سطح معناداری
عدد ثابت	۱,۰۸۳	۰,۱۹۴		۵,۵۹۳	$p < 0,001$
ارتباطات	۰,۶۳۶	۰,۰۵۱	۰,۷۲۰	۱۲,۴۸۸	$p < 0,001$

آماره آزمون تحلیل واریانس: ۱۵۵/۹۵۷ سطح معناداری مدل: $p < 0,001$ ضریب همبستگی: ۰/۷۲۰
ضریب تعیین مدل رگرسیونی: ۰/۵۱۸ آماره دوربین واتسون: ۲/۱۶۲

جدول ۸. نتایج برازش مدل رگرسیونی بین مشارکت و تغییر سازمانی ادراک شده

پارامتر	ضریب رگرسیونی	خطای برآورد	ضریب استاندارد شده	آماره آزمون t	سطح معناداری
عدد ثابت	۱,۰۰۷	۰,۱۸۴		۵,۴۶۴	$p < ۰,۰۰۱$
مشارکت	۰,۶۴۴	۰,۰۴۸	۰,۷۴۷	۱۳,۵۳۶	$p < ۰,۰۰۱$

آماره آزمون تحلیل واریانس: ۱۸۳/۲۱۳ سطح معناداری مدل: $p < ۰,۰۰۱$ ضریب همبستگی: ۰/۷۴۷
ضریب تعیین مدل رگرسیونی: ۰/۵۵۸ آماره دوربین واتسون: ۲/۰۱۴

باید توجه داشت که حضور عدد ثابت با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار بوده است.

متغیر توضیحی مشارکت مناسب بوده است. همچنین سطح معناداری بدست آمده برای آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی مؤلفه مشارکت در جدول ۴-۸، کمتر از ۰/۰۰۱ بوده و در نتیجه فرضیه صفر بودن این ضریب در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵ رد می شود و این فرضیه اصلی پژوهش نیز پذیرفته خواهد شد. بدین معنا که مشارکت بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ تاثیر معناداری دارد. شیب خط بدست آمده (۰/۶۴۴) از مدل رگرسیونی نشان دهنده میزان و جهت رابطه متغیرهای مشارکت و تغییر سازمانی ادراک شده می باشد. به بیان دیگر به ازای یک واحد تغییر در متغیر مشارکت ۰/۶۴۴ واحد افزایش در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده خواهیم داشت. مدل رگرسیونی برازش شده را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

خطا + (مشارکت) $۰/۶۴۴ + ۱/۰۰۷ =$ تغییر سازمانی ادراک شده

۳- مشارکت بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ موثر می باشد. جزئیات برازش مدل رگرسیونی بین متغیر پاسخ تغییر سازمانی ادراک شده و متغیر پیش بینی کننده مشارکت، در جدول ۸ نشان داده شده است. میزان آماره دوربین واتسون در مدل رگرسیونی برابر با ۲/۰۱۴ بدست آمده، پس می توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. در نتیجه از لحاظ استقلال جملات خطا، مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب برخوردار است. ضریب تعیین بدست آمده از این مدل نشان می دهد که متغیر مشارکت تا ۵۵/۸ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه می کند. همانگونه که از مقدار ضریب تعیین برآورد شده انتظار می رود، نتایج آزمون تحلیل واریانس نیز میزان تغییرات توجیه شده متغیر پاسخ در مدل برازش شده را در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵ معنادار برآورد می نماید. بنابراین مدل در نظر گرفته شده برای توجیه تغییرات تغییر سازمانی ادراک شده به موجب تغییر در

جدول ۹. نتایج برازش مدل رگرسیونی بین آموزش و تغییر سازمانی ادراک شده

پارامتر	ضریب رگرسیونی	خطای برآورد	ضریب استاندارد شده	آماره آزمون t	سطح معناداری
عدد ثابت	۱,۵۴۵	۰,۱۴۴		۱۰,۷۵۳	$p < ۰,۰۰۱$
آموزش	۰,۷۰۰	۰,۰۵۱	۰,۷۵۱	۱۳,۷۱۰	$p < ۰,۰۰۱$

آماره آزمون تحلیل واریانس: ۱۸۷/۹۶۶ سطح معناداری مدل: $p < ۰,۰۰۱$ ضریب همبستگی: ۰/۷۵۱
ضریب تعیین مدل رگرسیونی: ۰/۵۶۵ آماره دوربین واتسون: ۲/۰۸۴



جدول ۱۰. نتایج برازش مدل رگرسیونی بین نگرش و تغییر سازمانی ادراک شده

پارامتر	ضریب رگرسیونی	خطای برآورد	ضریب استاندارد شده	آماره آزمون t	سطح معناداری
عدد ثابت	۰٫۸۸۸	۰٫۱۹۶		۴٫۵۲۸	$p < ۰٫۰۰۱$
نگرش به تغییر سازمانی	۰٫۶۹۲	۰٫۰۵۲	۰٫۷۴۲	۱۳٫۳۱۹	$p < ۰٫۰۰۱$

آماره آزمون تحلیل واریانس: ۱۷۷/۳۸۲ سطح معناداری مدل: $p < ۰/۰۰۱$ ضریب همبستگی: ۰/۷۴۲
ضریب تعیین مدل رگرسیونی: ۰/۵۵۰ آماره دوربین واتسون: ۱/۹۹۵

مدل رگرسیونی بین متغیر پاسخ تغییر سازمانی ادراک شده و متغیر پیش بینی کننده نگرش به تغییر سازمانی در جدول ۱۰ آورده شده است.

۶- از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسون بدست آمده از جدول ۱۰ بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، می توان فرض استقلال جملات خطای رگرسیونی را پذیرفت. با توجه به ضریب تعیین بدست آمده (۰/۵۵۰)، با استفاده از متغیر توضیحی نگرش به تغییر سازمانی می توان ۵۵ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه نمود. همچنین نتیجه آزمون تحلیل واریانس در جدول مدل برازش شده را (با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱) در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵، معنادار برآورد کرده است. سطح معناداری آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر نگرش در مدل برازش شده کمتر از ۰/۰۰۱ بدست آمده است، در نتیجه فرضیه صفر بودن این ضریب را رد کرده و این فرضیه ی پژوهش، در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵، پذیرفته می شود. در نتیجه نگرش نسبت به تغییر سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در جامعه ی مورد پژوهش تاثیر معناداری دارد. مثبت بودن ضریب رگرسیونی بدست آمده برای متغیر نگرش (۰/۶۹۲)، نشان دهنده ی مثبت بودن رابطه اش با متغیر پاسخ تغییر سازمانی ادراک شده است. مدل رگرسیونی برازش شده برای بیان این رابطه را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

$$\text{خطا} + (\text{نگرش به تغییر سازمانی}) \times ۰/۶۹۲ + ۰/۸۸۸ =$$

تغییر سازمانی ادراک شده

بینی کننده آموزش در جدول ۹ نشان داده شده است.

ضریب تعیین بدست آمده از جداول ۹ نشان می دهد که این مدل رگرسیونی تا ۵۶/۵ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه می کند. با توجه به مقادیر آماره ی دوربین واتسون بدست آمده نیز می توان گفت که از لحاظ استقلال جملات خطا، مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب برخوردار می باشد. نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول نیز میزان تغییرات توجیه شده متغیر پاسخ تغییر سازمانی ادراک شده در این مدل را، در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵، معنادار می داند. با توجه به سطوح معناداری بدست آمده برای آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی مؤلفه ی آموزش و آزمون صفر بودن عدد ثابت (کمتر از ۰/۰۰۱)، هر دو فرضیه رد می شود. بنابراین آموزش بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ مؤثر می باشد و این فرضیه ی پژوهش در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵، پذیرفته می شود. ضریب رگرسیونی بدست آمده برابر با ۰/۷۰۰ می باشد، بدین معنا که به ازای یک واحد تغییر در متغیر آموزش، ۰/۷۰۰ واحد افزایش در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده خواهیم داشت. مدل رگرسیونی برازش شده را می توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

$$\text{خطا} + (\text{آموزش}) \times ۰/۷۰۰ + ۱/۵۴۵ = \text{تغییر سازمانی ادراک شده}$$

۵- نگرش به تغییر سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ مؤثر می باشد. جزئیات برازش

جدول ۱۱. نتایج برازش مدل رگرسیونی بین تعهد سازمانی و تغییر سازمانی ادراک شده

پارامتر	ضریب رگرسیونی	خطای برآورد	ضریب استاندارد شده	آماره آزمون t	سطح معناداری
عدد ثابت	۱,۳۳۵	۰,۱۴۱		۹,۴۹۹	$p < ۰,۰۰۱$
تعهد سازمانی	۰,۶۳۳	۰,۰۴۱	۰,۷۹۰	۱۵,۴۹۶	$p < ۰,۰۰۱$

آماره آزمون تحلیل واریانس: ۲۴۰/۱۳۷ سطح معناداری مدل: $p < ۰/۰۰۱$ ضریب همبستگی: ۰/۷۹۰
ضریب تعیین مدل رگرسیونی: ۰/۶۲۴ آماره دوربین واتسون: ۲/۰۱۹

۷- تعهد سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ مؤثر می‌باشد. جزئیات برازش مدل رگرسیونی بین متغیر پاسخ تغییر سازمانی ادراک شده و متغیر پیش بینی کننده تعهد سازمانی در جدول ۱۱ نشان داده شده است.

با توجه به اینکه در جدول ۱۱ میزان آماره دوربین واتسون مدل برابر با ۲/۰۱۹ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که از لحاظ استقلال جملات خطا، مدل مذکور از نیکویی برازش مناسب برخوردار است. ضریب تعیین بدست آمده از این مدل نشان می‌دهد که متغیر تعهد سازمانی تا ۶۲/۴ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه می‌کند. نتایج آزمون تحلیل واریانس نیز میزان تغییرات توجیه شده متغیر پاسخ در مدل برازش شده را در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵ معنادار برآورد می‌نماید. بنابراین مدل در نظر گرفته شده برای توجیه تغییرات متغیر تغییر سازمانی ادراک شده به موجب تغییر در متغیر توضیحی تعهد سازمانی مناسب می‌باشد. همچنین سطح معناداری بدست آمده برای

آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی مؤلفه ی تعهد سازمانی در جدول ۱۱، کمتر از ۰/۰۰۱ بوده و در نتیجه فرضیه صفر بودن این ضریب در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵ رد می‌شود و این فرضیه پژوهش پذیرفته خواهد شد. بدین معنا که تعهد سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ تاثیر معناداری دارد. شیب خط بدست آمده (۰/۶۳۳) در مدل رگرسیونی نشان دهنده ی میزان رابطه ی مؤلفه ی تعهد سازمانی با تغییر سازمانی ادراک شده می‌باشد، مثبت بودن این ضریب بیانگر مثبت بودن جهت این رابطه است. مدل رگرسیونی برازش شده را می‌توان بطور خلاصه بصورت زیر نشان داد:

$$\text{خطا} + (\text{نگرش به تغییر سازمانی}) \times ۰/۶۳۳ + ۱/۳۳۵ =$$

تغییر سازمانی ادراک شده

● آزمون فریدمن جهت اولویت بندی عوامل مؤثر بر تغییر سازمانی ادراک شده در جامعه مورد پژوهش، از آزمون ناپارامتری رتبه ای

جدول ۱۲. نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن

رتبه	میانگین رتبه	مؤلفه
۳	۳,۶۲	ارتباطات
۱	۳,۸۲	مشارکت
۵	۱,۳۱	آموزش
۲	۳,۶۵	نگرش به تغییر سازمانی
۴	۲,۶۰	تعهد سازمانی

آماره خی دو آزمون: ۲۷۸/۸۴۱ سطح معناداری: $p < ۰/۰۰۱$



فریدمن استفاده می‌کنیم. در این آزمون مولفه‌ها بر اساس بزرگی میانگین رتبه‌ای، رتبه‌بندی می‌شوند و هر مولفه‌ای که دارای میانگین رتبه‌ای بزرگتری در بین سایر مولفه‌ها باشد، از اهمیت بالاتری برخوردار است.

با توجه به جدول اولویت بندی ۱۲، اختلاف معناداری بین عوامل مورد مطالعه از لحاظ تأثیرگذاری بر تغییر سازمانی ادراک شده وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌های بدست آمده، متغیر مشارکت در اولویت اول اهمیت قرار می‌گیرد. سایر مؤلفه‌های به صورت زیر رتبه بندی می‌شوند:

۱. مشارکت؛ ۲. نگرش به تغییر سازمانی؛ ۳. ارتباطات؛ ۴. تعهد سازمانی؛ ۵. آموزش.

۸- نتیجه گیری و جمع‌بندی

۱. ارتباطات بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ موثر می‌باشد. نتایج بدست آمده از برازش مدل رگرسیونی، موجود در جدول ۷ نشان داد که ارتباطات بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ تأثیر معنادار و مثبتی دارد، در نتیجه این فرضیه ی پژوهش در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵ پذیرفته می‌شود. زیرا سطوح معناداری بدست آمده برای آزمون تحلیل واریانس (معناداری مدل رگرسیونی) و آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر ارتباطات هر دو کمتر از ۰/۰۱ بوده و ضریب رگرسیونی برآورد شده نیز برابر ۰/۶۳۶ می‌باشد. ارتباط مثبت بین این دو متغیر بیانگر آنست که هر چه متغیر ارتباطات در سطح بالاتری قرار گیرد، تغییر سازمانی ادراک شده در جامعه مورد پژوهش نیز افزایش خواهد یافت. ضریب تعیین بدست آمده نیز نشان می‌دهد که از دیدگاه نمونه مورد مطالعه متغیر ارتباطات تا ۵۱/۸ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه می‌نماید. نتایج بدست آمده از این پژوهش با نتیجه پژوهش شی رانگ فانگ و همکاران (۲۰۰۹) (نتیجه: ارتباطات دارای تأثیری معنادار بر تغییر سازمانی ادراک شده می‌باشد) همسو بوده است.

۲. مشارکت بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری

منطقه ۱۷ موثر می‌باشد. نتایج برازش مدل رگرسیونی موجود در جدول ۸، با سطوح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ برای معناداری مدل و آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر مشارکت نشان داد که مشارکت بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ تأثیر معناداری دارد و این فرضیه ی پژوهش با قطعیت ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب رگرسیونی بدست آمده از مدل برابر با ۰/۶۴۴ است. بدین معنا که اگر متغیر توضیحی مشارکت یک واحد افزایش یابد، مقدار متغیر تغییر سازمانی ادراک شده نیز تقریباً ۰/۶۴۴ واحد افزایش (بدلیل مثبت بودن شیب) می‌یابد. ضریب تعیین بدست آمده نیز نشان می‌دهند که متغیر مشارکت با استفاده از مدل برازش شده می‌تواند تا ۵۵/۸ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه کند. نتایج بدست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های توفیقی و همکاران (۱۳۹۰) و آصفی (۱۳۸۸) همسو بوده است. نتایج هر دو پژوهش بیانگر تأثیر مثبت و معنادار مشارکت بر تغییر سازمانی ادراک شده کارکنان می‌باشد.

۳. آموزش بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ موثر می‌باشد. نتایج بدست آمده از برازش مدل رگرسیونی به منظور بررسی این فرضیه ی پژوهش در جدول ۹ آورده شده است. سطوح معناداری بدست آمده برای آزمون معناداری مدل رگرسیونی (آزمون تحلیل واریانس) (کمتر از ۰/۰۰۱) و آزمون‌های صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر آموزش (کمتر از ۰/۰۰۱) نشان می‌دهد که آموزش بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ تأثیر معناداری دارد و این فرضیه ی پژوهش در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵ پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب رگرسیونی برآورد شده (۰/۷۰۰)، این رابطه در جهت مستقیم می‌باشد. ضریب تعیین بدست آمده از مدل رگرسیونی نیز بیانگر آنست که متغیر آموزش از دیدگاه جامعه مورد پژوهش تا ۵۶/۵ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه می‌کند. نتایج بدست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های رضائیان (۱۳۸۳) و سالی کارلس و جسیکا آرنوپ (۲۰۱۱) همسو می‌باشد. در هر دو پژوهش‌ها بر تأثیرگذاری معنادار آموزش بر تغییر

سازمانی ادراک شده اشاره شده است.

۴. نگرش به تغییر سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ موثر می‌باشد. نتایج بدست آمده از برازش مدل رگرسیونی، موجود در جدول ۱۰، بیانگر آنست که نگرش به تغییر سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در جامعه مورد پژوهش تاثیر معنادار و مثبتی دارد، در نتیجه این فرضیه پژوهش در سطح خطای نوع اول $0/05$ پذیرفته می‌شود. زیرا سطوح معناداری بدست آمده برای آزمون تحلیل واریانس (معناداری مدل رگرسیونی) و آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر نگرش در مدل برازش شده کمتر از $0/001$ بوده و ضریب رگرسیونی برآورد شده نیز برابر $0/692$ می‌باشد. ضریب رگرسیونی بدست آمده برای مؤلفه ی نگرش به تغییر سازمانی بیان کننده تأثیرگذاری مثبت آن بر تغییر سازمانی ادراک شده می‌باشد. ضریب تعیین بدست آمده نیز نشان می‌دهد که مؤلفه نگرش به تغییر سازمانی تا ۵۵ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه می‌کند. نتایج بدست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهشهای میرکمالی و زینلی پور (۱۳۸۸)، رحمان سرشت و مقمد (۱۳۸۶) و اریک آرن لافکوسیت و همکاران (۲۰۱۱) همسو بوده است. در تمامی این پژوهشها بر تأثیر مثبت و معنادار نگرش به تغییر سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده تأکید شده است.

۵. تعهد سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ موثر می‌باشد. سطوح معناداری بدست آمده برای آزمونهای تحلیل واریانس و آزمون صفر بودن ضریب رگرسیونی متغیر تعهد سازمانی (موجود در جدول ۱۱) کمتر از $0/001$ بوده و ضریب رگرسیونی برآورد شده نیز برابر $0/633$ می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که تعهد سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در شهرداری منطقه ۱۷ تاثیر معنادار و مثبتی دارد و این فرضیه پژوهش در سطح خطای نوع اول $0/05$ تأیید می‌شود. مثبت بودن ضریب رگرسیونی برآورد شده نشان دهنده تأثیرگذاری مثبت تعهد سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده در جامعه مورد پژوهش است. ضریب تعیین برآورد شده از مدل رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که متغیر

تعهد سازمانی با استفاده از مدل برازش شده تا $62/4$ درصد از تغییرات موجود در متغیر تغییر سازمانی ادراک شده را توجیه می‌کند. نتایج بدست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهشهای میرکمالی و زینلی پور (۱۳۸۸)، کریستف نوهه و همکاران (۲۰۱۳)، نورشیدا نورالدین (۲۰۱۱) و اریک آرن لافکوسیت و همکاران (۲۰۱۱) همسو بوده است. نتایج تمامی این پژوهشها نشان از تأثیر مثبت و معنادار تعهد سازمانی بر تغییر سازمانی ادراک شده داشته است.

۹- پیشنهادات

با توجه به مطالعات صورت گرفته در فرآیند تحقیق و نتایج به دست آمده از تحلیل آماری داده‌های تحقیق می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه داد:

۵ پیشنهاد می‌شود در جهت افزایش سطح تغییر سازمانی ادراک شده در سازمان با کارکنان و اعضای سازمان ارتباط برقرار کرد و علت ایجاد تغییر را به آنان تفهیم کرد و دلایل آن را برشمرد. اگر کارکنان و اعضای سازمان از همه واقیبت‌ها آگاه شوند و هر نوع سوء تفاهمی از بین برود از میزان مقاومت‌ها کاسته خواهد شد. برای انجام این کار می‌توان با افراد به مباحثه پرداخت، بخشنامه صادر کرد و یا در آن رابطه سخنرانی کرد.

۵ اگر افراد در امر ایجاد تغییر و به هنگام تصمیم‌گیری، مشارکت کرده باشند، تغییر سازمانی اعمال شده را به راحتی درک نموده و به ندرت امکان دارد که در برابر آن ایستادگی کنند. پیش از ایجاد هر نوع تغییر باید از کسانی که احتمال می‌رود با آن مخالفت کنند دعوت به عمل آورد و آنها را در زمینه تصمیم‌گیری مشارکت داد.

۵ یکی دیگر از راه‌هایی که می‌تواند تغییر سازمانی ادراک شده از سوی کارکنان را افزایش داده و مقاومت‌های بالقوه بر سر راه تغییر را از بین ببرد این است که پیش از انجام آن، در مورد تغییر و نحوه عملکرد پس از آن آموزش‌هایی به کارکنان داده شود. این کار می‌تواند از طریق نشست‌های جمعی دوستانه یا برگزاری دوره‌های آموزشی صورت گیرد. ۵ اگر بتوان فرآیند تغییر را در قالبی قوی برای کارمندان بیان کرد به طوریکه به کارمندان کمک کند تا به



TION: THE ROLE OF TECHNOLOGY DIFFUSION AGENCIES, J. Technol. Manag. Innov. 2008, Volume 3, Issue 3, págs: 1-10

13. Ana Rosa Leal Blanco-Arturo Briseño García- Eduardo Enrique Aguiñaga Maldonado , CHANGING MINDSETS: MEASURING MANAGERS' LEARNING VERSATILITY IN MEXICAN ENTREPRENEURS , Octubre 2013 Mexico.D.F.

14. Jasmin Robertson.Tamma Sorbello.Kerrie Unsworth - Innovation Implementation: The Role of Technology Diffusion Agencies - Vol 3, No 3 (2008)

15. HOAG, B. G., Ritschard, H.V., & Cooper, C. L. (2002). Obstacles to effective organizational change: The underlying reasons. Leadership & Organization Development Journal, 23(1), 6-15

16. LONGENECKER, C. O., & Fink, L. S. (2001). Improving management performance in rapidly changing organizations. Journal of Management Development, 20(1), 7-18.

17. KLEIN, K. J., Conn, A. B., & Sorra J. S. (2001). Implementing computerized technology: An organizational analysis. Journal of Applied Psychology, 86(5), 811-824.

18. James Pettitt- Ross Donohue , A Conceptual Framework for Garnering Commitment to Strategic Change , the 18th ANZAM Conference, Dunedin, New Zealand December 8-11, 2004.

19. Schalk, R., Campbell, J. W., & Freese, C. (1998). Change and employee behaviour. Leadership & Organization Development Journal, 19(3), 157-163

20. Armenakis, A. A., & Bedeian, A. G. (1999). Organizational change: a review of theory and research in the 1990s. Journal of Management, 25(3), 293-315.

21. Bovey, W. H., & Hede, A. (2001). Resistance to organizational change: The role of cognitive and affective processes. Leadership & Organization Development Journal, 22(7/8), 372-382.

22. Cropanzano, R., & Greenberg, J. (1997). Progress in Organisational justice: Tunnelling through the maze. In C. L. Cooper & L. T. Robinson (Eds.), Organisational Psychology and Development (pp. 243-298). Chichester: Wiley.

تلاش‌هایشان اعتقاد پیداکنند و جواب‌های سوالات خود را در قبال تغییر را بگیرند، در این صورت می‌توان انتظار داشت که با ایجاد یک نگرش صحیح و ارضای سوالات و رفع ابهامات کارمندان، انرژی لازم برای تغییر در آنها فراهم شود. برای ایجاد چنین فضایی باید موفقیت‌ها را پررنگ جلوه داد، همچنین باید دنیای پس از تغییر را برای کارمندان مجسم کرد و اینکه در راستای معنادار کردن تغییر برای کارمندان باید از روش ارائه مثال و الگو بهره برد.

منابع و مآخذ

1. Milliken and Lant, 1991-Pluralistic Ignorance in Corporate Boards and Firms' Strategic Persistence in Response to Low Firm Performance - Administrative Science Quarterly, 50 (2005): 262-298
2. The New Handbook of Organizational Communication Advances in Theory , Research , and Methods – Fredric M. Jablin , Linda L Putnam
3. Burke & Litwin, 'A Causal Model of Organisation Performance and Change', Journal of Management, Vol 18, No 3 (1992), pp 523-545.
4. W. Warner Burke - George H. Litwin, A Causal Model of Organizational Performance and Change, Journal of Management in 1992 (Vol.18, No. 3, 523-545).
5. Ron Sheffield-Ed.D , Running head: BURKE-LITWIN MODEL EXPANSION: RESILIENCE, March 21, 2011
6. Bate, P., Khan, R., & Pye, A. (2000). Towards a culturally sensitive approach to organization structuring. Organization Science, 11, 197-211.
7. Burke, W. W. (2008). Organization change: theory and practice. Thousand Oaks, CA: Sage.
8. Cummings, Thomas G & Worley, Christopher G (2005). Organizational development and change. 8th Ed. Thomas South-Western. USA
9. Demers, C. (2007). Organizational change theories: A synthesis. Thousand Oaks, CA: Sage
10. Harvey, Thomas R. & Broyles, Elizabeth A (2010). Resistance to change: a guide to harnessing its positive power. Estover Road, United Kingdom.
11. Kotter, John P. & Cohen, Dan S (2002). The heart of change: real life stories of how people change their organizations. Boston, MA.
12. Jasmin Robertson-Tamma Sorbello & Kerrie Unsworth , INNOVATION IMPLEMENTA-



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

طراحی ورودی شهر با رویکرد هویت بخشی به فضای شهری؛ نمونه موردی: ورودی شرقی شهر زنجان

زهرا ترابی* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه معماری، زنجان، ایران.

یلدا سیما - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه شهرسازی، زنجان، ایران.

چکیده

فضای ورودی شهرها بعنوان یکی از فضاهای شهری و مفصل اتصال دهنده فضای طبیعی خارج و فضای مصنوعی داخل شهر عمل می کند. توسعه بی رویه شهرها و توجه نکردن به الگوهای توسعه فضایی مناسب، باعث ضعف در شکل و محتوای فضاهای ورودی شهرها گردیده است و این فضاها را دچار مشکلات و نابسامانی های متعدد کرده است. توجه به گسترش نابسامانی در این عرصه ها، اتخاذ تدابیر ویژه و راهگشا را ضروری می نمایاند. هدف از این نوشتار، طراحی دوباره یک بخش فراموش شده شهری به شکلی تازه و با بیانی هماهنگ با نیازهای امروز و شناخت هویت شهری و مؤلفه های آن و نقشی که این مؤلفه ها در ارتقای هویت فضای ورودی شهرها از لحاظ کیفی و بصری دارند، می باشد. در این پژوهش ابتدا مفهوم فضای شهری، سپس مفهوم ورودی شهر به عنوان یکی از انواع فضاهای شهری مورد بررسی قرار گرفته است و پس از آن مفهوم هویت به عنوان یکی از توقعات مورد انتظار از ورودی شهرها و نیز مفهوم هویت شهری و مؤلفه های آن بیان گردیده است. در انتها با توجه به نتایج حاصله و معیارهای استخراج شده، فضای ورودی شرقی شهر زنجان (مسیر آزادراه تهران - زنجان) مورد طراحی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فضای شهری، ورودی شهر، هویت شهری، مؤلفه های هویت شهری، طراحی ورودی شرقی شهر زنجان.

Urban Entrance Design With the approach of Giving Identity to urban space (Case Study: East Entrance of Zanjan city)

Abstract

The entrance space of the cities acts as one of the urban spaces, a joint linking the natural space outside to the artificial space inside. The illogical and unscheduled development of the cities as well as lack of concern for suitable space development paradigms has brought about weaknesses in the form and content of the entrance spaces of cities in Iran, causing numerous and various problems and disorders necessitates taking special and ground-breaking measures. The ravages of the epidemic until it has been common, this field cannot even meet the minimum requirements to read as well as an urban area. Expanding the ravages of the precipitous rate in these areas if that becomes inevitable in the future components of the inner city Special measures will be necessary to help. Since the entrance space in cities and urban areas is considered as one of the first spaces in the city which would deal with the phenomenon given the input patterns in the spatial relationship between these phenomenons. Studies in urban areas are according to the most basic approach. Thus, to achieve appropriate solutions in urban planning and coordinating the input current Due to the nature of the input and understanding of this phenomenon and the characteristics of One of the most fundamental issues must be considered in urban design. The entrance spaces of the last cities to study the evolution of social expression, cultural, political, and economic and technology over time the patterns of biological communities in the settlements of the land is affected. Spaces and the entrance gate into the old town and fort-defined coordinates, Entrance to the corridors with scattered ugly, worn out and worthless residential buildings And abandoned spaces are disturbing reports of uncontrolled growth and development of modern cities. City's growth starting or in other words, definitions of the limits for a city are irrelevant and meaningless. The purpose of this article Are, Redesigned a neglected part of the city in a new form, and Expression Coordinated with the needs of today and Cognition of Urban identity and its Factors and The role of these Factors in Promote identity of the urban entrance space. In terms of visual and quality. In this research, at first has been explained the concept of urban space and concept of urban entrance as one of urban spaces. Then the concept of identity as an expectations expected of entrance of cities and the concept of urban identity and its Factors are described. Finally, according to the results and Extracted criteria, Eastern entrance of the Zanjan's city (freeway route of Tehran - Zanjan) is designed.

Key Words: urban space, entrance of the city, urban identity, urban identity Factors, Eastern entrance of the Zanjan's city design.

است که این عرصه‌ها را حتی نمی‌توان واجد حداقل شرایط خوانده شدن به عنوان یک فضای شهری مطلوب دانست. توجه به آهنگ شتابناک گسترش و بسط نابسامانی در این عرصه‌ها - که به صورت گریزناپذیر در آینده به اجزای درونی شهر تبدیل می‌شود - اتخاذ تدابیر ویژه و راهگشا را ضروری می‌نمایند. بازخوانی معدود پروژه‌های ساماندهی مرتبط، مؤید آن است که در فقدان چارچوبی موجه و متناسب، متولیان و نیز متخصصان (مشاوران) بنا به انگاره‌ها و سلیق فردی به تفسیر موضوع پرداخته‌اند. تکرار این تفاسیر، ناکارآمدی تلاش‌های صورت گرفته و تعمیق نابسامانی‌ها را به همراه داشته است.

در قدیم مفهوم ورود به شهر کالبدی محدود و تقریباً یکسان (در همه شهرها) داشت و ورود به شهر بیشتر به معنای نفوذ از یک نقطه به یک زیستگاه محصور بود. اما در دوره‌های بعد، دگرگونی‌هایی رخ داد که مفهوم شهر و شهرنشینی را تغییر داد و شکل ورود به شهر را چهره‌ای دیگر بخشید. امروزه ورود به شهر معمولاً با عملکردهایی همچون خدمات اتومبیل، غذاخوری‌های نامطلوب و ناخوشایند، سکونتگاه‌هایی که نمی‌توان به آن‌ها خانه گفت، چند اداره دولتی مانند بانک، ... که در دو سوی جاده بیابانی که همچنان تا مرکز شهر پیش می‌رود، احساس می‌شود.

این پژوهش تلاشی است برای بازشناختن و سپس تجسم بخشیدن به مفهوم فراموش شده‌ی که دیر زمانی است در شهرها پدید نیامده و دیده نشده است. بنابراین طراحی نامناسب و یا شکل‌گیری خود به خودی و بی‌برنامه فضای ورودی شهرها، عدم سازماندهی فضایی - کالبدی نامناسب سیمای کاربری و ... از علل عمده ضعف در عملکرد فضاهای ورودی شهرها به منظور پاسخگویی به نیازهای مسافران و حتی ساکنین شهرها به عنوان یک فضای شهری است. بر این اساس فضای ورودی شهر زنجان (ورودی شرقی شهر زنجان از سمت جاده تهران) با توجه به ضوابط و معیارهای این تحقیق و همچنین اصول و ضوابط طراحی ورودی شهر با رویکرد هویت شهری و با هدف دستیابی به راهکارهای مناسب در طراحی ورودی کنونی شهر زنجان به عنوان نمونه

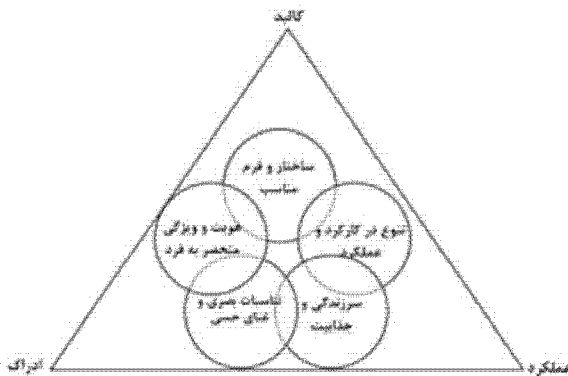
رشد صنعت و ظهور پدیده‌های نو، شتابی بیش از آن داشتند که بشر بتواند خود را با آن هم‌سرعت و هماهنگ کند و تغییرات محیط زندگی خود را به کنترل درآورد. نتیجه آن شد که شهرها تا حد زیادی به طور اتفاقی شکل گرفتند. در واقع شهرها در برخورد با پدیده‌های تازه صنعتی در موضع انفعال قرار گرفتند و برای پذیرفتن آن‌ها آماده، ساخته و پرداخته نشدند و همین امر سبب شد تا این مظاهر صنعت، جایگاه مناسب خود را در محیط زندگی انسان نیابند و اجتماع ناهماهنگی از عوامل و نیروها و نیازهای گوناگون و پرشمار پدید آید. یکی از مشکلات شهرهای امروز، نامناسب بودن آن برای حرکت اتومبیل است. شهرهای ماکه پیش‌تر بر اساس حرکت و دید پیاده طراحی شده بودند، امروزه با حرکت‌های درون خود - که مهم‌ترین آن‌ها حرکت اتومبیل است - هماهنگ نیستند. از سوی دیگر، عامل نظام‌دهنده تسلسل مراتب که همواره در تمامی ویژگی‌های ساختاری و عملکردی و فضایی شهر (دسترسی‌ها، کاربری‌ها، عمومی و خصوصی بودن فضاها، حتی در نوع نیازهای استفاده‌کنندگان، مسافر، مهمان، ساکن، گذرنده) وجود داشت، در شهر امروز فروپاشیده است. برقراری نظام تسلسل مراتب در ساماندهی کالبدی شهرها سبب می‌شد تا پیوند هر بافت به بخش یا بافت متفاوت مجاور خود به کمک مفصلی شکل بگیرد که بتواند نیروهای حاصل از این انتقال (از وضعیتی به وضعیت دیگر) را در خود حل و جذب کند. بافت بخش ورودی شهرها از اینگونه بود که اتصال میان شهر و خارج شهر را به خوبی برقرار می‌کرد. برهم خوردن تسلسل مراتب در نظام کالبدی شهرها سبب شده تا ورودی شهر که یکی از حلقه‌های این تسلسل است دچار ابهام و بی‌هویتی شود و در واقع جایگاه آن به عنوان عنصری مهم در تعریف شهر و نقطه اتصال شهر به پیرامون فراموش شود.

مبادی ورودی از جمله فضاهای مسئله‌دار و فراموش شده شهری می‌باشد که دست به گریبان مشکلات و نابسامانی‌های متعدد و متنوعی هستند. این نابسامانی‌ها تا بدان حد فراگیر شده و عمومیت یافته



مطالعاتی طراحی می‌گردد. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دلایل انتخاب موضوع را به‌طور خلاصه چنین بیان کرد:

- بی‌هویت بودن سیما و فرم شهر و در نتیجه بی‌هویتی و ناخوانایی ورودی شهر؛
- ناهنجاری چهره عملکردهایی که در آغاز نقاط ورود به شهر شکل گرفته‌اند.
- اتصال بی‌برنامه بافت شهر به جاده‌های برون شهری و حومه‌ها؛
- اتصال بی‌واسطه و نیندیشیده کاربری‌های شهری به کاربری‌های حومه و بیابانی؛
- نامشخص بودن نقش و اهمیت سواره و پیاده در آمد و شدهای شهر.

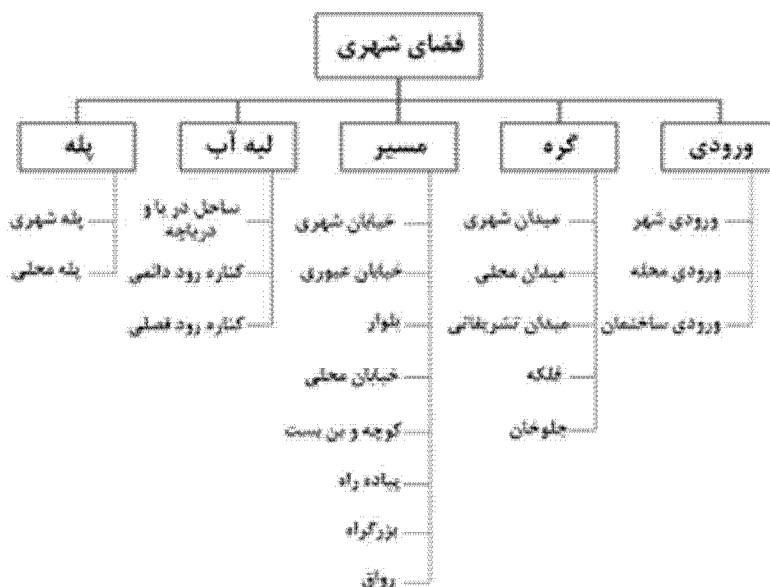


۲- بیان مساله

۱-۲- فضای شهری

آنچه که به عنوان فضای شهری در عرصه‌ی عمومی شهرها وجود دارد، شامل ورودی، گره، مسیر، لبه‌ی آب و پله است. نمودار زیر انواع فضاهای شهری موجود در شهرها و سلسله مراتب آن‌ها را نشان می‌دهد (شکل شماره ۱):

فضای شهری مصنوعی است سازمان یافته، آراسته و واجد نظم بصورت بستری برای فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی. انسان جزئی از فضا است و با ارزش‌ها و هنجارهای خود به این فضا معنی می‌بخشد. الگوهای روابط اجتماعی ثابت نیستند و یک فضا با جایگزین شدن روابط اجتماعی خاص چهره متفاوتی به خود می‌گیرند. بطور کلی، فضاهای شهری آن دسته از فضاهای باز



شکل ۱. انواع فضاهای شهری؛ منبع: پاکزاد، ۱۳۸۵.

۲-۳- معیارهای سنجش کیفیت محیط فضاهای شهری فضای شهری متشکل از سه بعد در هم تنیده عملکرد، کالبد و ادراک است. بر این اساس می توان پنج معیار را برای سنجش کیفیت محیط به شرح زیر معرفی نمود:

- دارا بودن ساختار و فرم مناسب؛
- وجود تنوع و گوناگونی در کارکردها و عملکردها؛
- وجود سرزندگی و جذابیت در فضا؛
- داشتن هویت و ویژگی منحصر بفرد؛
- وجود تناسبات بصری و غنای حسی.

فرایند برنامه ریزی برای بهبود کیفیت یک فضای عمومی شهری بر راهبردها و معیارهایی استوار است که خود را با انتظارات، نیازمندی ها و نوع رفتار استفاده کنندگان از فضا درگیر می سازد؛ یعنی عملکردها، نحوه بهره برداری، فعالیت ها و مفاهیم اجتماعی. توصیه های طراحان همراه با ضوابط برنامه ریزی می تواند برقراری ارتباط، سرزندگی، قابلیت تنوع، غنای ایده ها و کیفیت ظاهری یک فضای عمومی را سبب گردد.

۲-۴- تعریف عام «ورودی»

ورود در لغت به معنای رسیدن، درآمدن و وارد شدن است و در معماری پاسخگوی عمل ورود به معنای رسوخ در سطحی عمودی است. عمل ورود می تواند گذر از درون یک سطح باشد و یا درحالات ظریف تر، یک اختلاف سطح می تواند علامت گذر از یک فضا به فضای دیگر باشد. از سوی دیگر در یک مقیاس بزرگتر شهری، غالباً ورود از یک فضا به فضای دیگر همراه با بروز تدریجی تمایزات بین دو فضای مختلف، اغلب بصورت تدریجی و مستلزم عبور از یک یا چند فضای واسط است. البته در معماری و بویژه معماری سنتی ایران نیز غالباً ورود از

محیط خارجی بنا به درون آن از طریق عبور از یک سلسله فضاهای مرتبط بهم که مجموعاً فضای ورودی را تشکیل می دهد، صورت می گیرد (شکل شماره ۳).

ورودی بیش از هر چیز، مفصلی برای اتصال دو مکان است نه تیغه ای برای تفکیک آن ها لذا فضایی است که می تواند وقایع مختلف را در خود جای دهد. مفصلی است که هم در عرصه داخلی و هم عرصه خارجی نفوذ کرده است و ویژگی های آن هرچه که از برون به درون می رویم نزدیکتر به ویژگی های عرصه داخلی می شود، از عمومی بودن فضاها کاسته شده و بر محرمانه و خصوصی بودن آن ها افزوده می شود و بالعکس. ورودی اعتبار خود را از حوزه های دو طرف خود می گیرد و به تنهایی معنایی ندارد ولی نمی توان شخصیت مستقل آن را از نظر دور داشت.

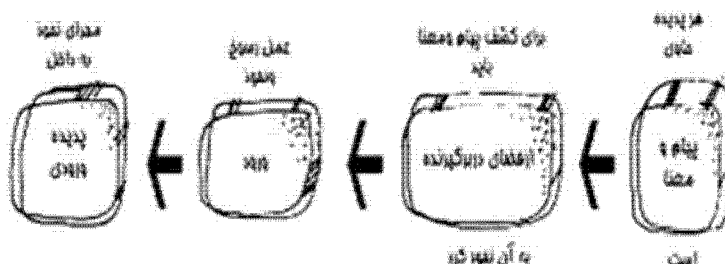
۲-۵- تعریف عام و تنوع «مبادی ورودی شهر»

شهر یک پدیده است. نفوذ به این پدیده (شهر) از طریق مجراهای معین و مشخصی صورت می پذیرد. این مجراها «مبادی ورودی شهر» خوانده می شوند. با توجه به موقعیت جغرافیایی سیستم حرکت و ابزار جابه جایی مبادی ورودی شهرها به ۳ رده تقسیم می گردند:

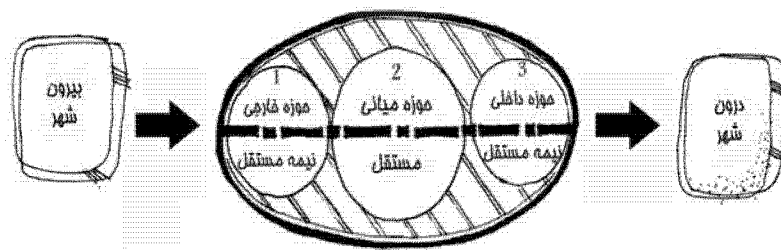
- مبادی ورودی زمینی؛
- مبادی ورودی دریایی؛
- مبادی ورودی هوایی؛

۲-۶- حوزه های فضای ورودی شهر

فضای ورودی شهرها یک مسیر حرکتی است که جریان ورود به شهر را میسر می سازد. این مسیر حرکتی قابل



شکل ۳. روندی برای تعریف ورودی؛ منبع: خادمی، رفیعی جوزم، ۱۳۸۷.



شکل ۴. تقسیم بندی فضای ورودی شهر؛ منبع: خادمی ۱۳۸۷.

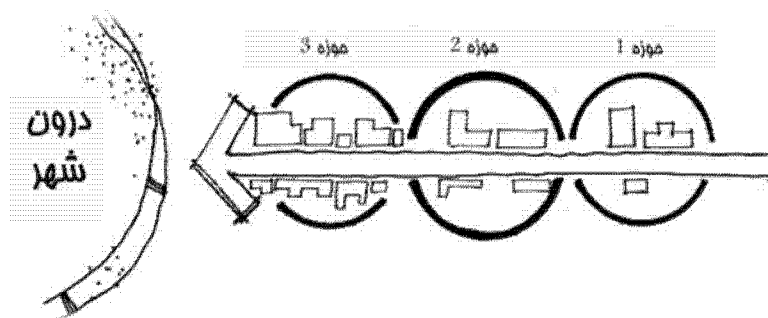
ارتباط اولیه بیرون و طبیعت را به حوزه میانی و در نهایت با پدیده شهر فراهم می‌کند. پس از حوزه دوم یعنی حوزه میانی، حوزه دیگری به نام حوزه داخلی ناظر را آماده ورود به شهر می‌کند. این حوزه با ویژگی‌های مصنوعی بیشتر ارتباط حوزه حد واسط را با عناصر مصنوعی شهر میسر می‌سازد و در واقع تداوم حس نزدیک شدن به شهر که در حوزه حد واسط وجود دارد به حس حضور در شهر در این حوزه تبدیل می‌شود (شکل شماره ۵).

۲-۷- کارکرد مبادی ورودی شهر

مهمترین کارکرد مبادی ورودی، آفرینش احساس ورود به شهر در مخاطب متحرک می‌باشد. این احساس حاصل تعامل سه مفهوم «ورود روانی»، «ورود تصویری» و «ورود فیزیکی» است. این مفاهیم هر یک در بخشی از عرصه مبادی ورودی محقق می‌شوند. به منظور پرهیز از یک مرتبگی در ورود به شهر لازم است سیر طبیعی و متعارف ورود به شهر بدین شرح صورت پذیرد: الف - ورود روانی: در بخش‌های اولیه مبادی ورودی، مخاطب به صورت ملموس تغییر کیفیت محیط پیرامون مسیر حرکتی را درک می‌نماید. این موضوع از طریق

تفکیک به سه حوزه با ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. در این جریان با عبور از داخل فضایی با خصوصیت مستقل، سلسله مراتب فضاهای مجزا قابل تشخیص و ادراک است و در مجموع کل به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند. حوزه میانی را می‌توان به عنوان حوزه حد واسط در نظر گرفت. این حوزه در واقع به عنوان بزرگترین و موثرترین حوزه در تبدیل سکانس‌ها به یکدیگر نقش مهمی را در فضای ورودی شهر ایفا می‌کند. این حوزه با استقرار بر روی مرز بیرون و درون شهر و دادن فرصت کافی برای تبدیل بیرون و درون به یکدیگر، به تفسیر رفتار در دو طرف ورودی کمک می‌کند. این فضا به عنوان یک مفصل با تغییر در ریتم کالبدی و باکاستن از یک مرتبگی در مواجهه با هر یک از دو عرصه، تبدیل ملایم دو عرصه به یکدیگر را میسر می‌سازد. حوزه‌های کناری بعنوان حوزه‌های نیمه مستقل در مجموع فضاهای ورودی عمل می‌کنند (شکل شماره ۴).

حوزه‌ی اول یا حوزه خارجی با ویژگی‌های طبیعی بیشتر ناظر را آماده ورود به حوزه‌ی حد واسط می‌کند. این آمادگی برای ورود، با ملاحظه‌ی تغییراتی که در بافت حاشیه (رویت کارخانجات و...) و یا تغییر آهنگ حرکت وسایط نقلیه صورت می‌گیرد. در واقع این حوزه نقش



شکل ۵. روند ورود به شهر؛ منبع: خادمی ۱۳۸۷.

ظهور علائم، نشانه‌های راهنما و نیز مستحذاتی که متعارفاً در پیرامون شهرها واقع می‌باشند (مانند یک سیلو، یک نیروگاه و...) و یا تغییر آهنگ حرکات وسایل نقلیه ایجاد می‌گردد. این تغییر کیفیت، مخاطب را به لحاظ روانی منتظر ورود به شهر می‌کند. در این مرحله هیچ‌گونه نشانه عینی از شهر وجود ندارد.

ب- ورود تصویری (بصری): با ظهور اولین نشانه بصری از شهر، مرحله ورود تصویری به شهر آغاز می‌شود. گاه این نشانه بصری دورنمایی از کل شهر است (بخصوص در رابطه با شهرهایی که نسبت به ورودی در ارتفاع و یا گودی قرار گرفته‌اند). در برخی از موارد نیز این نشانه بصری ناشی از تغییر متداوم نسبت عرصه‌های ساخته شده پیرامونی به عرصه‌های رها (نسبت میان پر و خالی) و ظهور ساخت و سازهای حاشیه‌ای است.

ج- ورود فیزیکی: به تدریج و در تداوم حرکت حس نزدیک شدن به شهر به حس حضور در شهر تبدیل می‌شود. آن بخشی از ورودی که ناظر بر حس حضور در شهر می‌باشد، عرصه ورود فیزیکی خوانده می‌شود (شکل شماره ۶).



شکل ۶. مفاهیم درونی پدیده ورود؛ منبع: ابلقی، پورجوهری ۱۳۸۵.

فضایی و سرعت حرکت. در طراحی مسیرهای ورودی به شهر، سرعت حرکت نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، بنابراین باید نقش سرعت حرکت در محیط و منظر و تأثیر آن بر ادراک مد نظر قرار گیرد. زمانی که راننده‌ای در یک محیط در حال حرکت است، رابطه میان چشم او و مناظر مدام در حال دگرگونی است. این دگرگونی در مورد اجسام نزدیک به راننده در حال حرکت که به آن‌ها چشم دوخته است سریع‌تر اتفاق می‌افتد و اشیایی که در فاصله نزدیکی از یکدیگر قرار دارند، از نظر ناپدید می‌شوند و اشیایی که در فاصله متوسط قرار دارند به صورت اجمال دیده می‌شوند، ولی راننده قادر است محیط و مناظر دور دست را کاملاً مشاهده کند. بنابراین در طراحی فضاها، باید تناسبات، لبه‌ها، ویژگی‌های ریتم‌دار یا خطی فضا را طوری تنظیم کرد که سرعت حرکت را تحت تأثیر قرار دهد و همزمان فرم فضا، سرعت حرکت و ادراک فضا را به صورتی ترتیب داد تا با حرکت ناظر در محیط و منظر، تجربه او از فضا به بیشترین حد برسد. عنصری که در فضا قرار می‌گیرد، کیفیتی مجسمه‌وار پیدا می‌کند، اگرچه به صورت فرم شناخته می‌شود ولی رابطه‌ای متقابل با فضا برقرار کرده، آن را تعریف می‌کند. با حرکت فرد در فضا و تغییر موقعیت او، رابطه‌ای پویا و متحول میان عنصر و فضا، عنصر و لبه فضا و عنصر و سایر عناصر شکل می‌گیرد و فضا برای فرد دارای هویت می‌گردد. این عناصر را که به فضا هویت می‌بخشند، می‌توان به دو دسته عناصر مصنوع و طبیعی تقسیم کرد. بدین ترتیب آثار و ابنیه معماری در رده عناصر مصنوع و آب و گیاهان و پستی و بلندی‌ها در رده‌ی عناصر طبیعی واقع می‌شوند. اما با تغییر در سرعت حرکت و نوع وسیله رفت و آمد می‌توان از عناصر طبیعی به ویژه گیاهان (درختان) در تعریف ورودی شهرها کمک گرفت و با طراحی نحوه‌ی استقرار درختان با شکل‌های گوناگون در مسیرهای ورودی، مسافران و بازدیدکنندگان شهر را برای تجربه کردن شهر آماده ساخت و به جای حرکت در بین ابنیه فرسوده کارگاه‌های متروک، مناطق صنعتی یا حتی مسیرهای خشک و برهوت که به ناگاه به بافت متراکم شهری می‌پیوندند، او را در مسیری مفرح و سرزنده، از میان فضاهایی پر درخت عبور داد که به واسطه نوع، شکل، تراکم و ترتیب

۳- عوامل مؤثر در طراحی فضای ورودی شهری هویت‌مند در طراحی فضاها برای یادمان‌سازی و ایجاد محرک‌های بصری، از شیوه‌های مختلفی می‌توان بهره برد که هر یک در تغییر، تنوع و وحدت و توالی فضاها در طول یک مسیر، در القای فضای ادراکی و ایجاد حس مکانی قوی عمل کرده و آن را تشدید می‌کنند. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: میزان محصوریت فضایی، لبه فضا، تسلسل

استقرارشان در کنار یکدیگر می‌توانند زبان‌گویای ورودی، به ویژه شهر باشند و این مسیر را از سایر مسیرها متمایز گردانند.

۴- توقعات موردی از ورودی شهر

۱-۴ پذیرندگی

مانند هر ورودی دیگر شخص انتظار دارد که در زمان ورود پذیرفته شود و احساس ناخوشامد بودن به او دست ندهد بنابراین اولین توقعی که از ورودی شهر می‌رود، پذیرندگی است. حفظ و تقویت دیدها به خصوص دید به مناظر و نقاط شاخص طبیعی یا مصنوع محل به فرد حس ورود به آن محل خاص را می‌دهند.

۲-۴ خوانایی

شخص علاوه بر اینکه در بدو ورود می‌خواهد نیازهای خود را تأمین کند، نیازمند تشخیص سریع مسیرها و تصمیم‌گیری است. وضوح ورودی شهر به خصوص بدلیل حاکمیت سواره اهمیت زیادی دارد، بنابراین خوانایی توقع دیگری است که از ورودی شهر انتظار می‌رود.

۳-۴ تشخیص (هویت)

افراد انتظار دارند که ورودی هر شهر معرف خصوصیات و عناصر شاخص هویتی همان شهر باشد. از اینرو تشخیص هر ورودی که آن را از ورودی سایر نقاط متمایز کند اهمیت زیادی دارد.

۵- مفاهیم هویت

هویت یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پیش روی جوامع در حال توسعه، در طی فرایند جهانی شدن و جهانی‌سازی عصر حاضر است که تعاریف متعددی از این واژه به عمل آمده است. شاید اولین مرحله از شناخت هر مفهوم به ویژه مفهوم پیچیده‌ای مانند هویت، تحقیق در معنی آن از دیدگاه واژه‌شناسی باشد. در فرهنگ فارسی معین نیز سه معنی عام و یک معنی خاص (فلسفی) برای واژه هویت ذکر شده است:

- ذات باری تعالی؛

- هستی، وجود؛

- آنچه موجب شناسایی شخص باشد (مثل ورقه،

شناسنامه)؛

- در فلسفه، هویت به حقیقت جزئی‌تر تعریف شده است، یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود هویت گویند و گاه هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت‌گاه بالذات و گاه بالعرض است.

در فرهنگ‌های معاصر زبان انگلیسی نیز معانی بسیاری برای تعریف واژه هویت آورده شده است. در فرهنگ وبستر در برابر واژه «Identity» چهار معنی اصلی ذکر شده است:

- همانندی و تشابه ویژگی و خصیصه اساسی یا کلی در موارد مختلف (شبهت)، همانندی و تشابه در همه آن چیزی که تشکیل‌دهنده واقعیت عینی شیئی است (کیفیت، حالت و حقیقت یکی بودن)

- ویژگی یا شخصیت متمایزکننده فرد (فردیت)

- حالتی از همانندی و تشابه با چیزی بیان شده یا ادعا شده.

- معادله‌ای که برای همه‌ی مقادیر نمادها جوابگو است.

۶- مفاهیم و تعاریف هویت شهری

هویت شهر حالتی از اندیشه، انسجامی از عادات و سن، عواطف و افکار و رفتارهای سازمان یافته‌ی ساکنان شهر است که به عنوان جزء لاینفک عادات زندگی شهری به فرهنگ شهری منتقل شده‌اند. هویت شهر، به عنوان شاخ‌ترین نمود فضایی هویت جامعه، عهده‌دار تبیین ارزش‌ها، هنجارها و روابط انسانی در ساخت فضایی شهر است. هویت شهر چارچوبی برای تبیین تمایز و تفاوت کیفیات برجسته و شاخص شهرها است. هویت شهر، ماکت هم‌زمان شده فرهنگ اجتماعی و فضایی نسل‌های گذشته و کنونی ساکنان در آن است. هویت شهر با انطباق محیط کالبدی و اجتماعی (به عنوان متغیرهای مستقل) از طریق تشخیص همگرایی آن‌ها در محیط فرهنگی یا نمادین (به عنوان متغیر وابسته) قابل تشخیص و بیان است. هویت شهری مقوله‌ای کالبدی است و ناشی از شکل کلی و فرم شهر است. هویت شهری چیزی جز خاطره‌ی جمعی افراد ساکن یک شهر نیست و شهر بدون خاطره فاقد هویت است. آنچه هویت شهری را



پدید می‌آورد هماهنگی اجزا و عناصر شهری است که کلتی هماهنگ پدید می‌آورند. هویت شهری، تاریخ یک ملت منعکس در جسم و روح شهر است. هویت شهر به تنهایی شامل هیچ کدام از موارد یاد شده نمی‌باشد، بلکه همه‌ی آن‌ها با هم در سنتزی تام و تمام است؛ کلتی است با ابعاد گوناگون و مفهومی است با سلسله مراتب متعدد، در هم تنیده و پیچیده. مامفورد، مسئله‌ی اصلی شهرسازی مدرن را هویت شهری می‌داند و معتقد است نوسازی شهری عصر حاضر از نظر معماری و اجتماعی فاقد شخصیت است. وی می‌گوید شهرها در گذشته واجد وحدت بصری بودند و با فرهایی که به تدریج پیچیدگی بیشتری م‌ یافتند، شیرازه‌ی اجتماعی جوامع را بوجود می‌آورند ولی در شهرسازی معاصر، نظم خشک مقیدی جای تنوع اجتماعی گذشته را گرفته است. شهرها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته‌اند، لیکن امروز این شخصیت و موجودیت از میان رفته است و تمام آنها به توده‌های مشابه یکنواختی بدل گشته‌اند. والتر بور: شباهت بیش از حد شهرها به یکدیگر خطر بسیار جدی است که هویت فضاهای شهری را تهدید می‌کند. چراکه نیروهایی که برآیند فعالیت آن‌ها منجر به چنین یکنواخت ملامت باری است، قدرتمند و پرنفوذند. وی همچنین معتقد است که اگر چه همه شهرها مجموعه‌ای از ساختمان‌ها، خیابان‌ها و فضایی بین آنها هستند و احتمال شباهت آنها به یکدیگر دور از انتظار نیست. با این حال شهرها و شهرهای سنتی و کهن به حدی با یکدیگر فرق دارند که هرکدام دارای هویت خاص خود می‌باشند؛ در واقع، تمام شهرها یک وجه اشتراک هم دارند و آن منحصر به فرد بودن آنهاست. در عین حال مفاهیمی که به عنوان مترادف هویت و یا صفت‌های عرصه‌ی شهری به کار می‌روند، مفاهیمی چون ریشه‌دار، بی‌ریشه، القاء کننده تاریخ، آرامش بخش، دارای اغتشاش، خوانا، ناخوانا، فروتن، مردم‌وار، ضد مردمی، بطورکل دو وجهی‌های مربوط به هویت‌اند که گویای دو عنصر مهم یعنی مکان و تاریخ در بحث هویت شهری به شمار می‌روند.

۷- مؤلفه‌های هویت شهری

یک شهر با مشخصه‌های متفاوتی تعریف و توصیف می‌گردد که می‌توان آنها را در دسته‌های مختلفی جای داد. مؤلفه‌هایی که به نوعی در ارتباط با شهر هستند و به طور متقابل در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. هر شهر و یا هر یک از عناصر زیرسیستمی واحد شهر در اجزای شخصیت خود صفاتی دارند که هویت آن را تعیین می‌کند. صفات هویتی ویژگی‌هایی هستند که در صورت به کار گرفته شدن زمینه‌ساز ساماندهی سازنده‌ی واحد شهر و یا عناصر زیر سیستمی آن می‌باشند. برای به کار گرفته شدن این صفات باید شناخت درستی از آن به دست داد. بنابراین برای شناخت شهر و مشکلات آن و نهایتاً ارائه راه حل‌های مناسب در جهت تقویت هویت شهر، شناخت مؤلفه‌های مربوط به هویت شهر و دسته‌بندی آن‌ها ضروری است. مؤلفه‌های هویت شهری عبارتند از:

۷-۱- مؤلفه‌های طبیعی هویت شهر

شناخت مؤلفه‌های طبیعی در شش شاخه قابل بررسی است:

- جایگاه کلی طبیعی (عرض و طول جغرافیایی آن شهر و شاخص‌های وابسته)

- مؤلفه‌های ساختاری جغرافیایی (توپوگرافی، هیدروگرافی و شاخص‌های وابسته)

- مؤلفه‌های ساختاری طبیعی (رود، دره‌ها)

- مؤلفه‌های حوزه‌ای و ساختی طبیعی (تنوع خاک، پوشش گیاهی و سرریز حوضه‌ها)

- مؤلفه‌های نقطه‌ای (چشمه‌ها، تپه‌ها و مشابه)

- مؤلفه‌های نقطه‌ای - خطی (مسیر آب و مشابه)

۷-۲- مؤلفه‌های مصنوع هویت شهر

متغیرهای مؤلفه مصنوع شاخص‌های هویت شهر در سیستم‌های

زیر قابل طبقه‌بندی است:

- منظر عمومی: شامل کلیت فرم شهر با دید پرنده که وضعیت شهر را از گذشته تا شرایط امروز نشان می‌دهد.

- عناصر خطی ساختاری شاخص: شامل خیابان‌های اصلی ساخت شهر

- شاخص‌های کانونی و نقطه‌ای شهری، میدین، دروازه‌ها، پارک‌ها و نظیر آن‌ها

– شاخص‌های خطی - نقطه‌ای تاریخی و کالبدی شامل
 کاخ‌ها، بازار و نظیر این‌ها
 – تک‌بناهای شاخص شهری
 – توده‌ها، حوزه‌ها و فضاهای شاخص شهری: محلات
 قدیمی شهر قدیم، مجموعه ساختمان‌های مسکونی و
 نظیر این‌ها.
 اجتماع مولفه‌های هویتی هر شهری نگرش واحدی
 نسبت به هویت آن شهر به دست می‌آید. با تکمیل نگرش
 حاضر از طریق اتکا به مبانی نظری می‌توان خلأهای
 هویتی شهر را بازنشاسایی کرد. سرلوحه‌ی این مؤلفه
 انسانی، لهجه یا زبان آن شهر است که مورد توجه قرار
 می‌گیرد.

۳-۷- مؤلفه‌های انسانی هویت شهر

این مولفه‌ها متأثر از نحوه اعمال آداب و رسوم، اعتقادات
 و سیره روش زندگی ساکنان هر شهری است و بیش از هر
 چیزی به جنبه‌های مدنی شهروندان برمی‌گردد. از
 ۸- معیارهای پیشنهادی طراحی و ساماندهی فضاهای
 ورودی شهر با رویکرد تقویت هویت شهری

جدول ۱. معیارهای پیشنهادی جهت تقویت هویت شهری فضای ورودی شهرها؛ منبع: نگارندگان.

معیار طراحی	معیار طراحی
نمادین بودن	زیر معیارهای طراحی
نقش‌انگیزی	زیر معیارهای طراحی
راحتی و پذیرندگی	زیر معیارهای طراحی
ارتقاء کیفیت منظر	زیر معیارهای طراحی

تقویت هویت شهری (فضاهای ورودی شهری)



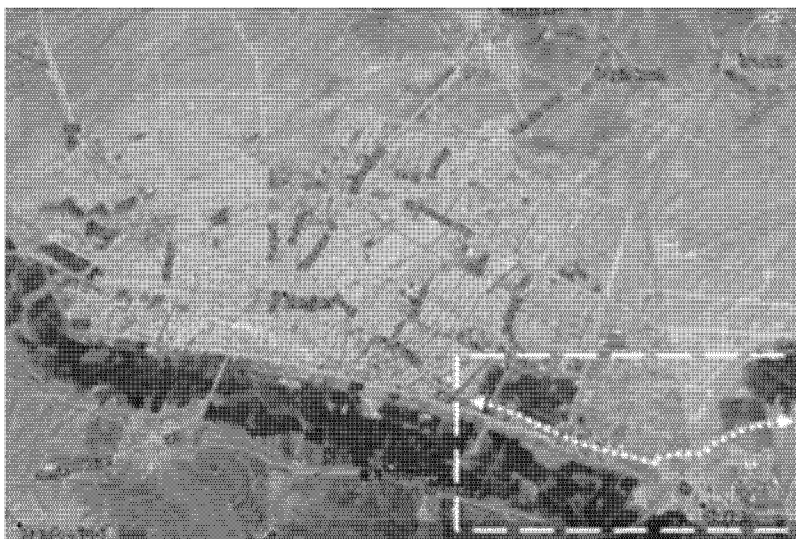


شکل ۷. موقعیت جغرافیایی استان زنجان؛ منبع: <http://fa.wikipedia.org>

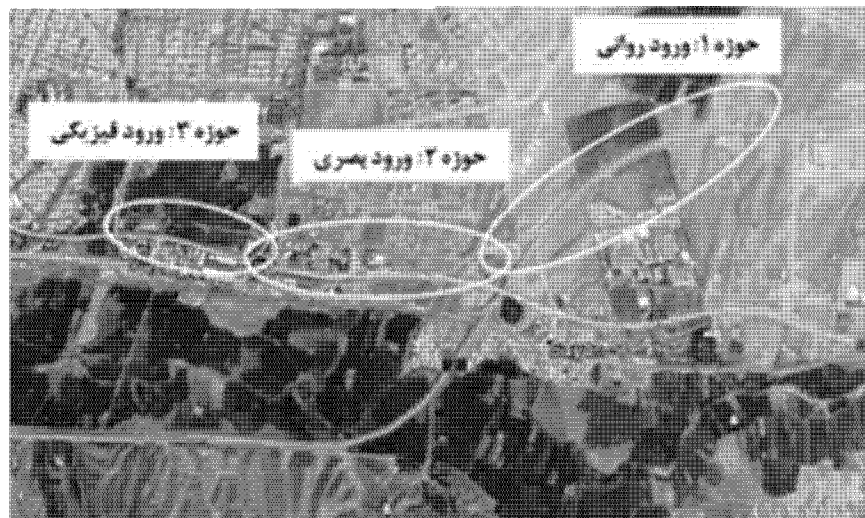
۹- بررسی محدوده مطالعاتی
۱-۹- موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان زنجان
نصف النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۴۰ تا ۴۱ دقیقه عرض شمالی از خط استوا است. شهر زنجان از قدیم به سبب قرار داشتن بر سر راه تجاری ری قدیم به آذربایجان دارای اهمیت بوده است (شکل شماره ۷).

شهر زنجان که امروزه عنوان مرکز استان را دارد، در ناحیه مرکزی شمال غربی ایران و با مساحتی نزدیک به ۳۹۳۶۹ کیلومتر مربع واقع شده و موقعیت جغرافیایی شهر منطبق بر ۴۸ درجه و ۲۸ تا ۳۰ دقیقه طول شرقی از

۹-۲- تعیین گستره مطالعاتی (محدوده طراحی)



شکل ۸. ورودی تهران- زنجان؛ منبع: Google earth، ۲۰۱۳



شکل ۹. حوزه بندی عرصه ورودی شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.

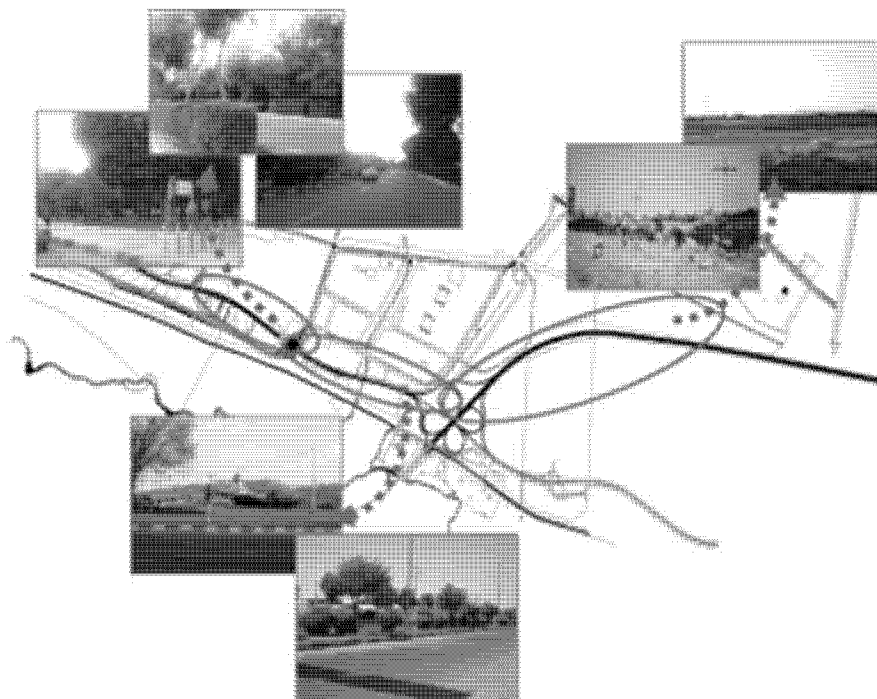
۴-۹- مؤلفه های هویتی ورودی شهر زنجان

شخصیت خود صفاتی دارند که هویت آن را تعیین می کند. صفات هویتی ویژگی هایی هستند که در صورت به کار گرفته شدن زمینه ساز ساماندهی سازنده ی واحد شهر و یا عناصر زیر سیستمی آن می باشند. برای به کار گرفته شدن این صفات باید شناخت درستی از آن به دست داد. بنابراین برای شناخت شهر و مشکلات آن و نهایتاً ارائه

یک شهر با مشخصه های متفاوتی تعریف و توصیف می گردد که می توان آنها را در دسته های مختلفی جای داد. مؤلفه هایی که به نوعی در ارتباط با شهر هستند و به طور متقابل در یکدیگر تأثیر می گذارند. هر شهر و یا هر یک از عناصر زیر سیستمی واحد شهر در اجزای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014



شکل ۱۰. مؤلفه های طبیعی هویت شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.

حوزه سوم به دلیل وجود پارک ملت، پارک میثم و درختکاری‌های رفیوژ میانی و اطراف باندهای تندرو و کندرو از عناصر طبیعی بیشتری برخوردار است (شکل شماره ۱۰).

راه‌حل‌های مناسب در جهت تقویت هویت شهر، شناخت مؤلفه‌های مربوط به هویت شهر و دسته‌بندی آنها ضروری است. مؤلفه‌های هویت شهری عبارتند از:

۱. مؤلفه‌های طبیعی هویت شهر؛

۲. مؤلفه‌های مصنوع هویت شهر؛

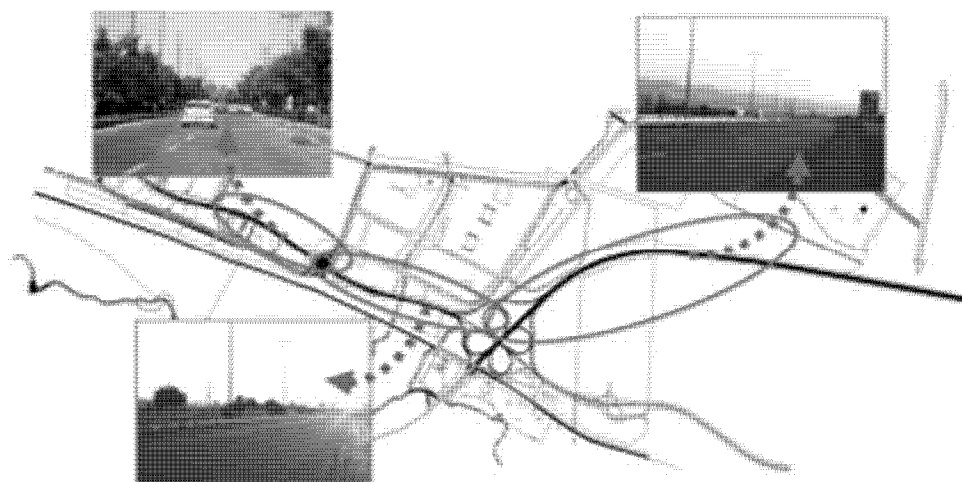
۳. مؤلفه‌های انسانی هویت شهر؛

۹-۴-۱- مؤلفه‌های طبیعی هویت

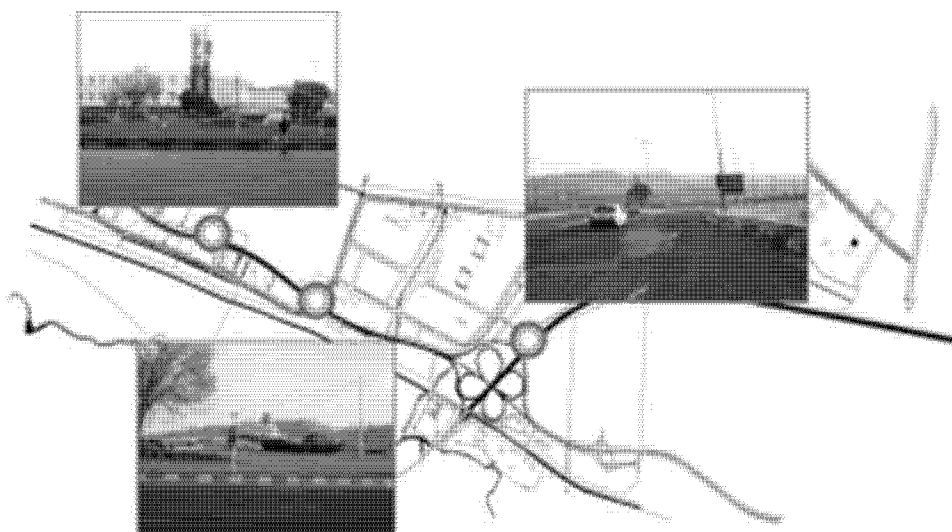
۹-۴-۲- مؤلفه‌های مصنوع هویت

شکل و ساختار ظاهری یک شهر علاوه بر ساختار طبیعی، توسط عناصر مصنوع شکل می‌گیرد. هویت کالبدی، آن عامل غالب هویتی است که بافت و ساختار و شکل شهر به آن هویت وابسته است. از دیدگاه کوین لینچ عناصر هویت بخشی شهر عبارتند از:

حوزه اول ورودی زنجان از عناصر طبیعی کمی بهره‌مند است و تنها می‌توان به درختکاری‌های پراکنده اشاره نمود. عناصر طبیعی حوزه دوم شامل فضای سبز، میدان بسیج و درختکاری‌های واقع در رفیوژ میانی می‌باشد و



شکل ۱۱. راههای ورودی شرقی شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۱۲. گره‌های محدوده ورودی شرقی شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.

- راه‌ها و شبکه ارتباطی؛

- لبه‌ها؛

- محله‌ها؛

- گره‌ها؛

- نشانه‌ها؛

● راه

ورودی شرقی شهر زنجان از پلیس راه تا میدان هنرستان

شامل راه‌های متعددی است: در حوزه اول آزادراه

قزوین- زنجان، در حوزه دوم بزرگراه زنجان و در حوزه

سوم شامل خیابان شهری می‌باشد (شکل شماره ۱۱).

● گره

از جمله گره‌های واقع در حوزه‌های سه‌گانه ورودی زنجان

می‌توان به تقاطع آزادراه قزوین- زنجان و بزرگراه، تقاطع

میدان بسیج و میدان هنرستان اشاره کرد (شکل شماره

۱۲).

● نشانه

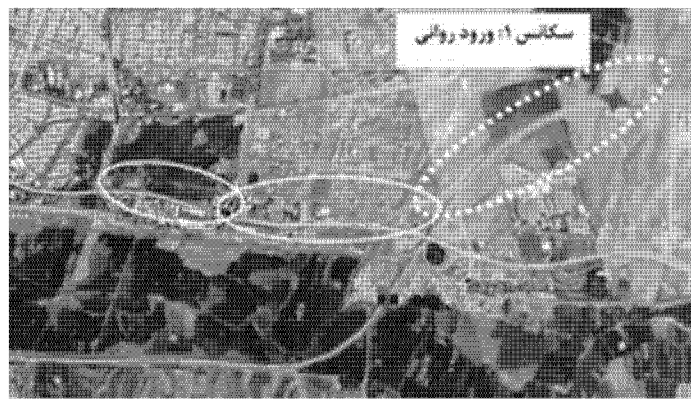
- نشانه‌های حوزه روانی ورودی شهر زنجان

مدیریت شهری

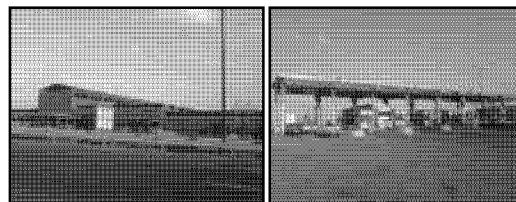
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

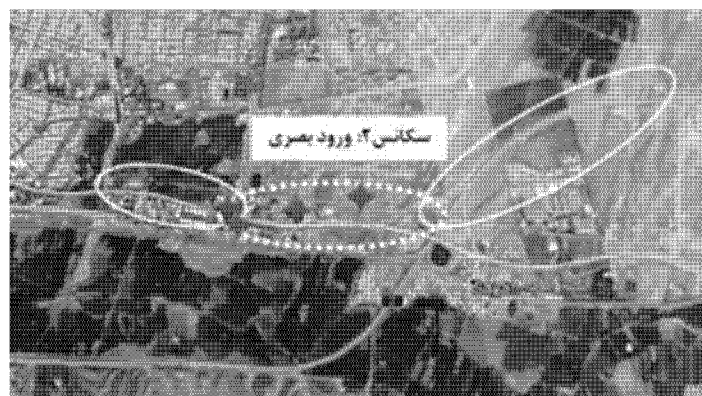
■ ۹۵ ■



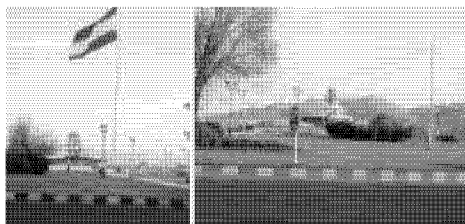
شکل ۱۳. نشانه‌های حوزه روانی ورودی شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۱۴. پلیس راه و شکل ۱۵. شرکت ایران ترانسفو؛ منبع: نگارندگان.



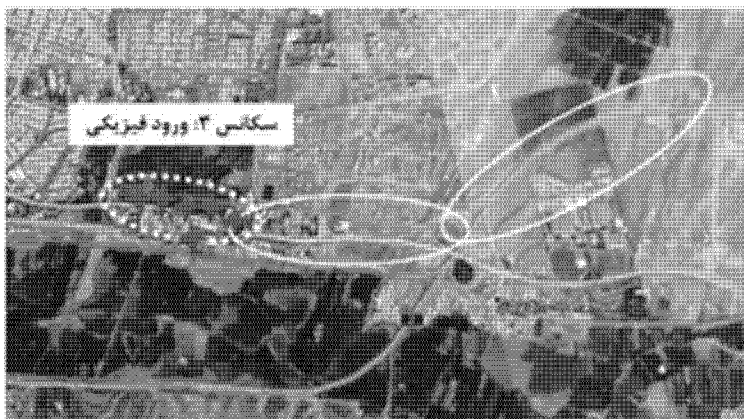
شکل ۱۶. نشانه‌های حوزه بصری ورودی شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.



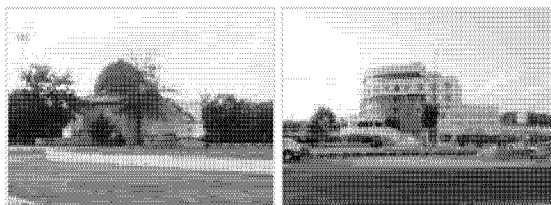
شکل ۱۹. المان میدان بسیج و شکل ۲۰. پرچم
واقع در میدان بسیج؛ ماخذ: نگارندگان.



شکل ۱۷. تابلوی هدایت شهری و شکل ۱۸. کوی مهدیه؛ ماخذ:
نگارندگان.



شکل ۲۱. نشانه‌های حوزه فیزیکی ورودی شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.



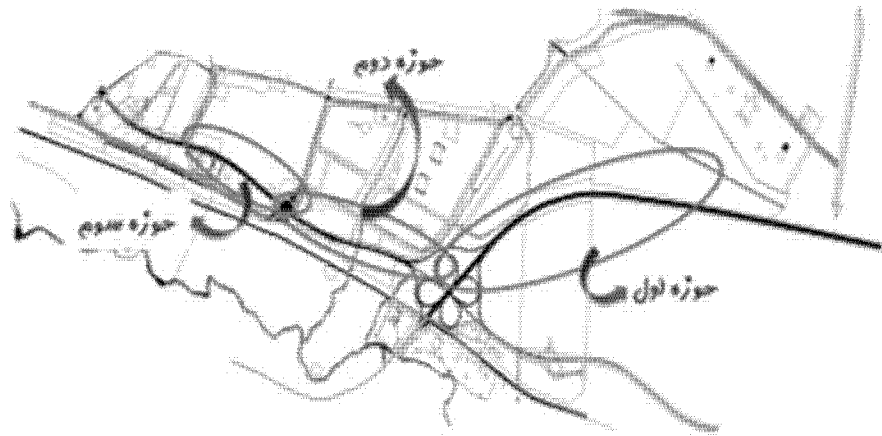
شکل ۲۲. هتل بزرگ و شکل ۲۳. مسجد؛ منبع: نگارندگان.



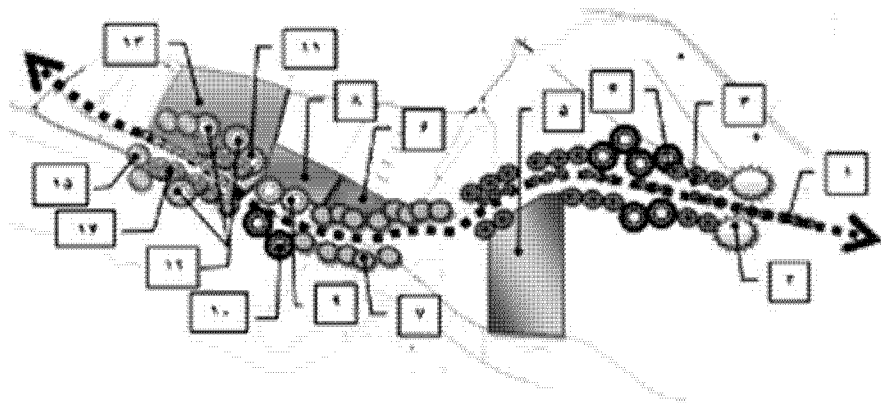
شکل ۲۴. پارک ملت و شکل ۲۵. ساختمان صدا و سیما؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۲۶. پارک میثم و شکل ۲۷. تالار صدف؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۲۸. حوزه‌های عرصه ورودی شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۲۹. طراحی حوزه‌های ورود به شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.

● لبه

لبه‌ها به وسیله درختکاری، بوته‌های تزئینی و یا هر نوع منظرسازی شناسایی می‌شود که می‌تواند اختلاف ارتفاع را به صورتی مطلوب نمایان سازد. در این مورد می‌توان به درختکاری‌های پراکنده و زمین‌های خالی حاشیه مسیر در حوزه اول، وجود درختچه‌ها و فضای سبز در رفیوژ میانی مسیر در حوزه دوم و وجود پهنه سبز و درختکاری‌های پارک ملت و پارک میثم و درختکاری طرفین مسیر و رفیوژ میانی در حوزه سوم به عنوان لبه‌های مسیر ورودی اشاره کرد.

۹-۴-۳- مؤلفه‌های انسانی هویت

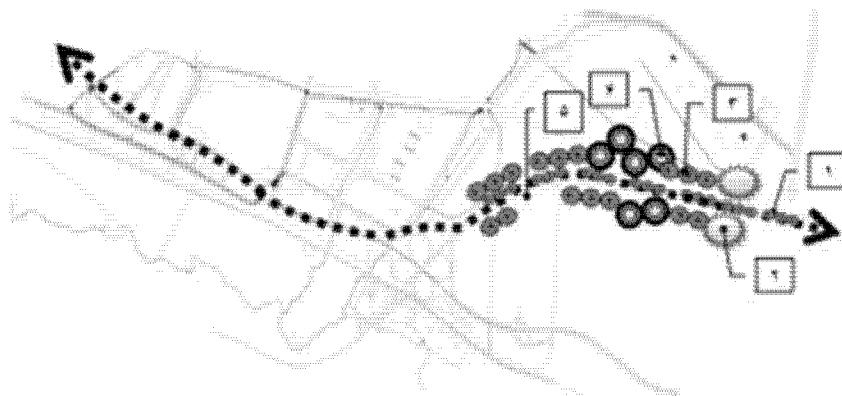
متغیرهای معرف هویت انسانی از زبان و نحوه اعمال

رفتارهای اجتماعی، اعتقادات، آداب و رسوم و سیره و روش زندگی خاص ساکنان شهر زنجان سر برمی‌آورد. این شاخص‌ها بیش از هر چیز به جنبه‌های مدنی، روحی و اندیشمندی عملکردهای همگانی شهروندان زنجانی دلالت می‌کنند. متغیرهای مؤلفه انسانی شاخص هویت زنجان بدو با زبان ترکی و چگونگی بازتاب در روابط اجتماعی مردمی نمایانی پیدا می‌کند.

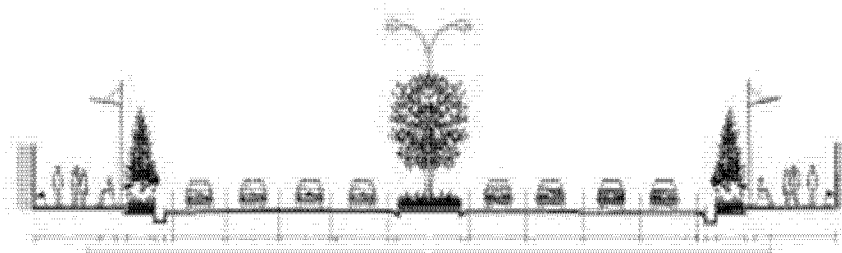
۱۰- ارائه پیشنهادات و طراحی

۱۰-۱- طرح پیشنهادی حوزه‌های ورود به شهر زنجان

۲-۱۰- طراحی سکانس اول ورود به شهر زنجان



شکل ۳۰. طراحی سکانس اول ورود به شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.

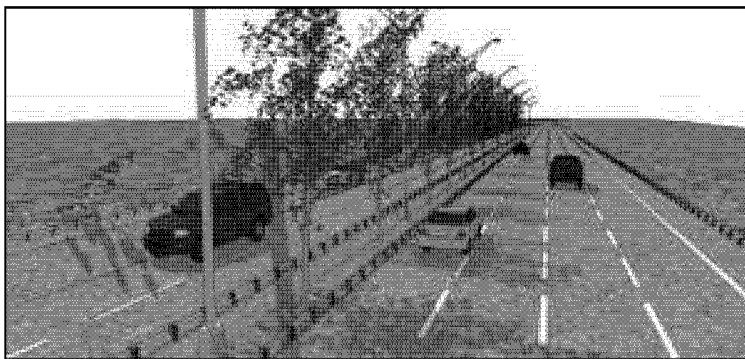


شکل ۳۱. مقطع سکانس اول ورود به شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.

سکانس (۱)	۱- کاشت درختان با ارتفاع و فواصل مشخص در رفیوژ میانی
	۲- تظاهر اولین نشانه های نمادین در گستره مسیر (آماده سازی روانی مخاطب برای ورود به شهر)
	۳- ایجاد فضای سبز و حضور عناصر طبیعی در حوزه اول ورود (ایجاد تغییر در کیفیت مسیر)
	۴- استقرار خدمات دروازه ای بصورت مجتمع در طرفین مسیر
	۵- گشودگی فضای (ایجاد تغییر در ریتم و دید به عنصر شاخص)

سکانس (۳)	۱۱- تقویت نقش قرارگاهی مسجد با ایجاد فضای سبز، میلمان و نورپردازی مناسب
	۱۲- هدایت و تقویت دید به سمت عناصر شاخص و نشانه ای هتل بزرگ، ساختمان صدا و سیما و رستوران صدف به عنوان عناصر مصنوع
	۱۳- تأکید بر عنصر نشانه ای پارک ملت به عنوان عنصر طبیعی هویت شهر با فضاسازی، نورپردازی و نشانه گذاری مناسب
	۱۴- تغییر ریتم و تنوع پوشش گیاهی با ورود به حوزه سوم
	۱۵- استقرار خدمات شهری و دروازه ای متناسب با نیاز

سکانس (۲)	۶- ایجاد پارک چند منظوره با کالبد و پوشش گیاهی مناسب به منظور تداوم لبه سبز و تغییر کیفیت محیط و تقویت مؤلفه طبیعی
	۷- تغییر و تفاوت پوشش گیاهی با ورود به حوزه دوم (به لحاظ جنبه های بصری، فواصل، ارتفاع و نوع آنها)
	۸- ایجاد فضاهای تفریحی- تفرجی با استفاده از عناصر طبیعی و تاریخی جهت تقویت هویت شهر
	۹- استقرار مراکز عرضه محصولات بومی و سنتی و صنایع دستی شهر جهت تقویت هویت شهری
	۱۰- استقرار خدمات دروازه ای بصورت مجتمع در طرفین مسیر



شکل ۳۲. ایجاد فضای سبز و حضور عناصر طبیعی در حوزه اول ورود (ایجاد تغییر در کیفیت مسیر؛ منبع: نگارندگان).

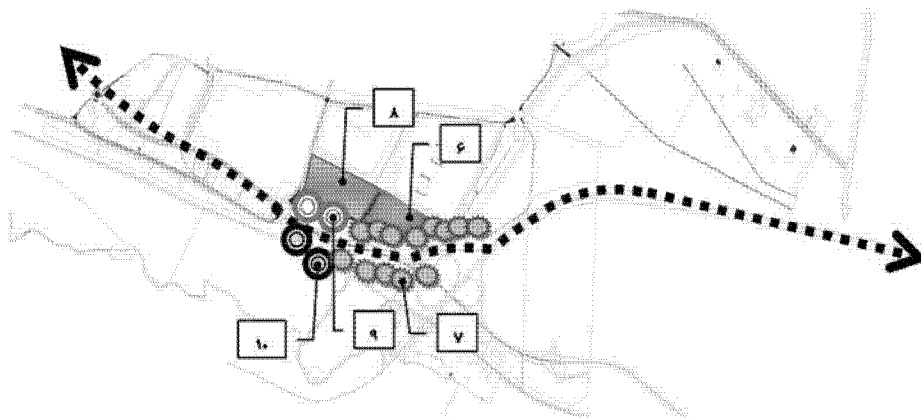


شکل ۳۳. گشودگی فضایی (ایجاد تغییر در ریتم و دید به عنصر شاخص)؛ منبع: نگارندگان.

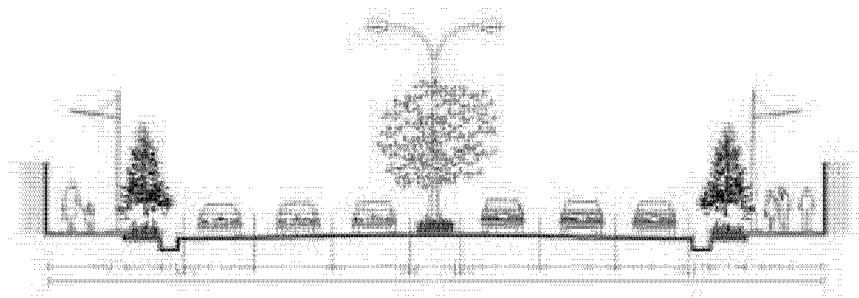


شکل ۳۴. استقرار خدمات دروازه‌ای بصورت مجتمع در طرفین مسیر؛ منبع: نگارندگان.

۱۰-۳- طراحی سکانس دوم ورود به شهر زنجان



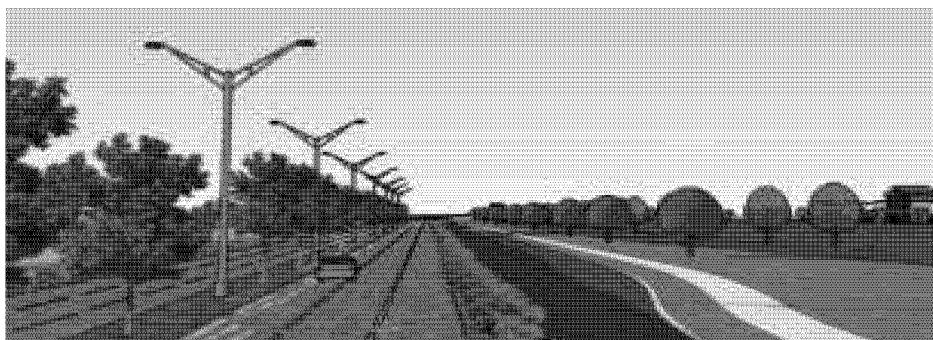
شکل ۳۵. طراحی سکانس دوم ورود به شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۳۶. مقطع سکانس دوم ورود به شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.



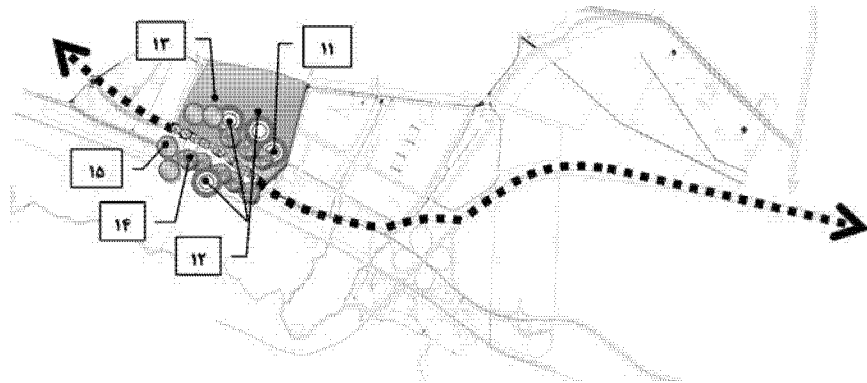
شکل ۳۷. ایجاد فضاهای تفریحی- تفرجی با استفاده از عناصر طبیعی و تاریخی جهت تقویت هویت شهر؛ منبع: نگارندگان.



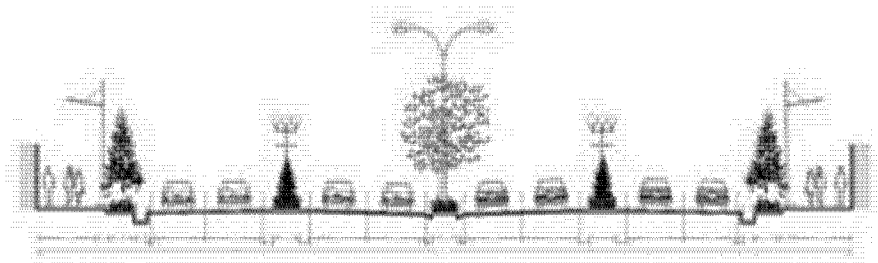
شکل ۳۸. تغییر و تفاوت پوشش گیاهی با ورود به حوزه دوم (به لحاظ جنبه‌های بصری، فواصل، ارتفاع و نوع آنها)؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۳۹. ایجاد پارک چند منظوره با کالبد و پوشش گیاهی مناسب به منظور تداوم لبه سبز و تغییر کیفیت محیط و تقویت مؤلفه طبیعی هویت شهر؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۴۰. طراحی سکانس سوم ورود به شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۴۱. مقطع سکانس سوم ورود به شهر زنجان؛ منبع: نگارندگان.

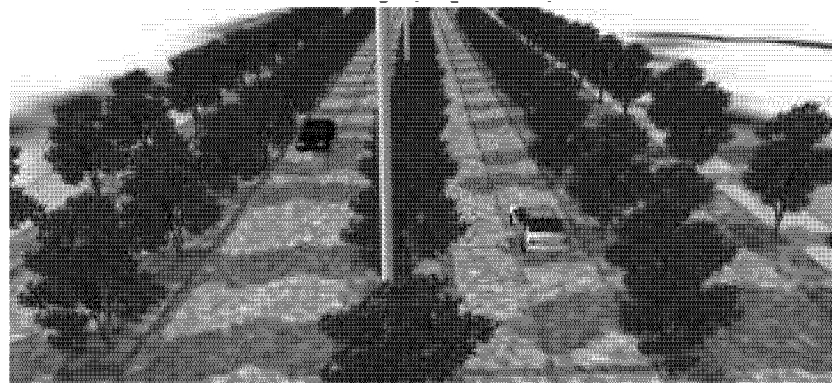
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

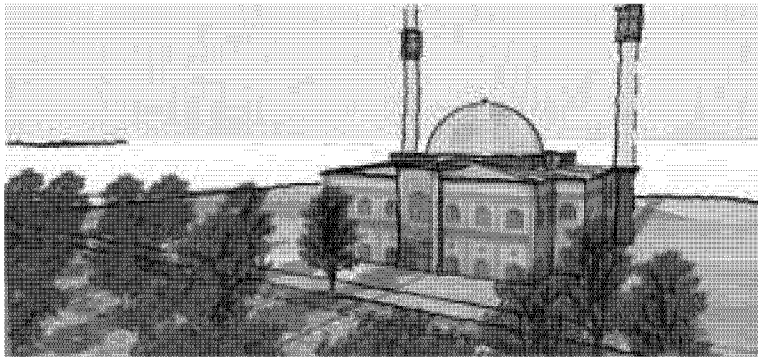
۱۰۱



شکل ۴۲. تأکید بر عنصر نشانه ای پارک ملت به عنوان عنصر طبیعی هویت شهر با فضا سازی، نورپردازی و نشانه گذاری مناسب؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۴۲. تغییر ریتم و تنوع پوشش گیاهی با ورود به حوزه سوم؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۴۳. تقویت نقش قرارگاهی مسجد با ایجاد فضای سبز، مبلمان و نورپردازی مناسب؛ منبع: نگارندگان.



شکل ۴۴. استقرار خدمات شهری و دروازه‌ای متناسب با نیاز مسافران و شهروندان؛ منبع: نگارندگان.

۱۱- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

مطابق مطالعات انجام شده، فضاهای ورودی شهرها به عنوان مفصل پیونددهنده‌ی دو فضا در ایجاد پیوند و برقراری ارتباط میان شهر و پیرامون آن از برخی الگوهای رایج ارتباطات فضایی پیروی می‌نمایند. طراحی نامناسب و یا شکل‌گیری خودبه‌خودی و بی‌برنامه فضای ورودی شهرها، عدم سازمان‌دهی فضایی-کالبدی، نامناسب بودن سیمای کاربری، عدم توجه مسئولان و غیره، از علل عمده‌ی ضعف در عملکرد فضاهای ورودی شهرها به منظور پاسخگویی به نیازهای مسافری و حتی ساکنین شهرها به عنوان یک فضای شهری است. بنابراین فضای ورودی شهرها نیازمند ایجاد سلسله مراتب در مسیر حرکتی جریان ورود به شهر می‌باشد تا از یک مرتبگی ورود به شهر و مواجهه ناگهانی دو عرصه با هم جلوگیری شود. در این میان توجه به حوزه‌های واسط فضای خارج شهر به فضای داخل شهر بهترین ابزار برای دستیابی به این امر می‌باشد. این حوزه‌ها که شامل

حوزه‌های مستقل روانی، بصری و فیزیکی است بعنوان مفصل، تغییر ریتم و آهنگ ورود به شهر را ممکن می‌سازد. برقراری نظام تسلسل مراتب در ساماندهی کالبدی شهرها سبب می‌شود تا پیوند هر بافت به بخش یا بافت متفاوت مجاور خود به کمک مفصلی شکل بگیرد که بتواند نیروهای حاصل از این انتقال (از وضعیتی به وضعیت دیگر) را در خود حل و جذب کند. بافت بخش ورودی شهرها از این گونه بوده که اتصال میان شهر و خارج شهر را به خوبی برقرار می‌کند. برهم خوردن تسلسل مراتب در نظام کالبدی شهرها سبب شده تا ورودی شهر که یکی از حلقه‌های این تسلسل است دچار ابهام و بی‌هویتی شود و در واقع جایگاه آن به عنوان عنصری مهم در تعریف شهر و نقطه اتصال شهر به پیرامون فراموش شود. بنابراین طراحی و اقدامات صورت گرفته در هر حوزه می‌بایست با جایگاه و توقعاتی که از آن حوزه انتظار می‌رود متناسب بوده و با تأمین مؤلفه‌های کیفی به فضایی در شأن نام ورودی شهری برسد که با هویت

- Garfield Recreational Authority, June 16, 2009
7. Geddes, Robert. 1997, Cities in our future, island press
8. Mills County Entrance and Driveway Ordinance, Chapter 4, Mills County Code of Ordinances
9. Smithson, A.1974. Team 10 primer. Cambridge, Massachusett the mit press.
10. Urban design: corridors and gateways. www.ci.danville va.

خاص خود و ایجاد خاطرات جمعی، تا مدت‌ها در ذهن هر مسافر و شهروندی باقی بماند.

۱۲- منابع و مآخذ

۱. ابلقی، علیرضا و امیر حسین پورجوهری (۱۳۸۵) مبادی ورودی شهرها و تدوین اصول و معیارهای ساماندهی برای بازبانی یک فضای شهری فراموش شده، مجله آبادی ۵۳، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۲. قریب، فریدون (۱۳۸۲) ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهرها، مجله هنرهای زیبا، ۱۵، تهران، دانشگاه تهران.
۳. بحرینی، سیدحسین و ناهید علی طالب بابل (۱۳۸۲) تدوین اصول و ضوابط طراحی محیط ورودی شهر، مجله محیط شناسی، ۸، تهران، دانشگاه تهران.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، چاپ دوم، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، شورای انتشارات.
۵. خادمی، مسعود و رفیعی جوزم، رضا (۱۳۸۵) بررسی مؤلفه‌های کیفیت محیط در فضای ورودی شهرها.
۶. معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.
۷. بهزادفر، مصطفی (۱۳۹۰) هویت شهرنگاهی به هویت شهر تهران، مرکز چاپ نشر شهر، تهران.
۸. لینچ، کوین (۱۳۸۳) سیمای شهر، منوچهر مزینی، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران.

برای اطلاعات بیشتر:

1. Cahthrope, peter and Fulton, William. The regional city: new urbanism and the end of sprawl, island press, 2001
2. Access Management Design Standards for Entrances and Intersections
3. Cahthrope, peter and Fulton, William, 2001, the regional city: new urbanism and the end of sprawl, island press
4. City of Tucson development standard No. 3-02.0 gated entrances, December 16, 2008
5. Dianne Massa, City Clerk, January 1, 2004 City of Northville city entrance signuse policy and program (welcome to Northville signs)
6. Final Design Plan. South Campus Entrance, City of Traverse City - Charter Township of



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

■ ۱۰۴ ■

بررسی نقش طراحی معماری در انبوه سازی مسکن (نمونه موردی: مقایسه مجموعه مسکونی در ملبورن استرالیا با مجموعه مسکن مهر شهر پردیس در تهران)

نیما موهبتی* - هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین، تهران، ایران.
مهديه طابعی - کارشناس ارشد معماری، موسسه آموزش عالی آبا، آبیگ، ایران.

Evaluation of Architectural Design in Mass Housing (Case Study: Comparison of Residential Complex in Melbourne, Australia, with a residential complex in Tehran No. 7)

Abstract

The need for urban housing is dependent on the population. In recent years due to increasing population and demand on the one hand, and rising land prices, on the other hand, tend to take advantage of dense inexpensive housing increased. Besides increasing tendency on urbanization in large cities, especially Tehran, leading to increased demand for housing complexes with a large number of adverse effects resulting from it. In recent years, dense and cheap projects with the aim of providing low-income housing in most cities was defined and expanded. Despite the rapid pace of construction projects and the demand for them was high but, in a short time was little demand for them. Not coordinated design of housing with residents, infrastructure failure, poor planning, poor access, and many architectural design conditions, including problems with them. In this study, the principles and criteria of good quality of housing and residential environment are examined. Finally, a comparative analysis of the qualitative characteristics of architectural design, an example of a project of building a residential complex built around Tehran in Melbourne (Australia) has been studied. Finally, a sample of projects in Tehran were selected and were analyzed through a questionnaire survey, qualitative characteristics design with the residential complex located in Melbourne, Australia, named Mazz building. The results showed that in evaluating the success of the future of a residential complex, the quality of architectural design plays an important role in addition to other factors. As the results, it can be desirable to build of housing and raising the quality design the planning, design and construction of houses for the middle class to be used.

Keywords: design quality, residential complex, desirable housing.

چکیده

مسکن شهری همیشه تابع جمعیت بوده است و در سالهای اخیر به دلیل افزایش جمعیت و تقاضا برای چنین مسکنی از یکسو و افزایش بهای زمین از سوی دیگر، تمایل به بهره‌گیری از این مسکن افزایش یافته است. علاوه بر این افزایش تمایل به شهرنشینی در شهرهای بزرگ کشور، خصوصاً تهران منجر به افزایش تقاضا برای مسکن اجتماعی و آثار نامطلوب زیست‌محیطی ناشی از آن شده است. بر این اساس در سالهای اخیر در کشور پروژه‌هایی تحت عنوان مسکن مهر با هدف تامین مسکن اقشار کم‌درآمد جامعه در اغلب شهرهای کشور کلید خورد و به سرعت برگسترش آن افزوده شد. علیرغم اینکه در ابتدا ساخت این پروژه‌ها روندی شتابان داشت و روز به روز برگسترش تقاضا برای آنها افزوده می‌شد، اما طولی نکشید که به دلیل کیفیت نامطلوب معماری در طراحی این پروژه‌ها، به سرعت از محبوبیت آنها کاسته شد. نبود مقاومت بافت‌ها و هماهنگ نبودن طراحی مسکن با معماری مطلوب، نارسایی حاد تاسیسات، ضعف برنامه‌ریزی و رشد نامطلوب دسترسی‌ها و بسیاری شرایط نامطلوب طراحی معماری به خصوص در نماسازی در این پروژه‌ها، از جمله معضلات آنها محسوب می‌شد. در این مقاله نتایج حاصل از اجرای این طرح به طور خلاصه در کشور بررسی شده و بحث کیفیات طرح معماری آن با تاکید بر نما و کیفیات معماری طرح مورد تحلیل قرار گرفته است. لذا در این پژوهش ابتدا مبانی و معیارهای کیفیت در مسکن مطلوب و محیط‌های مسکونی به طور جزء به جزء برشمرده شده و سپس به مطالعه کیفیت در پروژه‌های مسکن مهر و مشکلات عدیده در آنها پرداخته شده است. در انتها نیز با مقایسه‌ای تحلیلی به ارزیابی کیفیت طراحی معماری و نما در پروژه‌های مسکن مهر ماز در استرالیا و شهر جدید پردیس پرداخته شده است تا بر اساس دستاوردهای آن بتوان بخشی از معیارهای ساخت خانه و واحد مسکونی را بر اساس اصول پایداری در پروژه‌های مسکن مهر تدوین نمود و از نتایج آن در جهت ساخت مسکن مطلوب و افزایش کیفیات طراحی در برنامه‌ریزی جهت طراحی و ساخت واحدهای مسکونی برای قشر متوسط جامعه بهره‌گرفت.

واژگان کلیدی: کیفیت طراحی، مسکن مهر، مسکن مطلوب، نما.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۸۰۴۹۵۰، رایانامه: n.mouhebati@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد مهديه طابعی «با عنوان بررسی الگوی ساخت مسکن برای قشر متوسط (با رویکرد معماری پایدار)» است که به راهنمایی دکتر نیما موهبتی در موسسه آموزش عالی آبا انجام شده است.

همکاری سازمانها و نهادهای مختلف از جمله سازمان مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن، بانکها در شهرهای بزرگ و کوچک تهیه و اجرا شده است. در این سالها، محققان و پژوهشگران ابعاد گوناگون این طرح را مورد ارزیابی قرار داده و انتقادات مثبت و منفی گسترده‌ای در خصوص آن ایراد نموده‌اند (حاجی نژاد، ۱۳۸۹). در این طرح با استفاده از زمین‌های دولتی در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی و زمین‌های ارزان قیمت در حاشیه و خارج شهرها، قیمت تمام شده واحد مسکونی کاهش یافته و با آورده‌های بسیار کم به متقاضیان واگذار می‌گردد. در واقع آنچه طی سالهای اخیر به نام "پروژه مسکن مهر" در وزارت مسکن و شهرسازی مطرح شده، تجربه‌ای جدید برای تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد بوده است (نسترن و رعنائی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳).

مسکن‌سازی به شیوه انبوه‌سازی بعد از جنگ جهانی دوم در جوامع جهانی مطرح شد. جerald پی دالی در مقاله‌ای تحت عنوان مشکلات برنامه‌ریزی در مسکن‌سازی دولتی بعد از جنگ جهانی دوم در بررسی مقایسه‌ای بین آمریکا و اروپا، به بررسی جایگاه مسکن‌سازی انبوه پرداخته است و بیان می‌دارد که: بدیهی است که مفهوم «سرپناه مناسب» به چارچوب فرهنگی افراد بستگی دارد. تعاریف و انتظارات از جای به جای متفاوتند و در یک محل نیز در طول زمان تغییر می‌کنند و اهمیت اساسی برنامه‌ریزی اجتماعی با در نظر گرفتن استفاده‌کنندگان ارتباط دارد (اهری، ۱۳۷۳). در جایی دیگر بحث بر سر جایگاه الگوهای مسکن‌سازی انبوه در بینش توسعه صنعتی و مسکن‌سازی متناسب با آن مورد بررسی قرار گرفته و گرایش به جهانی شدن از الزامات این رشد مطرح گردیده است. از این پس مسکن تعریف مشخصی داشت و فضای داخلی آن می‌بایست پاسخگوی نیاز خانوارهای تک‌فامیلی می‌بود. بر این اساس اصولاً فضای داخلی مسکن برای یک مصرف‌کننده استاندارد که رفتار اجتماعی، روانشناسی و قدرت خرید معینی داشت، طراحی شده بود و بعد از این موضوع، بحران الگوی توسعه صنعتی و ترویج اینگونه الگوها شدت یافت (صارم‌کلامی، ۱۳۷۲).

مسکن‌سازی به شیوه انبوه‌سازی در کشورها، در سالهای

پس از انقلاب صنعتی، فرایند شهرنشینی در جهان به طور فزاینده‌ای رشد کرد و به دنبال آن مشکلات فراوانی از جمله کمبود مسکن را به وجود آورد. در واقع مسکن به عنوان یکی از پدیده‌های واقعی، از نخستین مسائلی است که بشر همواره با آن دست به‌گریبان بوده و در تلاش برای دگرگونی و یافتن پاسخی مناسب، معقول و اندیشیده برای آن است. از این رو در کشورهای مختلف دنیا و از جمله کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های متنوعی برای تأمین مسکن از جمله مسکن اجتماعی به ویژه برای اقشار کم‌درآمد ارائه شد. مسکن اجتماعی یا مسکن عمومی به نوع خاصی از تأمین مسکن اطلاق می‌شود که اساساً توسط دولت یا بخشهای محلی و با هدف خانه‌دار کردن گروه‌های کم‌درآمد طراحی و ساخته می‌شود (اهری، ۱۳۷۳، ۳۹۰).

در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشکل تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد همواره از مسائل اساسی دولت بوده و به این منظور سیاست‌های مختلفی از نهاد در پیش گرفته شده است. سیاست‌هایی همچون واگذاری زمین دولتی، فروش متری مسکن، واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک، حمایت از انبوه‌سازان، حمایت از مسکن اجاره‌ای، واگذاری حق بهره‌برداری از زمین و سیاست فعلی تأمین مسکن اقشار مختلف اجتماعی با عنوان مسکن مهر (عباسی، ۱۳۹۰، ص ۹۸). در کشور ما با توجه به مشکلاتی که در زمینه کمبود مسکن و به ویژه گرانی آن وجود داشت، طرح مسکن مهر به عنوان محوری‌ترین سیاست دولت جای خود را در اذهان عمومی متقاضیان مسکن پیدا نموده است. طرح مسکن مهر، طرحی است که در سال ۱۳۸۶ با اهداف ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضای مسکن با حذف قیمت زمین، تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد، کنترل و جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت زمین و مسکن، رونق بخشی به تولید مسکن و افزایش حجم تولید مسکن، کاهش هزینه‌های مسکن از سبب هزینه خانوار، تأمین نیازهای انباشتی و آتی مسکن و برقراری عدالت در دسترسی به مسکن مناسب و به تبع آن کاهش فقر و تأمین مسکن جوانان مطرح گردید. این طرح طی ۵ سال اخیر با



اخیر همواره پیامدهایی داشته است و بنا به دلایل متفاوتی شاهد این پدیده در معماری و شهرسازی بوده ایم که می توان به ایجاد تقاضا و پاسخگویی به نیاز مسکن تحت عناوینی چون پایان یافتن عمر مفید ساختمانها، لزوم جایگزینی ساختمانهای غیرمقاوم و ساخته شده با مصالح نامرغوب، لزوم جایگزینی مسکن مطلوب و سالم، تغییرات الگوی زیست و نوع نگرش به مسکن به نوعی سرمایه گذاری اقتصادی اشاره داشت. مسکن به عنوان یکی از نخستین نیازهای انسان در کلیه طرحها و برنامه های معماری، برنامه ریزی و طرح ریزی شهری، اقتصاد، سیاست و فرهنگ و فناوری جایگاه های خویش را دارد و هر یک از این رشته ها به نحوی به آن می پردازند (نقی زاده، ۱۳۸۴). ذبیحی و همکاران سه عامل شاخص کیفی محیطی و معماری شامل (۱) در بحث توده و فضا، چیدمان مطلوب بلوکها نسبت به هم جهت ایجاد محوریت فضایی و فراهم آوردن فضای باز با کیفیت و ایجاد ترکیب زیباشناسانه بین توده ساختمانی و فضای شهری، (۲) در بحث سیمای شهری، انسجام و وحدت نما، هماهنگی با بافت پیرامون و آراستگی نما و (۳) در بحث ویژگیهای کیفی و کمی واحدها، تفکیک حریم های عمومی و خصوصی خانواده از هم، داشتن خلوت، داشتن حریم های لازم برای فعالیت، داشتن چشم انداز، نور، تهویه و دسترسی مناسب، تراکم فرد در واحد مسکونی را در ارتباط با رضایت مندی ساکنان از مجتمع های مسکونی بیان نموده اند (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰). سابقه مسکن مهر

در کشور به پیش از انقلاب برمی گردد؛ نمونه بارز این نوع مسکن در دولت آباد، یادآوران، بلوار شهرزاد در تهران و در شهرکهای آبادانی و مسکن و شهید رجائی در کرمانشاه است که به دلیل رعایت نشدن همگنی های اجتماعی، بعداً به شهرکهای فقیرنشین تبدیل شدند. از دیدگاه بسیاری از کارشناسان و محققین، از جمله مهمترین مزایا و معایب طرح های مسکن مهر می توان به موارد زیر اشاره نمود:

توجه به توسعه پایدار یک الگوی کلی است که حوزه ساخت و ساز مسکن را نیز در بر می گیرد؛ الگویی که امروزه دیگر یک پیشنهاد نیست، بلکه به صورت یک الزام همه گیر برای ساخت و سازها تبدیل شده و به طور کلی، برقراری تعادل و تعامل میان سه حوزه اصلی اجتماع، اقتصاد و کالبد را شامل می شود. براساس مکاتب و ایدئولوژی های مختلف در جهان، هر اثری متناسب با اصالت و وجودی انسان، تاریخ، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد شکل می گیرد؛ از این رونگرش هایی مختص به هر جامعه پدید می آید که مسکن مهر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و از این رهگذر در تعامل با فرم، عملکرد، زیبایی ظاهر ساختمان و ... در کنار اهداف بهینه سازی اقتصادی و توسعه پایدار در فرآیند طراحی قرار می گیرد (2006, Ge and Kazunori).

این پژوهش در مسیری حرکت می کند که اولاً مبانی و معیارهای کیفیت در مسکن مطلوب و محیط های مسکونی را به طور جزء به جزء برشمرد، سپس به مطالعه کیفیت در پروژه های مسکن مهر و مشکلات عدیده در

جدول ۱. مزایا و معایب طرح مسکن مهر در ایران؛ ماخذ: غلامی، ۱۳۸۹.

مزایای طرح مسکن مهر	معایب طرح مسکن مهر
- ارزان سازی در رعایت استانداردهای لازم	- مشکلات مربوط به مکانیابی و آماده سازی
- ساخت مسکن در تیراژ بالا و پایین آمدن سهم هزینه های ثابت در هر متر (هزینه نظارت، نیروی انسانی و ...)	- مشکلات فرهنگی در شهرهای کوچک
- افزایش امید به خانه دار شدن در اقشار کم درآمد جامعه	- مشکلات حوزه مدیریتی
- امتیاز استفاده از تسهیلات ارزان قیمت و جلوگیری از بورس بازی زمین	- برنامه ریزی در شهرهای جدید
	- در نظر نگرفتن شرایط فرهنگی (تیبهای مختلف ساختمان)
	- کمبود زیرساختها و خدمات شهری



آنها پرداخته شده و در انتها با مقایسه‌ای تحلیلی به ارزیابی کیفیت طراحی معماری و نما در پروژه‌های مسکن مهر ماز در استرالیا و شهر جدید پردیس پرداخته است. تا شاید بر اساس دستاوردهای این پژوهش بتوان بخشی از معیارهای ساخت خانه و واحد مسکونی را بر اساس اصول پایداری در پروژه‌های مسکن مهر تدوین نمود و از نتایج آن در جهت ساخت مسکن مطلوب برای قشر متوسط بهره‌گرفت.

۲. روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و با توجه به ماهیت موضوع و شاخصهای مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش از نوع پیمایشی با استفاده مشاهدات میدانی و مصاحبه رودررو با ساکنان طرح مسکن مهر شهر جدید پردیس است. چارچوب نظری تحقیق نیز با استفاده از روش اسنادی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای بدست آمده است.

۳. مبانی و معیارهای کیفیت در مسکن مطلوب و محیط‌های مسکونی

۱.۱.۳ بررسی کیفیت مسکن مناسب

ویژگیهای مسکن در دو قلمروی معنوی و ظاهری، محتوایی، فرهنگی و اقتصادی قابل طبقه‌بندی است. متأسفانه در سالهای اخیر در ایران، به مسکن نه تنها به عنوان یک سرپناه بلکه به عنوان یک سرمایه‌گذاری اقتصادی نگریسته شده است. به همین منظور لازم است تا برای بهبود وضع موجود در مسکن‌سازی ارزیابی کیفی صورت پذیرد. بررسی کیفی در مورد میزان کارایی اجزاء کالبدی مسکن و میزان کارایی سازه در مقابل عوامل مختلف است که می‌تواند مبنای تدوین سیاست‌ها و رهنمودهای عملی برای ارتقاء کالبدی مسکن باشد. به منظور شناخت بهتر این موضوع، در این بخش به بررسی تحول مفهوم مسکن از کمی به کیفی و معرفی شاخص‌های کیفیت مسکن مناسب و مطلوب پرداخته شده است (Rioux and Werner, 2010).

۱.۱.۳ تحول مفهوم مسکن از کمی به کیفی

با تأمین نیازهای کمی مسکن در بسیاری کشورهای غربی تا آغاز دهه هفتاد میلادی، مفهوم مسکن دچار تحولی جدی می‌شود. در این مفهوم جدید عرصه مسکن علاوه بر خود واحد مسکونی، محیط مسکونی پیرامونش را نیز دربرمی‌گیرد. چون مسکنی که در محیط نامناسب قرار می‌گیرد، حتی اگر شرایط مناسبی داشته باشد، نمی‌تواند نیازهای تبعی ساکنین خود را تأمین کند (Rioux and Werner, 2010). در این رویکرد جدید، برای ایجاد محیط مسکونی مناسب، باید نیازهای خانواده را از جنبه‌های مختلف کالبدی و اجتماعی بررسی نمود. طبق این نگرش با ایجاد مجموعه مسکونی، یک کانون اجتماعی شکل می‌گیرد که برای حفظ ارزش‌هایش نیاز به حد معینی از انسجام دارد. عدم توجه به این امر سبب گسستگی بخشی از پیکره اجتماع از آن می‌شود؛ جهت ایجاد انسجام مطلوب، در آمیختگی معینی از سنین و نسل‌ها، مشاغل، طبقات اقتصادی و خانوارهای با ابعاد مختلف و مذاهب متفاوت لازم و ضروری است. در واقع طبق این نگرش، برخی از نیازهای خانواده که در فضای داخل مسکن امکان برآورده شدن نمی‌یابند، به محیط مسکونی منتقل می‌شوند و محیط مسکونی از تجهیزات و امکانات لازم برای تأمین این نیازها برخوردار می‌شود. بر این مبنا از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی سیاست‌های خود در زمینه مسکن را از رویکرد کمیت‌گرا به رویکردی کیفیت‌گرا متحول کرده‌اند.

۱.۱.۳ معرفی شاخص‌های کیفیت مسکن مناسب

شاخص‌های مسکن کلیدی‌ترین و مهمترین ابزار در برنامه‌ریزی مسکن می‌باشند. از آنجایی که در میان این شاخص‌ها، شاخص‌های کیفی مسکن از جمله مواردی است که توجه بسیاری از معماران را به خود اختصاص داده، لذا پرداختن به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عوامل هفتگانه‌ای که در شکل ۱ مشخص و در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود از مهم‌ترین معیارها و شاخص‌ها در تعریف و تبیین کیفیت مناسب مسکن هستند که توجه به آن‌ها در ساخت و ساز، انجام فعالیت‌های زندگی ساکنان را به سهولت و کارایی مطلوب امکان‌پذیر ساخته و کمکی در جهت یافتن حیاط زندگی



شکل ۱. عوامل هفتگانه کیفی مسکن (www.usc.blogfa.com)

بر عهده دارند که می بایست همواره به آن ها توجه نمود. به همین جهت لزوم بررسی ژئوتکنیکی، بررسی مصالح ساختمانی مقاوم، شناسایی گسل های موجود، شیوه مقاوم سازی سازه و مصالح و لزوم تجدیدنظر در آیین نامه ها و مقررات، کاملاً محسوس است. علاوه بر مسائل فوق، با آشنایی مهندسان به تکنیک های مقاوم سازی مدرن و به روز کردن اطلاعات مهندسان، می توان الگوهای مقاوم، ارزان و مناسب طراحی نمود.

۳.۱.۱.۳. امنیت

نیاز به سرپناهی امن از جمله ضروری ترین نیازهای انسان است. امنیت، در واقع حفاظت از مسکن و وسایل آن در مقابل عوامل مستقیم و غیرمستقیم است که موجب ضرر رساندن به مسکن و در واقع عدم امنیت آن می شود. عوامل مستقیمی که امنیت را به خطر می اندازند شامل، دزدی، آتش سوزی و ... هستند. عوامل غیرمستقیم نیز، آلوده کردن آب، هوا و زمین است. البته در این مقوله می توان از عوامل طبیعی همچون سیل، زلزله، توفان، حرکت ماسه های روان و ... نیز نام برد که تمامی این عوامل مخل امنیت مسکن و ساکنان آن است و در واقع بر کیفیت مسکن اثر سوء می گذارند، پس معیار مصونیت در مقابل سوانح طبیعی از دیگر عوامل مطرح است. مقوله دیگری که در امنیت می بایست مورد توجه قرار گیرد، امنیت نحوه تصرف مسکن است. امنیت نحوه تصرف سبب می شود که خانوار ساکن در واحد مسکونی، از نظر دورنمای سکونت خود احساس ایمنی کند و این امر آسایش روانی بیشتری

پایدار شهری و ساخت و شکل مناسب برای شهر و مناطق شهری محسوب می شوند.

۳.۱.۱.۳. شکل مطلوب مسکن

از آنجاکه مسکن یکی از نیازهای اصلی است، شکل مناسب مسکن به نوبه خود نقش تعیین کننده ای در تأمین این نیاز به عهده دارد. از این رو به منظور تأمین آن و رسیدن به فرم مطلوب بایستی حداقل پنج عامل اساسی را مدنظر قرار داد که عبارتند از: منابع مالی، نیروی انسانی و فن آوری، مصالح ساختمانی و مدیریت و نظارت. زمین و چگونگی (وسعت و شکل قطعات) آن تعیین کننده فرم مسکن است. در واقع این شکل زمین است که به معمار خط اصلی را می دهد که چگونه طراحی کند. به بیان واضح تر می توان گفت فرم هر ساختمان تحت تأثیر مستقیم شکل زمین آن ساختمان است. همچنین نیروی انسانی، تعیین کننده کیفیت ساخت و ساز بوده و منابع مالی بر کیفیت و چگونگی ساخت و ساز و چگونگی استفاده از مصالح و نوع آن مؤثر است. به منظور حرکت صحیح عوامل فوق در سه رأس مثلث و برقراری ارتباط مابین آن ها، مدیریت و کنترل صحیح و قوانین مدون مورد نیاز است، هماهنگی تمامی این عوامل موجب رسیدن به فرم مطلوب مسکن و بالا بردن سطح کیفی می شود (http: culture.aruna.ir).

۳.۱.۱.۳. استحکام مسکن

از آنجایی که عواملی مانند شیوه طراحی مهندسان و محاسبه و اجرای سازه و رعایت اصول و مسائل فنی نقش تعیین کننده ای در تأمین ایستایی و استحکام ساختمان

برای آن‌ها ایجاد می‌کند. که این آسایش روانی هر خانوار خود تأمین کننده آسایش روانی کلی موجود در سکونتگاه‌ها می‌باشند (<http://culture.aruna.ir>).

۴.۱.۱.۳. هویت بخشی

از دیگر مقوله‌های مطرح در باب مسکن و سکونت، هویت انسان است. هویت انسان در رابطه مستقیم با مکانی است که در آن زیست می‌کند؛ بدین ترتیب طبیعی خواهد بود که مسکن انسان به نوعی با هویت او مرتبط باشد. در واقع احراز متعادل هویت فردی، جمعی، مادی و معنوی انسان از شاخصه‌های مهم ارزیابی مسکن مطلوب است. شولتز در این باره می‌گوید: «سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیط مفروض برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن فرد است؛ بدین ترتیب، انسان زمانی به خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد» (شولتز، ۱۳۸۱).

۵.۱.۱.۳. ایمنی، راحتی و میزان دسترسی (آسایش، راحتی و بهداشت)

تأمین تسهیلات رفاهی مکمل مسکن در کنار تأمین سرپناه امن و سالم از جمله نیازهای اساسی سکونتی به شمار می‌روند که نقش مهمی در تأمین سلامت و رفاه جسمی دارند. در نظر گرفتن تسهیلات و خدمات مناسب، موجب افزایش سطح ارتقای بهداشت مسکن و در نتیجه سلامتی ساکنان آن می‌شود. از جمله عوامل مؤثر در این مقوله را می‌توان درصد برخورداری واحدهای مسکونی از یک، دو و سه اتاق خواب، میزان برخورداری از خدمات اساسی همچون شبکه برق سراسری، گاز لوله‌کشی، تسهیلات آشپزخانه، تلفن، کولر، نور و روشنایی، سیستم فاضلاب و ... دانست (قلی‌زاده، ۱۳۸۷).

۶.۱.۱.۳. دسترسی به طبیعت و فضای سبز باز

می‌توان گفت فضای سبز از مهم‌ترین ابزارهای دستیابی به توسعه پایدار است، باید توجه داشت که افزایش جمعیت نیاز به تأمین فضای سبز عمومی را افزایش می‌دهد. با همه اهمیتی که فضای سبز مفید در فضاهای مسکونی دارد، باید این واقعیت را پذیرفت که اهمیت حیاتی فضای سبز را نباید در رویارویی با دیگر کاربری‌های

حیاتی شهری قرار داد. به‌طور کلی باید رابطه و تناسبی معقول بین فضاهای ساخته شده و فضاهای ساخته شده و فضاهای طبیعی در محلات شهری وجود داشته باشد. فضاهای سبز در زندگی شلوغ، پیچیده و ناآرام شهرها، گویی تنها عنصر آرامش‌بخش و پالاینده هستند. استفاده از درخت و فضای سبز باید به‌عنوان جزو لاینفک طراحی فضای محلات شهری مورد توجه طراحان قرار گیرد. هر گیاه سبز هر چند کوچک، نقش خود را در تلطیف هوا، گرفتن غبار آن، ایجاد آرامش بصری - روانی، واقع آلودگی صوتی، تولید اکسیژن مورد نیاز شهروندان، سایه و ... ایفا می‌کند. فضای سبز در فضاهای مسکونی منظر سکونتگاه‌ها را بهبود می‌بخشند، باعث زیبایی محیط می‌شوند، نقش پالایشی دارند، باعث افزایش رطوبت و کاهش دمای هوا می‌شوند، سهم مهمی در برآوردند نیازهای تفریحی و تفرجی ساکنان محله دارد و ... به‌طور کلی استفاده از درخت به‌خصوص برای بالا بردن کیفیت فضاهای کالبدی، مکمل سکونت یا به عبارتی موقعیت نسبی مسکن، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد (Harvey, 1981).

۷.۱.۱.۳. تأسیسات یا زیرساخت‌های مورد نیاز مسکن
تأسیسات و زیرساخت‌های شهری، طیف وسیعی از عناصر شهری را که اکثراً احداث شده، ثابت و ساختمانی‌اند در بر می‌گیرد. در نگاهی کلی، می‌توان زیرساخت‌های شهری را شامل تمامی، عناصری دانست که تأمین نیازهای مختلف ساکنان محلات شهری را در زمینه‌های مختلف سکونت، فعالیت، استراحت، فراغت و به‌طور کلی بالا بردن کیفیت زندگی شهری بر عهده دارند. به عبارتی، مجموعه فیزیکی موجود و لازمی که کارکردهای مختلف شهری را میسر می‌سازند و باعث ترکیب و تشکیل فضاهای شهری می‌شوند، زیرساخت‌های شهری نامیده می‌شوند (<http://culture.aruna.ir>).

تأسیسات و زیرساخت‌های شهری از معیارهای اصلی بررسی و تعریف شهر سالم است. مقوله تأسیسات زیربنایی شهری در رأس مسائل کیفی زندگی قرار دارد و مستقیماً با کیفیت سکونت شهری ارتباط می‌یابد و مفاهیم متفاوتی همچون سرپناه، خانه و مسکن را پیش

می‌آورد. از مقایسه مفاهیمی همچون سرپناه، خانه و مسکن با یکدیگر، فرق سرپناه با خانه مشخص می‌شود

سرپناه، صرفاً انسان را از عوامل طبیعی محافظت می‌کند، ولی فاقد مشخصات لازم برای تأمین آسایش و پاسخگویی به نیازهای مختلف است. خانه، هم از نظر طراحی و هم از نظر فیزیکی می‌تواند کامل باشد و نیازهای انسان و خانوار را در داخل فضای خود تأمین کند. برای اینکه خانه به مکن یا محیط مسکونی تبدیل شود، باید شرایط دیگری هم داشته باشد. در واقع حلقه اتصال خانه به مسکن، تأسیسات زیربنایی و تجهیزات شهری است. بنابراین تأسیسات شهری بخش تعیین‌کننده‌ای از کالبد سکونتگاه‌های شهری را تشکیل می‌دهند که زمینه و بستر مناسبی را برای کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌ها فراهم ساخته، موجب آسایش و راحتی ساکنان می‌شوند (Lewicka, 2009).

۸.۱.۱.۳. هم‌جواری با کاربری‌های سازگار

کاربری‌هایی که در حوزه نفوذ یکدیگر قرار می‌گیرند باید از نظر سنخیت و هم‌خوانی فعالیت با یکدیگر منطبق بوده، موجب مزاحمت و مانع انجام فعالیت‌های دیگر نشوند. عمده‌ترین تلاش در شهرسازی، باید جداسازی کاربری‌های ناسازگار با کاربری مسکونی در محدوده‌های مسکونی باشد. کاربری‌هایی که دود، بو، صدا و شلوغی تولید می‌کنند، باید از کاربری‌های دیگر، به‌ویژه کاربری مسکونی، فرهنگی و اجتماعی جدا شوند. این جدایی مطلق نیست، بلکه در برخی مواقع می‌توان با تمهیداتی، اثرات سوء کاربری‌های مزاحم را محدود کرد. در جدایی فضایی کاربری‌ها، فاکتورهای هزینه، سود و خودبستگی نسبی آن‌ها مورد نظر قرار می‌گیرد

۹.۱.۱.۳. حفظ محریمیت و خلوت مسکن

افزون بر عوامل هفتگانه‌ای که شرح آن‌ها رفت؛ «خلوت مسکن» از ویژگی‌هایی است که به همراه سایر موارد گفته شده از ضروریات یک محیط مناسب برای زیست انسان به شمار می‌رود. حفظ محریمیت و خلوت به معنای مصون بودن فضاهای داخلی مسکن از دید بیگانگان است. در واقع مسکن به‌عنوان محل امن و آرامش خانواده باید به‌گونه‌ای مناسب، از مشرف قرار گرفتن در امان بماند. همان‌طور که در شکل ۲ آمده است ارتباط انسان با جهان هستی به چهار بخش قابل تقسیم است و وجود خلوت در محیط زندگی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کیفی محیط است که می‌تواند به ایجاد زمینه مناسب «رابطه انسان با خویش» بیانجامد (1997 Ukoha and Beamish).

۲.۲. بررسی کیفیت محیط مسکونی مناسب

مسکن تنها در قالب محیط مسکونی بلافصلش مفهوم می‌یابد. ناکارآمدی این محیط‌ها و عدم تجهیز آن‌ها سبب می‌شود که مفهوم سکنی‌گزینی با تمامی الزامات آن تحقق نیابد و مسکن تنها به‌عنوان یک سرپناه تنزل یابد. از آنجاکه برآورده شدن بخش بزرگی از نیازهای سکونتی بر بستر یک محیط مسکونی مجهز و پویا میسر است، بررسی ویژگی‌های مسکن و محیط مسکونی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و میزان پاسخ‌دهی آن‌ها به نیازهای ساکنین، ضروری به نظر می‌رسد.

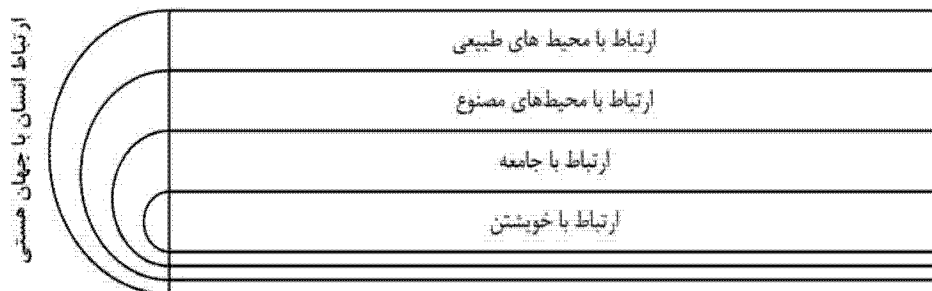
۱.۲.۳. کیفیات پاسخ‌دهندگی محیط مسکونی

همان‌طور که در کتاب محیط‌های پاسخ‌ده نوشته بنتلی و همکارانش آمده است، طراحی محیط مسکونی مناسب

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۱۱۱



شکل ۲. رابطه انسان با جهان هستی در حفظ محریمیت (Weidemann and Erfmers, 1993)

بایستی خوانا و پاسخ‌ده باشد تا بتواند از جنبه‌های بر نحوه انتخاب مردم مؤثر واقع شود. بنابراین از کاربرد کیفیت‌های پاسخ‌دهندگی در محیط مسکونی طرح مسکن مهر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (بنتلی و همکاران، ۱۹۸۷):

– نفوذپذیری: طراحی نقشه کلی راه‌ها و بلوک‌های ساختمانی.

– گوناگونی: استقرار انواع کاربری‌های سازگار با کاربری مسکونی.

– خوانایی: طراحی توده و فضا به صورت همزمان و توجه به محصوریت‌های فضاهای عمومی.

– انعطاف‌پذیری: طراحی ترتیبات فضایی و ساختمانی واحد ابنیه و مکان‌های بیرونی.

– تناسبات بصری: طراحی سیمای بیرونی ساختمان‌ها و فضاهای عمومی.

– فنانی حسی: توسعه طراحی به منظور ارتقا تجربیات حسی یا افزایش قدرت انتخاب‌گزینه‌های حسی.

– رنگ تعلق: زمینه‌سازی طراحانه برای اینکه مردم به زدن نشان خویش بر محل سکونتشان تشویق شوند.

۲.۲.۳. کیفیات بصری محیط مسکونی

کیفیات بصری مؤثر بر محیط‌های مسکونی مطلوب شامل موارد زیر است (چپ‌من، ۲۰۰۷، ص ۱۷۹-۱۸۰):

– توالی: یک مشخصه مشترک در منظره‌ی محیط شهری است. هر خیابان از توالی بخش‌های متعددی تشکیل می‌شود ولی فقط برخی از آن‌ها به وضوح به وسیله عکس‌العمل‌های زیبایی ذهن تعریف می‌شوند. در خیابان‌های مستقیمی که به وسیله خیابان‌های با سبک، ارتفاع و مصالح مشترک احاطه شده‌اند، (به دلیل یکنواختی که ممکن است داشته باشد)، عناصر تنوع^۱ و شگفتی^۲ از اهمیت زیادی برخوردارند.

– شگفتی: خاصیتی مهم است که دست‌کم گرفته شده است. این خاصیت زمانی که خیابان‌های رسمی به سمت فضاهای غیرمنتظره گشوده می‌شوند، احساس می‌گردد، برای مثال زمانی که در جاده‌های کناری یا

راهروهای ورودی، چشم‌اندازها یا ساختمان‌هایی آشکار می‌گردد و برخی اوقات نیز به شکل زیرکانه‌تری با صدا یا فعالیت غیرمنتظره‌ای همراه می‌شود.

– تضاد: مفهومی با معنی در منظره‌های شهری است که سبب ایجاد تنوع بسیاری در شکل، بافت، ارتباطات فضایی و حتی رنگ می‌شود. تضادها ممکن است در مقیاس محله شهری، خیابان یا میدان، ساختمان یا عناصر شهری باشد.

– مقیاس: معمولاً در قالب ارتباطت بین ساختمان (در کل یا بخشی از آن) و وجود انسان درک می‌گردد؛ عنصری که با اندازه‌های متناسب انسان شکل داده شده‌اند، عناصر برخوردار از مقیاس انسانی خواننده می‌شوند. بر عکس مقیاس یادمانه‌ای برای آفرینش ساختمان‌های عمودی کلیدی متمایز و مهم استفاده می‌شود.

۳.۲.۳. کیفیات ادراکی محیط مسکونی

کیفیات ادراکی محیط مسکونی مطلوب برخی از خصوصیات ساده فضا از جمله موارد زیر را در برمی‌گیرد (چپ‌من، ۲۰۰۷، ص ۱۸۱-۱۸۰):

– محصوریت: فضاها معمولاً زمانی تأثیرگذارترند که به روشنی تعریف شده باشد و احساس محصوریت و تناسب کاملاً بر نوع تجربه فضا و احساسات امنیت و مطبوع بودن مشارکت دارد.

– نفوذکنندگی: یعنی مواقع فضاها از نظر بصری کاملاً محصورند. ولی از نظر شکل و طرح این طور نیستند. اتصال کالبدی و بصری فضاها می‌تواند ارتباط بین فضاها را به صورت افقی و عمودی تنظیم کند.

– تراوش فضا: گاهی به فضایی که از لحاظ بصری محصور نیست «تراوش کننده» می‌گویند. معمولاً این حالت به عنوان ضعف احساس محصوریت تلقی می‌گردد، ولی برخی مواقع نیز نگرستن از فضا به فضا یا منظری دیگر می‌تواند تجربه‌ای قدرتمند باشد.

– تقسیمات فرعی فضا: عناصر درون فضا می‌توانند فضا را به اجزا یا اجزای فرعی تقسیم کرده، ادراک یا تجربه ما از فضا را به طور شگفت‌انگیزی تغییر دهند.

– فضای مجرد: فضایی که از نظر کالبدی تعریف شده باشد به راحتی درک می‌شود، ولی ویژگی‌ها و عناصر محیط زیست زیر می‌توانند به عنوان فضای «نامرئی» تعریف شوند.

۴.۲.۳. کیفیات رضایت از محیط مسکونی

کیفیات ادراکی و بصری مؤثر بر احساس فهم و رضایت از فضا که از دیدگاه «راس ماسن»^۳ بررسی شده است مشتمل بر موارد زیر است (Garling and Friman, 2002):

– شکل و توده: ساختمان‌ها مثل مجسمه شکل و جرم دارند. ساخت اجزای ساختمان به شکل‌های مختلف به عنوان جرم‌دهی تلقی می‌شود که لبه‌های فضای شهری را تشکیل می‌دهند.

– پرها و خالی‌ها: ساختمان‌ها می‌توانند شکل و توده داشته باشند. ولی آن‌ها همچنین فضاهای درون خود را محصور و فضاهای بیرون را مشخص می‌کنند. در اینجا نوعی ارتباط مثبت و منفی بین پرها و خالی‌ها برقرار است.

– تناسب و مقیاس: منظور از تناسب، به روشنی ارتباط با نسبت بین اندازه یا نسبت بین اندازه عناصر تشکیل دهنده موضوعات است، ولی این خود دارای تأثیر مهمی بر تظاهر بصری موضوع است. تلاش‌ها بسیاری برای کشف یک نظام ایده‌آل از تناسبات صورت گرفته است، به ویژه تقسیمات طلائی و نظام مدولار لوکوربوزیه.

– ریتم: ریتم عبارت است از فراوانی تکرار عناصری که معماری و فضا را عرضه می‌کنند. آن‌ها به وسیله ساختارها، بازشوها و پنجره‌ها، دیوارها و تقسیمات فرعی نمای ساختمان‌ها و وضعیت مبلمان خیابان ایجاد می‌شوند.

– بافت‌ها و مصالح: هر ماده‌ای کیفیات و شخصیت، و همین‌طور بافت خود را دارد. ترکیب انواع مختلف مصالح در ساختمان‌ها و سطح آن‌ها تأثیرات متفاوتی را خلق می‌کنند. مثلاً عناصر سنتی کوچک مقیاس و متناسب با مقیاس انسانی جذابیت خاصی از نظر بصری و روانی دارند.

– نور: مسیر خورشید در پهنه آسمان قابل پیش‌بینی است. جهت‌گیری خیابان‌ها و طرح ساختمان‌ها

می‌تواند پاسخی با آن باشد و مکان‌هایی واجد هر دو کیفیات محیط زیستی و زیبایی خلق کند. غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط جوی و تغییر آثار نور طبیعی در فصل‌ها، و در طول روز تجربه‌های مختلف و قدرتمندی را ایجاد می‌کند.

– رنگ: رنگ می‌تواند برای تعدیل یا برجسته کردن شکل و فضا استفاده شود. احتمالاً تأثیر مصالح و رنگ‌آمیزی طبیعی آن‌ها بر شخصیت متمایز فضاها، مهم است. استفاده نامناسب از رنگ در یک محیط می‌تواند ناخوشایند و استفاده خلاقانه از یک لکه رنگ می‌تواند خیلی هیجان‌انگیز باشد.

– شنوایی: بعضی مواقع آنچه درون ساختمان‌ها می‌گذارد، می‌شنویم مثل فرایندهای صنعتی، کنسرت‌ها و عبادت- ولی شکل ساختمان‌ها نیز تأثیر قدرتمندی بر شنوایی ما دارند. اندازه فضا و سختی سطوح در مجموع صدرا منعکس می‌سازند و بر طنین آن اثر می‌گذارند.

۴. ارزیابی کیفیت در مسکن مهر

با توجه به آنچه در رابطه با کیفیت مسکن مطلوب و محیط‌های مسکونی مناسب گفته شد، می‌توان عوامل زیر را در کیفیت مسکن مهر مؤثر دانست:

۱.۴. مکان‌یابی

شناخت عوامل و عناصر جغرافیایی به عنوان زیربنای توسعه پایدار در سیاست‌گذاری عمرانی اهمیت خاصی دارد. شناسایی دقیق عوامل و عناصر جغرافیایی و شاخص‌های زیست محیطی در فرایند انتخاب مکان استقرار، طراحی، ساخت و پویایی سکونتگاه‌های انسانی از پارامترهای پایه است که عدم توجه به آن سبب افزایش هزینه‌های اقتصادی- اجتماعی و اکولوژیکی می‌گردد. این عوامل در روند توسعه آتی شهر به عنوان موانع بازدارنده عمل می‌کند (منوری، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷). بنابراین مهم‌ترین شاخص‌هایی که در مکان‌یابی مسکن مهر باید لحاظ گردد را می‌توان (۱) شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی، فیزیکی و (۲) شاخص‌های زیست محیطی و سیاسی در نظر گرفت (Hinmanm, 1982: 59) (Draou,



۲.۴. ملاحظات جغرافیایی و محیطی در مطالعات مکان‌یابی در شکل‌گیری سیمای شهر عوامل طبیعی و کالبدی و نیز عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کنند. در واقع، سیمای طبیعی شهر از فرم زمین شکل می‌گیرد و عناصر طبیعی، به عنوان سازنده‌های اولیه نقش اصلی را به عهده دارند (شریعت، غیاث‌الدین، ۲۸: ۱۳۸۳). این عناصر را باید در ابعاد محیط طبیعی (اقلیم، توپوگرافی، خاک، منابع آب، پوشش گیاهی و حیات وحش) و محیط انسانی در طراحی شهرها و به تبع آن، در مسکن لحاظ کرد. همچنین استقرار و توسعه مراکز سکونتگاهی در محدوده مکان انتخاب شده به همراه جمعیت و وسعت آن و تسهیلات رفاهی و خدماتی و نیز کارکردهای اجتماعات انسانی نظیر وضعیت صنعت، کشاورزی، خدمات، سازه‌ها، زیرساخت‌ها و آثار آن‌ها روی محیط زیست باید مورد مطالعه قرار گیرد. در نهایت اینکه مطالعه وضع موجود پارامترهایی همچون شناسایی نوع و روش‌های دفع فاضلاب‌ها میزان آلودگی هوا و روش کنترل آن، تراز صوتی، رفت و آمد و وسایل نقلیه، سطوح شیوع و میزان بیماری‌های ناشی از آلودگی محیط زیست، وضعیت بهداشت در منطقه آلودگی، سفره‌های آب زیرزمینی و سطحی در مکان‌یابی مسکن مهر الزامی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سایت‌های مسکن مهر در مکان‌هایی قرار گرفته‌اند که چندان مورد علاقه مردم نیست و این خود مشکلی ایجاد کرده است. چراکه این الگوی تغییر حرکت زندگی است یعنی مردم از جایی به جای دیگر انتقال داده می‌شوند و این در حالی است که متناسب با نوع نیاز مردم عرضه صورت نمی‌گیرد. یعنی عرضه در جاهایی است که تقاضا برای آن وجود دارند. از این رو برای اینکه مسکن مهر بتواند جوابگوی تقاضای مردم باشد باید کیفیت و در جاهای مورد تقاضا ساخته شود.

۳.۴. ضرورت مطالعه هویت کالبدی

شهر جایی است که تعاملات شهری و انسانی در آن به وقوع می‌پیوندد و مردم نیز نسبت به شهر خود از نوعی حسن شهروندی برخوردارند. به عبارتی، آنچه شهر را می‌سازد، ساختمان‌های عظیم و پارک‌ها نیستند بلکه

خود مردم شهر با تمام سلیق و ویژگی‌های منحصر به فردشان و در حقیقت هویت شهری و شهروندی‌شان است که عامل پویایی شهر محسوب می‌شوند. هویت شهری را باید نوعی هویت جمعی به حساب آورد که البته با عنوان هویت محله‌ای و شهری زمانی معنادار خواهد بود که تبلور عینی در فیزیک و محتوای شهر داشته باشد. هویت غالباً با زندگی درازمدت در یک محل و آشنایی زیاد حاصل می‌شود که خود موجب شکل‌گیری خاطراتی از آن در ذهن ساکنان می‌شود (Lynch, 1976:192).

شکی نیست که محیط شهر وسیله‌ای ارتباطی است که هم نمادهای صریح و هم نمادهای ضمنی را در بر می‌گیرد و همیشه رابطه نمادین بین محیط شخص و اعتقادات اصلی وی وجود دارد، چنانچه محیط شهر اسلامی نمادی از مفاهیم بنیادی مذهبی در جامعه تلقی می‌شود. همچنین الگوهای کالبدی در چهارچوب الگوهای اجتماعی خاص آثار مهمی بر مردم دارند (کامروا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲).

ولی کیفیت مکانی تابع تأثیر مشترک مکان و جامعه‌ای است که شهر را اشغال می‌کند. بنابراین نقش حیاتی روابط اجتماعی را نمی‌توان در حصول رضایت انکار کرد. در اکثر قریب به اتفاق نمونه‌های واقعی مشکل بتوان اثرات متقابل عوامل اجتماعی و کالبدی را از همدیگر تفکیک کرد. چنانچه کسی بخواهد کیفیت مکانی را تغییر دهد، به‌طور معمول، مؤثرترین کار تغییر ساختار کالبدی و نهادهای اجتماعی است (Lynch, 1976:192). تقلید از ساختمان‌ها و آثار باارزش نیازمند توانایی درک و فهم معانی حاکم بر شکل‌گیری آن آثار دارد. در حالی که تقلید از بیگانگان و خدمت به حس برتری جویی و خود بزرگ بینی به کمک فن‌آوری پیشرفته کار دشواری نیست (نقی زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). آنچه که امروزه در نوع معماری طرح مسکن مهر شاهد آن هستیم ایجاد کالبد بی‌هویتی است که بدون لحاظ کردن مسائل اجتماعی- فرهنگی صرفاً جایی برای سکونت یا همان سرپناه است. حال آنکه ساخت کالبد از ساخت اجتماعی جدا است.

۴.۴. مکان‌یابی و هویت بخشی سکونتگاه‌ها

هویت شهری نوعی هویت جمعی است که با عنوان

هویت محله‌ای و شهری زمانی معنی‌دار خواهد بود که تبلور عینی در فیزیک و محتوای شهر داشته باشد. در جهت پاسخگویی به پرسش هویت در طرح مسکن مهر باید این طرح را بر حسب محل اجرای پروژه به دو دسته تقسیم و سپس ابعاد هویت را در آن جست و جو کرد. دسته اول، پروژه‌هایی است که در جهت توسعه آنی شهر موجود انجام می‌شود و به نوعی در مقوله هویت‌یابی، این سکونتگاه‌ها از شهر موجود تأثیر می‌پذیرند و دسته دوم، پروژه‌هایی که خارج از کالبد شهر موجود مکان‌یابی شده‌اند و عمدتاً در دشتهای باز حاشیه شهر واقع شده‌اند. از جمله آثار بی‌هویتی پروژه طرح مسکن مهر می‌توان به مواردی همچون تبدیل شدن به سکونتگاه‌های خوابگاهی، سطح پایین میزان همبستگی اجتماعی، فقدان یا کاهش احساس تعلق به فضای شهری و محدود ماندن فضاهای جمعی و کاهش تعاملات اجتماعی - فرهنگی یاد کرد.

۵.۴. به کارگیری ویژگیهای معماری بومی

فرم فیزیکی شهرها در حقیقت هسته جهان اجتماعی است که در تمامی ابعاد جامعه از اقتصاد گرفته تا زیبایی‌شناختی مؤثر است (شمسایی، ۱۳۸۷، ص ۷۲). در معرفی شهرهای ایرانی - اسلامی از کالبد و ویژگیهای فیزیکی و فنی سخن گفته شده و از اصول و مبانی و تأثیری که از فرهنگ ایرانی گرفته سخن به میان نیامده است. از این رو، ظاهراً برای زندگی امروز، معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی مناسب به نظر نمی‌آید و اگر راه‌های تجلی‌کالبدی بخشیدن به آن‌ها در حال حاضر به‌گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای انسانی معاصر باشد، بیان شود، آنگاه می‌توان از معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی سخن گفت (تقی زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). به کارگیری معماری ایرانی بسیار مشکل و از نظر ساخت طولانی‌تر است؛ لذا چندان مناسب انبوه‌سازی نیست. اما می‌توان جهت سرعت‌بخشی در اجرای اینگونه معماری، کشور را به مناطق همگن از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و شرایط جغرافیایی تقسیم‌بندی کرد و هر منطقه متناسب با عوامل فوق در جهت نیل به معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی بکوشد. اقدامات زیر در

جهت تحقق این امر در پروژه‌های مسکن مهر الزامی به نظر می‌رسد:

- مطالعه مناطق مختلف کشور از لحاظ شرایط محیطی جغرافیایی فرهنگی اقتصادی؛
- مطالعه نوع معماری و شهرسازی گذشته هر منطقه؛
- ارائه معماری متناسب با منطقه مورد نظر و تیپ‌بندی نوع معماری در مناطق مختلف کشور؛
- آموزش نحوه اجرا سازه توسط نیروهای متخصص.

۵.۵. ارزیابی مشکلات عدیده پروژه‌های مسکن مهر

۱.۵. نظام غلط سنجش و پذیرش و ایجاد بی‌تعادلی اقتصادی

از آنجاکه نظام سنجش و پذیرش نیازمندان مسکن مهر در کشور به سرعت انجام شد، در گام نخست، تقاضاها بسیار بالا بود؛ اما در پایش‌های بعدی ریزش وسیعی اتفاق افتاد و معلوم شد خیلی از تقاضاها کاذب بوده است (غلامی، ۱۳۸۹، ص ۵۶). چنان‌که هنوز هم نمی‌توان با اطمینان گفت که این پذیرش‌ها و سنجش‌ها با نیازهای افراد جامعه منطبق بوده است. به همین دلیل بخشی از مسکن ساخته شده به صورت غیررسمی و فروش امتیاز وارد بازار شد. از طرفی تولید حجم عظیمی از مسکن در مدتی کوتاه و هدایت سرمایه‌ای بسیار بزرگ به بخش مسکن به بحران و بی‌تعادلی اقتصادی و افزایش نامتعارف ضرایب تورمی انجامید.

۲.۵. مکانیابی نامناسب

مکانیابی نامناسب در اجرای پروژه‌های مسکن مهر، مشکل دیگری بود که این طرح در بسیاری از موارد بدان مبتلا شد. پروژه‌های مسکن مهر غالباً در مکانهایی به اجرا درآمده‌اند که شبکه‌های زیربنایی‌شان اجراء نشده و نیاز آنها به خدمات‌کافی نیز پیش‌بینی نشده است.

۳.۵. نبود سنخیت و ایجاد شکاف اجتماعی

یک شهر در چارچوب محلات که نمود همگنی‌های اجتماعی است، شکل می‌گیرد؛ متأسفانه در اجرای مسکن مهر، به دلیل فقدان مطالعات، سنخیت‌های فرهنگی و اجتماعی در این طرح‌ها مورد سنجش قرار



جدول ۳. معیارها و زیرمعیارهای رضایت‌مندی از مجتمع‌های مسکن مهر؛ مأخذ: نگارندگان.

هدف	معیارها	زیرمعیارها
سنجش رضایت‌مندی از مجتمع‌های مسکن مهر	تسهیلات مجتمع	امکانات مجتمع (شوتینگ، آسانسور و ...)، پارکینگ مجتمع، نحوه مدیریت ساختمان، نگهداری، فضای سبز، خدمات ورزشی، درمانی، تفریحی، تجاری، سرویس‌های بهداشتی، خدمات پستی، تأسیسات آتش‌نشانی
	دسترسی و حمل و نقل	فراوانی حمل و نقل عمومی، تنوع ایستگاه‌ها، توزیع ایستگاه‌ها، مسیر دسترسی به واحد مسکونی (راه پله، آسانسور، راهروها)، دسترسی مناسب به کاربریهای شهری، معابر سایت
	مدیریت و نگهداری	تعمیر و نگهداری مجتمع، پاکیزگی اماکن عمومی، تراکم جمعیت در داخل مجتمع، مناسب بودن دفع زباله و پسماند
	اقتصادی	هزینه خرید، تسهیلات، وام مسکن
	امنیت	امنیت مجتمع، امنیت واحد سکونت، اقدامات امنیتی مجتمع برای کنترل خلافکاران، مبارزه با جرایم و جنایات، مناسبیت پناهگاه
	روشنایی و تهویه	مناسبت توزیع روشنی روز به طور یکنواخت، مناسبیت تهویه طبیعی آپارتمان، وضعیت روشنایی فضاهای عمومی
	دید و منظر	رنگ فضاها، تفکیک حریم‌های عمومی و خصوصی، دید به مناظر بیرون ساختمان
	ویژگیهای کالبدی	نوع واحد مسکونی، ابعاد واحد مسکونی، تعداد اتاق‌ها، تعداد واحدهای موجود در مجتمع، هزینه‌های تعمیر و نگهداری، فرم ساختمان، سبک معماری، فضاهای داخلی و فضاهای خارجی، ارتفاع سقف، ظاهر بیرونی در مقایسه با ساختمانهای مجاور
	روابط همسایگی	میزان شناخت همسایه، میزان رابطه با همسایه‌ها، میزان تمایل به داشتن همسایه‌های مشابه، میزان دخالت همسایه‌ها در امور یکدیگر، میزان مشارکت همسایه‌ها در امور همگانی
	زیست محیطی	فضای سبز مناسب، هوا و جریان باد مناسب، آلودگی صوتی، بو، آلودگی، زباله



باشد، به پروژه‌های مستقل ساختمانی تبدیل شد. حاصل این فرآیند آسیب‌های فراوانی بوده که بر بافت شهرها تحمیل شده است. افزایش ناموزون تراکم‌ها، عدم تناسب حجم‌های عظیم پروژه‌ها با شبکه‌های ارتباطی، دشواری تأمین شبکه‌های زیربنایی و خدمات، بخشی از این کاستی‌های شهرسازی است. همچنین عدم توجه کافی به ظرفیت‌های زیست‌محیطی و اثرات سوء در محیط و ظرفیت‌سنجی‌های محیطی رانیز به این کاستی‌ها باید افزود.

۵.۵. فقدان ارزشهای معماری

بسیاری از پروژه‌های مسکن مهر به دلیل تعجیل در ساخت، فاقد ارزشهای معماری و سیمای شهری هستند. تراکم و فشردگی طرح‌های مسکن مهر آنقدر بالاست که به ازدحام می‌انجامد و باعث ناسازگاری‌های اجتماعی و عدم تحقق هویت شهری می‌شود. جدایی‌گزینی،

نگرفته است؛ از این رو از بافت اجتماعی در این طرح‌ها خبری نیست و مناسباتی که از آن به عنوان شهروندی یاد می‌شود، در مسکن مهر به سختی ممکن است شکل بگیرد. این امر خود باعث شده است که پروژه‌های مسکن مهر از محلی برای سکونت دائمی به مسکنی انتقالی تبدیل شوند و ساکنانش در اولین فرصت واحدهای خود را فروخته و در مکان دیگری سکنی گزینند. در جدول (۳)، مروری تحلیلی از معیارها و زیرمعیارهای رضایت‌مندی از مجتمع‌های مسکن مهر از دیدگاه مردم ساکن در این پروژه‌ها ارائه شده است.

۴.۵. بیگانگی با فرآیند شهرسازی

یکی از ایرادات اساسی الگوی مسکن مهر، بی‌توجهی به نظم شهرسازی است؛ در هنگام ساختن پروژه‌های مسکن مهر، طرح‌های شهرسازی به فراموشی سپرده شد و به جای آنکه مسکن مهر محصول فرآیند شهرسازی

احتمال پیوند نیافتن با ساختارهای شهری، کوتاه مدت بودن زمان سکونت در این مسکنها و جایگزینی ساکنان جدید به جای سکنه اولیه، موجب می شود تا هویت شهری و مکانی که ناشی از ماندگاری جمعیت در یک مکان است، تحقق پیدا نکند (غلامی، ۱۳۸۹، ص ۵۶). شتابزدگی برای رسیدن به توسعه بدون توجه به تبعات و اثرات مخرب و زیانبار آن بر محیط، پدیده‌ای است که آسیب می‌آفریند و مسکن مهر هم یکی از مثالهای بارز این نوع توسعه است. بدیهی است با مدیریت سنجیده می‌شد بخشی از هزینه‌های اجرای پروژه‌های مسکن مهر به احیای بافتهای فرسوده شهری اختصاص یابد، تانه تبعات کنونی و آینده مسکن مهر دامن‌گیر باشد و نه کاستی‌های بافتهای فرسوده تهدید آفرین شود. در ادامه به منظور بررسی فقدان ارزشهای معماری و کیفیت طراحی در ساخت پروژه‌های مسکن مهر، به مقایسه‌ای بر تحلیل نما در پروژه مشابه مسکن مهر ماز در ملبورن استرالیا و پروژه مسکن مهر شهر تهران در ایران پرداخته شده است.

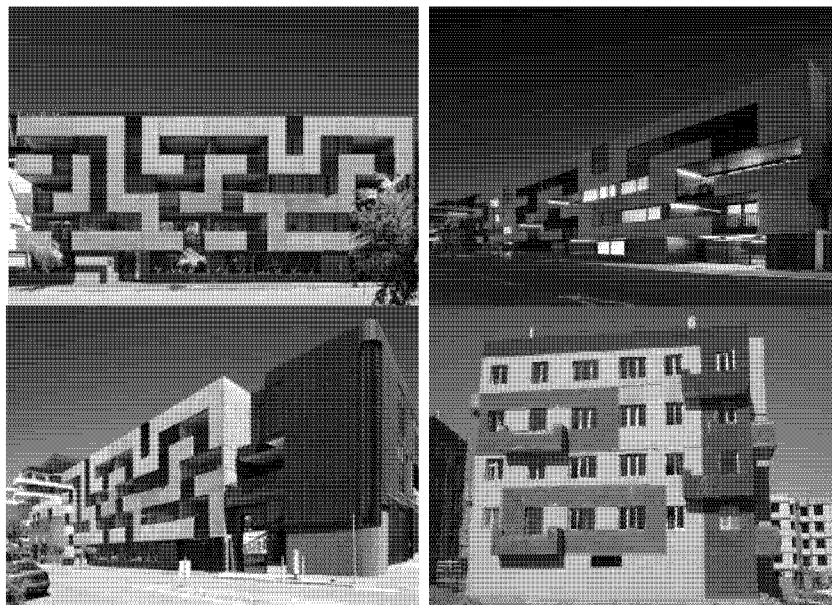
۵ طبقه تشکیل شده است. پروژه ماز نیز همانند مسکن مهر به انبوه‌سازی پرداخته و ابعاد اقتصادی پروژه از لحاظ بسیاری مد نظر بوده است و حتی با توجه به قرار گرفتن این پروژه در بافت شهری، محدودیت‌هایی در طرح معماری آن موجود بوده است. در تحلیل نماهای ایجاد شده در این مجموع باید گفت که نماهای ساده و سفید، تخت و نامتقارن خارجی در جداره‌های طویل این بنا، آن را به سطوح شبکه‌بندی شده با گرافیک شاخص و هوشمندانه‌ای تبدیل نموده است. در این پروژه برای طراحی نما از یک شبکه مدولار استفاده شده تا با استفاده از طراحی شبکه‌بندی شده در نما به یک طراحی معاصر و بدیع دست یابد. ترکیبهای نواری بتنی با طرحهای غیرتکراری اما با یک ایده مشترک در کنار سطوح شیشه‌ای جداره‌ها در این بنا، اسلوبی معناگرایانه از سطوح صلب و شفاف آن ایجاد کرده است و همچنین فضاهای پر و خالی نماها توسط مصالح چوب در تراسها به خوبی قابل مشاهده است و پویایی و تحرک نما را در این مجموعه متبلور ساخته است. آنچه در نما برای این پروژه حائز اهمیت بوده، پرداختن به اصول طراحی نما توسط گروه متخصصین و طراحان معماری بوده است که در نهایت به خلق نمایی در عین سادگی، اما دارای اصول زیباشناسی بصری در کالبدی فراهم آورده است که

۶. مقایسه‌ای بر ارزیابی کیفیت طراحی معماری و نما در پروژه‌های مسکن مهر
 ۱.۶. پروژه ماز در ملبورن^۴
 این مجتمع ۳۲ واحدی از سوئیت‌های یک و دو خوابه در

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
 No.36 Autumn 2014

۱۱۷



شکل ۲. نمود طراحی نما در پروژه ماز ملبورن

می تواند منجر به ایجاد انگیزه در مصرف کننده شود. از شرایط اقتصادی سازندگان این پروژه، ساخت بنایی پایدار با معماری منسجم و قوی و مقرون به صرفه همچون پروژه های مسکن مهر در ایران بوده است. همکاری نزدیک بین معماران و کارفرمایان و استفاده کنندگان از مشخصه های اصلی این پروژه است که در نهایت تیم متشکل از طراحان و کارفرمایان به اهداف خود دست یافتند. همچنین برای رسیدن به یک بنای پایدار در این پروژه سعی شده تا از نور و تهویه طبیعی در فضاهای داخلی استفاده شود. طراحی خوب در این بنا سبب گردیده تا فضاهای مسکونی به اهداف زیباشناسی عملکردی و پایبند به نیازهای روانی ساکنین خود، پاسخگو باشند.

۲.۶. پروژه مسکن مهر شهر جدید پردیس

آنچه در مسکن سازی مهر در شهر جدید پردیس در ایران کمتر بدان توجه شده است، مسئله نما در طرح معماری به عنوان کیفیتی زیباشناسانه می باشد. به عنوان مثال از جمله مشکلات تحلیلی عمده در نماهای به کار رفته در این پروژه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ✓ عدم هماهنگی الگوی معماری با شرایط اقلیمی از نظر نور خورشید و عدم مقاومت مناسب مصالح؛
- ✓ عدم کنترل نماها به لحاظ مباحث فنی و مسائل

زیبایی شناسانه توسط کمیته های فنی طراحی؛
✓ استفاده از آجرهای ۳ سانتی متری در نمای ساختمانها؛

✓ نبود تطابق شیوه ها و سبک های معماری در ابنیه همجوار و یا در مجموعه سازی ها و عدم همخوانی اصول طراحی میان ساختمان های همجوار در یک خیابان و یک منطقه؛

✓ عدم هماهنگی مفاصل افقی و قائم مانند پیشانی طبقه همکف، زیرزمین در ساختمان نسبت به ساختمانهای همجوار

✓ عدم هماهنگی بین ترازهای افقی و عمودی (خطوط طبقات و پنجره ها)، بالکن ها و بیرون زدگی ها؛

✓ عدم سازگاری مناسب میان علائم و تابلوها بر روی ابنیه؛

✓ عدم سازگاری و تطابق مصالح، بافت، رنگ و ترکیب آنها در نما؛

مطالعه مخاطبین پروژه مسکن مهر که قشر متوسط ساکن شهر تهران را شامل می شوند نشان داد که این گروه برای خرید ملک مسکونی مهر در شهر جدید پردیس مطابق با توان اقتصادی خود حاضر به پرداخت مبلغی حدود ۱۵ درصد اضافه بابت هر متر مربع واحد مسکونی جهت طراحی بهتر نما و حجم آن هستند که



شکل ۴. نمود طراحی نما در پروژه مسکن مهر شهر جدید پردیس

جدول ۴. تحلیل نتایج مطالعات بر روی عوامل کیفی در نمونه‌های ساخته شده مسکن مهر در شهر پردیس؛ مأخذ: نگارندگان.

عوامل منفی در کیفیات طراحی	نتیجه	راه حل
تکرار الگوی واحد در بلوک های مجموعه	ایجاد حس یکنواختی، بی‌تفاوتی ساکنین نسبت به بلوک ساختمانی خود، بحران هویت	ایجاد تنوع در طراحی هر بلوک ساختمانی
استفاده از طرحهای قدیمی و نامتناسب با معماری معاصر ایران و جهان	عدم تمایل به سکونت در مقایسه با طرحهای روزآمد	توجه به معماری روز و سبک های نوین طراحی
عدم رعایت اصول اولیه طراحی: رنگ، بافت، تناسب	کاهش کیفیت طراحی نما و حجم مجموعه	استفاده از طراحان و مهندسان مجرب و مسلط
استفاده نادرست از مصالح ساختمانی و بی توجهی به اقلیم	فروشدگی سریع نمای بیرونی و بروز اختلالات در سرمایش و گرمایش ساختمان	رعایت مسائل اقلیمی متناسب با موقعیت جغرافیایی هر منطقه و پرهیز از تکرار الگوی واحد در تمامی شهرها

فضاهای عمومی و خصوصی، مصالح، ابعاد و سایر ویژگیهای مرتبط با مسکن و فضای زندگی نام برد که می‌توان با مطالعه و شناخت نیازهای انسانی و بعد زیباشناسی و کالبدی، بناهای اقتصادی اما با رعایت مبانی زیباشناسی خلق کرد، چنانچه در بررسی پروژه مسکونی ماز در مقایسه آن با طرحهای اجرا شده در پروژه‌های مسکن مهر به صورت عینی و بارز اهمیت معیارهای طراحی در خلق یک پروژه معمارانه معلوم می‌گردد. علاوه بر این در جدول (۶) به مقایسه تحلیل نما در این دو پروژه پرداخته شده است.

تدوین یک برنامه جامع برای مسکن نیازمند شناسایی کامل و تجزیه و تحلیل عمیق ابعاد گسترده مسکن و عوامل مؤثر بر آن است که در این میان، پرداختن به شاخصهای مسکن به عنوان کلیدی‌ترین ابزار برنامه‌ریزی و تشکیل‌دهنده شالوده اصلی آن را می‌توان از حساس‌ترین مراحل برنامه‌ریزی طرح مسکن مهر دانست. با انجام تحقیقات لازم در زمینه و شناخت و تجزیه و تحلیل شاخصهای مختلف مسکن، می‌توان میزان کارایی این طرح را تا حد چشمگیری افزایش داد. از آنجاکه این شاخصه‌ها هر یک عنصری کلیدی در تعیین کیفیت مسکن هستند و جایگاه خاصی در نظام برنامه‌ریزی مسکن دارند، وجود هر یک از آنها به تنهایی شرطی لازم در جهت ارتقاء سطح کیفی مسکن می‌باشد و آنچه که وجود این شاخصه‌ها را به شرطی کافی در بحث کیفیت مسکن تبدیل می‌کند، لزوم وجود همه آنها در کنار هم است، یعنی بدون وجود دیگری عاملی کافی نیست.

این مقدار در یک مجموعه با میانگین متر^۲ ۷۵ متر مربع در مساحت برای یک مجموعه ۱۰ واحدی در حدود ۱۲ درصد امکان افزایش قیمت را به وجود خواهد آورد که از این مقدار ۷ درصد به عنوان افزایش حق الزحمه به تبع انتخاب مشاور با تجربه‌تر و مابقی به عنوان افزایش هزینه‌های مصرف مصالح بهتر و روشهای اجرایی بهتر قابل قبول خواهد بود. در جدول زیر نتایج مطالعات صورت گرفته در خصوص عوامل منفی کیفیات طراحی در پروژه‌های مسکن مهر شهر پردیس ارائه شده و نتایج آن بر بی‌ثباتی کیفیت معماری این پروژه‌ها و همچنین راه حل‌های پیشنهادی برای حل این مشکل ارائه شده است.

هرگونه توجه به نحوه نمود ساختمان، الزاماً جزئیات را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. معماران با توجه به جزئیات سطوح مختلف، می‌توانند به ظرافت و غنای طرح بیان معماری دست یابند. در تصاویر مربوط به پروژه ماز، شاهد پرداخت به این جزئیات هستیم که سبب جذابیت نما گردیده است، اما در پروژه مسکن مهر پردیس شاهد نوعی بی‌توجهی به مبانی زیباشناسی و فرم‌گرایی هستیم که می‌تواند آزاردهنده و در بعضی موارد از بین برنده هویت کیفیت معماری در این طرح باشد. در جدول (۵) با مقایسه‌ای تحلیلی بر کیفیات طراحی معماری شامل آرایه زیباشناسی، پایبندی به اقلیم و ... به مقایسه دو پروژه ماز و پردیس با هدف مشابه (مسکن مهر) پرداخته شده است. از دیگر تبعات خاص از مسکن‌سازی انبوه می‌توان به یکنواختی و همسان بودن فرم‌ها، اشکال،



جدول ۵. تحلیل شکل بیرونی ساختمان در دو نمونه موردی؛ ماخذ: نگارندگان.

نام پروژه	مجموعه مسکونی ماز	مجموعه مسکونی شماره ۷
پرداختن به جزئیات	فاقد هرگونه پیچیدگی و یا موضوعی قابل بیان	طراحی پیچیده در عین سادگی
جانمایی بازشوها	دارای تکرار و ریتم یکنواخت	دارای ریتم و شخصیت مشخص
ورودی	گم و نا مشخص	بارز و شاخص
تراس	دارای جنبه عملکردی و زیباشناسی منفی	تامین کننده فاکتورهای زیباشناسی عملکردی در نما، پر و خالی سبکی و سنگین
خط آسمان	ممتد و یکنواخت	تضاد میان مصالح و جلوگیری از یکنواختی خط آسمان

۷. پیمایش پرسشنامه ای و تحلیل آماری

در مورد پلانها سوال شده بود که نحوه چیدمان فضاها چقدر به آنچه مورد نظر شماست نزدیک است؟ در مورد نماها و شکل بیرونی سوال کیفی به صورت کاملا کلی پرسیده شده تا مخاطب به دام ارزیابی فنی نیافتاده و صرفا با زیبایی شناسی شخصی پاسخ سوال را دهد؛ شکل این ساختمان چقدر انگیزه برای خرید آن توسط شما ایجاد می کند؟

پایین هر سؤال، چهار عبارت کیفی خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد به صورت پیش فرض برای پاسخ مخاطب نوشته شده بود. از میان پرسشنامه های توزیع شده مجموعا ۷ پرسشنامه به دلیل پاسخ دهی ناقص و یا خارج از حیطه خواسته شده کنار گذاشته شدند و ۶۷ پرسشنامه باقی مانده مورد تحلیل قرار گرفتند. پاسخهای ارائه شده به هر سؤال با توجه به نمونه های ارائه شده در جدول منعکس هستند.

با کمی کردن پاسخ های کیفی از طریق امتیاز دهی به پاسخهای داده شده که به ترتیب ۱۲/۵، ۳۷/۵، ۶۲/۵ و ۸۷/۵ امتیاز در بازه ۰ تا ۱۰۰ را شامل می شد، مجموع امتیازهای هر ساختمان و درصد امتیاز کل در دو بخش

به منظور پاسخ سوال پژوهش و سنجش فرضیه مورد تحقیق، آزمون آماری در میان ۷۴ نفر ساکن ساختمانهای با تعداد واحد میان ۱۵ تا ۳۰ واحد، حداکثر ۵ طبقه و با قیمت متوسط زمین که در مناطق ۴، ۵، ۸ و ۱۰ شهر تهران قرار داشتند انجام شد. در این راستا نقشه ها و مشخصات پلانها، نماها و احجام هر دو پروژه منتخب گردآوری و به صورت هم تراز طبقه بندی شدند. علی رغم گروه آماری مخاطب از میان قشر متوسط بالاتر از دیپلم انتخاب شدند با توجه به احتمال عدم درک صحیح از نقشه های معماری برای هر دو ساختمان نقشه های معماری ساده شده تهیه شد و به جای استفاده از نوشته از رنگ و درکنار هر فضا ابعاد آن فضا و مساحت آن نوشته شد. سپس بدون آنکه به ارتباط میان پلان و نماهای ساختمان مسکونی شماره ۷ (تهران) و ساختمان مسکونی ساز (ملبورن) اشاره شود، چهار تیپ مدرک تهیه شده به صورت مجزا و در چهار صفحه در اختیار ایشان قرار گرفت. پرسش زیر هر صفحه به ساده ترین شکل ممکن کیفیت را مورد سوال قرار می دهد.

جدول ۶. تعداد پاسخها به تفکیک ساختمان ها؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

پلان ساختمان شماره ۷	شکل بیرونی ساختمان شماره ۷	پلان ساختمان ماز	شکل بیرونی ساختمان ماز	خیلی کم
۱۷	۲۴	۱۲	۳	
۲۲	۳۶	۳۱	۱۵	کم
۲۵	۷	۱۷	۱۸	زیاد
۳	۰	۶	۳	خیلی زیاد



از فرآیند جبران عواقب مسکن مهر در چارچوب ایجاد تنوع در روشهای تولید مسکن و تشویق گرایشهای نوسازی و بهسازی در بافتهای شهری امکانپذیر می شود. هرچه که روشهای تولید مسکن، اجتماعی تر و انطباق یافته تر با بافت و کالبد شهرها شود، عواقب اثرات ناموزون توسعه بر محیط نیز کاهش می یابد و رضایت عمومی را به دنبال خواهد داشت. بهر حال باید از تجربه مسکن مهر درس آموخت و ابتدا این فرآیند را آسیب شناسی کرد و مورد ارزیابی های اجتماعی، اقتصادی، شهرسازی، زیست محیطی و معماری قرار داد. تناسب با مکان و محیط و بافت اجتماعی و امکانات اقتصادی حداقل انتظاری است که از پروژه های مسکن می رود. تحقق این هدف بدون ارزیابی های گفته شده در آغاز روند مطالعه و اجراء پروژه های مسکن مهر ممکن نمی باشد. چگونگی ارتباط این شاخصه ها با مناطق مسکونی طرح مسکن مهر مورد دیگری است که قابل توجه است؛ یعنی در واقع چه عواملی را باید در راستای به کارگیری این شاخصه ها در پیدایش مسکن مهر در نظر گرفت، که این موضوع مستقیماً به ویژگیهای خاص هر منطقه مسکونی مربوط می شود. به عنوان مثال در این که چه تأسیساتی و در چه حد در رابطه با این طرحها مورد نیاز است، بایستی علاوه بر استانداردها و مبانی اصلی تعیین ضابطه ها بر مبنای اصلی طراحی و سیستم طرح ریزی محیط از نظر خصوصیات سیمای سکونتگاه، تراکم های جمعیت و ساختمان، درصد زیربناها، شیب، مساحت و گستردگی محیط فیزیکی، نقش و عملکرد ناحیه، شبکه راهها و... تأکید نمود. در طراحی این پروژه ها می بایست در جایگزینی و سیستم ترکیب بناهای مسکونی همرا با شبکه راهها و موقعیت تأسیسات محله ای، دقت لازم را نیز به عمل آورد. این مورد در رابطه با درصد جمعیت

کیفیت طراحی پلان و کیفیت طراحی شکل بیرونی (نما و حجم) به شرح زیر قابل مقایسه هستند.

نتیجه تحلیل آماری صورت گرفته را می توان از چند زاویه بیان کرد:

اول: به طور کلی ساختمان شماره ۷ از مجموع امتیاز ممکن در ارتباط با کیفیت طراحی ۴۲/۵ را اخذ کرده است و ساختمان ماز، ۶۲/۵ درصد.

دوم: هر دو ساختمان در ارزیابی کیفیت طراحی پلان امتیازات نزدیکی را کسب کرده اند (۲۸۶۲/۵ و ۲۹۰۰). با توجه به اینکه به نظر می رسد ساختمان شماره ۲ از اصول طراحی معماری را بهتر رعایت کرده باشد اما عدم تطابق با نیازهای عملکردی و عادات فرهنگی جامعه مخاطب ایرانی باعث کاهش امتیازات آن شده است.

سوم: ساختمان شماره ۷ در ارزیابی شکل بیرونی ساختمان، حدود نصف امتیاز ساختمان ماز را اخذ کرده است.

این نتیجه را به عنوان لزوم راهکار جهت افزایش ضریب موفقیت طرحهای مشابه بدین گونه بیان کرد که توجه به مسایل کیفی در طراحی حتی با لحاظ هزینه های مربوط به انتخاب طراحان و مشاوران کار آزموده تر و صاحب سلیقه می تواند انگیزه خرید و میزان رضایت را تا حد ۲ برابر برای ساکنین آتی آن افزایش دهد.

۸. ارائه پیشنهاد و نتیجه گیری

در شرایط کنونی، تداوم ساخت و اجرای طرح مسکن مهر به هیچ وجه به صرفه و صلاح نیست، بلکه باید به چاره اندیشی برای جبران اثرات توسعه مسکن مهر و تبعات اجتماعی و معماری و شهرسازی آن و القاء حیات شهری متناسب در این بافت اجتماعی پرداخت. بخشی

جدول ۷. مجموع امتیازهای هر ساختمان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

درصد از امتیاز کل	امتیاز	
۴۹	۲۸۶۳/۵	پلان ساختمان شماره ۷
۳۶	۲۰۸۷/۵	شکل بیرونی ساختمان شماره ۷
۴۹	۲۹۰۰	پلان ساختمان ماز
۷۶	۴۴۳۷/۵	شکل بیرونی ساختمان ماز

استفاده‌کننده، نسبت به هریک از تأسیسات عمومی و شعاع عملکرد مناسب آن‌ها قرار می‌گیرد. همین شعاع عملکرد مناسب و میزان استفاده جمعیت است که نسبت به فضاهای مورد احتیاج، در تعیین تعداد انواع تأسیسات و جایگزینی آن‌ها به نحوی که به راحتی در دسترس جمعیت قرار داشته باشد، دخالت دارد. بنابراین به دلیل این که طراحی سکونتگاه‌های مسکن مهر و معماری آن پاسخی است به نیازها و ضرورت‌های اجتماعی، فرهنگی و تطابق بین این دو است که مسکن را تبدیل به محلی برای زندگی و آرامش می‌کند، لذا نباید تأثیر باورها و سنت‌های مردم را در ارتقای سطح کیفی مسکن نادیده گرفت و تعیین و تکلیف برای مردم که در چه نوع خانه‌ای و با چه شیوه معماری سکونت کنند، امری است که هم نشدنی است و هم خوشایند نیست.

با مطالعه نتایج حاصل از مطالعات نظری و مبانی معماری جهت دستیابی به مسکن مطلوب که معیارهای آن در طول فرآیند تحقیق از نظرگذشت، مشهود است که رعایت ضوابط و معیارهای طراحی در تمامی ابعاد آن می‌تواند فضاهای زندگی و مسکن را برای مردم ساماندهی نماید. برای دست یافتن به بناهایی درخور بهره‌بران از هر قشر و توان اقتصادی، برخورداری از آرامش روانی بصری امری ضروری است و لازمه رسیدن به یک طراحی معماری موفق که ترکیبی از دانش ساخت و ساز، مبانی زیباشناسی در راستای تحقق توسعه پایدار در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین راهکارهای دستیابی به آن است. مسکن باید بهترین تعامل را با بستر محیط پیرامون خود داشته باشد. توجه به مسائلی چون عوارض طبیعی زمین، مسائل بوم‌شناختی و اقلیم محل در استای پایداری بومی و زیست محیطی و از سوی دیگر پایبندی به روش‌های جدید طراحی فرم و عملکرد در راستای پدیدارشناسی و زیباشناسی معماری برای احترام به تامین نیازهای کالبدی و روانشناسی محیطی برای بهره‌بران فضا، و همچنین افزایش استقبال و تقاضا که منجر به افزایش پیشبرد طرح‌های دولتی خواهد شد، می‌تواند به پاسخگویی اینگونه طرح‌های کلان دولتی بیانجامد. سرانجام باید به خاطر داشت که در جهان امروز

تمام نظریه‌های شهرسازی و مسکن به سوی جامعه نگری، شناخت ذینفعان، گفتگو با آنان، تشخیص نیازها از زبان آنان و تبدیل فرآیند اجراء به جریانی منعطف با گزینه‌های مختلف و فراهم کردن امکان تصمیم‌گیری و انتخاب برای ذینفعان می‌رود. در این صورت نقش دولت از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و مجری به تسهیل‌گر و بسترساز برای ایجاد مشارکت عوامل دخیل در فرآیند تولید مسکن تغییر می‌یابد و نیاز به بازنگری اساسی دارد.

۸. منابع و ماخذ

۱. اهری، زهرا؛ حبیبی، سیدمحسن؛ خسرو خاور، فرهاد؛ ارجمندنیا، اصغر؛ (۱۳۶۷)، مسکن حداقل، تهران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۲. بهزادفر، م؛ رزاقی اصل، س؛ (۱۳۸۸)، سامانه نقدکیفی توسعه شهرهای جدید مبتنی بر رویکردهای طراحی شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۶۵، صص ۵۰-۵۹.
۳. بنتلی، ای و همکاران؛ (۱۹۸۷)، محیط‌های پاسخده، ترجمه بهزادفر، م؛ چاپ دوم، ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۴. نقی زاده، م؛ (۱۳۸۱)، تأثیر معماری و شهر بر ارزشهای فرهنگی، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۱، دوره ۱۱.
۵. نقی زاده، م؛ (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی، فصلنامه تجلیات و عینیات، سازمان نظام مهندسی اصفهان.
۶. نقی زاده، م؛ (۱۳۹۱)، تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی، ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۰.
۷. حاجی نژاد، ع؛ رفیعیان، م؛ زمانی، ح؛ (۱۳۸۹)، بررسی متغیرهای فردی مؤثر بر رضایت مندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی (مطالعه موردی: مقایسه بافت قدیم و جدید شهر شیراز)، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۹.
۸. جرال، پی‌دالی، (۱۳۷۲)، مشکلات برنامه ریزی در مسکن سازی دولتی بعد از جنگ جهانی دوم (بررسی مقایسه ای آمریکا و اروپا)، ترجمه اهری، زهرا، هنر و معماری، مسکن و محیط روستا، شماره ۴۷، صص ۱۷-

۲۱. لینچ، ک؛ (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه بحرینی، ح؛ انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۲. نسترن، م؛ رعناپی، ا؛ (۱۳۸۹)، تحلیلی بر مفهوم مشارکت و کارگروهی در پروژه‌های آماده‌سازی اراضی مسکن مهر، دو فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۹. صص ۱۱۱-۱۳۳.
23. Hashas, M., (2003), "Residents Attachment to New Urbanist versus Conventional Suburban Developments", PhD dissertation in Community and Enviromental design, North Carolina State University.
24. Lewicka, M., (2009), "What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment", May 2009, Journal of Environmental Psychology, University of Warsaw
25. Herbert B. Dorau, Albert G. Hinman, (1982), "Urban Land Economics", Ayer Publishing inc, New York.
26. Weidemann, I. Erfmers, S., (1993), "Public Participation in Waste Management Decision-Making", Journal of Hazardous Materials, Vol 33, No 8.
27. Ukoha, Onyekwerem., Beamish, J., (1997), "Assessment of Residents' Satisfaction with Public Housing in Abuja", Nigeria, HABITAT I.T.L, 21(4), pp445-460.
28. Perloff, Harvey S., (1981), "The Quality of the Urban Environment", Published Resources for Future, (in paper "Open Space as a New urban Resources" Marion Clawson), Inc, Johns Hopkins Press, Baltimore and London.
29. Garling, T., Friman, M., (2002), "A psychological approach to the study of residential choice and satisfaction. In: Residential Environments: Choice, Satisfaction, and Behavior", Bergin & Garvey, Westport, Connecticut, London, pp. 55-80.
30. Ge, Jian, Kazunori, H., (2006), "Research on residential lifestyles in Japanese cities from the viewpoints of residential preference", residential choice and residential satisfaction. Landscape and Urban Planning, Volume 78, Issue 3, 9 November 2006, pp. 165-178.
31. Rioux, L. and Werner, C., (2010), "Residential satisfaction among aging people living in place", Journal of Environmental Psychology, Volume 31, Issue 2, June 2011, pp. 158-169.
32. www.ucs.blogfa.com
33. Http://Culture.aruna.ir
34. www.note.aruna.ir
35. www.esfahanmaskan.gov.ir
۲۳. رضا زاده، ر؛ (۱۳۸۹)، فرایند طراحی یک مکان با هویت، مجله آبادی، سال بیستم، شماره ۲۱۲.
۱۱. رفیعیان، م؛ عسگری، ع؛ عسگری زاده، ز؛ (۱۳۸۸)، سنجش میزان رضایت مندی سکونتی ساکنان محله نواب، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۷، بهار ۱۳۸۸، صص ۵۸-۶۳.
۱۲. ذبیحی، ح؛ حبیب، ف و رهبری منش، ک؛ (۱۳۹۰)، رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان (مطالعه موردی چند مجتمع مسکونی در تهران)، فصلنامه هویت شهر، سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۱۳. شمسایی، ا، (۱۹۹۲)، بحران هویت در معماری شهری، www.shahrebehesht.ir
۱۴. شریعت، م؛ منصور، غ؛ (۱۳۸۳)، مطالعات دیسپلین اکولوژی و محیط زیست، دانشگده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران.
۱۵. عباسی، ح؛ (۱۳۹۰)، برنامه‌گریزی در سیاست‌های مسکن ایران: مسکن مهر، جستارهای شهرسازی، سال نهم، شماره ۳۵، بهار ۱۳۹۰، صص ۹۸-۱۰۳.
۱۶. عینی فر، ع؛ (۱۳۷۹)، عوامل انسانی - محیطی موثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، صص ۱۰۹-۱۱۸.
۱۷. غلامی، م؛ (۱۳۸۹)، آسیب شناسی طرح مسکن مهر، فصلنامه شهرسازی و معماری، سال بیستم، شماره ۶۹، صص ۵۵-۶۰.
۱۸. قلی زاده، ع؛ (۱۳۷۸)، مسکن و دسترسی نابرابر به منابع، نشریه نشاط، تیرماه ۱۳۷۸، تهران.
۱۹. صارم کلالی، حسین، (۱۳۷۲)، نقد الگوهای مسکن سازی در کشورهای در حال توسعه، مجله گفتگو، شماره ۳۸، ص ۵۱.
۲۰. کامروا، م؛ (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر شهرسازی معاصر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

■ ۱۲۴ ■

تحلیل گردشگری روستایی شهرستان مریوان با استفاده از مدل SWOT

رشید بوکانی* - دانشجوی دکتری تخصصی رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران.

رضوان امیری - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی توریسم، تهران، ایران.

Rural tourism Analysis city of Marivan using SWOT Model

Abstract

The problem is studied within the traditional tourism activities are followed and failed at creating jobs and prosperity for the villagers as possible to earn enough to be effective. Inappropriate physical infrastructure as well as environmental and rural amenities and tourism, and lack of sufficient knowledge of their low education and tourism activities in the study area is another problem. So in this study is a case study of Marivan city tourist villages through the SWOT model and influence factors of rural tourism are evaluated. Finally, with respect to the features and capabilities and limitations of the study area and utilizes the methods and models used Optimal strategies for rural tourism to be presented using SWOT model. Using the methodology of the study was descriptive - analytical survey method is performed. In the present study, collect data, document the visit and taking notes from the documents library And direct field observation, interviews, photographs, video, and data analysis methods for Strategic SWOT EXCEL and SPSS software is used. Also, to achieve the objectives of the study, three groups of officials and experts active, local elites and foreign residents and tourists have been selected as the target population.

Keywords: tourism, rural tourism, SWOT Model.

چکیده

پژوهش حاضر در قالب رساله دکتری با رویکرد و روش تحقیق اکتشافی - تحلیلی در پی این موضوع بوده است که از طریق مدل SWOT به بررسی و تبیین گردشگری روستایی شهرستان مریوان بپردازد. به منظور رسیدن به این اهداف از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، ۳ گروه کارشناسان، روستاییان و گردشگران بوده اند که با استفاده از فرمول کوکران و جدول مورگان، جامعه نمونه تعیین شده است. نحوه انتخاب افراد نیز به روش نمونه گیری سیستماتیک و نهایتاً تصادفی ساده می باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون ناپارامتریک فریدمن با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است. یافته های تحلیل SWOT نشان می دهد که در مجموع تعداد ۱۶ نقطه قوت و فرصت بعنوان مزیتها و ۲۰ ضعف و تهدید به عنوان محدودیتها و تنگناهای پیش روی روستاهای این ناحیه جهت گسترش توریسم قابل شناسایی است، که این نشان می دهد که آستانه آسیب پذیری این نواحی بسیار بالا بوده و نیازمند بازنگری و ارائه سیاست های مناسب در جهت رفع ضعفها و تهدیدها با استفاده از نقاط قوت و فرصتها می باشند و در نهایت با توجه به نتایج و یافته های بدست آمده از پژوهش و نتایج SWOT راهبردها و راهکارهایی در قالب راهبردهای رقابتی (تهاجمی) (SO) ارائه شده است.

واژگان کلیدی: گردشگری، گردشگری روستایی، شهرستان

مریوان، آزمون تحلیل عاملی، مدل SWOT

مقدمه

1. ارزیابی پاسخگویان از نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدهای توسعه گردشگری روستاهای مورد مطالعه چگونه است؟
2. نقاط ضعف، قوت، فرصتها و تهدیدهای گردشگری روستایی مریوان کدامند؟
3. بین وجود امکانات و زیرساختهای گردشگری و توسعه روستایی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در زمینه گردشگری روستایی، ماتریس سوات چارچوب مناسبی برای تعیین امکانات و تنگناهای توسعه گردشگری روستایی و در نهایت ارائه راهبردهای مناسب در این زمینه است. در این روش ابتدا قوت‌ها و ضعف‌های درونی و فرصتها و تهدیدهای بیرونی در زمینه‌های مختلف از جمله: اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، بوم‌شناختی و نهادی مشخص شده و سپس راهکارهای مناسب به منظور رفع ضعف‌ها و تهدیدها از یک طرف و بهبود قوت‌ها و فرصت‌ها از طرف دیگر، ارائه می‌شود. کارایی، سرعت و ظرفیت تطبیق عوامل درونی با محیط بیرونی از ویژگی‌های این روش است. بنابراین ضرورت تحقیق به دلایل:

□ در روستاهای مورد مطالعه، فرصت‌ها، زمینه‌ها و پتانسیل‌های بالایی برای اشتغال‌زایی و ایجاد کسب و کارهای جدید وجود دارد که مورد توجه لازم قرار نگرفته است.

□ وجود فقر و بیکاری در نواحی روستایی که با اجرای این طرح میتوان در جهت رفع بیکاری، کاهش فقر و افزایش بهره‌وری و عدالت اجتماعی قدم برداشت.

□ علی‌رغم وجود جاذبه‌های گردشگری فراوان و مراجعه گردشگران به نواحی روستایی، می‌توان گفت که کسب و کاری که به واسطه جاذبه‌های گردشگری و حضور گردشگر در این منطقه راه افتاده باشد در حد ممکن وجود ندارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش شناسی توصیفی-تحلیلی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. همچنین

کشور ایران با وجود جاذبه‌های فراوان فرهنگی، تاریخی و طبیعی هنوز نتوانسته است جایگاه خود را بعنوان یک کشور پذیرنده گردشگر در بازار جهانی صنعت توریسم بیابد. از اینرو سهم ناچیزی از درآمدهای این صنعت نصیب این کشور شده است و همچنین این مسئله در زمینه توریسم داخلی و بخصوص توریسم روستایی صدق می‌کند. یکی از این مناطق که در کشور ایران علیرغم داشتن پتانسیلها و جاذبه‌های فراوان فرهنگی، تاریخی و طبیعی گردشگری با مشکلات عمده‌ای نظیر مهاجرت از روستا به شهرها، بیکاری، کاهش باروری و حاصل‌خیزی زمینهای کشاورزی و فقدان زیربنای لازم برای خدمات گردشگری روبه‌رو است. شهرستان مریوان می‌باشد که دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ای از نظر محیطی و طبیعی برای جذب توریست می‌باشد که باید در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و روستایی از این امکانات و تواناییها جهت توسعه این روستاها و کم کردن از مشکلات استفاده شود. روستاهای محدوده مورد مطالعه تا حد زیادی از جاذبه‌های گردشگری برخوردارند طوری که سالیانه پذیرای گردشگران زیادی به این منطقه هستند ولی در رابطه با سایر فعالیتهای اقتصادی مثل کشاورزی از جایگاه پایین تری برخوردارند. از مشکلات دیگری محدوده مورد مطالعه این است که فعالیتهای گردشگری بصورت سنتی دنبال می‌شوند و نتوانسته در ایجاد اشتغال و رفاه و درآمد کافی برای روستاییان در حد ممکن موثر واقع شود. همچنین نامناسب بودن زیرساختهای محیطی و کالبدی و امکانات رفاهی و سیاحتی و فقدان آشنایی کافی روستاییان و آموزش کم آنها در زمینه فعالیتهای گردشگری از مشکلات دیگر محدوده مورد مطالعه می‌باشد. بنابراین در این تحقیق سعی شده است با مطالعه موردی روستاهای گردشگری شهرستان مریوان از طریق مدل SWOT عوامل و فاکتورهای موثر گردشگری روستایی مورد ارزیابی قرار گیرند و در نهایت با توجه به امکانات و تواناییها و محدودیتهای منطقه مورد مطالعه و با بهره‌گیری از روشها و مدل‌های مورد استفاده، راهکارهای بهینه‌ای گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT ارائه گردد. بنابراین این تحقیق در پی پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد:



در پژوهش حاضر روش جمع آوری اطلاعات، اسنادی به صورت مراجعه و فیش برداری از مدارک و اسناد کتابخانه ای و همچنین در مطالعات میدانی از روش مشاهده مستقیم، مصاحبه، تهیه عکس، فیلم و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش راهبردی سوات و نرم افزارهای EXCEL و SPSS استفاده شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در این تحقیق، برای رسیدن به اهداف تحقیق، ۳ گروه به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند که طبیعتاً بسته به ماهیت و ویژگی این ۳ گروه، روش تحقیق، ابزار اندازه‌گیری و تحلیل یافته‌ها نیز متفاوت بوده است. این ۳ گروه عبارتند از:

- ✓ مسئولین و کارشناسان فعال در زمینه گردشگری در سازمان‌های دولتی؛
 - ✓ نخبگان محلی و روستاییان ساکن در روستاهای شهرستان مریوان؛
 - ✓ گردشگران داخلی و خارجی که در زمان پیمایش در روستاهای مورد نمونه در حال گردش و تفریح بوده‌اند.
- روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر به روش نمونه‌گیری سیستماتیک بوده است. به این صورت که در هر دهستان، با استفاده از نظر و دیدگاه مسئولین استان، روستاهای گردشگر پذیر انتخاب شده و به طور تصادفی با تعدادی از نخبگان محلی و یا روستاییان و در عین حال گردشگران؛ پرسشنامه‌ها تکمیل شده است و مصاحبه با آنها انجام گرفته است. به همین ترتیب، تعدادی از

مسئولین و کارشناسان فعال و آگاه در زمینه مسائل گردشگری در سازمان‌های دولتی مسئول، انتخاب و پرسشنامه همراه با مصاحبه با آنها انجام شده است. بنابراین، روش‌های پیمایش و بحث گروهی متمرکز؛ مهم‌ترین تکنیک‌ها و روش‌های تحقیق در نیل به اهداف مرتبط با این گروه بوده است. تعیین حجم نمونه جامعه آماری پژوهش حاضر، در تمامی ۳ گروه (کارشناسان، گردشگران و روستاییان) با استفاده از فرمول کوکران و جدول مورگان، انجام شده است. از همین رو، با توجه به جامعه آماری و جمعیت زیاد و بالغ بر ۱۳۰۰ نفر گردشگر داخلی و خارجی در زمان پیمایش؛ تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شده است. در عین حال، با توجه به اینکه جامعه آماری کارشناسان و مسئولین استانی در دستگاه‌های سازمانی مورد بحث نیز در حدود ۱۳۰۰ نفر بوده‌اند؛ تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شده است. ضمن آنکه با توجه به این موضوع که جامعه آماری و جمعیت روستاییان شهرستان مریوان در حدود ۹۰۰۰ نفر (به طور دقیق ۸۶۰۰ نفر) بوده است؛ تعداد ۳۷۲ نفر از روستاییان، می‌بایستی پرسشنامه تکمیل می‌گردید.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی بر اساس نرم افزار SPSS و در قالب مدل SWOT؛ صورت گرفته است. نمایش یافته‌ها در این بخش به صورت توصیفی و در قالب جداول یک بعدی همراه با ترسیم فراوانی، درصد، میانگین و نمودار؛ انجام

جدول ۱. بررسی تحقیقات مربوط به موضوع تحقیق در سطح ملی و بین المللی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

محقق	عنوان تحقیق	سال انتشار	روش‌ها، ابزار مورد استفاده تحقیق و نتیجه گیری
رضوانی	توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار (کتاب)	۱۳۹۰	به این موضوع پرداخته است که با توجه به سابقه و روند توسعه گردشگری روستایی در ایران، این نوع گردشگری هنوز در آغاز راه است و گردشگری روستایی در ایران در مجموع در مرحله اکتشاف قرار دارد.
کریمی، محبوب فر	گردشگری روستایی ایران (کتاب)	۱۳۹۱	صنعت گردشگری روستایی موفق مستلزم برنامه ریزی مناسب و برخورداری‌ها از مکانها و جاذبه های روستایی است. احتمال موفقیت مزارع گردشگری نزدیک به مکانهای گردشگری به مراتب بیشتر است.
صالحی فرد	گردشگری روستایی (کتاب)	۱۳۹۰	به این موضوع پرداخته شده است که تدوین برنامه ای منسجم، کارآمد و انعطاف پذیر در بخش گردشگری روستایی نیازمند آگاهی از مبانی نظری و ساختار تئوریک دانش برنامه ریزی است.



این موضوع به بررسی کارآفرینی اقلیمی و ارتباط آن با توسعه صنعت گردشگری می پردازد. در یک مقیاس، مواردی برای ارزیابی جنبه های مختلف جامعه شناخته شده به منظور حمایت از فعالیتهای کارآفرینی توسعه داده شد. این مقیاس سوالات دموگرافیک و موضوعات مربوط به ارزیابی نگرش ها نسبت به گردشگری که از طریق ایمیل در بین ۲۹۰ نفر از ساکنان کارولینای شمالی توزیع شده بود را شامل می شد و در نهایت ۹۲ نفر از پاسخ دهندگان در نمونه گنجانده شده بودند.	۲۰۰۷	توسعه گردشگری روستایی	کلین
مقاله حاضر در وهله اول به بیان محصول گردشگری روستایی و نسبت بین کلان شهرها و گردشگری روستایی پرداخته و پس از آن با انتخاب کلان شهر مشهد به عنوان مطالعه موردی، بحث دسترسی و حوزه نفوذ گردشگری را مورد بررسی قرار می دهد.	۱۳۸۷	تحلیلی بر گردشگری روستایی در پیرامون کلان شهرها (مقاله)	مافی و همکاران
روش تحقیق به کار گرفته شده توصیفی- تحلیلی است که با استفاده از داده های عینی و ذهنی منتج از پرسشنامه تکمیل شده از سرپرستان خانوار و شوراهای اسلامی روستا انجام شده است. متغیرهای تحقیق، ماهیت کمی و کیفی دارند و در جمع آوری داده های ذهنی از مقیاس طیف لیکرت و برای تحلیل داده ها از آزمون های آماری پرامتری نظیر آزمون هم بستگی (پیرسون) و آزمون های ناپارامتری (نظیر آزمون هم بستگی اسپیرمن و کای اسکوئر) بهره گرفته شد.	۱۳۸۸	اثرات اقتصادی گردشگری بر نواحی روستایی (مقاله)	بدری
تحقیق حاضر در پی شناسایی جاذبه ها، وضع موجود امکانات و خدمات گردشگری، و تنگناهای موجود در راه توسعه گردشگری در دهستان آب گرم از توابع بخش سرعین شهرستان اردبیل در نهایت در پی ارائه پیشنهادات با توجه به وضع موجود می باشد.	۱۳۸۹	امکان سنجی توسعه گردشگری در نواحی روستایی (مقاله)	رحمانی و همکاران
استان سمنان از سکونتگاههای روستایی متنوع و جاذبه های گردشگری زیادی برخوردار است، که در این تحقیق روستاهایی که از پتانسیل های گردشگری بیشتری برخوردارند و همچنین سازمانهای متولی گردشگری مورد بررسی قرار گرفته است.	۱۳۸۹	مدیریت گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه روستایی (مقاله)	سید علی پور
در مقاله حاضر با طرح این پرسش که کدامیک از مناطق روستایی مورد مطالعه دارای مزیت بر اساس اولویت های ظرفیتی گردشگری هستند، تلاش شده است با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از مدل TOPSIS پاسخ علمی لازم را پیدا کند. یافته ها نشان می دهد که از میان ۳۰ روستای مورد مطالعه، روستاهایی که دارای جاذبه های محیطی بیشتری هستند از ارجحیت بیشتری برخوردارند.	۱۳۹۰	اولویت بندی ظرفیت های گردشگری مناطق روستایی شهرستان نیر (مقاله)	افتخاری و همکاران
عنوان کرده است که در دو دهه گذشته، دخالت جامعه در سیاست های محلی باعث توجه روز افزون به رویکرد جایگزین برای توسعه روستایی در اتحادیه اروپا به خصوص در زمینه بخش های تکمیلی کشاورزی مانند گردشگری شده است. اگر چه طیف گسترده ای از رویکردهای یکپارچه برای توسعه گردشگری در مناطق روستایی شناسایی شده و در ادبیات وجود دارد.	۲۰۱۱	پیاده سازی گردشگری یکپارچه روستایی	پانیک و همکاران
هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر صنعت گردشگری در مناطق روستایی کلاردشت است. برای رسیدن به اهداف تحقیق از روش اسنادی و میدانی (پیمایشی) استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق را که جزء مناطق روستایی و گردشگری منطقه کلاردشت هستند، «ولوال و رودبارک» خانوارهای روستاهای تشکیل دادند که ۱۳۲۰ خانوار بودند.	۱۳۹۰	عوامل مؤثر بر صنعت گردشگری در منطقه روستایی کلاردشت (مقاله)	عبدالمنافی و همکاران

در پژوهش حاضر سعی شده، به مطالعه وضعیت توریسم روستایی در روستای خانقاه استان کرمانشاه با استفاده از روش تئوری بنیانی پرداخته شود. به منظور گردآوری اطلاعات، از مصاحبه عمیق، مشاهده مستقیم، تهیه عکس و فیلم، اسناد و مدارک کتابخانه ای استفاده شد. همزمان با جمع آوری داده، تجزیه و تحلیل آن ها نیز صورت گرفت.	۱۳۹۰	مطالعه وضعیت گردشگری روستایی در روستای خانقاه از دیدگاه اهالی روستا؛ با استفاده از تئوری بنیانی (مقاله)	قبادی و همکاران
در این مطالعه با استفاده از تکنیک SWOT وضعیت گردشگری روستایی در روستاهای هدف گردشگری استان چهار محال و بختیاری مشخص و وزن هر کدام از ارکان چهارگانه SWOT در گردشگری روستایی سنجیده شده است. جامعه آماری این مطالعه شامل هجده نفر از کارشناسان و مسئولین مرتبط با علوم توسعه روستایی و گردشگری بوده است.	۱۳۹۰	سنجش ارکان چهارگانه گردشگری روستایی با استفاده از تکنیک SWOT (مقاله)	خاتون بادی و همکاران
در مقاله حاضر به بررسی نقش طبیعت گردی و آثار آن در توسعه مناطق روستایی، با تاکید بر روستای اورامان تخت پرداخته شده است. بدین منظور بر اساس چارچوب مفهومی و نظری و نیز مطالعات میدانی انجام شده، اقدام به تجزیه و تحلیل داده ها از طریق تکنیک SWOT گردید.	۱۳۹۱	بررسی نقش طبیعت گردی و آثار آن در توسعه مناطق روستایی با استفاده از مدل تحلیلی SWOT (مقاله)	دانش مهر و همکاران
در این مقاله تلاش شد آثار توسعه گردشگری در روستاهای محدوده مورد مطالعه مانند اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی را بر اساس نظرسنجی از روستاییان و گردشگران مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد.	۱۳۹۱	بررسی آثار اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی توسعه گردشگری در سکونتگاه های روستایی از دیدگاه گردشگران و روستاییان (مقاله)	عناستانی و همکاران
تحقیق حاضر با هدف واکاوی پیامدهای منفی توسعه گردشگری در روستای گازرخان در استان قزوین صورت پذیرفت. به لحاظ روش پژوهش، این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی محسوب می شود. جامعه آماری این تحقیق را تمامی سرپرستان خانوار در روستای گازرخان تشکیل می دادند که بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۱۱۵ نفر از آنان از طریق روش نمونه گیری تصادفی ساده برای انجام تحقیق انتخاب شدند.	۱۳۹۱	واکاوی پیامدهای منفی توسعه گردشگری در مناطق روستایی استان قزوین (مقاله)	رضایی و همکاران
این پژوهش با هدف تدوین الگوی راهبردی مناسب برای توسعه ی گردشگری در روستاهای منطقه مورد مطالعه انجام شده است. سؤال اساسی پژوهش این است که الگوی راهبردی مناسب برای توسعه گردشگری که به توسعه پایدار روستایی منجر شود، کدام است؟	۱۳۹۲	ارائه الگوی برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری پایدار روستایی (مقاله)	افتخاری و همکاران
به منظور رسیدن به اهداف تحقیق از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. بطور کلی ۳ نوع پرسشنامه (مردم، مسئولان و گردشگران) برای انجام این تحقیق آماده شد. پس از تکمیل این پرسشنامه ها برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و Excel استفاده گردید.	۱۳۸۳	نقش توریسم در توسعه نواحی روستایی پیرامون شهرها (پایان نامه کارشناسی ارشد)	مهدوی
پژوهش حاضر با هدف توسعه روش علمی ارزیابی و پایش پیشرفت به سوی توسعه پایدار گردشگری روستایی با استفاده از شاخص های استخراج شده در قالب ۳ نوع پرسشنامه به صورت میدانی و با نظرخواهی از مردم، مسئولان و گردشگران به ارزیابی و اندازه گیری پیشرفت به سوی پایداری گردشگری در روستاهای تاریخی- فرهنگی کشور در یک محدوده زمانی مشخص بوسیله بارومتر و رادار پایداری پرداخته است.	۱۳۹۰	ارزیابی پایداری توسعه گردشگری روستایی در ایران (رساله دکتری)	مهدوی

گرفته است. در بخش کیفی، داده‌ها و مشاهدات براساس وجوه افتراق و اشتراک، از طریق روش‌های کدگذاری باز و محوری مقوله‌بندی شده و سپس براساس موضوع محوری تحقیق تحلیل شده است تا بتوان به الگوی روابط موجود بین این داده‌ها و مکانیسم تأثیرگذاری آن‌ها بر همدیگر، پی برد.

روستایی تعریف شود، اما محققان بر این عقیده‌اند که موضوع بسیار پیچیده‌تر از این است (افتخاری و پور طاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

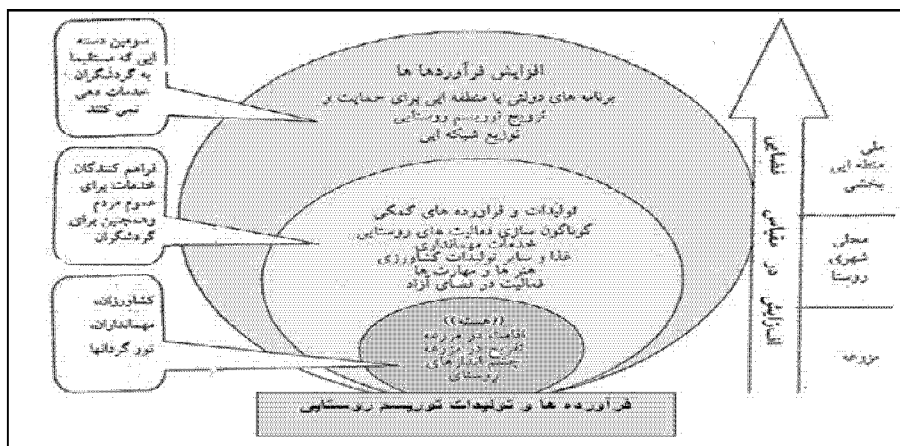
نقش گردشگری در توسعه نواحی روستایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. احیا و سازماندهی دوباره فعالیتهای اقتصادی محلی و بهبود کیفیت زندگی.

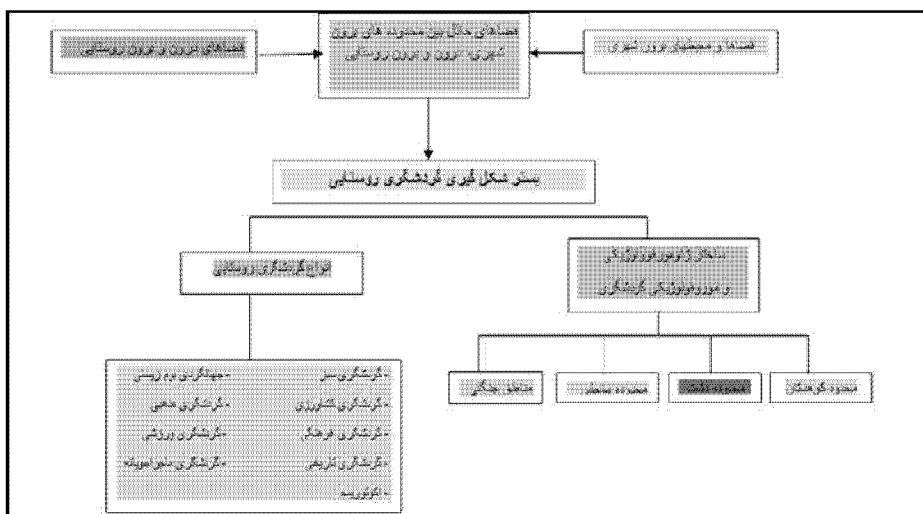
گردشگری روستایی
تعریف گردشگری روستایی کار چندان آسانی نیست و توافقی درباره آن وجود ندارد. این مسئله به این دلیل است که تعریف نواحی روستایی که گردشگری روستایی در آن انجام می‌شود، با دشواری همراه است (Pearce, 1989)؛ با این حال گردشگری روستایی می‌تواند به طور ساده به عنوان مسافرت به نواحی

۲. درآمد مازاد در کنار بخشهای کشاورزی، صنعتی و خدماتی و همچنین کمک‌های متنوع به درآمد ناشی از خرید و فروش محصولات کشاورزی و یاری رساندن به پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و کمک به ارزش اقتصادی کیفیت تولیدات مواد غذایی حاضر، ساختمانهای بی استفاده و رها شده، مناظر و فرهنگ منحصر به فرد (Hall et al, 2003:6).

فرآورده‌ها و تولیدات تورسیسم روستایی



شکل ۱. تعریف گردشگری روستایی؛ ماخذ: مهدوی، ۱۳۸۳.



شکل ۲. قلمرو و حیطه‌های دربرگیرنده گردشگری روستایی؛ ماخذ: صالحی فرد، ۱۳۸۸، ص ۶۷.

جدول ۴. تهیه مراحل ماتریس SWOT

فرصتهای مهم بیرونی جامعه مورد مطالعه فهرست می شود.
تهدیدهای مهم بیرونی جامعه مورد مطالعه فهرست می شود.
نقاط اصلی قوت درونی جامعه مورد مطالعه فهرست می شود.
نقاط اصلی ضعف درونی جامعه مورد مطالعه فهرست می شود.
نقاط قوت و فرصت ها با هم مقایسه شده، راهبردهای SO ثبت می شود.
نقاط ضعف و فرصت ها با هم مقایسه شده، راهبردهای WO ثبت می شود.
نقاط قوت و تهدیدها با هم مقایسه شده، راهبردهای ST ثبت می شود.
نقاط ضعف و تهدیدها با هم مقایسه شده، راهبردهای WT ثبت می شود.

در راستای تطابق مناسب بین آنها است. از دیدگاه این مدل، راهبرد مناسب، قوتها و فرصتها را به حداکثر و ضعفها و تهدیدها را به حداقل ممکن می‌رساند. برای این منظور نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در چهار چوب کلی SO,WO,ST,WT به شرح زیر پیوند داده شده و گزینه‌های راهبردی از بین آنها انتخاب می‌شوند (دردانه و شانه‌ساز زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴).

۱. «راهبردهای رقابتی/تهاجمی» (SO)، که تمرکز آنها بر نقاط قوت درونی و فرصتهای بیرونی است؛
۲. «راهبردهای تنوع بخشی» (ST) بر نقاط قوت درونی و تهدیدهای بیرونی متمرکز است.
۳. «راهبردهای بازنگری» (WO) که ضمن تاکید بر نقاط

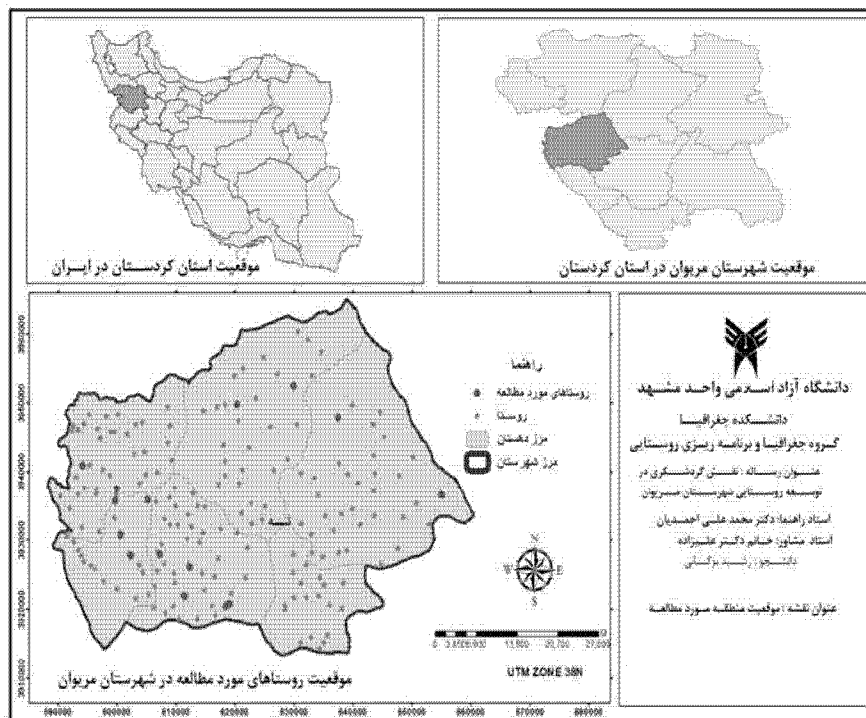
۳. تجدید حیات اقتصاد ملی و بهبود کیفیت زندگی و درآمد تکمیلی برای کشاورزی، صنایع دستی و بخش خدمات و امکان برقراری تماس‌های اجتماعی، به ویژه در نواحی روستایی دور دست و بین گروه‌های اجتماعی منزوی (Gohdeston & Morris, 1999).

مدیریت راهبردی SOWT

مدیریت راهبردی عبارت است از بررسی محیطی، تدوین راهبرد، اجرای راهبرد، ارزیابی و کنترل، بنابراین مدیریت راهبردی بر نظارت و ارزیابی فرصتها و تهدیدهای خارجی در سایه توجه به نقاط قوت و ضعف یک مجموعه تاکید دارد. مدیریت راهبردی از چهار عنصر اساسی شامل بررسی محیطی، تدوین راهبرد، اجرای راهبرد، ارزیابی و کنترل تشکیل می‌شود. عواملی که در این زمینه بیشترین تاثیر را دارند در اصطلاح عوامل راهبردی نامیده می‌شوند که عبارتند از: نقاط و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT).

تحلیل SWOT

تحلیل سوات، تحلیلی منظم برای شناسایی عوامل



(نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها و همچنین عوامل محیطی و اجتماعی)؛ ماخذ: نگارنده.

ضعف درونی، سعی بر بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی در جهت رفع نقاط ضعف گردشگری روستایی است و ۴. «راهبردهای تدافعی» (WT) که برای مقابله با ضعف‌های درونی و تهدیدهای بیرونی ارائه می‌شود.

ماتریس تحلیلی SWOT

در مرحله بعد در فرایند تدوین سیاست‌ها و راهبردهای توسعه با لحاظ کردن جهات قبلی و با توجه به نوع واکنش در مقابل و نحوه تعامل هر عامل داخلی و خارجی می‌توان ماتریسی را ترسیم کرد که دارای چهار نوع راهبرد است. بر این اساس ماتریس SWOT باید بتواند قوت‌ها و فرصت‌ها را حفظ کرده و نقاط ضعف و تهدید را حذف و به نقاط قوت و فرصت تبدیل کند و یا اینکه حداقل تأثیرات منفی و مخرب آنها را کاهش دهد.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه، روستاهای نمونه گردشگری شهرستان مریوان از توابع استان کردستان می‌باشند که بر اساس مطالعات انجام شده تعداد ۱۵ روستا بعنوان روستاهای نمونه گردشگری و مورد مطالعه انتخاب شده‌اند و کلیات تحقیق و پرسشنامه‌ها بر اساس روستاهای محدوده مورد مطالعه انجام شده است. این روستاها از گردشگاه‌های اطراف شهرستان مریوان می‌باشند که با وجود دریاچه زریوار و هواس سالم و جاذبه‌های طبیعی و کوهستانی زیبا، از قدرت جذب‌گر-دشگر در فصول مختلف سال برخوردار است و در تعطیلات و به ویژه فصل بهار و تابستان، میزبان جمعیت قابل ملاحظه‌ای هستند.

بحث و یافته‌ها

در این قسمت از تحقیق، به شرح نتایج و یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده در مرحله قبلی یعنی روش‌شناسی تحقیق پرداخته می‌شود. بنابراین در گام نخست در بخش آمارهای توصیفی، با استفاده از فراوانی، درصد، درصد تجمعی و میانگین بررسی و توصیف شده و در مرحله بعدی نتایج و یافته‌های استنباطی (تحلیلی) با استفاده از آزمون تحلیل عاملی

اکتشافی، آزمون ناپارامتری فریدمن و آزمون ضریب همبستگی پیرسون ارائه شده است.

وضعیت موجود صنعت گردشگری روستایی در شهرستان مریوان چگونه است؟

با توجه به توزیع فراوانی جدول زیر ملاحظه می‌شود که ۴۷ درصد از پاسخگویان بر نامناسب بودن تجهیزات و امکانات رفاهی و اقامتی تأکید داشته‌اند. در عین حال، ۳۰/۶ درصد از کارشناسان، از خوب و خیلی خوب بودن تجهیزات و امکانات رفاهی و اقامتی سخن گفته‌اند. از سوی دیگر، ۴۷/۶ درصد از پاسخگویان، به نامناسب بودن امکانات بهداشتی و درمانی اذعان داشته‌اند و در مقابل، ۳۳/۳ درصد نیز خوب و خیلی خوب ارزیابی نموده‌اند. ضمن آنکه ۲۸ درصد از پاسخگویان نیز، از عدم تمایل مردم به منظور سرمایه‌گذاری در توسعه گردشگری سخن گفته‌اند. ۳۹/۳ درصد از پاسخگویان نیز وضعیت تمایل مردم به منظور سرمایه‌گذاری در توسعه گردشگری را خوب و خیلی خوب ارزیابی نموده‌اند. در عین حال، ۴۱/۶ درصد از پاسخگویان، از نامناسب بودن تجهیزات و امکانات تفریحی سخن گفته‌اند. ضمن آنکه ۴۱/۷ درصد از گردشگران، از مناسب بودن تجهیزات و امکانات تفریحی سخن رانده‌اند. از سوی دیگر ۳۳/۶ درصد از پاسخگویان نیز بر خوب و خیلی خوب بودن میزان نیروهای متخصص و آموزش دیده در مناطق روستایی مریوان به عنوان راهنمای تور تأکید داشته‌اند. ۴۱/۷ درصد از آنها نیز از فقدان نیروهای متخصص و آموزش دیده در مناطق روستایی مریوان به عنوان راهنمای تور سخن گفته‌اند. مناسب بودن زیرساخت‌های محیطی و کالبدی از جمله موضوعاتی است که ۵۰/۴ درصد از پاسخگویان، وضعیت آن را ضعیف و خیلی ضعیف دانسته‌اند و ۳۸/۶ درصد دیگر خوب و خیلی خوب، ارزیابی نموده‌اند. در عین حال، ۵۳ درصد از پاسخگویان نیز سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بخش دولتی در زمینه توسعه گردشگری را ضعیف و خیلی ضعیف دانسته‌اند. ضمن آنکه ۳۵/۷ درصد از آنها از خوب و خیلی بودن میزان سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بخش دولتی در زمینه توسعه گردشگری سخن گفته‌اند. ۳۹/۷ درصد از

پاسخگویان بر این باورند که تعارض‌ها و تناقضهای فرهنگی گردشگران و روستاییان، زیاد و خیلی زیاد بوده است. ۳۳/۳ درصد از آنها این وضعیت را کم و خیلی کم دانسته‌اند. از سوی دیگر، ۴۷/۳ درصد از پاسخگویان، آشنایی روستاییان و آموزش کم آنها در زمینه نحوه برخورد مناسب با گردشگران را ضعیف و خیلی ضعیف دانسته‌اند و در مقابل، ۳۶/۷ درصد نیز خوب و خیلی خوب ارزیابی نموده‌اند.

بنابراین طبق جدول بالا، ۶۲/۷ درصد از پاسخگویان نیز چشم اندازهای زیبا و منحصر به فرد طبیعی را خیلی خوب ارزیابی نموده‌اند. ۵۴/۷ درصد از گردشگران، وجود ارتفاعات و قله مرتفع جهت انجام ورزش و تفریح

(کوهنوردی و غیره) را خیلی خوب دانسته‌اند. از سوی دیگر ۴۹/۷ درصد از پاسخگویان نیز خیلی خوب بودن وضعیت دسترسی آسان به نواحی گردشگری پذیر در روستاها تأکید داشته‌اند. ۴۷/۷ درصد از آنها نیز از ضعیف بودن وضعیت نزدیکی به پایانه‌های حمل مسافر گفته‌اند. وجود آداب و رسوم و سنن محلی روستاییان از جمله موضوعاتی است که ۵۳ درصد از گردشگران، وضعیت آن را خوب و خیلی خوب دانسته‌اند. در عین حال، ۵۸ درصد از پاسخگویان نیز، وجود صنایع دستی کم نظیر و بی بدیل در روستاهای منطقه، را نامناسب دانسته‌اند.

۵۰/۳ درصد از پاسخگویان بر این باورند که وجود بازار

جدول ۵. توزیع فراوانی ارزیابی پاسخگویان از نقاط ضعف و موانع توسعه گردشگری روستاهای مورد مطالعه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	گویه‌ها	طیف				
		خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف
۱	نامناسب بودن تجهیزات و امکانات رفاهی و اقامتی	۱۹/۳	۱۱/۳	۲۲/۳	۳۰	۱۷
۲	نامناسب بودن امکانات بهداشتی و درمانی	۱۱/۳	۲۲	۱۹	۲۷/۳	۲۰/۳
۳	عدم تمایل مردم به منظور سرمایه‌گذاری در توسعه گردشگری	۱۹/۳	۲۰	۳۲/۷	۱۴	۱۴
۴	نامناسب بودن تجهیزات و امکانات تفریحی	۱۶/۷	۲۵	۱۶/۷	۲۷/۳	۱۴/۳
۵	فقدان نیروهای متخصص و آموزش دیده در مناطق روستایی مریوان به عنوان راهنمای تور	۲۲/۳	۱۱/۳	۲۴/۷	۲۰	۲۱/۷
۶	نامناسب بودن زیرساختهای محیطی و کالبدی (جاده‌ها و فاضلاب روستایی)	۱۶/۳	۲۲/۳	۱۱	۲۲/۷	۲۷/۷
۷	فقدان سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بخش دولتی در زمینه توسعه گردشگری	۱۹/۷	۳۳/۳	۱۱/۳	۱۱	۲۴/۷
۸	تعارض‌ها و تناقضهای فرهنگی گردشگران و روستاییان	۱۴/۷	۲۵	۲۷	۲۲/۳	۱۱
۹	فقدان آشنایی روستاییان و آموزش کم آنها در زمینه نحوه برخورد مناسب با گردشگران	۵/۷	۳۱	۲۰	۲۷/۳	۱۶

جدول ۶. توزیع فراوانی ارزیابی پاسخگویان از پتانسیل، توانایی و نقاط قوت توسعه روستاهای مورد مطالعه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	گویه‌ها	طیف				
		خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف
۱	چشم اندازهای زیبا و منحصر به فرد طبیعی	۶۲/۷	۱۳/۷	۹	۸/۷	۶
۲	وجود ارتفاعات و قله مرتفع جهت انجام ورزش و تفریح (کوهنوردی و ...)	۵۴/۷	۲۷/۳	۶	۶	۶
۳	دسترسی آسان به نواحی گردشگری پذیر در روستاها	۳۹/۷	۳۱/۳	۱۱	۲/۷	۵/۳
۴	نزدیکی به پایانه‌های حمل مسافر	۵/۳	۵/۷	۳۶	۴۷/۷	۵/۳
۵	وجود آداب و رسوم و سنن محلی روستاییان	۳۸/۷	۲۴/۳	۱۹/۳	۸/۷	۹
۶	وجود صنایع دستی کم نظیر و بی بدیل در روستاهای منطقه	۶	۱۴	۲۲	۳۸/۳	۱۹/۷
۷	وجود بازار مناسب برای خرید محصولات وارداتی	۲/۷	۲۴/۷	۲۲/۳	۱۹/۳	۳۱
۸	وجود بازار مناسب برای فروش محصولات کشاورزی	۱۱	۲۲	۳۳/۳	۲۵	۸/۷

جدول ۷. توزیع فراوانی ارزیابی پاسخگویان از فرصتهای توسعه گردشگری روستایی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	گویه‌ها	طیف			
		خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
۱	افزایش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در توسعه گردشگری منطقه	۸	۸	۳۳/۳	۲۵/۳
۲	افزایش توجه مسئولین دولتی به سرمایه‌گذاری و رونق گردشگری منطقه	۱۳/۷	۸/۳	۲۲/۳	۱۷/۷
۳	وجود استانهای پرجمعیت در جوار مناطق روستایی مریوان	۸	۱۳/۷	۲۹/۷	۴۰
۴	علاقه و انگیزه بیش از حد مردم استانهای همجوار به گردشگری و مسافرت به این منطقه با توجه به وجود بازار کالاهای وارداتی در این منطقه	۳۸/۷	۲۱/۷	۱۱/۷	۲۲
۵	نزدیکی به کردستان عراق و روابط مرزی با این منطقه	۴۶/۷	۲۲	۱۹/۳	۶
۶	وجود جاذبه‌های گردشگری زیاد در این منطقه در مقایسه با سایر شهرستانهای استان	۴۰/۷	۳۶/۳	۱۱/۳	۵/۷

از پاسخگویان نیز افزایش توجه مسئولین دولتی به سرمایه‌گذاری و رونق گردشگری منطقه را ضعیف و خیلی ضعیف ارزیابی نموده‌اند. در عین حال، ۴۸/۷ درصد از گردشگران، وجود استانهای پرجمعیت در جوار مناطق روستایی مریوان را ضعیف و خیلی ضعیف دانسته‌اند. ضمن آنکه ۲۹/۷ درصد از گردشگران، از وجود استانهای پرجمعیت در جوار مناطق روستایی مریوان سخن رانده‌اند. از سوی دیگر ۶۰/۷ درصد از پاسخگویان نیز بر خوب و خیلی خوب بودن علاقه و انگیزه بیش از حد مردم استانهای همجوار به گردشگری و مسافرت به این منطقه با توجه به وجود بازار کالاهای وارداتی در این

مناسب برای خرید محصولات وارداتی ضعیف و خیلی ضعیف بوده است. در عین حال، ۲۷/۴ درصد نیز، از خوب و خیلی خوب بودن وضعیت وجود بازار مناسب برای خرید محصولات وارداتی گفته‌اند. از سوی دیگر، ۳۳ درصد از پاسخگویان، وضعیت وجود بازار مناسب برای فروش محصولات کشاورزی را خوب و خیلی خوب دانسته‌اند و در مقابل، ۳۳/۳ درصد نیز متوسط ارزیابی نموده‌اند. طبق جدول ۷، ۵۰ درصد از پاسخگویان نیز، از نامناسب بودن افزایش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در توسعه گردشگری منطقه سخن گفته‌اند. ۵۵/۷ درصد



جدول ۸. توزیع فراوانی ارزیابی پاسخگویان از تهدیدات فراوری توسعه گردشگری روستایی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	گویه‌ها	طیف			
		خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
۱	مشکلات متعدد در گرفتن مجوز برای توسعه گردشگری در این منطقه	۱۶/۷	۲۷/۷	۲۷/۷	۱۱/۳
۲	امکانات زیاد مناطق رقیب به منظور جذب گردشگری (شهر سنندج و کرمانشاه)	۸	۲۲/۳	۴۷	۱۴/۳
۳	وجود راههای ارتباطی بهتر مناطق رقیب (شهر سنندج و کرمانشاه) در مقایسه با این منطقه	۸	۱۴	۲۲/۷	۴۲
۴	وجود امکانات بهتر و مطلوب تر مناطق رقیب (شهر سنندج و کرمانشاه) در مقایسه با این منطقه	۱۰/۷	۸/۳	۲۸/۷	۳۳
۵	افزایش تخلفات با ورود گردشگران به این منطقه	۱۹/۳	۲۴/۳	۲۸	۱۴/۳
۶	از بین رفتن پوشش گیاهی منطقه با توجه به اهمیت ندادن گردشگران به حفظ و نگهداشت این منطقه	۲۵	۲۲/۳	۲۸	۱۶/۷
۷	در معرض خطر قرار گرفتن فرهنگ سنتی و محلی با ورود گردشگران به منطقه	۲۲	۳۰/۷	۲۲/۳	۱۹/۳

منطقه تأکید داشته‌اند. ۲۷/۷ درصد از آنها نیز از ضعیف و خیلی ضعیف بودن علاقه و انگیزه بیش از حد مردم استانهای همجوار به گردشگری و مسافرت به این منطقه با توجه به وجود بازار کالاهای وارداتی در این منطقه سخن گفته‌اند. نزدیکی به کردستان عراق و روابط مرزی با این منطقه از جمله موضوعاتی است که ۶۸/۷ درصد از کارشناسان، وضعیت آن را خوب و خیلی خوب دانسته‌اند و ۱۹/۳ درصد دیگر ضعیف و خیلی ضعیف، ارزیابی نموده‌اند. در عین حال، ۷۷ درصد از پاسخگویان نیز، وجود جاذبه‌های گردشگری زیاد در این منطقه در مقایسه با سایر شهرستانهای استان، را خوب و خیلی خوب دانسته‌اند.

طبق جدول ۸، ۴۳/۴ درصد از پاسخگویان بر این باورند که مشکلات متعدد در گرفتن مجوز برای توسعه گردشگری در این منطقه، کم و خیلی کم بوده است. ۲۸ درصد از آنها این وضعیت را ضعیف و خیلی ضعیف دانسته‌اند. از سوی دیگر، ۴۷ درصد از پاسخگویان، امکانات زیاد مناطق رقیب به منظور جذب گردشگری (شهر سنندج و کرمانشاه) را متوسط دانسته‌اند و در مقابل، ۳۰/۳ درصد نیز از کم بودن امکانات زیاد مناطق رقیب به منظور جذب گردشگری (شهر سنندج و کرمانشاه) سخن گفته‌اند. ۵۶/۳ درصد از پاسخگویان نیز وجود راههای ارتباطی بهتر مناطق رقیب (شهر سنندج و کرمانشاه) در مقایسه با این منطقه را ضعیف و خیلی ضعیف ارزیابی نموده‌اند. ۲۲/۷ درصد نیز، وجود راههای ارتباطی بهتر مناطق رقیب (شهر سنندج و کرمانشاه) در مقایسه با این منطقه را متوسط دانسته‌اند.

از سوی دیگر، ۴۹ درصد از پاسخگویان نیز بر ضعیف و خیلی ضعیف بودن وجود امکانات بهتر و مطلوب تر مناطق رقیب (شهر سنندج و کرمانشاه) در مقایسه با این منطقه تأکید داشته‌اند. ۴۳/۶ درصد از آنها نیز از خوب و خیلی خوب بودن افزایش تخلفات با ورود گردشگران به این منطقه گفته‌اند. از بین رفتن پوشش گیاهی منطقه با توجه به اهمیت ندادن گردشگران به حفظ و نگهداشت این منطقه از جمله موضوعاتی است که ۴۷/۳ درصد از گردشگران، وضعیت آن را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند و ۲۸ درصد دیگر متوسط، ارزیابی نموده‌اند. در عین حال،

۵۲/۷ درصد از پاسخگویان نیز، در معرض خطر قرار گرفتن فرهنگ سنتی و محلی با ورود گردشگران به منطقه، را نامناسب دانسته‌اند. ضمن آنکه ۲۵ درصد از آنها از ضعیف و خیلی ضعیف در معرض خطر قرار گرفتن فرهنگ سنتی و محلی با ورود گردشگران به منطقه سخن گفته‌اند.

آزمون فرضیه: با استناد به نتایج جدول بین وجود امکانات و زیرساختهای گردشگری و توسعه روستایی $t = ۰/۵۳$ و $sig = ۰/۰۱$ ، همبستگی و رابطه مثبت و معنی داری با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد؛ وجود دارد. از این رو، فرض H_1 تحقیق مبنی بر وجود امکانات و زیرساختهای گردشگری و توسعه روستایی تایید شده و در مقابل فرض H_0 تحقیق مبنی بر عدم ارتباط بین وجود امکانات و زیرساختهای گردشگری و توسعه روستایی، رد می‌شود. در نتیجه، متغیر وجود امکانات و زیرساختهای گردشگری و توسعه روستایی به یکدیگر مرتبط بوده و هرگونه تغییر در یکی با تغییر در دیگری، همراه می‌باشد. بنابراین هر اندازه که امکانات و زیرساختهای صنعت گردشگری، توسعه کمی و کیفی یابد به همان میزان، توسعه روستایی نیز؛ تقویت می‌گردد و بالعکس.

تجزیه و تحلیل SWOT در جهت توسعه گردشگری در نواحی روستایی شهرستان مریوان
عوامل موثر داخلی بر گردشگری در ناحیه مورد مطالعه

هدف این مرحله سنجش محیط داخلی ناحیه مورد مطالعه جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت، یعنی جنبه هایی که در راه دستیابی به اهداف برنامه ریزی و اجرای تکلیف‌های آن مساعد یا بازدارنده است، می‌باشد. در این قسمت به مقوله استراتژیهای موجود، عملکردها و منابع مورد توجه و بررسی قرار گرفته و تحت عنوان نقاط قوت و نقاط ضعف و در چهارچوب ابعاد توسعه روستایی (اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، اکولوژیکی و نهادی) به شرح زیر تقسیم بندی شده است:



جدول ۹. نقاط قوت و نقاط ضعف محدوده مورد مطالعه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ملاحظات	نقاط قوت (Strengths)	نقاط ضعف (Weaknesses)
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> ○ مستعد بودن و آماده بودن منطقه جهت سرمایه گذاری و برنامه ریزی توریسم در جهت استفاده از منابع طبیعی و انسانی و معرفی آن به عنوان قطب مهم گردشگری روستایی؛ ○ وجودمیوه های سردسیری، محصولات کشاورزی و بازار مناسب برای فروش این محصولات کشاورزی و صنایع دستی به گردشگران؛ 	<ul style="list-style-type: none"> ○ عدم تمایل مردم منطقه جهت سرمایه گذاری در بخش گردشگری به دلایل مختلف از جمله افزایش سوداگری زمین و خرید و فروش اراضی، عدم آشنایی به صنعت توریسم و غیره؛ ○ فقدان برنامه ریزی و سرمایه گذاری های دولتی در این ناحیه؛
اجتماعی، فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> ○ وجود وضعیت بالای آگاهی و سواد در بین مردم روستا و حس همکاری و مشارکت در بین روستائیان این منطقه؛ ○ وجود آداب و رسوم، فرهنگ محلی و سنتی و نیز مکانهای تاریخی و دیدنی که بعضاً از گذشته به جای مانده اند. 	<ul style="list-style-type: none"> ○ نامناسب بودن و عدم کفایت تسهیلات بهداشتی و خدماتی؛ ○ نامناسب بودن و ناکافی بودن تسهیلات و تجهیزات اقامتی و رفاهی؛ ○ فقدان نیروهای متخصص و آموزش دیده در این نواحی؛ ○ توزیع نامناسب گردشگران در فصول مختلف سال (تراکم کم در زمستان)؛ ○ تعارض و تفاوت میان فرهنگ گردشگران و مردم روستاها ○ گرایش غالب مردم به استفاده اختصاصی از فضای روستایی در غالب ویلا و باغهای خصوصی
اکولوژیکی	<ul style="list-style-type: none"> ○ وجود چشم اندازهای زیبا و منحصر به فرد به همراه فضای سبز و باغات در نواحی روستایی مطالعه شده ○ مجاورت و نزدیکی به مراکز جمعیتی و مراکز شهری ○ وجود ارتفاعات و قله مرتفع جهت انجام ورزشها و تفریحاتی از قبیل اسکی، کوهنوردی، راهپیمایی و اردو زدن و غیره؛ ○ دسترسی آسان و مناسب به این نواحی برای گردشگران ○ وجود دریاچه زریوار، رودخانه ها و چشمه ها و جاذبه های گوناگون آنها در این نواحی ○ داشتن محیط آرام و بدون سرو صدا به خصوص برای شهرنشینان جهت استراحت و تمدد اعصاب و تفریح ○ جاذبه های ورزشی و تفریحی این نواحی (همانند کوهنوردی، شنا و غیره)؛ 	<ul style="list-style-type: none"> ○ نامناسب بودن در زیرساختهای محیطی و کالبدی (همانند جاده ها و فاضلاب) ○ نامناسب بودن تأسیسات و تجهیزات تفریحی و ورزشی
نهادی	<ul style="list-style-type: none"> ○ اعتقاد مسئولان به اشتغالزایی به وسیله گسترش توریسم به عنوان یکی از مهمترین ساز و کارهای مناسب در جهت توسعه روستاها. 	<ul style="list-style-type: none"> ○ عدم آشنایی روستائیان و عدم آموزش آنها در نحوه برخورد با گردشگران



- عوامل موثر خارجی بر گردشگری در ناحیه مورد مطالعه

هدف این مرحله کند و کاو آثار محیط خارجی در ناحیه مورد مطالعه جهت شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهایی است که ناحیه در ارتباط با گسترش توریسم با آن مواجه است. در این راستا باید گفت که فرصت‌ها، مجموعه امکانات و قابلیت‌هایی است که خارج از محیط ناحیه بر عملکرد نواحی توریستی بطور مستقیم یا غیر مستقیم موثر واقع می‌شوند و همچنین تهدیدها نیز مجموعه عوامل خارجی از ناحیه محسوب می‌شوند که در عدم کارایی این نواحی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم دارند. بر اساس مطالعات انجام شده و بررسی وضعیت محیط پیرامون ناحیه مورد مطالعه، مجموعه فرصت‌ها و تهدیدهایی موجود و موثر بر این ناحیه از لحاظ

جدول ۱۰. فرصتها و تهدیدهای محدوده مورد مطالعه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ملاحظات	فرصتها (Opportunities)	تهدیدها (Threats)
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> افزایش توجه دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در بخش گردشگری افزایش انگیزه بخش خصوصی به سرمایه گذاری در این مناطق 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش قیمت زمین و بورس بازی زمین و بالطبع افزایش بار مالی جهت ایجاد تجهیزات و تسهیلات گردشگری و مقرون به صرفه نبودن
اجتماعی، فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> افزایش انگیزه بیشتر برای مسافرت و تفریح در بین مردم شهری و مردم حومه وجود قطب بزرگ جمعیتی کشور در نزدیکی این نواحی از جمله کرمانشاه و سنندج امکان عدم ارائه خدمات و تسهیلات مطلوب به گردشگران در مناطق تفریحی رقیب (اورامان تخت، سروآباد، نگل و غیره) 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش امکانات و خدمات در مناطق تفریحی رقیب (کرمانشاه و سنندج) در مقایسه با این منطقه در آینده افزایش تمایل و انگیزه گردشگران به مسافرت به سایر مناطق تفریحی نزدیک و رقیب تراکم بیش از حد جمعیتی و شلوغ شدن این منطقه در مقایسه با نواحی رقیب در آینده ازدیاد تخلفات اجتماعی با ورود گردشگران در منطقه نسبت به قبل از بین رفتن فرهنگ سنتی و محلی (همانند: آداب و رسوم محلی و نوع پوشاک، معماری و مسکن و ...) با افزایش گردشگران
اکولوژیکی	<ul style="list-style-type: none"> وجود جاذبه های طبیعی و پتانسیل بالای اکوتوریسم 	<ul style="list-style-type: none"> از بین رفتن درختان و پوشش گیاهی و آثار تخریبی آن، تخریب زمینهای کشاورزی و مزارع روستایی آلودگی منابع آب، خاک و اقلیم این منطقه نسبت به نواحی رقیب
نهادی	<ul style="list-style-type: none"> افزایش توجه و حمایت مسؤلان کشور از توسعه روستایی با رویکرد اشتغالزایی و کسب درآمد وجود نهادها و سازمانهای مختلف دولتی و غیر دولتی در مریوان و شهرهای اطراف جهت حمایت و ارائه تسهیلات و خدمات مختلف به روستاها وجود نیروهای متخصص و با تجربه در مجاورت با این مناطق 	<ul style="list-style-type: none"> عدم ارائه مجوز و تسهیلات از سوی دولت جهت گسترش و توسعه خدمات، تجهیزات و تأسیسات گردشگری در این نواحی



گردشگری در غالب ابعاد توسعه روستایی (اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، اکولوژیکی و نهادی) مورد توجه و بررسی قرار گرفته اند عبارتند از:

– تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها

از بین مجموعه عوامل و معیارهای SWOT که در بالا بیان گردید، جهت تهیه و آماده نمودن پرسشنامه پاسخگویان استفاده شده و جهت وزن دهی و اولویت سنجی در بین آنان توزیع گردید. معیار سنجش و درجه بندی هر یک از عوامل فوق بدین صورت بوده که برای هر عامل در یک دامنه ایی از (۱) تا (۵) درجه بندی شده که (۱) به معنای داشتن اهمیت خیلی ضعیف و (۲) به معنای اهمیت ضعیف و (۳) به معنای اهمیت متوسط و (۴) به معنای اهمیت خوب و (۵) به معنای داشتن اهمیت خیلی خوب آن عامل در توسعه گردشگری در منطقه می باشد، سپس اطلاعات و داده های گردآوری شده بر حسب مجموع

وزنهای بدست آمده، میانگین رتبه ایی این وزنها و وزن نسبی آنها مورد تجزیه و تحلیل و محاسبه قرار گرفته و به منظور درجه بندی و اولویت سنجی در درون دسته ها و گروه های مختلف SWOT بکار گرفته شده است، در اینجا لازم به ذکر است که در این مطالعه، موضوعات در چهار دسته عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، اکولوژیکی و نهادی مورد بررسی قرار گرفته و هر کدام از نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها مبتنی بر چهار عامل مذکور و پنج درجه شدت (خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف) مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته اند و از این روند و طرز کار درجه بندی در سراسر تحقیق استفاده شده است. هدف دیگر این تحلیل، بررسی آثار محیط خارجی در ناحیه مطالعه شده جهت شناسایی فرصتها و تهدیدهایی است که ناحیه در ارتباط با گسترش گردشگری با آن مواجه است. بنابراین بر اساس مطالعات انجام شده و بررسی وضعیت محیط پیرامون ناحیه مطالعه شده،



شکل ۳. ماتریس SWOT (عوامل اصلی تاثیر گذار بر توریسم روستایی در محدوده مورد مطالعه): ماخذ: یافته‌های تحقیق.



قوت و فرصت در برابر تعداد نقاط ضعف و تهدید شناسایی شده، سعی شده تا بوسیله پرسشنامه این موارد بعنوان مزیتها و محدودیت‌های عمده ناحیه جهت اولویت بندی گزینه‌ها از دیدگاه پاسخگویان بررسی گردد تا علاوه بر مشارکتی نمودن این روش بتوان نتیجه را بصورت کمی درآورد و بالطبع بتوان نتایج منطقی‌تر و اصولی‌تری را بدست آورد. بنابراین با توجه به نظرات ارائه شده و محاسبات انجام شده بر روی این نظرات به منظور اولویت بندی آنها اقدام به تشکیل جدول ۱۱ گردید که بیانگر مجموع وزنه‌های داده شده، میانگین رتبه ایی و وزن نسبی هر یک از نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها از دیدگاه مسئولان می‌باشد.

بنابراین با توجه به جدول ۱۱ در زیر به بررسی و تحلیل هر یک از نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدیدها از نقطه نظر پاسخگویان در این تحقیق پرداخته می‌شود: تحلیل SWOT نشان می‌دهد که از نظر مسئولان مولفه چشم اندازهای زیبا به همراه فضای سبز و باغات با

مجموعه فرصتها و تهدیدهای موجود و مؤثر بر این ناحیه از لحاظ گردشگری در غالب ابعاد توسعه روستایی (اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، اکولوژیکی و نهادی) مورد توجه و بررسی قرار گرفته که در شکل ذیل آمده است. همانطوریکه در شکل ۳ نشان داده شده است، در نواحی روستایی مورد مطالعه تعداد ۹ قوت داخلی در برابر ۱۱ نقطه ضعف داخلی و تعداد ۷ فرصت خارجی در برابر ۱۱ تهدید خارجی مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب در مجموع تعداد ۱۶ نقطه قوت و فرصت بعنوان مزیتها و ۲۰ ضعف و تهدید به عنوان محدودیتها و تنگناهای پیش روی روستاهای این ناحیه جهت گسترش توریسم قابل شناسایی است. لذا در یک جمع‌بندی و تحلیل ساده می‌توان گفت که آستانه آسیب پذیری این نواحی بسیار بالا بوده و نیازمند بازنگری و ارائه سیاست‌های مناسب در جهت رفع ضعفها و تهدیدها با استفاده از نقاط قوت و فرصتها می‌باشند. ولی در اینجا علاوه بر نکات فوق، یعنی علاوه بر بررسی تعداد نقاط

جدول ۱۱. ماتریس تحلیل شتجذ (رتبه بندی و ولویت سنجی نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها)؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

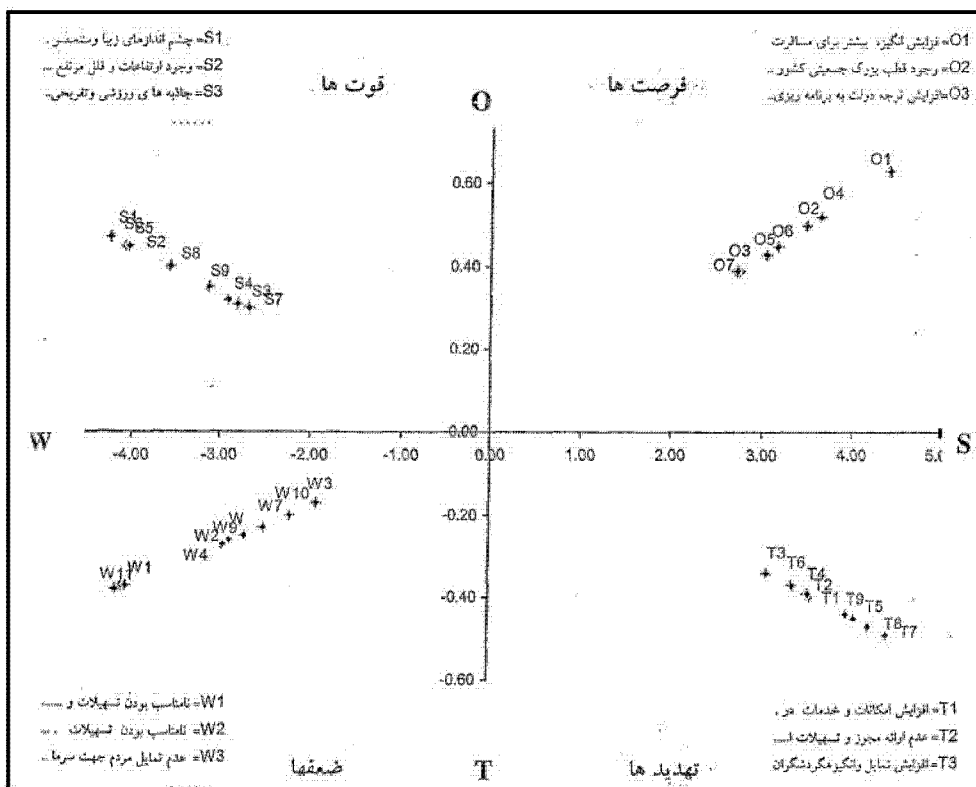
رتبه	وزن نسبی	میانگین وزن ها	مجموع وزن ها	تحلیل SWOT
قوتها (S)				
۱	۰/۴۷	۴/۲۴	۱۰۶	S۱ = چشم اندازهای زیبا و منحصر به فرد
۳	۰/۴۵	۴/۰۸	۱۰۲	S۲ = وجود ارتفاعات و قله مرتفع جهت کوهنوردی و ...
۸	۰/۳۱	۲/۸۱	۸۹	S۳ = جاذبه های ورزشی و تفریحی این نواحی
۷	۰/۳۲	۲/۹۱	۶۷	S۴ = دسترسی آسان و مناسب به این نواحی
۴	۰/۴۵	۴/۰۴	۱۰۱	S۵ = نزدیکی به شهر سئندج و کرمانشاه
۲	۰/۴۷	۴/۲۳	۱۰۲	S۶ = وجود دریاچه زریوار، آبشارها و جاذبه های گوناگون
۹	۰/۳۰	۲/۶۸	۸۹	S۷ = وجود آداب و رسوم و فرهنگ محلی
۵	۰/۴۰	۳/۳۷	۸۲	S۸ = داشتن محیط آرام و بدون سرو صدا
۶	۰/۳۵	۳/۱۳	۷۵	S۹ = وجود بازار مناسب برای فروش
ضعفها (W)				
۲	۰/۳۵	۴/۰۹	۹۴	W۱ = نامناسب بودن تسهیلات و تجهیزات اقامتی
۷	۰/۲۶	۲/۸۸	۷۲	W۲ = نامناسب بودن تسهیلات بهداشتی و خدماتی
۸	۰/۲۵	۲/۷۱	۶۵	W۳ = عدم تمایل مردم جهت سرمایه گذاری
۴	۰/۲۷	۲/۹۶	۶۸	W۴ = نامناسب بودن تأسیسات و تجهیزات تفریحی
۱	۰/۳۸	۴/۱۶	۱۰۴	W۵ = فقدان نیروهای متخصص و آموزش دیده
۳	۰/۳۷	۴/۰۴	۹۷	W۶ = توزیع نامناسب گردشگران در فصول مختلف سال
۹	۰/۲۳	۲/۵۰	۶۰	W۷ = نامناسب بودن زیرساختهای محیطی
۶	۰/۲۶	۲/۸۸	۷۲	W۸ = عدم وجود برنامه ریزی و سرمایه گذاریهای
۵	۰/۲۷	۲/۹۵	۶۵	W۹ = تعارض میان فرهنگ گردشگران و مردم روستا
۱۰	۰/۲۰	۲/۰۲	۵۵	W۱۰ = عدم آشنایی روستاییان و عدم آگاهی آنها
۱۱	۰/۱۷	۱/۹۲	۴۸	W۱۱ = گرایش غالب مردم به استفاده اختصاصی
فرصتها (O)				
۱	۰/۶۳	۴/۴۰	۱۱۰	O۱ = افزایش انگیزه بیشتر برای مسافرت و تفریح
۳	۰/۵۰	۳/۴۸	۸۷	O۲ = وجود قطب بزرگ جمعیتی کشور در نزدیکی
۴	۰/۴۵	۳/۱۶	۷۹	O۳ = افزایش توجه دولت به برنامه ریزی و سرمایه گذاری
۲	۰/۵۲	۳/۶۴	۹۱	O۴ = افزایش انگیزه بخش خصوصی به سرمایه گذاری
۵	۰/۴۳	۳/۰۴	۷۶	O۵ = وجود نیروهای متخصص و باتجربه
۶	۰/۳۹	۲/۷۵	۶۸	O۶ = وجود نهادها و سازمانهای دولتی و غیردولتی
۷	۰/۳۹	۲/۷۲	۶۶	O۷ = عدم ارائه خدمات و تسهیلات مطلوب
تهدیدها (T)				
۵	۰/۴۰	۳/۵۶	۸۹	T۱ = افزایش امکانات و خدمات در مناطق تفریحی
۶	۰/۳۹	۳/۵۲	۸۸	T۲ = عدم ارائه مجوز و تسهیلات از سوی دولت
۹	۰/۳۴	۳/۰۸	۷۷	T۳ = افزایش تمایل و انگیزه گردشگران به مسافرت
۷	۰/۳۹	۳/۵۴	۸۵	T۴ = تراکم بیش از حد جمعیتی و شلوغ شدن
۳	۰/۴۵	۴/۰۵	۸۹	T۵ = آلودگی منابع آب، خاک و اقلیم این نواحی
۸	۰/۳۷	۳/۳۰	۷۴	T۶ = ازدیاد تخلفات اجتماعی با ورود گردشگران
۱	۰/۴۹	۴/۴۳	۱۰۲	T۷ = از بین رفتن درختان و پوشش گیاهی
۲	۰/۴۷	۴/۲۲	۹۷	T۸ = تخریب زمینهای کشاورزی و مزارع روستایی
۴	۰/۴۴	۳/۹۶	۹۵	T۹ = از بین رفتن فرهنگ سنت و محلی



در مورد نقاط ضعف داخلی پاسخگویان بر این عقیده بودند که مولفه عدم وجود نیروی متخصص با میانگین رتبه ایی ۴/۱۶ و وزن نسبی ۰/۳۸ بعنوان مهمترین ضعف داخلی و مولفه نامناسب بودن تجهیزات و تسهیلات اقامتی و رفاهی با میانگین رتبه ایی ۴/۰۹ و وزن نسبی ۰/۳۵ در رتبه بعدی قرار دارد، همچنین مولفه گرایش غالب مردم به استفاده از باغات و مزارع به صورت خصوصی در این نواحی با میانگین رتبه ایی ۱/۹۲ و وزن نسبی ۰/۱۷ کمترین اولویت را در میان نقاط ضعف جهت توسعه توریسم دارد. علاوه بر این، از این دیدگاه از بین رفتن درختان و پوشش گیاهی و آثار تخریبی آن با میانگین رتبه ایی ۴/۴۳ بعنوان مهمترین تهدید خارجی و افزایش تمایل و انگیزه گردشگران به مسافرت با سایر نواحی رقیب را با میانگین رتبه ایی ۳/۰۸ و وزن نسبی ۰/۳۴ بعنوان کم اهمیت ترین تهدید بیرونی جهت گسترش و توسعه توریسم مطرح است.

نمودار نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای مذکور را از دیدگاه پاسخگویان نشان می دهد، این نمودار که بر

میانگین رتبه ایی ۲/۲۴ و وزن نسبی ۰/۴۷ بعنوان مهمترین نقطه قوت داخلی و پس از آن مولفه وجود دریاچه زریوار و جاذبه های گوناگون آن با میانگین رتبه ایی ۴/۲۳ و وزن نسبی ۰/۴۷ در اهمیت بعدی در توسعه توریسم روستایی قرار دارد، در مقابل وجود فرهنگ سنتی و محلی با میانگین رتبه ایی ۲/۶۸ و وزن نسبی ۰/۳۰ بعنوان کم اهمیت ترین نقطه قوت داخلی در توسعه و گسترش توریسم در این نواحی می باشد. همچنین از نظر پاسخگویان مولفه افزایش انگیزه بیشتر برای مسافرت در بین مردم با میانگین رتبه ایی ۴/۴۰ و وزن نسبی ۰/۶۳ بعنوان مهمترین فرصت بیرونی و بعد از آن افزایش انگیزه بخش خصوصی به سرمایه گذاری با میانگین رتبه ایی ۳/۶۴ و وزن نسبی ۰/۵۲ در اولویت دوم قرار دارد، در حالیکه مولفه عدم ارائه خدمات و تسهیلات مطلوب در نواحی رقیب در مقایسه با این نواحی با میانگین رتبه ایی ۲/۷۲ و وزن نسبی ۰/۳۹ بعنوان کم اهمیت ترین فرصت بیرونی در جهت توسعه توریسم می باشد.



نمودار ۱. تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها جهت توسعه توریسم از دیدگاه مسئولان و متخصصان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

اساس میانگین رتبه ایی و وزن نسبی مولفه‌ها تنظیم یافته، نشان دهنده این است که مولفه‌هایی که در ربع اول و ربع دوم محور مختصات (فرصتها و قوتها) قرار گرفته‌اند، اکثریت آنها وزن نسبی بیشتر از ۰/۳ دارند که این نشان می‌دهد که مولفه‌های انتخابی از وضعیت خوب و پایداری برخوردارند و آنهاییکه دارای وزن نسبی بین ۰/۰۰ تا ۰/۳ هستند برای مثال در نقاط قوت وجود آداب و رسوم محلی (S7) و امکانات و خدمات ورزشی و تفریحی (S3) وضعیت نامطلوبی دارند و باید بهبود و ارتقاء یابند. با توجه به همین نمودار مولفه‌هایی که در ربع سوم و چهارم محور مختصات (ضعفها و تهدیدات) قرار گرفته‌اند نشان می‌دهد که اغلب این مولفه از شرایط بسیار نامطلوبی برخوردارند. در این میان مولفه‌هایی که

وزن بین ۰/۰۰ تا ۰/۳۰- قرار دارند دارای وضعیت نامطلوبی هستند و می‌بایست بهبود و ارتقاء داده شوند و مولفه‌هایی که وزن نسبی بالاتر از ۰/۳۰- دارند وضعیت بسیار نامطلوبی دارند که باید جایگزین شوند.

— جمع‌بندی و ارائه اولویت‌های نهایی از تحلیل SWOT با توجه به نتایج حاصله از ماتریس SWOT و نتایج ارائه شده در نمودار بالا اقدام به تشکیل جدول شماره ۰-اگر دید که این جدول بیانگر اولویت بندی و رتبه بندی هر کدام از شاخصها از دیدگاه مسئولان و متخصصان است.

— جمع بندی و نتیجه گیری نتایج کمی و کیفی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل عاملی

جدول ۱۲. اولویت بندی نهایی عوامل موثر (نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها) در توسعه توریسم از دیدگاه مسئولان و متخصصان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

رتبه	اولویت بندی نقاط ضعف (W)	رتبه	اولویت بندی نقاط قوت (S)
۱	فقدان نیروهای متخصص و آموزش دیده	۱	چشم اندازهای زیبا و منحصر به فرد
۲	نامناسب بودن تسهیلات و تجهیزات اقامتی	۲	وجود دریاچه زریوار و جاذبه های گوناگون
۳	توزیع نامناسب گردشگران در فصول مختلف سال	۳	وجود ارتفاعات و قله مرتفع جهت کوهنوردی
۴	نامناسب بودن تأسیسات و تجهیزات تفریحی	۴	نزدیکی به شهر سنندج و کرمانشاه
۵	تعارض میان فرهنگ گردشگران و مردم روستا	۵	داشتن محیط آرام و بدون سرو صدا
۶	عدم وجود برنامه ریزی و سرمایه گذاریهای	۶	وجود بازار مناسب برای فروش
۷	نامناسب بودن تسهیلات بهداشتی و خدماتی	۷	دسترسی آسان و مناسب به این نواحی
۸	عدم تمایل مردم جهت سرمایه گذاری	۸	جاذبه های ورزشی و تفریحی این نواحی
۹	نامناسب بودن زیرساختهای محیطی	۹	وجود آداب و رسوم و فرهنگ محلی
۱۰	عدم آشنایی روستاییان و عدم آگاهی آنها		
۱۱	گرایش غالب مردم به استفاده اختصاصی		
رتبه	اولویت بندی تهدیدها (T)	رتبه	اولویت بندی فرصتها (O)
۱	از بین رفتن درختان و پوشش گیاهی	۱	افزایش انگیزه بیشتر برای مسافرت و تفریح
۲	تخریب زمینهای کشاورزی و مزارع روستایی	۲	افزایش انگیزه بخش خصوصی به سرمایه گذاری
۳	آلودگی منابع آب، خاک و اقلیم این نواحی	۳	وجود قطب بزرگ جمعیتی کشور در نزدیکی
۴	از بین رفتن فرهنگ سنت و محلی	۴	افزایش توجه دولت به برنامه ریزی و سرمایه غذا
۵	افزایش امکانات و خدمات در مناطق تفریحی	۵	وجود نیروهای متخصص و باتجربه
۶	عدم ارائه مجوز و تسهیلات از سوی دولت	۶	وجود نهادها و سازمانهای دولتی و غیردولتی
۷	تراکم بیش از حد جمعیتی و شلوغ شدن	۷	عدم ارائه خدمات و تسهیلات مطلوب
۸	ازدیاد تخلفات اجتماعی با ورود گردشگران		
۹	افزایش تمایل و انگیزه گردشگران به مسافرت		



اکتشافی و آزمون ناپارامتریک فریدمن با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از آن است که مجموع ۳۰ گویه تحقیق حاضر ۵ عامل با عناوین عامل اول: زیرساختهای مناسب گردشگری و وجود برنامه ریزی بخش دولتی و عامل دوم: جاذبه‌های گردشگری به دلیل همجواری و صنایع فرهنگی منطقه، عامل سوم: جاذبه‌های طبیعی و وجود راههای ارتباطی بومی، عامل چهارم: بازاریابی محصولات تولیدی و وجود مراکز حمل و نقل کالا و عامل پنجم: آموزش روستاییان بومی در برخورد با گردشگران و کاهش مسائل فرهنگی؛ در مجموع ۶۶/۱ درصد از واریانس کل عوامل و مولفه‌های گردشگری روستایی شهرستان مریوان را تشکیل داده‌اند. آزمون ناپارامتری فریدمن نیز بیانگر آن است که از دیدگاه پاسخگویان: عامل اول زیرساختهای مناسب گردشگری و وجود برنامه ریزی بخش دولتی (۱۷/۴) و عامل دوم: جاذبه‌های گردشگری به دلیل همجواری و صنایع فرهنگی منطقه (۱۵/۳)، عامل سوم: جاذبه‌های طبیعی و وجود راههای ارتباطی بومی (۱۴/۹) بیشترین میانگین را به لحاظ تأثیرپذیری بر نقش گردشگری در توسعه روستایی شهرستان مریوان داشته و در مقابل کمترین میانگین نیز مربوط به عامل چهارم: بازاریابی محصولات تولیدی و وجود مراکز حمل و نقل کالا (۱۲/۷) و عامل پنجم: آموزش روستاییان بومی در برخورد با گردشگران و کاهش مسائل فرهنگی (۱۱/۸) بوده است. همچنین نتایج تحلیل SWOT نشان می‌دهد که در نواحی روستایی مورد مطالعه تعداد ۹ نقطه قوت داخلی در برابر ۱۱ نقطه ضعف داخلی و تعداد ۷ فرصت خارجی در برابر ۱۱ تهدید خارجی مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب در مجموع تعداد ۱۶ نقطه قوت و فرصت بعنوان مزیتها و ۲۰ ضعف و تهدید به عنوان محدودیتها و تنگناهای پیش روی روستاهای این ناحیه جهت گسترش توریسم قابل شناسایی است، که این نشان می‌دهد که آستانه آسیب‌پذیری این نواحی بسیار بالا بوده و نیازمند بازنگری و ارائه سیاست‌های مناسب در جهت رفع ضعفها و تهدیدها با استفاده از نقاط قوت و فرصتها می‌باشند. همچنین این تحلیل نشان داد که از

نقطه نظر عوامل محیطی داخلی جاذبه‌های اکولوژیکی محدوده مورد مطالعه بیشترین اولویت را در توسعه گردشگری دارد.

با توجه به نتایج و یافته‌های بدست آمده از پژوهش و نتایج SWOT راهبردها و راهکارهای ذیل ارائه شده است:

۱. تأکید بر توسعه گردشگری طبیعی و زیست محیطی (بدلیل وجود پتانسیل بالای طبیعت در جذب گردشگران طبیعی و مزیت نسبی پدیده‌های طبیعی)؛
۲. تمرکز بر فعالیتهای توریستی جهت بهره‌برداری از منابع و جاذبه‌های موجود که در حال حاضر با ظرفیت کمتر مورد استفاده واقع شده است (چشم‌اندازهای طبیعی، ارتفاعات، فضای سبز شهری، توریسم درمانی و ...)

۳. تأکید بر توسعه گردشگری طبیعی و گردشگری بومی به دلیل وجود مزیت‌های نسبی برای توسعه این نوع گردشگری در روستای مطالعه شده؛

۴. استفاده از نیروهای متخصص و با تجربه به منظور ایجاد تشکلهای تعاونی مردمی و همچنین ترویج و آموزش گردشگری از طریق نشست‌ها و جلسه‌های مختلف با مردم روستایی؛

۵. بهبود امکانات و زیرساختهای موجود جهت جلب رضایت‌مندی گردشگران و افزایش کمی گردشگران همراه با استفاده از توان و مشارکت مردم در جهت تأمین خدمات بهینه و فعالیت مرتبط با گردشگری (خدمات اسکان و تغذیه، بهداشت، مخابرات، ارتباطات، ترافیک، خدمات عمومی و غیره)؛

۶. استفاده از توان عموم مردم و تشکلهای در برنامه‌ریزی جهت توسعه زیرساختها و بهره‌برداری از تاسیسات گردشگری و جلب سرمایه و مشارکت بخش خصوصی با توجه به محدودیت منابع و مشکلات مدیریتی؛

منابع و ماخذ

۱. افتخاری، رکن‌الدین، قادری، اسماعیل؛ (۱۳۸۱) نقش گردشگری روستایی، فصلنامه مدرس، دوره ۶، شماره ۲
۲. افتخاری، عبدالرضا، پورطاهری، مهدی؛ (۱۳۹۰) اولویت بندی ظرفیتهای گردشگری روستایی

شهرستان نیر، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۴.

۳. بدری، سید علی؛ (۱۳۸۸) اثرات اقتصادی گردشگری بر نواحی روستایی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره دوازدهم.

۴. پاپ زن، عبدالحمید و همکاران؛ (۱۳۸۹) مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی دوره ۱، شماره ۳.

۵. پاپلی یزدی، محمد حسین، سقایی، مهدی؛ (۱۳۸۶) گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، تهران، انتشارات سمت.

۶. جوان، جعفر، سقایی، مهدی؛ (۱۳۸۳) نقش گردشگری روستایی در توسعه منطقه ای با تاکید بر مدیریت روستایی، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱.

۷. حسونند، اسماعیل؛ (۱۳۹۰) امکان‌سنجی گردشگری روستایی و آثار آن بر توسعه روستایی، فصلنامه توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز زمستان.

۸. خاتون آبادی، سید احمد، راست قلم، مهدی؛ (۱۳۹۰) سنجش ارکان چهارگانه گردشگری روستایی با استفاده از تکنیک SWOT، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۲۵، شماره ۳، پاییز.

۹. دادورخانی، فضیله و همکاران؛ (۱۳۹۰) تحلیل نقش گردشگری در توسعه ویژگی‌های کارآفرینانه و گرایش به کارآفرینی در بین جوانان روستایی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، زمستان.

۱۰. دانش مهر، حسین؛ (۱۳۹۱) بررسی نقش طبیعت گردی و آثار آن در توسعه مناطق روستایی با استفاده از مدل تحلیلی متجذبه، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره سوم، پاییز.

۱۱. رضایی، پژمان؛ (۱۳۸۲) بررسی و مطالعه زمینه‌های گردشگری در نواحی روستایی استان چهارمحال و بختیاری به منظور توسعه روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

۱۲. رضایی، روح اله؛ (۱۳۹۱) واکاوی پیامدهای منفی توسعه گردشگری در مناطق روستایی استان قزوین، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷، بهار.

۱۳. رضوانی، محمدرضا؛ (۱۳۸۳) مقدمه ای بر برنامه

ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، تهران.

۱۴. رضوانی؛ محمدرضا؛ (۱۳۹۰) توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ (۱۳۹۲) ارائه الگوی برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری پایدار روستایی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۱.

۱۶. شریف زاده، ابوالقاسم و مرادنژاد، همایون، توسعه پایدار و توریسم روستایی، ماهنامه اجتماعی اقتصادی جهاد، خرداد و تیر ۱۳۸۱، شماره ۲۵۱-۲۵۰، ص ۵۲.

۱۷. صالحی فرد، محمد، (۱۳۹۰) گردشگری روستایی (مبانی برنامه ریزی و طرح‌های ساختاری)، نشر مشهد، مردییز.

۱۸. ضیایی، محمود و تراب احمدی، مژگان (۱۳۹۱) شناخت صنعت گردشگری با رویکرد سیستمی، تهران، نشر علوم اجتماعی.

۱۹. عبدالمنافی، طاهره، ازکیا، مصطفی؛ (۱۳۹۰) عوامل موثر بر صنعت گردشگری در منطقه روستایی کلاردشت، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱، بهار (پیاپی سیزده).

۲۰. عنابستانی، علی اکبر و همکاران؛ (۱۳۹۱) بررسی آثار اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی از دیدگاه گردشگران و روستاییان، مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی سال دوم، شماره دوم، (پیاپی ۶) پاییز.

۲۱. کریمی، جعفر، محبوب فر، محمد رضا؛ (۱۳۹۱) گردشگری روستایی ایران (جاذبه‌ها، روستاهای شگفت انگیز، برنامه ریزی)، اصفهان، انتشارات ارکان دانش.

۲۲. مافی، عزت الله، سقایی، مهدی؛ (۱۳۸۷) تحلیل بر گردشگری روستایی در پیرامون کلان شهرها، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره دهم، بهار و تابستان.

۲۳. منشی زاده، رحمت الله (۱۳۷۶) جهانگردی، نشر مشعل.

۲۴. مهدوی، داود؛ (۱۳۹۰) ارزیابی پایداری توسعه گردشگری روستایی در ایران، رساله دکتری، تربیت مدرس.

۲۵. مهدوی، داوود؛ (۱۳۸۲) نقش توریسم در توسعه



نواحی روستایی پیرامون شهرها و ارائه مدل استراتژیک،
پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی
روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه
تربیت مدرس

26. Augustin, M., 1998, National Strategies for Rural Tourism Development and Sustainability
27. Goeldner, R. Charles and Ritchie, J.R Brent.2003, TOURISM, Principle,Practices, Philosophies. John wiley & sons, inc. eleventh edition
28. Goldstone, J,and Morris, A,(1999) Farm Accommodation and Agriculture Heritage in Orkney, Research Center of Bornholm,pp,111-120
29. Greffe x 1993, Rural Tourism a Lever for Economic and Social Development, Londo
30. Hall.C. (2004) the geography of tourism and recreation, Rutledge, London
31. Pearce, B,and Markandya(1989) Tourist development. Longman. Sinagapore publisher Ltd
32. Pearce, D. (1999), tourist development, Longman, Harlow



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

به کارگیری شبکه عصبی مصنوعی برای قیمت‌گذاری شناور مجوز طرح ترافیک تهران جهت مدیریت بهینه شهر با هدف کاهش آلودگی هوا

احسان اله اشتهاوردیان* - استادیار گروه مدیریت پروژه و ساخت، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمدعلی فاضلی‌راد - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

Using Artificial Neural Network for float pricing of Tehran traffic tolls to improve urban management focused on decreasing air pollution

Abstract

Air pollution of Tehran is one the main urban concerns of the municipality and daily statistics of this pollution confirm the hazardous and unhealthy state of air contaminants of the city. A temporary tool of relieving air pollution through decreasing traffic jam is to develop traffic zones which their licenses may be sold for yearly, monthly or weekly periods. Currently, the prices are fixed whole throughout the period and this needs to be modified in order to take into account the varying prices in accordance with the varying level of air pollution.

So, this paper suggests a multi-price model for non-annual traffic toll by clustering months based on statistics of air contaminants of Tehran from 1390 to 1392. This clustering by SOM method is based on contaminants such as nitrogen dioxide (NO₂), sulfur dioxide (CO₂), carbon monoxide (CO), ozone (O₃) and suspended particulate matters (PMs). Exploiting this pricing method results in increase of the toll price during periods that level of pollution is high. This leads to decrease of traffic jam in that period which in turn decreases the level of air pollution.

Keywords: Artificial Neural Network (ANN), Clustering, Self-Organizing Map (SOM), Air Pollutant, Pricing

چکیده

آلودگی هوای شهر تهران، از معضلات اصلی این شهر به حساب آمده و آمار روزانه این آلودگی نشان می‌دهد که در بسیاری از شرایط، میزان آلاینده‌های هوای تهران در وضعیت ناسالم یا مخاطره‌آمیز به سر می‌برند. به عنوان ابزاری برای مدیریت شهری تهران، یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقطعی برای جلوگیری از آلودگی هوا به همراه کاهش حجم ترافیک، ایجاد منطقه طرح ترافیک بوده که با فروش مجوز این طرح به صورت سالانه، هفتگی و ماهانه همراه است. از آنجاکه در هر سال، فقط یک قیمت ثابت برای این طرح وجود دارد، ضروری است که این قیمت بر اساس داده‌های آلودگی هوا منعطف شده و واقعیت موجود آلودگی را بر روی خود منعکس کند. از اینرو در این مقاله با خوشه‌بندی ماه‌های سال بر اساس آمار وضعیت آلاینده‌های هوای تهران در سال‌های ۹۰ تا ۹۲، یک مدل چند قیمتی برای طرح ترافیک غیرسالیانه در سال جدید پیشنهاد شده است. این خوشه‌بندی با شبکه عصبی SOM بر اساس آلاینده‌های نیتروژن دی‌اکسید، سولفور دی‌اکسید، کربن مونواکسید، ازن و ذرات معلق در هوا (PM) انجام شده و نتایج آن گردآوری شده است. استفاده از این روش قیمت‌گذاری سبب افزایش قیمت طرح ترافیک در ماه‌هایی که شاخص آلودگی بالاتر است، شده و در نهایت منجر به کاهش حجم ترافیک ورودی به منطقه طرح ترافیک و نهایتاً کاهش آلودگی میشود.

واژگان کلیدی: طرح ترافیک، شبکه عصبی مصنوعی (ANN)، خوشه‌بندی، نگاشت خودسازمان ده (SOM)، آلاینده هوا، قیمت‌گذاری.

۲۰۰۷ در پایتخت سوئد اجرایی شد، علاوه بر بهبود ۲۰ درصدی ترافیک شهری، ۱۰ تا ۱۴ درصد آلودگی را نیز کاهش داده است (آرنولد و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، موضوع طرح ترافیک رابطه تنگاتنگی با آلودگی هوا داشته و دارد؛ چه اینکه با شدت گرفتن آلودگی هوا در فصل سرما، طرح‌های ترافیک از محدوده مرکزی نیز فراتر رفته و گاهی سراسری می‌شود. این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که علت اصلی آلودگی هوا در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران، به ویژه ابرشهری چون تهران، اغلب احتراق سوخت‌های وسایل حمل و نقل است که موجب پراکنده شدن آلودگی در هوا می‌شود (عربان، ۱۳۸۸).

به نظر می‌رسد ارائه یک قیمت یکسان برای مجوز طرح ترافیک غیرسالیانه (هفتگی یا روزانه) طی تمامی طول سال، چندان با معیارهای زیست سازگار نیست. در این مقاله، با دخالت دادن تأثیر آلاینده‌های هوای تهران بر قیمت مجوز طرح ترافیک عملاً بر اساس رویکردی سخت‌گیرانه برای توسعه پایداری زیست محیطی در شهر تهران به مدل‌سازی ریاضی قیمت‌های چندگانه پرداخته شده است. به منظور ارائه هرچه دقیق‌تر این قیمت‌های چندگانه و همچنین با توجه به اینکه قیمت‌ها باید ثبات مشخصی داشته باشند، به خوشه‌بندی داده‌های ماهانه روی آورده شده است.

از آنجا که میزان آلودگی هوا عموماً بر اساس غلظت آلاینده‌هایی نظیر کربن مونواکسید، ازن، نیتروژن دی‌اکسید، سولفور دی‌اکسید و ذرات معلق در هوا (PM) محاسبه می‌شود (چان و جیان، ۲۰۱۳)، لذا در این پژوهش نیز داده‌های گردآوری شده بر اساس آلاینده‌های CO، O₃، NO₂، SO، PM_{۱۰}، PM_{۲٫۵} دسته‌بندی شده است که توسط شرکت کنترل کیفیت هوای تهران جمع‌آوری می‌گردد.

به منظور فرآیند خوشه‌بندی و تحلیل خوشه‌های ایجاد شده در این پژوهش از شبکه عصبی بهره‌گرفته شده است. شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANN)، رویکرد متداولی هستند که برای تخمین و پیش‌بینی و ارزیابی سطوح آلاینده‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، این شبکه‌ها یک روش یادگیری بدون نظارت هستند که با

یکی از چالش‌های مهم شهرهای بزرگ در دنیای امروز، آلودگی‌های زیست محیطی به ویژه تراکم آلاینده‌های هواست. این چالش اگرچه امروز بسیار مورد توجه و بررسی واقع شده است، اما همچنان درگسترش بوده و روزانه گروه‌های مختلفی را با خود درگیر می‌کند. غلظت‌های با آلودگی زیاد، تأثیرات سوء و مرگ زودرس گروه‌های حساس و آسیب‌پذیر جامعه را به دنبال دارد (تیتانن، ۱۹۹۹). از همین روی، آلودگی هوا را می‌توان یک ریسک بزرگ محیط زیستی برای سلامتی افراد در شهرهای توسعه یافته یا در حال توسعه جهان نامید. (چان و جیان، ۲۰۱۳). آلاینده‌های هوا از دو منشأ طبیعی و فعالیت‌های انسانی سرچشمه می‌گیرند. شماری از آلاینده‌های جوی، آلاینده‌های اولیه به شمار می‌روند زیرا مستقیماً از دودکش‌ها، آگروزها و غیره وارد جو می‌شوند و دسته دیگر آلاینده‌های ثانویه نام دارند از برهم‌کنش شیمیایی یک آلاینده اولیه با بعضی از اجزای هوا از قبیل بخار آب و یا آلاینده‌های دیگر ایجاد می‌شوند (اهرنس، ۱۹۹۸).

شلوغی و ازدحام بیش از حد مراکز شهری همراه با آلودگی هوا از پیامدهای مستقیم استفاده از وسائل نقلیه موتوری در شهرهاست. در بلندمدت، تداوم و افزایش شلوغی و ازدحام ترافیک شهرها از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و به ویژه زیست محیطی قابل توجه نیست (عسگری و همکاران، ۱۳۹۱). از این رو، یکی از طرح‌هایی که هم از بُعد سهولت حمل و نقل شهری و هم از بُعد آلودگی هوا قابل تأمل است، طرح ترافیک شهری و محدودیت‌های عبور و مرور خودروها در برخی مناطق شهر است. این در حالی است که در محدوده مرکزی شهر به دلیل تمرکز سازمانها و ادارات دولتی، بازار و کاربری‌های عمده جذب سفر، این مشکلات حادثتر است (حبیبیان و همکاران، ۱۳۹۱).

پرداخت مالیات یا عوارض ورود به مناطق شلوغ مرکزی شهر، یکی از راه‌های مدیریت ترافیک برشمرده می‌شود که در بلندمدت علاوه بر ایجاد شرایط مطلوب ترافیکی، در بهبود شرایط زیست محیطی نیز می‌تواند چاره‌ساز گردد. به عنوان نمونه، محدوده طرح ترافیکی که از سال



یکی از مهم‌ترین فرآورده‌های شبکه عصبی مصنوعی، تحلیل خوشه‌ای و خوشه‌بندی با منطق تحت آن است. اگرچه دوروش مرسوم دیگر نیز برای خوشه‌بندی وجود دارند؛ یکی روش‌های سلسله‌مراتبی (مانند حداقل واریانس) و روش‌های غیرسلسله‌مراتبی (مانند روش K- میانگین) است (حسنقلی پور و همکاران، ۱۳۸۶) که مادر ادامه به بحث با محور شبکه‌های عصبی می‌پردازیم. تحلیل خوشه‌ای سنتی هنوز کاربردهای متعددی در عمل دارد اما یک شبکه عصبی خودسازمان‌ده (SOM) برتری‌های ویژه‌ای نسبت به خوشه‌بندی سنتی دارد (مازانک، ۱۹۹۲). مازانک، بیان می‌کند که توپولوژی حاصل از ویژگی‌های این شبکه، آن را از روش‌های سنتی خوشه‌بندی متمایز می‌سازد (جاناتان، ۲۰۰۵).

۲-۲- الگوریتم نگاشت خودسازمان‌ده (SOM)
همان‌طور که ذکر شد، یکی از روش‌هایی که به منظور خوشه‌بندی با شبکه عصبی مصنوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، الگوریتم SOM است. این الگوریتم به طور معمول، متشکل از یک یا دو لایه نرون‌های ورودی و خروجی است (تیسان و کیرستیا، ۲۰۱۳). نگاشت خودسازمانده روابط غیرخطی و پیچیده‌ی اطلاعات با ابعاد زیاد را به رابطه‌ی ساده‌ی هندسی با ابعاد کم تبدیل می‌کند. با وجود آنکه در این روش، فشرده‌سازی اطلاعات انجام می‌شود، اما روابط مهم متریک و

فراهم آوردن داده‌های آلودگی هوا می‌توانند فرآیند یادگیری را برای ایجاد یک جعبه سیاه به منظور تخمین و ارزیابی آلاینده‌های هوا صورت دهند (چان و جیان، ۲۰۱۳).

۲- ادبیات و پیشینه پژوهش

۱-۲- شبکه عصبی مصنوعی و آلودگی هوا

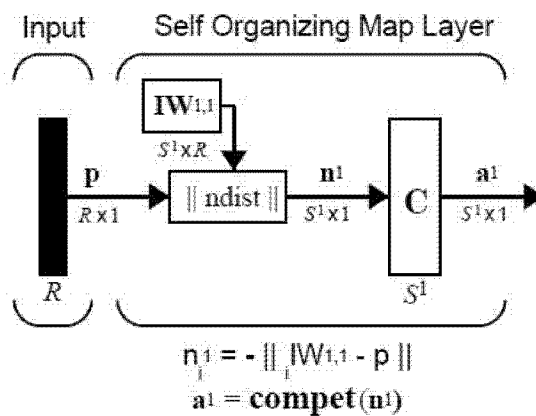
در این پژوهش از شبکه عصبی مصنوعی به عنوان ابزاری برای خوشه‌بندی داده‌های آلودگی هوا استفاده شده است. شبکه عصبی مصنوعی، ابزاری ریاضی است که با تقلید از سیستم بیولوژیک ساخته شده است (فولاپ و همکاران، ۱۹۹۸). شبکه‌های عصبی مصنوعی مانند شبکه‌های عصبی بیولوژیک پیچیده نیستند، بلکه دو شباهت ساده به آنها دارند. نخست شباهت ساختمان کلی هر دو بوده و دیگر اینکه ارتباط بین نرون‌ها تعیین کننده شیوه کار شبکه است (هاگان و همکاران، ۲۰۰۲). به طور کلی، می‌توان گفت که شبکه‌های عصبی از لایه‌های نرونی تشکیل شده به طوری که این نرون‌ها از طریق ورودی‌های خود با جهان واقعی در ارتباط هستند و از طریق خروجی‌های خویش جهان واقعی را می‌سازند (تسای، ۲۰۰۹).

استفاده از شبکه‌های عصبی در مطالعات آلاینده‌های هوا سوابق متعددی دارد. پاره‌ای از این سوابق بر اساس آلاینده مورد نظر در جدول (۱) گردآوری شده است.

جدول ۱. کاربرد شبکه‌های عصبی در مجموعه داده‌های

آلاینده‌های هوا

پژوهش	آلاینده
کاسترو و همکاران، ۲۰۰۳	سولفور دی‌اکسید
ناگندرا و خاری، ۲۰۰۴	کربن مونواکسید
نیسکا و همکاران، ۲۰۰۴	ذرات معلق (PM)
گریواس و چالولاکو، ۲۰۰۶	
پوپ و داکری، ۲۰۰۶	
اسلینی و همکاران، ۲۰۰۶	
ووو و همکاران، ۲۰۱۱	اُزن
کوبورن و همکاران، ۲۰۰۰	
دوتت و همکاران، ۲۰۰۷	نیتروژن دی‌اکسید
چان و جیان، ۲۰۱۳	



شکل ۱. معماری یک شبکه SOM

ارائه شده است. اجزای این مدل بر اساس خوشه‌بندی و مقادیر متعلق به خوشه‌ها محاسبه شده و وزن‌ها نیز بر اساس نظرات خبرگان لحاظ می‌گردد.

$$P_k = P. + \sum_{i=1}^n \left(\alpha_i \sum_{j=1}^{12} w_{ijk} \cdot \bar{x}_{ijk} \right) \quad (2)$$

که در آن α_i نمایش دهنده ضرایب اهمیت آلاینده‌های ۱ تا n است که بر پایه نظرات خبرگان تعیین می‌گردد. همچنین w_{ijk} یک متغیر ۰ یا ۱ بوده که بر اساس قرارگیری ماه‌زام در خوشه k ام، برابر با ۱ می‌شود. \bar{x}_{ijk} نیز مقدار متوسط آلاینده i در ماه j در خوشه k ام نشان می‌دهد. این مقدار متوسط، بر اساس میانگین مقدار ایستگاه‌های مختلف مورد بررسی به دست می‌آید.

به منظور آنکه جریمه راهنمایی و رانندگی برای خودروهایی که بدون مجوز طرح ترافیک در محدوده مشخص شده تردد می‌کند بی‌معنا نباشد، این جریمه باید از حداکثر میزان قیمت طرح ترافیک بالاتر بوده که این میزان با توجه به نظر خبرگان و عرف همیشگی قابل تعیین است. این مورد، در فرمول (۳) لحاظ شده است.

$$F = \beta + \max(P_k) \quad (3)$$

که در این عبارت F بیان‌گر مقدار جریمه راهنمایی و

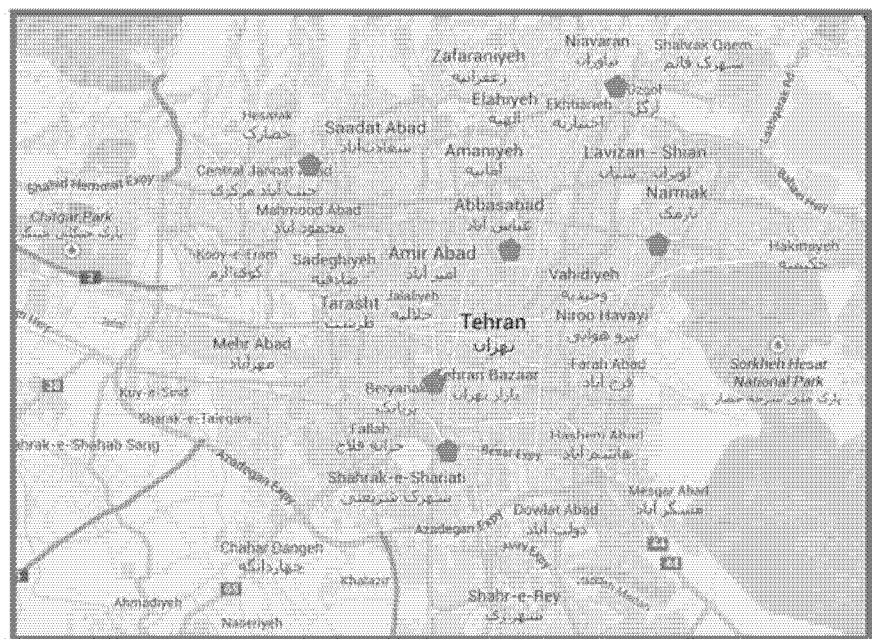
رانندگی و β به عنوان تفاوت این میزان با حداکثر جریمه تلقی می‌شود. اگرچه می‌توان این میزان را نیز منعطف دانست و بر همین اساس جریمه خودروهای متخلف از طرح ترافیک را بر اساس خوشه‌ای که در آن قرار گرفته بررسی نمود:

$$F_k = \beta_k + P_k \quad (4)$$

۲-۲- داده‌های مورد مطالعه

داده‌های آلاینده‌های هوای تهران بر اساس اطلاعات شرکت کنترل کیفیت هوای تهران به دست آمده است. این داده‌ها بر اساس میزان اطلاعات موجود در این پایگاه و صحت‌یابی کلی آنها بر پایه ایستگاه‌های اقدسیه، پونک، ستاد مرکزی، شهرداری منطقه ۱۱، شهرداری منطقه ۱۶ و گلبرگ استخراج شد. مکان ایستگاه‌ها به تفکیک در شکل شماره ۲ به نمایش درآمده است.

داده‌های مورد استفاده در این مطالعه، در شش آلاینده CO ، O_3 ، NO_2 ، SO ، PM_{10} ، $PM_{2.5}$ خلاصه می‌شود که در جدول (۲) به صورت خلاصه نمایش داده شده‌اند. این جدول نمایان‌گر وضعیت میانگین شش آلاینده فوق در تمامی ایستگاه‌های مذکور طی دوازده ماه سال‌های ۹۰ تا ۹۲ است.



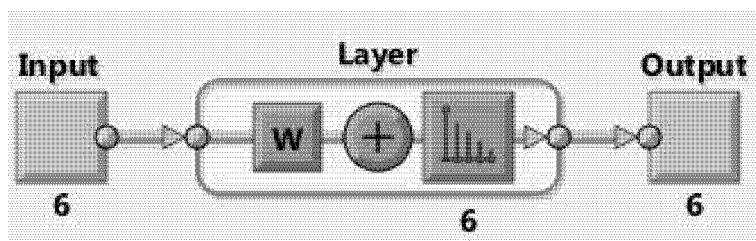
شکل ۳. ایستگاه‌های مورد بررسی برای وضعیت آلاینده‌های هوای تهران

جدول ۲. میانگین آلاینده‌ها بر اساس هریک از ایستگاه‌های مورد مطالعه

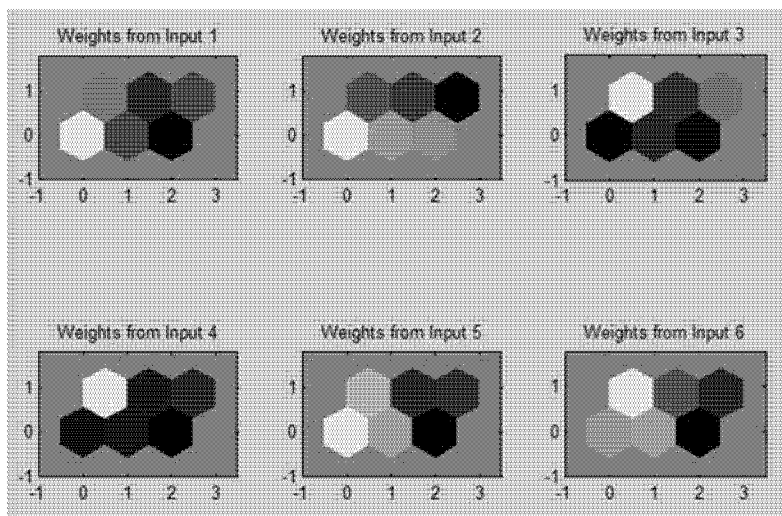
تاریخ	PM _{۲.۵}	PM _{۱۰}	SO _۲	NO _۲	O _۳	CO
فروردین	۲۶,۰۰	۵۸,۳۳	۲۱,۰۰	۳۵,۵۰	۳۳,۸۰	۲,۲۰
اردیبهشت	۲۲,۲۰	۴۹,۶۷	۲۶,۰۰	۳۵,۳۳	۲۶,۶۰	۲,۱۲
خرداد	۳۳,۶۰	۷۵,۱۷	۱۹,۰۰	۴۲,۰۰	۲۵,۴۰	۵,۴۸
تیر	۳۸,۸۰	۸۵,۳۳	۱۷,۵۰	۵۲,۸۳	۲۹,۴۰	۳,۵۷
مرداد	۴۱,۲۰	۸۹,۵۰	۱۸,۰۰	۴۸,۸۳	۲۶,۰۰	۲,۸۰
شهریور	۳۸,۲۵	۷۳,۳۳	۱۷,۰۰	۴۲,۵۰	۲۲,۸۰	۲,۸۸
مهر	۴۰,۷۵	۸۷,۴۰	۱۶,۲۰	۴۲,۸۳	۲۸,۶۰	۳,۰۵
آبان	۳۲,۰۰	۶۷,۲۰	۱۷,۲۰	۴۹,۳۳	۱۷,۲۰	۳,۱۵
آذر	۲۷,۶۰	۶۲,۱۷	۱۸,۱۷	۴۸,۶۷	۱۷,۷۵	۳,۱۵
دی	۳۵,۸۳	۶۷,۰۰	۲۰,۳۳	۵۴,۰۰	۲۸,۲۵	۳,۲۳
بهمن	۳۴,۰۰	۷۴,۵۰	۱۷,۱۷	۵۱,۸۰	۱۴,۵۰	۳,۳۸
اسفند	۲۸,۱۷	۶۷,۱۷	۱۵,۶۷	۴۸,۴۰	۲۰,۵۰	۲,۹۳

۴- یافته‌های پژوهش

هریک از آلاینده‌های شش‌گانه در طول ماه‌های سه سال ۹۱،۹۰ و ۹۲ برای شش ایستگاه فوق‌الذکر مورد بررسی قرار گرفته و میانگین مقادیر این ایستگاه‌ها در جدول (۲) درج شده است. این مقادیر بر حسب ماه‌ها تفکیک شده و همین ماه‌ها وارد فرآیند خوشه‌بندی با استفاده از الگوریتم SOM در شبکه عصبی می‌شوند. لازم به ذکر است که در این پژوهش، فرآیند محاسبات و پیش‌پردازش با استفاده از نرم‌افزار Excel ۲۰۱۳ و عملیات مربوط به تشکیل و اجرای شبکه عصبی SOM با نرم‌افزار



شکل ۴. معماری کلی SOM ایجاد شده با ۶ نورون



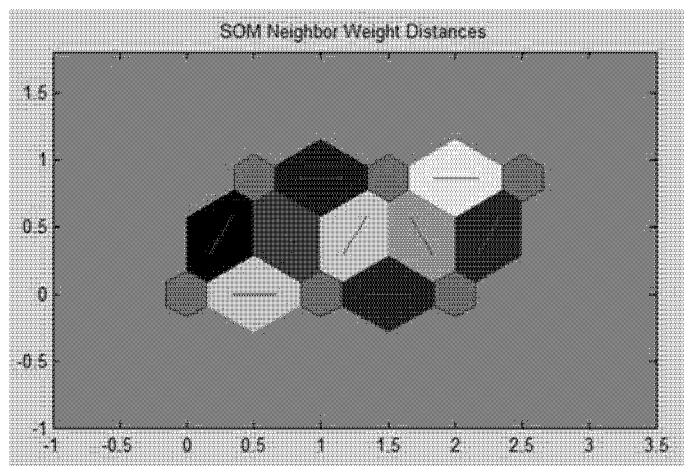
شکل ۵. صفحه وزن‌های ورودی‌های شش‌گانه

۲۰۱۳ MATLAB انجام شده است.

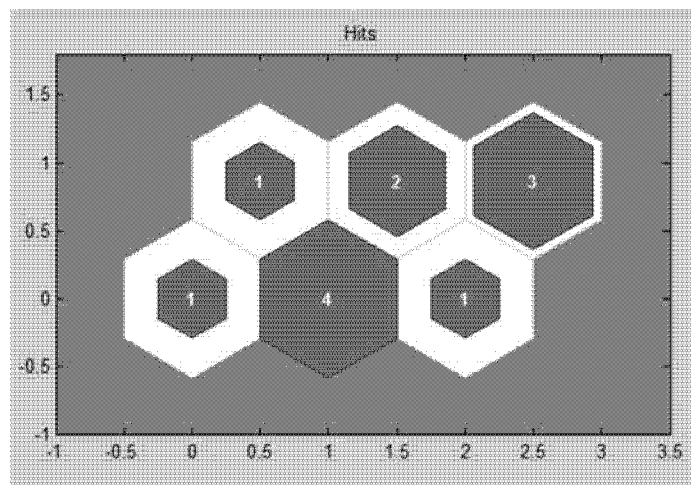
شبکه‌ای که برای این تحلیل خوشه این داده‌ها ساختار بندی شده یک شبکه ۶ نورونی است که مدل کلی آن در زیر مشهود است. لازم به ذکر است که این مدل شش نورونی با استفاده از تعریف ابعاد با اندازه 3×2 در تابع selforgmap شبکه SOM ایجاد شده است.

شکل (۵)، ورودی‌های خوشه‌بندی را نشان می‌دهد. این نمودار که به صفحه وزن‌ها معروف است، وزن‌های اتصالی بین نرون‌ها را نشان می‌دهد. رنگ‌های تیره، وزن‌های بالاتر را نشان می‌دهد. در صورتی که در برخی ورودی‌ها الگوهای اتصالی بین وزن‌ها بسیار شبیه باشند، می‌توان نتیجه گرفت که آنها دارای همبستگی بالایی با یکدیگر هستند. کما اینکه در این شکل، صفحه وزن‌های حاصل از ورودی ۵ و ۶ که به ترتیب نمایش دهنده

آلاینده‌های PM_{10} ، $PM_{2.5}$ هستند، شباهت زیادی به یکدیگر داشته و همین موضوع همبستگی بالای این دو آلاینده را نشان می‌دهد که منطقاً نیز همین طور است. در شکل (۶)، خروجی نهایی خوشه‌بندی با ۶ نرون ارائه شده است. این شکل خروجی را بر مبنای روابط بین نرون‌ها و میزان فاصله بین آنها نشان می‌دهد. شش ضلعی‌های آبی‌رنگ، نرون‌ها را نشان می‌دهد و خطوط قرمز، بیان‌گر اتصال بین نرون‌های همسایه است. رنگ نواحی متصل‌کننده همسایه به هم، میزان فاصله را نشان می‌دهد. هرچه این فاصله بیشتر باشد، رنگ به کار رفته بین نرون‌ها تیره‌تر می‌شود و هرچه این فاصله کمتر باشد، این رنگ روشن‌تر نشان داده می‌شود. فاصله‌های کمتر به معنای شدنی‌تر بودن ترکیب نرون‌ها با یکدیگر به منظور ایجاد خوشه‌های واحدتر است.



شکل ۶. فواصل بین نرون‌ها



شکل ۷. تعداد نمونه‌های هر نرون بر اساس خروجی الگوریتم SOM

شکل (۷)، تعداد داده‌های مرتبط با هر نرون را در ترکیب خوشه‌بندی نشان می‌دهد.

با توجه به شکل (۶)، می‌توان تحلیلی بر مبنای ترکیب نرون‌ها برای ایجاد خوشه‌بندی‌های متفاوت ارائه داد. بر همین اساس با استفاده از فرمول (۱) که منطق مجموع مربعات خطا را نمایش می‌دهد، می‌توان هریک از این تعداد خوشه‌ها را ارزیابی نموده و در نهایت بهترین تعداد را به عنوان برترین نوع خوشه‌بندی برگزید. از همین روی، جدول (۳) مقدار SSE را برای تعداد مختلف خوشه‌بندی نشان می‌دهد. همچنین برای استفاده از فرمول (۱)، مقادیر مربوط به مراکز خوشه‌ها با استفاده از دستور net.IW در نرم‌افزار متلب به دست آمده که خروجی این دستور در شکل (۸) نمایش داده شده است. با توجه به مقادیر SSE در جدول (۳)، کمترین مقدار مربوط به خوشه‌بندی با شش خوشه است. لذا الگوی نهایی برای خوشه‌بندی ماه‌های سال بر مبنای آلاینده‌های هوای تهران، در جدول زیر مشهود است. جدول (۴) عضویت هریک از ماه‌های دوازده‌گانه را در یکی از خوشه‌های مورد نظر نمایش می‌دهد.

جدول ۳. مقادیر SSE به ازای مقادیر مختلف تعداد خوشه‌ها

تعداد خوشه‌ها	SSE
۶	0.757×10^{-3}
۵	1.146×10^{-3}
۴	1.522×10^{-3}
۳	2.229×10^{-3}

بنابراین با استفاده از میانگین آلاینده‌های هر خوشه که در جدول (۵) گردآوری شده است، می‌توان قیمت‌گذاری چندگانه را برای مجوزهای طرح ترافیک تهران مدل‌سازی نمود. این مدل‌سازی در بخش قبلی ارائه شده و فرمول (۲) کلیات آن را نشان می‌دهد.

پس با استناد به داده‌های خوشه‌بندی شده در جدول (۵) و همچنین با کمک فرمول (۲) و (۴) می‌توان قیمت‌گذاری منعطف را هم در طرح ترافیک و هم در جریمه‌های راهنمایی و رانندگی فرموله نمود. البته باید تاکید نمود که ضرایب α_i و β_k که به ترتیب در فرمول (۲) و (۴) ذکر شد، نیازمند نظرات خبرگان است؛ به ویژه α_i که باید با محوریت زیست‌محیطی و سلامت نیز مورد بررسی قرارگیرد.

جدول ۴. خوشه‌بندی نهایی بر مبنای داده‌های سه ساله

خوشه	فروردین	اردیبهشت	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر	مهر
خوشه (۱)											
خوشه (۲)											
خوشه (۳)											
خوشه (۴)											
خوشه (۵)											
خوشه (۶)											

```
>> net.IW(:)
ans =
0.1001    0.0999    0.0733    0.0805    0.0954    0.0893
0.0834    0.0917    0.0802    0.0809    0.0897    0.0899
0.0692    0.0905    0.0749    0.0776    0.0693    0.0667
0.0893    0.0841    0.0991    0.1021    0.0912    0.0967
0.0776    0.0792    0.0818    0.0820    0.0766    0.0823
0.0842    0.0667    0.0894    0.0840    0.0774    0.0743
```

شکل ۸. خروجی متلب در نمایش وزن‌های خوشه‌بندی شش‌تایی

جدول ۵. میانگین مقادیر آلاینده‌های هر خوشه

خوشه	PM _{۱۰}	PM _{۲.۵}	SO _۲	NO _۲	O _۳	CO
یکم	۸۳٫۹۴	۳۹٫۲۰	۲۰٫۹۸	۳۴٫۲۸	۲۹٫۸۱	۳٫۴۵
دوم	۷۸٫۹۶	۳۹٫۴۸	۲۱٫۰۸	۳۷٫۵۰	۲۷٫۳۶	۲٫۸۷
سوم	۶۰٫۹۸	۲۹٫۳۰	۲۰٫۲۰	۳۵٫۰۲	۲۷٫۰۰	۲٫۳۹
چهارم	۸۰٫۲۷	۴۲٫۴۷	۲۶٫۵۹	۴۶٫۳۴	۲۵٫۰۹	۳٫۰۸
پنجم	۶۷٫۳۹	۳۶٫۱۳	۲۱٫۳۷	۳۸٫۲۸	۲۳٫۶۳	۲٫۶۸
ششم	۶۸٫۱۱	۳۲٫۶۴	۲۱٫۸۷	۴۱٫۸۲	۱۹٫۹۱	۲٫۹۰

۵- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بر اساس یافته‌های این پژوهش، ماه‌های «اردیبهشت، تیر، مرداد و مهر»، در یک خوشه، ماه‌های «شهریور و اسفند» در یک خوشه و ماه‌های «آبان، آذر و بهمن» نیز در یک خوشه قرار گرفتند. بر همین پایه، سه ماه «فروردین»، «خرداد» و «دی» نیز هر یک در خوشه‌ای جداگانه قرار گرفتند. بر اساس شبکه عصبی SOM و همچنین مجموع مربعات خطا (SSE) تعداد بهینه برای خوشه‌بندی، عدد ۶ به دست آمد که بر همین اساس، دوازده ماه سال در این شش خوشه قرار گرفتند.

با نگاهی به این شش خوشه و ماه‌های مندرج در هر یک از آنها، شهود فردی نیز کاملاً بر این خوشه‌بندی صحه می‌گذارد. به عنوان مثال، شش‌ماهه دوم سال که عموماً در اواسط آن شرایط نامطلوب آلاینده‌های هوا اوج می‌گیرد، در این خوشه‌بندی کاملاً منطقی به نظر می‌رسند. ماه‌های آبان و آذر و بهمن در یک خوشه قرار گرفته و ماه دی که اوج آلودگی هواست در خوشه‌ای جداگانه دسته‌بندی شده است. از سوی دیگر در شهریورماه و اسفندماه نیز اگرچه شرایط سرمایی هوا کمتر حاکم است، اما حجم ترافیک پایانی تابستان و پیش از سال جدید تحصیلی و همچنین پیش از عید نوروز، حاکی از افزایش آلودگی هوا و تبیین منطق این خوشه‌بندی است.

دسته‌بندی داده‌ها در این شش خوشه، می‌تواند ۶ پله قیمتی را برای کارشناسان ایجاد کند که همه این سطوح قیمتی بر اساس میزان متوسط آلاینده‌های موجود در این خوشه‌ها به دست می‌آیند؛ که این امر نیز در فرمول‌های (۲) تا (۴) تشریح شده است. این موضوع می‌تواند اثرات زیست محیطی را هرچه بیشتر و با منطق

قوی‌تری در قیمت‌گذاری مجوز طرح ترافیک دخیل نماید. استفاده از این روش قیمت‌گذاری سبب افزایش قیمت طرح ترافیک در ماه‌هایی که شاخص آلودگی بالاتر است شده و در نهایت منجر به کاهش حجم ترافیک ورودی به منطقه طرح ترافیک و نهایتاً کاهش آلودگی می‌شود. به منظور توسعه این پژوهش، پیشنهادات زیر به طور اجمالی ارائه می‌گردد:

۱. تلاش برای غنی و گسترده‌سازی داده‌ها برای ترکیب رویکرد پیش‌بینی و خوشه‌بندی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی در حوزه قیمت‌گذاری سال آتی

۲. به‌کارگیری خوشه‌بندی فازی به منظور افزایش انعطاف تصمیم‌گیری

۳. استفاده از داده‌های روزانه به منظور گسترش و استحکام مدل فوق و خروج از پایه ماهانه

۴. بهره‌گیری از داده‌های لحظه‌ای آلاینده‌های هوا بر اساس به منظور ارائه طرح چند قیمتی در هر روز

منابع و ماخذ

۱. افسر، ا.، هوشدار محجوب، ر.، مینایی، ب. (۱۳۹۲) خوشه‌بندی اعتباری مشتریان برای ارائه تسهیلات متناسب. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۷(۴)، ۱-۲۴.
۲. حبیبیان، م.، دیباج، س.، رحمتی، ی. (۱۳۹۱) بررسی سیاست‌های مدیریت تقاضای حملونقل در سفرهای کوتاه کاری به محدوده مرکزی شهر تهران. دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی حمل و نقل و ترافیک (تهران).
۳. حسنقلی پور، ط.، میری، س.م.، مروتی شریف آبادی، ع. (۱۳۸۶) تقسیم بازار با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی مطالعه موردی: فرآورده‌های گوشتی (سوسیس). مدرس علوم انسانی، ۵۵، ۵۹-۸۰.



3rd edition. Springer.

16. Mazanec, J. (1992). Classifying Tourist into Market Segments: A Neural Network Approach. *Journal of Travel and Tourism Marketing*, 1, 39-59.

17. Niska., H., Hiltunen. T., Karppinen, A., Ruuskanen, J., Kolehmainen, M. (2003). Evolving the neural network model for forecasting air pollution time series. *Engineering Applications of Artificial Intelligence* 17(2), 159-167.

18. Omondi, A.R., Rajapakse, J.C. (2006). FPGA Implementations of Neural Networks. Springer.

19. Pope., C.A., Dockery., D.W. (2006). Health effects of fine particulate air pollution: lines that connect. *Journal of the Air and Waste Management Association*, 56(6), 709-742.

20. Shiva Nagendra, S.M., Khare, M. (2004). Artificial neural network based line source models for vehicular exhaust emission predictions of an urban roadway. *Transportation Research Part D: Transport and Environment* 9(3), 199-208.

21. Slini., T. (2006). A Kaprara, K Karatzas. N. Moussiopoulos. PM(10) forecasting for Thessaloniki. Greece. *Environmental Modelling and Software*, 21(4), 559-565.

22. Tan, P-N., Steinbach, M., Kumar, V. (2006). *Introduction to Data Mining*. Pearson Addison-Wesley.

23. Tiittanen, P., Timonen, K.L., Ruuskanen, J., Mirme, A., Pekkanen, J. (1999). Fine particulate air pollution, resuspended road dust and respiratory health among symptomatic children. *European Respiratory Journal*, 13, 266-273.

24. Tisan, A., Cirstea, M. (2013). SOM neural network design -A new Simulink library based approach targeting FPGA implementation. *Mathematics and Computers in Simulation*, 91, 134-149.

25. Tsai, L. (2009). Customer churn prediction by hybrid neural networks. *Expert Systems with Applications*, 36, 12547-12553.

26. Wan, M., Wang, C., Li, L., Yang, Y. (2012). Chaotic ant swarm approach for data clustering. *Applied Soft Computing*, 12, 2387-2393.

27. Wu, S.J., Feng, Q., Du, Y., Li, X.D. (2001). Artificial neural network models for daily PM(10) air pollution index prediction in the urban area of Wuhan, China. *Environmental Engineering Science*, 28(5), 357-363.

۴. عربان، م. (۱۳۸۸) مهندسی ترافیک. گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.

۵. عسگری، ع.، معینی، س.م.، گلی، ع. (۱۳۹۱) بررسی ایجاد محدوده پیشنهادی طرح ترافیک شیراز از منظر ساکنین شهر. *مدیریت شهری و روستایی*، ۱۰(۲۹): ۱۶۵-۱۷۸.

6. Arnold, R., Smith Vance, C., Doan John, Q., Barry Rodney, N., Blakesley Jayme, L., DeCorla-Souza Patrick, T., Muriello Mark, F., Murthy Gummada, N., Rubstello Patty, K., Thompson Nick, A. (2010). Reducing Congestion and Funding Transportation Using Road Pricing in Europe and Singapore, report No. FHWA-PL-10-030.

7. Bloom Jonathan, Z. (2005). Market Segmentation, A Neural Network Application. *Annals of Tourism Research*, 32, 93-111.

8. Castro, B.M.F., Sanchez, J.M.P., Manteiga, W.G., Bande, M.F., Cela, J.L.B., Fernandez, J.J.H., (2003). Prediction of SO2 levels using neural networks. *Journal of the Air and Waste Management Association*, 53, 532-539.

9. Chan, K.Y., Jian, L. (2013). Identification of significant factors for air pollution levels using a neural network based knowledge discovery system. *Neurocomputing*, 99, 564-569.

10. Dutot, A.L., Rynkiewicz., J. Steiner., E.F., Rude, J. (2007). A 24-h forecast of ozone peaks and exceedance levels using neural classifiers and weather predictions. *Environmental Modelling & Software*, 22(9), 1261-1269.

11. Fulop, I. A., Jozsa, J., Karamer. T., 1998. A neural network application in estimating wind induced shallow lake motion, *Hydro informatics* 98, 2, 753-757.

12. Geoffrey Cobourn, W., Dolcine, L., French, M., Hubbard, M.C. (2000). A comparison of non-linear regression and neural network models for ground-level ozone forecasting. *Journal of the Air & Waste Management Association*, 50(11), 1999-2009.

13. Grivas, G., Chaloulakou, A. (2006). Artificial neural network models for prediction of PM10 hourly concentrations, in the Greater Area of Athens Greece, *Atmos Environ*, 40(7), 1216-1229.

14. Hagan, M.T., Demuth, H.B., Beal, M. (2002). *Neural Network Design*. Singapore: Thamsom Asia Pte Ltd.

15. Kohonen, T. (2001). *Self Organizing Map*,



تحلیل و ارزیابی سیاست‌پژوهی نقش‌پذیری نهادهای رسمی در فرایند تامین زمین و مسکن شهری با ارائه راهکارها و پیشنهادات در ایران

پدram اخوان گوران* - کارشناس ارشد مهندسی عمران سازه، دانشکاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

ارزیابی سیاست‌های مربوط به فرآیند تامین زمین و مسکن شهری، از مهمترین موضوعات در حوزه برنامه‌ریزی کالبدی شهر بشمار می‌رود؛ چنانچه بررسی ابعاد این معضل و ارائه راهکارهای مناسب امری ضروری بنظر می‌رسد و فرض اساسی تحقیق نیز ناکارآمدی سیاست‌های تابحال دولتی و سایر نهادهای رسمی در بهینه‌سازی عملکرد بازار برای عرضه مطلوب زمین شهری است. پژوهش حاضر، سعی در شناخت زمینه‌های عرضه نامتعادل و نامناسب زمین شهری برای تامین مسکن دارد. براین اساس، گام نخست تحقیق بر توصیف خصوصیات، مفاهیم و تعاریف زمین شهری و عناصر وابسته به آن استوار است. درگام دوم به شناخت روابط علت و معلولی قضایا تاکید دارد. براین اساس روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و در رویکرد اکتشافی است که از روش سیاست‌پژوهی در تدوین و ارائه راهکارها و سیاستگذاری کلان بهره برده است. این مقاله، ضمن بهره‌گیری از نتایج ارزنده همه تحقیقات و پژوهش‌های در دسترس انجام شده در خارج و داخل کشور، خواسته است به بحث توسعه نقش و جایگاه نهادهای رسمی عرضه زمین شهری به منظور تامین زمین و مسکن شهری بنگرد. در پایان راهکارها و سیاست‌هایی چند در این رابطه مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نهادهای رسمی، تامین زمین و مسکن، سیاست‌های زمین شهری، دیدگاه‌های نظری زمین شهری.

Disclosure Policy Studies evaluating the role of official bodies in the process of land and housing supply by providing guidelines and recommendations in Iran

Abstract

Evaluate policies related to the provision of land and housing, the most important issues in the field of urban planning is considered. Essential aspects of the problem, and it seems appropriate. The basic premise of research and policy ineffectiveness of government and other official bodies ever in the market to offer optimal performance optimization of urban land; this study attempts to identify areas of urban land supply for housing is unbalanced and inappropriate. Accordingly, the first step in the characterization study, the concepts and definitions of urban land and its associated elements are based. The research is exploratory, descriptive and analytical approach. Studies on the formulation and solution of policy and macro policy have benefited. The strategies and policies in this regard have been mentioned a few.

Keywords: Formal institutions, the provision of land and housing policies, urban land, urban land theoretical perspectives.

مقدمه

این بعد نیز تأکید دارد که علیرغم فعالیتهای دولت و دستگاههای ذیربط در امر توسعه زمین شهری، نه تنها توفیق قابل ملاحظه‌ای در بهینه سازی نظام عرضه و تقاضای شهری حاصل نشده بلکه بعضاً بر چالشهای موجود نیز افزوده است. با این ارزیابی، مهمترین مشکلات بر سر راه بهینه سازی فرآیند توسعه مسکن شهری را می‌توان چنین بر شمرده: «عدم تعادل عرضه و تقاضای مسکن؛ فقدان تعادل قیمت زمین و مسکن در ساختار اقتصادی کشور؛ سهم بالای هزینه زمین در سرمایه‌گذاری ایجاد مسکن؛ فاصله زیاد زمانی بین عرضه و تملک زمین؛ نارسایی در قوانین و سیاستهای زمین شهری. بدین ترتیب، وجود نارساییهای فوق در عرصه زمین شهری، الگوهای رشد و توسعه شهری را مخدوش، توازن شهری در عرصه‌های اقتصادی-اجتماعی و کالبدی را مختل، بی‌عدالتی در فضای شهری را تشدید، کیفیت کل محیط زیست شهری را تقلیل و توسعه هماهنگ شهری را (توسعه پایدار) دچار نقصان کرده است.

در این مقاله تلاش شده است تا در روشی سیاست پژوهانه فرآیند تأمین زمین شهری مورد بررسی قرار گرفته و راهکارها و سیاستهایی در راستای مدیریت زمین و مقولات وابسته به آن ارائه گردد.

مواد و روشها

بر اساس گونه‌شناسی‌های متداول (مانند بیکر، ۱۳۸۸؛ کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۶؛ گیدنز، ۱۳۷۸) تحقیق بر حسب هدف به سه نوع تحقیق «توصیفی»^۱، «تحقیق تبیینی»^۲ و «تحقیق اکتشافی»^۳ تقسیم می‌شود. پس از این حیث این پژوهش دارای ماهیت اکتشافی خواهد بود. به پژوهش کمی^۴ «اثبات‌گرا»^۵ و به پژوهش کیفی، پژوهش «مابعد اثبات‌گرا»^۶ نیز گفته می‌شود. پژوهش اثبات‌گرا، ریشه در این فرض دارد که جلوه‌های محیط اجتماعی، واقعیتی مستقل را تشکیل می‌دهند و طی زمان و موقعیت‌ها، نسبتاً ثابت‌اند. پژوهش‌های کیفی و کمی

بررسی روند گذشته تحولات جمعیتی کشور از یکسو، نشانگر رشد سریع جمعیت و از سوی نشانگر تغییر الگوی سکونت و افزایش نرخ جمعیت شهرنشین است. بر اساس نتایج تفضیلی سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن مسکن سالهای ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵، بترتیب ۱۵/۷ و ۱۰/۶ میلیون نفر بر جمعیت کشورمان اضافه شده و شمار جمعیت در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۶۰ میلیون نفر رسیده است. این گسترش فزاینده شهرنشینی شهری بیش از هر چیز، نیازمند وجود زمین مناسب برای کاربری مسکونی شهری است. طبق ارقام موجود در دهه گذشته ۳۰ تا ۳۵ میلیون مترمربع از زمینهای شهری در داخل و خارج شهرها به زیرساخت و سازها رفته، در حالیکه تولید مسکن و تأمین و گسترش زیرساختهای شهری پاسخگوی همه نیازهای جدید و کمبودهای موجود نبوده است و پیش‌بینی می‌شود برای تأمین همه نیازها و رفع کمبودهای موجود در یک دوره ۲۰ ساله حداقل بین ۴۵ تا ۵۰ میلیون متر مربع زمین شهری با قابلیت‌های متفاوت نیاز باشند. در واقع بر این نکته تأکید دارند که طی سالهای گذشته، علیرغم در دسترس بودن «زمین شهری» بنا به علل مختلف نظیر، مشکلات حقوقی، اداری، عدم آماده بودن فیزیکی زمین، سیاستهای مقطعی و بعضاً ناپخته دولت، بورس بازی زمین، احتکار و سایر مسائل مشابه، امکان عرضه و واگذاری زمین شهری متناسب با تقاضای مسکن را فراهم نکرده و در نتیجه تقاضا هر روز متراکم‌تر شده و گرانی و کمیابی زمین قابل عرضه را باعث گشته است.

ظهور و وجود مشکلات فوق‌الذکر در عرصه توسعه شهری، باعث گشته تا محققین، برنامه‌ریزان و مسئولین دولتی بر نقش نهادهای رسمی در عرصه، توسعه، نظارت، کنترل و دخالت مستقیم در بازار زمین شهری تأکید ورزند. دولت در طی دهه‌های گذشته هم در عرصه سیاست‌گذاری و هم دخالت، نقش ایفا نموده است. ارزیابی دفتر امور عمران شهری و مسکن و شهرسازی در



1. Descriptive Research
2. Explanatory Research
3. Exploratory Research

4. Quantitative Research
5. positivism
6. post positivism

می‌توانند از طریق کشف (توسط پژوهش‌های کیفی) و تأیید (توسط پژوهش‌های کمی) هم‌دیگر را کامل کنند؛ بنابراین با وجود همه تفاوت‌ها، بسیاری از پژوهش‌گران، اکنون ترکیبی از رویکردهای کمی و کیفی را برای فهم کامل پدیده مورد بررسی خود، به‌کار می‌برند. روش تحقیق پیمایشی^۷، روش آزمایشی^۸، روش تحقیق مشاهده مشارکتی^۹ و روش تحلیل داده‌های موجود (تحلیل ثانوی)^{۱۰} را باید چهار روش تحقیق اصلی دانست که در منابع معتبر (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۶؛ گیدنز، ۱۳۷۸؛ بیکر، ۱۳۸۸) در ارتباط با روش تحقیق در علوم اجتماعی بیشتر مورد تأکید است؛ لکن در پژوهش پیش‌رو، با توجه به ماهیت موضوع، عمدتاً از روش تحلیل ثانوی در مراحل مختلف کار استفاده خواهد کرد. روش تحلیل داده‌های ثانویه یکی از عام‌ترین اشکال تحقیقات اجتماعی محسوب می‌شود که امروزه در علوم اجتماعی رایج است. در این روش، برخلاف سه روش دیگر، محقق خود به گردآوری اطلاعات نمی‌پردازد، بلکه طرح تحقیقی برای تحلیل مجدد اطلاعاتی که قبلاً گردآوری شده‌اند تهیه می‌کند. از سویی دیگر این روش اغلب هنگامی که مطالعه‌ای در ابعاد زمانی و مکانی را در خود دارد، ضروری است که پژوهش حاضر نیز در بخش‌های متعددی نیازمند تحلیل‌هایی از این دست خواهد بود. همچنین یکی از وجوه تمایز تحلیل داده‌های از قبل گردآوری شده با تحقیقی که خود محقق داده‌های جدیدی گردآوری می‌کند، عامل زمان است. تحقیقی که بر اساس داده‌های موجود صورت می‌گیرد از تحقیقی که در پی گردآوری داده‌های جدید است یک‌گام جلوتر است (بیکر، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹)، بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از روش داده‌های موجود با زمان ممکن در پژوهش حاضر نیز مطابقت و سازگاری داده باشد و بدین ترتیب

موجب صرفه‌جویی در زمان و هزینه جمع‌آوری داده‌ها گردد^{۱۱}. در اینجا باید توجه نمود که پژوهش حاضر (همانگونه که از عنوان آن برمی‌آید) تنها در پی اکتشاف، توصیف و تبیین نیست و با توجه به رویکرد آینده پژوهی، می‌کوشد تا در پی شناخت و تحلیل مسایل و شناسایی آینده‌های ممکن، در نهایت به ارائه راه‌حلهای و سناریوهای مناسب برای مواجهه با آینده بپردازد. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر، ضروری است تا فرآیند پژوهش اجتماعی و فرآیند و تئوری «برنامه ریزی رویه‌ای»^{۱۲} در هم آمیزد. پاسخگویی به این ضرورت در قالب فرآیند سیاست‌پژوهی^{۱۳} قابل تحقق است. از دید ماژرزاک (۱۳۷۹) سیاست‌پژوهی، روش پژوهش خاصی نیست بلکه فرآیند انجام پژوهش درباره مسایل اجتماعی یا تحلیل مسئله اجتماعی مهمی است که در نهایت به ارائه توصیه‌های عملی برای سیاست‌گذاران به منظور حل مسئله می‌انجامد. امروزه تحت عنوان سیاست‌پژوهی به نقش مستقیم تحقیقات علوم اجتماعی در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توجه می‌کنند. به نظر راسی (P.H. Rossi)، «سیاست‌پژوهی» آمیزه‌ای از علم، فن و هنر است (ماژرزاک، ۱۳۷۹، ص ۹-۷). خصوصیات مهم سیاست‌پژوهی را می‌توان در موارد زیر جستجو نمود (غراب، ۱۳۸۱، ص ۳۸-۳۷): «۱- چند بعدی بودن تحقیق؛ معمولاً در سیاست‌پژوهی از رشته‌های مختلف و متنوع استفاده می‌شود که در این خصوص پیوند و رابطه تنگاتنگی میان رشته‌ها حاصل می‌گردد. ۲- اعمال رویکرد تجربی استقرایی در تحقیق؛ در این نوع تحقیق محققان همواره یک رابطه رفت و برگشتی میان مفاهیم، اندیشه‌ها و متغیرها و نیز واقعیات، تجربه‌ها و عینیات برقرار می‌کنند که این امر خود باعث پالایش نقطه نظرات علمی و روش‌های



7. Survey

8. Experiment

9. Participant Observation

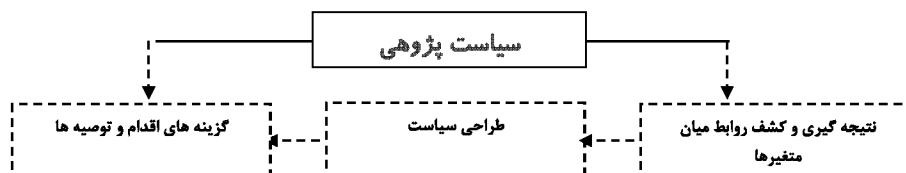
10. Secondary Analysis

۱۱. با این وجود این پژوهش با برخی ضعف‌ها نیز روبرو است. از آن جمله، پژوهشگر وابسته به منابع موجود است که ممکن است جامع نبوده و یا برای موضوع ما مناسبیت کامل نداشته باشند؛ تفسیر منابع از لحاظ اینکه تا چه اندازه نماینده‌گر ایش‌های واقعی هستند ممکن است دشوار باشد؛ مانند آنچه در بعضی انواع آمارهای رسمی دیده می‌شود و پژوهشگر هیچ کنترلی بر انحراف احتمالی در داده‌ها ندارد.

12. Procedural planning theory

13. Policy Research

محققان از یکسو و نیز شفاف شدن هدفهای سیاست گذاران از سوی دیگر می‌شود. ۳- در راهبرد پژوهی محققان یکی از عناصر اصلی در فرآیند برنامه ریزی و سیاست گذاری خواهد بود؛ بدین ترتیب محقق در مراحل باید از نقش خود دور شود. ۴- در فرآیند سیاست پژوهی بر قدرت خلاقیت و قوه ابتکار محققان بیش از پیش تاکید می‌شود. ۵- گنجاندن صریح ارزش‌ها در فرآیند تحقیق؛ در سیاست پژوهی محققان باید گرایش‌ها، منافع و جهت گیری‌های ارزشی و ایدئولوژیک سیاست‌گذاران و صاحبان منافع و کلیه افراد و گروه‌هایی که به نوعی از آثار و پیامدهای سیاست بهره می‌برند را لحاظ کند که این خود ارزشهای افراد و بازیگران و گروهها را در سیاست پژوهی به عنوان یک متغیر مستقل اساسی معرفی می‌کند. ۶- در نتیجه، سیاست پژوهی باید پاسخگوی نیازها و سوالهای اساسی بهره برداران اصلی تحقیق باشد. ۷- تمرکز بر متغیرهای انعطاف پذیر؛ همواره یکی از هدفهای عمده علم کنترل بر متغیرها و واقعیت‌های اطراف بوده است. از این رو در سیاست پژوهی معمولاً بر متغیرها و ابعادی از مساله تاکید می‌شود که از تاثیر پذیری بیشتری برخوردار باشد و در نتیجه، قدرت مداخله سیاست گذاران و برنامه ریزان و مدیران را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که فراتر از تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری، سیاست پژوهی در پی یافتن راه حل‌های مختلف حل مساله می‌باشد. از این منظر وظایف اصلی یک محقق در نقش سیاست پژوه را می‌توان به شرح نمودار زیر خلاصه کرد:



نمودار ۱. وظایف اصلی سیاست پژوه (محقق در فرآیند سیاست پژوهی)؛ منبع: غراب، ۱۳۸۱، ص ۴۱.

بهره‌گیری از نتایج تحقیق در طراحی فرایندهای اقدام بسیار دشوار و پیچیده است؛ چراکه در ارائه توصیه‌ها نباید تنها به اطلاعات حاصل از نتیجه‌گیری و تحلیل‌ها اکتفا کرد. توصیه‌ها نیز می‌بایست با بستری که اقدام‌های سیاسی در آن صورت می‌گیرد تناسب داشته باشد و از سوی دیگر باید سازوکارهای متنوعی چون قوانین و مقررات اداری، منابع، ساختار تشکیلاتی و غیره را برای سیاست‌گذاران در نظر بگیرد (غراب، ۱۳۸۱، ص ۴۱).

مبانی و ادبیات نظری

۱. «زمین شهری»: اصولاً در مقیاس گسترده، زمین به عنوان یک منبع در نظر گرفته شده و کاربری زمین به معنی کاربری منابع می‌باشد؛ لیکن در مقیاس شهری، بجای اینکه زمین را از منظر توان تولیدی خاک و یا معادن زیرزمینی ارزیابی کنند، تاکید بیشتر بر روی توان استفاده از روی زمین، جهت استقرار فعالیتهای گوناگون است. در مورد اول زمین به گروههایی همچون معدن، کشاورزی، مرتع و جنگل طبقه‌بندی شده و توان آن بر حسب محصول زمین سنجیده می‌شود؛ در حالیکه در مورد زمین شهری، زمین به گروههایی نظیر تولید، توزیع، خدمات، مسکن، تفریح، حمل و نقل و فعالیتهای دیگر یک جامعه شهری تقسیم و توان آن به عوامل متعددی بستگی دارد که از آن جمله است «مکان» و موقعیت آن (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱-۱۸۰).

۲. «ماهیت زمین»: دانشمندان و صاحبان علوم مختلف در خصوص تعریف و ماهیت زمین، دارای وحدت نظر نسبی هستند. اما در نحوه استفاده و کاربرد زمین چنین وحدت نظری را مشاهده نمی‌کنیم؛ چنانکه عده‌ای صاحبان نظران معتقدند، زمین نه به عنوان یک کالا بلکه به عنوان یک منبع طبیعی، اساس سایر منابع

طبیعی محسوب می‌شود. با وجود دیدگاهها و نگرشهای مختلف نسبت به زمین، به طور کلی همه جوامع به ماهیت دوگانه زمین بعنوان کالایی عمومی و نیز خصوصی پی برده‌اند. زمین ماهیت عمومی دارد، از آن روی که: «۱. کالایی با دوام است، تولید مجدد یا نابود کردن آن جز در حدی بسیار محدود ممکن نیست. از آنجاکه هیچ نسلی نمی‌تواند آن را با مصرف خود تمام کند، هر نسل این وظیفه اخلاقی را دارد که در بهره‌گیری از آن به نسلهای آینده بیاندیشد؛ ۲. زمین یکی از عناصر شناخته شده در هر نوع تولید است. در جوامع کشاورزی زمین مهمترین منشأ برکت است. در جوامع شهری رابطه پیچیده‌تر است، اما باز هم قابلیت تولید، به مکان کافی و مناسب بستگی دارد؛ ۳. ارزش زمین، خاصه در شهرها تا حد زیادی با پدیده اجتماعی شهرنشینی ایجاد می‌شود. زمین ماهیت خصوصی دارد از آن روی که افراد نیاز روانی ژرفی به امنیت دارند و این امنیت از دیرباز با مالکیت زمین و خانه پیوند خورده است» (Paul, Balchin, 1997, p.81).

۳. «ویژگیهای زمین شهری»: اصولاً متخصصین پنج ویژگی مهم و اساسی را برای زمین در نظر می‌گیرند که عبارتند از: «ثبات نسبی عرضه زمین»: اقتصاددانان سنتی معتقدند که عرضه زمین در واقع ثابت است. اگر یک نوع کاربری در سطح زمین افزایش یابد (برای مثال مزارع) باید در کاربریهای دیگر گسترش یابد (در داخل جنگل)؛ اما اقتصاد دانان زمین با این تعریف و درک جهانی زمین و چگونگی کاربرد آن موافق نیستند. آنها معتقدند که بواسطه فعالیتهای بشر تولید زمین هم افزایش می‌یابد و هم کاهش. اینان معتقدند که با استفاده متراکم‌تر می‌توان زمین را افزایش داد و بالعکس. با این وجود هنوز هم بایستی پذیرفت که در مقایسه با سرمایه (بعنوان یک منبع مستقل) و نیروی کار (کارگر یا کارفرما) زمین یک عامل تولید با انعطاف پذیری کمتر بوده و در مقایسه با سایر کالاها عرضه آن ثابت است (Balchin, 1985, p.3-4)؛ «عدم پرداخت هزینه برای ایجاد آن»: در حالیکه بشر قادر است مالکیت خود را افزایش دهد یا سرمایه ایجاد کند و مهارتهای خود را بهبود بخشد، قادر نیست زمین را به مفهوم عام بسازد. بنابراین زمین وجود داشته و بشر برای ساخت و ایجاد آن

هیچ هزینه‌ای پرداخت نکرده است. اما وقتی که زمین را توسعه می‌دهیم هزینه‌هایی را متحمل می‌شویم در این صورت است که عامل زمین شبیه سایر عوامل تولید تلقی می‌گردد؛ «عدم تجانس»: برای استفاده‌کننده از زمین هر مکان تفاوت می‌کند؛ بگونه‌ای که می‌توان زمین را با لحاظ اقتصادی به زمینهای حاشیه‌ای نه چندان مفید، زمینهای متوسط و زمینهای مرکزی با کاربریهای بسیار سودمند طبقه‌بندی کرد. با این حال این طبقه‌بندیها را می‌توان نسبی تلقی نمود؛ «رانت اقتصادی یا رانت کمیابی زمین»: برای استفاده از زمین به عنوان یک کالای قابل داد و ستد با ارزش مبادلاتی، می‌توان از رانت تجاری استفاده کرد. این رانت را می‌توان به دو دسته رانت انتقالی و رانت اقتصادی تقسیم نمود. رانت انتقالی به مبادله زمین برای کاربریهای مختلف و جابجایی این کاربریها اشاره دارد. رانت اقتصادی نیز پرداختی است تحت تاثیر کمیابی زمین که به شکل مبلغ اضافی بصورت عایدی به صاحب و مالک زمین انتقال می‌یابد. اصولاً مفهوم رانت زمین را می‌توان تا حدود زیادی بر زمینهای کشاورزی و زمین شهری تعمیم داد، اما تفاوتی نیز بین این دو وجود دارد.

۴. «اشکال مختلف زمین شهری»: در یک تقسیم بندی کلی می‌توان زمین شهری را به دو دسته تقسیم کرد: الف) «زمین اصلاح نشده» و یا عبارتی زمین شهری اصلاح نشده به آن دسته از زمینهایی می‌گویند که بطور قانونی در محدوده شهری واقع شده‌اند، ولی بر روی آنها ساخت و ساز انجام نشده یا بر مبنای تعریفی دیگر بر روی آنها ساختمان ایجاد نشده باشد. این دسته شامل زمینهای کشاورزی، منابع طبیعی (جنگل و مرتع)، زمینهای بایر و موات است. اینگونه زمینها که عمدتاً در حومه شهرها دیده می‌شوند، به لحاظ وسعت، موقعیت، کیفیت و نحوه مالکیت نقش بسزایی در توسعه شهری ایفا می‌کنند؛ ب) «زمینهای اصلاح شده»: این طیف از زمینها به آن دسته از زمینهای شهری اطلاق می‌گردد که تحت فرآیند توسعه قرار گرفته باشند؛ بگونه‌ای که بر روی آنها ساختمان ایجاد شده یا برخی خدمات و تسهیلات شهری و عمومی چون آب، برق، گاز، تلفن و شبکه آب و معابر بر روی آنها مهیا شده باشد تا برای گسترش ساخت



و ساز شهری آماده شود و یا در همین راستا حداقل در معرض تسطیح و اصلاح هندسی قرار گرفته باشد (میرعلی‌کتولی، ۱۳۸۰، ص ۲۹).

۵. «مالکیت زمین از دیدگاه اسلام»: از نظر اسلام روابط اقتصادی و اجتماعی با نحوه فکر و فطریات و عواطف و غرایز آدمی ارتباط دارد و محیط اجتماعی و اقتصادی، انعکاس مجموعه همین علایق است. چون اسلام و بالطبع اقتصاد اسلامی، توجه جدی به روابط اقتصادی دارد، پس چیزی جدا از تربیت فکری، اخلاقی و احکام عبادی و اجتماعی حکم نمی‌کند. بر همین اساس اسلام به مالکیت فردی و خصوصی در کنار مالکیت اجتماعی احترام می‌گذارد. در حقوق اسلامی، مالکیت مشروط است و قیودی دارد که بخشی از آن به طور عموم برای مالکیتها تشریح شده و دارای حکم اولیه است و بخشی ممکن است با حدوث عواملی مثل عسر و حرج و اضطرار به حکم ثانویه بوجود آید (ثابتی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۱). حقوق اسلامی در چنین مواردی دارای احکام مترقی و مفیدی است. در این حقوق، تصرف مالک در ملک نیز در باب خودداری از اسراف و احتکار که اموری ممنوع و حرام می‌باشند تشریح شده که محدودکننده آزادی و سلطه مالک در ملک خود می‌باشد. در خصوص سلطه مالکانه حدیث مشهور، «الناس مسلطون علی اموالهم» جاری است. ولی این سلطه هم دارای ضوابط و شرایطی است و به لحاظ تعارض با حقوق دیگران و اخلاص در نظم عمومی به قیودی مقید می‌گردد. برای بوجود آوردن این محدودیتها در نظام حقوق مالکانه اراضی و قوانین موجود، ابزارهایی وجود دارد که باید با استفاده از آنها، مقررات مورد لزوم تدوین گردد. در همین راستا، احکام ثانویه در حکومت اسلامی مطرح می‌گردد. به موجب قوانین مصوب و قابل اجرای فعلی که در جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از احکام شرع مقدس اسلام وضع شده از زمین سه نوع تعریف بعمل آمده است، موات، بایر و دایر و از این سه نوع تنها تکلیف اراضی موات و مراتع مشخص بوده و بقیه اراضی رها شده و اختیار آن تقریباً به مالکین این اراضی سپرده شده است، جز اینکه ضوابط ناقصی برای تغییر نوع استفاده از اراضی و تفکیک باغات وضع شده است (مواد ۷، ۱۰، ۱۴، ۱۵ قانون زمین

شهری مصوب ۶۶/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی). بر این اساس در اسلام مالکیت خصوصی محترم شمرده شده است مشروط بر اینکه مالکیت خصوصی در تعارض با منافع عمومی جامعه قرار نگیرد؛ بنابراین امروزه در نواحی شهری با تمام پیچیدگیهایی که در نظام وسیعتر مالکیت وجود دارد، می‌توان با کمک احکام اولیه و ثانویه، قوانین را وضع و مشکلات را برطرف نمود.

۶. «عرضه زمین توسط نهادهای رسمی دولتی و مکانیسم عملکردی آن»: بنا بر دلایل تاریخی، مالکیت خصوصی بر زمین شهری یکی از دلایل اصلی بی‌عدالتی در جوامع مختلف بویژه، کشورهای جهان سوم است. این نه از آن روست که مالکیت خصوصی به خودی خود مایه عدالت یا بی‌عدالتی است، بلکه الگوهای موجود مالکیت مطلق خصوصی، اغلب گروههای کم‌دارآمد را، از دست یافتن زمین محروم می‌کند. بنابراین برقراری مالکیت عمومی اغلب به منظور افزایش امکان توزیع عادلانه است. این شکل مالکیت، غالباً در نواحی روستایی وجود داشته، اما در شهرها نیز به شکلهای مختلف دیده می‌شود. در کشورهای سوسیالیستی مالکیت زمین بطور کل و زمین شهری بطور اخص ملی شده است. در این کشورها نحوه استفاده از زمین یا بعبارتی واگذاری و تخصیص زمین‌های دولتی و عمومی در اختیار دولت و بخشهای وابسته به دولت بوده و با شیوه‌های مختلف، جهت استفاده به مردم واگذار می‌شود. (Doebele, 1978, p.130)

۷. «عرضه زمین در بخش خصوصی و مکانیسم عملکردی آن»: آشناترین شکل تصرف، مالکیت مطلق خصوصی است که به موجب آن فرد یا شرکت خصوصی حق کامل بر زمین را دارد (کوثری، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲). مالکیت خصوصی زمین فی‌نفسه نه خوب است و نه بد؛ آنچه تعیین‌کننده است، اثرات واقعی آن در زمان و شرایط مشخص است. افزون بر این تصرف زمین متغیری مجزا و مستقل نیست و انواع مختلف تصرف در کنار هم وجود دارند. عاملی که اشکال مالکیت را دوام و قوام می‌بخشد، صورت‌بندیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جوامع است که در طی زمان در معرض تحول بوده و سیستم مالکیت و اشکال مختلف آن را نیز

جدول ۱. انواع مالکیت زمین در کشورهای مختلف بر حسب حقوق و مشخصات؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

نوع مالکیت	مالک	حقوق مالکیت	استفاده از زمین	اداره زمین	انتقال مالکیت	انتقال استفاده		
خصوصی	افراد شرکت تعاونیها	مطلق یا محدود شده بوسیله منافع عمومی	بدون محدودیت	خصوصی	کنترل نشده	کنترل نشده		
					محدود شده به وسيله منافع عمومی	عمومی	کنترل شده	کنترل شده
					موقت	مختلط	بر اساس مالیات	بر اساس مالیات
			تعاونی	با حق شفعه	با حق شفعه			
دولتی (عمومی)	ملت	مطلق یا محدود شده بوسیله	خصوصی	عمومی	ممنوع شده	ممنوع شده		
	دولت		جمعی	تعاونی				
	کشور	حقوق خصوصی یا حقوق مذهبی		خصوصی	یا مجاز	مجاز فقط بر اساس ارث		
	شهرداری	دائمی یا موقت	عمومی	مختلط		مجاز بر اساس فروش یا اجاره		
جمعی	تعاونی	مطلق یا محدود شده بوسیله	خصوصی		ممنوع شده			
	خانواده					مجاز فقط بر اساس ارث		
	ایل	عمومی یا مذهبی	جمعی			مجاز بر اساس فروش یا اجازه		
	قبیله		عمومی	دولتی یا تعاملات محلی	ممنوع شده یا مجاز			
	جامعه	دائمی یا موقت						
موقوفات مذهبی	خدا	مطلق یا محدود شده بوسیله منافع عمومی		مذهبی	مذهبی	ممنوع شده یا مجاز		
	جامعه			جمعی	جمعی	کنترل شده یا نشده		
	دولت			عمومی	عمومی	بر اساس وضع مالیات		
	مذهب			رفاه اجتماعی		با حق شفعه		
	شخصی یا گروه						-	



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۱۶۱

متحول خواهد کرد؛ بنابراین تصرف، جزئی است از مجموعه مقررات قانونی و سیاستهای مربوط به زمین و شهری شدن، که به طور جمعی اثرات مطلوب یا نامطلوبی پدید می‌آورند. بحث زمین شهری و مسکن به حدی پیچیده است که نه تنها بسیاری از کشورهای توسعه یافته، بلکه حتی کشورهای جهان سوم نیز توسعه و مدیریت آن را به بخش خصوصی (رسمی یا غیررسمی) واگذار کردند. (Dowall, 1991.p11)؛ بدیهی است در این صورت مالکیت، حق اشغال، واگذاری و فروش زمین شهری در مقیاس‌های مختلف، به بخش خصوصی (افراد و شرکتها) تعلق دارد. عرضه زمین در بخشی از شهرها به عهده بخش خصوصی است. عرضه زمین توسط بخش خصوصی را می‌توان در دو بخش رسمی و غیر رسمی بررسی کرد:

- «بخش رسمی»: عرضه، واگذاری و انتقال زمین در بخش رسمی خصوصی یا از طریق انتقال سند ثبتی و رسمی صورت می‌گیرد و یا از طریق سیستم برنامه‌ریزی محلی و منطقه‌ای طی فرآیندهای معین انجام میشود. داد و ستد نیز طبیعتاً توسط عوامل قانونی و دولتی انجام می‌شود. اصولاً عرضه زمین در بخش رسمی خصوصی،

جدول ۲. مراحل مختلف و هزینه‌های احتمالی انتقال زمین خام (بایر و کشاورزی) به یک قطعه زمین مسکونی؛

مأخذ: (Habitat, 1996)

قیمت زمین خام (بایر و کشاورزی)	
بدلیل تمرکز شدید مالکیت زمین - انگیزه اندک برای توسعه زمین - جریمه برای عدم توسعه زمین - فقدان شبکه مناسب در همه بخشها و موقعیتها - قیمت پایین زمین در نواحی حاشیه‌ای شهرهایی که زمین خام به وفور یافت می‌شوند. هر یک در قیمت زمین خام موثر است.	
هزینه فراهم کردن مجوز برای تبدیل زمین از کشاورزی یا غیر شهری برای کاربری مسکونی	هزینه‌های تغییر و انتقال زمین
هزینه فراهم کردن تأییدیه برای طرح تفکیک زمین	
تأثیر قواعد تفکیک زمین بر قیمت یک قطعه زمین. برای مثال کوچکترین قطعه تفکیکی جاده و امکانات اجتماعی می‌خواهد	
هزینه‌های توسعه زمین - هزینه‌هایی چون ارائه خدمات و زیرساختها که بر مبنای اصول استاندارد رسمی ارائه می‌شود.	
هزینه‌های متقاضی دریافت زمین مسکونی شامل مبالغی که برای خدمات حقوقی و قانونی، ثبت قطعه‌ای زمین، مالیات و عوارض می‌بایست بپردازد	
هزینه ناشی از بهره بانکی یا تنخواه که متقاضی جهت خرید زمین دریافت می‌کند	
به دلیل فرآیند طولانی و پیچیده تهیه تأییدیه که عمدتاً آرائه‌های مختلف بر آن نظارت دارند، هزینه افزایش چشمگیر دارد.	
این مهم، وابسته به استانداردهای رسمی است که ممکن است غیرواقعی باشد. قطعات بزرگ اغلب با قیمت‌های سرسام آوری مواجه و افراد فقیر و کم درآمد را از زمین دار شدن محروم می‌سازد.	
در نواحی که دولتها چنین تسهیلاتی را فراهم می‌سازند تأخیر در ارائه آنها یکی از مهمترین هزینه‌هاست. اگر تسهیلات و خدمات توسط توسعه دهنده ارائه شود بالطبع بر قیمت قطعات تأثیر می‌گذارد.	
این هزینه‌ها با توجه به مراحل قانونی خرید و ثبت زمین متفاوت خواهد بود	
این هزینه‌ها نیز متأثر از نحوه پرداخت و اخذ بهره وام بانکی است	



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۱۶۲

تقسیم نموده‌اند: «الف) مالکیت ثانوی که از تقسیم زمین مالک دارای سند رسمی به قطعات، حاصل شده و برای قطعات کوچکتر سند رسمی صادر نشده است؛ ب) زمانی که مالک غیر رسمی زمین تقسیم شده (وارث) زمین را می‌فروشد؛ ج) تقسیم زمین در نواحی که استفاده از زمین برای کاربری شهری داده نشده است؛ د) عدم پیروی مالک از قوانین مربوط به زمین شهری از جمله اندازه، قطعه، نقشه، طرح و غیره؛ ه) عدم پیروی خریداران زمین از قوانین ساخت و ساز شهری» [Farvacque, Mcauslan, 1992, p37]

۸. «عرضه زمین در سیستم جمعی (تعاونی) و مکانیسم عملکردی آن»: این سیستم اصولاً شامل موسسات و سازمانهای مردمی می‌باشد. این موسسات در جهت رسیدن به اهداف خاصی تلاش می‌کنند. سازمانهای اجتماعی و موسسات دیگر که این سازمانها را حمایت کرده و در جهت تحقق اهداف آنها همکاری می‌کنند، شامل سازمانهای دولتی و غیر دولتی هستند که تعاونیهای مسکن، سازمانهای تعاونی، سازمانهای

از دو طریق میسر می‌شود: «۱. توسعه زمینهای مسکونی خصوصی دارای خدمات؛ ۲. خرید زمین همراه با مجوز تبدیل بدون خدمات.» [Habitat, 1996, p241]

جدول شماره ۲ مراحل مختلف انتقال زمین خام (اغلب کشاورزی) را به یک قطعه زمین مسکونی در شهرهای فوق‌الذکر نشان می‌دهد.

- «بخش غیر رسمی»: انعطاف‌ناپذیری و عدم کارایی نهادهای رسمی و دولتی برای واگذاری زمین شهری به اقشار مختلف شهرنشین از یک‌سو و نسبت بالای جمعیت شهری دارای درآمد اندک، که قادر به پرداخت هزینه بالای زمین گرانقیمت شهری نیستند، از سوی دیگر موجب شکل‌گیری و گسترش بازار غیر رسمی زمین شهری شده است. با وجود اینکه می‌توان در یک تعریف کلی، بازار غیر رسمی را در مقابل بازار رسمی تلقی کرد. اما دامنه و تعریف بازار غیر رسمی در جوامع مختلف، کشورها و حتی درون کشورها با یکدیگر متفاوت است و از دیگر سوی درجه غیر رسمی بودن نیز متفاوت است. در یک تقسیم‌بندی میزان غیر رسمی بودن را به ۵ بخش

اشتراکی، جامعه زنان و دیگر موسسات عام المنفعه را در برمی گیرد. اگرچه سازمانهای حامی تعاونیهامستقیمأ در عرصه فنی و مالی تامین مسکن نقشی ندارند، اما در تسهیل امور (فراهم آوردن مقدمات و نیروی کار)، واسطه شدن (بین مردم و دولت، خصوصاً موارد مربوط به شهرداری) استفاده از تجاربی که از اجتماعات محلی حاصل می شود و حتی ممکن است برتر و پرنفوذتر از سیاستهای خاص دولتی باشد، دارای نقش می باشند؛ نقشی که تعاونیهامی توانند در تامین زمین داشته باشند، عبارتست از: «۱. تهیه زمین با کمترین قیمت ممکن و مناسب با احتیاجات و شرایط افراد مختلف؛ ۲. گسترش برخی از تاسیسات زیربنایی به صورت کلی همچون آماده سازی، تقطیع اصولی اراضی و قطعات بزرگ؛ ۳. بسیج نیروهای مردمی جهت فعالیتهای دسته جمعی از حیث مالی و سایر امور؛ ۴. میانجیگری بین مردم و دولت جهت رفع موانع توسعه زمین شهری.»

روند تحول زمین شهری و مسکن در ایران

مالکیت زمین در ایران همانند سایر جوامع و کشورها ریشه در مذهب، آداب و رسوم و ساختار اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی دارد. بنابراین در دوره های مختلف با تفاوت کمی و کیفی در ابعاد این ساختار، مالکیت نیز دچار تحول گردیده است. در دوران قبل از اسلام، تمدن کهن ایرانی از قدمت و سابقه طولانی برخوردار و با توجه به اهمیت فرض و مالکیت آن قوانین مربوط به زمین و مالکیت پیچیده و گسترده بوده است. با ورود اسلام به ایران و ایجاد تحول عمیق در فرهنگ مادی و معنوی کشور، مالکیت نیز دچار تحول شد. در این دوره، مالکیت زمین در ایران ضمن تاثیر پذیری از ریشه های تاریخی تمدن ایرانی، از فقه اسلام و قانون مدنی که ماخوذ از فقه اسلام می باشد نیز، تاثیر پذیرفته است. بر این اساس و بر اساس نظرات فقهای شیعی، مالکیت اراضی در سرزمین اسلامی از سه نوع مالکیت خصوصی (از جمله اراضی موات که بوسیله افراد آباد شده است) املاک عمومی (متعلق به جامعه اسلامی) و املاک دولتی (شامل کلیه اراضی موات) تشکیل شده است. املاک وقفی موجود در ایران و حتی سایر کشورهای اسلامی نیز

در همین چهارچوب قرار می گیرد؛ زیرا وقف ابقاء و حبس عین به ملک واقف و صدقه دادن منفعت آن است (میرعلی کتولی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱). بین همین چهار نوع مالکیت اساسی موجود نیز در عمل تفاوتی وجود دارد؛ بطور کلی سیستم مالکیت موجود در کشور، در خصوص مالکیت زمین شهری نیز صدق می کند و در عرضه زمین شهری تاثیر خواهد گذاشت.

اشکال مالکیت و عرضه زمین شهری در ایران

مالکیت زمین بطور کلی در ایران به چهار دسته «خصوصی، دولتی، عمومی و وقفی و خالصه» تقسیم می گردد. مالکیت زمین شهری نیز در این چهاربخش قابل بررسی است: «مالکیت خصوصی بر زمین»: یکی از شاخصهای مالکیت در ایران، احترام به مالکیت خصوصی بر زمین است. در قانون نحوه احراز مالکیت خصوصی نیز تعیین شده است. بر این اساس، در قانون به اراضی موات اطلاق ملک نشده، چنانکه در ماده ۱۴۰ قانون مدنی بر این مهم تصریح شده است. اولین وسیله برای حصول مالکیت، احیاء اراضی موات است و مفهوم کلی این است که زمین تا هنگامی که موات باشد ملک کسی محسوب نشده و هرکس مجاز است زمین موات را احیاء نموده و به مالکیت خود در آورد. در ابتدای تاسیس سازمان ثبت اسناد و مدارک در ایران و تصویب قانون مربوط در سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۱۰، این مطلب در قوانین مربوط تصریح شده بود که اراضی موات، جنگلها و مراتع طبیعی، کوهها، تپه ها، رودخانه ها، دریا و دریاچه ها، راهها و نظایر آنها بدون اینکه نیاز به ثبت و صدور سند مالکیت داشته باشد ملک عموم (یا متعلق به دولت) است و ادعای مالکیت نسبت به آنها از هیچکس پذیرفته نیست و هرکس که زمین مواتی را احیاء کند تا مالک آن شود، باید از مراجع دولتی مربوطه اجازه کتبی اخذ نماید. علت عدم تصریح این مطلب ضروری، در قانون ثبت این بود که به موجب فقه اسلام، زمین موات ملک محسوب نگردیده و قابل تملک نمی باشد مگر اینکه احیاء شده باشد یا سابقه احیاء داشته باشد. در آغاز تاسیس سازمان ثبت اسناد و تادو دهه بعد از آن، زمینهای بایری که توسط اشخاص برای آنها تقاضای ثبت می گردید، بر این فرض



تکیه داشت که قبلاً چاه یا قناتی در آن حفر گردیده یا مورد کشت دائم قرار گرفته و در حقیقت عمل احیاء نسبت به آن صورت گرفته است. لذا اگر چه در حال حاضر چاه یا قنات فاقد آب می باشد و یا زمین قابلیت زراعت دیم ندارد و دایر نیست، ولی احتمالاً در گذشته های دور این چنین قابلیت هایی را دارا بوده و مالکیت نسبت به آن برای احیاء کننده تحقق یافته است، در این مورد کافی بود شخص استشهدادی درست کند که پدر بزرگ یا جد و سوم یا چهارم او آن اراضی را احیاء کرده اند و اکنون متعلق به استشهداد کننده است و می تواند به نام خود، برای آن زمین تقاضای ثبت و صدور سند مالکیت نماید. در این جریان تنها اشخاص یا مراجعی که مجاز به اینگونه اقدامات نبودند، دولت و شهرداری ها بودند که نمی توانستند حق مالکیتی برای خود قائل شوند [هاشمی، ۱۳۷۴، ص ۶۹۸-۶۹۷]؛ زمین شهری و مالکیت خصوصی: تا سال ۱۳۴۵ که قانون اصلاح پاره ای از مواد و الحاق چند ماده به قانون شهرداری از تصویب گذشت و همزمان با آن نیز کار تهیه طرح های جامع شهری در ایران به جریان افتاد، سیاست اختیار تفکیک و همچنین تعیین نوع استفاده از زمین بطور در بست در اختیار مالک بود. مالک اختیار مطلق داشت و بر این اساس او اجازه داشت زمین را که برای آن سند مالکیت دریافت کرده بود، هر وقت بخواهد و به هر شکل که مایل است بسازد و برای هر منظور که مایل است مورد استفاده قرار دهد (هاشمی، ۱۳۷۴، ص ۹۸). در این دوره، اداره ثبت وظیفه داشت هر نقشه تفکیک که مالک ارائه می داد قبول کرده به ثبت برساند و به آن رسمیت داده، اسناد مالکیت تفکیکی صادر نماید. تنها هدف دخالت اداره ثبت این بود که مراقبت نماید در نقشه های مذکور به اراضی مجاور و متعلق به دیگران تجاوز نشود. برای اولین بار در سال ۱۳۴۵، ضمن تصویب مواد ۹۸ تا ۱۰۱ الحاقی به قانون شهرداری این اختیار به شهرداریها داده شد تا نحوه استفاده از زمین و منطقه بندی شهر به کاربریهای مختلف و تراکم ساختمانی و محل تأسیسات عمومی را تعیین نموده، در طبقه بندی و تفکیک زمینهای داخل محدوده و حریم شهر دخالت و نظارت کنند و نقشه های تفکیکی را قبل از آنکه اقدام مثبتی نسبت به آنها انجام شود، مورد رسیدگی و تصویب قرار

دهند و یا در مورد احداث ساختمان، با توجه به کاربری ها و تراکم های تعیین شده پروانه ساخت صادر و در اجرای ساختمان، بر اساس ضوابط و شرایط مقرر کنترل و نظارت اعمال نمایند.

مالکیت دولتی زمین در ایران

طبق موازین اسلام و قوانین مدنی موجود که بر اساس شرع مقدس اسلام تهیه شده، زمین موات ملک کسی شناخته نمی شود و در اختیار دولت اسلامی است. بر این اساس اراضی موات، جنگل و مراتع طبیعی، کوهها، تپه ها، رودخانه ها و دریاها و دریاچه ها و راهها همه در اختیار دولت است. این مهم در سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۱۰ در قوانین کشور تصریح شده بود (هاشمی، ۱۳۷۴، ص ۶۹۸). با وجود اینکه بخش وسیعی از زمینهای غیر معمور که قبلاً احیاء شده و به عنوان ملک شخصی افراد به ثبت رسیده زمینهای در اختیار دولت محسوب می گردد، برای اولین بار دولت از حق خود در مواجهه با مشکلات زمین شهری استفاده کرده و در سال ۱۳۳۱ در زمان نخست وزیری مصدق، طبق اختیارات مجلس وقت و مطابق بلامایحه قانون ثبت اراضی اطراف شهر تهران، در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۱ و سپس لایحه قانونی ثبت اراضی موات سایر شهرها که در تاریخ ۳ شهریور ماه ۱۳۳۱ مورد تصویب قرار گرفت، بخشی از زمینهای دولتی را تملک کرده و مطابق نیاز به مصرف رساند. به موجب لوایح مذکور، که بعداً در سال ۱۳۳۴ با یکدیگر تلفیق گردید و به تصویب کمیسیونهای مشترک دادگستری مجلسین رسید، مقرر شد از آن تاریخ به بعد تقاضای ثبت نسبت به اراضی بایر بلامالک و موات در اطراف شهرها تا شعاع معین از کسی پذیرفته نشود و دولت مکلف گردید نسبت به اراضی مذکور درخواست ثبت نموده، سند مالکیت دریافت کند. در این لوایح قانونی، تکلیفی برای ثبت اراضی موات خارج از محدوده و اطراف دورتر شهرها توسط دولت تعیین نشده بود، لذا دست اندازی زمین خواران به اراضی مذکور همچنان مدتها ادامه یافت. بر این اساس، دولت در ایران نقش مهمی در مالکیت زمین به طور عام و مالکیت زمین شهری به طور خاص بازی می کند و بخش عمده ای از زمینهای عرضه نشده در

شهرها به ویژه شهرهای بزرگ، توسط دولت و از زمینهای تحت تملک خود انجام گرفته است.

سیاستگذاری عرضه زمین شهری در ایران و تحول آن زمین به عنوان نقطه شروع هرگونه توسعه شهری اعم از مسکن، صنعت، خدمات اجتماعی، ارتباطات و تأسیسات زیربنایی دارای اهمیت فراوانی است و هر قطعه زمین، بدلیل انحصاری و استثنایی بودن آن نسبت به سایر قطعات و به طور کلی به علت محدودیت عرضه، بسیار ارزشمند است. لذا هر شخص حقیقی و حقوقی که زمین را کنترل کند، کنترل دارائی بالقوه سودآوری را در دست دارد. سؤال اساسی اینست که تصمیم در مورد نحوه استفاده از زمین و کنترل آن بایستی توسط دولت و دیگر نهادهای رسمی گرفته شود یا به بخش خصوصی واگذار گردد و میزان مداخله دولت تا چه حدی باید باشد؟ از سویی دیگر، مالکان خصوصی زمین شهری نیز از خدمات دولتی سود سرشماری می‌برند. به همین کیفیت، ضوابط و مقرراتی که در مورد نحوه استفاده از زمین (کاربری‌ها و تراکم) وضع می‌گردد، می‌تواند به سود یا زیان مالکین اراضی باشد. در نتیجه بازگشت بخشی از سود ناشی از سرمایه‌گذاری یا تدوین ضوابط مقررات توسعه شهری به بخش عمومی و پرداخت خسارات ناشی از اجرای ضوابط مذکور به مالکین که در این راه دچار خسارت می‌گردند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ماجدی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰). برای بررسی سیاستهای زمین شهری در ایران می‌توان آنها را در مقاطع مختلف زمانی، به شرح زیر تفکیک کرد:

سیاست زمین شهری قبل از سال ۱۳۴۵

سیاست زمین شهری قبل از سال ۱۳۴۵، با تصویب قانون اصلاح بخشی از مواد و الحاق چند ماده به قانون شهرداری تحول تازه‌ای یافت. اما قبل از آن در سال ۱۳۰۶ و ۱۳۱۰ مالکیت اراضی موات، جنگلها، دریاها و دریاچه‌ها، راهها، رودخانه‌ها و تپه‌ها با تصویب قوانین مربوطه در اختیار دولت گذارده شد و اشخاص حقیقی و حقوقی برای تصرف و تملک آن، ملزم به دریافت سند از دولت شدند. این قوانین بستر مناسبی برای تأمین و تملک

زمین در اقصی نقاط کشور از جمله حواشی شهرها برای دولت بوجود آورد. اما تملک اراضی موات توسط دولت، برای اولین بار در سال ۱۳۳۱ صادر شد. در این راستا، ابتدا لایحه قانونی ثبت اراضی موات اطراف شهر تهران در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۱ و سپس لایحه قانونی ثبت اراضی موات سایر شهرها در تاریخ ۳ شهریور ماه ۱۳۳۱ مورد تصویب مجلس وقت قرار گرفت. از آن زمان به بعد مقرر شد، تقاضای ثبت نسبت به اراضی بایر بلا مالک و موات در اطراف شهرها تا شعاع معینی از هیچکس پذیرفته نشود و دولت مکلف گردید، نسبت به اراضی مذکور درخواست ثبت نموده، سند مالکیت دریافت کند. در این لوایح قانونی، تکلیفی برای ثبت اراضی موات خارج از محدوده و نقاط دورتر در اطراف شهرها توسط دولت تعیین نشده بود، لذا دست درازی زمین داران به اراضی مذکور همچنان مدتها ادامه پیدا کرد. دومین مرحله اقدام دولت در تملک اراضی بایر بلا مالک و موات در سال ۱۳۴۱ اتفاق افتاد. در این سال با تصویب قانون ملی شدن جنگلها و مراتع کشور، نفوذ دولت بر اراضی موات، جنگلها، مراتع و اراضی مواتی که قبلاً توسط اشخاص به ثبت رسیده و سند مالکیت بنام آنها صادر شده بود، تحقق پیدا کرد و بعد از آن با تصویب قوانین دیگر، از جمله اصلاحیه‌های قانون مذکور و قانون مربوط به اراضی ساحلی تکامل بیشتری یافت (میرعلی کتولی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵).

سیاست زمین شهری بین سالهای ۵۷-۱۳۴۵

در این دوره ۱۲ ساله، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در پی ریزی سیاست زمین بدست آمد و اقدامات چندی صورت گرفت. این اقدامات چندان نارسا و ناکارا بود که روز به روز بر قیمت زمین و مسکن و به تبع آن بر مال الاجاره و هزینه مسکن افزوده شد. افزایش این هزینه‌ها، قیمت سایر کالاها و خدمات رانیز تحت تأثیر قرار داد و روز به روز زندگی برای طبقات مستضعف و حقوق بگیران و کسانی که دارای درآمد ثابتی بودند، مشکلتر و دامنه تورم و گرانی را گسترده‌تر می‌ساخت. با این وجود، در این دوره سیاست‌های بسیاری توسط دولت به معرض آزمودن و خطا گذاشته شد که به بررسی اجمالی آن می‌پردازیم: از



جمله سیاستی که در ادامه سیاستهای دوره قبل بود، سیاست سلب مالکیت بود. ماده یک قانون تملک زمینها مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹، به دولت اجازه داد برای اجرای برنامه‌های شهرسازی و خانه‌سازی، زمینها را به صورت تشخیص ضرورت با پرداخت بهای عادلانه، تملک و تصرف نماید. ماده ۱۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷ به شهرداری اجازه داد، برای هریک از طرح‌های نوسازی و عمران، ایجاد تأسیسات شهری و احداث و اصلاح معابر املاکی را که در معرض عملیات قرار می‌گیرند، تصرف و بهای آن را طبق ارزیابی بپردازند. ماده ۲۲ این قانون به شهرداریها اجازه می‌دهد، املاک تملک شده را به منظور نوسازی در اختیار شرکتها و موسسات قرار دهند و ماده ۳۱ نیز اجازه تملک اراضی مورد نیاز بین محدوده ۵ ساله و ۲۵ ساله را می‌دهد. پس از آن، قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ ملاک و ترتیب تعیین قیمت عادلانه را مشخص نمود. در مجموع سه قانون مذکور، اجازه تملک اراضی مورد نیاز را به دولت داده است. اما در عمل، اقدامات دولت در حد تملک اراضی کوچک، محدوده ماند و تملک اراضی وسیع به دلایلی از قبیل مشخص نبودن نام مالک یا نشانی او، فشار مالکین بزرگ عملی نشد. تصویب قانون نوسازی فوق الذکر را می‌توان در زمره سیاست از نوع کنترل نحوه استفاده از زمین نیز دانست. زیرا این قانون تهیه طرحهای جامع و تعیین محدوده شهرها را اجباری اعلام نمود. تعیین محدوده شهری، آهنگ ترقی قیمت زمین را با کاهش عرضه اراضی با توجه به رشد فزاینده تقاضا بسرعت افزایش داد. اگرچه چنین کنترلهایی بر نحوه مصرف زمین از نظر برنامه‌ریزی شهری لازم می‌باشد، اما طرحهای جامع باید با توجه به امکانات و احتیاجات و دورنگریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته و با شناخت کامل سنت‌ها و فرهنگ مردم باشد. در عمل نیز، ضوابط و مقررات آن باید در کلیه برنامه‌ریزی‌ها و عملیات رعایت گردد. در صورتی که طرحهای جامع تهیه شده عمدتاً فاقد این ویژگیهاست. افزایش قیمت زمین در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰، باعث گردید بار دیگر دولت برای مبارزه با بورس بازی و گرانی زمین، در دیماه ۱۳۴۳ لایحه قانونی معاملات اراضی شهری را پیشنهاد

کند. قانون فوق که در سال ۱۳۴۵ به تصویب رسید، معامله بیش از یکبار برای اراضی شهری را ممنوع اعلام کرد. این قانون به مالک اجازه می‌دهد، فقط یکبار زمین را بفروشد و خریدار بعدی ناچار به احداث ساختمان متناسب در زمین است، مگر اینکه زمین به دولت یا شهرداریها فروخته شود. این قانون اگرچه در صورت اجرای صحیح می‌توانست از معاملات مکرر جلوگیری نماید، اما از احتکار زمین جلوگیری نمی‌کرد در نتیجه این قانون نیز نتوانست از افزایش قیمت زمین جلوگیری کند. بر اساس اطلاعات موجود، قیمت زمین در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۴۵ حدود ۲۸ درصد و در سال ۱۳۵۵، ۷۸ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته و در نیمه دوم این سال، شتاب رشد بیشتر شده و ظرف ۶ ماه ۴۳ درصد بر قیمت زمین شهری افزوده گشت. لذا در سال ۱۳۵۶ لایحه‌ای برای تعدیل و تثبیت نسبی قیمت زمین تهیه و به تصویب رسید. این لایحه تا حدی سبب کاهش قیمت زمین شد، به طوری که بر اثر اجرای آن و سایر عوامل در نیمه دوم سال ۱۳۵۶ شاخص قیمت زمین ۱۴/۴ درصد نسبت به نیمه اول سال مذکور کاهش یافت.

در بررسی و ارزیابی سیاستهای زمین شهری قبل از انقلاب به نارسائی‌های بسیاری بر می‌خوریم:

۱) در قانون ملی شدن جنگلها و مراتع کشور، تکلیف صریحی برای اراضی موات و بایر بلاصاحب واقع در خارج محدوده و حریم شهرها تعیین نگردیده است. بر این اساس، در حالیکه بسیاری از اراضی موات مجاور و متصل به شهرها که قبلاً تفکیک و منطقه‌بندی شده و چه بسا چندین بار دست به دست گشته و آماده ساخت و ساز بود، بعنوان مرتع ملی اعلام و مورد تصرف دولت قرار گرفت. لکن در همان زمان، اراضی موات نقاط دورتر و در فاصله بسیار زیاد از شهرها مورد تفکیک و معامله و خرید و فروش قرار می‌گرفت.

۲) برای احیاء و بهره‌برداری از اراضی موات و بایر بلاصاحب یا مراتع و جنگلها ترتیبی عملی و منطقی در نظر گرفته نشده بود.

۳) محدوده‌های خدماتی شهرها که احداث ساختمان در داخل آنها مجاز اعلام شده است، بسیار تنگ نظرانه و با وسعت کم تعیین می‌گردید. احداث ساختمان در

محدوده استحفاظی (حریم شهرها) ممنوع شناخته شده بود. در نتیجه عرضه زمین آماده برای ساخت و ساز تکافوی تقاضای بسیار وسیع و نامحدودی که همواره در این مورد موجود است، نمی‌شود. این امر موجب می‌گردد که روز به روز بر قیمت زمین و مسکن افزوده شود.

سیاست زمین شهری بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ سیاستهای زمین شهری از سال ۱۳۵۷ به بعد دستخوش تحولات بسیار گردید. نقش منفی‌ای که بزرگ مالکین و احتکارکنندگان زمین شهری در افزایش قیمت زمین در سالهای قبل از انقلاب ایفاء نموده بودند، بعنوان یکی از موانع اصلی در راه ساخت مسکن برای گروههای مختلف مردم به ویژه اقشار کم درآمد قلمداد گردید و لزوم آن، برای حل مشکل مسکن در شهرهای کشور مورد توجه قرار گرفت. در این راستا، دواصل مهم در تغییر الگوی مالکیت زمین شهری بکار گرفته شد. اصل اول بر پایه عمومی بودن مالکیت اراضی موات استوار بوده و اصل دوم بر پایه حق استفاده از زمین توسط افراد، تا زمانی که از آن بهره‌گیری و استفاده می‌گردد و بازگشت زمین به مالکیت عمومی، در صورت بلا استفاده نگاه داشتن آن توسط مالک یا مالکین استوار می‌باشد. با این دیدگاه، اولین اقدام عملی، تقسیم زمین‌های تحت تملک دولت توسط بنیاد مسکن و سایر نهادهای انقلابی بود. اگر چه این اقدام همراه با سایر شرایط موجود موجب تامین مسکن برای عده قابل توجهی از افراد کم درآمد گردید، اما موجب کاهش قیمت زمین شهری نیز شد. چنانچه آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد، قیمت زمین ساختمانهایی که شروع به عملیات ساخت و ساز در آنها شده، در سال ۱۳۵۷ نسبت به سال ۱۳۵۶، معادل ۲۰/۸ درصد تنزل یافته و در سال ۱۳۵۸ نیز نسبت به سال قبل ۴۱/۳ درصد کاهش یافته است. لکن، عملاً درصد قابل ملاحظه‌ای از زمینها به افرادی واگذار شد که استحقاق دریافت آنها نداشتند و حتی قطعاتی از آن برای مصارف غیر مسکونی اختصاص یافت. همچنین این مساله، سبب تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها و بالاخص تهران شد و خانه‌سازی بدون برنامه در خارج از محدوده شهرها، مشکلات بسیاری را از نظر تامین تاسیسات و

تسهیلات شهری و به خصوص آب و برق ایجاد نمود. با توجه به مشکلات ایجاد شده، به دستور دولت واگذاری زمین و خانه در تهران قطع گردید. بنیاد مسکن از بدو تأسیس تا پایان سال ۱۳۵۹، جمعاً حدود ۷۸ هزار قطعه زمین واگذار نمود (گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۵۹ بانک مرکزی). بر اساس این قانون، کلیه اراضی موات شهری ملی گردید و فقط به کسانی که یک قطعه زمین کوچک برای سکونت شخصی خود تهیه نموده و فاقد منزل مسکونی بودند، حداقل سه سال مهلت برای عمران زمین داده شد. در آئین نامه اجرایی این قانون، مساحت زمین برای شهرهاییکه مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵ بیش از دویست هزار نفر جمعیت داشته‌اند، ۱۰۰۰ متر مربع و برای شهرهاییکه جمعیت آنها کمتر از ۲۰۰ هزار نفر بود، ۱۵۰۰ متر مربع بوده است. از آنجا که در مورد زمینهای بایر بین فقهای اسلامی اختلاف نظر وجود داشت، پس از بررسیها و کسب نظرات علما، در آئین نامه‌ای که در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۲ به تصویب هیات وزیران رسید، زمین موات این گونه تعریف شده است: زمینی که معطل مانده و عمران و آبادی در آن به عمل نیامده باشد. شرایط احیاء و عمران زمینها نیز مشخص گردید. طبق این قانون، همچنین مقرر شد زمینهایی که به این ترتیب به تصرف دولت در می‌آید، تفکیک و بر اساس طرح تفصیلی منطقه مربوطه در اختیار متقاضیان برای احداث مسکن و ساختمان قرار گیرد. قانون اراضی شهری مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۰ و آئین نامه اجرایی آن، از جمله دخالتهای دولت در امر مالکیت زمین شهری محسوب می‌گردد. در این قانون اراضی موات عبارتند از: «زمینهایی که سابقه عمران و احیاء نداشته باشند» و اراضی بایر شهری «زمینهایی است که سابقه عمران و احیاء داشته و بتدریج به حالت موات برگشته است. اعم از آنکه صاحب شخصی داشته یا نداشته باشد.» کلیه زمینهای موات شهری در اختیار دولت جمهوری اسلامی است. به این ترتیب، ملی شدن زمینها به اراضی موات محدود شده و اراضی بایر بعنوان اراضی مسبوق به احیاء (با توجه به اینکه آنچنان که قبلاً گفته شده، در مورد اراضی موات بسیاری گواهی‌هایی مبنی بر احیاء در پروژه‌های ثبتی حتی با توسل به غرس



چند شاخه خشک وجود دارد) مشمول ملی شدن قرار نگرفت. دولت بتدریج زمینهای موات را در اختیار گرفته و با خریداری زمینهای بایر به قیمت منطقه‌ای، ذخیره‌کافی زمین برای واگذاری در اختیار داشت. مواد ۶۵، ۶۶ و ۶۷ آئین نامه اجرایی قانون اراضی شهری، ضوابط و اولویت واگذاری به اشخاص حقیقی و حقوقی، اعم از مصارف شخصی و یا احداث برای فروش و همچنین شرکتهای تعاونی مسکن را مشخص می‌کرد. زمین بر اساس ماده ۶۷ و ضوابط تعیین شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی، برای احداث حداکثر ده واحد مسکونی به طور موقت به سازنده و اگذار شده و انتقال قطعی زمین پس از پایان کار و از طریق معرفی خریداران واحدهای مسکونی توسط شرکت عامل به سازمان زمین شهری به خریداران صورت می‌پذیرد. در مقابل واگذاری زمین با نرخ دولتی به سازنده، درصدی از کل واحدهای مسکونی با قیمت هایی که از طرف سازنده در مناقصه پیشنهاد شده، جهت فروش به متقاضیان حائز شرایط که توسط شرکت عامل تعیین می‌گردد، واگذار می‌شود. بقیه و واحدهای مسکونی در اختیار سازنده خواهد بود تا به طور آزاد بفروش رساند. با توجه به مطالب فوق، تا سال ۱۳۶۴، سیاستهای توسعه زمین شهری در ایران بر مبنای مالکیت عمومی زمین بود. سیاست توسعه زمین شهری بعد از آن تاریخ، برای پاسخگویی به توسعه دهندگان زمینهای عمومی، به ویژه در آماده‌سازی زیر ساختها بود که مالکیت عمومی زمین، نقش کلیدی در فرآیند توسعه فوق ایفاء می‌کرد. نکته مثبت سیاستهای زمین شهری بعد از سال ۱۳۶۴، تکیه بیشتر بر همیاری و مشارکت مردمی در پروژه‌های آماده سازی در شهرها بود. با توجه به تجربیات ناشی از اجرای سیاست آماده‌سازی زمین، تحولاتی به ویژه در تمرکززدایی مدیریت اجرای پروژه‌ها و تفویض اختیارات برای واگذاری قطعات با خدمات آماده شده به متقاضیان، دستگاهها و سازمانهای ذیربط استانی پدید آمد و مشکلات عرضه زمین دولتی را تا حدودی کاهش داد، اما بی‌عدالتی‌های بسیاری را به دنبال داشت. به سبب ناکارایی سیستم فوق، سیاست و اگذاری زمین جای خود را به سیاست و اگذاری مسکن توسط وزارت مسکن و شهرسازی داد. سیاست فوق که به

نظر می‌رسد آخرین سیاست در بخش عرضه زمین شهری باشد، معطوف به ساخت مسکن و واگذاری اجاره‌ای آن به شرط تملیک، با تاکید بر خانه دار شدن اقشار کم درآمد و جوانان است. مدت زمان زیادی از زمان اجرای این برنامه نگذشته تا ارزیابی ما را آغشته به پیش داوری نسازد.

ارزیابی سیاست‌های زمین شهری بعد از انقلاب پس از انقلاب اسلامی، قوانین و سیاستهای متعددی در رابطه با زمین شهری تدوین، تصویب و به اجرا درآمدند. از آن جمله می‌توان به قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری (سال ۱۳۵۸)، قانون اراضی شهری (سال ۱۳۶۰)، قانون زمین شهری (سال ۱۳۶۶) و آئین نامه‌های اجرایی مربوطه اشاره کرد. عمده‌ترین بعد قوانین فوق تملک وسیعی از اراضی شهری توسط دولت بود. این اراضی عمدتاً اراضی موات برون شهری و حاشیه شهری بودند که تأثیر بسزایی در گسترش کالبدی شهرها داشتند. در بعد تشکیلات، ارگانهای ویژه‌ای جهت اجرای این قوانین شکل گرفتند که عمده‌ترین آنها سازمانهای عمران اراضی شهری استانها و سازمان زمین شهری را شامل شده و تقریباً شهرهای ایران دارای ادارات و شعبات محلی بودند. از جمله اهداف عمده قوانین فوق را می‌توان در تأمین زمین برای مسکن و خدمات عمومی و نیز مهار بورس بازی زمین دید. سایر نکات عمده این قوانین، محدود کردن مالکیت زمین برای مالکین و جلوگیری از معاملات زمین (بجز با دولت) بوده است. از عمده‌ترین نقاط قوت و اثرات مثبت اجرای قوانین فوق می‌توان به تأمین زمین برای مسکن همراه با تأمین زمین برای تأسیسات و تجهیزات شهری، نظیر شبکه‌های ارتباطی، واحدهای آموزشی-درمانی، اداری، فضای سبز و ورزشی اشاره کرد. قبل از تصویب و اجرای قوانین فوق، تأمین زمین برای خدمات اشاره شده از عمده‌ترین مسائل اجرایی طرحهای توسعه شهری بود و در این راستا، مالکیت بخش خصوصی از موانع عمده به شمار می‌رفت. در اینکه بعد از انقلاب سیاستهای زمین شهری، تحول اساسی در مالکیت زمین، واگذاری و تخصیص، انتقال و قوانین و دستور العملها بوجود آمده، تردید وجود ندارد. در این دوران، علیرغم واگذاری وسیع زمین،

توسعه زمین شهری با مشکلاتی مواجه بود. توزیع و واگذاری حجم وسیعی از زمینهای بدون آماده‌سازی توسط زمین شهری، آینده شهرها را با گسترش و بسط وسیع، بدون زیر ساختها یا ملاحظات زیست محیطی مواجه ساخت، که منجر به آلودگی ناشینی در شهرها گردید. پاسخ مستقیم به افزایش تقاضای مسکن و نیاز به توسعه پایدار، گسترش زمین و زیرساختها را لازم داشت. با توجه به الزام فوق، رفته رفته سیاستهای جدید بر آماده‌سازی زیرساختها تأکید کردند. مشکل اساسی این سیاست نیز، تأخیر بیش از اندازه در عرضه و همچنین پیچیدگی و تمرکز بیش از حد در نحوه واگذاری بود که تا قبل از اتخاذ سیاست جدید و تأکید بر عرضه مسکن بجای زمین و فروش زمین به قیمت آزاد، مشکلات فوق همچنین ادامه داشت. حاصل چنین مشکلاتی، واگذاری مکرر زمین به برخی از افراد به واسطه فساد اداری و یا فقدان اطلاعات منسجم، قابل دسترس و جامع بود. همچنین عدم پوشش به حجم وسیعی از متقاضیان زمین شهری که عمدتاً از اقشار متوسط و ضعیف جامعه بودند و در نتیجه انتقال تقاضاهای مؤثر اما ناکام در بازار رسمی، به سوی بازار غیر رسمی بود که ساخت و ساز غیر رسمی را بیش از حد تصور رونق داد. اجرای سیاستها و قوانین زمین شهری منجر به گسترش شهری سریع در سطح کشور گردید. شاید بتوان گفت بخش عمده‌ای از اراضی مورد تملک و واگذاری در داخل محدوده قانونی شهرها بود. اما با توجه به سرعت واگذاری امر گسترش شهری بسیار زودتر از زمان پیش بینی شده در طرحهای مصوب شهری اتفاق افتاد. از ابتدای انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۴، طرحهای واگذاری زمین توسط سازمانهای عمران اراضی و سازمان زمین و گسترش شهری در مقطع زمانی فوق الذکر، می‌توان به مواردی نظیر ضعف برنامه ریزی، دیدگاه کمی و مسائل تشکیلاتی اشاره کرد که تحلیل خلاصه آنها در ذیل می‌آید:

۱) یکم: برنامه ریزی و طراحی مناطق مسکونی جدید به طور جامع صورت نمی‌گرفت. شاید بتوان گفت که با توجه به تقاضای بالا از یک طرف و توزیع گسترده زمین از سوی دیگر، اصولاً فرصت کافی برای برنامه ریزی و طراحی

وجود نداشت.

۲) دوم: توزیع و تأمین سرپناه در اولویت اول اهداف و انگیزه فعالیتهای سازمان زمین شهری بود. در اینجا لازم است بین تعریف سرپناه و مسکن تفاوت قائل شد. سرپناه می‌تواند خانه‌ای باشد که از نظر فیزیکی، نیازهای اولیه انسان در داخل فضای کالبدی آن را پاسخ دهد. این سرپناه می‌تواند در داخل محدوده فیزیکی خود سایر نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را نیز پاسخگو باشد. اما در اینجا رابطه واحد مسکونی و محیط مسکونی مطرح می‌شود. در این صورت ضروری است سرپناه و خانه با محیط بیرونی خود ارتباط منطقی برقرار نماید. برای مثال زیرساختهای بیرونی خانه می‌باید تأمین شده و ارتباط فضایی خانه با محیط اطراف در شرایط مطلوب برقرار باشد. طراحی واحد همسایگی، محله، ناحیه و شهر نیز در قالب اصول و ضوابط قابل قبول و تعریف شده‌ای صورت پذیرد. بر این اساس می‌توان گفت که عملکرد واگذاری زمین تا قبل از اجرای سیاست آماده‌سازی زمین فاقد دیدگاه مذکور بوده است.

۳) سوم: تشکیلات برنامه ریزی و طراحی اراضی مورد واگذاری در سطحی بسیار محدود بود. اکثریت پروژه‌های مسکونی و حتی پروژه‌های بزرگ، توسط نیروهای داخلی شاغل در سازمان زمین شهری که در سطح محدود کمی و کیفی بودند، برنامه ریزی و طراحی می‌شد. طراحی پروژه‌های کمتر از یکصد قطعه مسکونی در سطح محلی انجام می‌گرفت و مسئولیت طراحی پروژه‌های بیش از یکصد واحد با دفتر مرکزی سازمان زمین شهری در تهران بود. (عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۳۵-۲۴).

مجموعه عوامل فوق باعث می‌گردید تا طرحهای تهیه شده نه تنها از کیفیت بسیار پایین برخوردار باشند، بلکه عمدتاً ناقص نیز به اجرا درآیند. برای مثال باید گفت تهیه طرحهای تفکیک و آماده سازی زمین شامل دو مرحله است که در مرحله اول نقشه‌های کاربری و شبکه معابر تهیه شده و مرحله دوم نقشه‌های اجرایی و جزئیات را شامل می‌شود. در حالیکه تهیه مرحله دوم هر پروژه مسکن و زمین شهری از مراحل اساسی و تأثیرگذار در بسیاری از ابعاد بود، این مرحله از طرح غالباً تهیه نمیشد. برای مثال، عدم تعیین بر و کف در مرحله



واگذاری زمین باعث می‌گردد تا پس از ساخت و ساز مسکن و در زمان احداث شبکه‌های معابر، واحدهای مسکونی ساخته شده با مشکلات جدی فنی و بعضاً جبران ناپذیر مواجه گردند. مسئولیت تهیه جزئیات طراحی به عهده آیندگان و عمدتاً بر دوش شهرداریها گذاشته می‌شد.

بررسی و ارائه یافته‌های تحقیق

بررسی تاثیر و نقش نهادهای رسمی در فرایند تامین زمین و مسکن شهری شهری، محور اصلی بحث در این پژوهش است. بر اساس این محور، مکانیسم عملکرد نظام بازار زمین شهری و تاثیر آن بر پایداری شهری در عرصه‌های توسعه به عنوان موضوع اصلی این تحقیق بشمار آمده و سوالات زیر را مطرح ساخته است: سیر تحول زمین شهری در ایران چگونه بوده است؟ در ایران نهادهای رسمی زمین شهری به منظور تامین مسکن چه نقشی را داشته و دارند؟ مشکلات موجود در سیستم عرضه زمین شهری، در تمام کشور به طور عام چیست؟ این پژوهش برای پاسخ به این سوالات و نیل به اهداف اصلی تحقیق، وجود عدم تعادل در بازار زمین شهری را با ناکارایی دولت در فرآیند عرضه زمین شهری مرتبط دانسته و لذا آن را از این زاویه تحلیل می‌کند. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق بر این مفهوم استوار است که: ناکارایی بخش دولتی در تامین زمین مناسب و مطلوب برای همه طیفهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه شهری، نه تنها ظهور بازار غیررسمی زمین شهری را موجب شده، بلکه باعث شکل‌گیری محلات ناپایدار در نواحی مختلف شهر بویژه در محورهای توسعه‌گردیده که این مساله موجب عدم تحقق توسعه پایدار شهری با توجه به چهارچوب و ضوابط آن شده است. بر مبنای چنین فرضی، دولت به مفهوم اجرایی و مدیریتی آن، ناظر اجرای قوانین و دستورالعملها بوده و دخالت مستقیم دولت در تملک و عرضه زمین شهری به مفهوم ابزار اجرایی آن محسوب می‌شود. از سویی متقاضیان زمین شهری در شهرها بگونه‌ای است که پاسخ‌گویی به نیاز آنها از توان دولت خارج است.

سیر تحول زمین شهری در ایران چگونه بوده است؟ بر اساس نتایج این پژوهش که به بررسی مالکیت زمین در ایران پرداخته، ابعاد و ویژگیهای مالکیت در بخشهای مختلف دولتی، خصوصی و مشاع تبیین شده است. بر این اساس طی یک قرن گذشته بدلیل نیاز روز افزون به کنترل منابع ملی بویژه زمین، نقش دولت در حفظ و تملک این منابع افزایش یافت. در این راستا و مطابق لوایح قانونی مصوب طی یک قرن اخیر دولت مالک کل اراضی موات، جنگلها و مراتع طبیعی، کوهها، تپه‌ها و رودخانه‌ها، دریاها و دریاچه‌ها و راهها شد (قوانین مصوب سال ۱۳۴۱ که در سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۱۰ نیز بر آن تصریح شده بود) مطابق قانون ثبت اراضی موات شهرها مصوب ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۱ و ۲ شهریور ماه ۱۳۳۱ و همچنین قانون تملک اراضی بایر بلامالک و موات سال ۱۳۴۱ و قوانینی که بعد از سال ۱۳۵۷ جمعاً به تصویب رسید، دولت رفته رفته سهم بیشتری در مالکیت زمین شهری بدست آورده و به توسط تملک قانونی زمینها و همچنین اجرای دستورالعملهای اجرایی و تعیین و تشکیل سازمان زمین شهری، نقش و جایگاه خود را در بازار زمین شهری تقویت کرده است. اجرای قوانین فوق اگرچه در تصرف منابع طبیعی و ملی باعث ایجاد محدودیتهایی برای مالکیت خصوصی بر زمین شده، اما اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ و بعد از آن باعث توسعه و گسترش مالکیت خصوصی گشته و بدین لحاظ مالکین خصوصی طی دهه‌های گذشته در بازار زمین شهری نقش بیشتری ایفا کرده‌اند. ضمن اینکه مالکیت مشاع بویژه زمینهای وقفی نیز در کنار دو نوع مالکیت فوق، برای تامین زمین شهری بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. بر این اساس، از یکسوقوانین مصوب کشور طی یک قرن گذشته و بویژه سه دهه اخیر دست دولت را برای تملک بیشتر زمینهای شهری و حواشی آن باز گذارده و سهم آن را در تملک زمین افزایش داده است. از سوی دیگر با توصیه سازمانهای جهانی بویژه سازمان ملل و ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و عدم استقبال بخش خصوصی در توسعه فضاهای عمومی و کاربری کم بازده اقتصادی که جنبه عام المنفعه دارند، دولت را برای دخالت بیشتر و ایفای نقش موثرتر در

بازار زمین شهری ترغیب نموده است. از ویژگیهای فرآیند واگذاری زمین توسط بخش دولتی می‌توان به: ۱. طولانی بودن زمان واگذاری بعضاً بیش از ۱۰ سال؛ ۲. عدم توجه به ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی متقاضیان؛ ۳. فرآیند پیچیده و غامض اداری در مراحل مختلف واگذاری؛ ۴. پرهزینه بودن؛ ۵. ناسالم بودن و تخلفات مکرر اداری؛ ۶. نامناسب بودن نواحی عرضه زمین دولتی؛ ۷. متراژ نامتناسب قطعات واگذار شده با وضعیت اقتصادی و اجتماعی متقاضیان؛ ۸. عدم پیش بینی کاربریهای مورد نیاز بخش مسکونی در مقیاس محلی؛ ۹. تراکم پایین ساختمانی؛ ۱۰. طراحی‌ها و تفکیکهای شطرنجی خشک و یکنواخت» اشاره کرد. این مشکلات خود باعث افت کیفیت عرضه زمین و عدم توجه و استقبال متقاضیان برای دریافت زمین از دستگاههای دولتی شده است. لذا علیرغم میل دولت، نقش و جایگاه سیستم دولتی در عرضه زمین طی سالهای گذشته با موفقیت روبرو نبوده و کارآیی نامناسب و وضعی داشته است.

در ایران نهادهای رسمی زمین شهری به منظور تامین مسکن چه نقشی را داشته و دارند؟ در ایران با تأسیس بانک رهنی در سال ۱۳۱۷، دولت بتدریج در بخش مسکن بطور مستقیم حضور پیدا کرده است. مشکل مسکن علیرغم توجه دولت، به دلیل افزایش تقاضا در پی رشد بی‌رویه جمعیت و مهاجرت به مراکز و شهرهای بزرگ حتی بعد از انقلاب نیز ادامه یافته است. از همان ابتدا سیاست تشویق به امور صرفه‌جویانه در مسکن در برنامه‌های توسعه مسکن قرار داشته است. از جمله اقداماتی که برای تشویق مردم به کوچک‌سازی صورت گرفته است، می‌توان به تخفیف‌های مالیاتی - سوبسید و غیره اشاره کرد. در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ احداث واحدهای مسکونی از نظر کمی در مناطق شهری افزایش یافت، اما از حجم سرمایه‌گذارها در بخش مسکن کاسته شد. علت را می‌توان در کاهش سطح زیر بنا جستجو کرد. در این سالها فعالیتهای ساختمانی رونق یافت. بخش خصوصی در تولید مسکن مشارکتی فعال داشت. علت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه مسکن را میتوان

سوق دادن سرمایه‌های بازار تولید و خدمات به این بخش دانست. بطور کلی پس از پیروزی انقلاب، طرحها و برنامه‌های بخش مسکن با همان ویژگی‌های قبلی و بدون پیش بینی‌های لازم در بخش مسکن در فاصله سالهای ۵۷ تا ۵۹ ادامه یافت. با توجه به اینکه طرح جدیدی جز مسکن‌سازی برای مستضعفان به اجرا در نیامد، می‌توان گفت که نارسایی‌ها و ناهماهنگی طرحها با نیازهای واقعی همچنان ادامه یافت. عواملی از قبیل عدم اجرای کامل قانون لغو مالکیت اراضی موات، کاهش عرضه زمین در شهرهای کوچک و متوسط، کاهش عرضه خانه‌های اجاره‌ای و اتخاذ بسیاری از سیاستهای نادرست باعث شد بهای مسکن از سال ۱۳۵۹ دوباره سیر صعودی پیدا کند. بررسی روند فعالیتهای ساختمانی و مسکن‌سازی پس از انقلاب نشان می‌دهد که:

- ۱) در سالهای اولیه پس از انقلاب به سبب بیرون رفتن از بورس بازی، خارج شدن بساز و بفروش‌ها از بازار مسکن، توقف معاملات مسکن و بی‌اطمینانی نسبت به آینده، بیشترین واحدهای مسکونی احداث شده جنبه شخصی داشته‌اند.

- ۲) بر اثر تحولات ناشی از انقلاب، متوسط سطح زیر بنای ساختمانها کاهش یافته و به هم نزدیک شد.
- ۳) فعالیتهای ساختمانی در شهرهای بزرگ همچنان از رونق برخوردار بود.
- ۴) مشکلات حقوقی و مالی مربوط به مجتمع‌های مسکونی ناتمام سبب شد که این بخش نتواند به موقع وارد بازار مسکن گردد.

وقوع انقلاب اسلامی فرصتی طلایی بود تا با بسیج نیروها و امکانات در سطح ملی بسیاری از معضلات کشور از جمله معضل مسکن را حل کند و ایران عزیز را به سوی استقلال و خودکفایی پیش برد. اما متأسفانه فقدان سیاستهای روشن و قاطع و استراتژیک در بعضی زمینه‌ها به ویژه مسکن، تصمیمات پراکنده و عجولانه و دخالتهای بی‌مورد و چندگانگیهای مراجع تصمیم‌گیری از سویی و شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ناشی از انقلاب، کمبود ارز و وقوع جنگ تحمیلی از سوی دیگر، سبب شد تا این فرصت طلایی و بی‌نظیر از دست برود. نتیجه، وخیم‌تر شدن وضعیت مسکن و افزایش بی‌سابقه



بهای آن بود. شاید مشکل اصلی مسکن در کشور مانا باشد از ساختار اقتصادی تحمیلی بر کشور باشد که در آن نیروها و امکانات کشور در بخشهای تولیدی کمتر به کار گرفته می شدند و بخشهای دیگر اقتصادی به ضرر بخش صنعت و کشاورزی بطور ناموزون رشد کردند. نتیجه قهری چنین وضعیتی چیزی جز مهاجرت روستائیان به شهرها، افزایش شهرنشینان، کاهش تولید و افزایش تقاضا بخصوص در بخش مسکن نخواهد بود. از اقدامات اساسی در زمینه مسکن پس از انقلاب، تصویب و اجرای قانون زمین شهری است. این قانون می توانست با نقش تعیین کننده خود چون اهرمی قوی بر عرضه و کنترل زمین های مورد نیاز بخش مسکن نظارت داشته باشد. لکن نابسامانی ها و نارسایی های اجرایی آن موجب شد تا نتواند نقش مناسب خود را ایفا نماید.

مشکلات موجود در سیستم عرضه زمین شهری در کل کشور

به طور کلی در سطح کشور در رابطه با زمین شهری و نحوه استفاده از آن مشکلات و مسایل ذیل قابل مشاهده هستند:

۱) «تملک زمین»: زمین به عنوان مبنای هرگونه ساخت و سازی اعم از مسکن، خدمات، فعالیتهای اقتصادی، صنعتی، ارتباطات و کلیه فعالیتهای زیربنایی و بعلاوه انحصاری بودن و خصوصیات مخصوص به خودش دارای ارزش زیادی است. زمین به خاطر مسائل ذکر شده به عنوان یک سرمایه منفعت زا جایگاه مناسبی پیدا کرده است و هرکس که قدرت و توان مالی بالاتری داشته احاطه بیشتری بر آن پیدا کرده است، از طرف دیگر سیاستهای مربوط به زمین باید اصولی و درازمدت باشد؛ چراکه مسائل مربوط به زمین را نمی توان براحتی تغییر داد. چون هرچه بر روی زمین احداث گردد، برای مدت طولانی پابرجا خواهد بود. حال بحث سر این مسئله است که زمین تا چه حد و در چه تملکی باشد: خصوصی یا دولتی. در بخش خصوصی موارد زیر دیده شده است:

- اولاً: در اکثر نقاط نرخ افزایش قیمت زمین به مراتب بیشتر از نرخ تورم است و بدین علت مالکین ترجیح می دهند زمینها را برای مدت طولانی بایر گذاشته و

هیچگونه ساخت و سازی روی آن انجام ندهند، و در مقابل این نیاز شدید به مسکن باعث ایجاد فشار بر روی دولت میگردد.

- ثانیاً: اکثر خدمات موجود در یک منطقه باعث افزایش قیمت زمین می گردد که این هزینه ها توسط دولت صورت می گیرد ولی سود به جیب مالک می رود (برق و آب و آماده سازی و...)؛ البته در بعضی مواقع محدودیتها و قوانین دولتی باعث کاهش قیمت زمین و یا کاهش سوددهی زمین می شود.

- از سوی دیگر در بخش دولتی نیز مشکل تملک زمین بدین صورت نمایان می شود که علاوه بر بوروکراسی شدید و زمان بر به منظور تملک در امر خانه سازی مالک اصلی زمین نیز مشخص نمی شود و در اکثر موارد خانوارها چندین سال در گرفتن سند مالکیت زمین و بنای خود سرگردان هستند.

۲) «عدم مرغوبیت زمین و تناسب کاربریها»: در عمل دیده شده، زمینهایی که توسط تعاونی های مسکن کارمندی و کارگری به مردم واگذار می شود، زمینهای بایر کشاورزی و یا زمینهایی هستند که در طرح تفصیلی شهر دیده نشده اند، متأسفانه تا به حال نیز در اکثر مناطق، مخصوصاً شهرهای کوچک، حومه شهر خیلی سریع و به شیوه بسیار قدیمی و سنتی شطرنجی تفکیک گشته است. از آنجایی که طرح درستی روی این مناطق پیاده نمی شود، کاربریهای خدماتی، درمانی و ورزشی و فرهنگی روی این زمین ها به چشم نمی خورد. و تمام افراد این مناطق حتی برای رفع نیازهای اولیه خود مبادرت به سفرهای درون شهری به بافت اصلی شهر می نمایند که ترافیک و مسائل عبور و مرور و بطور کلی ائتلاف انرژی بسیار بالایی صورت می گیرد. در حقیقت باید با یک نگرش صحیح و توجه درست به کاربری زمین سعی کنیم با ایجاد فرهنگ درست استفاده و طرح مناسب انبوه سازی مسکن را در ارتفاع داشته باشیم که هم زیربنای زیادی لازم نباشد و هم بتوان خدمات اولیه، درمانی، اقتصادی و ورزشی را در این مجموعه ها دید.

۳) «نامشخص بودن سیاستهای ساخت و ساز و بوروکراسی شدید»: در سیستم ساخت و ساز بدلیل مشخص نبودن سیاستها و تفاوت خط مشی های اعمال

شده اکثر اوقات استفاده‌کنندگان با سردرگمی زیادی مواجه‌گشته و اوقات زیادی را در راهروهای ادارات صرف می‌کنند؛ بطور مثال سیاستهای سازمان زمین شهری و مسکن و شهرسازی اغلب اوقات منطبق نمی‌باشد و در امر تفکیک و سند مشکلات عدیده‌ای بوجود می‌آید. بالا رفتن قیمت زمین و ضوابط ساخت و ساز امکان تهیه زمین و ساخت آنرا از اقشار متوسط و کم درآمد جامعه سلب کرده و بار این مشکل را به دوش دولت انداخته است، اما یکی از مشکلات اصلی دیگر بازار مسکن ایران کاهش نقش دولت در توسعه مسکن است. ما به عنوان یک کشور در حال توسعه در نظام اقتصادی بین‌المللی «حل» می‌شویم و لذا طبق نظام اقتصاد بازار و مکان‌گزینی آن، رتبه و موضع اقتصادی - سیاسی کشور، از سوی بازار بین‌المللی، مهمترین عامل سیاستگذار سوخت و ساز اقتصادی، تعیین می‌شود. در این حالت به واسطه برخورد با بازار جهانی و عدم دسترسی کافی به مهمترین تأسیسات زیربنایی یعنی جاده و بطور کلی صنعت حمل و نقل، سلسله مراتب شهری ما دچار اختلالاتی می‌شود که نتیجه آن بیماریهایی نظیر ماکروسفالی شهری است. برای چاره‌جویی و جلوگیری از چنین عاملی بخش رسمی و دولتی سیاستهای بخشی دیگری پی می‌ریزد که از آن جمله ارائه طرحهای مختلف شهری و منطقه‌ای، ایجاد شهرهای اقماری و... هستند که در همگی آنها و خصوصاً در مهمترین آنها یعنی در متروپولیتن این بدنه به کوچکترین توفیق دست نمی‌یابند و به همین روال برنامه‌ریزیهای جمعیتی، منطقه‌ای و امثال ذالک با موفقیت درخوری مواجه نمی‌شوند و دولت عملاً خود را از هرگونه نظم‌دهی و سیاستگذاری در سطح کلان برکنار می‌دارد.

۴) «تقاضای بالای مسکن»: تقاضای روزافزون مسکن از طرف اقشار کم‌درآمد و مشکل‌آچاره‌نشینی با توجه به ضعف توان اقتصادی این اقشار باعث گردید که گرایش مقامات مسئول کشور متوجه ساخت هرچه بیشتر مسکن گردد و به عنوان یکی از اهداف برنامه‌های پنج‌ساله مطرح می‌شود. اما در این بین دو عامل مانع رسیدن به این منظور وجود داشته و هنوز هم این عوامل برطرف نگردیده‌اند و عبارتند از:

الف) سهم زمین در قیمت ساختمان؛
ب) میانگین بالای سطح زیر بنای واحدهای مسکونی و عدم انعطاف پذیری آن.

در مورد سهم زمین، به طور مکرر گوشزد شده است که واگذاری زمین به اقشار کم‌درآمد و واجد شرایط چه از نظر شهرسازی و چه از نظر معماری سیاستی مضر است و خسارات فراوانی را در پی خواهد داشت. گرچه در چند سال اخیر مجتمع‌سازی و انبوه‌سازی مورد تأیید و تأکید مقامات مسئول قرار گرفته ولی هنوز سیاستی جدی که بتواند بنیان‌گذار یک روند جدیدی در نحوه استفاده زمین باشد، اتخاذ نگردیده است. یا به عبارت دیگر رابطه‌ها و تناسبهای تأمین مسکن بین بخش رسمی و غیر رسمی از یک سو و اقشار کم‌درآمد از سویی دیگر معکوس گردیده است. علاوه بر این موضوع محدودیت توان اجرایی دولت و نیز کندی جریان حل مشکلات تشکلاتی، تداخل وظایف و عدم هماهنگی دستگاههای برنامه‌ریزی و اجرایی در نتیجه عدم انسجام و جامعیت برنامه‌های سکونت و سیاستهای تأمین مسکن، عدم هماهنگی و همراهی این برنامه‌ها با سیاستها و برنامه‌های کل اقتصادی، اجتماعی و به ویژه سیاستها و برنامه‌های کنترل و هدایت مهاجرت‌ها در خور توجه می‌باشد.

۵) «ضعف تعاونیها و بخش خصوصی رسمی»: هم‌اکنون تعاونیها، تجمع گروهی با انگیزه استفاده از تسهیلات دولتی از قبیل زمین، وام، پروانه ساختمانی، انشعابات و مالیات است و دسترسی به هر کدام از تسهیلات فوق مشکلات خاص خود را دارد. انگیزه استفاده از تسهیلات در حقیقت سراب مشکلات است و عمده‌ترین آنها زمین است که عامل تعیین‌کننده و بقاء تعاونی می‌باشد. هم‌اکنون واگذاری زمین به تعاونیها بسیار محدود گردیده و تعاونیهای تشکیل شده در وضع نامعلومی قرار دارند. مدت زمان ساخت که اقتصادی بودن طرح را تعیین مینماید با عواملی مانند کسب پروانه ساختمانی، پایان کار، اتصال انشعابات، استفاده از وام بانکی و غیره بطول می‌انجامد و با تورم شتابان و افزایش دستمزدها و مصالح قیمت واحد را سنگین‌تر می‌کند و به نوبه خود در کندی پیشرفت کار اثر می‌گذارد. این مجموعه از



مشکلات و نابسامانیها زاینده فشار و سوء استفاده‌هایی است که گریبانگیر بسیاری از تعاونیها است. مشکل مسکن در حالی روز به روز شدیدتر می‌شود که حجم عظیمی از ثروت و سرمایه‌های بخش خصوصی تماماً در ساختمان سازی مسکونی به کار گرفته شده و گوی سبقت را از سرمایه‌گذارهای صنعتی و کشاورزی و حتی ساختمان سازی فضاهای فرهنگی، اجتماعی ربوده است. زیرا راه‌گریز ساختمان سازی مسکونی از موانع اداری و مالیاتی بسیار آسان و سود تضمین شده و زود بازده آن هم بیشتر می‌باشد. با وجود سرمایه‌گذاری انبوه بخش خصوصی در ساختمان سازی مسکونی که تولید ملی را به عقب انداخته مشکل مسکن هر روز شدیدتر می‌شود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

اصولاً ریشه‌های تاریخی برنامه‌ریزی، به وظایف عمومی دولت‌ها و تسهیل و توجیه دخالت آنها در امور سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورها به گذشته‌های خیلی دور برمی‌گردد، اما برنامه‌ریزی در مفهوم امروزی خود، بعنوان یک دانش کاربردی برای ساماندهی حیات اجتماعی، در اواخر قرن نوزدهم در غرب پدید آمد و در سراسر قرن بیستم، در ابعاد و صور مختلف، بسط و تحول پیدا کرد. در واقع فعالیت برنامه‌ریزی ابتدا به صورت «برنامه‌ریزی دولتی» شکل گرفت که ضرورتاً خصلتی اقتصادی، کلان، آمرانه و بوروکراتیک داشت. این گونه برنامه‌ریزی به طور کلی بر مبنای «حق حاکمیت انحصاری دولت»، استوار بود. بر پایه این نگرش چنین تصور می‌شد که مسئولان و مدیران سیاسی جامعه، بر اساس قوانین خرد در راستای منافع و خیر عمومی حرکت می‌کنند و بنابراین وظیفه برنامه‌ریزان این است که اهداف و تصمیمات آنان را در عمل به اجرا در آورند و عموم مردم نیز باید آن را به عنوان یک تکلیف قانونی و مطلوب برای کل جامعه بپذیرند. بر پایه این نگرش نقش اصلی برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزان عبارت بود از بررسی و تحلیل وضع موجود به شیوه‌ای علمی (استقرایی) و ارائه بهترین راه‌های اجرایی برای تحقق اهداف و مقاصد مسئولان و مدیران جامعه. این گروه برنامه‌ریزی به اعتبار

ماهیت نظری و روش‌های علمی خود معمولاً به «برنامه‌ریزی جامع» یا «برنامه‌ریزی عقلانی» معروف شده که برنامه‌ریزی شهری، نیز تا چند دهه اخیر، عمیقاً تحت تأثیر آن قرار داشته است. در ارزیابی عمومی تحولات برنامه‌ریزی شهری در طول قرن بیستم، می‌توان گفت که میان دو نیمه اول و دوم این قرن تغییرات اساسی و شگرفی روی داده، به نحوی که اینک در آغاز قرن بیست و یکم، مبانی و روش‌های برنامه‌ریزی شهری، از بنیاد دگرگون شده است. اگر در نیمه اول قرن بیستم، برنامه‌ریزی شهری بیش از هر عامل دیگر از رقابت کشورهای بزرگ، جنگ‌های بین‌المللی، کشاکش جهان دو قطبی و دخالت‌های وسیع دولتها در امور اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرفت، در دهه‌های آخر قرن، بیش از هر چیز تحت تأثیر گسترش دموکراسی، جنبش محیط زیست، توسعه پایدار، فروپاشی نظام دو قطبی، تغییر مفهوم و کارکرد دولت، توسعه جامعه مدنی، گسترش مشارکت عمومی و مانند اینها قرار گرفته است. در طول تاریخ، افزایش آگاهی‌ها و توسعه علوم و فنون، قدرت تسلط انسان را بر طبیعت افزایش داده و بر تحولات سکونتگاه‌های انسانی اثر مستقیم نهاده است. بر این اساس شکل‌گیری شهرها در گذشته تابع مستقیم شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع بوده است که تحت تأثیر خصوصیات محیط طبیعی، به صورت خود به خودی انتظام می‌یافته است. از سوی دیگر، استفاده از فن آوری و ابزار توسعه، امکان دستیابی به نظمی نوین، منطقی و از پیش اندیشیده شده و آگاهانه را بر اساس نیازهای جدید فراهم نموده است. بدین ترتیب نظریه‌ها و روش‌های گوناگون شهرسازی، به ویژه بعد از انقلاب صنعتی، همواره در جستجوی الگوهای مناسب نظم دهی مجدد شهرها و همگون با توسعه آتی آنها بوده‌اند. از نخستین حرکات برنامه‌ریزی و طراحی شهری برای کاهش تراکم، آلودگی و مشکلات ناشی از فشارهای توسعه در شهرهای صنعتی، هدایت گسترش و توسعه شهر بوده است. رشد شتابان شهری تأثیرات نامطلوب مستقیم و غیر مستقیم بر محیط طبیعی، شهر و جامعه داشته است. یکی از مهمترین ادله بروز مشکلات مربوط به توسعه‌های شهری، تک‌بعدنگری و یا عدم جامعیت

طرح‌ها و برنامه‌ها است. در ارتباط با توسعه زمین و پیش‌بینی‌های مربوط به نحوه کاربری اراضی، غالباً در طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به توسعه‌های شهری، مباحث محدودی از قبیل استفاده اقتصادی از زمین، تامین مسکن و زیرساخت‌های شهری مدنظر بوده و در برخورد با منابع محیطی نیز غالباً بعد اقتصادی آنها از جمله دایر بودن زمینهای کشاورزی و باغات و غیره مورد توجه قرار می‌گیرد. بدون شک، زمین عنصر اساسی در شکل‌گیری توسعه و گسترش شهرها و مسکن شهری است و بعبارتی زمین بستر و اولین گام توسعه شهر محسوب می‌گردد. کمیت و کیفیت عرضه زمین برای توسعه و گسترش شهر نقش بسزائی در توسعه هنجار یا ناهنجار شهری دارد. لذا برای توسعه مطلوب مسکن شهری، توسعه بهینه زمین شهری لازم است و توسعه مطلوب زمین شهر نیز وابسته به عرضه بهینه آن است. برای نیل به این منظور ابعاد و وجوه مختلف زمین شهری می‌بایست شناخته شود. زیرا زمین شهری پدیده‌ای چند وجهی است. زمین و مکانیسم عرضه آن متأثر از فضای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه است که این ابعاد برای شناخت موثر و دقیق آن باید تبیین شود. برخی به گونه‌ای که متقاضی زمین در بهترین نقاط شهری هستند و گروهی دیگر در محیطی متوسط. عده‌ای از ساکنین شهرها، بدون کمک دولت قادر به دریافت زمین برای ساختمان‌سازی نیستند عده‌ای دیگر خارج از حیطه عملکرد دستگاههای دولتی به زمین دسترسی دارند و راساً خود در چهارچوب قانون یا خارج از آن اقدام به تهیه زمین و ساخت مسکن می‌کنند. نیروهایی که این سلاقی، نیازها و عملکرد را جهت داده، هدایت و تقویت می‌کنند عبارتند از: ۱. دسترسی حداکثر به رانت اقتصادی زمین؛ ۲. تامین نیاز اولیه به سرپناه؛ ۳. واحدهای همسایگی همگن از حیث اجتماعی و اقتصادی؛ ۴. امنیت اجتماعی و سیاسی؛ ۵. اجبار» تقویت و تضعیف‌کننده این نیرو بطور یقین، دولت و ساختار اداری و سیاسی جامعه است. بنابراین برای شناخت عرضه زمین و همچنین توسعه شهری در این فرآیند علاوه بر شناخت کارکرد نیروهای فوق، باید به نقش سازمانها و نهادهای رسمی بعنوان شکل‌دهنده و

تقویت‌کننده این نیروها، توجه و تاکید شود. در عرضه زمین کارایی و عدم کارایی بخش رسمی جایگاه سرنوشت‌سازی دارد. هدایت درست یا نادرست نیروها و عوامل موثر در فرآیند عرضه و توسعه زمین شهری، به سیاستها و میزان کارایی دولت بستگی دارد، لذا در تحقیق حاضر از این زاویه به تحلیل عرضه زمین در ایران و شهر مورد بررسی توجه گردید. با توجه به تجارب جهانی و تحول دیدگاهها در عرصه کاربری زمین و مسکن، از یک طرف و با توجه به مسائل و تنگناهای موجود در روال برنامه‌ریزی زمین شهری در ایران، از طرف دیگر، می‌توان تغییر و تحولات عمده و اساسی را در زمینه تئوریک و عملی در سطح جهان مشاهده نمود که اهم آنها عبارتند از:

الف - تحول در مفهوم اقتصادی- اجتماعی زمین شهری؛

ب - تحول در مفهوم فیزیکی زمین و «کاربری فضا»؛

پ - اولویتهای جدید در کاربری زمین و سرانه‌ها؛

ت - تحول در ابزارهای اجرایی کاربری زمین؛ و

ث - ضرورت مشارکت بخش عمومی- خصوصی در برنامه ریزی شهری.

از آنجاکه برنامه‌ریزی کاربری زمین اصولاً با اهداف و منافع عمومی شهر و شهروندان سروکار دارد، همواره با مسئله مالکیت زمین و ماهیت اقتصادی- اجتماعی آن درگیر بوده است. سابقه قوانین و اقدامات مربوط به محدود کردن مالکیت اراضی شهری و تبدیل آن از یک کالای خصوصی به یک کالای عمومی به قرن نوزدهم در اروپا و آمریکا برمی‌گردد. به طور کلی در طول چند دهه گذشته، گرایش چشمگیری در جهت دفاع از زمین به عنوان یک منبع و ثروت عمومی پدید آمده که تا حدود زیادی اهداف و روشهای مربوط به نحوه استفاده از زمین و توزیع کاربریها را تغییر داده است. این تحول در دو راستای عمده صورت گرفته است: ۱. گسترش مالکیت عمومی از نظر حفاظت محیط و توسعه پایدار؛ ۲. گسترش حق «نظارت عمومی» بر عملکرد اراضی خصوصی شهری».

در نتیجه امروزه برنامه‌ریزی کاربری زمین فقط از انگیزه‌های اقتصادی منشاء نمی‌گیرد، بلکه در آن تأکید روز افزونی نسبت به ارزشهای انسانی، حفظ ویژگیهای



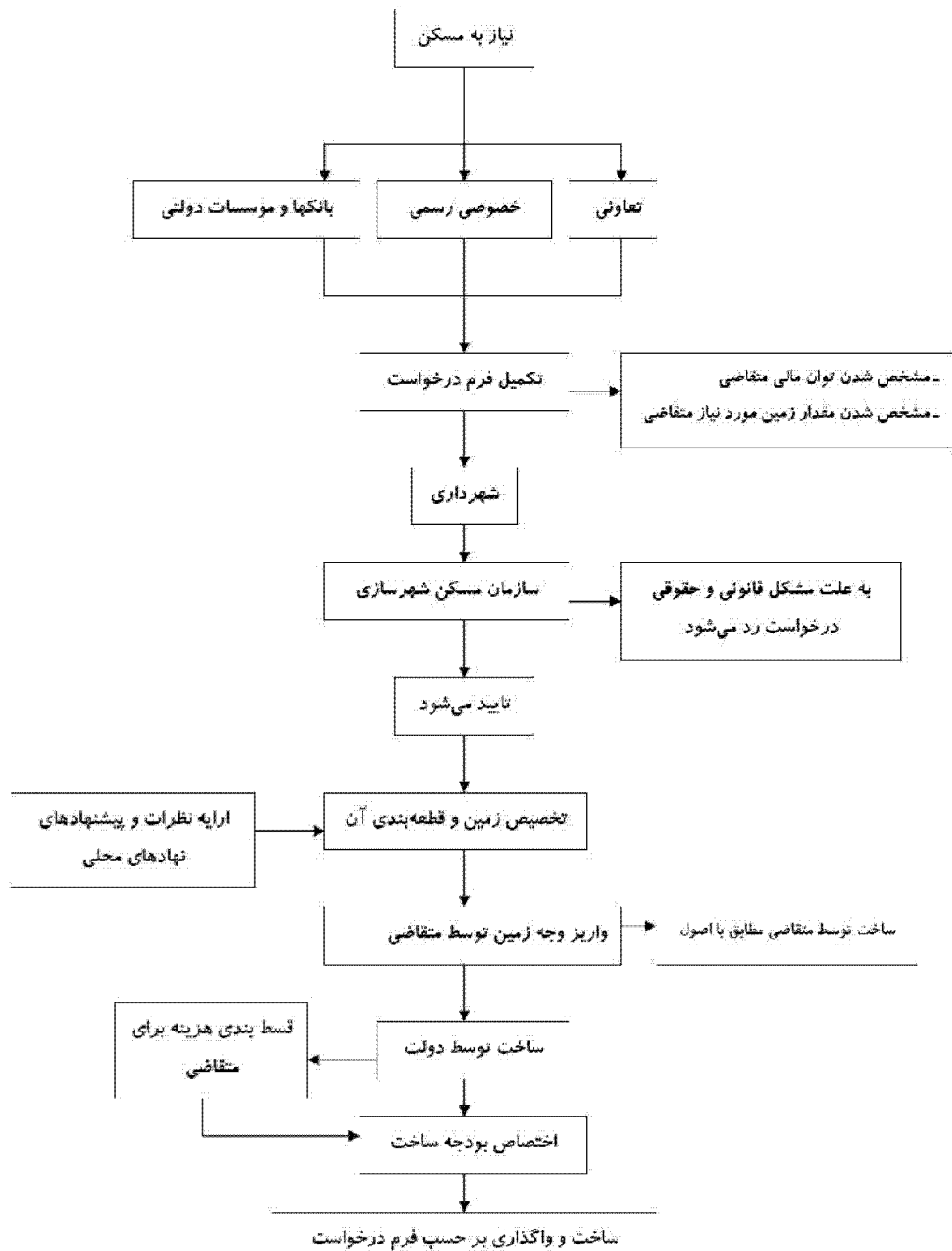
طبیعی و فرهنگی اراضی ابراز شده که محیط زیست شهری را بر آسایش همگان در حال و آینده آماده تر می‌سازد. در طول چند دهه اخیر، به دنبال حاد شدن مسائل شهرنشینی و پیدایش دیدگاهها و ضرورت‌های جدید در عرصه شهرسازی، تلاش‌های نظری و عملی وسیعی، در مقیاس جهانی برای سامان دادن به مشکلات کاربری زمین و کاهش عوارض بهره‌گیری نادرست و غیر عادلانه از آن صورت گرفته است. محورهای عمده این کوششها را می‌توان در راستای سیاست‌هایی در فرآیند تأمین زمین شهری و به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. تلقی زمین به عنوان یک ثروت عمومی و ضرورت توسعه پایدار؛
۲. افزایش سهم مالکیت عمومی در اراضی شهری و پیرامون آن؛
۳. افزایش حق نظارت عمومی بر استفاده خصوصی از زمین؛
۴. کوشش در جلب همکاری بخش خصوصی در عمران زمین؛
۵. هدایت اضافه ارزش زمین در جهت منافع و رفاه همگانی؛
۶. ذخیره کردن اراضی برای تأمین نیازهای آتی و حیاتی شهروندان؛
۷. اولویت دادن به کاربری‌های مربوط به تسهیلات و خدمات عمومی؛ و
۸. اصلاح ضوابط و مقررات کاربری زمین در جهت رفاه عمومی.

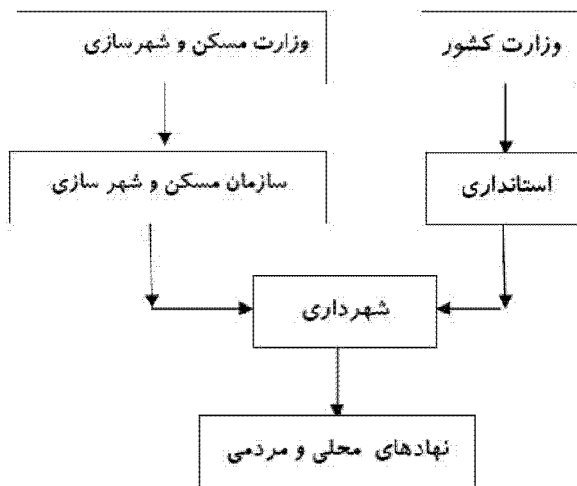
بدیهی است که نحوه و میزان استفاده از این ابزارها، بستگی به شرایط هر کشور و حتی هر شهر دارد. در واقع برنامه‌ریزی برای کاربری زمین و شکل‌گیری نظام واقعی آن در هر جامعه شهری، بازتاب تأثیر متقابل عوامل و نیروهای مختلفی است که بر روند تقسیم و توزیع کاربریها و تعیین نسبتها و سرانه‌های آنها دخالت دارند. هر چه زمینه‌ها و پیش شرط‌های لازم برای نظارت و هدایت توسعه شهری بیشتر ایجاد شود، امکانات تهیه و اجرای برنامه کاربری زمین، به صورت مطلوب و موفق آماده‌تر خواهد شد. تحقیقات جدید در مورد برنامه‌ریزی کاربری زمین حاکی از

این است که مفهوم و نحوه استفاده از زمین در نواحی شهری تا حدود زیادی متفاوت از مفهوم عام زمین است. زمین در مقیاس کلان، معمولاً به عنوان «منابع طبیعی» تلقی می‌شود و «کاربری زمین» در واقع به معنای «کاربری منابع» مورد نظر است. اما در مقیاس شهری به جای اینکه زمین را از نظر توان تولیدی خاک و یا معادن زیرزمینی ارزیابی کنند، تأکید بیشتر بر روی توان استفاده از رویه زمین جهت استقرار فعالیتهای گوناگون است. در مورد اول، زمین به گروههایی مثل معدن، کشاورزی، مرتع و جنگل دسته‌بندی شده و توان آن بر حسب محصول زمین سنجیده می‌شود. در حالی که در مورد زمین شهری، زمین به گروههایی نظیر تولید، توزیع، خدمات، مسکن، تفریح، حمل و نقل و فعالیتهای دیگر یک جامعه شهری تقسیم و توان آن به عوامل متعددی بستگی دارد که از آن جمله است مکان و موقعیت آن، محدودیتهای موجود زمین در مناطق شهری و خصوصاً در مراکز شهرها، استفاده بهینه از آن را برای فعالیتهای رقیب مطرح می‌سازد و به خاطر این ملاحظات امروزه معمولاً مفهوم «کاربری زمین - فضا» به جای کاربری زمین به کار می‌رود. در حال حاضر در کشورهای پیشرفته جهان، زمین به عنوان یک «کالای عمومی» و کمیاب تلقی می‌شود که لازم است نحوه استفاده از آن تحت نظارت عمومی قرار گیرد و از سوء استفاده از آن جلوگیری شود. به همین منظور در این کشورها قوانین زیادی به تصویب رسیده است که هدف و مضمون اصلی آنها، استفاده بهینه و پایدار از اراضی شهری در جهت منافع عمومی در حال و آینده است. برخی از مهمترین مفاد این قوانین به قرار زیر است:

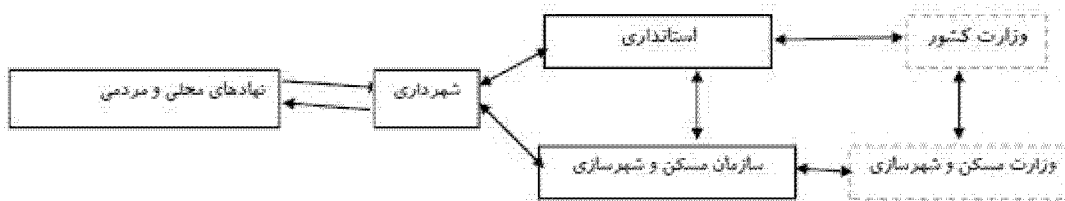
۱. واگذاری مالکیت بخش مهمی از اراضی شهرها به شهرداریها و نهادهای عمومی؛
۲. حفاظت شدید از منابع طبیعی، اراضی کشاورزی و محوطه‌های تاریخی و فرهنگی؛
۳. نظارت بر فعالیتهای بخش خصوصی در اراضی شهری و حومه‌ای؛
۴. جذب بخشی از اضافه ارزش زمین در جهت تأمین رفاه عمومی؛ و
۵. اولویت دادن به کاربری‌های مربوط به تسهیلات عمومی و خدمات زیرساختی.



نمودار ۱. گردش کار پیشنهادی برای تامین زمین و مسکن متقاضیان؛ ماخذ: نگارنده.



نمودار ۲. گردش کار بازار دولتی زمین و مسکن شهری در وضع موجود؛ ماخذ: نگارنده. نمودار ۴. فراوانی متغیر سابقه کار برای آزمودنی‌های مورد بررسی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.



نمودار ۳. گردش کار بازار دولتی زمین و مسکن شهری در وضع پیشنهادی؛ ماخذ: نگارنده.

تنظیم روابط بخشهای عمومی و خصوصی در بازار زمین شهری و تعیین اهداف دو بخش فوق.

۲. «اصلاح ساختار بخش خصوصی»: هدف از اجرای این اصلاحات حمایت از بخش خصوصی برای ایفای نقش مؤثر و بهینه در بازار زمین شهری و ارتقاء نقش بخش خصوصی در مقایسه با بخشهای دولتی و عمومی است. برای نیل به اهداف فوق فعالیتهای زیر لازم است:

- مطالعه و شناسایی بستر مناسب جهت ایفای نقش بخش خصوصی در توسعه زمین شهری و همچنین بررسی و شناسایی راههای جلب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فرآیند توسعه زمین شهری (در مراحل تفکیک و آماده سازی و غیره)، واگذاری بخشی از مدیریت دولتی به بخش خصوصی، تشکیل جلسات و سیستمهای منظم و مداوم جهت تبادل نظر و انتقال تجربه بین عوامل دولتی و عمومی با عوامل بخش

لذا با توجه به شرایط معاصر ایران سیاستها و راهکارهایی به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. «اصلاح در ساختار بخش عمومی»: با هدف توسعه سیستمهای مؤثر در استفاده بهینه از زمینهای دولتی جهت حل چالشهای موجود بازار زمین شهری که شامل: شناسایی نقش بخش عمومی در بازار زمین شهری، بررسی مکانیزمهای موجود حل مشکل زمین اقشار کم درآمد و متوسط جامعه و تدوین مکانیزمهای جدید، طرح قوانین ارضی مناسب، شفاف و مؤثر جهت استفاده همه اقشار از زمینهای در اختیار بخش عمومی، تدوین اشکال استاندارد شده برای معاملات زمین دولتی و بخش عمومی، تشکیل نهاد قانونی متشکل از حقوق دانان، قانون‌گذاران و طراحان برای هموار ساختن دسترسی مطلوب بخش عمومی و دولتی به زمین در حد و اندازه‌های مورد نیاز و بهینه سازی امور مربوط به زمین،

خصوصی، شناسایی راههایی برای همسومودن مالکان زمین شهری با برنامه‌های توسعه زمین شهری از طریق تضمین سود منصفانه و تضمین حق مالکیت، آموزش مداوم مدیران و دست اندرکاران بخش خصوصی بازار زمین شهری به منظور آشنایی با اهداف عمومی و دولت در بازار زمین شهری و همچنین درک نیازهای جامعه و آشنایی با دستورالعملها، قوانین و شیوه‌های آن.

- برنامه‌ریزی و سیاستگذاری درست در جهت کاهش و کنترل روند مهاجرت به شهرها از طریق حذف و پاک‌سازی ناپربری فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی و علمی فرهنگی میان شهر و روستا.

- اصلاح ساختار اقتصادی - مالی و پولی کشور با هدف ایجاد تعادل اجتماعی و کاهش فاصله‌های شدید طبقاتی.

- ایجاد زمینه به جهت سوق دادن سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کارهای تولیدی و زیربنایی به ویژه ساختن مسکن مناسب شئون انسانی و اسلامی اعم از فروشی و یا استیجاری در کشور.

۳. «اصلاح در ابزار و شیوه‌ها»: نقص و اشکال در شیوه‌های اجرای قوانین و دستورالعملها و آماده سازی بستر اجرای قوانین نیز از عوامل عمده در ناکامی و یا عملکرد موفق بازار زمین شهری است. اولین گام در اصلاح شیوه‌ها، اصلاح مالکیت زمین است.

- اصلاح مالکیت زمین شهری، شناسایی اثر معاملات و دست به دست گشتن زمین شهری بر حقوق مالکیت، اصلاح قوانین مربوط به مالکیت زمین با هدف تأمین زمین برای همه اقشار به ویژه اقشار آسیب پذیر و جلوگیری از احتکار زمین به ویژه در محورهای توسعه شهری، تشویق مالی افراد اعم از مالکان و کاربران زمین شهری جهت اطاعت و پیروی از قوانین رسمی حاکم بر بازار، تسهیل تصرف و بکارگیری اراضی شهری توسط بخش عمومی جامعه.

- اصلاح شیوه‌ها، شامل اجرای طرح کاداستر و ثبت زمین در محدوده شهری و حواشی آن است. هدف اجرای این مهم، شناسایی مالکین، ثبت تعداد قطعات، اندازه آنها و جمع آوری اطلاعات مربوط به کلیه زمینهای شهری است. سیستم ثبت زمین در دو بعد کالبدی و

غیرکالبدی انجام می‌پذیرد.

- در بعد کالبدی اقدام به ثبت زمینها از حیث محل قرارگیری اندازه‌ها، زوایا و تفکیک آنهاست که با استفاده از نقشه برداری زمین و عکسهای هوایی و ماهواره‌ای امکان پذیر است. اطلاعات مربوط به مالکین و سایر اطلاعات مربوط به زمین با مطالعات میدانی حاصل می‌شود که جملگی در یک سیستم اطلاعات مربوط به زمین با مطالعات میدانی حاصل می‌شود که جملگی در یک سیستم اطلاعات جغرافیایی قابل فشرده‌سازی و دسترسی است و قابلیت به‌روزرسانی اطلاعات نیز است.

- اجرای کاربری بهینه اراضی، اجرای این طرح با هدف تحقق توسعه پایدار شهری از طریق استفاده بهینه از زمین برای مصارف شهری با توجه به نیازهای عمومی، دولتی و خصوصی صورت می‌گیرد. محدودیتهای مکانی، کاربریها و تقسیم و تفکیک بهینه زمین با توجه به استانداردهای موجود شهرسازی، از اهداف اجرای کاربری اراضی است.

- استفاده بهینه از زمین از طریق اصلاح بافت فرسوده و تجمیع قطعات؛

- تقلیل متوسط سطح زیربنای واحدهای مسکونی احداثی؛

- انجام طراحی محله ای و شهری متناسب با نیاز ساکنین و امکانات رفاهی و خدماتی مورد نیاز آنان؛

- استمرار سیاست عرضه زمین آماده‌سازی شده و برخوردار از زیرساختهای شهری؛

- اصلاح و نوسازی محلات قدیمی شهرها؛

- منطبق کردن الگوی ساخت واحدهای مسکونی سازمانی و شرکتهای دولتی بر الگوی مصرف مسکن مطابق با اصول پایداری و توسعه پایدار.

- نظارت بر معاملات زمین و مسکن شهری و تدوین قوانین به منظور کاهش امکان دفعات معامله آنها

- اولویت قرار دادن استفاده بهینه از زمینهای بایر و بلااستفاده موجود در بافت شهر و اجبار مالکین این اراضی برای آغاز ساخت با هدف جلوگیری از بورس بازی زمین و تقویت کالبد و عملکرد شهری.

- افزایش قدرت مدیریتی و اجرایی و تقویت بنیه علمی و فنی شهرداریها، شوراهای شهر، تعاونیهای مسکن و



نهادهای محلی و مردمی برای بهبود وضع کمی و کیفی مسکن در سطح محلات و مناطق شهر.

- شناسایی و بررسی محدودیتها و مخاطرات زیست محیطی شهر و تدوین ضوابط ساختمانی و فنی در چارچوب سیاست حفظ و صیانت از محیط طبیعی شهر؛
- تشویق و حمایت از انبوه سازان و تاکید بر توسعه عمودی شهر به جای توسعه افقی و پراکنده شهرهای متوسط

- دخالت دولت از اموری است که برای تعدیل و تنظیم بازار زمین شهری بسیار مؤثر است. دخالت بخش عمومی و دولت، تنها در عرضه و تعیین کاربری اراضی محدود نمی شود، بلکه در تدوین دستورالعملها و قوانین منعطف با شرایط و موقعیت شهر و منطقه، نظارت بر اجرای قوانین، کنترل بخش غیررسمی و غیره از اهداف این بخش است.

با عنایت به ماهیت بازار زمین، علیرغم گرایش جدی مدیریت توسعه زمین شهری به واگذاری فعالیتهای مربوط به توسعه زمین شهری به بخش خصوصی و ارتقاء نقش آن در این بازار، دخالت بخش دولتی در تنظیم بازار زمین اجتناب ناپذیر بوده و این دخالت در زمینه هایی چون تعیین اولویتهای و نیازهای جامعه شهری به زمین، ثبت زمین، جمع آوری اطلاعات، تعیین کاربریها، تدوین دستورالعملها و اصلاح قوانین، و نظارت جاری خواهد بود.

منابع و ماخذ

۱. احمدی ترشیزی، میترا (۱۳۷۷) «شهر پایدار: شناسایی مکانیزمهای برقرارکننده تعادلهای زیستی در ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی- اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۲. امین زاده، بهناز (۱۳۷۷) «مقاله نقش زمین در توسعه پایدار شهری»، مجموعه مقالات همایش زمین و توسعه شهری، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۷) «فرآیند طراحی شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۴. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸) «تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ثابتی، محمد (۱۳۷۳) «وضعیت حقوقی اراضی موات و بایر»، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۶. درکوش، سعید عابدینی (۱۳۷۲) «درآمدی به اقتصاد شهری» چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

۷. دلال پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۷۹) «برنامه ریزی مسکن»، تهران، انتشارات سمت.
۸. دوپل، ویلیام (۱۳۷۶) «مفاهیم مالکیت زمین شهری» ترجمه عبدالله کوثری، مجموعه مقالات سیاست زمین شهری، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
۹. شکوئی، حسین (۱۳۶۵) «جغرافیا اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

۱۰. شکوئی، حسین (۱۳۷۳) «دیدگاههای نو در جغرافیا شهری» جلد نخست، انتشارات سمت، تهران.
۱۱. شکوئی، حسین (۱۳۷۵) «اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا»، تهران، انتشارات گیتا شناسی.
۱۲. صرافی، مظفر (۱۳۷۵) «توسعه پایدار و مسوولیت برنامه ریزان شهری»، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۳۵، مهرماه ۱۳۷۵.
۱۳. صرافی، مظفر (۱۳۷۷) «مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای»، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

۱۴. عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۰) «آماده سازی زمین شهری در ایران ۷۵-۱۳۶۴»، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
۱۵. عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۲) «تراکم در شهرسازی اصول و معیارهای تعیین تراکم شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. علیشاهی، رقیه (۱۳۸۰) «طراحی شهر پایدار: معرفی اصول و ضوابط طراحی محله پایدار»، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۱۷. گیلبرت و ژوزف گاگلر (۱۳۷۷) «شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم» ترجمه پرویز کریمی ناصری،

31. Dunkerley, Harold: "Urban Land Policy": Issues and Opportunity the World Bank". Washington, D. C.1983.
32. Ekins, P- Maxneef, M: "Real – Life Economics:Under Standing Wealth – Creation". London, Routledge.1992.
33. Farvacque, C - Mcauslan, P: "Reforming Urban Land Policies and Institutions in Developing Countries". World Bank. Washington, D. C.1992.
34. Gugler,Josef:"The Urban Transformation Of The Dedeloping Word". Oxford, university press.1996.
35. Habitat:"An Urbanizing World"(Global Report On Human Settlement 1996). Oxford. university press.1996.
36. Habitat: "The Relationship Between Under Employment and Unemployment and Shelter Provision". Report of the Executive Director to the Four Teenth Seesion of the Human Settlements. Commission Nairobi.1996.
37. Hall,Petter:"Urban and Regional Planning". Routledge,London.1994.
38. Hall,Petter:" Cities of Tomorrow". Blackwell.Oxford.1996.
39. Harvey, D: "Social Justice and the City", The Johnshopkins University Press. Bultimore.1973.

تهران، انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی شهرداری تهران.

۱۸. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۲) «برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران»، تهران، انتشارات حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

۱۹. میرعلی کتولی، جعفر (۱۳۸۰) «فرایند عرضه زمین و نقش آن در توسعه شهری ایران»، رساله دوره دکترای جغرافیای انسانی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

۲۰. هاروی، دیوید (۱۳۷۶) «عدالت اجتماعی و شهر» ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).

۲۱. هاشمی، فضل‌الله (۱۳۷۴) «سیاست زمین و تأثیر آن در توسعه مسکن»، مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، جلد دوم. تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۲. هرولد، ب، دانکرلی و دیگران (۱۳۷۶) «سیاست زمین شهری» ترجمه عبدالله کوثری، تهران، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، دفتر برنامه‌ریزی اقتصاد مسکن.

23. Asimia, Seth: "Land Management in Kumasi". Washington DC. the word bank.1990.

24. Badshah,Akhtar:"Our Urban Future"(New paradigms for equity and sustainability).Oxford University Press.1996.

25. Catanese,A-Snyder:" Urban Planning". MC Graw-Hill.1988.

26. Dowall,David: "Bangkok: Profile of an Efficiently Performing Housing Market".Urban Studies, vol: 26.1989.

27. Dowall,David: "Karachi Land and Housing Market Assessment". Washington, D.C. PADCO.1989.

28. Dowall,David: "Methods for Assessing Land Price Effects of Local Public Policies and Action", Urban Land Institute. Washington, D. C. 1980.

29. Dowall,David: "The Land Market Assessment: A New Tool for Urban Management". UMP NO: 4, Washington, D. C.World Bank /UNDP / UNCHS. 1991.

30. Dunkerley, Harold: "Urban Land Policy: Issues and Opportunities". Newyork, Axford University Press.1983.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳

No.36 Autumn 2014

۱۸۲

فرآیند تحلیل شبکه در ارزیابی عملکرد بوم‌شناختی سیمای سرزمین رود- دره درکه

شهیندخت برق جلوه- دانشیار پژوهشکده‌ی علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
نیکو مدقالچی* - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ایران.

Analysis Network Process in Evaluating Darakeh River-Valley's Ecological

Abstract

The performance of landscape ecology and its subsequent changes are hierarchically associated with three levels: the construction of patched units of ecological corridors, the construction of corridor units of ecological networks, and the construction of ecological-humanistic landscape configuration. Where Tehran's landscape is concerned, a lot of changes have happened in the quality of natural resource, and man-made constructions have increased. An important element of Tehran's landscape in the north is its valuable natural resources in 7 river-valleys of Chitgar, Kan, Farahzad, Darakeh, Maqsoodbaik, Darband, and Darabad that extend from the west to the east, playing an essential role in promoting ecological interactions. The increasing developments of cities, growth in constructions, and environmental pollutions have seriously challenged these important elements of Tehran's landscape. On the other hand, the principles of landscape ecology regarding the development of urban river-valleys highlight the importance of managing the landscape's natural resources, and the need to include them in the hierarchical landscape planning. In order to get to the core of this subject and realize the levels of performance appraisals for urban river-valleys, the present study aims to evaluate the three levels of ecological performance for Darakeh River-Valley in Tehran's landscape configuration by using the analytic network process. Any degradation in the biological and spatial quality of urban river corridors causes the biological and spatial transcendence of urban landscape to come to a stop. Therefore, in leading the sustainability program for river corridors, paying attention to the indicators of construction measurement alone in configuring applications and ecological patches are not enough, but the qualitative indicators for the performance of patches and corridors need to be considered in balancing, stabilizing, and transcending landscape ecological interactions. In this regard, the "Super Decision" software is used.

Key Words: Ecological Function, Darakeh River-Valley, Analysis Network Process (ANP)

چکیده

عملکرد بوم‌شناختی سیمای سرزمین و به تبع تغییرات آن به صورت سلسله مراتبی به سه سطح ساخت واحدهای لکه‌ای دالان‌های بوم‌شناختی، ساخت واحدهای دالانی شبکه‌های بوم‌شناختی، و ساخت شبکه‌ی بوم‌شناختی- انسان‌شناختی عرصه‌بندی سیمای سرزمین، مرتبط می‌شود. در بستر سیمای سرزمین تهران، تغییرات بسیاری در کیفیت عملکرد عناصر طبیعی و افزایش سطح ساخت‌وسازهای محیط‌های انسان‌ساخت رخ داده است. از عناصر اصلی و منابع ارزشمند طبیعی در بستر جبهه‌ی شمالی سیمای سرزمین کلان‌شهر تهران هفت رود-دره‌ی چیتگر، کن، فرحزاد، درکه، مقصودییک، دربند، دارآباد به ترتیب از غرب به شرق می‌باشند، که نقشی حیاتی‌بخش در ارتقاء تعاملات بوم‌شناختی و اکولوژیک برقرار می‌سازند. توسعه‌ی بیش از پیش شهرها، افزایش ساخت‌وسازها و پیدایش آلودگی‌های محیطی، این عناصر مهم سیمای سرزمین تهران را با چالش جدی مواجه کرده است. از سوی دیگر اصول بوم‌شناسی سیمای سرزمین در رابطه با روند توسعه‌ی رود-دره‌های شهری، اهمیت مدیریت عناصر طبیعی سیمای سرزمین و نیاز مبرم به ساماندهی آن‌ها در برنامه‌ریزی سلسله‌مراتبی سیمای سرزمین را مورد تأکید قرار می‌دهد. در راستای درک ماهیت موضوع و پی‌بردن به مراتب ارزیابی عملکردی رود-دره‌های شهری، هدف مطالعه‌ی حاضر ارزیابی مراتب سه‌گانه‌ی عملکرد بوم‌شناختی رود-دره‌ی درکه در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران با استفاده از روش فرآیند تحلیل شبکه، معین گردیده است. از آنجایی‌که به دنبال کاهش کیفیت زیستی- فضایی دالان رود-دره‌های شهری، استعلای نهاد زیستی- فضایی سیمای سرزمین شهری توقف می‌یابد، در هدایت برنامه‌ی پایداری دالان رود-دره‌ها تنها توجه به شاخص‌های اندازه‌گیری ساخت در چیدمان کاربری‌ها و لکه‌های بوم‌شناختی کافی نبوده، بلکه لحاظ نمودن شاخص‌های کیفی عملکرد لکه‌ها و دالان‌ها در روند متعادل‌سازی، پایداری‌سازی و استعلای تعاملات بوم‌شناختی- انسان‌شناختی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها نیز ضروری است. به‌منظور استفاده از این روش از نرم‌افزار «SuperDecision» استفاده می‌گردد. واژگان کلیدی: عملکرد بوم‌شناختی، سیمای سرزمین، رود-دره‌ی درکه، فرآیند تحلیل شبکه.

● لحاظ نمودن بستر طبیعی دالان‌ها در شبکه‌ی

زیرساخت‌های شهری (حضور سبزه‌راه‌های اصلی و فرعی، طبیعی و مصنوع و درون و برون شهری در شبکه‌ی حمل و نقل عمومی).

در این رابطه، راهبردهای روند استعلایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها به قرار زیر کنترل می‌گردند:

● پیوستگی لکه‌های سبز با قابلیت تقسیم به واحدهای سرزمینی (ایجاد ارتباط بین لکه‌های کوچک طبیعی و کاهش تراکم در بین لکه‌های بزرگ انسان‌ساخت، رفع انزوا در روابط فیمابین لکه‌ها، و حفظ تعادل ناهمگنی در ارتباط فیمابین لکه‌ها) (جعفری و طبیبیان، ۱۳۸۵)؛

● تعامل عناصر فضایی با قابلیت جریان ماده، انرژی و گونه در بین عناصر بوم‌سامانه‌ای (افزایش جریان ماده و انرژی در بین لکه‌ها، و افزایش روابط فیمابین گونه‌ها،

ارتقاء تنوع بوم‌سامانه‌ای و افزایش ناهمگنی لکه‌ای)؛ و

● استعلای ساخت و عملکرد موزاییک لکه‌ها با قابلیت پایداری شبکه‌ی سیمای سرزمین‌ها (استعلای ساخت و عملکرد سامانه‌ی دالان‌ها در گذر زمان و استعلای شبکه‌ی فضایی سیمای سرزمین‌ها).

چارچوب نظری

به گفته‌ی «ندوبیسی» (Ndubisi, ۲۰۰۲) برنامه‌ریزی بوم‌شناختی چیزی بیش از یک ابزار و یا تکنیک تصمیم‌سازی است. راهی است که گفتمان بین اقدامات انسانی و روندهای طبیعی بر اساس دانش و روابط دو سویه‌ی بین مردم و زمین فراهم می‌آورد. رویکردهای موجود در برنامه‌ریزی بوم‌شناختی در طی زمان تغییر یافته‌اند. وقتی «مک‌هارگ» (McHarg, ۱۹۶۹) در ۱۹۶۹ اصلی نوین را مطرح می‌کند، در واقع، ناهمگنی عمودی سیمای سرزمین، به معنای ناهمگنی ابعاد هندسه‌ی مکان، مبتنی بر شناسایی لایه‌های افقی سیمای سرزمین از جمله: بستر سنگی، نوع خاک، پوشش گیاهی و ... را مورد توجه قرار می‌دهد. این رویکرد گرچه اساسی بوده است، لیکن کفایت نمی‌کند. در این زمینه، «زنولد» (Zonneveld, ۱۹۹۵) ناهمگنی افقی سیمای سرزمین، به معنای ناهمگنی ابعاد توزیع فضایی ارگانیزم‌ها شامل: روابط علی بین پدیده‌های

محدودیت منابع طبیعی و گستردگی اثرات محیط زیستی، برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای را ملزم می‌دارد تا به نقش و اهمیت سبزه‌راه‌ها و درگامی فراتر شبکه‌های بوم‌شناختی توجه نمایند. سامانه‌ی سبزه‌راه‌ها، شبکه‌های خطی هستند که ساخت طبیعی شهر را با توجه به مقیاس کلان آن با ساخت طبیعی فراشهری مرتبط و هماهنگ می‌سازند و ضمن دسترسی شهروندان به فضاهای سبز و باز و اتصال فضاهای شهری و روستایی در مقیاس ساخت و عملکرد عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها، پیوستگی شهر و حومه را در یک سامانه‌ی مرتبط بوم‌شناختی فراهم می‌سازند. لذا، تأکید عمده لزوم تمرکز بر روابط بوم‌شناختی تحرکات تخصیص زمین و پوشش زمین در هدایت برنامه‌های اجتماعی است. از طریق هدایت بوم‌شناختی تغییرات محیط، از جمله تعامل تنگاتنگ ساخت بوم‌شناختی شهر با ساخت‌های بوم‌شناختی فراشهری، ضمن استمرار فرآیندهای طبیعی از جمله جریان آب، هوا و گیاهان، کنترل روند اعتلای ساخت‌های فضایی - اجتماعی در تداوم برنامه‌ی پایداری محیط نیز ابقاء می‌شود. در این خصوص، اهداف روند استعلایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها به شرح زیر معرفی می‌شوند:

● هدایت فضایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها در برقراری تعامل بین دالان‌های اصلی و فرعی، طبیعی و مصنوع و درون و برون شهری؛

● تبیین الگو در بهره‌برداری بهینه‌ی دالان‌ها به منظور توسعه‌ی عملکرد بوم‌شناختی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها (گسترش کمی و کیفی پوشش‌های طبیعی و کشاورزی در محدوده‌ی سبزه‌راه‌های اصلی و فرعی، طبیعی و مصنوع و درون و برون شهری)؛

● استقرار فعالیت‌ها در مسیر دالان‌ها به منظور ایجاد شبکه‌ی بوم‌شناختی چندمنظوره‌ای (استفاده بهینه از امکانات بالقوه و بالفعل در فراهم آوردن شرایط سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت‌های مختلف در محدوده‌ی سبزه‌راه‌های اصلی و فرعی، طبیعی و مصنوع و درون و برون شهری)؛ و



مختلف جغرافیایی، خصوصیات منطقه‌ها و مکان‌ها در تجلی تمامیت همبسته‌ی آن‌ها و ارتباطات متقابل قلمروهای مختلف و جلوه‌های متفاوت آن‌ها، و نهایتاً، درک عمومی از سطح زمین به معنای کلتی واحد از نظام اقلیم‌ها و مکان‌ها را نیز مد نظر قرار می‌دهد. در این خصوص، برنامه‌ریزان محیطی و بوم‌شناسان سیمای سرزمین به مرور درمی‌یابند که بوم‌شناسی

سیمای سرزمین منظری پویا از فضا و زمان ارایه می‌دهد که در آن ابعاد «مقیاس» و «سلسله‌مراتب» متفاوت از دیگر دانش‌ها بیان می‌گردند (Forman, 1995) و (1995, Zonneveld). جدول شماره ۱، ضمن بررسی روند توسعه‌ی شاخص‌های پایداری در برنامه‌ریزی بوم‌شناختی، درکی از ارتباط بین برنامه‌ریزی محیطی و بوم‌شناسی سیمای سرزمین را بیان می‌کند.

جدول ۱. توسعه‌ی شاخص‌های پایداری در «برنامه‌ریزی بوم‌شناختی»: درکی از ارتباط بین «برنامه‌ریزی محیطی» و «بوم‌شناسی سیمای سرزمین»: مأخذ: نگارندگان.

توسعه شاخص‌های پایداری «برنامه‌ریزی بوم‌شناختی»	امور ارزیابی	برنامه مطالعاتی	نظریه / رویکرد
[کمیت، کیفیت و همجواری محدوده‌های طبیعی و غیرطبیعی] [همجواری جامعه‌های گیاهی] تنوع محدوده‌های درون یک زیستگاه پیچیدگی ساختاری در درون یک زیستگاه (Noss&Harris, ۱۹۸۶)	[اصول بوم‌شناختی شرایط سالم محیطی]	[باززنده سازی محیط‌های آسیب‌دیده انسانی] - مقیاس: محدوده طبیعی - اجزاء: درختستان، چمن‌زار، تالاب - تمرکز: گیاهی - چارچوب عملیاتی: ساختاری - بنیان فلسفی: جبرگرا - هماهنگی: چندحرفه‌ای (Baschak&Brown, ۱۹۹۴)	کنترل کیفیت محیطی برنامه‌ریزی محدوده‌های طبیعی
[هماهنگی بین انسان و طبیعت] [روابط عمودی موزاییک محدوده‌ها] [روابط عمودی موزاییک جامعه‌های گیاهی] - تنوع محدوده‌ای در بین زیستگاه‌ها - تأمین مراحل متوالی زیست - پراکنش گونه‌های زیستی (Noss & Harris, ۱۹۸۶)	[اصول بوم‌شناختی ابعاد هندسه مکان] [تحلیل بوم‌شناختی لایه‌های افقی زمین]	[رعایت ناهمگنی ابعاد عمودی بوم‌شناختی] - مقیاس: ارگانیزم، جمعیت گونه، جامعه انسانی - اجزاء: سامانه طبیعی، سامانه کشاورزی - مرکز: زیستی نازیستی - چارچوب عملیاتی: ساخت و عملکرد بوم‌سامانه‌ای - بنیان فلسفی: تجزیه‌گرا - هماهنگی: میان - دانشی (Baschak & Brown, ۱۹۹۴)	کنترل کیفیت محیط به مفهوم بوم‌سامانه‌ای پویا برنامه‌ریزی واحدهای بوم‌سامانه‌ای
[کمیت/کیفیت عناصر محیطی زمین]	[اصول بوم‌شناختی حفاظت از زمین]	[باززنده سازی کیفیت محیطی زمین] - هماهنگی: میان - دانشی	کنترل برنامه‌ریزی کلان‌مدت: کاداستر
[الگوها و روندهای سیمای سرزمین]	[اصول سیمای سرزمین] [تحلیل بوم‌شناختی تعاملات فیما بین روندهای بیوفیزیکی و فرهنگی] - آنالیزهای فضایی سیمای سرزمین - آنالیزهای عملکردی بوم‌سامانه‌ای	[پیوند بین رویکرد فضایی جغرافیا با تأکید بر آنالیزهای فضایی و بوم‌شناسی سیمای سرزمین با تأکید بر عملکردهای بوم‌سامانه‌ای] (Ndubisi, ۲۰۰۲)	کنترل کیفیت فضایی - محیطی سرزمین برنامه‌ریزی فضایی سرزمین

مدیریت منابع در «تبادل باطنی» عملکرد سامانه‌های محیطی
رویکرد محیطی در برنامه‌ریزی



نظریه / رویکرد	برنامه مطالعاتی	امور ارزیابی	توسعه شاخص‌های پایداری «برنامه‌ریزی بوم‌شناختی»
کنترل کیفیت منابع محیطی در مقیاسی وسیع و با اشاره ضمنی برخاسته از زمینه بوم‌شناختی برنامه‌ریزی منابع سیمای سرزمین	[پیوند بین «اهداف انسانی» و «تحلیل واقعی فرم‌ها، روندها و سامانه‌های سیمای سرزمین»] (Cook, van Lier, ۱۹۹۴) - هماهنگی: تبادل-دانشی	اصول بوم‌شناختی سیمای سرزمین [تحلیل بوم‌شناختی فرم‌ها، روندها و سامانه‌های سیمای سرزمین]	[روابط متقابل ساخت، عملکرد و تغییر سیمای سرزمین در مقیاس منطقه‌ای] حفاظت از محدوده‌های بزرگ بوم‌سامانه‌های محلی در مقیاس منطقه‌ای و ارتباط لکه‌های زیستگاهی (Noss & Harris, ۱۹۸۶)
کنترل کیفیت بوم‌شناختی سیمای سرزمین برنامه‌ریزی سیمای سرزمین	[رعایت ناهمگنی ابعاد افقی و عمودی شبکه بوم‌شناختی] ^۶ - مقیاس: واحد زمین، بوم‌منطقه، بوم‌ناحیه - اجزاء: کل اجزا تمرکز: زیست‌فیزیکی (زیستی-نازیستی) چارچوب عملیاتی: روابط متقابل ساخت، عملکرد و تغییر سیمای سرزمین؛ ناهمگنی‌های افقی/عمودی - بنیان فلسفی: کل‌گرا - هماهنگی: تبادل-دانشی (Baschak & Brown, ۱۹۹۴)	اصول بوم‌شناختی سیمای سرزمین [تحلیل بوم‌شناختی روابط ابعاد افقی و عمودی سیمای سرزمین]	[روابط عمودی و افقی موزاییک‌های سیمای سرزمین]
کنترل کیفیت عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها برنامه‌ریزی بوم‌شناختی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها	[رعایت ناهمگنی ابعاد کلی، افقی و عمودی شبکه‌های بوم‌شناختی] ^۷ (Zonneveld, ۱۹۹۵) تحلیل موضعی (موضع/مکان شناختی) ^۸ ، روابط عمودی تحلیل روابط متقابل موضع‌ها/مکان‌ها، روابط افقی تحلیل روابط متقابل پدیده‌های جغرافیایی ^۹ ، روابط کلی و همه‌جانبه	اصول بوم‌شناختی سیمای سرزمین [تحلیل بوم‌شناختی روابط بین پدیده‌های جغرافیایی و خصوصیات مختلف بوم‌ها و مکان‌ها] [تحلیل بوم‌شناختی توزیع فضایی ارگانیزم‌ها و ابعاد هندسه مکان در تعاملات همه‌جانبه جغرافیایی و انسانی]	[روابط عمودی و افقی موزاییک‌های سیمای سرزمین در مقیاس‌های جزء و کل سلسله‌مراتبی] پرسکتیو فضایی و زمانی با تکیه بر ابعاد مقیاس و سلسله‌مراتب مکان‌ها کلیت واحد نظام بوم‌ها و مکان‌ها تمامیت وجود همبسته و ارتباطات متقابل اقلیم‌ها، قلمروها و جلوه‌های آن‌ها (Forman, ۱۹۹۵)
کنترل کیفیت استعلایی عرصه‌بندی بوم‌شناختی-انسان شناختی سیمای سرزمین‌ها برنامه‌ریزی بوم‌شناختی استعلایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها	[پیوند بین «تعالی خواهی انسانی» و «پایداری بوم‌شناختی»] برنامه حفظ، نگهداری، ترمیم و توسعه سیمای سرزمین‌های طبیعی و انسان ساخت (منطقه‌ای، شهری، روستایی ...) (برق جلوه، ۱۳۸۵)	اصول بوم‌شناختی سیمای سرزمین [تحلیل تعالی خواهانه عملکرد بومی، فضایی و اجتماعی سیمای سرزمین در برقراری شرایط تعالی پایداری]	[روابط استعلایی ابعاد فضایی-اجتماعی] «بوم‌شناختی» عملکرد سیمای سرزمین [برق جلوه، ۱۳۸۵]

مدیریت فضایی-اجتماعی در «تبادل‌یابی-پایداری» عملکرد عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها
رویکرد بوم‌شناختی در برنامه‌ریزی سیمای سرزمین

در راستای این ارتباط، «هرپزرگر» (Herpserger, ۱۹۹۴) دو رویکرد متفاوت نظریه‌پردازی در برنامه‌ریزی بوم‌شناختی را تشخیص می‌دهد. اولی نظریه‌های قائم به ذاتی هستند که درک بهتری از تعامل فیما بین انسان و طبیعت را معرفی می‌کنند. نظریه‌های عملکردگرا از جمله: ساخت سیمای سرزمین، ساخت سلسله‌مراتبی سامانه‌ها و تمامیت بوم‌سامانه‌ای انسان و محیط نمونه‌هایی از این نوع هستند؛ و دومی، نظریه‌هایی هستند که روند برنامه‌ریزی را با لحاظ عنصر مشارکت مردمی توضیح می‌دهند. مثال‌هایی از این نوع عبارتند از: مدیریت محیطی، برنامه‌ریزی محیطی و برنامه‌ریزی بوم‌شناختی.

در ذکر عملکرد برنامه‌ریزی بوم‌شناختی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها: تأمین بودن احتیاجات روندهای واحدهای سیمای سرزمین در ارائه کالا و خدمات به نسل‌های زمان حال و آینده؛ امکان تغییر واحدهای سیمای سرزمین در گذر زمان و باقی بودن منابع کلیدی آنها؛ و در نهایت، مشارکت ذینفع‌ها در تصمیم‌سازی‌های مربوط به شکل‌گیری الگوهای واحدهای سیمای سرزمین، قابل اشاره هستند (Daily & Ehrlich, ۲۰۰۳). در این حالت، عرصه‌بندی بوم‌شناختی سیمای سرزمین‌ها شرایطی فراهم می‌آورد تا جمعیت‌های طبیعی محیط قادر باشند آشفستگی ساخت واحدهای سیمای سرزمین را هم «تعالی» بخشند و هم «پایدار» سازند.

در شرایط برنامه‌ریزی روند استعلایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها، «استعلایی» عملکرد بومی، فضایی و اجتماعی سامانه‌های بومی - انسانی به شرح زیر امکان پذیر می‌شود:

۱) برنامه‌ریزی الگوهای «بهره‌برداری» در برقراری شرایط تعادل حفظ جمعیت و تنوع گونه‌ای سامانه‌های محیطی (مدیریت منابع به منظور «تعالی‌یابی» عملکرد سامانه‌های محیطی)؛

۲) برنامه‌ریزی الگوهای «بهره‌برداری» و «فضایی - اجتماعی» در برقراری شرایط پایدار حفظ جمعیت و تنوع گونه‌ای سامانه‌های جغرافیایی - انسانی (مدیریت فضایی - اجتماعی به منظور «تعالی‌یابی - پایدارسازی»

عملکرد عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها)؛

۳) برنامه‌ریزی الگوهای «بهره‌برداری» و «فضایی - اجتماعی» در تعامل با الگوی «عرصه‌بندی بوم‌شناختی سیمای سرزمین‌ها» در برقراری شرایط استعلا در عملکرد سامانه‌های بومی - انسانی (مدیریت بومی - فضایی - اجتماعی به منظور «تعالی‌یابی - پایدارسازی» و «تعالی‌یابی» عملکرد سامانه‌های بومی - انسانی) (جدول شماره (۱)).

در برقراری شرایط استعلا در عملکرد سامانه‌های بومی - انسانی، به‌کارگیری چارچوبی فضایی - اجتماعی ضروری است. این چارچوب می‌تواند در ایجاد تعادل بین روند پایداری و استعلای عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها انعطاف‌پذیر باشد. از این منظر، لازم است احراز اهداف معینی در خصوص حفظ و ابقا میزان تنوع گونه‌ای، نوع گونه‌ی انتخابی و چیدمان فضایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین مدنظر باشد (Steiner & Palazzo, ۲۰۰۰) و (Treu, Magoni, Nakamura & Short, ۲۰۰۱) و (Jim & Chen, ۲۰۰۳). همچنین لازم است ریسک تغییرات محلی بر فراز مقیاس فضایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها گسترش بی‌یابد (با اتصال محدوده‌های محلی در محدوده‌ای بزرگ‌تر و با پذیرش انهدام محلی گونه‌ها تا آن جاکه جمعیت آن‌ها بر فراز مقیاس فضایی بزرگ‌تری پایدار باقی بمانند) و در نهایت، ضرورت دارد تعامل بوم‌شناختی عرصه‌بندی سیمای سرزمین شرایط استعلای تنوع گونه‌ای، همبستگی فضایی بوم‌سامانه‌ای و توسعه‌ی ارزش‌های بوم‌راهبردی را هدایتگر باشد.

در چنین شرایطی، احراز سطح متعالی تنوع گونه‌ای - فضایی، بستگی به کل منطقه، کیفیت بوم‌سامانه‌ها، پیکربندی سیمای سرزمین‌ها و در نهایت روند تعالی‌خواهی عملکرد سامانه‌های بومی - انسانی خواهد داشت. لذا، برخلاف رویکردهای برنامه‌ریزی پایدار محیطی و برنامه‌ریزی پایدار سیمای سرزمین در «تعالی‌یابی - پایدارسازی» عملکرد سامانه‌ها، در برنامه‌ریزی پایداری محیط امکان طرح‌ریزی چارچوبی فضایی - اجتماعی در رابطه با «تعالی‌جویی» عملکرد ساخت محیط فراهم می‌آید. برنامه‌ریزی روند استعلا در



عرصه‌بندی سیمای سرزمین‌ها، زمینه‌ی مدیریت ساخت محیط و تعالی بخشی عملکرد سامانه‌های بومی - انسانی را ممکن می‌سازد. با توجه به مباحث نظری نقش رود - دره‌ها و سبزه‌راه‌ها به‌عنوان دالان‌های ارتباطی شبکه‌های بوم‌شناختی عرصه‌بندی سیمای سرزمین (نمودار شماره (۱))، روند مطالعه‌ی حاضر مستلزم شناسایی شبکه‌ی فضایی دالان رود - دره‌ی درکه و ارزیابی عملکرد آن در مراتب مختلف:

عرصه‌بندی سیمای سرزمین، در راستای متوقف ساختن روند قطعه - قطعه شدن بستر سرزمین، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در دستیابی به هدف مطالعه، چارچوب تحلیلی مبانی نظری به همراه روش تحلیل شبکه و کاربرد نرم افزار Super Decisions، جهت ارزیابی عملکرد بوم‌شناختی دالان رود - دره‌ی درکه استفاده می‌شود.

مواد و روش

روش مطالعه، ارزیابی و تحلیل عملکرد بوم‌شناختی دالان رود - دره‌ی درکه در مقیاس فضایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران می‌باشد. به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، گزارش‌های طرح جامع تهران و



نمودار ۱. ارتباط شاخص‌های بوم‌شناختی ارزیابی عملکرد دالان رود - دره در مراتب سه‌گانه‌ی عرصه‌بندی سیمای سرزمین: تعادل ساخت محیطی، پایداری عملکرد جغرافیایی - انسانی و استعلائی زیست بومی - انسانی؛ مأخذ: نگارندگان.

در حقیقت در این روش ارتباطات هم در جهت افقی و هم در جهت عمودی باید امتیازدهی شوند. این امتیازدهی به این مفهوم است که میزان اهمیت معیارها سبب تعیین میزان اهمیت گزینه‌ها خواهد شد و همچنین میزان اهمیت گزینه‌ها به طور حتم تعیین‌کننده‌ی اهمیت معیارها می‌باشد (Bottero et al., 2007).

به‌طور تفصیلی‌تر «فرآیند تحلیل شبکه‌ای» در ۴ مرحله خلاصه می‌شود: ساخت مدل و تبدیل مسئله به ساختار شبکه‌ای، تشکیل ماتریس دودویی و تعیین بردارهای اولویت، تشکیل سوپر ماتریس و تبدیل آن به سوپر ماتریس حد، انتخاب گزینه‌ی برتر (زبردست)، (۱۳۸۹). در ساخت مدل و تبدیل مسئله به ساختار شبکه‌ای، ابتدا باید هدف و مسئله‌ی مورد نظر، سپس معیارها و زیرمعیارها به دقت تعیین شوند. هدف یا اهداف، معیارها و زیرمعیارها در یک درخت تصمیم‌گیری سازماندهی می‌شوند (محمدی‌لرد، ۱۳۸۸). در این مدل، همانند مدل فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، شدت اهمیت از طریق جدول شماره‌ی (۲) لحاظ می‌شود.

در روند ارزیابی عملکرد بوم‌شناختی دالان رود-دره‌ی درکه در مقیاس فضایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران به روش تحلیل شبکه‌ای، لازم است خوشه‌ها (Clusters) و عناصر (Nodes) مربوط به آن در ابعاد ساخت محتوایی و آرایش فضایی عناصر سیمای سرزمین، تعیین گردند. سه خوشه‌ی هدف (Goal)، شاخص‌ها (Index) و گزینه‌ها (Alternatives) به شرح زیر برای مدل تحلیل شبکه‌ای در نمودار شماره‌ی (۲)، به تفکیک هرکدام و روابط فیما بینشان و در نمودار شماره‌ی (۳) در ارتباط با مدل مفهومی تحقیق به نمایش گذاشته شده‌اند.

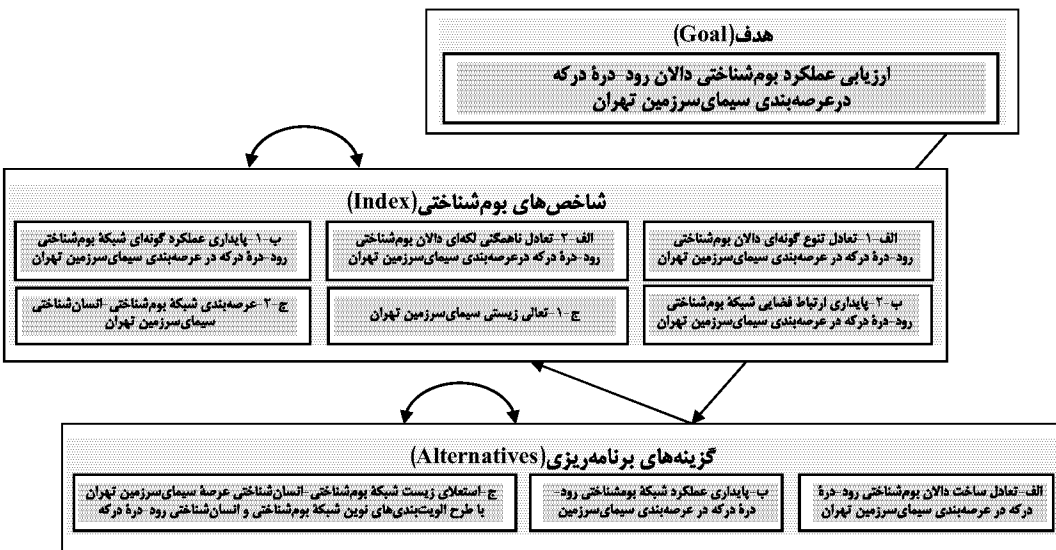
ضروری است پارامترهای اصلی مدل شناسایی شوند و تعریف مختصری از آن‌ها ارائه شود. همانگونه که در نمودار شماره‌ی (۲) مشخص شده است، ۶ شاخص برای اجرای مدل مشخص شدند که مشخصه‌های هر یک و همچنین پارامترهای اندازه‌گیری هرکدام به شرح زیر می‌باشند:

مطالعات شبکه‌ی فضایی رود-دره‌ی درکه مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به مباحث نظری نقش رود-دره‌ها به‌عنوان دالان‌های ارتباطی شبکه‌های بوم‌شناختی سیمای سرزمین، فرآیند مطالعه، شامل شناخت و بررسی شبکه‌ی زیستی-فضایی دالان رود-دره‌ی درکه و ارزیابی عملکرد آن در سه سطح سلسله‌مراتبی: تعادل محیطی، پایداری جغرافیایی-انسانی، و تعالی بومی-انسانی عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران، مبتنی بر مدل مفهومی ارائه شده در نمودار شماره (۳)، انجام پذیرفته است. پس از انجام مطالعات و شناسایی بستر مورد نظر، ارزیابی ابتدا به‌صورت کیفی انجام پذیرفته است و پس از آن به‌منظور تدقیق ارزیابی کیفی از ارزیابی کمی نیز بهره‌گرفته شده است. به‌منظور نرم‌افزار Super Decision، استفاده شده است.

فرآیند تحلیل شبکه‌ای به‌عنوان یکی از روش‌های ارزیابی چندمعیاره شناخته می‌شود. روش‌های ارزیابی چند معیاره از جمله روش‌های پربکاربرد در حیطه‌ی تمامی رشته‌ها هستند. فرآیند تحلیل شبکه‌ای به‌دلیل محدودیت‌های موجود در فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی " در تحلیل وابستگی‌های داخلی و خارجی عناصر تصمیم، توسط ابداع‌کننده‌ی آن توماس ساعتی " ارائه گردیده است. در موضوعاتی که عناصر تصمیم دارای روابط پیچیده‌ی درونی و بیرونی هستند و در واقع امکان ساختاربندی سلسله‌مراتبی بین عناصر وجود ندارد، می‌توان از تحلیل شبکه‌ای بهره‌گرفت که در آن، ایجاد ساختار شبکه‌ای از خوشه‌ها تعیین‌کننده‌ی روابط می‌باشد.

جدول ۲. شدت اهمیت؛ مأخذ: Saaty, 2008

شدت اهمیت	میزان اهمیت
۱	اهمیت مساوی
۳	اهمیت کم یکی بر دیگری
۵	اهمیت قوی یا اساسی
۷	اهمیت بسیار قوی یا اثبات‌شده
۹	اهمیت فوق‌العاده
۲,۴,۶,۸	ارزش‌های میانی
از معکوس برای مقایسه‌های برعکس استفاده می‌شود.	



نمودار ۲. نمایش ساختار تحلیل شبکه‌ای؛ مأخذ: نگارندگان.

شناختی با واحد اندازه‌گیری: ناهمگنی فضایی در تعاملات زیستگاهی، ناهمگنی لکه‌ای در ارتباطات درون- زیستگاهی، ناهمگنی فضایی گونه‌ای در ارتباطات برون- زیستگاهی.

ب- ۱) پایداری عملکرد گونه‌های شبکه‌ی بوم‌شناختی رود- دره‌ی در که در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران پراکنش دالان‌های طبیعی، تزئین‌کاشت و انسان ساخت «شبکه‌ی بوم‌شناختی»

● شاخص اندازه‌گیری

- ساخت زیستی واحدهای دالانی شبکه‌ی بوم‌شناختی در ابقاء نظام پایدار بوم و مکان و ارتباط متقابل اقلیم و قلمرو سیمای سرزمین با واحد اندازه‌گیری: ارتباط (ارتباط- انزوای) زیستی درون- برونی واحد دالان‌های شبکه‌ی بوم‌شناختی.

- پایداری عملکرد دالان‌های شبکه‌ی بوم‌شناختی و سلسله‌مراتب زیستی در بین لکه‌های طبیعی و انسان ساخت، پهنه‌های انسان ساخت و جغرافیایی و پدیده‌های مختلف جغرافیایی با واحد اندازه‌گیری: ارتباط زیستی لکه‌های زیستگاهی و پراکنش گونه‌ای پهنه‌های سرزمین و ارتباط زیستی سامانه‌های طبیعی و انسان ساخت.

ب- ۲) پایداری ارتباط فضایی شبکه‌ی بوم‌شناختی

الف- ۱) تعادل تنوع گونه‌ای دالان بوم‌شناختی رود- دره در که در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران

● شاخص اندازه‌گیری

- ساخت زیستی واحدهای لکه‌ای در تأمین بستر تنوع گونه‌ای دالان بوم‌شناختی با واحد اندازه‌گیری: «نوع»، «تعداد»، «درصد» و «میانگین اندازه» واحد لکه‌های دالان بوم‌شناختی.

- تعادل ساخت لکه‌های دالان بوم‌شناختی با واحد اندازه‌گیری: تنوع ساختاری لکه‌های زیستگاهی، تنوع محدوده‌ای روابط درون- زیستگاهی، تنوع گونه‌ای روابط برون- زیستگاهی.

الف- ۲) تعادل ناهمگنی لکه‌ای دالان بوم‌شناختی رود- دره‌ی در که در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران

الف- ۱) تعادل تنوع گونه‌ای دالان بوم‌شناختی رود- دره در که در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران

● شاخص اندازه‌گیری

- همجواری فضایی واحدهای لکه‌ای در بستر جریان ماده و انرژی در بین ذخائر طبیعی، محدوده‌های تاریخی و خصایص فرهنگی دالان بوم‌شناختی، با واحد اندازه‌گیری: «شکل»، «فاصله تا هم‌نوع» و «همجواری با غیرهم‌نوع» لکه‌های دالان بوم‌شناختی

- تعادل فضایی (ارتباط- انزوای) لکه‌های دالان بوم

رود- دره‌ی درکه در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران
چیدمان دالان‌های طبیعی، تزئین‌کاشت و انسان‌ساخت
«شبکه‌ی بوم‌شناختی»

● شاخص اندازه‌گیری

- یکپارچگی فضایی واحدهای دالانی شبکه‌ی
بوم‌شناختی در ابقاء عملکردهای چندگانه‌ی
بوم‌شناختی و انسان‌شناختی سیمای سرزمین با واحد
اندازه‌گیری: ارتباط- انزوای فضایی درون- برونی
دالان‌های شبکه‌ی بوم‌شناختی.

- پایداری فضایی دالان‌های شبکه‌ی بوم‌شناختی و
سلسله‌مراتب فضایی لکه‌های طبیعی و انسان‌ساخت،
پهنه‌های انسان‌ساخت و جغرافیایی، و پدیده‌های
مختلف جغرافیایی با واحد اندازه‌گیری: ارتباط فضایی در
بین لکه‌های زیستگاهی، پراکنش فضایی گونه‌ای در بین
پهنه‌های سرزمین و ارتباط فضایی در بین سامانه‌های
طبیعی و انسان‌ساخت.

ج-۱) تعالی زیستی سیمای سرزمین تهران

پراکنش شبکه لکه‌ها و دالان‌های طبیعی، تزئین‌کاشت
و انسان‌ساخت «پهنه‌ی بوم‌شناختی - انسان‌شناختی
سیمای سرزمین»

● شاخص اندازه‌گیری

- ساخت زیستی پهنه‌ی بوم‌شناختی - انسان‌شناختی
سیمای سرزمین در پاسخ به احتیاجات روند استعلایی
برنامه‌های اجتماعی با واحد اندازه‌گیری: تخصیص
ساخت و عملکرد زیستی شبکه‌ی بوم‌شناختی -
انسان‌شناختی پهنه‌بندی سیمای سرزمین.

- استعلای زیست شبکه‌ی بوم‌شناختی -
انسان‌شناختی سیمای سرزمین با واحد اندازه‌گیری:
استعلای شرایط خاص گونه‌ها در کاستن آثار منفی
بر سامانه‌ها؛ استعلای تعاملات بوم‌شناختی -
انسان‌شناختی واحدهای سرزمینی در گذار از
سامانه‌های تک عملکردی؛ و استعلای محیط زیستی
پهنه‌های انسان‌ساخت در تداوم پایداری توسعه‌ی
فضایی سیمای سرزمین.

ج-۲) عرصه‌بندی شبکه‌ی بوم‌شناختی -
انسان‌شناختی سیمای سرزمین تهران

چیدمان شبکه‌ی لکه‌ها و دالان‌های طبیعی تزئین‌کاشت
و انسان‌ساخت «پهنه‌ی بوم‌شناختی - انسان‌شناختی
سیمای سرزمین»

● شاخص اندازه‌گیری

- آرایش فضایی شبکه‌های بوم‌شناختی در روند
استعلای تعاملات بوم‌شناختی-انسان‌شناختی
سیمای سرزمین با واحد اندازه‌گیری: تخصیص ساخت و
عملکرد فضایی پهنه‌ی بوم‌شناختی - انسان‌شناختی
سیمای سرزمین.

- استعلای فضایی شبکه‌های بوم‌شناختی -
انسان‌شناختی سیمای سرزمین با واحد اندازه‌گیری:
استعلای نقش واحدهای بوم‌شناختی در عملکرد
سیمای سرزمین؛ استعلای نقش مردم در کارکرد
واحدهای بوم‌شناختی؛ استعلای پایداری
زیرساخت‌های بوم‌شناختی؛ و استعلای تجربه‌ی
بوم‌شناختی.

همچنین سه گزینه‌ی مربوط به مدل مطالعه حاضر
به صورت زیر قابل تعریف می‌باشند:

الف) تعادل ساخت دالان واحد بوم‌شناختی رود- دره‌ی
درکه در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران

● با شاخص اندازه‌گیری

- تأمین بستر «فراوانی گونه طبیعی»، «ناهمگنی لکه‌ای»،
و «توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی» (Ahern, 1991).

ب) پایداری عملکرد شبکه‌ی بوم‌شناختی رود- دره‌ی
درکه در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران

● با شاخص اندازه‌گیری

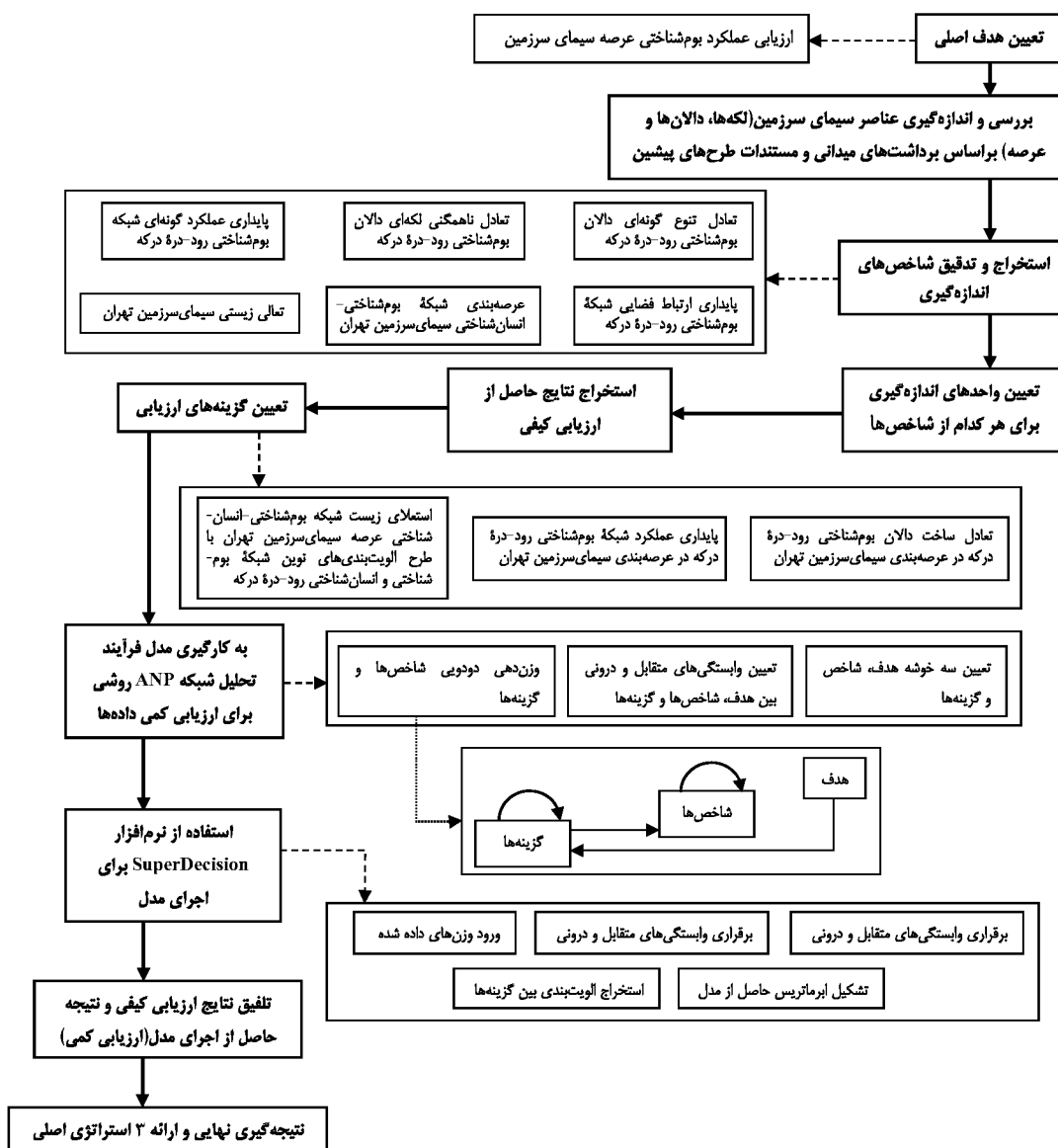
- ابقاء بستر «تنوع گونه‌ای»، «موقعیت‌های گردشگری» و
«خصایص منطقه‌ای» (Gross & Finn, 1995).
(Linehan).

ج) استعلای زیست شبکه‌ی بوم‌شناختی -
انسان‌شناختی عرصه‌ی سیمای سرزمین تهران با طرح
الویت‌بندی‌های نوین شبکه‌ی بوم‌شناختی و
انسان‌شناختی رود- دره‌ی درکه

● با شاخص اندازه‌گیری

روند همزمان «حفاظت بوم‌شناختی» و «توسعه‌ی



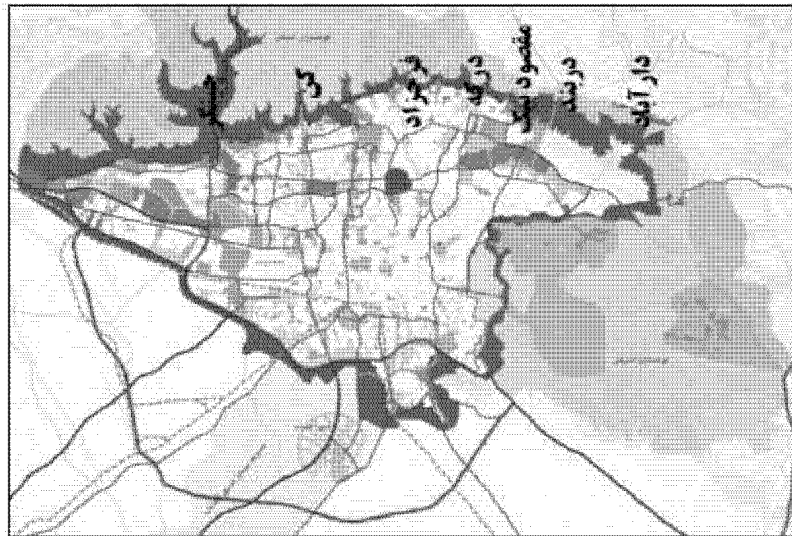


نمودار ۳. مدل مفهومی تحقیق؛ مأخذ: نگارندگان.

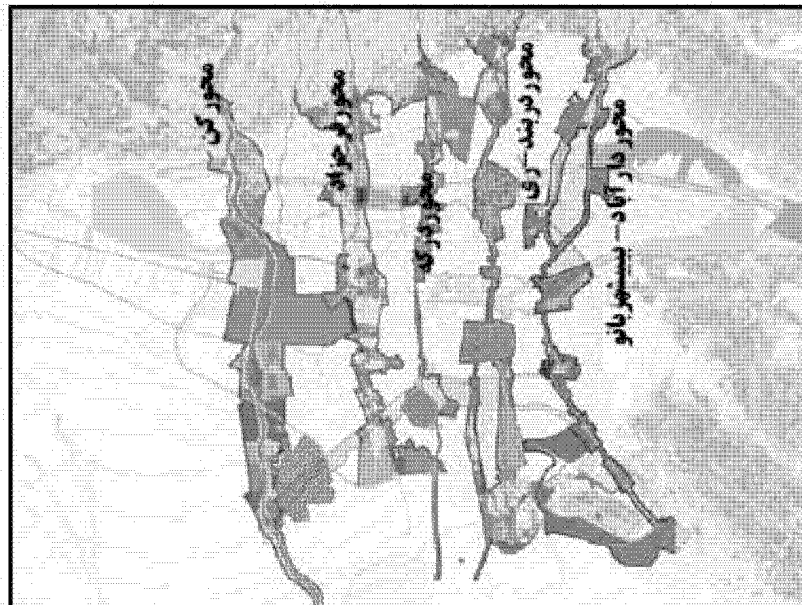
انسان‌شناختی»، با توجه به الویت‌بندی‌های تخصیص گونه‌ای، لکه‌ای و سامانه‌ای شبکه‌های بوم‌شناختی. (نراقی و میرفندرسکی، ۱۳۸۶).

از این رو حفظ و عدم تخریب آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین در طرح جامع شهر تهران ۵ محورگردشگری اتصال‌دهنده‌ی شمال به جنوب تهران، از میان این ۷ رود-دره‌ی نام‌برده شده‌اند. این ۵ محور گردشگری شمالی-جنوبی از شرق به غرب عبارتند از: محورهای (۱) دارآباد-بی بی شهربانو، (۲) دربند-ری، (۳) درکه، (۴) فرحزاد و (۵) کن (شکل شماره‌ی (۲)). این رود-دره‌ها از میان بافت درهم‌پیچیده‌ی کلان‌شهر تهران می‌گذرند، که در طول زمان و به‌واسطه‌ی رشد و توسعه‌ی

مطالعه‌ی موردی (تهران، رود-دره‌ی درکه) در بیانیه‌ی مشترک «گردهمایی طرح کوهسران»، مورخ ۱۳۷۸/۲/۵، ۷ رود-دره‌های سیمای سرزمین کلان‌شهر تهران معرفی شده‌اند (شکل شماره‌ی (۱)). این هفت رود-دره به‌عنوان بسترهای طبیعی واجد ارزش سیمای سرزمین تهران معرفی می‌شوند که به ارتقاء کیفیت محیط زیست شهر تهران کمک شایانی می‌نمایند



شکل ۱. سیمای سرزمین تهران؛ مأخذ: مهندسین مشاور معماری- شهرسازی بوم‌سازگان، ۱۳۸۶



شکل ۲. پنج محور پیشنهادی طرح جامع تهران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ۱۳۸۶/۰۹/۰۵؛ مأخذ: مهندسین مشاور معماری- شهرسازی بوم‌سازگان، ۱۳۸۶.

بی‌قاعده‌ی کلان‌شهر تهران مورد تجاوز ساخت‌وسازها قرار گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که به مرور ارزش‌های طبیعی آن‌ها به دست فراموشی سپرده شده است. رودخانه‌ی درکه گسترده‌شده در راستای شمالی-جنوبی تهران از کوه‌های البرز در شمال روستای درکه سرچشمه می‌گیرد و به سمت جنوب تا حد پل نصر جریان می‌یابد و به واسطه‌ی کانال سیل‌برگردان غرب واقع در کریدور بلوار جواد فاضل به سمت غرب هدایت و پس از اتصال به مسیل پونک و فرحزاد وارد کانال انحرافی صادقیه می‌شود و پس از قطع کردن بزرگراه آیت‌الله کاشانی و عبور از شمال بزرگراه تهران-کرج به سمت غرب ادامه مسیر می‌یابد و در جنوب پارک ارم به رودخانه‌ی کن ملحق می‌شود (عیسی‌نظر، ۱۳۸۴).

به واسطه‌ی گسترش روزافزون ساخت‌وسازهای کلان‌شهر تهران، ماهیت دالان رود-دره تنها در بخشی از مسیر آن حفظ شده است. طی سال‌های گذشته سیمای سرزمین دالان شاهد تغییرات بسیاری در سازمان و ساخت فضایی و نهاد اقتصادی-اجتماعی خود بوده

است. علاوه بر رشد محدوده‌های انسان ساخت بخش شمالی، شکل‌گیری اسکان غیررسمی نیز در بخش‌هایی از آن مشاهده می‌شود. براساس بررسی‌های صورت گرفته، عمده‌ترین تغییرات این محدوده مربوط به احداث بزرگراه‌های شهری است که سبب گسستگی بافت و بستر دالان گردیده است.

در مطالعه‌ی حاضر، بررسی‌ها ابتدا در غالب نتایج به دست آمده از ارزیابی کیفی مراتب سه‌گانه‌ی عملکرد بوم‌شناختی سیمای سرزمین رود- دره‌ی درکه در مقیاس فضایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران بیان می‌گردد (جدول شماره‌ی (۳))، و سپس، نتایج کمی حاصل از مدل اجرا شده مورد تحلیل قرار می‌گیرد. آنچه از اصول بوم‌شناسی سیمای سرزمین در رابطه با موضوع مورد بحث استنباط می‌شود، اهمیت عناصر تشکیل

دهنده‌ی ساخت سیمای سرزمین و نیاز مبرم به ساماندهی آن‌ها در قالب طرح‌های مختلف برنامه‌ریزی سیمای سرزمین است. اهداف این طرح‌ها در رابطه با حفظ ساخت و عملکرد دالان‌های رود-دره‌ی شهری، به دلیل ظرفیت بالای آن‌ها در ابقاء منابع بوم‌شناختی نهفته در سیمای سرزمین شهری است. به طور کلی، در ارزیابی عملکرد بوم‌شناختی سیمای سرزمین دالان رود-دره‌ی شهری اهداف زیر مورد نظر است:

- ارزیابی عناصر فضایی با قابلیت جریان ماده و انرژی در بین عناصر بوم‌سامانه‌ای؛
- ارزیابی محدوده‌ها و دالان‌های طبیعی و انسان ساخت با قابلیت توسعه‌ی عملکردهای بوم‌شناختی؛
- تعامل محدوده‌ها تعامل فعالیت‌های شهری با قابلیت توسعه‌ی شبکه‌های چندمنظوره‌ای.

جدول ۳. ارزیابی مراتب سه‌گانه‌ی عملکرد بوم‌شناختی سیمای سرزمین رود- دره‌ی درکه در مقیاس فضایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران؛ مأخذ: نگارندگان.

نتایج حاصل از ارزیابی	شاخص‌های ارزیابی عملکرد بوم‌شناختی سیمای سرزمین رود-دره‌ی درکه در مقیاس فضایی عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران	
<ul style="list-style-type: none"> • پراکنش ریزدانه لکه‌های طبیعی (کاهش سطح و تعداد لکه‌های طبیعی)؛ • پراکنش درشت دانه لکه‌های انسان ساخت (افزایش سطح و تعداد لکه‌های انسان ساخت)؛ • پراکنش ریز و درشت دانه لکه‌های تزئین کاشت (افزایش سطح و تعداد لکه‌ها با عناصر فقیر و نامرتب بوم‌شناختی)؛ • تخریب لکه‌های طبیعی و انسان ساخت (کاهش کیفیت بوم‌شناختی سامانه‌های طبیعی و انسان ساخت). 	<p>تعادل تنوع گونه‌ای دالان بوم‌شناختی رود-دره‌ی درکه</p>	تعادل محیطی پهنه‌بندی سیمای سرزمین تهران
<ul style="list-style-type: none"> • پراکنش نامرتب لکه‌ها (کاهش ارتباط فضایی لکه‌ها)؛ • انزوای فضایی لکه‌های طبیعی در کسب موقعیت‌های بوم‌شناختی (افزایش گسست فضایی سامانه‌های طبیعی با دخالت لکه‌ها و دالان‌های انسان ساخت)؛ • انزوای فضایی لکه‌های طبیعی در کسب موقعیت‌های انسان‌شناختی (نقصان ارتباط فضایی سامانه‌های طبیعی با لکه‌ها و دالان‌های انسان ساخت)؛ • گستردگی لکه‌های انسان ساخت متأثر (نفوذ اختلالات بوم‌شناختی در محیط). 	<p>تعادل ناهمگنی لکه‌ای دالان بوم‌شناختی رود-دره‌ی درکه</p>	
<p>تعادل ساخت دالان بوم‌شناختی رود-دره‌ی درکه در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران</p> <ul style="list-style-type: none"> • کاهش تعادل ساخت لکه‌ای دالان بوم‌شناختی رود-دره‌ی درکه؛ بیانگر کاهش تنوع ساختاری لکه‌های زیستگاهی، کاهش تنوع محدوده‌ای روابط درون-زیستگاهی، و کاهش تنوع گونه‌ای روابط برون-زیستگاهی دالان بوم‌شناختی. • کاهش تعادل فضایی (ارتباط-انزوای) لکه‌ای دالان بوم‌شناختی رود-دره‌ی درکه؛ بیانگر کاهش ناهمگنی فضایی در تعاملات زیستگاهی، کاهش ناهمگنی محدوده‌ای در ارتباطات درون-زیستگاهی، و کاهش ناهمگنی گونه‌ای در ارتباطات برون-زیستگاهی دالان بوم‌شناختی. 		
<ul style="list-style-type: none"> • گسست دالان‌های طبیعی (رود-دره‌ها/شریان‌های بوم‌شناختی) (کاهش طول و تعداد دالان‌های طبیعی)؛ • پراکنش دالان‌های انسان ساخت (شریان‌های ترافیکی) (افزایش طول و تعداد دالان‌های انسان ساخت)؛ • پراکنش دالان‌های تزئین کاشت (افزایش طول و تعداد دالان‌ها با عناصر فقیر و نامرتب بوم‌شناختی)؛ • تخریب دالان‌های طبیعی و انسان ساخت (کاهش کیفیت بوم‌شناختی دالان‌های طبیعی و انسان ساخت) 	<p>پایداری عملکرد گونه‌ای شبکه‌ی بوم-شناختی رود-دره‌ی درکه</p>	پایداری جغرافیایی-انسانی پهنه‌بندی سیمای سرزمین تهران

<ul style="list-style-type: none"> • پراکنش نامرتب دالان‌ها (نقصان ارتباط فضایی دالان‌ها) • انزوای فضایی دالان‌های طبیعی در کسب موقعیت‌های بوم‌شناختی (افزایش گسست فضایی دالان‌های طبیعی با دخالت لکه‌ها و دالان‌های انسان‌ساخت) • انزوای فضایی دالان‌های انسان‌ساخت در کسب موقعیت‌های بوم‌شناختی (نقصان ارتباط فضایی دالان‌های انسان‌ساخت با لکه‌ها و دالان‌های طبیعی) • گستردگی دالان‌های انسان‌ساخت متأثر (نفوذ اختلالات بوم‌شناختی در محیط) • گستردگی دالان‌های انسان‌ساخت تأثیرگذار (نفوذ اختلالات انسان‌شناختی در طبیعت) که سبب کاهش پایداری عملکرد دالان‌های شبکه بوم‌شناختی می‌شود. • فقدان سلسله‌مراتب زیستی در بین لکه‌های طبیعی و انسان‌ساخت، پهنه‌های انسان‌ساخت و جغرافیایی، و پدیده‌های مختلف جغرافیایی شبکه بوم‌شناختی که سبب کاهش ارتباط زیستی لکه‌های زیستگاهی، کاهش پراکنش گونه‌های پهنه‌های سرزمین، کاهش ارتباط زیستی سامانه‌های طبیعی و انسان‌ساخت، کاهش پایداری فضایی دالان‌های شبکه بوم‌شناختی شده است. • فقدان سلسله‌مراتب فضایی در بین لکه‌های طبیعی و انسان‌ساخت، پهنه‌های انسان‌ساخت و جغرافیایی، و پدیده‌های مختلف جغرافیایی که کاهش ارتباط فضایی در بین لکه‌های زیستگاهی، کاهش پراکنش فضایی گونه‌ای در بین پهنه‌های سرزمین، کاهش ارتباط فضایی در بین سامانه‌های طبیعی و انسان‌ساخت را سبب می‌شود. 	<p>پایداری ارتباط فضایی شبکه بوم‌شناختی رود-دره درک</p>	
<p>پایداری عملکرد شبکه بوم‌شناختی رود-دره درک در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران</p> <ul style="list-style-type: none"> • کاهش پایداری عملکرد شبکه بوم‌شناختی رود-دره درک - بیانگر فقدان سلسله‌مراتب زیستی در بین لکه‌های طبیعی و انسان‌ساخت، پهنه‌های انسان‌ساخت و جغرافیایی، و پدیده‌های مختلف جغرافیایی شبکه بوم‌شناختی: مسبب کاهش ارتباط زیستی لکه‌های زیستگاهی، کاهش پراکنش گونه‌های پهنه‌های سرزمین، و کاهش ارتباط زیستی سامانه‌های طبیعی و انسان‌ساخت شبکه بوم‌شناختی. • کاهش پایداری فضایی شبکه بوم‌شناختی رود-دره درک - بیانگر فقدان سلسله‌مراتب فضایی در بین لکه‌های طبیعی و انسان‌ساخت، پهنه‌های انسان‌ساخت و جغرافیایی، و پدیده‌های مختلف جغرافیایی شبکه بوم‌شناختی: مسبب کاهش ارتباط فضایی در بین لکه‌های زیستگاهی، کاهش پراکنش فضایی گونه‌ها در بین پهنه‌های سرزمین، و کاهش ارتباط فضایی در بین سامانه‌های طبیعی و انسان‌ساخت شبکه بوم‌شناختی. 		
<ul style="list-style-type: none"> • گسست دالان‌های طبیعی (رود-دره‌ها/شریان‌های بوم‌شناختی) (کاهش طول و تعداد دالان‌های طبیعی) • پراکنش دالان‌های انسان‌ساخت (شریان‌های ترافیکی) (افزایش طول و تعداد دالان‌های انسان‌ساخت) • پراکنش دالان‌های تزئین کاشت (افزایش طول و تعداد دالان‌ها با عناصر فقیر و نامرتب بوم‌شناختی) • تخریب دالان‌های طبیعی و انسان‌ساخت (کاهش کیفیت بوم‌شناختی دالان‌های طبیعی و انسان‌ساخت) 	<p>تعالی زیستی سیمای سرزمین تهران</p>	<p>تعالی بومی-انسانی پهنه‌بندی سیمای سرزمین تهران</p>
<ul style="list-style-type: none"> • پراکنش نامرتب دالان‌ها (نقصان ارتباط فضایی دالان‌ها) • انزوای فضایی دالان‌های طبیعی در کسب موقعیت‌های بوم‌شناختی (افزایش گسست فضایی دالان‌های طبیعی با دخالت لکه‌ها و دالان‌های انسان‌ساخت) • انزوای فضایی دالان‌های انسان‌ساخت در کسب موقعیت‌های بوم‌شناختی (نقصان ارتباط فضایی دالان‌های انسان‌ساخت با لکه‌ها و دالان‌های طبیعی) • گستردگی دالان‌های انسان‌ساخت متأثر (نفوذ اختلالات بوم‌شناختی در محیط) • گستردگی دالان‌های انسان‌ساخت تأثیرگذار (نفوذ اختلالات انسان‌شناختی در طبیعت) 	<p>عرصه‌بندی شبکه بوم‌شناختی-انسان‌شناختی سیمای سرزمین تهران</p>	
<p>استعلازی زیست شبکه بوم‌شناختی-انسان‌شناختی عرصه سیمای سرزمین تهران</p> <ul style="list-style-type: none"> • عدم اعتلای روندهای زیستی شبکه‌های بوم‌شناختی سیمای سرزمین تهران • عدم اعتلای ارتباطات فضایی شبکه‌های بوم‌شناختی سیمای سرزمین تهران 		



در ادامه به منظور ارائه‌ی نتیجه‌ی به دست آمده از فرآیند تحلیل شبکه، مراحل انجام این فرآیند به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مدل مذکور ابتدا ارتباطات بین هدف، شاخص‌ها و گزینه‌ها برقرار می‌شود. همچنین در این مرحله ارتباطات درونی میان شاخص‌ها و همچنین ارتباطات میان گزینه‌ها و شاخص‌ها، تعیین می‌گردد. پس از این مرحله میان ارتباطات امتیازدهی صورت می‌پذیرد.

شیوه‌ی امتیازدهی به این صورت می‌باشد که در هر مرحله براساس ثابت فرض کردن یک شاخص، دوبه‌دو سایر شاخص‌ها با یکدیگر بر اساس میزان برتری مقایسه

node in "index" cluster

Comparisons wrt "عرصه سیمای سرزمین" (Comparisons wrt "Urban Form")

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1	9	8	7	6	5	4	3	2	1	0
2	8	9	7	6	5	4	3	2	1	0
3	7	8	9	7	6	5	4	3	2	1
4	6	7	8	9	7	6	5	4	3	2
5	5	6	7	8	9	7	6	5	4	3
6	4	5	6	7	8	9	7	6	5	4
7	3	4	5	6	7	8	9	7	6	5
8	2	3	4	5	6	7	8	9	7	6
9	1	2	3	4	5	6	7	8	9	7
10	0	1	2	3	4	5	6	7	8	9

node in "alternatives" cluster

Comparisons wrt "عرصه سیمای سرزمین" (Comparisons wrt "Urban Form")

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1	9	8	7	6	5	4	3	2	1	0
2	8	9	7	6	5	4	3	2	1	0
3	7	8	9	7	6	5	4	3	2	1
4	6	7	8	9	7	6	5	4	3	2
5	5	6	7	8	9	7	6	5	4	3
6	4	5	6	7	8	9	7	6	5	4
7	3	4	5	6	7	8	9	7	6	5
8	2	3	4	5	6	7	8	9	7	6
9	1	2	3	4	5	6	7	8	9	7
10	0	1	2	3	4	5	6	7	8	9

شکل های ۷ و ۸. مقایسه‌ی دوبه‌دویی شاخص‌ها در ارتباط با پارامتر تعالی؛ مأخذ: نگارندگان.

node in "alternatives" cluster

Comparisons wrt "عرصه سیمای سرزمین" (Comparisons wrt "Urban Form")

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1	9	8	7	6	5	4	3	2	1	0
2	8	9	7	6	5	4	3	2	1	0
3	7	8	9	7	6	5	4	3	2	1
4	6	7	8	9	7	6	5	4	3	2
5	5	6	7	8	9	7	6	5	4	3
6	4	5	6	7	8	9	7	6	5	4
7	3	4	5	6	7	8	9	7	6	5
8	2	3	4	5	6	7	8	9	7	6
9	1	2	3	4	5	6	7	8	9	7
10	0	1	2	3	4	5	6	7	8	9

شکل ۹. مقایسه‌ی دوبه‌دویی گزینه‌ها با فرض ثابت ماندن گزینه‌ی تعادل ساخت؛ مأخذ: نگارندگان.

node in "index" cluster

Comparisons wrt "عرصه سیمای سرزمین" (Comparisons wrt "Urban Form")

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1	9	8	7	6	5	4	3	2	1	0
2	8	9	7	6	5	4	3	2	1	0
3	7	8	9	7	6	5	4	3	2	1
4	6	7	8	9	7	6	5	4	3	2
5	5	6	7	8	9	7	6	5	4	3
6	4	5	6	7	8	9	7	6	5	4
7	3	4	5	6	7	8	9	7	6	5
8	2	3	4	5	6	7	8	9	7	6
9	1	2	3	4	5	6	7	8	9	7
10	0	1	2	3	4	5	6	7	8	9

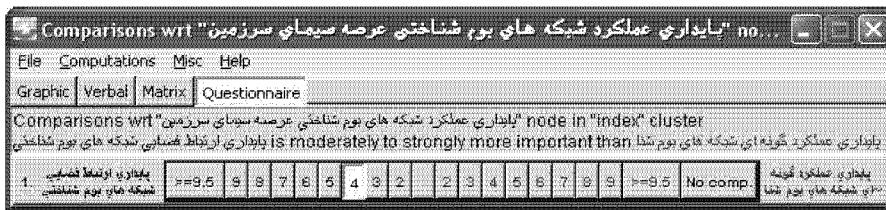
شکل ۱۰. مقایسه‌ی دوبه‌دویی شاخص‌های مربوط به گزینه‌ی تعادل ساخت؛ مأخذ: نگارندگان.

node in "alternatives" cluster

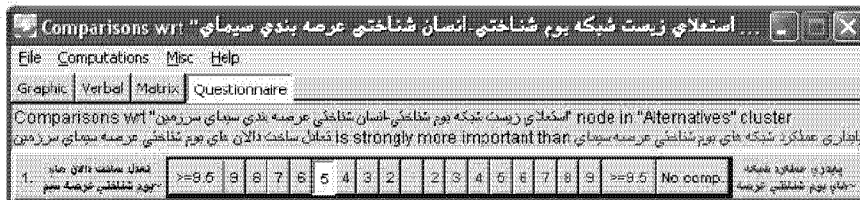
Comparisons wrt "عرصه سیمای سرزمین" (Comparisons wrt "Urban Form")

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1	9	8	7	6	5	4	3	2	1	0
2	8	9	7	6	5	4	3	2	1	0
3	7	8	9	7	6	5	4	3	2	1
4	6	7	8	9	7	6	5	4	3	2
5	5	6	7	8	9	7	6	5	4	3
6	4	5	6	7	8	9	7	6	5	4
7	3	4	5	6	7	8	9	7	6	5
8	2	3	4	5	6	7	8	9	7	6
9	1	2	3	4	5	6	7	8	9	7
10	0	1	2	3	4	5	6	7	8	9

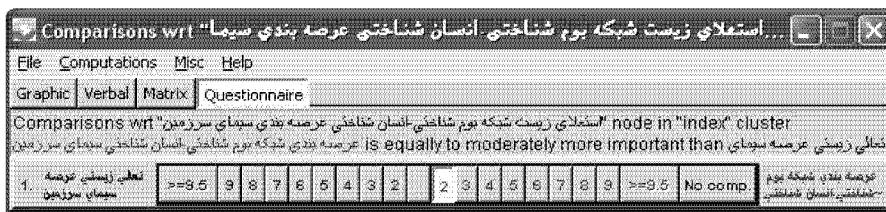
شکل ۱۱. مقایسه‌ی دوبه‌دویی گزینه‌ها با فرض ثابت ماندن گزینه‌ی پایداری عملکرد؛ مأخذ: نگارندگان.



شکل ۱۲. مقایسه‌ی دوبه‌دویی شاخص‌های مربوط به گزینه‌ی پایداری عملکرد؛ مأخذ: نگارندگان.



شکل ۱۳. مقایسه‌ی دوبه‌دویی گزینه‌ها با فرض ثابت ماندن گزینه‌ی استعلا‌ی زیستی؛ مأخذ: نگارندگان.



شکل ۱۴. مقایسه‌ی دوبه‌دویی شاخص‌های مربوط به گزینه‌ی استعلا‌ی زیستی؛ مأخذ: نگارندگان.

پایداری عملکرد شبکه‌های بوم‌شناختی عرصه‌ی سیمای سرزمین ۰۰۳۹۲۳۷۴، در مقام دوم، و امتیاز نرمال شده‌ی گزینه‌ی تعادل ساخت دالان‌های بوم‌شناختی عرصه‌ی سیمای سرزمین ۰۰۴۵۹۶۳۶، در مقام اول، در فرآیند مدل ANP به دست آمده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در مطالعه حاضر تلاش گردید تا شاخص‌های مستخرج از مبانی نظری جهت تحلیل شرایط موجود یکی از مهمترین بسترهای طبیعی و رود- دره‌های شهری سیمای سرزمین تهران مورد استفاده قرار گیرد. ارزیابی‌های کیفی و کمی شاخص‌ها نتایج یکسانی از تحلیل شرایط بوم‌شناختی رود- دره‌ی درکه را ارائه می‌دهند. در واقع ارزیابی کمی، با استفاده از مدل ANP، مهر تأییدی بر درستی نتایج به دست آمده از ارزیابی کیفی را نشان می‌دهد. ارزش‌گذاری شاخص‌ها و گزینه‌های مدل مفهومی فرآیند تحلیل شبکه‌ای حاکی از آن است که از میان گزینه‌های برنامه‌ریزی عرصه‌بندی

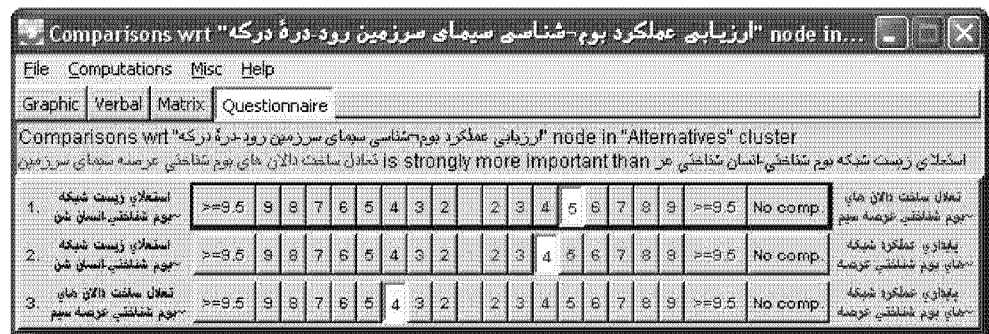
می‌شوند. مقایسه‌ی دوبه‌دویی شاخص‌ها در ادامه با فرض ثابت فرض کردن شاخص سوم برای مدل تعیین می‌گردد.

پس از امتیازدهی میان شاخص‌ها، امتیازدهی میان گزینه‌ها و شاخص‌های مربوط به هر گزینه صورت می‌پذیرد. پس از این مرحله با به دست آمدن ابرماتریس، امتیاز نهایی میان گزینه‌ها مشخص می‌گردد که در نهایت وضعیت رود- دره‌ی درکه از لحاظ شاخص‌ها و ارتباطات درونی و بیرونی آن‌ها تعیین می‌گردد.

پس از مقایسه‌ی دوبه‌دویی میان شاخص‌ها و گزینه‌ها، نرم‌افزار، سوپرماتریس را برای ارائه‌ی امتیازدهی نهایی تشکیل می‌دهد. سوپرماتریس وزن‌دهی شده‌ی مدل برای رود- دره‌ی درکه به صورت جدول شماره‌ی (۴) می‌باشد.

بر اساس شکل شماره‌ی (۱۶)، امتیاز نرمال شده‌ی گزینه‌ی استعلا‌ی زیستی شبکه‌های بوم‌شناختی- انسان‌شناختی عرصه‌ی سیمای سرزمین ۰۰۱۴۷۹۹۰، در مقام سوم، امتیاز نرمال شده‌ی گزینه‌ی

Cluster Node Labels	Alternatives				Goals	Index					
	تعادل ساخت دالان پومشناختی رود-دره تهران	پایداری عملکرد شبکه پومشناختی رود-دره تهران	استعلامی زیست شبکه پومشناختی-انسان شناختی عرصه پومشناختی تهران	ارزیابی عملکرد پومشناختی سیمای سرزمین رود-دره تهران	مقیاس فضایی عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	تعادل تنوع گونه‌ای دالان پومشناختی رود-دره تهران	تعامل ناهمگنی لکه‌ای دالان پومشناختی رود-دره تهران	پایداری عملکرد گونه‌ای شبکه پومشناختی رود-دره تهران	پایداری ارتباط فضایی شبکه پومشناختی رود-دره تهران	تعامل زیستی سیمای سرزمین تهران	عرصه پومشناختی شبکه پومشناختی-انسان شناختی سیمای سرزمین تهران
Alternatives	تعادل ساخت دالان پومشناختی رود-دره تهران در عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۲۸۵۵۹	۰,۰۴۱۶۶۶۷	۰,۰۶۶۸۳۹	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
	پایداری عملکرد شبکه پومشناختی رود-دره تهران در عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۸۳۳۳۳	۰,۰۳۴۹۳۹	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
	استعلامی زیست شبکه پومشناختی-انسان شناختی عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
Goals	ارزیابی عملکرد پومشناختی سیمای سرزمین رود-دره تهران در عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
	تعادل تنوع گونه‌ای دالان پومشناختی رود-دره تهران در عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
Index	تعادل تنوع گونه‌ای دالان پومشناختی رود-دره تهران در عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
	تعامل ناهمگنی لکه‌ای دالان پومشناختی رود-دره تهران در عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
	پایداری عملکرد گونه‌ای شبکه پومشناختی رود-دره تهران در عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
	پایداری ارتباط فضایی شبکه پومشناختی رود-دره تهران در عرصه پومشناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
	تعامل زیستی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
	عرصه پومشناختی شبکه پومشناختی-انسان شناختی سیمای سرزمین تهران	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰



شکل ۱۵. مقایسه‌ی دو به دویی گزینه‌ها بر اساس هدف اصلی؛ مأخذ: نگارندگان.

New Synthesis for Super Decisions Main Window: darakeh.mod

Here are the overall synthesized priorities for the alternatives. You synthesized from the network Super Decisions Main Window: darakeh.mod

Name	Graphic	Ideals	Normals	Raw
استعلامی زیست شبکه فای بوم شناختی-انسان شناختی		0.21973	0.24789	0.00000
تغایر ساخت دالان های بوم شناختی		0.07000	0.49976	0.00000
پایداری عملکرد زیست فای بوم شناختی		0.25562	0.29234	0.00000

Okay Copy Values

شکل ۱۶. امتیاز نهایی گزینه‌ها؛ مأخذ: نگارندگان.

تشکر و قدردانی

این پژوهش با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی به شماره قرارداد ۶۰۰/۱۴۰ مورخ ۱۳۹۰/۲/۵ انجام پذیرفته است. بدین وسیله از معاونت پژوهشی دانشگاه و پژوهشکده‌ی علوم محیطی در فراهم آوردن زمینه‌ی لازم برای انجام این مطالعه، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع و ماخذ

۱. برق جلوه، شهیندخت (۱۳۸۵) «پرسپکتیوی از اتحاد بین علم و سیاست محیطی: راهبرد توسعه پژوهش در حوزه مطالعات میان‌دانشی تغییر بوم‌شناختی سیمای سرزمین». نشریه علمی-پژوهشی علوم محیطی ۱۴، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. جعفری، علی و طیبیان، منوچهر (۱۳۸۵) «برنامه ریزی فضای سبز شهری و فراشهری شهر جدید شیرین شهر با استفاده از اصول اکولوژی سیمای سرزمین» سبزینه شرق، فصلنامه تخصصی فضای سبز ۸ (پیاپی ۱۳)، حوزه معاونت امور عمرانی زاهدان، استانداری سیستان و بلوچستان
۳. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۹) «کاربرد فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای». مجله‌ی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. (۴۱): ۷۹-۹۰.
۴. عیسی‌نظر فومنی، ع. (۱۳۸۴) ساماندهی و طراحی مسیل‌های متروکه شهر تهران نمونه‌ی موردی رود-دره‌ی اوین درکه. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد طراحی

سیمای سرزمین تهران، شاخص تعادل ساخت دالان بوم‌شناختی رود-دره‌ی درکه دارای مقام اول است. در نتیجه، همان‌طور که از ارزیابی داده‌های به دست آمده نتیجه‌گیری می‌شود، عرصه‌ی رود-دره‌ی درکه از منظر گزینه‌ی تعادل ساخت دالان بوم‌شناختی دارای مطلوبیت بهتری است و چنانچه برخی پارامترها در این عرصه ارتقاء بیابند، امکان دستیابی به گزینه‌ی پایداری عملکرد شبکه‌ی بوم‌شناختی نیز برای رود-دره‌ی درکه فراهم خواهد آمد. لیکن به منظور دستیابی به استعلامی زیست شبکه‌ی بوم‌شناختی-انسان‌شناختی عرصه‌ی سیمای سرزمین تهران می‌بایست برنامه‌ریزی استراتژیک دستیابی به آن گزینه پایه‌گذاری شود. سه راهبرد سلسله‌مراتبی، شامل: ۱) ایجاد پیوستگی و ارتباط فضایی در شبکه‌ی ساخت محدوده‌های طبیعی دالان رود-دره‌ها، با قابلیت تقسیم به واحدهای سرزمینی، ۲) تبیین اهداف معین بوم‌شناختی-انسان‌شناختی شبکه‌ی بوم‌شناختی دالان رود-دره‌ها، با قابلیت «ابقاء تنوع گونه‌ای» و «انتخاب نوع گونه» در عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران ۳) اعتلای «زیست گونه‌ای» و «همبستگی فضایی بوم‌سامانه‌ای» عرصه‌بندی سیمای سرزمین تهران، با طرح الویت‌بندی‌های منتخب از حفاظت بوم‌شناختی و توسعه‌ی انسان‌شناختی دالان رود-دره‌ها، قابل پیاده‌سازی در عرصه‌ی سیمای سرزمین رود-دره‌ی درکه و همچنین سایر عرصه‌های رود-دره‌ای شهر تهران می‌باشند.



»Population diversity and ecosystem services». TREE 18, 331-336.

17. McHarg, I. (1969). Design with Nature. 1st ed. «Garden City». N. Y.: Published for the American Museum of Natural History [by] the Natural History Press.

18. Nakamura, T., Short, K. (2001). «Land-use planning and distribution of threatened wildlife in a city of Japan». Landscape Urban Planning 53. 1-15.

19. Ndubisi, F. (2002). «Ecological Planning. A Historical and Comparative Synthesis». Baltimore; London: The John Hopkins University Press.

20. Noss, R.F., Harris, L. D. (1986). Nodes, Networks and MUMS: «preserving diversity at all scales». Environmental Management 10: 299-309.

21. Opdam, P., Verboom, J., Pouwels, R. (2003). «Landscape cohesion: an index for the conservation potential of landscapes for biodiversity». Landscape Ecol. 18, 113-126.

22. Saaty, Thomas. L. 2008. «The Analytic Network Process : Dependence and Feedback in Decision-Making with a Single Network». Pittsburgh. University of Pittsburgh.

23. Treu, M.C., Magoni, M., Steiner, F., Palazzo, D. (2000). «Sustainable landscape planning for Cremona, Italy». Landscape Urban Planning. 47, 79-98.

24. Zonneveld, I.S. (1995). «Landscape Ecology». Amsterdam: SPB Academic Publishers.

محیط و منظر. دانشکده‌ی محیط‌زیست. دانشگاه تهران.

۵. محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۸۸) «فرآیندهای تحلیل شبکه‌ای (ANP) و سلسله‌مراتبی (AHP)». البرزفردانش. تهران.

۶. مهندسین مشاور معماری - شهرسازی بوم‌سازگان. نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه‌ی شهری تهران (۱۳۸۵) طرح راهبردی - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران.

۷. نراقی، ف.؛ میرفندرسکی، م.ا. (۱۳۸۶) «طرح کوهسران». مجله‌ی آبادی. هفدهم (۵۶) (۲۱) دوره‌ی جدید: ۸۹-۸۴.

8. Ahern, J. 1991. »Planning for an extensive Open Space System: Linking Landscape Structure and Function». Landscape and Urban Planning 21: 45-131.

9. Baschak, L., Brown, R. (1994). «River Systems and Landscape Networks. In Landscape Planning and Ecological Networks» edited by E. A. Cook and H. N. van Lier. Amsterdam: Elsevier.

10. Bottero, Marta, Mondini, Giulio and Valle, Marco. 2007. «The use of the Analytic Network Process for the sustainability assessment of an urban transformation project» International Conference on Whole Life Urban Sustainability and its Assessment, Glasgow.

11. Cook, E., van Lier, H. (1994). «Landscape Planning and Ecological Networks: An Introduction. In Landscape Planning and Ecological Networks» .edited by E. Cook and H. v. Lier. Amsterdam; New York: Elsevier.

12. Forman, R.T.T. (1995). «Land Mosaics: The Ecology of Landscapes and Regions». Cambridge University Press, Cambridge.

13. Herpserger, A.M. (1994). «Landscape ecology and its potential application to planning». Journal planning literature 9 (1): 14-29.

14. Jim, C.Y., Chen, S.S. (2003). «Comprehensive green space planning based on landscape ecology principles in compact Nanjing city China». Landscape Urban Planning. 65, 95-116.

15. Linehan, J.R. Gross, M., Finn, J. 1995. «Greenway Planning: developing a Landscape ecological network approach». Landscape and Urban Planning 33: 93-179.

16. Luck, G.W., Daily, G.C., Ehrlich, P. (2003).



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۲۰۲

مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای

ناصر برک‌پور - دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.
مونا بلوکات* - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

E-participation in neighborhoods management and planning

Abstract

To obtain participatory community based development in recent major areas where face to face interactions are not available for all members of society, participation of ICT services in urban planning and management offers a higher level of partnership due to increase in the amount of information and the quantity of partners in processes. This article is trying to propose an electronic participation concept and evaluation of its applications in Tehran's neighborhood management and planning. In addition, it attempts to introduce a pattern to derive benefit from advantages of novel communication technologies to facilitate public participation. In this research, various methods of applying these tools will be discussed and some solutions are suggested to promote the e-participation level of people along with designing an interactive website for Enghelab neighborhood (District 11) in Tehran. This inquiry has a qualitative approach and uses library research, field works, observational studies, interviews and will study existing experiments. Based on research findings in selected neighborhoods, the interaction level and e-participation facilities have been evaluated inadequate. All under study and neighborhood related weblogs and websites have an informative role rather than two way interactions between neighborhood and residents. Thus, the goals and approaches for Enghelab Website are based on access to a participatory website with discussion forums and other participatory facilities. Along with identifying the real communication constraints among citizens and officials; by implementing the suggestions in high levels of e-participation, it is expected that residents' acceptance of participatory websites will be increased.

Keywords: participation, Electronic participation, planning, website, Enghelab neighborhood

چکیده

به منظور توسعه محله‌محور مشارکتی در گستره‌های وسیع کنونی که ارتباطات رودررو برای تمامی افراد جامعه مقدور نیست، بهره‌مندی از پتانسیل ارتباطات الکترونیکی با هدف مشارکت در برنامه‌ریزی و مدیریت شهر، امکان سطح بالاتری از مشارکت، به علت افزایش میزان اطلاعات و تعداد مشارکت‌کنندگان در فرآیندها را به وجود می‌آورد. هدف از این پژوهش، طرح مفهوم مشارکت الکترونیکی و ارزیابی کاربرد آن در مدیریت و برنامه‌ریزی محلات تهران و ارائه الگویی به منظور بهره‌مندی از مزایای فناوری‌های نوین ارتباطی در جهت تسهیل مشارکت عمومی است. در این پژوهش، شیوه‌های گوناگون کاربرد این ابزار توسط شهروندان در محله‌هایی از شهر تهران بررسی شده و راهکارهایی برای ارتقای سطح مشارکت الکترونیکی ارائه گردیده است. علاوه بر این‌ها، یک پایگاه مشارکت تعاملی در سطح محله انقلاب واقع در منطقه ۱۱ تهران طراحی شده است. تحقیق حاضر به لحاظ رویکرد، تحقیقی کیفی و از منظر هدف، تحقیقی کاربردی است و از مطالعات اسنادی، مشاهده، بررسی تجارب، مصاحبه و همچنین یادداشت‌های میدانی در ۱۰ محله منتخب در شهر تهران به منظور بررسی امکانات موجود و فهم سطح تعامل الکترونیکی آنها با هدف ارتقای وضعیت کنونی بهره برده است. مطابق با یافته‌های پژوهش، سطح تعامل و امکانات مشارکت الکترونیکی محلات مورد بررسی، پایین است و کلیه وبلاگها و وبسایت‌های مورد بررسی صرفاً در حد اطلاع‌رسانی فعالیت می‌کنند. در طراحی پایگاه نمونه محله انقلاب بر دسترسی شهروندان به یک پایگاه مشارکتی همراه با امکانات بحث، نظردهی و سایر تسهیلات مشارکتی مورد تأکید قرار گرفته است. در کنار شناسایی محدودیت‌های ارتباط واقعی شهروندان و مسئولان و اجرای پیشنهادات ارائه شده در خصوص امکانات سطوح بالای مشارکت الکترونیکی می‌توان انتظار داشت استقبال ساکنان محلات از پایگاه‌های مشارکتی نیز افزایش یابد.

واژگان کلیدی: مشارکت، مشارکت الکترونیکی، برنامه‌ریزی، وبسایت، محله انقلاب.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۴۲۷۴۲۴۸، رایانامه: mona.boloukat@gmail.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مونا بلوکات به راهنمایی دکتر ناصر برک‌پور در گروه شهرسازی دانشگاه هنر تهران است.

خواهد شد، انجام شده است و طراحی وبسایت نمونه نیز مطابق با این شاخص‌ها و به منظور ایجاد زمینه‌ای برای مشارکت فعال و ارتباط دوسویه صورت گرفته است. در به ثمر رسیدن این تحقیق، از همکاری سازمان‌های درگیر در مدیریت شهر همچون شهرداری منطقه مورد نظر و به ویژه همکاری شورایی محله به عنوان نزدیکترین نهاد مدیریتی به اجتماعات مردمی استفاده شده است. در این مقاله، پس از بررسی مفاهیم، رویکردها و تجارب جهانی مشارکت الکترونیکی، معیارهای مورد نیاز برای ارزیابی سطح تعامل و کاربرد مشارکت الکترونیکی در محلات منتخب شهر تهران شناسایی شده و براساس آن، ارزیابی صورت گرفته است. در پایان نیز مطابق با معیارهای شاخص ابزار الکترونیکی در سطوح مشاوره و مشارکت فعال، ویژگی‌ها و امکانات یک پایگاه الکترونیکی مشارکتی در محله انقلاب تهران ارائه شده است.

۲- روش‌شناسی

حوزه مشارکت الکترونیکی در برنامه‌ریزی و توسعه شهرها و محلات و به‌طور خاص ارزیابی سطح تعاملات الکترونیکی نهادهای مدیریتی محلات با شهروندان و نیز طراحی یک ابزار الکترونیکی ایده‌آل برای ارتقای سطح مشارکت عمومی را می‌توان حوزه‌ای با ویژگی‌های کیفی خاص و مطابق با معیارهای مشخص دانست که نیازمند شناخت زمینه مورد بررسی مطابق با این معیارها می‌باشد. این تحقیق به لحاظ رویکرد، تحقیقی کیفی و از منظر هدف، تحقیقی کاربردی است. تحقیق کیفی مبتنی بر واقعیت‌های تجربی، مشاهده و مصاحبه است و پژوهشگر نقش مهمی در تفسیر و فهم داده‌ها برعهده دارد و در پی ارائه تصویری کلی از شرایط یا پدیده مورد مطالعه است. در پژوهش حاضر نیز برای آشنایی متناسب با بستر تحقیق، در کنار کار میدانی، مشاهده و مصاحبه، پژوهشگر در فرآیند تحقیق در نقش ابزار اصلی سنجش عمل خواهد کرد. ابزار مرور پیشینه نظری تحقیق و گردآوری اطلاعات در مراحل مختلف تحقیق حاضر متفاوت بوده است. مفاهیم پایه حوزه مشارکت الکترونیک، تحولات نظری و تجارب جهانی، با مرور

مشارکت عمومی، فرآیندی است که نگرانی‌ها، نیازها و ارزش‌های مردمی را در تصمیم‌گیری‌های جمعی و حکومتی می‌گنجانند. این موضوع، ارتباط و تعاملی دوسویه با هدف اخذ تصمیمات بهتری است که از حمایت مردم برخوردار باشد. از جمله ارزش‌های محوری مشارکت، همکاری متقابل میان سازمان‌های تصمیم‌گیرنده و مردمی است که خواستار مشارکت هستند و این مشارکت تنها مهیا کردن اطلاعات برای مردم نیست (کرایتن، ۱۳۹۲، ص ۳۱). در یک فرآیند مشارکت عمومی از آنجاکه شیوه سنتی دعوت از مردم به گردهم‌آیی در یک اتاق برای شرکت در یک جلسه عمومی ممکن است در جذب شهروندان، ناکارآمد و بی‌اثر باشد، زمانبندی و فرم این ملاقاتها اغلب به خاطر سطح پایین مشارکت از جانب عموم اجتماع مورد انتقاد قرار گرفته است. استفاده از فناوری‌های نوین، محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی شهروندانی را که خواهان مشارکت هستند کم خواهد کرد. منافع مورد انتظار از گذار از وظایف سنتی به عرصه دیجیتال، افزایش کارایی، بهبود وضعیت پراکنده اطلاعاتی و بالا بردن فرصت‌های برابر برای شهروندان است (Manta Conroy & Evans-Cowley, 2006).

آن‌چه نوشتار حاضر به آن می‌پردازد طرح مفهوم مشارکت الکترونیکی و چگونگی کاربرد کنونی آن در مدیریت و برنامه‌ریزی محله‌ای تعدادی از محلات منتخب شهر تهران و نیز ارائه الگویی به منظور بهره‌مندی از مزایای فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در جهت تسهیل مشارکت عمومی است. در این زمینه، ابتدا بر اساس شناخت و ارزیابی مشارکت الکترونیکی شهروندان در این محلات، راهکارهایی برای ارتقای سطح کاربرد مشارکت الکترونیکی با هدف رفع کاستی‌های موجود ارائه شده و سپس بر همین مبنا یک پایگاه مشارکت تعاملی در سطح محله انقلاب واقع در منطقه ۱۱ تهران طراحی شده است.

ارزیابی وضعیت مشارکت الکترونیکی در محلات شهر تهران براساس معیارهای شاخص تعاملات الکترونیکی دوطرفه که به تفصیل در بخش پیشینه نظری ارائه



جدول ۱. محلات منتخب شهر تهران به منظور ارزیابی سطح مشارکت الکترونیکی

پهنه	منطقه	محل
شمال	۲	طرشت
	۳	چالهرز
جنوب	۱۷	جلیلی
	۲۰	منصوریه و منگل
شرق	۸	وحیدیه
	۱۴	میانی جنوبی
غرب	۵	باغ فیض
	۹	دکتر هوشیار
مرکز	۶	یوسف‌آباد
	۱۱	انقلاب

کتاب‌ها و مقاله‌های جدید و وبسایت‌های معتبر بررسی شده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه اسناد و منابع، مصاحبه و مشاهده در سطح محلات شهر تهران دریافت گردیده است.

به منظور ارزیابی چگونگی تعاملات الکترونیکی در سطح محلات منتخب شهر تهران، اقدامات زیر صورت گرفته است:

۱. مشاهده امکانات و سطح ابزار الکترونیکی مورد استفاده در محلات شامل بررسی تجربیات و وضعیت کنونی وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها و سایر ابزار الکترونیکی؛

۲. مطالعه اسناد توسعه محلات؛

۳. انجام مصاحبه‌های تعاملی همراه با پرسش‌های باز از دبیران شورایی و تحلیل این مصاحبه‌ها با هدف شناخت مسائل اصلی این موضوع؛

در پایان نیز مطابق با معیارهای ابزار الکترونیکی مورد کاربرد در سطح مشاوره و مشارکت فعال، یک پایگاه الکترونیکی مشارکتی در محله انقلاب، منطقه ۱۱، طراحی شده است. سنجش‌های مورد کاربرد در ارزیابی وضعیت مشارکت الکترونیکی محلات منتخب، معیارهای مناسبی برای برنامه‌ریزی و طراحی پایگاه تعاملی بوده است. در طی این فرآیند برای آشنایی با نحوه تعامل شهروندان و جایگاه ابزار الکترونیک مشارکت در سطح محلات شهر تهران، مصاحبه‌هایی با مسئولین ستاد هماهنگی شورایی‌ها انجام شده است. انتخاب محلات برای دستیابی به تصویری جامع از امکانات الکترونیکی مشارکت در سطح آن‌ها براساس معیارها و مراحل زیر انجام گرفته است:

۱. در نظر گرفتن زمینه‌های نسبتاً مشترک اقتصادی و اجتماعی در یک دسته‌بندی اولیه از محلات،

۲. تعیین پنج پهنه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران بنابر اظهارات مسئولان ستاد هماهنگی شورایی‌ها، به دلیل همگنی نسبی امکانات و محدودیتها و نوع استفاده از امکانات الکترونیکی در این مناطق،

۳. انتخاب محلات دارای تجربه مشارکت الکترونیکی در هر یک از این پهنه‌ها با راهنمایی ستاد هماهنگی شورایی‌ها با توجه موضوعیت داشتن این بررسی در

محلاتی که هر چند به شکل حداقلی ولی دارای تجربه مشارکت الکترونیکی بوده‌اند.

به این ترتیب، محلات منتخب برای بررسی و ارزیابی سطح مشارکت الکترونیکی در محلات شهر تهران به شرح جدول شماره یک بوده است. مشاهده سطح ابزار الکترونیکی مورد استفاده در این محلات، با جستجو در وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها و سایر ابزار الکترونیکی مورد اشاره در اینترنت آغاز شده و با مطالعه اسناد توسعه محلات و مصاحبه با دبیران شورایی محلات تکمیل شده است. آنچه در مصاحبه با دبیران شورایی محلات بر آن تأکید گردید، اطلاع از ابزار الکترونیکی مورد کاربرد و نحوه عمل این ابزار در مشارکت عمومی بوده است. شناخت مسائل پیش‌رو، ساختار سازمانی و فرهنگ محلات مورد نظر از دیگر اهداف این مصاحبه‌ها بوده است.

۳- پیشینه نظری تحقیق

۳-۱- مشارکت الکترونیکی

به عنوان یک حوزه پژوهشی، مشارکت الکترونیکی ارتباط نزدیکی اما مجزا با چند حوزه پژوهشی دیگر دارد. مکینتاش^۱ در تعریفی، مشارکت الکترونیکی را در ارتباط با ایجاد فرصتهای مشورت و گفتگو میان حاکمیت و شهروندان با استفاده از طیفی از فناوری‌های اطلاعاتی و

جدول ۲. ویژگی‌های فرآیندهای الکترونیکی دموکراتیک؛ منبع: نگارندگان به نقل از Brabham, 2010

در دسترس	فضا برای مشورت، چه فیزیکی چه مجازی باید تا حد ممکن در دسترس دامنه وسیعی از مشارکت‌کنندگان قرار گیرد.
خودمختار	باید با مشارکت‌کنندگان به عنوان افرادی فعال در یک پروسه عمومی برخورد کند.
بدون سانسور	حافظ آزادی بیان و اندیشه باشد.
پاسخگو و مرتبط	اعضای اجتماع در مباحث به‌شکلی پاسخگو و مرتبط و بدون نام مستعار با یکدیگر تعامل کنند.
شفاف	ساختار و قواعد فضا عمومی باشد و شهروندان کسی را که فضا را کنترل می‌کند بشناسند.
برابر	همه مشارکت‌کنندگان فرصت‌های مشابه برای صحبت داشته و طراحی برای یک گروه در برابر گروه دیگر مزیت ایجاد نکند.
تکنرگرا	قوانین یا فناوری موجب تنظیم فضای مناسب مشورت باشند تا نظرات طیف گسترده‌ای به طور واضح بیان شود.
فراگیر	هر مشارکت‌کننده باید حداقل شانس شنیده شدن را داشته و فرآیند الکترونیکی همه‌شمول و برای همه اعضا باز باشد.
آگاه و مطلع	یک گفتگوی مشورتی از اطلاعات جدا نیست و مشارکت‌کنندگان باید دسترسی به نظرات مختلف به منظور اخذ تصمیمات دانشی داشته باشند.
عمومی	گفتگو باید قابل دسترسی باشد و بیشتر از اینکه به‌دنبال منفعت خاص اشخاص باشد به منافع گروه اختصاص داده شود.
آسان	برای میانجی‌گری در مدیریت تیم‌های آن‌لاین یا غیرآن‌لاین و مدیریت صداها در حال رقابت، برجسته کردن آن‌چه کارا و مؤثر است و سرکوب آن‌چه مخرب است، مهم است.



ارتباطی معرفی می‌کند (Medaglia, 2012). در تعریفی

دیگر، گسترش مشارکت در فرآیندهای مشاوره‌ای با کمک فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی به خصوص اینترنت با هدف پشتیبانی از شهروندی فعال با استفاده از آخرین فناوریها که منجر به افزایش دسترسی و دستیابی به مشارکت به منظور ارتقای عدالت و جامعه و حکومتی کارآمد می‌شود، بیان شده است (Rose & Flak, 2008; Sæbø, 2003).

از جمله کسانی که به تعریف معیارهای دموکراسی الکترونیکی پرداخته است نووک است. اثر او با عنوان طراحی دموکراسی مشورتی در فضای سایبری (۲۰۰۳) بهترین خلاصه در ارتباط با این موضوع را ارائه کرده است. او ویژگی‌هایی یک فرآیند الکترونیکی دموکراتیک

را مطابق جدول شماره ۲ چنین می‌داند:

۲-۳- برنامه‌ریزی شهری و مشارکت الکترونیکی

به‌منظور توسعه محله‌محور مشارکتی در گستره‌های وسیع جمعیتی و قلمرویی کنونی که ارتباطات رودرو برای تمامی افراد مقدور نیست باید از پتانسیل ابزار ارتباطی الکترونیکی به‌طور بهینه استفاده کرد. از ابزار مشارکتی می‌توان هم به‌شکلی یک‌طرفه و تنها به‌عنوان ابزاری خبررسان استفاده کرد و هم می‌توان از مزایای آن به‌منظور تعامل دو طرفه با شهروندان بهره برد. در این زمینه می‌توان به مراحل تکاملی توسعه حکومت الکترونیکی که توسط سازمان ملل (۲۰۰۶) تعریف شده است اشاره کرد:

2. Noveck, B. S. (2003). Designing deliberative democracy in cyberspace: The role of the cyber-lawyer.

Boston University Journal of Science and Technology Law, 9(1), 1-91.

3. United Nations. (2006). Global E-Government Readiness Report 2005: From E-government To E-Inclusion. New York, Ny: United Nations.

جدول ۳. مراحل تکامل یک حکومت الکترونیکی از منظر سازمان ملل، ۲۰۰۶؛

منبع: نگارندگان، به نقل از Chung, 2011 و Manta Conroy & Evans-Cowley, 2006

وبسایت‌های حکومتی شامل اطلاعات پایه‌ای، آماری و محدود مانند پیام‌های رؤسا یا مقالات سازمانها	ظهور یک پیشگاه مجازی	انتقال یک‌طرفه اطلاعات
ارائه اطلاعات قابل دائلود درمورد سیاستها، قوانین، گزارشات و غیره	پیشگاه پیشرفته	
ارائه خدمات همراه با فرم‌های قابل دائلود مانند فرم پرداخت مالیات و گواهی نوسازی و اطلاعات همگانی همراه با صدا و تصویر	مرحله تعاملی	انتقال تعاملی اطلاعات
تعاملات دوطرفه بین حکومتها و شهروندان درکنار امکان معاملات پولی یا مناقصات آن‌لاین مربوط به خدمات عمومی	مرحله تراکشی یا تعاملی	
مشارکت شهروندان در پروسه تصمیم‌سازی در مباحثات باز دوطرفه	پیشگاه شبکه‌ای	

به‌منظور بهبود عملکرد حکومت‌های محلی باید میان

استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای و سیستم‌های یکپارچه مدیریتی تفاوت قائل شد. در استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی شهری و فناوری اطلاعاتی در یک مدیریت شهری، اگر اطلاعات متفاوت به‌طور هوشمندانه برای حل یک مسئله شهری ترکیب‌گردند، این ابزار وسیله‌ای مناسب برای مدیریت شهری خواهد بود، عملکرد اقتصادی و مدیریتی شهر را تغییر خواهد داد و همچنین در شیوه ارتباط مردم و نهادهای قدرت و بر آموزش و سازمان‌یابی نهادهای رسمی و ساکنین تأثیر خواهد گذاشت (Van Dijk, 2006, 195)

۳-۳- زمینه‌های محلی مؤثر بر مشارکت الکترونیکی در سطح محلی، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در گنجانیدن ابزار الکترونیکی در فرآیندهای برنامه‌ریزی مؤثر خواهد بود: (Evans, 2006) Conroy and

جمعیت: اجتماعات بزرگتر به دلایل داشتن منابع بیشتر همچون کارکنان، تسهیلات رایانه‌ای و یا بودجه، بیش از اجتماعات کوچکتر ابزار حکومت الکترونیکی را به شهروندان نشان ارائه می‌دهند (Kaylor et al, 2001).

میانگین درآمد خانوار: در اجتماعات با درآمد بیشتر، با توجه به دسترسی بیشتر به منابعی چون تسهیلات کامپیوتری و کارکنان آشنا با فناوری، انتظار تأثیر بیشتر بر

ابزار الکترونیکی تعامل می‌رود. نژاد و قومیت: محدودیتهای زبانی و فنی که در جمعیت اقلیت دیده می‌شود ممکن است مانع از مشارکت شود. در نتیجه ممکن است برای مثال گزینه‌های ترجمه، ارزش بیشتری در این مناطق داشته باشد (2006 Manta Conroy & Evans-Cowley).
تحصیلات: عواملی مانند تحصیلات والدین، سن، جنس و پیشینه مهاجران بر شکل فعالیت سیاسی تأثیرگذارند. تحصیلات همچنین بر متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی، جهت‌گیری مدنی و ارزشی و پذیرش هنجارها نیز تأثیرگذار است (Walter & Rosenberger, 2007).

تأمین امنیت و حریم شخصی: مسائل مربوط به امنیت در ساخت یک محیط مورد اعتماد با ایجاد سطح بالایی از حریم برای اطلاعات، امنیت در داده‌ها و اختیار کاربران، امنیت انتقال الکترونیکی و احراز هویت را تضمین خواهد کرد (El-Haddadeh & Al-Shafi, 2010) Weerakkody).

شکاف دیجیتال: تفاوت بین دسترسی داشتن و یا نداشتن به اینترنت و اطلاعات و خدمات آن‌لاین حکومتی به‌خاطر عواملی مانند درآمد، تحصیلات، نژاد و جنس (Reddick, 2010).

دسترسی: دسترسی به اطلاعات، زیرساخت، فناوری و محتوای قابل دسترسی بدون محدودیت (Flak, 2008)



(Sæbø, Rose &

ابزار Web 2.0^۶، سیستم‌بلاگها، ویکی‌ها یا شبکه‌های اجتماعی از این جمله به شمار می‌آیند (2012 Medaglia و Sæbø, Rose & Flak, 2008).

سازمان‌های حکومتی: چگونگی سازماندهی و عمل دولت و اندازه آن، جهت‌گیری و شفافیت، دسترسی به اطلاعات مربوط به شهروندان، در خلال زمان بر مشارکت الکترونیکی اثر می‌گذارد. بودجه حکومتی و تعهد حکومت همراه با طرح‌های ارتباطی مترقی و کامل، فاکتورهای کلیدی موفقیت طرح‌های مشارکت الکترونیکی را تشکیل می‌دهند (Medaglia, 2012).

یکپارچگی سیستم: لین و لی (۲۰۰۱)^۷ یکپارچگی سیستم را در دو نوع عمودی و افقی دسته‌بندی می‌کنند. یکپارچگی عمودی مربوط به ارتباط سیستم‌های محلی به سیستم‌هایی در سطح بالاتر و با عملکردهای کوچکتر و یکپارچگی افقی سیستم‌ها در مورد عملکردهای مختلف

سن: تحقیقات نشان داده است افراد در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ زندگی خود، از اینترنت به عنوان فرصت مشارکت فعال استفاده می‌کنند. ساکنان مسن تر که به ارتباطات بی‌واسطه معتقدند عموماً از طریق جلسات سنتی قدیمی مشارکت می‌کنند (Gudes & Svoray, 2009). (Stern,

زیربنای سیستم‌های فیزیکی و مفهومی فعالیت‌های مشارکت الکترونیکی مانند پروتکل‌های اینترنت، ساختارهای دموکراتیک و قراردادهای مشورتی است (Sæbø, Rose & Flak, 2008).

فناوری‌های اساسی: طرح‌های مشارکت الکترونیکی معمولاً بیشتر از طرح‌های فنی موقتی بر تکنولوژی‌های در دسترس تکیه دارد. تکنولوژی‌های خاص مانند وب‌کستینگ^۴، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی^۵ و غیره،

اطلاعات و سوداگری - مشورت و رایزنی - تعامل مشورتی مشارکت فعال حاکمیت محور - مشارکت فعال شهروند محور	سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۱
تواناسازی الکترونیکی - مداخله یا تعامل الکترونیکی - توانمندسازی الکترونیکی	مکینتاش، ۲۰۰۴
اطلاع‌رسانی الکترونیکی - مشاوره الکترونیکی - تصمیم‌سازی الکترونیکی	دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی DESA، ۲۰۰۵
اطلاع‌رسانی الکترونیکی - مشاوره الکترونیکی - همکاری الکترونیکی - توانمندسازی الکترونیکی	Demo-net، ۲۰۰۶
اطلاع‌رسانی - مشاوره - مداخله - همکاری - توانمندی	اتحادیه بین‌المللی مشارکت عمومی، ۲۰۰۷
تبادل اطلاعات - آموزش و جلب پشتیبانی - تکمیل تصمیم‌سازی - بررسی و کاوش ورودی	فانگ، ۲۰۰۸

شکل ۱. سطوح مشارکت الکترونیکی؛ منبع: Kingston, 2007, Macintosh, 2004, DESA, 2005, Participation, 2007

International Association For Public

4. Webcasting

5. GIS

۶. Web 2.0 نسخه جدیدی از وب، با رویکردی نوین به کاربرد آن با استفاده از ابزار، تکنیک‌ها و فن‌آوری‌های نوین ارائه شده در آن است، استفاده از اینترنت و وب به عنوان یک بستر برای ارتباط، تعامل و ارائه خدمات

7. Layne, K. and Lee, J. (2001), "Developing fully functional e-government: a four-stage model", Government Information Quarterly, Vol. 18, pp. 112-13.

و ایجاد یک سیستم کامل و یک مرحله‌ای است (2010 Weerakkody, El-Haddadeh & Al-Shafi).

۳-۴- سطوح تعامل الکترونیکی

در حوزه مشارکت الکترونیکی تعاریف متعددی از سطوح مختلف تعاملی بیان شده است که از جمله مهمترین این تعاریف می‌توان به سطوح مطرح شده توسط سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، اتحادیه بین‌المللی مشارکت عمومی و آثار اشخاصی چون آن مکینتاش اشاره کرد.

سه سطح اصلی مشارکت الکترونیکی را می‌توان اطلاع‌رسانی، مشاوره و مشارکت فعال دانست. مراحل اطلاع‌رسانی و مشاوره را می‌توان در اکثر طرح‌های الکترونیک مشارکت مشاهده کرد. ورود شهروندان به سیاستگذاری و قرار گرفتن تصمیم‌سازی نهایی در دستان جامعه، نشان‌دهنده مجرای تعاملی پیشرفته دوطرفه بین شهروندان و حکومت است. در مشارکت فعال، شهروندان با مشارکت در فرآیند سیاست‌گذاری به‌شکلی فعال و مستقل برپایه شراکت توانمند می‌شوند (2008 Islam). بر این اساس می‌توان گفت اشکال مختلف مشارکت در حکومت را طیفی تشکیل می‌دهد که از تعامل یک‌طرفه (مدیریتی) آغاز می‌شود، پس از آن تعامل دوطرفه است که از طرف حکومت هدایت می‌شود (مشاوره‌ای) و سرانجام بالاترین شکل مشارکت الکترونیکی که تعامل دوطرفه هدایت‌شونده از طرف شهروندان به طرف حکومت و برعکس (مشارکتی) است. این اشکال مشارکتی خود در ذیل سه مدل تعامل در حاکمیت الکترونیکی قرار می‌گیرند.

۳-۴-۱- مدل مدیریتی

در مدل مدیریتی، تعاملات خدمات عمومی مانند قبل ادامه پیدا می‌کنند اما کارا تر خواهند شد و این کارایی به معنای سرعت بیشتر توزیع و انتشار در کنار کاهش هزینه‌ها است. دان تپسکات^۸ نشان می‌دهد که ICT هانه فقط هزینه‌های حکومت را کاهش می‌دهند بلکه به‌طور

بنیادین شیوه انتشار برنامه‌ها و ماهیت حکومت را متحول می‌کنند. وی این موضوع را بیشتر به‌عنوان تجدید عملکردهای حکومتی می‌بیند تا ایجاد دسترسی برای شهروندان (Chadwick & May, 2003). حرکت اولیه به سوی مدل مدیریتی در بخش دولتی تقلید قواعد موفق بخش خصوصی است که در کنار اصلاحات مدیریت همگانی جدید قرار می‌گیرد. (Reddick, 2010) در مدل مدیریتی دولت به‌عنوان منبع معتبر اطلاعات در جامعه در نظر گرفته می‌شود. این یک مدل «فشاری»^۹ انتشار اطلاعات است: دولت اطلاعات را در انجمن‌های قابل دسترس قرار می‌دهد و متعهد است دسترسی کاربر به آن را فراهم کند. مخاطبین اطلاعات بیشتر به‌عنوان دریافت‌کنندگان منفعل در نظر گرفته می‌شوند تا پاسخ‌دهنده و طرف صحبت (May, 2003 & Chadwick).

۳-۴-۲- مدل مشاوره‌ای

در این مدل بر نقش حکومت در خلق تصمیمات بهتر با استفاده از نیروی شهروندان تمرکز می‌شود. تمرکز کمتری بر مشتریان و تمرکز بیشتری بر تأمین منافع ذی‌نفعان مختلف قرار دارد. در مدل مشاوره‌ای مشارکت توسط حکومت هدایت می‌شود ولی برخلاف مدل مدیریتی نیروی شهروندان سیاست‌ها را شکل می‌دهد. برخی از فناوری‌های رایج مورد استفاده در این مدل رسانه‌های اجتماعی هستند (Reddick, 2010). مدل مشاوره‌ای یک مدل «کششی»^{۱۰} است. در اینجا، ICTها ارتباط نظرات شهروندان با حکومت را تسهیل می‌کنند. مدل مشاوره‌ای گاهی به‌عنوان تسهیل‌کننده دسترسی مستقیم به حکومت، بدون میانجی‌گری گروه‌های ذی‌نفع خاص است که ممکن است نظرات را تحریف کنند. وین راش^{۱۱} نشان داده است، این واقعیت قابل قیاس با رویکرد گروه‌محور به سیاستها می‌باشد. در مدل مشاوره‌ای، کامپیوترهای در دسترس عموم (مثلاً در کتابخانه‌ها) و دکه‌هایی در فضاهای عمومی، عناصر فنی برای ایجاد ارتباطات بین حکومت و شهروند



8. Don Tapscott
9. Push Model Of Information Dissemination
10. Pull Model
11. Wayne Rash

هستند. مدل مشاوره‌ای ممکن است به ورودی‌هایی متناسب با عواملی اجازه دخالت دهد که از قبل توسط سیاست‌گذاران تنظیم شده‌اند. (May, 2003, Chadwick & یک چالش مهم دیگر این مدل این است که جامعه ممکن است نخواهد در مباحث مربوط به سیاستها درگیر شود و نهایتاً تعداد محدودی از اشخاص بر تصمیمات تأثیر خواهند گذاشت (Reddick, 2010).

۳-۴-۳- مدل مشارکتی

مدل مشارکتی بالاترین درجه مشارکت الکترونیکی را دارد و در آن، تعامل شهروندی برای توسعه سیاست عمومی مهم است. بازیگران دخیل در مدل مشارکتی طیف متنوعی از سازمان‌های غیرانتفاعی، گروه‌های ذی‌نفع، شهروندان، رسانه و کسب‌وکار را تشکیل می‌دهد. در این مدل شهروندان آغازگر تغییرات پایین به بالا هستند. برخی فناوری‌های رایج مورد استفاده در مدل مشارکتی رأی‌گیری مشارکتی، نظرسنجی و جلسات شهری آن لاین هستند (Reddick, 2010). در این مدل در حالیکه دولت‌ها بحث و تعامل را تسهیل می‌کنند، تنها عضوی در میان اعضای جامعه مدنی به شمار می‌آیند. به شکل‌گیری نظرات و فعالیت سیاسی در انجمن‌ها و گروه‌ها توجه می‌شود. در نهایت همه تعاملات با کمک ICT به ساخت یک جامعه مدنی مجازی جدید که پتانسیل مشارکت را برای همه شهروندان بالا خواهد برد کمک خواهد کرد. بنابراین مجموعه محدود تعاملی فعلی (که در دو مدل بالا دسته‌بندی شد) مشخصه یک دوره از تحول است؛ جامعه مجازی واقعی در منطق و عمل خود مشارکتی خواهد بود، با وجود مقاومتی که ممکن است در ابتدای کار خود با آن مواجه شود (Chadwick & May, 2003).

۳-۵- فناوری‌های مشارکت الکترونیکی

طیف وسیعی از فناوری‌ها برای سازمان‌دهی وب‌سایت‌ها

و سازمان‌دهی نیروی مشارکت، در تصویرسازی توسعه‌های آینده و برگزاری جلسات مجازی نظیر اتاق‌های گفتگو و انجمن‌های مباحثه باهدف ایجاد بنیان کاربرد مشارکت الکترونیکی در دسترس قرار گرفته است. هیچ‌کدام از این فناوری‌ها منحصرأ مربوط به مشارکت الکترونیکی نیستند و فناوری مختص مشارکت الکترونیکی وجود ندارد اما محققان برخی کاربردهای خاص از فناوری‌های عمومی را که اغلب تمرکزی سیاسی یا اجتماعی، و نه تکنیکی، بر آن وجود دارد معرفی کرده‌اند (Sanford & Rose, 2007). بر این مبنا ابزار مشارکت الکترونیکی را می‌توان در سه دسته کلی تعریف کرد:

۰ ابزار هسته‌ای مشارکت الکترونیکی

۰ ابزاری که به‌طور گسترده استفاده می‌شود اما نه به‌طور خاص در مشارکت الکترونیکی و

۰ ابزار پایه‌ای برای پشتیبانی از مشارکت الکترونیکی (wimmer, 2007)

در زمینه مشارکت الکترونیکی باید دید چگونه می‌توان این ابزار و روش‌ها را در کارا ترین شکل خود در پروژه‌های مشارکت الکترونیکی و متناسب با سطوح متفاوت تعاملی را به‌کار گرفت. OECD در سال ۲۰۰۳ ابزار خاص مورد استفاده در اشکال مختلف مشارکتی را طبقه‌بندی کرده است. برخی از این ابزار در مراحل مختلف چرخه سیاست‌گذاری در سطوح مختلف اطلاع‌رسانی، مشاوره و مشارکت فعال استفاده می‌شوند. اتحادیه بین‌المللی مشارکت عمومی^{۱۳} نیز برای غلبه بر محدودیتهای موجود مشارکت الکترونیکی در کشورهای استونی، فنلاند و سوئد راهنمایی ایجاد کرده است که در هر مرحله نوع ابزار آن لاین قابل استفاده در این مراحل را نشان می‌دهد. باید توجه داشت که ممکن است این ابزار در طولانی مدت موضوعیت خود را از دست دهد و ابزار جدیدی جایگزین آنها گردد.^{۱۴} مطابق این فهرست در سطح اطلاع‌رسانی استفاده از فهرست ایمیل، وبسایت‌ها، بلاگها^{۱۴}،

12. International Association of Public Participation

۱۳. برای دستیابی به فهرست جدیدی از این ابزار می‌توانید سایت زیر را چک کنید. supportingdiversity.eu

۱۴. ابزاری که اغلب برای بیان نظرات و تسهیل بحث و گفتگو در مورد یک مسئله مطرح شده استفاده می‌شوند. از مزایای بلاگ‌ها سازمان دادن مطالب به ترتیب زمانی، آماده برای استفاده بعد از ثبت نام در یک بلاگ آن لاین می‌باشد.

جدول ۴. خلاصه‌ای از ابزار مورد کاربرد در مشارکت الکترونیکی؛ منبع: wimmer, 2007

ابزار هسته‌ای مشارکت الکترونیکی	چت‌رومهای مشارکتی	امکان گفتگوی هم‌زمان به‌طور خاص برای اهداف مشارکت الکترونیکی.
	انجمن‌های بحث مشارکت الکترونیکی	گروه‌های بحث آن‌لاین با کاربرانی با علائق مشترک که پیامهایی در مورد مسائل مشارکت الکترونیکی در آن تبادل می‌شود.
	بازیهای تصمیم‌سازی	امکان دیدن انیمیشن، تعامل و توصیف یا شبیه‌سازی ابعاد مربوط به یک مسئله در یک حوزه خاص تصمیم‌سازی.
	دادخواست‌های الکترونیکی	امکان ثبت‌نام شهروندان برای یک پتیشن یا اضافه کردن نام و نشانی به‌صورت آن‌لاین.
	نظرسنجی مشورتی الکترونیکی	امکان مشورت در بحثهای گروهی کوچک برای تسهیل مداخله جامعه در مورد مسائل خاص با نمونه‌برداری به‌طور تصادفی.
	رای‌گیری الکترونیک	رای دادن از راه دور یا رای دادن با تلفن همراه.
ابزار مورد استفاده گسترده مشارکت الکترونیکی	وب‌کستها	ضبط هم‌زمان جلسات برای پخش در اینترنت.
	پادکستها	نشر فایل‌های چندرسانه‌ای در اینترنت که به‌طور اتوماتیک با استفاده از نرم‌افزاری که قابلیت خواندن خوراکیهای RSS را دارد، قابل دانلود است.
	ویکی	به کاربر اجازه می‌دهد مطالبی را به‌طور جمعی اضافه و یا ویرایش کند.
	بلاگها	صفحات ویرایش‌شونده که به ترتیب زمانی معکوس فهرست شده است.
	نظرسنجی سریع	پیمایش‌ها و نظرسنجی‌های وب‌محور.
	ابزار GIS (سرور نقشه)	برنامه‌های وب که این امکان را برای کاربران به وجود می‌آورد که از نقشه‌ها که زیربنای مسائل برنامه‌ریزی‌اند به شیوه‌های مختلف استفاده کنند.
ابزار پایه‌ای پشتیبان فعالیتهای مشارکت الکترونیکی	موتورهای جستجو	امکان یافتن و بازیابی و اصلاح اطلاعات مرتبط برای کاربران با استفاده از کلمات کلیدی.
	خدمات یادآور	اعلاناتی برای ارتباط یک طرفه به‌منظور اطلاع‌رسانی به مردم در مورد اخبار یا یک رویداد مانند یادآورهای ایمیلی و خوراکیهای RSS.
	خبرنامه‌های آن‌لاین	ابزار ارتباط یک طرفه اطلاع‌رسانی به مخاطبین عام یا مخاطبینی که از قبل ثبت نام کرده‌اند.
	پرسش‌های متداول (FAQ)	درختی از سوالات و پاسخها که می‌تواند با کمک کلیدواژه یا با وارد کردن یک پرسش یا جمله جستجو شود.
	پورتالهای وب	وبسایتی که دروازه‌ای به سمت مجموعه‌ای از برنامه‌ها و اطلاعات خاص فراهم می‌کند.
	ابزار گروه‌افزایی	محیط ابزاری برای پشتیبانی از کارهای گروهی کامپیوتری.



اطلاع رسانی	مشاوره	مشارکت فعال
<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از موتورهای جستجوی در سایت - ارسال ایمیل و خبرنامه‌های ایمیلی - پشتیبانی از ترجمه برای زبانهای مختلف - تفسیر اصطلاحات فنی و حقوقی - انتشار آن لاین گزارشات سالانه 	<ul style="list-style-type: none"> - انجام پیمایش و نظرسنجی به صورت آن لاین - راه اندازی فورومهای بحث - نمایش پرسشهای مکرر پرسیده شده - ارائه تسهیلات و امکانات مدیریت مدارک - راه اندازی قضاوت‌های آن لاین - استفاده از ابزار جوامع الکترونیکی 	<ul style="list-style-type: none"> - ساخت جوامع مجازی - استفاده از دادخواست‌های الکترونیکی در مورد مسائل مختلف - همه پرسی الکترونیکی در مورد مسائل مختلف - راه اندازی قضاوت‌های آن لاین - کاربرد فهرست توزیع ایمیل برای گروههای هدف

شکل ۲. ابزار تعامل آن لاین در هر مرحله از سیاستگذاری؛

منبع: Organisation For Economic Co-Operation And Development, 2003

میکرو بلاگها^{۱۵}، ولاگها^{۱۶}، شبکه‌های اجتماعی^{۱۷}، ابزار گردآوری شده^{۱۸}، خوراک وبسایت^{۱۹} و در سطح مشاوره و مشارکت فعال نیز ابزار رأی دهی، ابزار برنامه ریزی^{۲۰}، ابزار کار همکارانه^{۲۱}، پیام رسانی سریع و تماس شنیداری به این فهرست اضافه می‌شود (Ocampo, 2012).
بر پایه این ابزار و کاربرد آنها خدمات مشارکت الکترونیکی از طریق مجراها و تجهیزات مختلفی مانند کامپیوترهای شخصی، تلویزیون دیجیتال و تلفنهای همراه ممکن می‌شوند. وابستگی میان تجهیزات، فناوریها، ابزار و برنامه‌های کاربردی یک جنبه مهم طراحی راه‌حلهای مشارکت الکترونیکی است. ویژگیها، نیازها، ترجیحات کاربر، ارزش جمعی تجهیزات و فناوریهای باید به دقت برای توسعه ابزار مورد استفاده در حوزه مورد هدف تحلیل شود (Wimme, 2007). یکی از رایجترین و پرکاربردترین ابزار در زمینه مشارکت الکترونیکی که می‌تواند بسیاری از امکانات مورد نظر را در خود جای



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۲۱۲

۱۵. مینی بلاگها به خاطر فورومی که برای محتوای محدود شده تری در یک زمان ارائه می‌دهند بابلگهای سنتی متفاوتند. مثلاً برای اعلام پیامهای کوتاه و فشرده استفاده می‌شوند. مانند توئیتر twitter.com، [facebook](http://facebook.com)، Google+.
۱۶. ولاگ‌ها (بلاگهای ویدیو / یا ابزار اشتراک ویدیو) اطلاعاتی به شکل ویدیو در یک محیط وب ۲ اشتراکی ارائه می‌کنند که می‌تواند برای افرادی که در خواندن یا زبان مشکل دارند، مفید باشد مانند YouTube و Vimeo.
۱۷. شامل اشخاص و سازمانهایی که به شیوه‌های مختلف بر اساس نوع سایت در ارتباط با هم قرار می‌گیرند. از مزایای این سایتها می‌توان به افزایش تعامل و مشارکت را نام برد سایت‌هایی مثل Google+، facebook.
۱۸. یا Aggregating tools محتوای مختلف رسانه اجتماعی را در هم آمیخته، بلاگهایی به وجود می‌آورد که همه انواع خوراکیها را گرد آورده و در یک صفحه نمایش می‌دهد. مانند flavors.me یا about.me.
۱۹. برای کاربران محتوای به روز فراهم می‌کند، برای مثال خبرهایی از دیگر بلاگها با وبسایت‌های عمومی بدون دیدن آنها. RSS رایجترین آنهاست برای مثال بروزرهای مختلف تغییرات به وجود آمده را با ارسال ایمیل اطلاع می‌دهد.
۲۰. برای کمک به انتخاب شیوه‌های مناسب در مراحل مختلف برنامه ریزی نیازمند نظرات مردم. مثل doodle.com بدون ثبت نام دامنه‌ای از تاریخها برای یک جلسه انتخاب می‌کند و ترجیح همه را می‌پرسد.
۲۱. برای مدیریت آن لاین اسناد و کار افراد زیادی بر روی یک سند در یک زمان. برای ثبت صورت جلسات، طوفانهای ذهنی، برنامه ریزی پروژه، پیش نویس ها و غیره. همه تغییرات فوراً بر روی صفحه مشارکت کنندگان منعکس می‌شود. هر نویسنده‌ای می‌تواند یک رنگ مخصوص داشته باشد. ویکی‌ها یا ابزار تصویرسازی که امکان طراحی یا اسکیس زدن ایده‌ها را به صورت همکارانه فراهم می‌کند نیز از این جمله‌اند.

دهد، طراحی یک وبسایت است (Askounis, 2011 & Koussouris, Charalabidis).

برای طراحی یک وبسایت مشارکتی می توان به موارد دیگری نیز توجه کرد که به تلاشگران در این زمینه در دستیابی به یک طراحی ایده آل کمک خواهد کرد:

0 در انتشار اطلاعات برای دستیابی به کاربر بیشتر بهتر است بر شیوه های شخصی تر تمرکز شود.

0 مشارکت شهروندان در بحث های آن لاین با تعامل فعال تصمیم سازان در بحث ها افزایش می یابد.

0 تعداد موضوعات مورد بحث آن لاین باید به حداقل برسد.

0 موضوعات مورد بحث بهتر است متناسب با نیازهای محلی باشد تا مثلاً مسائل بین المللی.

0 ارتباط مستقیم بهترین وسیله برای جذب شهروندان بوده است.

0 بازاریابی آن لاین و غیر آن لاین (بروشور، پوستر و غیره) تکنیک خوبی برای رسیدن به کاربر می باشد (2011 Askounis, Charalabidis & Koussouris).

0 در یک وبسایت صفحه اصلی اهمیت حیاتی دارد، هر صفحه وب باید مستقل باشد و اطلاعات ضروری در بالای صفحه قرار گیرد.

0 وبسایت های برنامه ریزی باید نه تنها شامل کپی هایی از کدهای منطقه بندی یا گزارشات فنی مفصل باشد بلکه به دنبال توضیح معنای سیاست ها و پاسخ به موارد مورد علاقه مردم بر اساس داده های آماری و نظرسنجی نیز باشد (Goodspeed, 2008).

0 وبسایت باید در دسترس افراد با بینایی ضعیف با فراهم کردن گزینه های مناسب در سایت باشد.

0 اطلاعات ارسال شده در یک وبسایت باید در طول فرآیند مشارکت به روز نگه داشته شوند. برای مثال ایمیل و شماره های تلفن و فکس ارائه شده باید دقیق باشند.

0 تعداد افرادی که از وبسایت بازدید کرده اند پیگیری شوند. تعیین بیشترین و کمترین بازدید از بخش های مختلف می تواند در به روزرسانی وبسایت و تضمین اینکه این ابزار توسط عموم استفاده شود، مفید باشد.

0 گزارشی از میزان فعالیت بازدیدکنندگان توسط وبسایت و هر نظر و پیشنهادی که از طریق ایمیل

دریافت شده می تواند به طور خلاصه برای بررسی ارائه شود.

0 برای تضمین فراگیری باید اطمینان حاصل شود اطلاعات از نظر جنسیت، نژاد، سن، درآمد، قومیت و دیگر موضوعات مربوطه به عوامل اقتصادی و اجتماعی در زبانی ساده و واضح تأمین گردد (Levac, 2007; Michel Frojmovic, Brent Elliott, Louis-Martin)

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- شناخت و ارزیابی سطوح مشارکت الکترونیکی در محلات منتخب شهر تهران

۴-۱-۱- نتایج مشاهدات اینترنتی و مصاحبه با اعضای شورایی

ابزار الکترونیکی مورد استفاده در محلات مورد اشاره در سه شکل وبسایت، وبلاگ و نامه الکترونیکی بوده است. این محلات عمدتاً از وبسایت متعلق به پورتال محلات شهرداری تهران با آدرس www.mytehran.ir بهره برده اند که از طرف مدیریت و سرای محله مورد استفاده قرار می گیرد. تعدادی وبلاگ و یا در موارد معدودی وبسایت نیز از طرف مسئولین شورایی و به صورت خودانگیخته راه اندازی شده است. همچنین در مصاحبه با دبیران شورایی مشخص گردید بیشترین ابزار مورد کاربرد به صورت غیر حضوری، ارسال پیامک به کدپستی ساکنین این محلات است.

پس از انجام مشاهده و مصاحبه ها، سطح پایین تعاملاتی وبسایت ها و وبلاگ های مورد بررسی در محلات منتخب مشخص گردید:

- تمامی وبلاگها و وبسایتها اقدام به اطلاع رسانی و خبررسانی و معرفی محلات خود نموده اند و می توان مشاهده کرد این ابزار در سطح اطلاع رسانی که اصلی ترین معیارهای آن انتقال یک طرفه و شکل ساده و آماری اطلاعات است، در دسترس کاربران قرار گرفته است و برخی امکانات شناخته شده این سطح نظیر قابلیت دانلود و خوانش اسناد و یا توزیع خدمات به صورت الکترونیکی نیز به طور کامل تأمین نشده است. به عنوان مثال در محله منصوریه در منطقه ۲۰ تهران که ابزار الکترونیکی به کار گرفته شده در سطح اطلاع رسانی



قرار داشته است، نوعی رویکرد نخبه‌گرا به بحث مشارکت شهروندان وجود دارد. در این محله از پست الکترونیکی استفاده نمی‌شود و اعتقاد بر این است که استقبال شهروندان از چنین ابزار ارتباطی کم خواهد بود چراکه مطابق ارزیابی دبیر شورایی از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی این محله، در میان ساکنین و متولیان این امر آشنایی کمی با فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی وجود دارد. می‌توان امکانات مشاهده شده در وبسایت محله را در اخبار منطقه، ناحیه و محله و اطلاعات کارگروه‌ها و اخبار شورایی خلاصه کرد. مطابق اظهارات دبیر شورایی محله جلیلی در منطقه ۱۷ نیز، با وجود استقبال نسبی اهالی از ارتباطات الکترونیکی، موضوع محرومیت و بافت سنتی این محدوده کماکان از عوامل تمایل بیشتر به حضور فیزیکی و چهره‌به‌چهره برشمرده شد.

- مطابق ویژگی‌های سطوح فعال مشارکتی کاربرد فناوری‌های ارتباطی اجتماعی نظیر شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مباحثه و گفتگو ضروری است. در این خصوص نشانه‌ای از علاقه‌مندی به نظرسنجی از کاربران و یا نیازسنجی در مورد مسائل گوناگون با بهره‌مندی از ابزار الکترونیکی مشاهده نمی‌شود. در صورت وجود امکانات مباحثه و گفتگو و یا تالارهای گفتگو، بحث و گفت‌وگو میان ساکنین محلات انجام نگرفته و موضوعات مورد بحث در تعداد معدودی از محلات راجع به مسائلی غیر مرتبط با محله مانند فناوری اطلاعات شکل گرفته که در این موارد نیز گفتگویی صورت نگرفته است.

به‌عنوان مثال تنها در محله چالهرز، منطقه سه، دو پرسش در خصوص نام محله و نام یک میدان و در محله وحیدیه، منطقه هشت پرسشی در خصوص مشکلات عمده از دید ساکنین با گزینه‌های پاسخ محدود، دیده شد. در همین ارتباط می‌توان مشاهده کرد با توجه به گزینه‌های پرسش و نظرسنجی ذکر شده، امکان تعامل الکترونیکی در محله وحیدیه نسبت به سایر محلات بیشتر فراهم شده است. تعداد وبلاگ‌ها و وبسایت‌های مرتبط با محله وحیدیه بیش از سایر محلات است. در این محله یک وبلاگ خبررسانی مردمی و یک وبلاگ خبررسانی شورایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اخبار و

مشکلات محله نیز مطرح می‌گردد. در قسمت بیان مشکلات نیز نظرات شوراییاران و بازخورد شکایات و درخواست‌های اهالی ارسال گشته است. در پایگاه‌هایی نظیر وبسایت محله دکتر هوشیار، منطقه نه که شامل بخشی تحت‌عنوان پیشنهادات بوده است، زیرمجموعه‌های مختلف این بخش نظیر املاک، ترافیک و غیره تنها پیشنهادات و نظرات اعضای شورایی را پوشش داده است.

- از دیگر امکانات مشاهده شده در محلات، به‌عنوان مثال بخشی در وبسایت شهرداری با نام عملکرد شامل زیربخش‌های برنامه‌ها، صورت‌جلسات، قوانین و مقررات و گزارش سالیانه است و در آن مستنداتی در اختیار شهروندان قرار گرفته است، از جمله در محله مینای جنوبی در منطقه ۱۴، اما در این قسمت امکان تعامل دوطرفه یا ارسال بازخورد شهروندان وجود ندارد و از این رو این‌گونه سایت‌ها را نیز می‌توان در زمره ابزار یک‌طرفه ارتباطی قرار داد که هیچ‌گونه تعامل یا اقدام مشارکتی الکترونیکی در اداره آن دیده نمی‌شود.

رسی‌های به‌عمل آمده در خصوص تمامی محلات به جز مثال‌های مطرح شده، همگی امکانات مشابه الکترونیکی ارتباط شهروندان و مسئولین را نشان می‌دهد و در مجموع سطح تعاملاتی این محلات سطح اول یا سطح اطلاع‌رسانی ارزیابی می‌گردد.

۲-۴- طراحی وبسایت مشارکتی در محله منتخب (محله انقلاب، منطقه ۱۱)

محله منتخب این بررسی به‌منظور طراحی یک وبسایت مشارکتی، محله انقلاب است. بنا بر اظهارات مسئولین ستاد هماهنگی شوراییاران با توجه به استقبال شوراییاران و مسئولین محله انقلاب از ابتکارات نوین ارتباطی، تجربه فناوریهای نوین در این زمینه و نیز موقعیت خاص محله و سکونت اقشار فرهنگی و دانشجو در آن به واسطه نزدیکی به مراکز آموزش عالی نظیر دانشگاه تهران، پیش‌بینی می‌گردد این محله ظرفیت پذیرش روش‌های نوین ارتباطی برای افزایش مشارکت عمومی شهروندان را دارا باشد.

محله انقلاب یا فلسطین از جمله محلات ناحیه یک منطقه ۱۱ است. این محله از شمال به خیابان انقلاب، از

جنوب به خیابان جمهوری اسلامی، از غرب به خیابان کارگر جنوبی و از شرق به خیابان ولی عصر (عج) محدود می‌شود. این محله از جنوب با محله پاستور از شرق با محله شیخ هادی و از غرب با محله جمالزاده در منطقه ۱۱ و از شمال با منطقه‌های دانشگاه تهران و ولیعصر انقلاب در منطقه شش همسایه است. جمعیت محله در سال ۱۳۹۰، ۸۵۷۴ نفر و مساحت آن ۷۰۰۰۰۰ متر مربع بوده است. محله انقلاب در حال حاضر به علت هم‌جواری با دانشگاه تهران به مکانی فرهنگی تبدیل شده است و بخشی از آن را بازار نشر کتاب و محصولات فرهنگی تشکیل می‌دهد (عبدی، ۱۳۹۲).

۴-۲-۱- مشارکت الکترونیکی در محله انقلاب

شورایاری محله انقلاب برای اطلاع‌رسانی در خصوص مسائل محله و اقدامات شورایاری و بلاگی به نشانی www.shorayarienghelab.blogfa.com راه‌اندازی نموده است. آنچه در این وبلاگ اهمیت دارد اطلاع‌رسانی و معرفی اقدامات انجام گرفته توسط مسئولین است و امکان مشارکت یا تعامل دوسویه با هدف ارتباط با ساکنین در آن پیش‌بینی نشده است اما برطبق اظهارات دبیر شورایاری این محله، اعضای شورایاری از پست الکترونیکی برای ارتباط با ساکنان محله بهره می‌برند. ابزار دیگر مورد کاربرد، وبسایت محله متعلق به پورتال شهرداری تهران به نشانی www.enghelab.mytehran.ir است. تمرکز فعالیت این پایگاه نیز بر فعالیت‌های سرا و مدیریت محله قرار دارد، معرفی کانون‌ها و کارگروه‌های سرای محله نیز به‌طور کامل انجام نمی‌گیرد. در محله انقلاب، سرای محله به عنوان قلب شورایاری شناخته می‌شود. مخاطبین اصلی عملکرد این مراکز نیز بانوان و یا افراد مسن‌ارزیابی شده‌اند. این موضوع، کارکرد خوب اجتماعی به حساب می‌آید ولی نشان از سطح بالاتر ارتباطات چهره به چهره نسبت به ارتباطات مجازی دارد. در مصاحبه انجام شده بر عدم شناخت مردم از سازوکار شورایاری‌ها تأکید شد، امری که در بسیاری از محلات نمود داشته است. می‌توان نتیجه‌گرفت مشخص شدن خدمات و وظایف شورایاری‌ها و نیز معرفی این نهاد به شهروندان در هر پروژه مشارکتی و اطلاع‌رسانی دارای

اولویت خواهد بود. چنان‌چه شرح وظایف این انجمن تعریف گردد اشکال الکترونیکی این نهاد نیز بیشتر شناخته خواهد شد. از دیگر مسائل موجود، ناآشنایی بیشتر اعضای شورایاری با سیستم‌های رایانه‌ای و شبکه نبود متخصصان فنی بوده است. مشکلات تأمین محتوا و نیز پشتیبانی فنی از این ابزار از جمله عوامل صرف‌نظر از کاربرد این امکان ارتباطی با ساکنین ذکر گردید. در محله انقلاب نیز همانند سایر محلات تأمین بودجه برای تأمین فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی به صورت شخصی و بدون کمک مسئولان یا منابع مشخص مالی انجام می‌گیرد.

۴-۲-۲- وبسایت مشارکتی محله انقلاب

۴-۲-۲-۱- اهداف وبسایت

هدف اصلی طراحی وبسایت مشارکتی، معرفی سیستمی است که مشارکت ساکنین محلات را تا سطوح مشاوره و مشارکت فعال ارتقا دهد. به طور کلی، اهداف زیر در طراحی وبسایت محله انقلاب مدنظر قرار گرفته است:

۴-۲-۲-۲- طراحی وبسایت

وبسایت مشارکتی محله انقلاب به نشانی www.mahalle-enghelab.ir شامل بخش‌ها و قسمتهای زیر طراحی شده است:

■ صفحات اطلاع‌رسانی:

۱. معرفی محله و جایگاه آن در منطقه.
۲. معرفی شورایاری، سرا، مدیریت و برنامه‌های محله، اعضا و نحوه تماس با آن‌ها.
۳. معرفی تلفن‌ها و آدرس‌های ضروری در سطح منطقه.
۴. معرفی شاغلین فعال در سطح محله به تفکیک اصناف و گروه‌های مختلف شغلی از کاربری‌های کلان موجود در محله تا خردترین فعالیت مورد نیاز اهالی و شماره تلفن و نشانی آنها. این امکان با در نظر داشتن چشم‌اندازی بلندمدت همانند راهنمای تمامی محلات به معرفی نیازمندی‌های تمامی شهروندان نظیر مکان‌یابی فعالیت‌ها، قیمت املاک و غیره خواهد پرداخت.



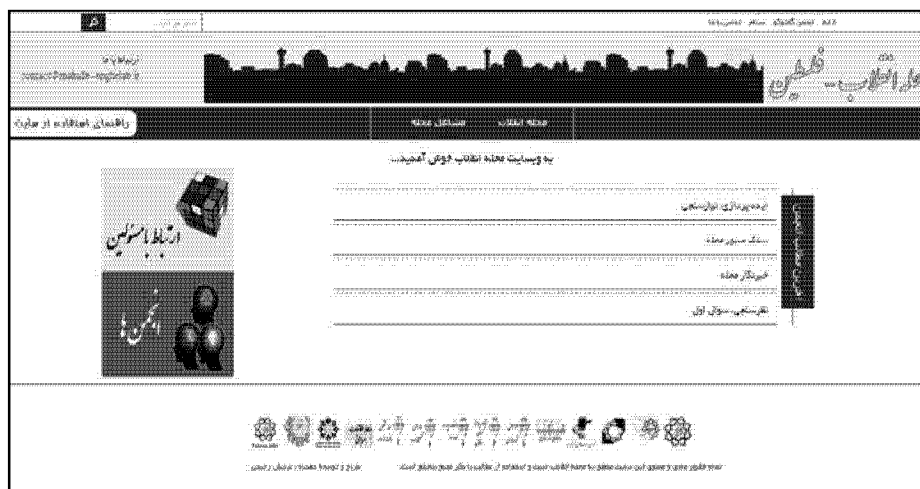
۱. طراحی پایگاه تعاملی بدون تمرکز بر امر خبررسانی.
۲. ایجاد تعامل با شهروندان با هدف دستیابی به سطح مشارکت الکترونیکی فعال و دستیابی به مشاوره، بحث و نظردهی.
۳. اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی الکترونیکی به ساکنین به‌عنوان بخش ضروری هرگونه ارتباط و تعامل مجازی که از دلایل اصلی جذب کاربران نیز به حساب خواهد آمد.
۴. افزایش تعداد کاربران و گسترش الگوی الکترونیک پیشنهادی به سایر محلات که لزوم توجه به موضوعات اقتصادی و کاهش هزینه‌های طراحی و ساخت این سایت‌ها را مشخص خواهد کرد.

۵. کاربرد افزونه‌هایی چون شبکه اجتماعی در کنار طراحی وبسایت اصلی.
۶. راه‌اندازی انجمن‌های بحث و گفتگوی مشارکتی درخصوص موضوعات مختلف موردعلاقه و نیاز شهروندان و مسئولین.
۷. اقدام به نظرسنجی در وبسایت درباره مطالب مورد نیاز از جمله فهم انتظارات شهروندان از وبسایت یا موارد نارضایتی آنها از تجربیات سابق، به‌منظور بهبود عملکرد وبسایت، نظرسنجی‌های موضوعی مختلف ازجمله درمورد طرحها و برنامه‌های مصوب یا تحت بررسی.
۸. ایجاد امکان طرح و ثبت ایده‌های شهروندان در حوزه‌های مختلف، قرار گرفتن در معرض دید و ارزش‌گذاری و ایجاد زمینه عملیاتی شدن این ایده‌ها با کمک سازمانهای ذی‌ربط و اختصاص پاداش برای ایده‌های برتر.
۹. امکان درج آسان مشکلات، ارسال درخواستها، امضای دادخواست‌های الکترونیکی در ارتباط با موضوعات عمرانی، اجتماعی و غیره (جمع‌آوری استشهاد).
۱۰. اطلاع‌رسانی در باره مشاغل محله، به‌عنوان عامل جذب اولیه کاربران برای بازدید از وبسایت و نیز تأمین مخارج وبسایت با استفاده از تبلیغ املاک و غیره.
۱۱. ارائه اطلاعات مؤثر در جلب اعتماد کاربران، به‌عنوان مثال اطمینان از امنیت اطلاعات، نحوه کار، مخارج، درآمد‌ها و نحوه معاش یا دریافت پول در شوراییاری‌ها.
۱۲. اطلاع‌رسانی و انعکاس اخبار رویدادهای محله از طرف مدیریت و ساکنین.
۱۳. اهمیت‌دادن به تصویر ارائه‌شده از وبسایت و ارائه اهداف و عملکرد نهادهای مرتبط.
۱۴. تأمین دسترسی آسان به بخش‌های مختلف سایت و تسهیل کار با آن برای جمعیت حداکثری، حتی کسانی که تجربه زیادی در زمینه اینترنت و ابزار اطلاعاتی و ارتباطی نداشته‌اند، کاربرد نشانه‌های ساده و مشخص.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۲۱۶



تصویر ۱. صفحه اصلی وبسایت محله انقلاب.

■ صفحات تعاملی:

۱. امکان ارتباط مستقیم با مسئولین برای ارسال نامه، طرح درخواست‌ها، مشکلات و سایر موضوعات در حوزه‌های مختلف سکونت‌ی ساکنین به صورت نامه الکترونیکی به نشانی contact@mahalle-enghelab.ir

۲. بخش انجمن‌ها به عنوان قلب وب‌سایت و بخش‌های زیرمجموعه‌ای با قابلیت اضافه شدن مباحث و موضوعات مختلف توسط مدیر وب‌سایت یا سایر کاربران که به وب‌سایت وارد و ثبت نام خواهند کرد. موضوعات مورد بحث مشخص شده در صفحه اول انجمن وب‌سایت، به شرح زیر است: ۱. ایده‌پردازی و نیازسنجی؛ ۲. خبرنگار محله؛ ۳. سنگ صبور محله؛ و ۴. نظرسنجی‌ها.

گزینه‌های نظرسنجی و پرسش‌های مطرح‌شده قابلیت انعطاف دارد. همچنین شهروندان کاربر قادر خواهند بود موضوعات مورد علاقه‌ی خود را به گفتمان‌های انجمن افزوده و یک تالار بحث و گفتگو برای نظردهی سایر دوستان و هم‌محلان خود راه‌اندازی نمایند.

در وب‌سایت انجمن‌ها علاوه بر انجمن اصلی، انجمن نیازمندی‌ها طراحی شده است. در انجمن اصلی به ترتیب از کاربران درخواست گردیده است: ۱. ایده‌های جدید در مورد موضوعات مختلف در سطح

محله یا نیازمندی‌ها در خصوص زندگی و فعالیت خود را در این انجمن مطرح و علاوه بر اطلاع‌رسانی به مسئولین آن‌را به سایر شهروندان اطلاع داده و نظراتشان را جویا شوند، بدین ترتیب زمینه عملیاتی شدن این ابتکارات فراهم خواهد گشت.

۲. آن دسته از مسائل، مشکلات و درخواست‌های خودرا که مایل به طرح عمومی آن هستند در این قسمت ارسال کنند.

۳. اخبار و تصاویر رویدادهای روزمره را با سایر ساکنین و با مسئولین به اشتراک گذاشته و خبررسانی نمایند.

۴. در قسمت نظرسنجی‌ها در مقدمه دو پرسش مطرح گردیده است، اطلاع از نحوه آشنایی با وب‌سایت و نظرسنجی در مورد عملکرد آن و راهکارهای بهبود ارتباط با مسئولین.

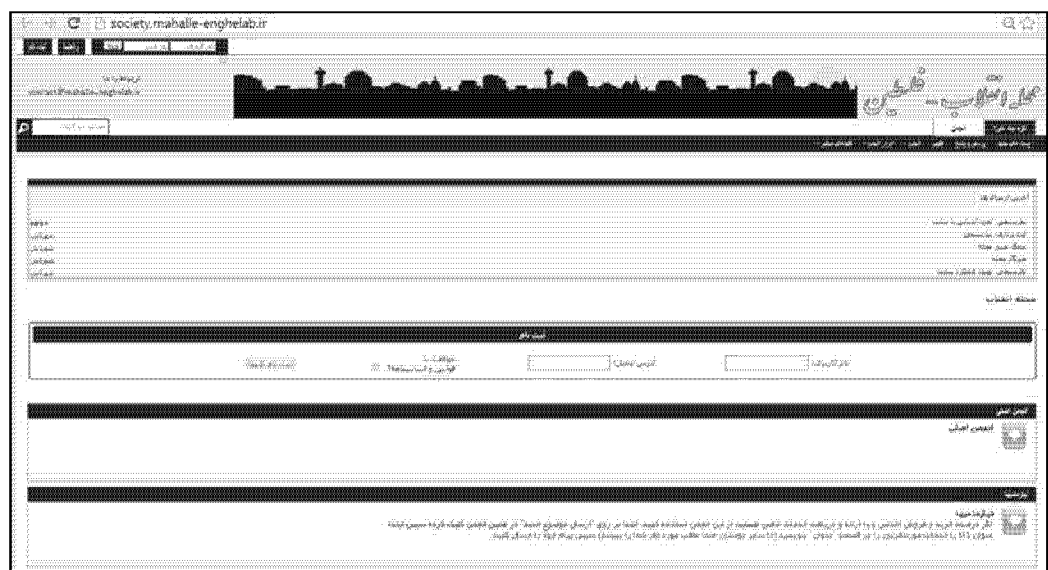
در انجمن دوم، انجمن نیازمندی‌ها، از کاربران خواسته شده است در صورت تمایل خدمات و کالای مورد نیازشان را با درج عنوان فعالیت خود ارسال و بدون هیچ هزینه‌ای و شخصاً برای تبلیغات از این وب‌سایت بهره‌مند گردند. حتی این امکان وجود دارد که افراد جویای کار و یا افراد در جستجوی نیروی همکار نیز از این بخش استفاده نمایند. سایر امکانات این وب‌سایت به شرح زیر است:

۵. امکان استفاده از خوراک RSS و دنبال نمودن مطالب



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

۲۱۷



تصویر ۲. صفحه اول بخش انجمن‌ها در وب‌سایت محله انقلاب

جدول ۵. تحلیل سطح مشارکتی وبلاگ‌ها و وبسایت‌های محلات بر اساس شاخص‌های موردنظر

وسایت جدید انقلاب	منصوریه	جلیلی	مینا	انقلاب	دکتر هوشیار	وحدیه	پوسف‌آباد	باغ فیض	چالهرز	طهرست	معیارهای شناسایی	سطح
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	انتقال یک‌طرفه اطلاعات	مدیریتی
✓											برجسته بودن توزیع خدمات	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	تبلیغات	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	نمایش سیاست‌ها	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	شکل ساده و آماري اطلاعات	
✓											قابلیت دانلود و خوانش اسناد	
✓											استفاده از فهرست ایمیل	
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	وجود اطلاعات تماس تلفنی	مشاوره‌ای
✓											دسترسی مستقیم به مسئولان	
✓											بازخورد عمومی به گزینه‌ها و طرحها	
✓											وجود گزینه‌های پرسشی بسته	
✓											تعهد به در نظر گرفتن نتایج مشاوره	
✓											پیمایش و نظرسنجی آن لاین	
✓											پیشنهاددهی و پیگیری روند آن	
✓											وجود فورومهای بحث	
✓											نمایش پرسشهای مکرر پرسیده شده	
✓											ارتباط با نامه، فکس، تلفن و ایمیل	
✓											دانلود و درخواست فرمهای مختلف	
✓											آشکارکردن طرحهای مختلف و امکان ارسال نظرات	
✓											عناصر ارتباطی موبایل یا همراه	مشارکتی
✓											تعامل چندجهته، و پیچیدگی اطلاعات	
✓											مشارکت همه یا تعداد زیاد افراد	
✓											ساخت جامعه مجازی و ایجاد فعالیت در آن	
✓											امکان تولید اخبار و اطلاعات در شبکه اجتماعی	
✓											همه‌پرسی و نظرسنجی الکترونیک	
✓											قضاوت الکترونیک	و
✓											فهرست توزیع ایمیل	
✓											بخشهایی برای گروه‌های هدف مختلف و خاص	
✓											دسترسی و نرم‌افزار با تجهیزات موبایل	
✓											پیام‌رسانی سریع و استفاده از منابع شنیداری و دیداری	



خبرنامه‌های آن لاین با ثبت ایمیل.

0 امکان مشاهده پرسشهای متداول کاربران در انجمن‌های وبسایت.

0 امکان ارسال ویدیو و تصاویر از جانب مدیران وبسایت و کاربران در مورد موضوعات روز و خبررسانی درباره محله. 0 امکان استفاده از وبسایت با استفاده از تجهیزات همراه (موبایل).

در نهایت می‌توان امکانات مشاهده شده در محلات منتخب شهر تهران و امکانات پیش‌بینی شده در وبسایت جدید محله انقلاب را با توجه به خلاصه‌ای از معیارهای مطرح سطوح مدیریتی، مشاوره و مشارکت فعال را به شرح جدول ۵ مقایسه کرد:

۵- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

از دلایل اصلی عدم گرایش ساکنان یا مسئولان محلات به فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی، ناآشنایی با نحوه کار با این فناوریها و به‌ویژه شناخت اندک شهروندان از ساختار شورایی یا مدیریتی محله و یا شناخت محدود از وظایف این انجمن‌هاست که این مورد خود نیازمند بررسی‌های گسترده‌تر در جهت ایجاد تغییرات مؤثر در سازوکار و ساختار این نهادهای مردمی و همچنین معرفی هرچه بیشتر آن‌ها به ساکنان است. مورد دیگر در خصوص تعاملات مسئولین محلی و شهروندان، ارتباط محدود با معدود گروه‌های اجتماعی نظیر سالمندان یا بانوان خانه‌دار به دلیل داشتن زمان یا اشتیاق بیشتر نسبت به سایر اقشار همچون جوانان و گرایش بیشتر به ارتباطات چهره‌به‌چهره نسبت به روش‌های جدیدتر ارتباطی، به ویژه در میان اقشاری است که همواره از مخاطبین تجربیات مشارکتی بوده‌اند. با وجود محدودیت‌های سطح مدیریتی تعاملات آن لاین نظیر نبود صرفه‌جویی در هزینه و نبود مشارکت واقعی در میان شهروندان، در سطوح بالاتر مشورت و مشارکت ممکن است نشانه‌ای از تغییرات بنیادین یا رادیکال مشاهده نشود یا طرح‌های مشارکتی با بی‌اعتنایی جامعه روبرو گردد. این محدودیت‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

0 وارد نشدن کاربران به سطوح بالای فعالیت بنا به دلایلی نظیر زمان ناکافی برای معرفی مناسب وبسایت

و ناآشنایی کامل ساکنان یک محله با وبسایت جدید،

0 عدم تمایل معمول شهروندان به سطوح مشاوره و مشارکت الکترونیک و نبود تجربه پیشین افراد در زمینه چنین تجارب مشارکتی،

0 نبود تجربه مشارکت حتی به شیوه سنتی در اداره امور شهر که می‌توان گفت جایگاه واقعی مشارکت شهروندان در این امور کاملاً مشخص نیست،

0 پایین بودن سطح نفوذ اینترنت در کشور و محدودیت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی در ایران و در نتیجه عدم دسترسی به ظرفیت بالا و کم‌هزینه این وبسایت‌ها به منظور تبلیغات یا ارتقای مشارکت فعال شهروندان،

در این زمینه می‌توان از شناسایی محدودیت‌های ارتباط واقعی شهروندان و مسئولین محلات در راستای برقراری تعامل دو طرفه و مشارکتی، بررسی سازوکارهای نهادهای متولی مدیریت محلات همانند مدیریت و سرای محله یا شورایی و کارکردهای آن‌ها، تعریف پروژه‌های اجرایی مشخص و تعریف بودجه مناسب برای انجام پروژه‌های مشارکتی دارای امکانات پیشرفته‌تر با توجه به سایر پیشنهادات ارائه شده نظیر اتصال سیستم‌های نظردهی به سامانه‌های مکان‌مبنا و یکپارچه شدن پیشنهادات در یک سیستم مدیریت اسناد، تعریف یک بازه زمانی مناسب همراه با تبلیغات بیشتر برای افزایش آشنایی ساکنان محلات با پایگاه‌های مشارکتی از جمله اولویت‌های پژوهشی این زمینه نام برد.

مآخذ و منابع

1. عبدی، سجاد (۱۳۹۲) سند پژوهشی محله انقلاب، خانه پژوهش محله انقلاب.
2. کرایتن، جیمز. ال. (۱۳۹۲) راهنمای مشارکت عمومی، گرفتن تصمیمات بهتر با مشارکت شهروندان (مترجمان: ناصربرک پور، افشین خاکباز، مرجان شرفی، نریمان زرین‌پناه). تهران: مؤسسه نشرشهر.
3. Brabham, Daren C. (2010). The Effectiveness Of Crowdsourcing Public Participation In A Planning Context, University Of North Carolina At Chapel Hill.
4. Chadwick, Andrew & May, Christopher. (2003). Interaction Between States And Citizens In The Age Of The Internet: "E-Government" In



- The United States, Britain, And The European Union, An International Journal Of Policy, Administration, And Institutions, Vol. 16, No. 2, April 2003 (Pp. 271–300).
5. Chung, So Yoon. (2011). Fostering Citizen Participation Through Innovative Mechanisms In Governance, Policy, And Decision Making: Comparing Washington, Dc And Seoul, Arizona State University.
 6. Department Of Economic And Social Affairs(DESA). (2005). UN Global E-Government Readiness Report 2005 From E-Government To E-Inclusion.
 7. Evans-Cowly, Jennifer & Hollander, Justin. (2010). The New Generation Of Public Participation: Internet-Based Participation Tools, Planning Practice & Research, Vol. 25, No. 3, Pp. 397–408, June 2010.
 8. Goodspeed, Robert C.(2008). Citizen Participation And The Internet In Urban Planning, Final Paper Urban Studies And Planning Program University Of Maryland For The Degree Of Master Of Community Planning.
 9. International Association For Public Participation(Iap2). (2007). IAP2 Spectrum Of Public Participation.
 10. Islam, M.S.(2008), Towards A Sustainable E-Participation Implementation Model, European Journal Of E-Practice.
 11. Kaylor, Charles, Randy Deshazo, And David Van Eck.2001. Gauging E- Government:A Report On Implementing Services Among American Cities. Government Information Quarterly 18, No.4:293-307.
 12. Kingston, Richard. (2007). Public Participation In Local Policy Decision-Making: The Role Of Web-Based Mapping, The Cartographic Journal Vol. 44 No. 2 Pp. 138–144.
 13. Koussouris, Sotirios, Charalabidis, Yannis & Askounis, Dimitrios. (2011). A Review Of The European Union Eparticipation Action Pilot Projects, Transforming Government: People, Process And Policy, Vol. 5 No. 1, 2011, Pp. 8-19.
 14. Macintosh, A. (2004), Characterizing e-participation in policy-making, Proceedings of the 37th Annual Hawaii International Conference on System Sciences (HICSS-37), (January 5-8,2004).
 15. Manta Conroy, Maria & Evans-Cowley, Jennifer.(2006). E-Participation In Planning: An Analysis Of Cities Adopting On-Line Citizen Participation Tools, Environment And Planning C: Government And Policy2006, Volume 24, Pages 371 -384.
 16. Medaglia, Rony. (2012). Eparticipation Research: Moving Characterization Forward (2006–2011), Government Information Quarterly 29 (2012) 346–360.
 17. Organisation For Economic Co-Operation And Development. (2003). Promise And Problems Of E-Democracy: Challenges Of Online Citizen Engagement. Paris:Oecd Publications.
 18. Ocampo, Sergio. (2012). E-Participation Guidelines: Supporting Diversity, Immigrant Inclusion By Eparticipation(libp),
 19. Reddick, Christopher G.(2010). Citizen Interaction And E-Government, Evidence For The Managerial, Consultative, And Participatory Models, Transforming Government: People, Process And Policy Vol. 5 No. 2, 2011, Pp. 167-184.
 20. Sæbø, Øystein, Rose, Jeremy & Flak, Leif Skiftenes. (2008). The Shape Of Eparticipation: Characterizing An Emerging Research Area, Government Information Quarterly 25 (2008) 400–428.
 21. Sanford, Clive & Rose, Jeremy. (2007). Characterizing Eparticipation, International Journal Of Information Management 27 (2007) 406–421.
 22. Stern, Eliahu, Gudes, Ori & Svoray, Tal. (2009). Web-Based And Traditional Public Participation In Comprehensive Planning, Environment And Planning B: Planning And Design 2009, Volume 36, Pages 1067 – 1085.
 23. Susha, Iryna & Grönlund, Åke. (2012). Eparticipation Research: Systematizing The Field, Government Information Quarterly 29 (2012) 373–382.
 24. Van Dijk, Meine Pieter. (2006). Managing Cities In Developing Countries The Theory And Practice Of Urban Management, Edward Elgar Publishing-Ma-Usa.
 25. Walter, Florian & Rosenberger, Sieglinde. (2007). Skilled Voices? Reflections On Political Participation And Education In Austria, Organisation For Economic Co-Operation And Development, 2007.
 26. Weerakkody, Vishanth, El-Haddadeh, Ramzi & Al-Shafi, Shafi. (2010). Exploring The Complexities Of E-Government Implementation And Diffusion In A Developing Country. Some Lessons From The State Of Qatar, Journal Of Enterprise Information Management, Vol. 24 No. 2, 2011, Pp. 172-196.
 27. Wimmer, Maria A., (2007), Ontology For An E-Participation Virtual Resource Centre, University Of Koblenz-Landau, Institute For Is Research, Germany.



28. www.bankmahle.blogfa.com
29. www.baq-feyz.mytehran.ir
30. www.chalharz.blogspot.com
31. www.dr-hushyar.mytehran.ir
32. www.enghelab.mytehran.ir
33. www.hammahalei.blogfa.com
34. www.jalili.mytehran.ir
35. www.mytehran.ir
36. www.mangol.mytehran.ir
37. www.minaye-jonubi.mytehran.ir
38. www.qoba.mytehran.ir
39. www.region6.tehran.ir
40. www.shorayari9.ir
41. www.shorayari17.parsiblog.com
42. www.shorayaribaghfeyz.blogfa.com
43. www.shorayarienghelab.blogfa.com
44. www.tarasht.parsiblog.com
45. www.tarasht.mytehran.ir
46. www.vahidiyeh.com
47. www.vahidiyeh.mytehran.ir
48. www.yusefabad.mytehran.ir



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳

No.36 Autumn 2014

■ ۲۲۲ ■

تعیین عوامل انگیزشی ساکنین بافت فرسوده شهر شیراز برای مشارکت در بهسازی و نوسازی آن

خسرو موحد* - استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران.

Factors motivating residents of Shiraz distressed areas to participate in improving and renovating program

Abstract

Urban distressed area has been a serious problem in many cities in Iran for decades. One of the fundamental trends in Iranian government has been the implementation of consistent strategies for overcoming problems of urban distressed area. Old historical zone of Shiraz city is among the distressed area with different cultural, social and physical problems. Amongst the improvement and renovation policies for dealing with distressed areas is the concept of the people participation. Partnership is part of the social responsibility to overcome the urban problems. 'People Participation' is a very commonly used term in the urban development literature as well as in policy making and implementation by both governments and non-governmental bodies. It can be defined as an interventionist process leading to a sustainable improvement in the standard of living and welfare of the people living in the distressed areas.

What people say is also what they believe as well as what they need. When investigating about the population structure of Shiraz distressed area, what the residents believe about their living area and their partnership in improvement and renovation is very important. The current study investigated what factors motivate people to participate in improving and renovating their living areas. For this purpose, answering the following questions was conducted: What are the residents' views concerning their willingness to cooperate with the government for improving and renovating Shiraz distress areas? What are the factors that motivate residents to participate in improvement and renovation? What are the barriers that interfere with people' participation? In this study, the technique of the questionnaire is used and the statistical analysis of the questionnaire is carried out using the SPSS program. By using the questionnaire data, the population structure of Shiraz distressed area and their willingness to participate in improving and renovating program were identified. The questionnaire carried out in this study consisted of 21 questions. The questions were presented in either a short answer or multiple-choice format. The questionnaire survey carried out from July, 2012 until November 2012. 400 residents of the entire population of old historical zone of Shiraz city were asked to answer the survey questionnaire. In order to analysis the questionnaire. The questionnaire was assessed to see what will encourage people to participate in improving and renovating program. This is assessed by asking respondents to judge the partnership. The respondents were asked to rate the agreement of each item. It refers to the degree to which an individual approve the benefit of participation in improving and renovating program. There are different motivations affecting the people participation in improving and renovating program. For finding the motivations affecting the people participation, Kendall's tau correlation coefficient was calculated for vicariate comparisons between partnership and different items. Strong association was found for age and gender of the respondent. Also, the respondents who like to have relation with their neighbors and those have participated for regeneration and revitalization of urban distressed areas have more tendencies in participation. The most important reasons for participating in improving and renovating program identified through this study were; security progress of districts, the houses firmness and district cleanliness. Survey respondents also indicated that encouragement of others, significantly contributed to the participating in improving and renovating program.

Key words: Distressed Area, Improvement and Renovation, Shiraz, Motivation Factors

چکیده

امروزه مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده شهرها به عنوان مهم‌ترین عامل موفقیت در مدیریت شهری محسوب می‌شود. بدیهی است که مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده، نیازمند وجود انگیزه‌های لازم ساکنین است و وجود انگیزه‌های لازم مستلزم متقاعد شدن آنها در این کار می‌باشد. متقاعد شدن نیز نیازمند گفتگو و انعطاف‌پذیری ساکنین می‌باشد و طبیعتاً گفتگو و انعطاف‌پذیری مستلزم شناخت عوامل انگیزشی مردم در مشارکت می‌باشد. مقاله حاضر حاصل پژوهشی است که در خصوص تعیین عوامل انگیزشی مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهر شیراز انجام شده است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به شیوه پیمایش صورت گرفته است. ابزار سنجش این پژوهش پرسشنامه ای بود که روایی آن توسط صاحب نظران مدیریت شهری مورد تأیید قرار گرفت. نمونه آماری تحقیق شامل ۴۰۰ نفر از ساکنین محله‌های مختلف منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز است. پرسش اصلی این پژوهش عبارت بود از این که مهمترین عامل انگیزشی مردم برای مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از بین عوامل انگیزشی، عامل محله به خصوص علاقه به بهتر شدن محله و بالا رفتن امنیت آن از سایر انگیزه‌ها تاثیر بیشتری بر مشارکت داشته است. با بررسی عوامل فردی مشخص شد که سن و نوع جنسیت فرد بر بالا رفتن مشارکت تاثیر دارد. واژگان کلیدی: بافت‌های فرسوده، شیراز، بهسازی و نوسازی، مشارکت، عوامل انگیزشی

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۷۱۱۸۰۰۷۷، رایانامه: Khmovahed1@yahoo.com

این مقاله برگرفته از یک طرح پژوهشی با نام: «تعیین عوامل انگیزشی ساکنین بافت فرسوده شهر شیراز برای مشارکت در بهسازی و نوسازی آن»، است که با بودجه پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز از مهر ماه ۱۳۹۱ تا مهر ماه ۱۳۹۲ اجرا شده است.

افراد باید به میزان احساس تعلق او به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعداد های فردی و نیز انگیزه پیشرفت، انگیزه شایستگی، و انگیزه کار توجه داشت (هادیان، دانشپور، ۱۳۸۷).

برای تبیین مشارکت مردم در فعالیت های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده و اصولاً هر گونه رفتار اجتماعی دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. آنتونی داوونز معتقد است که هر گونه رفتار حاصل تصمیم فردی شخص است که به طور عاقلانه از میان گزینه های مختلف که در یک وضعیت خاص پیش روی اوست، گزینه ای را انتخاب کند که به بهترین نحو اهداف او را تأمین می نماید. اولسون معتقد است که نفع شخصی عقلانی فرد را وادار می کند که هزینه های مشارکت در گروه یا عمل جمعی را در مقابل منافع آن بسنجد. وی عقلانیت را عامل قوی برای مشارکت می داند. داوونز و اولسون هر دو بر عقلانیت در مشارکت تأکید دارند (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶).

مشارکت پذیر بودن مردم در حدی که در برابر محله خود حساس باشند از جمله ضرورت ها و لازمه توسعه اجتماعی هر کشوری است. در این رابطه تبیین انگیزه های مشارکت ساکنین بافت های فرسوده و شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت به عنوان یکی از چالش های مشارکت مردم در نوسازی آن می باشد. تحقیق حاضر میکوشد عوامل انگیزشی مؤثر بر مشارکت ساکنین بافت تاریخی و فرهنگی شیراز در بهسازی و نوسازی بافت را بررسی کند. هدف آن، این است که با بررسی این مورد بتواند نکات و عوامل مهمی را که میتواند بر مشارکت ساکنین تأثیر مثبتی داشته باشند، شناسایی نماید. بنابراین، یافته های پژوهش حاضر میتواند شهرداری بافت فرسوده شیراز را در بالا بردن مشارکت مردمی یاری رساند.

۱. مبانی نظری

نگاهی به موضوع مشارکت و انگیزه های آن که به وسیله پژوهشگران در چند سال اخیر انجام شده، نشانگر این است که سمت گیری مطالعات نظری مشارکت بیشتر در حوزه روستایی، مدیریت سازمانی و یا مشارکت سیاسی بوده است. برخی از موارد مرتبط با موضوع که بر اساس

امروزه مدیران شهری بدنبال حل معضلات محلات مسئله دار، از جمله بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهرها می باشند. مشاهدات اولیه از بافت فرسوده شهر شیراز نشان می دهد که هر چند دولت برای بهسازی و نوسازی این محلات مشوق های خوبی مصوب نموده، اما مشارکت مردم در این امر کمتر به چشم می خورد و در نتیجه انجام فعالیت های بهسازی و نوسازی در این محلات به کندی صورت می گیرد. موسوی معتقد است مشارکت فرآیندی است که در برگزیده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر گذاردن بر تصمیم گیری درباره امور عمومی است (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۵۴). مشارکت به عنوان یک عمل از نظر فرد دارای دو جنبه است:

۱. اول اینکه چه انگیزه هایی فرد را ترغیب به انجام عمل مینماید.

۲. دوم اینکه، فرد چقدر نسبت به عمل مورد مشارکت آگاهی دارد و چه میزان عدم آگاهی او نسبت به این عمل موجب خودداری او از شرکت در آن میگردد (عفتی، ۱۳۷۱).

ارتباط بین بافت فرسوده شهری، مالکان خانه ها و مردمی که در این محلات زندگی می کنند، در بهسازی و نوسازی این گونه محلات به حداکثر حساسیت خود می رسد. بر این اساس، تعیین عوامل انگیزشی مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهر شیراز، از ضروریات تقویت مشارکت در این امر است. پژوهشگران فراوانی جنبه های انگیزشی مربوط به تصمیمات مردم برای شروع کاری را بسیار مهم می دانند. انگیزش فرآیند روی آوری به فعالیتی خاص و ادامه آن است. این فرآیند که رفتار را بر می انگیزد و جهت می دهد، تمایلات و سوق دهنده های درونی و محرک های بیرونی را در بر می گیرد و نقشی قدرتمند در مشارکت افراد در فعالیت هایشان دارد (واعظ موسوی، ۱۳۸۶). در دیدگاه روانشناختی مشارکت بر عوامل انگیزه و ویژگی های شخصیتی به عنوان عوامل تعیین کننده نگرش های فردی در مبادرت به فعالیت های اجتماعی تأکید می شود. از این نظر در بررسی فعالیت های مشارکتی

بررسی‌های انجام‌گرفته بدست آمده، در این بخش آورده می‌شود:

لیپست و دوز بر عوامل و متغیرهایی در مشارکت تأکید می‌ورزند که به اعتقادشان بر آن تأثیر مهمی دارد ولی شدت و الگوی این تأثیرگذاری ثابت نبوده است. مهمترین این عوامل عبارتند از: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای (لیپست و دوز، ۱۳۷۳، ص ۳۹۶). راجرز معتقد است که عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجه نظرها عناصر اصلی و کلیدی برای فهم رفتار به‌شمار می‌آیند (احمدی و حامد، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵).

طالبی معتقد است که در تجزیه و تحلیل مشارکت دو دیدگاه تئوریکی وجود دارد. ابتدا برخی مشارکت را بر اساس انگیزه‌ها و عوامل درونی تعیین و تفسیر می‌نمایند و گروه دوم افرادی که دیدگاهی اجتماعی داشته و عوامل بیرونی و محیطی را عامل اصلی در شکل‌گیری اعمال و رفتار انسانی به حساب می‌آورده‌اند (طالبی، ۱۳۸۹، ص ۸).

انگیزش را می‌توان حالتی در افراد دانست که آنان را به انجام رفتار و عمل خاصی متمایل می‌سازد (الوانی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲). مازلو معتقد بود که هرگاه یک سطح از نیازها برآورده شوند دیگر برانگیزاننده نیستند و سطوح بالاتر نیازها جهت انگیزش فرد شروع به فعالیت می‌کنند و شامل هفت نیاز می‌باشند: فیزیولوژیکی؛ ایمنی؛ عشق؛ احترام؛ خودشکوفایی؛ آزادی تحقیق و بیان؛ کسب دانش و درک (برومند، ۱۳۸۵، ص ۹۱).

افراد با دلایل گوناگون در نهضت‌های داوطلبی درگیر می‌شوند که انگیزه‌ی هر فرد با توجه به روحیات، خانواده، شرایط زندگی و محیط خود متفاوت است. البته برای جذب و به‌کارگیری داوطلبان باید از توقعات آنان باخبر باشیم تا بتوانیم مدیریت جذب افراد داوطلب را هدفمند سازیم و بر روی خواسته‌های آنان تمرکز کنیم (افروزه، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵).

صارمی معتقد است که در میان همه نیازهای بشر، نیاز به امنیت از مهمترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی تعریف و جایگاه خود را در راس نیازهای انسان قرار داده و پایه و بنیان زندگی جمعی و تشکیل اجتماعات کوچک اولیه و

بدنبال آن شهرها بوده است، چراکه زندگی فردی و یا حتی کوچکی اجتماعات آسیب‌پذیری آن را بیشتر می‌کند. به دلیل پیشرفت و توسعه و تمدن، امنیت، اهمیت‌گسترده‌تری به خودگرفته و دامنه آن، همه ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و روانی زندگی انسانها را در بر گرفته است (صارمی، ۳۹۰ معتقد است ۵ دسته از عوامل میتوانند موجب انگیزش افراد برای شرکت در کارهای داوطلبانه شوند که شامل انگیزه معامله‌گری، وظیفه‌گرایی، اجتماعی بودن، شهرت‌طلبی، و رشد شخصی می‌باشد. وی همچنین معتقد است اگر چه یک انگیزه برای انجام کارهای داوطلبانه ممکن است غالب باشد ولی معمولاً چند انگیزه به طور همزمان روی فرد تأثیر می‌گذارند (عزیزی وزمانی، ۱۳۸۸). شکویی محله را ناشی از تجمع، پیوستگی، معاشرت، روابط همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی می‌داند که تشکیل واحدی به نام محله را می‌دهد (شکویی، ۱۳۷۲، ص ۴۸).

به اعتقاد اخلاقی یکی از روش‌های مهمی که می‌توان به کمک آن در کارکنان انگیزه ایجاد کنند، «روش تشویق» است؛ یعنی با ایجاد شوق و رغبت و تقویت روحیه و اعتماد به نفس، فرد را برای به‌کارگیری تمام نیرو و استعدادش در راه اجرای وظایف آماده می‌سازد. از این رو، می‌توان گفت روش تشویق شیوه‌ای اثرگذار بر انگیزش است (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).

به لحاظ نظری، با توجه به مطالعات صورت گرفته جهت عوامل انگیزشی مؤثر بر مشارکت ساکنین بافت تاریخی و فرهنگی شیراز در بهسازی و نوسازی آن، عوامل انگیزشی در دو دسته کلی: عوامل فردی شامل ویژگی‌های عمومی و شخصیتی فرد و عوامل محیطی شامل عوامل محله، خانه و عامل دیگران (تأثیر افراد دیگر در تصمیم فرد) قابل تقسیم بندی می‌باشند. متغیرهای تحقیق را نیز می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود.

متغیر وابسته: مشارکت ساکنین بافت تاریخی و فرهنگی شیراز در بهسازی و نوسازی آن؛

متغیرهای مستقل: ویژگی‌های عمومی ساکنین شامل (سن، جنسیت، میزان سواد و شغل)، ویژگی‌های شخصیتی فرد شامل (تشویق، توجه، ارتباط و سود)،



عامل دیگران شامل متغیرهای (خانواده، دوستان و معتمد محل)، خانه شامل (مقاومتر و بهتر شدن خانه) و عامل محله شامل متغیرهای (زیبایی، امنیت، تمیزی و بهتر شدن)؛

با توجه به عوامل و متغیرهای گفته شده، مدل نظری عوامل انگیزشی موثر بر مشارکت ساکنین بافت تاریخی و فرهنگی شیراز در نمودار یک ارائه شده است.

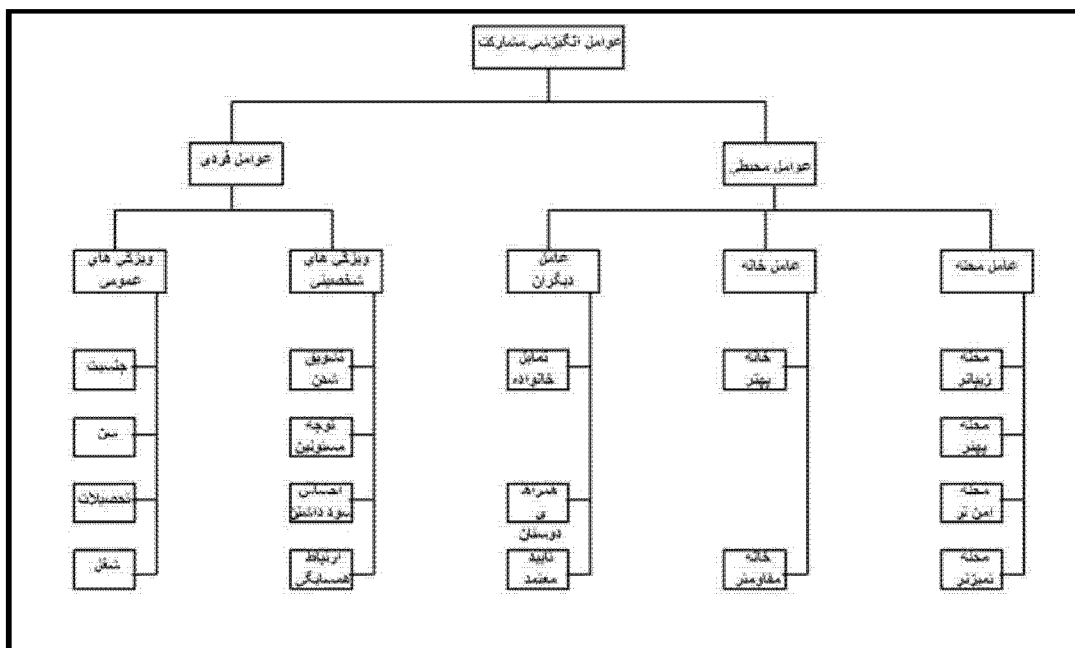
۲. شهر شیراز و محله‌های مورد مطالعه

شهر شیراز مرکز شهرستان شیراز و مرکز استان فارس می‌باشد. طبق آخرین سرشماری، شهر شیراز با ۱۲۰۴۸۸۲ نفر جمعیت، ششمین شهر پرجمعیت کشور در سال ۱۳۹۰ بوده است. در مورد قدمت شهر شیراز باید بگوییم که اغلب مورخین احداث شهر شیراز را با اشاره به اینکه قبلا در این محل و حوالی آن آبادی و شهری وجود داشته است، به قرن اول اسلام یعنی زمان عبدالملک خلیفه اموی نسبت می‌دهند که در سال ۷۶ ه. ق بدست محمد بن یوسف ساخته شده است. شواهد و دلایل متعددی در دست است که نشان می‌دهد، پیش از این در همین دشت شهر یا محلی با همین نام وجود داشته است (افسر، ۱۳۵۳، ص ۲۴).

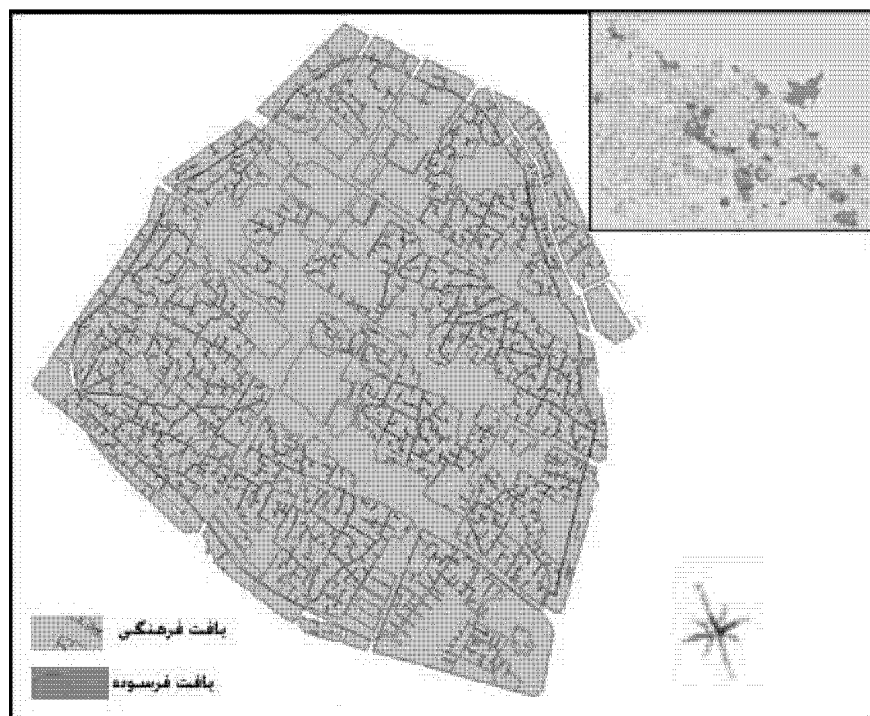
در حال حاضر بیش از چهل و هشت هزار هکتار بافت فرسوده در کشور وجود دارد که بیش از شانزده هزار هکتار از آن در کلان شهرهای کشور است. از این میزان سهم بافت فرسوده شهر شیراز با بیش از ۷۰ هزار نفر جمعیت حدود یک هزار و ۶۹۱ هکتار از مساحت شیراز را تشکیل می‌دهد که ۶۶۰ هکتار معادل ۲۱ درصد از مساحت بافت فرسوده را نیز بافت تاریخی و فرهنگی اشغال کرده است. در واقع این محلات علاوه بر اینکه هسته اولیه پیدایش شهر شیراز و جزء محلات با هویت وارزشمند می‌باشند، در حال حاضر نیز بسیاری از فعالیتهای تجاری، مذهبی و خدماتی را در خود جای داده‌اند. در مجموع این منطقه مساحت قابل توجهی از مساحت شهر شیراز را تشکیل می‌دهد. این بافتهای مسکونی برغم ارزش آن، هم اکنون عمدتاً تخلیه شده و باگذشت زمان افراد مسئله‌دار در آن ماوا گرفته و معضلات اجتماعی و امنیتی عدیده برای ساکنین و همچنین مناطق دیگر شهر به وجود آورده است. نقشه شماره ۱، موقعیت بافت تاریخی و فرهنگی شهر شیراز را نشان می‌دهد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش



نمودار ۱. مدل نظری عوامل انگیزشی موثر بر مشارکت ساکنین بافت تاریخی فرهنگی شیراز؛ ماخذ: داده‌های پژوهش.



نقشه ۱. موقعیت بافت تاریخی و فرهنگی شهر شیراز؛ ماخذ: شهرداری شیراز.

عوامل محیطی مطابق با نمودار ۱ است که تاثیر آن بر متغیر وابسته «میزان تمایل مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت» مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق از نرم افزار SPSS جهت ثبت اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن استفاده گردید. وسعت منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز و تعداد زیاد خانه و تنوع در ساکنین و صاحب خانه، میزان همکاری آنها در جمع آوری اطلاعات از محدودیت‌های این تحقیق می‌باشد. در طراحی بعضی از سئوالات از طیف پنج گانه لیکرت استفاده شد. با توجه به محله‌بندی بودن منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز، جهت تعیین محله‌های نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای استفاده گردید. منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز به ۱۰ محله تقسیم شد و از هر محله تعدادی نمونه از خانه‌هایی که حاضر به پرکردن پرسشنامه بودند به صورت نمونه‌گیری غیر احتمالی انتخاب گردید. لازم به ذکر است معیار محله‌بندی پنج رقم اول کدپستی در نظر گرفته شد. پرکردن پرسشنامه در بازه زمانی تیرماه ۱۳۹۱ تا آبان ماه همان سال به صورت مقطعی صورت گرفت. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق

توصیفی- تحلیلی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خانوارها در محله‌های مختلف منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز است. با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن دقت احتمالی مطلوب برابر با $d=(\%50)$ ، ضریب اطمینان $t=p(1/96)$ و میزان احتمال عدم وجود صفت برابر با $q=(\%50)$ ، حجم نمونه به میزان ۳۸۴ نفر به دست آمد.

با توجه به اینکه جامعه آماری بافت تاریخی و فرهنگی شهر شیراز می‌باشد و به علت احتمال عدم تمایل بعضی از ساکنین در همکاری در پاسخگویی به سئوالات، به جای ۳۸۴ نمونه، تعداد ۴۰۰ خانه به عنوان نمونه از محلات مختلف با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از محلاتی انتخاب گردید که بعنوان بافت تاریخی و فرهنگی شهر توسط شهرداری منطقه هشت شیراز تعریف شده است. سپس با مشاهده و انجام پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز اهداف پژوهش در محلات نمونه بدست آمد.

سطح مشاهده در دو سطح خصوصیات فردی ساکنین و عوامل انگیزشی مشارکت می‌باشد. متغیرهای مهم مستقل تحقیق شامل عوامل فردی نمونه‌های آماری و

ساخته شامل ۲۱ سؤال ناظر بر ساختار جمعیتی منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز و انگیزه‌های مشارکت مردم در نوسازی در قالب متغیرهای مستقل و وابسته، استفاده شده است. برای تعیین روایی، پس از مصاحبه مقدماتی با تعدادی از ساکنین بافت و با مراجعه به متون علمی، تئوری‌های مربوط به موضوع و سؤالات پژوهش، متن پرسشنامه تنظیم گردید و سپس در اختیار ۲۰ نفر از صاحب‌نظران مدیریت شهری قرار گرفت. بعد از اعمال نظرات اصلاحی آنان، روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. بدین ترتیب اعتبار محتوایی - صوری گویه‌های پرسشنامه فراهم شد. برای تعیین ثبات و پایایی آن نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد و هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری تعیین گردید. آلفای کل پرسشنامه ۰/۷۸۹، به دست آمد. با توجه به عدد به دست آمده برای پایایی سؤالات پرسشنامه، نتیجه گرفته می‌شود که ابزار پژوهش از ثبات و پایایی قابل قبولی برخوردار است. پرسشنامه با هدف پاسخ به برخی سؤالات، از جمله، مهمترین عوامل انگیزشی مشارکت‌کنندگان در بهسازی بافت، طراحی گردید. برای مشخص شدن انگیزه‌های مشارکت بر مبنای نمودار یک، سؤوالهایی به صورت لیکرت ۵گزینه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم طراحی شد. به منظور امتیاز دهی سؤالات انگیزشی پرسشنامه، برای کاملاً موافق امتیاز ۲، نسبتاً موافق امتیاز ۱، نسبتاً

مخالف امتیاز ۱-، کاملاً مخالف امتیاز ۲- و برای بی نظر امتیاز صفر در نظر گرفته شد. جدول شماره یک سؤوالهای مربوط به عوامل انگیزشی در پرسشنامه را نشان می‌دهد.

از طرفی برای پژوهشگر سؤوالهای زیر نیز مطرح بوده است: آیا متغیرهایی چون جنسیت، سن، میزان تحصیلات و نوع شغل می‌تواند تفاوت‌هایی در انگیزه مشارکت ایجاد کند؟ تحلیل آماری در غالب تحلیل توصیفی و استنباطی انجام شده است. در تحلیل توصیفی، فراوانی و درصد خالص مؤلفه بیان شده و در تحلیل‌های استنباطی، آزمون همبستگی مورد استفاده قرار گرفته است.

۴. بیان یافته‌ها

فضای مورد تحقیق، منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز است که خانه‌هایی از محلات مختلف بافت بصورت اتفاقی انتخاب شده است. در این پژوهش تعداد ۴۰۰ خانه به عنوان نمونه انتخاب گردید. یافته‌های این پژوهش شامل یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی می‌باشد. یافته‌های توصیفی، بعضی از ویژگی‌های نمونه‌های تحقیق و خانه‌های مورد بررسی شده را شامل می‌شود و یافته‌های استنباطی تجزیه و تحلیل متغیرهای تحقیق را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. سؤوالهای مربوط به عوامل انگیزشی در پرسشنامه؛ ماخذ: داده‌های پژوهش.

انگیزه	گویه‌های مربوطه
عامل فردی	من دوست دارم برای آنچه که انجام می‌دهم تشویق شوم؛ من مایلم برای آنچه که انجام می‌دهم مورد توجه مسئولین قرار گیرم؛ من احساس می‌کنم مشارکت در امر بهسازی و نوسازی محله، همراه با سود است؛ من ارتباط با همسایگان را ضروری می‌دانم؛
عامل دیگران	خانواده من تمایل دارند که من در این کار شرکت کنم؛ چون دوستان و همسایه‌هایم در این کار شرکت می‌کنند، من هم در این کار شرکت می‌کنم؛ من در این کار شرکت می‌کنم چون معتمد محل این کار را تأیید می‌کند؛ من مایلم برای زیبا شدن محله خود مشارکت کنم؛
عامل محله	من دوست دارم محله‌ای بهتر داشته باشم؛ من برای بالا رفتن امنیت محله خود در این کار مشارکت می‌کنم؛ من بدلائل تمیزتر شدن محله خود در این کار مشارکت می‌کنم؛
عامل خانه	من برای بهتر شدن خانه‌ام تمایل دارم؛ من تمایل دارم برای مقاوم سازی خانه خود در این کار مشارکت کنم؛

۱.۴ تجزیه و تحلیل توصیفی یافته‌ها

در ذیل به صورت خلاصه نتایج توصیفی پرسشنامه ارائه شده است: نتایج نشان می‌دهد که ۴۵/۵ درصد نمونه آماری، مرد و بقیه زن بوده‌اند. بیشترین جمعیت نمونه که ۴۳/۲۵ درصد نمونه‌ها را تشکیل می‌دهند همسر خانواده هستند. با توجه به اینکه پرسشگرها بیشتر در روز به خانه‌های نمونه مراجعه می‌کردند، در نتیجه درصد پاسخ دهندگان زن بیشتر بوده است. ۲۶ درصد نمونه آماری دارای سنی بین ۳۵ تا ۴۵ سال هستند. یکی از خصوصیات جمعیتی بافت‌های فرسوده، میزان سواد پایین ساکنین می‌باشد که نتایج پرسشنامه نیز این امر را نشان می‌دهد. بطوری که بیشترین جمعیت نمونه که ۳۸/۲۵ درصد نمونه‌ها را تشکیل می‌دهند زیر دیپلم می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که شغل سرپرست خانوار ۲۱/۲ درصد نمونه آماری، شغل آزاد و ۱۸/۸ درصد آنها بازنشسته و ۲۱/۲ درصد نیز بیکار می‌باشند. سوالات در خصوص همسایگان نمونه آماری نشان می‌دهد که ۲۷ درصد نمونه‌ها با ارتباط با همسایگان کاملاً موافق هستند و حدود ۳۰ درصد نیز تا حدی مخالف هستند. در سوالات دیگر تمایل نمونه‌های آماری در مشارکت در بهسازی و نوسازی محله خود مورد پرسش قرار گرفت که نتیجه نشان می‌دهد ۳۸/۴۶ درصد آنها کاملاً با مشارکت در

بهسازی و نوسازی محله موافق هستند. ۳۴/۰۷ درصد نیز تا حدی موافق هستند. برای مشخص شدن اهمیت انگیزه‌های مشارکت نمونه‌های آماری، سوالات انگیزشی پرسشنامه از ۲ تا ۲- امتیازدهی شد. جدول ۲ امتیاز عوامل مختلف را نشان می‌دهد. همانطور که از جدول برمیآید عامل محله با امتیاز ۵۰۵/۷۵ موثرترین عامل در مشارکت را نشان می‌دهد. همچنین بعد از عامل محله، عامل خانه، با ۳۹۱/۵، عامل دیگران، با ۲۴۱/۶ و عامل فردی، با ۱۷۳/۵ به ترتیب بیشترین تاثیر را بر مشارکت داشته‌اند.

۲-۴ تجزیه و تحلیل استنباطی یافته‌ها

برای تعیین مهمترین عوامل انگیزشی مشارکت‌کنندگان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شیراز، همبستگی بین تمامی سوالات تحقیق انجام شد. با توجه به اینکه متغیرها با مقیاس رتبه‌ای می‌باشند برای آزمون این کاراز شاخص تاو- کندانال استفاده گردید. نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین نوع جنسیت و سن نمونه آماری با مشارکت در بهسازی و نوسازی محله در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است، در نتیجه می‌توان گفت نوع جنسیت و سن بر مشارکت در بهسازی و نوسازی محله تأثیر دارد. بدین معنی که زنها بیشتر تمایل به مشارکت



جدول ۲. امتیاز عوامل انگیزشی مشارکت؛ ماخذ: داده‌های پژوهش.

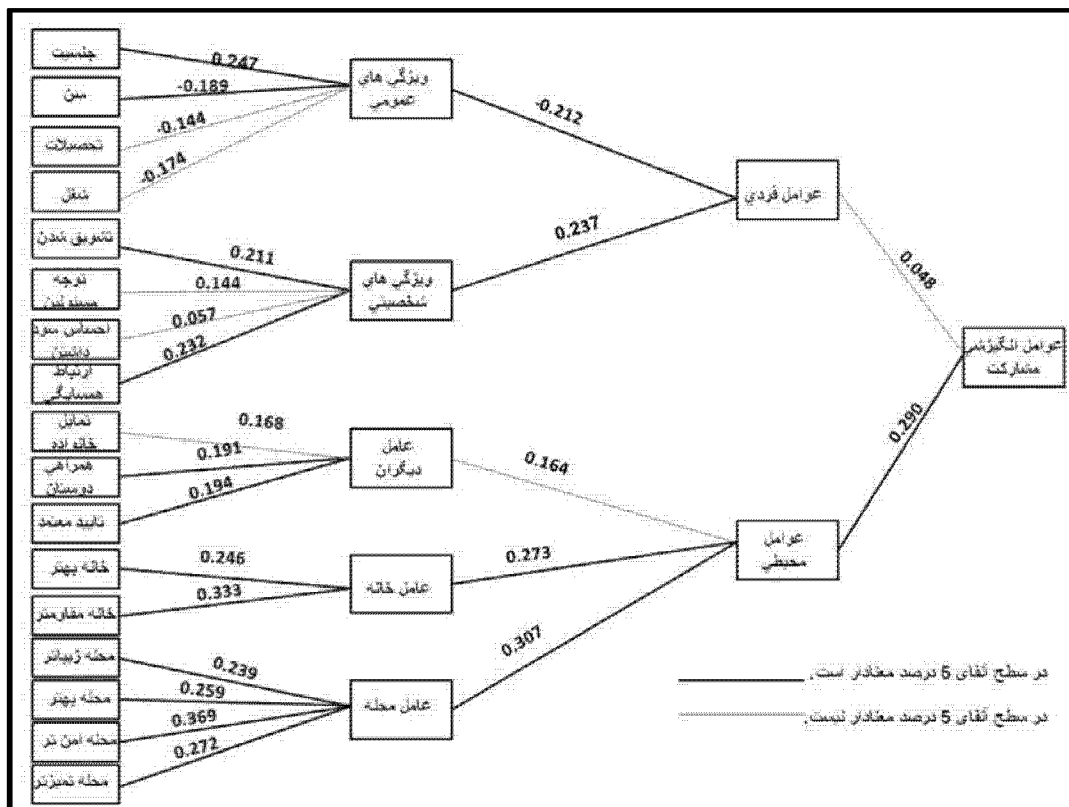
انگیزه	گروه‌های مربوطه	امتیاز	میانگین امتیاز عامل
عامل فردی	تشویق شدن	۱۱۴	۱۷۳/۵
	مورد توجه مسئولین قرار گرفتن	۴۴	
	همراه با سود برای فرد	۳۷۸	
	ارتباط با همسایگان	۱۵۸	
عامل دیگران	تمایل خانواده	۳۲۵	۲۴۱/۶
	شرکت دوستان و همسایه‌ها	۲۱۵	
	تأيید معتمد محل	۱۸۵	
عامل محله	زیبا شدن محله	۶۱۱	۵۰۵/۷۵
	محله‌ای بهتر	۴۱۸	
	امنیت در محله	۵۱۰	
	تمیزتر شدن محله	۴۸۴	
عامل خانه	بهرتر شدن خانه	۳۶۵	۳۹۱/۵
	مقاوم سازی خانه	۴۱۸	

دارند و همچنین با افزایش سن تمایل به مشارکت کمتر می‌شود. در تجزیه و تحلیل داده‌ها میتوان چنین نتیجه گرفت که بین متغیرهای بالا رفتن امنیت محله و میزان مشارکت آنها در بازسازی و بهسازی محله رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی ساکنینی که برای بالا رفتن امنیت محله خود در این کار مشارکت می‌کنند، بیشتر از ساکنینی که چنین احساسی را ندارند، به مشارکت در بازسازی و بهسازی محله علاقه مندند. در این فرضیه؛ همبستگی ۰/۳۶۹ و معناداری آن ۰/۰۰۴ دیده میشود.

مطالعات به دست آمده نشان میدهد که بین علاقه ساکنین به ارتباط با همسایگان و میزان مشارکت آنان رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هر چه افراد به ارتباط با همسایگان بیشتر علاقه مند باشند، میزان مشارکت آنها بالاتر است و برعکس.

نتایج آزمون تمایل به مشارکت در بهسازی و نو سازی محله نشان می‌دهد که بین میزان تمایل به مشارکت به علت اینکه دوستان و همسایه او در این کار شرکت می‌کنند، و مشارکت در سطح آلفای ۵ درصد معنادار

است. بدین معنی که آنهایی که اعتقاد بیشتری نسبت به همراهی با دوستان و همسایه‌های خود داشتند، بیشتر تمایل به مشارکت دارند. میزان تمایل به مشارکت برای مقاوم سازی خانه خود و مشارکت در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است. بدین معنی که عامل مقاوم سازی خانه در بهسازی، انگیزه تمایل به مشارکت را بیشتر می‌کند. میزان تمایل به مشارکت تا خانه ای بهتر داشته باشد و تمایل به مشارکت در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است. بدین معنی که عامل بهتر شدن خانه، انگیزه تمایل به مشارکت را بیشتر می‌کند. میزان تمایل به مشارکت برای اینکه او دوست دارد برای آنچه که انجام می‌دهد مورد تشویق مسئولین قرار گیرد، در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است. بدین معنی که عامل تشویق شدن فرد برای مشارکت، انگیزه تمایل به مشارکت را بیشتر می‌کند. نتایج آزمون نشان می‌دهد که



نمودار ۲. مدل نهایی انگیزشی موثر بر مشارکت ساکنین بافت تاریخی و فرهنگی شیراز؛ ماخذ: داده‌های پژوهش.

جدول ۳. میزان ضریب همبستگی کندال تاو مشارکت کردن فرد و متغیرهای متفاوت

متغیر	حدمعاداری	sig(p) بدست آمده	ارزش کندال تاو	وضعیت فرضیه آماري
جنسیت	۰/۰۵	۰/۰۱۳	۰/۲۴۷	تایید
سن	۰/۰۵	۰/۰۳۶	-۰/۱۸۹	تایید
تحصیلات	۰/۰۵	۰/۱۲۰	-۰/۱۴۴	رد
شغل	۰/۰۵	۰/۰۵۶	-۰/۱۷۴	رد
تشویق شدن	۰/۰۵	۰/۰۲۱	۰/۲۱۱	تایید
توجه مسئولین	۰/۰۵	۰/۱۲۰	۰/۱۴۴	رد
سود داشتن	۰/۰۵	۰/۵۴۴	۰/۰۵۷	رد
ارتباط همسایگی	۰/۰۵	۰/۰۱۱	۰/۲۳۲	تایید
تمایل خانواده	۰/۰۵	۰/۰۷۴	۰/۱۶۷	رد
همراهی دوستان	۰/۰۵	۰/۰۳۸	۰/۱۹۱	تایید
تایید معتمد	۰/۰۵	۰/۰۳۵	۰/۱۹۴	تایید
خانه بهتر	۰/۰۵	۰/۰۰۹	۰/۲۴۶	تایید
خانه مقاومتر	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۳۳۳	تایید
محله زیباتر	۰/۰۵	۰/۰۱۲	۰/۲۳۹	تایید
محله بهتر	۰/۰۵	۰/۰۰۶	۰/۲۵۹	تایید
محله امن تر	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۳۶۹	تایید
محله تمیزتر	۰/۰۵	۰/۰۰۴	۰/۲۷۲	تایید



اجتماعی و اقتصادی ساکنین مانند میزان تحصیلات و شغل صاحب خانه تفاوت معناداری را در رفتار مشارکتی آنان سبب نمی‌شود. نتایج نشان می‌دهد که مردم انتظار دارند تا مسئولین دولتی آنها را بعد از مشارکت در فعالیت‌ها مورد تشویق قرار دهند. بنابراین بهتر است تا دستگاه‌های متولی بازسازی بافت فرسوده ساکنینی را که در بهسازی و نوسازی بافت مشارکت می‌کنند مورد حمایت و تشویق قرار دهند. در خصوص شیوه‌های جلب مشارکت با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که بر مقاوم سازی خانه‌ها و امنیت محله بعد از بازسازی و نوسازی تاکید شود. همچنین با توجه به اینکه بین رابطه با همسایگان و مشارکت کردن در بهسازی و نوسازی محله تأثیر مثبت در حس مشارکت ساکنین دارد، انجام فعالیتهای اجتماعی برای ایجاد ارتباط بیشتر بین همسایگان پیشنهاد می‌شود. به طور کلی به منظور تحقق مشارکت ساکنین در امر بهسازی و نوسازی محله ضروری است تا موانع و محدودیتهای موجود در این راه از میان برداشته شود و قبل از اجرای فعالیتهای بهسازی

بین تمایل به مشارکت در بهسازی و نوسازی محله و شغل و میزان تحصیلات در سطح آلفای ۵ درصد معنادار نیست. نمودار ۲ مدل نهایی عوامل انگیزشی موثر بر مشارکت ساکنین بافت تاریخی و فرهنگی شیراز در بهسازی و نوسازی آن و میزان همبستگی عوامل مختلف با مشارکت، حاصل از پژوهش را نشان می‌دهد. جدول ۳ میزان ضریب همبستگی کندال تاو مشارکت کردن فرد و متغیرهای متفاوت را نشان می‌دهد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به مطالعات انجام گرفته در محله‌های تاریخی و فرهنگی شهر شیراز و تجزیه و تحلیل آنها، نتایج نشان می‌دهد که به طور کلی عامل محله که خود از مجموعه چند عامل دیگر از جمله، بهتر شدن، زیباتر و تمیزتر شدن محله است، از دیگر عوامل در تصمیم‌گیری فرد به مشارکت بیشتر است. در ضمن علاقه به امنیت محله پیش بینی کننده مشارکت آنها در بازسازی و بهسازی محله به شمار می‌رود. از طرف دیگر تفاوت در خصوصیت

و نوسازی و نیز در حین انجام آن، اقداماتی متناسب با تقویت مشارکت انجام شود.

با توجه به مطالعات انجام گرفته موارد زیر در خصوص بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده و جلب مشارکت مردم پیشنهاد می شود:

۱. معرفی طرحهای بهسازی و نوسازی محله به جوانان مونث خانواده برای تقویت امر مشارکت؛

۲. رواج روح اجتماعی و ایجاد احساس تعلق به محله خود در بین ساکنین؛

۳. تاکید بر بهتر شدن محله پس از بهسازی و نوسازی بافت؛

۴. حساس کردن مردم نسبت به امنیت محله خود؛

۵. کاهش تعارض بین منافع مردم و مشارکت در امر بازسازی و بهسازی محله.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، یعقوب، حامد، بیتا (۱۳۹۰) سنجش وضعیت تفاوت نسلها در ابره‌های فرهنگی، اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی شماره ۴۲ پیاپی صص ۱۸۵-۲۰۸
۲. اخلاقی، عبدالرحیم (۱۳۹۰) نگاهی به روش تشویق در ایجاد انگیزه از دیدگاه قرآن، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی شماره ۱، صص ۱۲۷ - ۱۵۲
۳. افروزه، محمدصادق (۱۳۹۰) شناسایی عوامل انگیزشی، ویژگیهای شخصیتی و مؤلفه‌های اجتماعی نیروهای داوطلبی در ورزش، فصلنامه مدیریت ورزشی، شماره ۱۱، صص ۱۶۵-۱۸۱.
۴. افسر، کرامت الله (۱۳۵۳) تاریخ بافت قدیمی شیراز، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.

۵. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۴) مدیریت عمومی، نشر نی، تهران

۶. برومند، زهرا (۱۳۸۵) مدیریت رفتار سازمانی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

۷. دانایی، میترا، آجیلی، عبدالعظیم (۱۳۸۴) مروری بر تنگناهای مشارکتی در تعاونیهای زنان روستایی ایران، ماهنامه جهاد، سال بیست و پنجم، شماره ۲۶۹، صص ۵۰-۵۵.

۸. راش، مایکل (۱۳۷۷) جامعه و سیاست، ترجمه:

منوچهر صبوری، انتشارات سمت، تهران.

۹. شکویی، حسین (۱۳۷۲) جغرافیای اجتماعی شهرها، چاپ دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

۱۰. صارمی، حمیدرضا، صارمی، مسعود (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل عوامل موثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷، صص ۱۸-۷.

۱۱. طالبی، مصطفی (۱۳۸۹) برنامه ریزی مشارکتی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

۱۲. عزیزی طاهر، زمانی، غلامحسین (۱۳۸۸) رهیافت مدیریت مشارکتی آبیاری: مبانی روانشناختی انگیزش و

موانع موجود، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۰، شماره ۱، ۱۳۸۱۲۹.

۱۳. عفتی، محمد (۱۳۷۱) بررسی عوامل موثر بر مشارکت روستائیان در طرحهای توسعه روستایی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۴. لیبست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: محمد حسین فرجاد، انتشارات توس، تهران.

۱۵. موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵) مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی، فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی سال ششم، ش ۲۳.

۱۶. واعظ موسوی، سید محمد کاظم، مسیبی، فتاح (۱۳۸۶) روانشناسی ورزش، انتشارات سمت، تهران.

۱۷. هادیان، اکرم، دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۷) نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و مشارکت شهروندان، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، مشهد.

22. Hartley, T. W. (2006). Public perception and participation in water reuse. *Desalination*, 187(1-3), 115-126.

23. McMillion, M. B. (1981). Why people volunteer. *Agriculture Education Magazin*

24. Monzon, José Luis, Chave, Rafael s,(2008). "The European Social Economy: Concept And Dimensions Of The Third Sector," *Annals of Public and Cooperative Economics*, Wiley Blackwell, vol. 79(3-4), pages 549-577

25. UNDP,(1999), Development Programme. REPORT, Published for the United Nations, New York. Oxford University Press

نقش و جایگاه حسابرسی عملکرد در بهبود برنامه‌های خدمات‌رسانی و توسعه روستایی با تأکید بر جامعه دانایی‌محور

عبدالرضا رحمانی فضلی - عضو هیئت علمی دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
مظفر صادقی* - دکتری برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Role in improving the performance of audit services and rural development programs with an emphasis on knowledge-based society

Abstract

In recent years, we have witnessed the arrival of audit, particularly performance audit, in the different scientific sectors. In the current study which is an action research based on the extant reliable documents, it has been tried to address the role of performance audit in improving of developmental and servicing programs in rural areas, to be considered trends and processes of development in future knowledge-based societies. In other words, in this paper, has been considered and studied the role of performance audit on development program, in the knowledge-based society. The results of this study showed, develop and improve the programs and processes of development and rural servicing, needs to structural changes based on legal legitimating of institutions and planning organizations and exact supervision on this process, on the other hand, in the audit process of rural development program and capital resource in rural areas should be given more attention.

Keywords: performance audit, development programs, rural development, rural services, knowledge-based society.

چکیده

در سالهای اخیر، شاهد ورود دانش حسابرسی و بویژه حسابرسی عملکرد به حوزه‌های مختلف دانشی هستیم. در پژوهش حاضر، که از نوع توسعه‌ای-کاربردی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی است، تلاش شده، ضمن پرداختن به نقش و جایگاه حسابرسی عملکرد در بهبود برنامه‌های توسعه‌ای و خدمات‌رسان نواحی و مناطق روستایی، روندها و فرایندهای توسعه در جوامع دانایی‌محور آینده نیز مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، در این نوشتار، نقش حسابرسی عملکرد در برنامه‌های توسعه‌ای، در فضای جامعه دانایی‌متصور و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد، توسعه و بهبود برنامه‌ها و فرایندهای توسعه و خدمات‌رسانی روستایی، مستلزم تغییرات ساختاری مبتنی بر وجاهت قانونی نهادها و سازمان‌های درگیر امر برنامه‌ریزی و نظارت صحیح بر آن است و از طرف دیگر، در فرایند حسابرسی برنامه‌های توسعه روستایی منابع سرمایه‌ای غیرمادی مناطق و نواحی روستایی باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حسابرسی عملکرد، برنامه‌های توسعه‌ای، توسعه روستایی، خدمات روستایی، جامعه دانایی‌محور.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه اقتصاد جهانی تحت تأثیر یک انتقال ساختار یافته در زمینه خلق و توسعه سرمایه قرار گرفته، که با تغییرات در نظام ارتباطی و اطلاعاتی سیستم‌ها و جوامع همراه گردیده است. بر همین اساس، سکونتگاه‌های روستایی به عنوان نمونه بارز و عینی از سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی، خواسته یا ناخواسته در معرض چالش‌ها و الگوهای جدید قرار خواهند گرفت. نتیجه مهم در این مورد این است که سکونتگاه‌های روستایی و کلیه بنگاه‌ها و نظام‌های اقتصادی متعلق به روستا، به عنوان بازیگران و نقش آفرینان حیاتی در اقتصاد ملی، بشدت از روندهای نوین ناشی از ورود فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و شکل‌گیری جامعه دانایی محور متأثر خواهند گشت. از این رو، داشتن نگرشی نو به روستاها و طرح و برنامه‌های روستایی و ارزیابی‌ها و حسابرسی‌های دقیق آنها از ضروریات غیر قابل اجتناب توسعه روستایی در دهه‌های آتی خواهد بود.

در جوامع دانایی محور دهه‌های آتی، جایگاه روستاها در نظام سکونتگاهی دگرگون خواهد شد و اساس فعالیت‌های اقتصادی بر آنچه که امروزه تحت عنوان نامشهودات در جوامع دانایی نامیده می‌شود، استوار خواهد گشت. این نامشهودات از یکسو به منابع غیرآشکار سرمایه و دارایی در نظام‌های اجتماعی - اقتصادی دارد و از سوی دیگر در برگیرنده فرایندهای فضایی و نامرئی است که فرایند توسعه و تحول نظام‌ها و سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی را بشدت متأثر خواهد ساخت. امروزه در کشور ما از یک طرف شاهد عدم بهره‌گیری از دانش حسابرسی در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه به طور عام و توسعه روستایی به طور خاص و از طرف دیگر ناتوانی الگوها و روش‌های کنونی حسابرسی در راستای مدیریت بر منابع نامشهود و غیرفیزیکی می‌باشیم. بنابراین ضرورت دارد نقش و جایگاه برنامه‌های حسابرسی در برنامه‌ها و طرح‌های روستایی با توجه و تأکید بر ویژگی‌های جامعه دانایی محور مورد بررسی دقیق علمی قرار گیرد، تا از این رهگذر هم بتوانیم فرایند



شکل‌گیری و تغییر و تحولات منابع جدید دارایی و تأثیرات آنها بر روند توسعه و تحول سکونتگاه‌های روستایی را رصد نمائیم و هم‌مقدماتی را فراهم نماییم که زمینه را برای ورود سازمان‌های حسابرسی از قبیل دیوان محاسبات و یانهادی با عملکرد مشابه به عرصه نظارت بر اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای آماده نماید. از این رو، در پژوهش حاضر درصدد خواهیم بود تا ضمن پرداختن به تحولات فرایندهای توسعه روستایی در فرایند شکل‌گیری جوامع دانایی محور، به ضرورت و اهمیت ورود دانش حسابرسی و بالتبع آن سازمان‌های کلان حسابرسی از قبیل دیوان محاسبات کشور به حوزه طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و نظارت بر حسن انجام آنها بپردازیم.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع مطالعات توسعه‌ای - کاربردی می‌باشد که با روش تحقیق کیفی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی به انجام رسیده است. این مطالعات اصولاً دربرگیرنده هرگونه فعالیت منظم مبتنی بر دانش موجود حاصل از تحقیقات یا تجربیات می‌باشد که به منظور تولید مواد، فرآورده‌ها، وسائل، ابزار، فرایندها و روشهای جدید و یا بهبود آنها صورت گیرد. در این پژوهش‌ها محقق با درک یک مشکل، در پی چگونگی رفع آن با استفاده از دانش و تجربیات موجود است (holsti, 1999).

مبانی و ادبیات نظری پژوهش

مبانی و چارچوب نظری پژوهش حاضر در دو بخش مستقل قابل بررسی است. بخش اول مربوط به موضوع حسابرسی بطور عام و حسابرسی عملکرد به طور خاص می‌باشد و بخش دوم نیز، دربرگیرنده جامعه دانایی محور و اصول و ویژگی‌های آن می‌باشد که در ادامه هر یک از بخش‌ها به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت؛

۱. منظور از طرح‌ها و برنامه‌های توسعه در این پژوهش، صرفاً برنامه‌های پنج ساله توسعه نیست و تمامی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه از مقیاس کلان تا خرد مورد نظر است.

حسابرسی و حسابرسی عملکرد

حسابرسی، از جنبه‌ها و ابعاد مختلفی قابل بررسی است و از همین جهت ما شاهد انواع مختلف حسابرسی هستیم. لیکن آنچه در این پژوهش مدنظر ماست، هدف و موضوع حسابرسی است، که بر این اساس انواع مختلفی از حسابرسی شامل؛ حسابرسی صورتهای مالی، حسابرسی رعایت و حسابرسی عملکرد قابل تشخیص و تمایز است. از آنجاکه حسابرسی مالی به ارائه منصفانه صورتهای مالی و رعایت استانداردهای مالی می‌پردازد، نمی‌تواند به خوبی از حقوق موضوعه دفاع نماید. حسابرسی رعایت نیز، صرفاً میزان انطباق صورتهای مالی با قوانین وضع شده، ضوابط، دستورالعمل‌ها و بخشنامه می‌پردازد و از این جهت نمی‌تواند نقش مطلوبی در اصلاح روند در راستای فعالیت‌های آتی داشته باشد. بنابراین، تنها حسابرسی عملکرد است که هم به سبب نگرش و هم به سبب بازخورد آتی خود که در واقع ارائه پیشنهادات سازنده است، می‌تواند مطلوب جلوه نماید (رحمانی فضلی، به نقل از فاوچی، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

حسابرسی عملکرد، ابزاری در اختیار مدیریت برای شناخت مشکلات و رفع تنگناهاست و دیدی عیبجویانه و انتقادی ندارد و هدف آن انتقاد از عملیات جاری نیست، بلکه بررسی عملیات از راه همکاری با مدیریت و کارکنان و تدوین برنامه برای پیشرفت عملیات است. بنابراین حسابرسی عملکرد باید به عنوان برنامه بازنگری برای اقتصادی و کارکردن عملیات در نظر گرفته شود تا نتایج فزاینده‌های در پی داشته باشد (Reid, 2005).

حسابرسی عملکرد به طور کلی برای بررسی عملکرد واحد مورد حسابرسی از سه رویکرد استفاده می‌کند؛ حسابرسی ممکن است براساس رویکرد مبتنی بر نتایج باشد که در آن اهدافی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که از قبل تعریف شده و به مرحله اجرا درآمده است. رویکرد دیگر، رویکرد مبتنی بر مسئله می‌باشد که در آن علل مسئله یا مسایل خاص مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و رویکرد سوم، رویکرد مبتنی بر سیستم می‌باشد که به بررسی این موضوع می‌پردازد که سیستم‌های مدیریت و وظایف خود را به نحو مطلوب انجام داده‌اند یا

خیر؟ حسابرسی می‌تواند براساس ترکیبی از این سه رویکرد نیز انجام شود (اسکندری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴). حسابرسی عملکرد با استفاده از هر کدام از رویکردها یا جنبه‌های پیش گفته و بدون در نظر گرفتن رسیدگی به رعایت قوانین و مقررات تصویب مراجع قانونی و قانونگذاران به ارتقای کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی واحد مورد حسابرسی در رابطه با وظایف و فعالیت‌های آن کمک بنیادی می‌کند. این نوع حسابرسی، در صورت لزوم، اثرات چارچوب‌های بنیادی و مقرر را نیز روی عملکرد واحد مورد رسیدگی مورد بررسی قرار می‌دهد. حسابرسی عملکرد، اغلب تلاش‌های لازم را برای پاسخگویی به این دو سؤال انجام می‌دهد؛ اول اینکه، آیا کارهای درستی انجام شده است و دوم، آیا کارهایی که انجام شده به روشی درستی صورت گرفته است یا خیر؟ (منبع پیشین، ص ۱۰۵).

از نظر اهداف و دامنه، در حسابرسی‌های مالی رویدادها و صورتهای مالی یک دوره مالی به منظور اظهار نظر در خصوص وضعیت مالی و رعایت قوانین و مقررات مورد بررسی قرار می‌گیرد، در حالیکه در حسابرسی عملکرد موضوع و دوره رسیدگی انتخابی بوده و به منظور اظهار نظر در خصوص عملکرد از نظر صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی، عملکرد بخش‌های مختلف در دوره معین مورد بررسی قرار می‌گیرد (دیوان محاسبات کشور، ۱۳۹۰، ص ۸). لذا جامعیت اطلاعات مورد بررسی در حسابرسی عملکرد موجب انسجام و صحت بیشتر نتایج می‌گردد. از نظر روش‌های مورد استفاده، در حسابرسی‌های مالی معمولاً داده‌های مالی با رویکرد تأکید بر شناسایی انحرافات از استانداردهای حسابداری، در صورتهای مالی مطابقت داده می‌شود در حالی که در حسابرسی عملکرد فعالیتها تجزیه و تحلیل شده و با معیارهای معین مقایسه می‌شود تا میزان انطباق عملکرد با اهداف مشخص شود. از نظر گزارشگری در حسابرسی‌های مالی برای اظهار نظر از چارچوب استاندارد استفاده می‌شود اما در حسابرسی عملکرد جمع بندی اظهار نظر در چارچوبی کاملاً متفاوت و با توجه به شرایط و مقتضیات هر کار انجام می‌گیرد و شامل توصیه‌هایی برای اصلاح نواقص و بهبود سیستمها و



عملکرد می‌باشد (دیوان محاسبات کشور، ۱۳۹۰، ص ۸).
واژه حسابرسی عملیاتی نیز، در جایی کاربرد دارد که انجام حسابرسی اختیاری بوده و انجام عملیات حسابرسی نتیجه کار حسابرسی به ارائه نظر مشورتی به مدیریت و توسعه برای بهبود عملیات منتهی شود. این نوع حسابرسی در بخش خصوصی رایج و متداول است اما در حسابرسی الزامی بخش دولتی که توسط دیوان محاسبات کشور انجام می‌شود و روح نظارتی که در فعالیت‌های دیوان محاسبات کشور نهفته است (اگر چه در این نوع حسابرسی توصیه به مدیریت دستگاه‌ها برای بهبود عملیات وجود دارد) اما هدف اصلی از حسابرسی مشاوره به مدیریت نیست بلکه ارزیابی مستقل دستگاه‌ها و اطمینان دهی به ذینفعان در درجه اول قرار دارد به همین دلیل به کارگیری واژه حسابرسی عملکرد برای انعکاس نقش اصلی دیوان محاسبات کشور در انجام وظایف قانونی و اعمال نقش حاکمیتی در رسیدگی هایش نسبت به واژه حسابرسی عملیاتی ارجح است (منبع پیشین، ص ۹).

جامعه دانایی محور

اصطلاح جامعه‌دانایی، بازگوکننده توسعه تکنولوژیهای نوین اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه، پیرامون جریان اطلاعات است. امروزه اطلاعات در تمام صور خود به کمک شبکه‌های انفورماتیک با سرعتی بیش از پیش در دسترس است. این روند با توجه به کاربرد روز افزون شبکه‌های اطلاعاتی در حال سرعت گرفتن بوده و اطلاعات به عنوان یک کالای بیش از پیش قیمتی، در عرصه تمدن کنونی جهان ظاهر می‌شود. استقرار این جامعه سبب ایجاد صنایع، مشاغل و محصولات تازه می‌گردد. واقعیتی که زمینه‌های اقتصادی جامعه را با مظاهر جدیدی مواجه می‌کند (محسنی، ۱۳۸۰، ص ۹).
جامعه دانایی جامعه ای است که در آن کاربردهای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در زمره بدیهیات قرار گرفته است و در عوض عوامل تحدیدکننده و تحریک کننده این فناوری‌ها مورد توجه است. در این جوامع ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، به عنوان سکوها و اهرم هایی برای تغییرات اجتماعی مدنظر می‌باشند

(تومی، ۲۰۰۴، ص ۱۱).

جامعه دانایی به اطلاعات، فناوری یا دانش خلاصه نمی‌شود. بلکه خود فناوری در شبکه ای از کنش‌های اجتماعی معنا دار معنا می‌یابد و تغییرات فنی بدون ملاحظه تغییرات اجتماعی قابل درک و فهم نیست. از این رو، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و اقتصاد جدید منعکس کننده سطح دیگری از تعاملات اجتماعی است (همان، ص ۱۰).

در جامعه دانایی، علاوه بر اینکه داده‌ها و اطلاعات در بانک‌های اطلاعاتی وجود دارند، در میان مردم هم جریان می‌یابند و بر زندگی روزمره آنها اثر می‌گذارند. در جامعه اطلاعاتی، الگوهای تولید و توزیع اطلاعات بی شباهت با الگوهای تولید و توزیع قدرت و ثروت در جامعه صنعتی نیستند، اما در جامعه دانایی، بسیاری از مسائل فنی و تکنولوژیک بدیهی فرض می‌شوند و به جای آن موضوعاتی از قبیل پردازشگرهای انسانی، شبکه‌های پردازش اجتماعی اطلاعات و الگوهای اجتماعی توزیع و مصرف اطلاعات در کانون توجه قرار می‌گیرند.

وابستگی متقابل میان سازماندهی فضایی در مناطق و توانایی تولید دانش یکی از موضوعات اساسی جامعه دانایی است. صاحب نظران، در تبیین ویژگی‌های جامعه دانایی، پنج ترجمان عمده، که هر کدام معیاری برای تشخیص جامعه اطلاعاتی است را مطرح کرده‌اند؛
مقبولترین تعریف از جامعه دانایی بر نوآوری فوق العاده تکنولوژی بنا شده است، مفهوم کلیدی این است که پیشرفتهای خیره کننده در پردازش، نگهداری و انتقال اطلاعات، در واقع به کاربرد تکنولوژی‌های اطلاعاتی در تمام زوایای حیات اجتماعی انجامیده است. نخستین خصیصه در این تعریف، تشکیل رسانه‌هاست که نظامی فراگیر، جامع و گسترده را به همراه آورده و کاملاً مسلط بر حیات انسان است. ویژگی دیگر این نظام دو سویه بودن آن است که مخاطب را از وضعیتی منفعل خارج می‌کند و به طور مؤثر در فرایند ارتباط شرکت می‌دهد.

رویکرد اقتصادی به نقش روزافزون اطلاعات در فرایند تولید، توزیع و مصرف، بویژه در زمینه نوآوری و رقابت بعد دیگری از جامعه اطلاعاتی را بازگو می‌نماید، که در آن نوع

جدیدی از تقسیم کار را مطرح می‌گردد و در نتیجه مشاغلی از میان می‌رود و مشاغل جدیدی پدید می‌آید. البته ساختار اقتصادی، ناگزیر، خود را با حوزه‌های تازه هماهنگ می‌کند. در این جوامع، اطلاعات منبعی اقتصادی تلقی می‌گردد. سازمان‌ها برای افزایش کارایی خود بر استفاده بیشتر از اطلاعات تأکید می‌ورزند تا نوآوری‌ها تقویت گردد، موقعیت اقتصادی و رقابت طلبانه آنها بهبود یابد و سبب ارتقای کیفیت ابزارها و خدمات شود. به همین منظور پنج گروه اصلی اقتصادی در جامعه اطلاعاتی عبارتست از:

0 آموزش و پرورش؛

0 رسانه‌های ارتباطی؛

0 ماشینهای اطلاعاتی؛

0 خدمات اطلاعاتی؛ و

0 فعالیتهای اطلاعاتی.

اقتصاد اطلاعات نشان می‌دهد که تولید اطلاعات و فن‌آوری‌های اطلاعاتی سهم مهمی از تولید ناخالص ملی کشورهای پیشرفته را به خود اختصاص می‌دهد. به این اعتبار، اگر سهمی از تولید ناخالص ملی یک جامعه که صرف فعالیت‌های اطلاعاتی می‌شود، نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد آن جامعه را می‌توان «جامعه اطلاعاتی» نامید. این نظام اقتصادی جدید سه ویژگی متمایز دارد: ۱. جهانی است، ۲. معطوف به اشیاء و امور غیرملموسی چون ایده‌ها، اطلاعات و ارتباطات است. ۳. اجزاء آن به شدت با هم در ارتباط است. این سه ویژگی، نوع جدیدی از بازار و جامعه را ایجاد و تأسیس کرده‌اند، که از یک شبکه‌ی الکترونیکی [جهانی] موجود در همه‌جا نشأت می‌گیرد (کلی، ۱۳۸۳، ص ۲).

یکی دیگر از خصیصه‌های مهم جوامع دانایی، تغییر حرفه‌ها و مشاغل است. هنگامیکه مشاغل اطلاعاتی به وجه غالب در میان مشاغل موجود تبدیل می‌شوند، ما به یک جامعه دانایی دست می‌یابیم. به بیان دیگر، در جامعه اطلاعاتی از کارهایی که قدرت جسمی و مهارت‌های یدی را می‌طلبند، کاسته و به کارهایی با مهارت بالا مانند تعلیم و تربیت، تولید و پردازش اطلاعات و کلیه کارهایی که اطلاعات را جهت انجام بهتر فعالیت‌ها درخواست می‌کنند، تبدیل می‌شود.

بعد مکانی نیز، یکی دیگر از ابعاد جامعه اطلاعاتی است. در این تعریف، تأکید عمده بر روی شبکه‌های اطلاعاتی است که مکانهای جغرافیایی را به یکدیگر پیوند می‌دهند و در نتیجه اثرات قابل توجهی بر سازمان فضایی بجای می‌گذارند. در جامعه اطلاعاتی، شبکه‌های اطلاعاتی نقاط دور دست را با یکدیگر مرتبط می‌سازند. این شبکه‌ها گروه‌های مختلف سراسر جهان را در کمترین زمان ممکن و به بهترین شکل به یکدیگر پیوند می‌دهند و افراد می‌توانند دانش و تخصص خود را با یکدیگر مبادله کنند، به مشاوره بپردازند و خلاقیت‌های خود را شکوفا سازند. اهمیت راهبردی اطلاعات، تأمین زیرساخت‌های اطلاعاتی، رشد اطلاعات قابل مبادله و یکی شدن سراسری اقتصاد، همگی بر مرکزیت شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی و اتصال شهرها، مناطق، ملت‌ها، قاره‌ها در سراسر جهان تأکید دارد و این تأکید بیشتر برگردش اطلاعات در مسیر بزرگراه‌های اطلاعاتی و الکترونیکی است.

آخرین وجه جامعه اطلاعاتی و دانایی امروزی، وجه فرهنگی است. فرهنگ کنونی به طور آشکار نسبت به تمامی دوره‌های قبل، بطور بیشتر و فزاینده تری از اطلاعات استفاده می‌نماید. ما در محیطی لبریز از نشانه‌ها زندگی می‌کنیم، به این معناکه زندگی امروزی، اصولاً مشتمل بر نمادسازی امور، مبادله و دریافت پیامهایی درباره خودمان و دیگران است. تاملی اندک نسبت به تنوع سبک‌های زندگی و پیچیدگی‌های آن، ما را مجاب می‌سازد که امروزه تعاملات فرهنگی و اجتماعی نسبت به گذشته از محتوای اطلاعاتی غنی تری برخوردار شده است. از لحاظ فرهنگی، دانش مبتنی بر سرمایه به تدریج جای خود را به سرمایه مبتنی بر دانش داده است و آگاهی نوعی سرمایه فرهنگی تلقی می‌شود و بدین ترتیب، اهمیتی که دنیای گذشته برای سرمایه مالی قائل بود تقلیل یافته و سرمایه‌های مبتنی بر آگاهی و دانش و فرهنگ از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است.

دانیل بل جامعه دانایی و اطلاعاتی را به عنوان فراصنعت گرای می‌عرفی می‌کند و معتقد است، اهمیت اطلاعات و آگاهی برای جامعه فراصنعتی، هم از نظر کمی و هم



کیفی، تعیین کننده است. از یک سو ابعاد فراصنعت گرایی به کاربرد فزاینده اطلاعات می‌انجامد و از سوی دیگر بل، ادعا می‌کند که: در جامعه فرا صنعتی، تغییری کیفی آشکار است. به عبارت دیگر، در جامعه فرا صنعتی، تنها فزونی اطلاعات مطرح نیست، بلکه نوع متفاوتی از اطلاعات جریان دارد (Bell, 1979: 211).

مانوئل کاستلز از نظریه پردازان سرشناس در باب جامعه اطلاعاتی، در کتاب معروف خود با عنوان «شهر اطلاعاتی» می‌گوید توسعه شبکه‌های تکنولوژی اطلاعاتی در سراسر جهان، اهمیت جریانهای اطلاعاتی را برای سازماندهی اجتماعی و اقتصادی افزایش و در عین حال اهمیت نقاط خاص جغرافیایی را کاهش می‌دهد. در نتیجه در اقتصاد اطلاعاتی نگرانی عمده سازمانها مدیریت و چگونگی پاسخگویی به جریانهای اطلاعات است (Castels, 1997). ضمن اینکه ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی باعث تمرکززدایی از بسیاری از جنبه‌های سازماندهی اجتماعی و اقتصادی همراه با تمرکز در تصمیم‌گیری می‌شود.

جامعه دانایی در بهترین شکل ممکن، تمامی اعضای یک اجتماع را درگیر تولید و به‌کارگیری دانش و اطلاعات می‌کند؛ راههایی برای هدایت حکومت و سازماندهی جامعه برای این تغییر وجود دارد. چنین دستورکاری به رغم پیچیدگی بسیار، بر چهار پیش فرض ساده بنا شده است (سازمان ملل، ۲۴: ۲۰۰۵-۲۰):

- در جریان رشد و توسعه دانش، دو جزء اصلی جامعه دانایی، می‌توانند بی نهایت رشد داشته باشند: اول، مردم (همه مردم) و دوم، اطلاعات (یا دانش آشکار).
- مهارت تولید انبوه دانش در جهانی تحقق یافته است که الگوی سازمانی غالب آن، مردم سالاری‌های مبتنی بر بازار است. نهادهای اجتماعی موجود در نظام‌های مردم سالار کنونی و بازارهای موجود باید در جریان توسعه دانش مردم و اطلاعات، امکان رشد و کاربرد نامحدود را فراهم‌کنند.

- جامعه دانایی به معنای تجهیز به ملزومات فنی و توسعه آنها نیست. حس جدیدی از جهت‌گیری در مسیر توسعه و تعهد به این جهت‌گیری، باید سطوح بالایی از کیفیت و امنیت زندگی انسانی را تضمین کند. تولید انبوه

دانش‌های کاربردی، انباشت نوآوری‌های فنی و تبدیل آنها به کالا و خدمات در چارچوب اقتصاد دانش محور و تحت مدیریت کنونی بازار، به تنهایی نمی‌تواند ضامن کیفیت و امنیت بالای زندگی همه مردم باشد.

- آماده‌کردن فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در بستر توسعه دانش، امکان افزودن پسوند «انبوه» را به تولید، توزیع و کاربرد دانش فراهم می‌آورد.

جامعه شبکه ای

بحث در خصوص جامعه دانایی محور و جامعه اطلاعاتی، ضرورت پرداختن به مفهوم مهم دیگری را تحت عنوان جامعه شبکه ای مطرح می‌کند. جامعه شبکه‌ای ارتباط و اشتراک بسیار زیادی با جامعه دانایی محور دارد، اما در عین حال مفهومی مجزا و مستقل است. به اعتقاد مانوئل کاستلز، جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است. این سه فرایند عبارتند از: انقلاب تکنولوژی اطلاعات؛ بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری و تجدید ساختار متعاقب آنها؛ و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی فرهنگی، همچون آزادی خواهی، حقوق بشر، فمینیسم و طرفداری از محیط‌زیست. تعامل میان این فرایندها و واکنش‌هایی که به آن دامن زدند، یک ساختار نوین اجتماعی مسلط، یعنی جامعه‌ی شبکه‌ای؛ یک اقتصاد نوین، یعنی اقتصاد اطلاعاتی؛ و یک فرهنگ نوین، یعنی فرهنگ مجاز واقعی را به عرصه‌ی وجود آورد. منطق نهفته در این اقتصاد، این جامعه و این فرهنگ، زیربنای کنش و نهادهای اجتماعی در سرتاسر جهانی به هم پیوسته است (کاستلز پ)، ۱۳۸۵، ص ۴۱۷.

شبکه‌ها چهره اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند، و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشم‌گیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند. در حالی که شکل شبکه‌ای سازمان اجتماعی در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها نیز وجود داشته است، پارادایم نوین تکنولوژی اطلاعات بنیان مادی گسترش فراگیر آن را در سرتاسر ساختار اجتماعی ایجاد می‌کند. این منطق شبکه‌ای

عزمی اجتماعی ایجاد می‌کند که مرتبه‌ی آن از سطح منافع اجتماعی به خصوصی که از طریق شبکه‌ها بیان شده‌اند فراتر است: قدرت جریان‌ها از جریان‌های قدرت پیشی می‌گیرد. غیبت یا حضور در شبکه و پویایی هر شبکه در برابر دیگر شبکه‌ها، منابع حیاتی سلطه و تغییر در جامعه‌ی ما هستند: جامعه‌ای که به این ترتیب می‌توان آن را به درستی جامعه‌ی شبکه‌ای نامید، که ویژگی آن برتری چهره اجتماعی برکنش اجتماعی است. (کاستلز(الف)، ۱۳۸۵، ص ۵۴۴). ویژگی‌های اصلی جامعه شبکه‌ای که اینک در آغاز هزاره سوم علایم آن در گوشه و کنار زمین به چشم می‌خورد به اجمال عبارت است از:

■ **اقتصاد اطلاعاتی:** که در آن بهره‌وری و رقابت بیش از هر زمان دیگر به معرفت و دانش، متکی شده است. این نوع اقتصاد فرا- صنعتی در مقیاس با اقتصاد صنعتی، از قابلیت طرد و دفع و حاشیه‌رانی به مراتب بیشتری برخوردار است.

■ **اقتصاد جهانی:** که نمی‌باید آن را با اقتصاد جهان یکسان پنداشت. پدیدار دوم، امری نوظهور به شمار نمی‌آید. در حالی که اقتصاد جهانی در برگیرنده فعالیت‌های استراتژیک مسلطی است که قادرند در مقام یک واحد به هم وابسته، انواع کار و تکاپوی اقتصادی را در تراز جهانی و مقیاس سیاره‌ای در زمان واقعی به مورد اجرا در آورند. این اقتصاد جهانی است، که آثار آن در سرتاسر کره ارض پدیدار است، اما بخش چشمگیری از جمعیت ساکن در زمین از دایره این اقتصاد بیرون می‌مانند.

■ **فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای:** نوع تازه‌ای از سازمان و تشکیلات است که به تدریج و بر دیگر سازمان‌ها و تشکیلات سلطه پیدا می‌کند.

■ **تحول در نحوه انجام کار و در ساختار اشتغال:** روابط کاری گذشته جای خود را به روابط به مراتب قابل انعطاف‌تر داده است. شرکت‌های بزرگ به مقاطعه دادن پروژه‌ها و طرح‌ها به شرکت‌های کوچک‌تر گرایش پیدا کرده‌اند.

■ **ظهور قطب‌های متقابل:** فرایند جهانی شدن موجب قوت بخشیدن به تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی و یا دولت رفاه می‌شود.

■ **فرهنگ واقعیت مجازی:** فرهنگ عصر اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها شکل می‌گیرد. این فضای مجازی، فضای اصلی تعامل‌های معرفتی را کم و بیش در اختیار می‌گیرد.

■ **سیاست بر بال رسانه:** در فضای مسلط فرهنگ متکی به واقعیت مجازی، بازیگران سیاسی ناگزیرند از رسانه‌های حامل نهادها به صورت تمام عیار بهره‌برداری کنند. پیامی که در عرصه سیاست انتقال پیدا می‌کند، صورتی ساده به خود می‌گیرد.

■ **زمان بی زمان و فضای جریان‌ها:** مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند که با معانی سنتی آن تفاوت دارد. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها، فواصل زمانی را از میان برداشته است و نظم طبیعی دوران قدیم یا جهان صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است.

جامعه شبکه‌ای در ساختار غالب خود، عالم را به دو قطب کلی، اعضای شبکه و محرومان از عضویت در شبکه، تقسیم می‌کند. در درون شبکه سرمایه با سرعت و در حجم زیاد از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌شود و نظارت‌ها و کنترل‌های محلی را بی اثر می‌سازد. دولت‌های ملی که در شرایط متعارف نماینده اراده و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی هستند، از یک سو چنان تضعیف می‌شوند که توانایی کنترل اطلاعات یا سرمایه را در درون مرزهای خود از دست می‌دهند، و از سوی دیگر، چنان اهمیتی می‌یابند که می‌توانند بحران‌های بزرگ قومی و نژادی پدید آورند (کاستلز، ۱۳۸۵). کاستلز در همین ارتباط به طرح مفهوم «جهان چهارم» می‌پردازد که در همه جای کره زمین، از افریقای فقرزده گرفته تا گتوهای گسترش یافته در شهرهای بزرگ کشورهای ثروتمند غربی و تا حلبی‌آبادها و حصارآبادها در آسیا و امریکای لاتین می‌توان حضور آن را به روشنی مشاهده کرد.

از آنجاکه مکان و فضا عناصر و اجزای اصلی در هویت و حتی معرفت اجتماعی اند، لذا همواره برای اصحاب دانش و فرهنگ مورد تأکید بوده‌اند، احساس متمایز بودن از دیگران که جدایی‌ناپذیر از هویت اجتماعی است نیازمند وجود مرزهای پایدار و کمتر نفوذپذیر است، به بیان دیگر مرزپذیری مکان و به تبع آن فضا امکان تمایز و



تعلق به گروه‌های خاص فرهنگی و اجتماعی را بیشتر می‌کند. اما مسئله‌ای که پیش روی ماست تحول رابطه‌ی میان مکان با هویت و معرفت انسانی و اجتماعی است، رابطه‌ی سنتی میان فرهنگ با قلمروهای جغرافیایی در حال تبدیل به رابطه‌ی جدید است. در موقعیت جدید انسانها و جوامع از دایره‌ی تنگ و محدودکننده‌ی زمان فراتر رفته‌اند و در گستره‌های پهناور از فضا و زمان با یکدیگر رابطه برقرار میکنند. آنچه روشن است، جایگزینی رابطه‌ی پیچیده و دوسویه میان انسان امروز و محیط فرهنگی و اجتماعی او به جای رابطه‌ی مستقیم و ساده‌ی گذشته است، ولی آنچه هنوز به خوبی برای همگان روشن نیست عمق و انتهای تحولی است که عصر ارتباطات را به وجود آورده است.

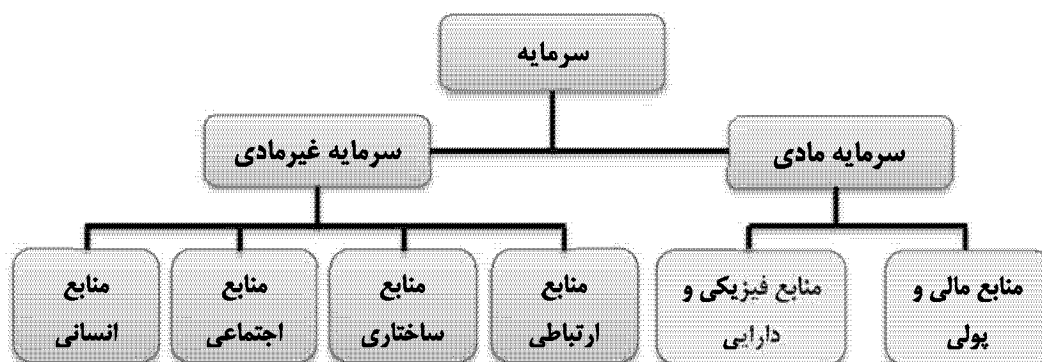
بحث و بررسی

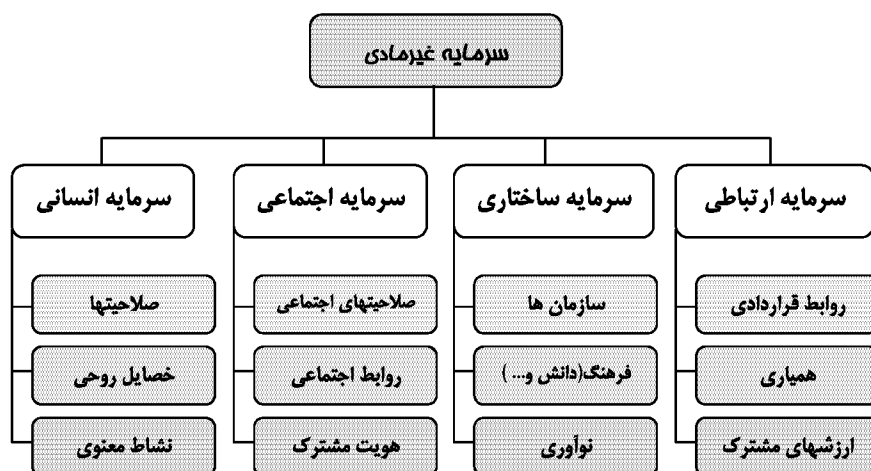
با توجه به اهداف پژوهش، در این مبحث تلاش خواهیم نمود، ضمن ترسیم فضای مدیریتی در جوامع دانایی، به تبیین جایگاه سازمان‌های کلان مدیریتی و نظارتی در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی بپردازیم. مدیریت در جوامع دانایی تا حد زیادی درباره مدیریت منابع نامشهود، به اضافه مدیریت منابع آشکار است. بنابراین، نیاز به شناسایی یک متدولوژی مناسب برای شناسایی و اداره این منابع نامشهود در هر نظامی یک امر ضروری است. در دهه گذشته شاهد شناسایی روزافزونی از اهمیت منابع نامشهود در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بوده ایم. در طول دهه گذشته و یا حوالی آن، این

سرمایه‌های نامشهود تحت عنوان سرمایه‌های معنوی طبقه بندی شده‌اند. از این رو در این پژوهش نیز، ما معتقدیم که منابع مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای روستایی که کلیه خدمات روستایی و کشاورزی در درون آن جای می‌گیرد، به دو شکل کلی نمایان می‌شوند و در اجرای تمامی طرح و پروژه‌های روستایی باید این منابع بخوبی مورد توجه قرار گیرند. در شکل ذیل این منابع اصلی سرمایه‌ای ارائه شده است.

هر سازمان (در اینجا مقصود، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی یا سازمان‌هایی است که هدف آنها برنامه ریزی در راستای توسعه روستاهاست)، نظامی است که از منابعی ساخته شده که در مسیر تعیین شده، تخصیص می‌یابند. یک سازمان می‌تواند ارزش را از این منابع از طریق نظام گسترش درونی آن که اجزای گوناگون سرمایه معنوی و سرمایه فیزیکی را مرتبط می‌سازد استخراج کند. به بیان دیگر ضروری است که نگاهی از زاویه منابع و نظام به یک سازمان داشته باشیم تا متوجه شویم که ارزش طی تبدیلاتی که سازمان برای تولید یک منبع از سایر منابع استفاده می‌کند. ایجاد می‌شود.

در دنیای پیش رو، با استقرار جوامع دانایی، بسیاری از معادلات کنونی موثر بر نظام برنامه‌ریزی مناطق و نواحی روستایی دچار تحول و دگرگونی اساسی خواهد گردید. چرا که امروزه برنامه‌ها و طرح‌های مرتبط با روستا و توسعه روستایی، در مطلوبترین شرایط، طی یک ساختار از پایین به بالا و براساس توان‌ها و مسائل سکونتگاه‌های روستایی تدوین می‌گردند. بنابراین آنچه در فرایند شکل





نمودار ۲. نظام ارزش سرمایه غیرمادی؛ مأخذ: برداشت و ترسیم نویسندگان بر اساس نوشته‌های Summit 1998-2003

ظرفیت آنها برای ایجاد انگیزه درونی و همچنین به ارزش‌هایشان مرتبط می‌شود. به منظور توسعه این خصایل، باید مردم را نسبت به خویشتن توانمند سازیم. اما نتایج در دراز مدت حاصل می‌شوند.

● **نشاط معنوی:** توانایی مردم برای انتقال دانش از یک زمینه به زمینه‌ای دیگر است تا دانش جدیدی را بوسیله به هم پیوستن اطلاعات از هم گسیخته ایجاد کنند و نوآوری را توسعه دهند و سازگاری ایجاد کنند. به بیان دیگر نشاط معنوی توانایی افراد درون سیستم برای استفاده کردن از صلاحیت‌ها است.

سرمایه اجتماعی: این بخش از سرمایه، از مجموع روابط بین اعضای یک جامعه یا سیستم حاصل می‌گردد. و برپایه سه عنصر زیر استوار است:

● **صلاحیت‌های اجتماعی:** شامل توانایی‌های افراد که مدیریت سیستم می‌تواند بر اساس آنها برنامه ریزی نماید و انجام بخش‌هایی از هر برنامه را بوسیله آنها تضمین نماید. یکی از این صلاحیت‌ها، صلاحیت رهبری در میان اعضای جامعه است، که هرچه این توانایی بیشتر باشد، امکان رهبری نامتمرکزتر در جامعه و به تبع آن میزان موفقیت افزایش می‌یابد.

● **روابط میان فردی:** مجموعه عواملی که سبب انگیزش رابطه بین مردم یا منع آن می‌گردد. مسئله کلیدی در این نوع از سرمایه، اعتماد است که اغلب به عنوان مهمترین

گیری و استقرار جوامع مبتنی بر دانایی قابل ملاحظه و بررسی است، تحول اساسی در منابع غیر سرمایه‌ای است، که این مسئله بشدت نظام برنامه ریزی و خدمات رسانی به روستاها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این رو درآمد به بحث در خصوص نظام سرمایه‌های غیرمادی در جوامع روستایی می‌پردازیم، تا از این برآیند بتوانیم بستر و چارچوبی را برای نظام برنامه ریزی متناسب با روستاها در جوامع دانایی محور آتی زمینه‌سازی نماییم. مدل ارزش سرمایه غیرمادی^۲ بوسیله Summit توسعه یافت تا چارچوبی سیستماتیک برای درک اهمیت نامشهودات ارائه دهد. این مدل محدوده‌های تشکیل‌دهنده سرمایه معنوی را متشکل از سرمایه ارتباطی، ساختاری، اجتماعی و معنوی می‌داند.

سرمایه انسانی، بخش متفکر هر سیستم که از مردم یا همان اعضای تشکیل‌دهنده سیستم تشکیل یافته است و شامل موارد ذیل است:

● **صلاحیت‌ها:** شامل فنون و مهارت‌هایی که مردم از آنها هنگام کار بهره می‌برند. بهترین راه برای گسترش صلاحیت‌های مردم این است که آنها را کنترل و تنظیم نماییم و اینکه در زمینه آموختن در طول زندگی سرمایه‌گذاری کنیم.

● **خصایل روحی:** به همه‌ی جوانب عاطفی افراد و نیز

جزء سرمایه اجتماعی شناخته شده است.

● **هویت مشترک:** جوامعی که اعضای آن دارای اهداف و ارزش‌های یکسان هستند، هویت گروهی مشترکی می‌سازند.

سرمایه ساختاری: این نوع از سرمایه منتج از مجموع همه فرآیندهاست. خصوصیت مهم سرمایه ساختاری این است که به نظام‌های مدیریتی یا بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی تعلق دارد، در حالی که سرمایه انسانی اینگونه نیست. یکی از اساسی‌ترین مشکلات روستاهای کشور در طول سالیان گذشته، فقدان و یا ضعف سرمایه ساختاری بوده است.

● **سازمان:** نحوه آرایش یا چینش فضایی اجزاء تشکیل دهنده سیستم در کنار یکدیگر می‌باشد که مجموعاً یکی از مهمترین عوامل اثربخش بر عملکرد سیستم‌هاست.

● **فرهنگ:** فرهنگ نتیجه مجموعه‌هایی از آداب، سبب‌ها، هنجارها، راهبردها، باورها، عقاید قوی و تعهدات ضمنی است. فرهنگ محصول تعاملات مداوم اعضای سازمان‌هاست.

● **نوآوری:** صلاحیت نظام یا سیستم برای تصور خود در آینده، از طریق توسعه و تجدیدهای مداوم است. نوآوری هرچیزی را که بر ارزش آینده سیستم‌ها تأثیر دارد در بر می‌گیرد.

سرمایه ارتباطی: ضرورت و اهمیت روابط با همه مخاطبان، یک برنامه یا فعالیت توسعه‌ای سیستم را به سمت گسترش مداوم حوزه این روابط سوق می‌دهد. روابطی که بر پایه تبادلات مداوم خدمات، تولیدات و اطلاعات باشند. سرمایه ارتباطاتی به موارد زیر تقسیم می‌شود:

● **رابطه قراردادی و تقاضا محور:** مردم به عنوان مخاطبان برنامه‌های توسعه که برنامه‌های خدمات رسانی هم در درون آن قرار می‌گیرند، یکی از دو قطب اصلی ارتباطات می‌باشند که اساساً شکل‌گیری یک برنامه در نتیجه خواست و نیاز آنها بوده است.

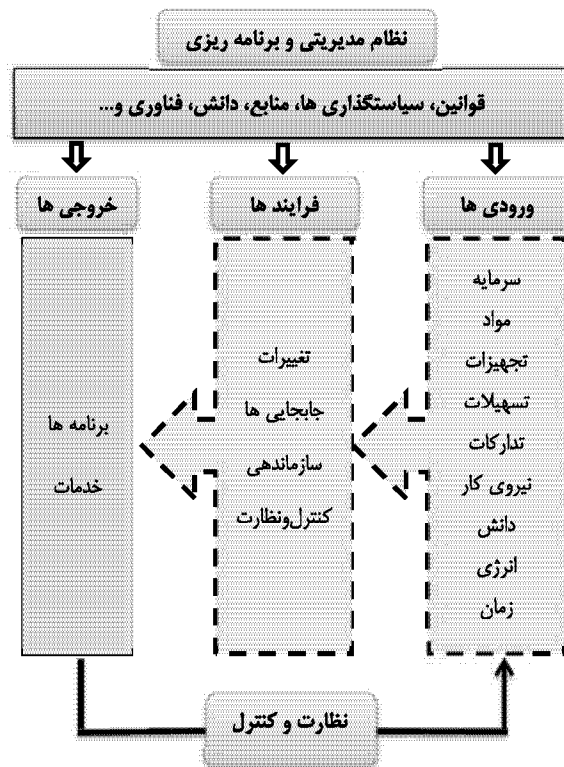
● **همیاری و مشارکت:** منظور از مشارکت دخالت دادن افراد در تصمیم‌گیری است. مشارکت اجتماعی عامل تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی است.

● **ارزش مشترک:** ارزش‌های اجتماعی از نظر اخلاقی،

تعیین‌کننده اهمیت و صحت پدیده اجتماعی هستند. از این رو وجود ارزش‌های مشترک میان یک برنامه و جامعه هدف آن تضمین‌کننده اهمیت و صحت نتایج برنامه‌ها خواهد بود.

در فضای کنونی برنامه‌ریزی کشور، مهمترین مسئله طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، در حوزه اجرا و حصول عملکرد، ضعف جایگاه حقوقی و قانونی آنهاست. با توجه به اینکه در کشور، تمامی سازمانهای نظارتی و مدیریتی تابع قانون هستند و ملاک عمل آنها مواد و تبصره‌های قانونی است، ضرورت دارد در تدوین برنامه‌های توسعه و بویژه توسعه روستایی که بطور خاص موضوع پژوهش حاضر است، به این مهم توجه کافی مبذول گردد و تا زمانی که برنامه‌های توسعه روستایی نتوانند همانند برنامه‌های پنج ساله توسعه به جایگاه قانونی لازم دست پیدا کنند، نمی‌توان انتظار اجرای مطلوب آنها و برخورداری از قدرت بازدارندگی در مقابل روندهای در تقابل با توسعه روستایی را داشت. از طرفی، ضعف جایگاه حقوقی و قانونی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی، ریشه در عدم برخورداری این برنامه‌ها از متولی و سازمان مدیریتی و نظارتی دارای ابزار، جایگاه و قدرت لازم دارد. به عبارت دیگر، حتی در برخی موارد که یک برنامه توانسته باشد جایگاه حقوقی و قانونی نسبتاً قابل قبولی را بدست آورد، نیز، به علت نبود نهاد یا سازمان مدیریتی و نظارتی مذکور، نتوانسته است به عملکرد قابل قبولی دست یابد. به عنوان مثال، می‌توان به برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور اشاره کرد که علی‌رغم جایگاه قانونی و حقوقی نسبتاً مطلوب، نتوانسته‌اند به عملکرد قابل قبولی بویژه در زمینه توسعه روستایی دست یابند. در تشریح دلایل و علل این عدم توفیق در حصول اهداف، مواردی به شرح ذیل را می‌توان مطرح نمود:

بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی، دولت برای تأمین و تضمین اجرای قوانین حق دارد تصویب‌نامه‌هایی را وضع نماید مشروط بر اینکه با متن و روح قانون مخالف نباشد. در ادامه همین اصل آمده است که، تصویب‌نامه‌های دولت ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر



نمودار ۳. جایگاه سازمانهای نظارتی در فرایند برنامه‌های توسعه؛ ماخذ: نگارندگان.

سازمان‌های حسابرسی کلان از قبیل دیوان محاسبات به حوزه برنامه و برنامه ریزی و یا احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی و دادن اختیارات قانونی لازم به آن، می‌توانیم زمینه‌های لازم برای اعطای جایگاه حقوقی و قانونی لازم به سیاست‌های برنامه‌ای را در کشور را فراهم سازیم. در شکل ذیل جایگاه سازمانهای نظارتی در فرایند برنامه‌های توسعه نشان داده شده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

ورود حسابرسی و سازمان‌های حسابرس به برنامه‌ها، طرح‌ها و مصوبات توسعه‌ای، از یک طرف می‌تواند، ضمن ارزیابی و حسابرسی دقیق عملکرد و حصول اهداف، زمینه هماهنگی بیشتر برنامه‌های توسعه با سطوح بالادست و پایین دست آن و کاهش تعارضات و ناهماهنگی‌ها را فراهم نماید. از سوی دیگر این امر سبب، کسب جایگاه قانونی و حقوقی لازم برای برنامه‌های توسعه می‌گردد. ناگفته نماند، منظور از سازمان‌های حسابرسی، الزاماً سازمان‌ها و نهادهای فعلی نیست و چنانچه ساختارها و بسترهای لازم فراهم گردد، سازمان یا

خلاف قوانین بیاید با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد. بنابراین، از این اصل قانون اساسی اینطور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که امکان مغایرت تصویب نامه‌های وضع شده توسط دولت با مصوبات طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و الزامات آن وجود دارد. این امکان از آن جهت است که مصوبات برنامه‌های توسعه در کشور از جایگاه حقوقی و قانونی لازم برخوردار نمی‌باشند. نمونه بارز این مسئله را در انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بوضوح می‌توان مشاهده کرد. به گونه‌ای که با این انحلال تمامی برنامه‌های توسعه‌ای در کشور، دچار خلاء اساسی گردید.

البته باید توجه داشت که بحث فوق به منزله پذیرش و تأیید جایگاه حقوقی و قانونی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق در نظام مدیریت و نظارت بر برنامه‌های توسعه نیست، بلکه مبین یک برتری نسبی با توجه به وضعیت فعلی نظام برنامه ریزی در کشور است و طبیعتاً چنین نهادی می‌تواند (و باید) دارای جایگاه قانونی و قدرت اجرایی به مراتب بالاتری باشد.

در جمع بندی این مبحث، می‌توان گفت، در صورت ورود

نهاد متولی برنامه می‌تواند این نقش را ایفا نماید، مشروط بر اینکه این نهاد یا سازمان دارای ساختاری مستقل از دولت باشد و با تغییر دولت‌ها و روی کار آمدن دولت جدید، ساختار و سازمان نهاد متولی برنامه و حسابرسی آن دچار تحول نگردد. بعنوان مثال، دیوان محاسبات کشور را می‌توان دارای چنین ساختاری در حوزه رصد بودجه دانست. بنابراین، سازمان متولی برنامه در کشور ما نیز، نیازمند چنین ساختاری است، تا بتواند هم مسائل مالی برنامه‌های توسعه و هم هماهنگی محتویات برنامه‌ها و رفع تعارضات آنها را عهده‌دار شود. نتیجه مهم دیگری که از مباحث مطرح شده می‌توان گرفت اینک، در تمامی برنامه‌های توسعه، منابع و توان‌های فضای مورد برنامه ریزی از موضوعات اساسی و پایه می‌باشد. اما نکته قابل توجه در این مسئله، تفاوت شهرها و روستاها در نوع برخورداری از این منابع است. در شهرها منابع مادی نقش پررنگ تری نسبت به منابع غیرمادی دارند و همین مسئله یکی از دلایل غالب بودن توجه به شهرها در نگاه برنامه‌ریزی است. به عبارت دیگر، شهرها دارای منابع سرمایه‌ای مادی بیشتری نسبت به روستاییان هستند. در حالی که در نواحی روستایی، سرمایه‌های غیرمادی بسیار برجسته‌تر از شهرهاست. از آنجاکه در جامعه دانایی محور آتی، شاهد تغییر جایگاه منابع سرمایه‌ای در توسعه و تحول جوامع خواهیم بود و منابع غیر سرمایه‌ای بشدت اهمیت خواهند یافت، می‌توان انتظار داشت جوامع روستایی جایگاه مطلوب تری را در ساختار برنامه‌ریزی کشور پیداکنند. البته لازمه چنین امری، توجه به تغییر و تحولات منابع غیرسرمایه‌ای در مناطق روستایی است و خود این مسئله نیز مستلزم بهره‌گیری از شیوه‌های نوین ارزیابی، مدیریت، کنترل و حسابرسی در سطوح فرادست سکونتگاه‌های روستایی و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آنها است.

منابع و مأخذ

۱- فاوچی، هادی (۱۳۸۷)، رهنمودهای اجرای استانداردهای حسابرسی عملکرد، مرکز آموزش و بهسازی منابع انسانی دیوران محاسبات کشور، تهران.

۲- اسکندری، کیوان (۱۳۹۰)، اصول اساسی در حسابرسی عملکرد، فصلنامه دانش حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰
۳- دولفوس، اولیویه (۱۳۶۹)، فضای جغرافیایی، ترجمه: دکتر سیروس سهامی، چاپ اول، تهران: نشر نیکا.
۴- دیوان محاسبات کشور (۱۳۹۰)، راهنمای حسابرسی عملکرد، مصوب کمیته اجرائی حسابرسی عملکرد، مردادماه ۱۳۹۰
۵- تومی، ایلکا (۲۰۰۴)، جامعه دانایی و پرسش‌های پژوهشی آینده، ترجمه اسماعیل یزدان پور، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های ارتباطات کشور، تهران.
۶- کلی، کوین (۱۳۸۳)، قوانین جدید برای اقتصاد جدید، ترجمه دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی، تهران
۷- سازمان ملل متحد (۲۰۰۵)، شناخت جوامع دانایی در بیست پرسش و پاسخ به همراه شاخص جوامع دانایی، ترجمه اسماعیل یزدانپور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری دبیرخانه شورای اطلاع رسانی
۸- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جامعه‌ی اطلاعاتی، چاپ اول، تهران: نشر دیدار.
۹- کاستلز (الف)، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد اول (ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای)، ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۰- کاستلز (ب)، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد دوم (قدرت هویت)، ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۱- کاستلز (پ)، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد سوم (پایان هزاره)، ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات طرح نو.

12. Barrow, C.J(1995), Sustainable development: concept, value and practice, Third World Plan Rev. 1995 Nov;17(4):369-86.

13. Hagget, Peter(1990), the geographer art, Oxford: Basil Blackwell

14. Holsti, O.R(1999) content analysis for the social sciences and humanities, Addison Wesley.
15. Lefebvre, Henri(1991), the production of space, translated by Donald Nicholson, Oxford: Blackwell publication.
16. Parsons, Talcott(1951), the social system, New York, free press, available at: www.Googlebook.com
17. Peet, Richard(2003), modern geographical thought, Blackwell Publishing Ltd
18. Schaefer, K(1953), Exceptionalism in Geography, Annals of the Association of American Geographers
19. Selman, Paul(1996), Local Sustainability: Managing and Planning Ecologically Sound Places, Sage publications, 28 Oct 1996
20. Stanford S. L(). "Explaining State Adoption of Environmental Audit Legislation", The College of William & Mary, available at: www.ssrn.com.
21. Welford, R. (2002) Corporate Environmental Management, Earthscan Publication Ltd.
22. Mika, T. V & Ondrusek, M(2010), Actual Problems of Crisis Management Theory, International Scientific Conference of Management
23. Bell, Daniel(1979), the Social Framework of the Information Society in Dertouzous and Moses.
24. Castells, Manuel(1997), The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring and the Urban-Regional process, Oxford: Blackwell publication.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

■ ۲۴۶ ■

بررسی و ارزیابی نحوه توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی؛ نمونه موردی: شهر بومهن

زینب کرکه آبادی - هیات علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران.
معصومه تدینی - هیات علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران.
حسین الماسی مفیدی* - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران.

چکیده

علیرغم توجه به موضوع عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری در کشورهای توسعه یافته متأسفانه مطالعات محدودی در این زمینه در کشور صورت گرفته و اغلب مطالعات صورت گرفته نیز، بیشتر جنبه اقتصادی داشته‌اند. در حالیکه بی عدالتی را نمی‌توان فقط محدود به سنجش نابرابری‌های اقتصادی دانست، چراکه فضا یک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و عدالت اجتماعی در فضا جاری شده و هم عدالت و هم بی عدالتی در فضا نمایان می‌شود. از این رو، تجزیه و تحلیل برهم کنش بین فضا و اجتماع در فهم بی عدالتی‌های اجتماعی و نحوه تنظیم سیاست‌های برنامه ریزی برای کاهش یا حل آنها ضروری است. توزیع نامناسب و نابرابر خدمات در شهرها به علت جاماندن توسعه شهر از رشد آن، در حال حاضر یکی از چالش‌های مدیریت شهری در پاسخگویی به شهروندان است. با بررسی میزان نابرابری‌ها در توزیع خدمات و شناسایی الگو فضایی بی عدالتی در سطح شهر می‌توان پی برد که کدام یک از خدمات در وضعیت نامناسب‌تری هستند و بی عدالتی بیشتر در کدام بخش و محله شهری تمرکز یافته است تا از این طریق مدیریت شهری با عمل آگاهانه در توزیع فضایی خدمات عمومی و منافع اجتماعی، نابرابری‌های فضایی را کاهش داده و کیفیت زندگی را ارتقاء و توسعه پایدار شهری را تضمین نماید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با تاکید قرار دادن مفهوم عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری، در پی یافتن راهکاری برای سنجش میزان بی عدالتی فضایی است تا با شناسایی کمبودها و نابرابری‌ها بین محله‌های شهر، مدیریت شهری را در ارائه خدمات عمومی برای کاهش بی عدالتی‌ها کمک کند. واژگان کلیدی: توزیع خدمات شهری، عدالت فضایی، رویکردهای عدالت فضایی، راهکارها و پیشنهادات.

Assess the spatial distribution utilities in terms of righteousness; Case Study: City Boomehen

Abstract

Despite considerable space to the question of justice in the distribution of utilities in developed countries, unfortunately, few studies have been done in this field in the country and most studies also have economic implications. While injustice cannot be limited to measuring economic inequality, as space is a fundamental dimension of human society. Hence, the analysis of the interaction between space and society in understanding social injustice and how to set planning policies to mitigate or resolve them is critical; Inadequate and inequitable distribution of services in urban areas due to the growing development of father-less, one of the challenges of urban management accountability to citizens. The study of inequalities in the distribution of services and identify spatial patterns of injustice in the city, we can know which of the services are unhappy in the situation. The results show that the concept of spatial justice in the distribution utilities to find ways to measure spatial injustice.

Key words: distribution utilities, climate justice, climate justice approaches, solutions and proposals.

مقدمه و بیان مساله

در نیم قرن اخیر شهرها بواسطه افزایش شهرنشینی که امروزه از مهم ترین جنبه های مبتلابه جهانی است، مقدمه رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم آورده و تغییرات وسیعی نیز از مقیاس محلی تا جهانی در کاربری زمین ایجاد نموده است؛ به گونه ای که می توان گفت، جمعیت شهرها افزایش یافته است، ولی خدماتی که پاسخگوی نیازهای مختلف آنها باشد، به گونه ای کارآمد، پاسخگو شهروندان نیست. چنین وضعیتی که سختی با رشد زیرساخت های شهری نداشته، نیازهای مختلف انسانی را نادیده گرفته و باعث شده، تا توسعه فیزیکی شهرها، لجام گسیخته و بدون توجه به پارامترهای انسانی - اجتماعی اتفاق افتد. این امر مدیریت شهری را نه تنها در ارائه خدمات عمومی با مشکل روبه رو ساخته است، بلکه در عصر جهانی شدن، مدیریت کارآمد و اثربخش را به یک مدیریت منفعل و اقتضایی مبدل ساخته است. تمرکز مراکز خدمات رسانی، در یک مکان خاص، ضمن ایجاد مناطق دو قطبی، و بالا و پایین در شهرها، هجوم جمعیت مصرف کننده به این مناطق را در پی دارد، به طوری که از یک سو، فشار زیست محیطی، ترافیکی، آلودگی ها اعم از صوتی، و هوا و از سوی دیگر، به سبب جذب کاربری های مکمل، موازی، تشدید قطبی شدن فضایی در شهرها را به دنبال دارد، به گونه ای که شهرها با محیط های متراکم، نامطلوب و ناسازگار با توسعه پایدار مواجه خواهند شد. غفلت از این اهداف انسانی و اجتماعی در طرح های توسعه شهری، شهرها را با چرخه نامطلوبی از عدم تعادل های اجتماعی - اقتصادی روبرو و چالش های بی سابقه ای چون بی عدالتی در توزیع خدمات عمومی و سلامت اجتماعی شهری را سبب گشته است. در این رابطه، توجه به تخصیص منابع از سوی مدیریت شهری، با توجه به میزان تاکید بر عدالت اجتماعی، رضایت جمعیت شهری را به دنبال خواهد داشت، زیرا تخصیص منابع همراه با عدالت اجتماعی، مردم شهری را در سهولت دسترسی به خدمات شهری و نیز افزایش کارایی آنها یاری می دهد. بنابراین برخورد صحیح مدیریت شهری با واقعیت پیچیده ای چون شهر و ملزومات مختلف آن، نیازمند

درک جامع و مدیریت سیستمی شهر بویژه از بعد تامین امکانات و خدمات مختلف شهری، لزوم پراکنش صحیح آن و اجرای عدالت فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات مناسب زیستی می باشد، چراکه برنامه ریزی فضایی همواره با عدالت فضایی رابطه تنگاتنگی دارد. البته وجود نابرابری در استاندارد زیستی بین ساکنین یک شهر پدیده جدیدی در هیچ یک از شهرهای جهان نیست، اما در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل فاحشر بودن تفاوت های اجتماعی و اقتصادی، پیدایش محلات زیر استاندارد و گسترش خوش نشینی، تفاوت فضایی شهرها را تشدید کرده است. عدم دسترسی مناسب به خدمات شهری نبود استانداردهای فضایی در بسیاری از شهرهای ایران دو قطبی شدن را در این فضاها به همراه داشته است، الگوی توزیع مراکز خدمات شهری باعث وجود ارزش متفاوت زمین شهری شده و به جداگرنی گروه های انسانی دامن زده است. بین نابرابری های فضایی و توزیع نا عادلانه خدمات و مشکلات زیست محیطی و کالبدی در سطح شهر همواره یک رابطه چرخشی وجود داشته که همدیگر را پشتیبانی کرده و در ادامه با رشد جمعیت و گسترش افقی و عمودی، شهر را به یک محیط غیر قابل سکونت تبدیل می کند. متاسفانه تا بحال، توزیع خدمات عمومی شهری، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله شهرهای مختلف ایران، بیشتر در قالب طرح های کاربری اراضی و معیار سرانه کاربری مطالعه شده و به قابلیت کارایی و دسترسی ساکنین از خدمات عمومی شهری، کمتر اهمیت داده شده است، در حالی که از عمده ترین عناصر ارتقاء دهنده کیفیت محیط شهری، توسعه شاخص های ارتباطی است و دسترسی مطلوب، یک عامل ضروری برای توفیق پایداری محیط شهری تلقی می شود. و هرگونه کوتاهی در این مورد ممکن است، به رفتارهای خوشنت آمیز و نندالیسم که با انگیزه انتقام جویی از جامعه و عملکرد مسولین شهری انجام می شود منجر شود از این رو با توجه به اهمیت موضوع تحقیق حاضر به بررسی میزان برخورداری محلات نه گانه شهر بومهن و رتبه بندی این محلات از بعد جمعیت، کارایی و کیفیت دسترسی ساکنین به خدمات



عمومی شهری، با رویکرد عدالت محورانه پرداخته است. و رسالت اصلی این پژوهش در پاسخگویی به این سوالات است: آیا بین سطح جمعیت محلات و میزان برخورداری محلات از کاربری‌های خدماتی رابطه معناداری وجود دارد؟ آیا مردم محلات مختلف از نحوه و چگونگی دسترسی به خدمات مختلف شهری رضایت دارند؟

پیشینه تحقیق

تالن، در سال ۱۹۹۸ در تحقیقی در شهرهای آمریکا به بررسی نحوه توزیع خدماتی چون پارک محله و زمین بازی‌های محله پرداخته‌اند، مبنای کار این تحقیقات عدالت فضایی، رویکرد نیازمحور بوده و برای تحلیل نحوه توزیع خدمات شهری، از شاخص دسترسی استفاده کرده‌اند. نتایج این تحقیقات نشان داده است که باید خدمات و تسهیلات در ارتباط با مشخصه اقتصادی- اجتماعی افراد، مکانیابی و توزیع شود.

تسو و همکاران در سال ۲۰۰۵ در سنجش شاخص یکپارچه دسترسی محور در ارتباط با عدالت فضایی در خدمات عمومی شهری در یکی از شهرهای تایوان، سعی در ارائه شاخصی یکپارچه از عدالت فضایی داشته‌اند. آنها سه مشخصه: شعاع خدمات رسانی و شعاع تاثیرگذاری متفاوت خدمات گوناگون بر ساکنین و کیفیت متفاوت تسهیلات هم از نوع، را برای توزیع خدمات در نظر گرفته و با ترکیب این سه مشخصه، شاخص یکپارچه سنجش عدالت فضایی مطرح کرده‌اند و برای نمایش الگوی فضایی شاخص عدالت فضایی از روش خود همبستگی فضایی محلی استفاده کرده‌اند. نتایج یافته‌ها آنها بیانگر توزیع نا عادلانه خدمات عمومی شهری در این شهر بوده است.

لطفی و کوهساری در سال ۲۰۰۹ در تحقیق سنجش قابلیت دسترسی به خدمات محلی در شهر تهران با در نظر گرفتن دو رویکرد برابری فرصت‌ها و عدالت نیازمنا به بررسی خدمات آموزشی، تجاری و فضای سبز در مقیاس محله پرداخته‌اند. ابتدا میزان دستیابی به بلوک‌های شهری را با روش مینیمم فاصله و روش فازی ارزیابی کرده و سپس میزان دستیابی ساکنین را با شاخص محرومیت

اجتماعی- اقتصادی ساکنین بلوک‌های شهری مقایسه کرده‌اند. نتایج یافته‌های این دو، نشان از نابرابری اندک محله‌های شهر در دستیابی به خدمات بوده است. همچنین افراد با محرومیت بالا هم سطح دستیابی مناسبی به خدمات داشته‌اند.

خاکپور در سال ۱۳۸۸ در تحقیقی پیرامون بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی شهر مشهد توزیع فضایی خدمات شهری را با سطح برخورداری مناطق شهر مشهد با استفاده از مدل موریس و نرم افزار ArcGIS باهم مقایسه کرده که نتایج نشان دهنده رابطه منفی بین تعداد جمعیت و سطح برخورداری مناطق از خدمات شهری است.

داداش پور و فرامرز رستمی مقاله ای تحت عنوان سنجش عدالت فضایی یکپارچه خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی در شهر یاسوج ارائه کرده‌اند که نتایج یافته‌ها از بررسی ضریب جینی، بیانگر نابرابری توزیع در میزان دستیابی ساکنین به خدمات شهری و ضریب موران، بیانگر معناداری الگوی توزیع این بی عدالتی‌ها در میان بلوک‌های شهری است. به طوری که میزان سنجش عدالت فضایی محله‌های مرکزی و جنوب شرقی شهر، بالاتر از میانگین بوده که به نوعی، نسبت جمعیت خود برخورداری بیشتری از خدمات داشته؛ در حالیکه این نسبت در محله‌های غرب، شمال‌شرق و شمال غرب شهر، کمتر از میانگین بوده و بیانگر برخورداری کمتر این محلات نسبت به جمعیت آنهاست، که نشان از دوگانگی شهر در یاسوج است.

ادبیات و مبانی نظری

شهید مطهری برای عدالت سه تعریف ارائه می‌نماید:

- ۱- عدالت به معنای تساوی همه افراد در برابر قانون،
- ۲- عدالت به معنای اینکه اگر افراد در شرایط ناهمسانی قرار دارند قانون نباید در مورد آنها یکسان عمل کند.
- ۳- از آنجا که اجتماع خود ترکیبی از افراد است و این ترکیب همانند ترکیب هیدروژن و اکسیژن محصول جدید چون آب را به وجود می‌آورد، اجتماع نیز ترکیبی از افراد است که خود دارای هویت می‌باشد و اصالت دارد.



بدین لحاظ معنای سوم عدالت ایجاد توازن اجتماعی می‌باشد. یعنی اعطاء کل ذی حق حقه، از آنجاکه عدالت بر پایه حقوق واقعی و فطری استوار است پس هم جامعه و هم فرد حق هستند و عدالت یک امر نسبی نیست (مرصوصی، ۱۳۸۲، ص ۳۹).

در ادامه به چند تعریف در این رابطه با عدالت اشاره می‌شود:

۱- «عدالت اجتماعی»: عدالت اجتماعی را برابری تعهدات و مسئولیت‌های مدنی در میان یک جامعه و برابری گستردگی مشکلات در میان گروه‌های مختلف تعریف کرده‌اند. عدالت اجتماعی در شهر یعنی حفظ منافع گروه‌های مختلف اجتماعی به‌طور عام و گروه‌های هدف به‌طور خاص به وسیله توزیع بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه‌ها (مرصوصی، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

۲- «عدالت توزیعی»: عدالت توزیعی بر تخصیص منصفانه منابع در میان افراد متنوع جامعه تاکید می‌کند؛ تخصیص عادلانه منابع توزیع شده، فرایند توزیع و الگوی توزیع را در برمی‌گیرد. اصول عدالت توزیعی همچون برابری، نیاز، شایستگی رفاه، به عنوان راه‌های درک توزیع عادلانه می‌باشد (فرهودی، ۱۳۸۳، ص ۹۰).

۳- «عدالت فضایی»: عدالت فضایی می‌تواند توزیع برابر منابع و خدمات تعریف شود که به مبحث برقراری تعادل بر مبنای چه کسی چه چیزی را چگونه به دست می‌آورد، اشاره دارد. عدالت فضایی طبق ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده به این معناست که باید با ساکنین در

هرجایی که زندگی می‌کنند، به‌طور برابر رفتار شود. از نقطه نظر جغرافیایی، عدالت اجتماعی شهر مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف شهری و دستیابی برابر شهروندان به آنهاست (حاتمی نژاد، ۱۳۸۷، ص ۷۲).

۴- «خدمات عمومی شهری»: خدمات عمومی (یا خدمات عام المنفعه) به‌طور کلی به عنوان فعالیت‌های اقتصادی که منفعت عمومی و کلی دارند و در ابتکار عمل نهادهای عمومی هستند، تعریف می‌شود. بنیاد نهادن و راه‌انداختن آنها زیر نظر نهادهای عمومی است، اگرچه حمایت و نگهداری از خدمات عمومی برای سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی و مردمی مستقل از نهادهای عمومی واگذار می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

۵- «دسترسی»: دسترسی را می‌توان به عنوان جدایی فضایی فعالیت‌هایی اقتصادی که منفعت عمومی و کلی دارند و در ابتکار عمل نهادهای عمومی هستند، تعریف می‌شود. بنیاد نهادن و راه‌انداختن آنها زیر نظر نهادهای عمومی است، اگرچه حمایت و نگهداری از خدمات عمومی برای سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی و مردمی مستقل از نهادهای عمومی واگذار می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۴۵).

پیشینه مفهوم عدالت فضایی

مفهوم عدالت فضایی تا حد زیادی از حوزه جغرافیا، سرچشمه گرفته است. این استنتاج ادبیات پژوهشی در

جدول ۱. بررسی انواع عدالت و تعاریف آنها

تعریف	نوع عدالت
* هر شخصی سهم برابری دریافت می‌کند	عدالت به عنوان برابری
* افراد توانایی برابر به فرصت‌های برابر دارند	سهم برابر
* سهم‌های توزیع شده برای متعادل کردن نابرابری‌های موجود	فرصت برابر
* خدمات متناسب با نیازها توزیع می‌شود.	عدالت جبرانی
* دریافت منفعت در ارتباط با سطح پرداختی است	عدالت نیاز محور
* منفعت‌ها توزیع می‌شوند در تناسب با سطح تقاضای شهروندان	عدالت بازار
	عدالت تقاضا محور

مأخذ: (Cho, 2003, 113).

زمینه رویکردهای فضایی به مسایل شهری است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، هاروی (۱۹۷۳) پیشگام تفکر عدالت سرزمینی، تحقیق بر روی ظهور عدالت اجتماعی در فضا را پیگیری کرد. او بعداً از این موضوع عقب نشینی کرد، و بر روی این موضوع که عدالت اجتماعی، مشروط و وابسته به فرایندهای اجتماعی است (بدون در نظر گرفتن فضا)، متمرکز شد. «گردن پایی» (۱۹۸۳)، جغرافیدان آفریقای جنوبی، که بر روی موضوع عدالت سرزمینی کار می‌کرد، در انتقاد از ازدیاد تعاریف عدالت و عدالت اجتماعی، موضوع امکان ارائه مفاهیم و تعاریف در یک مفهوم واحد را مطرح کرد. او به نویسندگانی اشاره داشت که تعاریف کاملاً متفاوت از هم، برای دستیابی به عدالت را تدبیر کرده بودند، کسانی چون بکر (۱۹۷۹)، کامنکا (۱۹۸۰) و لوکاس (۱۹۸۰) به طوری که تعاریف هیچ کدام از آنها کمکی به کمتر شدن ابهام در مفهوم عدالت نمی‌کرد. پایی در ارتباط با موضوع عدالت یا بی‌عدالتی که ممکن است کجا واقع شود هشدار داد که نظریه‌سازی‌های فراوان بر روی دیدگاه عدالت به آسانی می‌تواند مورد توافق قرار گیرد. از این رو پایی عدالت فضایی را به عنوان راه حل توسعه تفکر مستقل عدالت که مناسب قضاوت در موضوعات فضایی است، پیشنهاد کرد.

رویکردهای نظری مختلف در حوزه عدالت در برنامه ریزی شهری

اندیشه عدالت، موضوعی است که از مدتها قبل مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران، فیلسوفان و روانشناسان بوده است. متفکران بزرگی چون افلاطون، ارسطو و سقراط از اندیشمندان اولیه در موضوع عدالت بوده‌اند. در علوم اجتماعی، در نیم قرن گذشته تلاش‌هایی قابل توجه‌ای در درک بهتر عدالت صورت گرفته است. از سال ۱۹۷۰ به بعد، برنامه ریزان شهری، نظریات مختلف اجتماعی و مکتب‌های گوناگون فلسفی را در مطالعات خود به کار گرفتند تا عقب ماندگی، توسعه نیافتگی، نحوه توسعه شهری در جهان سوم و وابستگی شهرهای جهان سوم به اقتصاد جهانی را به کمک نظریات اجتماعی و فلسفی و بهره‌گیری از مدل‌های کمی ارزیابی نمایند. راولز در دهه ۷۰ با مطرح کردن عدالت به مثابه انصاف در

کتابی به همین عنوان پایه‌گذار شروع جدیدی از بحث‌ها بر سر بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های موجود در جامعه شهری شد و هم‌زمان دیوید هاروی با طرح کتاب عدالت اجتماعی و شهر، این نگاه عدالت را متوجه مباحث شهری و مشکلات مربوط به آن کرد. از آنجا که سازمان فضایی شهر متأثر از کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است، اگر این ساختار فاقد ایدئولوژی متکی بر عدالت باشند، تأثیر آن در فضا و سیمای شهر بروز و ظهور خواهد کرد. نیاز به عدالت در شهرهای دو قطبی معاصر به شدت محسوس است. در حالی که شهر مکانی است که فرصت را در اختیار مردم می‌گذارد، فرا معیار عدالت می‌تواند مساوی بودن این فرصتها و توزیع مناسب عملکردها، خدمات و دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی، بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری بین ساکنین یک شهر را تضمین کند. ال‌کین و مک لارن، عدالت را در کنار آینده‌نگری، محیط زیست و مشارکت به عنوان یکی از چهار اصل توسعه شهر پیشنهاد می‌کنند (طیبیان، ۱۳۸۶، ص ۷).

۱- رویکرد عدالت اجتماعی در برنامه ریزی شهری: رابرت پاتنام (۲۰۰۰) عدالت اجتماعی را برابری تعهدات و مسئولیت‌های مدنی در میان یک جامعه و برابری گستردگی مشکلات در میان گروه‌های مختلف تعریف می‌کند. در برنامه‌ریزی شهری با نگاه کالبدی و اجرایی‌تر به موضوع، عدالت اجتماعی بیشتر بر اساس توزیع فضایی مردم و منابع تعریف می‌شود. از این رو، عدالت فضایی می‌تواند توزیع برابر منابع و خدمات تعریف شود که به مبحث برقراری تعادل بر مبنای چه‌کسی چه چیزی را چگونه به دست می‌آورد، اشاره دارد. یا می‌تواند اجرایی شدن عدالت سرزمینی یا همان برابر شدن در دسترسی به کالا و خدمات عمومی تعریف شود. این دیدگاه به شدت در ارتباط با تفکر برنامه‌ریزی عادلانه است که از ابتدا در بین کرومهلز (۱۹۸۲) و بعد از آن به وسیله کرومهلز و فرستر (۱۹۹۰) گسترش پیدا کرده است. تفکر عدالت اجتماعی مخصوصاً به منظور توزیع عادلانه منابع، به طور مستقیم با برنامه‌ریزی کالبدی پیوند می‌خورد (رهنما، ۸۶، ۱۳۸۷). ولی به کارگیری عدالت اجتماعی به عنوان یک راهنما در رویه و تئوری



برنامه‌ریزی بر اساس تلاش‌های دیوید هاروی پایه‌ریزی شد؛ زمانی که بحث عدالت توزیعی را در تحلیل روش‌های جغرافیایی به کار گرفت.

۲- رویکرد عدالت توزیعی در برنامه شهری: عدالت توزیعی بر تخصیص منصفانه منابع در میان افراد متنوع جامعه تأکید می‌کند؛ تخصیص عادلانه منابع توزیع شده، فرایند توزیع و الگوی توزیع را در برمی‌گیرد. کارهای ابتدایی بر روی عدالت توزیعی حدود نیم قرن پیش آغاز شد. در ابتدا، تحقیقات بیشتر بر فقر نسبی و توزیع در آمد در بین افراد متمرکز بودند. در ادامه بر مبادلات اقتصادی و اجتماعی و نحوه ارتباطات آنها و پیش بینی نتایجی که از این مبادلات باید حاصل شود، تأکید شد. بیشتر تئوری‌های معروف و جامعه در باره عدالت توزیعی در دهه ۱۹۶۰ مطرح شدند و فرمول‌های حاضر را برای چگونگی توزیع عادلانه و معیارهای سنجش توزیع، نسبت ورودی به خروجی آماده کردند. سرانجام در دهه ۱۹۷۰ این تفکر با مباحث و اصولی چون عدالت، برابری (فراهم کردن نتایج برابر برای همه) و نیاز (فراهم کردن نتایج بیشتر برای کسانی که نیاز بیشتری دارند) پیوند خورد. امروز مطالعه عدالت توزیعی، حیاتی و دارای اهمیت شده است. اما در کل تمایلات به سمت فرایندهای که تعیین کننده ی نتایج هستند (عدالت رویه‌ای) و انصاف در رفتارهای میانی فردی (عدالت تعاملی) تغییر جهت داده‌اند. با وجود این

تغییر جهت، برخی از پژوهشگران، مطالعه روی عدالت توزیعی را ادامه داده‌اند. همچنین پژوهشگران بر دیگر اصول عدالت توزیعی همچون برابری، نیاز، شایستگی، رفاه، به عنوان راه‌های مفیدی در درک توزیع عادلانه، تأکید می‌کنند. (عظیمی، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

۳- رویکرد عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری: اصطلاح عدالت فضایی تا چند سال گذشته به ندرت مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گرفت و حتی تمایلی در میان جغرافیدانان و برنامه‌ریزان برای به‌کارگیری صفت فضایی در تحقیقاتی که برای عدالت در جوامع معاصر انجام می‌دادند، وجود نداشت یا نهایتاً مجذوب مفاهیم مرتبطی چون عدالت ارضی، عدالت محیطی، ناعدالتی‌های شهرنشینی، کاهش ناعدالتی‌های منطقه‌ای می‌شد. همچنین در تحقیق‌های کلی که برای رسیدن به شهر عادل یا جامعه عادل صورت می‌گیرد، نیز از حالت فضایی عدالت غفلت می‌شود. تفکر فضایی درباره عدالت نه تنها فهم نظری در ارتباط با عدالت را توسعه داده، بلکه بینش قابل توجه جدیدی را ایجاد کرده که موجب کارآمدتر شدن دانش عملی برای دستیابی به عدالت و دموکراسی بیشتر است فضا یک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و عدالت اجتماعی در فضا جاری می‌شود.

۴- رویکرد عدالت محیطی در برنامه‌ریزی شهری: طی

جدول ۲. طبقه بندی عدالت اجتماعی در دیدگاه‌های مختلف فکری؛ ماخذ: مرصوصی، ۱۲، ۱۳۹۰

لیبرالیسم نو	گوناگونی مدیریت‌ها، نظارت بر محرومیت اجتماعی از طریق روابط میان بازار کار و رفاه	رفاه از طریق کار
لیبرالیسم و لیبرالیسم انسان‌گرا	برطرف کردن موانع برای افزایش سطح نمایش گروه‌های هدف	کار جنبه مهم زندگی است و همه مردم برای کار حق دارند.
سوسیالیسم، رادیکال سوسیالیسم	اعتراضات مردمی، تلاش برای آگاهی مردم و توسعه ابزار برای قدرتمندتر عمل کردن کارکنان گروهی در اجتماع	همه مردم حق دارند تحت شرایط سالم و مناسب کار داشته باشند
اسلام*	ایجاد فرصت مناسب برای رشد و تکامل همه افراد با جهت‌گیری به نفع طبقات آسیب‌پذیر	کار، یک ضرورت حیاتی است و همه مردم حق دارند کار داشته باشند

سال‌های اخیر رشته‌های مختلف علوم اجتماعی به طرح مباحث نابرابری‌های محیطی و مسئله فقر، علاقه مند شده‌اند که غالباً به نابرابری‌های محیطی، عدالت محیطی، و تبعیض محیطی اشاره دارند. این پژوهشها وابستگی جغرافیایی، میان آلودگی مکان و اقشار کم درآمد و یا اقلیت‌های قومی و نژادی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. هدف مهم نهضت عدالت محیطی، قدرت بخشیدن به گروه‌های اجتماعی محروم می‌باشد تا بتوانند در جهت حل مسائل محیطی و بهداشتی خود فعالیت کنند و معتقدند که هم جوامع و هم مکان‌ها دارای حیات و ماهیت فرهنگی و نیز دارای منابع قدرت هستند. این نهضت سعی دارد تا به این مفاهیم در سطحی جهانی بنگرد. تئوری عدالت محیطی سه موضوع مهم را در مطالعات خود مورد توجه قرار می‌دهد:

0 چگونگی ظرفیتهای محیطی؛

0 انواع نابرابری‌ها؛

0 مفاهیم روش شناختی در مورد درک و یافتن میزان نابرابری؛

0 کثرت مطالعات در این زمینه و مفاهیم مربوط به آن، در شهرها و نواحی کلان شهرها، در سال‌های اخیر اهمیت درک این مفاهیم را برای محققان شهری به شدت مهم ساخته است.

مفهوم عدالت اجتماعی در توزیع خدمات عمومی شهری اهمیت و جایگاه ارزش اجتماعی همسان با اهمیت مسأله حقیقت در معرفت انسانی است؛ همان‌گونه که اعتبار مشروعیت هر تئوری و گزاره‌شناختی به واسطه مسأله حقیقت، محک زده می‌شود؛ مشروعیت و کمال هر ساختار اجتماعی نیز مبتنی بر سازگاری و انطباق آن با اصول عدالت است. جامعه، یعنی مجموعه‌ای از انسان‌ها که با یکدیگر زندگی می‌کنند و دارای انواع ارتباطات و داد و ستدهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی هستند، در همه اشکال ساده و پیچیده آن دارای ساختار است. ساختار اساسی جامعه، از نهادهایی تشکیل می‌شود که چگونگی و نحوه دستیابی افراد به منابعی که وسیله ارضای نیازهای گوناگون آنان است، به واسطه این نهادها رقم می‌خورد. اجتماع دارای منابعی است که

وسیله تامین نیازهای افراد است. این منابع را شاید توان در سه گروه دسته بندی کرد: قدرت، منزلت و موقعیت اجتماعی و ثروت. از اینرو ساختار اجتماع عبارت از نهادهایی است که هم چگونگی دستیابی به این منابع را مشخص، و هم حقوق و وظایف افراد را تعیین می‌کند. به تعبیر دیگر، نظام حقوق و وظایف و توزیع امکانات و فرصت‌ها و مواهب به وسیله ساختار اساسی جامعه و نهادهای آن سامان می‌یابد و تعریف می‌شود؛ تفاوتی نمی‌کند که آن جامعه بسیط یا پیچیده و دارای مناسبات گسترده باشد.

معیارهای عدالت اجتماعی در توزیع خدمات عمومی شهری

دیوید هاروی ماهیت عدالت اجتماعی برای سنجش عادلانه بودن توزیع منابع و خدمات، تحت سه معیار زیر عنوان می‌کند: معیار نیاز به عنوان مهم‌ترین معیار، منفعت عمومی به عنوان دومین معیار و استحقاق به عنوان معیار سوم.

1. «مفهوم نسبی نیاز»: احتیاجات و نیازهای انسان ثابت نیستند و به موازات تحول جامعه، نیاز هم تحول می‌یابد. نیاز به حداقل خدمات را چه از حیث کمی و چه به لحاظ کیفی می‌توان تعیین کرد. این حداقل بر حسب هنجارهای اجتماعی در طول زمان تغییر می‌کند و نیز راه‌های متفاوتی برای پاسخ‌گویی به این نیازها می‌توان تصور کرد. بعد از تعیین اینکه کدام یک از مقولات جزئی واقعاً نیاز به حساب می‌آیند، باید به طریقی ضوابط منطقی برای تشخیص حداقل آستانه هر یک از مقولات جزئی به وجود آورد.

2. «کمک به مصالح عمومی»: برگرداندن مفهوم کمک به مصالح عمومی (منفعت عمومی) به مفاهیم جغرافیایی موجود کار نسبتاً آسانی است. در اینجا مسئله اصلی این است که تخصیص منابع به یک منطقه چگونه در وضع سایر مناطق تأثیر می‌گذارد. فنون چندی برای حل پاره‌ای از این مسائل در تحلیل ضریب فزاینده بین منطقه‌ای، قطب رشد و اثرات خارجی تکنولوژی وجود دارد. اثرات گسترده می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

3. «استحقاق و شایستگی»: بر اساس تعریف عدالت



اجتماعی، عدالت اجتماعی در اینجا به معنی آن است که اگر تسهیلاتی مورد نیاز است و اگر این تسهیلات به نوعی به مصالح عمومی یاری می‌رساند آنگاه و فقط آنگاه است که ما حق داریم منابع اضافی را برای دفاع از آن صرف کنیم. استحقاق در چارچوب جغرافیایی تخصیص منابع اضافی برای جبران مشکلات اجتماعی و طبیعی خاص هر منطقه است.

گزینه‌های متنوع عدالت توزیعی

گروهی معتقدند که توزیع عادلانه، توزیع برابر منابع کمیاب است و دیدگاه‌های دیگر نیز بر این باورند که توزیع نابرابر منابع کمیاب، عادلانه‌تر است. به طور کلی عدالت در این حوزه در سه دسته قابل تمایز است:

۱- «عدالت افقی»: رفتار برابر با برابری‌ها،

۲- «عدالت عمودی»: رفتار نابرابر با نابرابری‌ها و

۳- «عدالت انتقالی»: حل مشکلات به سبب تحولات سیاسی.

یکی از کارهای اصلی در مطالعات عدالت، تئوری عدالت جان راولز است. راولز عدالت را به عنوان یک پی آمد عدالت توزیعی می‌بیند: چه کسی باید چه مقدار و چه چیزی را به دست آورد. مولفه‌های اصلی در نگاه عدالت راولز، برای به‌کارگیری در خدمات شهری شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. فرصت‌های برابر باید نقطه شروع باشد، انحراف‌ها باید تنها در صورتی حمایت شوند که سود آنها کمترین مزیت را داشته باشد.

۲. یک سطح حداقل معین برای هر خدمات وجود داشته باشد.

۳. قبل از اینکه نتایج توزیع شناخته شود، باید بر روی قاعده‌ی تخصیص، موافقت صورت گرفته باشد.

اصول ارزش گذاری توزیع فضایی برای توزیع خدمات عمومی شهری

در نتیجه‌گیری از بحث بالا می‌توان سه اصل زیر را به عنوان اصولی که تامین‌کننده عادلانه بودن توزیع است را نام برد.

۱. سازمان‌یابی فضایی و الگوی خدمات رسانی باید به

نحوی باشد که نیازهای جمعیت را پاسخ گوید. این امر مستلزم یافتن روش عادلانه برای تعیین و سنجش نیاز است. بدین ترتیب، تفاوت میان نیازها و تخصیص واقعی خدمات، برای ارزش‌یابی میزان بی‌عدالتی شهری در نظام موجود است.

۲. این نوع سازمان‌یابی فضایی و الگوی تخصیص منطقه‌ای منابع که از طریق اثرات اشاعه‌یابنده، ضرایب فراینده‌گی و نظیر آن، منافع بیشتری به شکل پاسخ‌گویی به نیازها (دروهمه اول) و یا افزایش بازده اقتصادی (دروهمه دوم) در مناطق دیگر فراهم آورد، نوع بهتری از سازمان‌یابی فضایی و تخصیص منابع است.

۳. ناموزونی سرمایه‌گذاری منطقه‌ای را زمانی می‌توان پذیرفت که هدف آن فایده‌آمدن بر مشکلات محیطی باشد در غیر این صورت مانعی بر سر بر آوردن نیازها و کمک به مصالح عمومی خواهد بود.

مفهوم دسترسی در سنجش و تحلیل عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری

دسترسی را می‌توان به عنوان جدایی فضایی فعالیت‌های انسانی تعریف کرد. مفهوم دسترسی از جنبه‌های گوناگون گسترده است مثل دسترسی فیزیکی، روانی، اقتصادی و مالی که می‌تواند وابسته به ماهیت کاربری اراضی و شبکه حمل و نقل باشد. دسترسی در واقع توانایی ساکنین شهر در داشتن یک دسترسی خوب به فعالیت‌ها، منابع، خدمات و موارد مشابه است. دسترسی یکی از ویژگی‌های است که وابستگی زیادی به فرم فضایی شهر، شبکه دسترسی، نوع سفر و شکل سفر دارد. در دید کلی، دسترسی بر پایه فاکتورهای عینی و ذهنی با استفاده از داده‌های کیفی و کمی سنجیده می‌شود. ارزیابی ذهنی معمولاً شامل مطالعات میدانی مثل پرسشنامه و مصاحبه از فهم گرایش ساکنین شهر و تصور فضایی آنها می‌شود مثل (رضایت ساکنین از دسترسی به خدمات). در ارزیابی عینی معمولاً از شاخص کمی و بیشتر اقتصادی استفاده می‌شود، مثل (شعاع خدمات‌رسانی و فاصله از خدمات). برنامه ریزان باید آگاه باشند که همیشه نتیجه‌ی این دو مفهوم، یکسان نیست. (شیعه، ۱۵۹، ۱۳۸۰)

تجربیات جهانی درباره عدالت فضایی در برنامه ریزی شهری

بحث عدالت فضایی در تسهیلات عمومی شهری در دو دهه اخیر رشد قابل توجهی داشته است. محققانی چون جنز و کربی در سال ۱۹۸۲، کربی و همکاران در سال ۱۹۸۳، پینچ در ۱۹۸۳، کسانی هستند که در این زمینه تحقیق کرده‌اند. اگرچه برنامه ریزان در دادن یک ارزیابی جامع از عدالت فضایی به دلیل دشوار بودن اجرای عدالت فضایی، ناتوان بوده‌اند (نظریان، ۶۷، ۱۳۸۹). توجه به جنبه‌های روش شناختی و استفاده از تکنیک‌های آنالیز فضایی و نرم افزار GIS برای تعریف، مقایسه و تفسیر و مجسم کردن شاخص دسترسی در عدالت فضایی در تحقیقات آرنز در ۱۹۹۴، فراست و اسپنس در سال ۱۹۹۵، گرتمن و ریستما در ۱۹۹۵، و تالن و انسلین در سال ۱۹۹۸ وارد این مبحث شد. تالن، (۱۹۹۸) (۱۹۹۶) تالن و انسلین (۱۹۹۸)، در تحقیقاتی مشابه در شهرهای آمریکا به بررسی نحوه ی توزیع خدماتی چون پارک محله و زمین بازی محله پرداخته‌اند. مبنای کار این تحقیقات در عدالت فضایی، دیدگاه نیاز محور بوده و برای تحلیل نحوه ی توزیع خدمات، از شاخص دسترسی استفاده شد. نتایج نشان داده است که برای رسیدن به عدالت فضایی باید خدمات و تسهیلات در ارتباط با مشخصه اقتصادی- اجتماعی افراد، مکانیابی و توزیع شود. آنها در تحقیقاتشان از نرم افزار GIS و تکنیک فضایی LISA استفاده کرده‌اند و شاخص مقایسه نحوه توزیع خدمات در مناطق هم، شاخص دسترسی بوده است.

مواد و روشها

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی است که از ابزار گردآوری داده مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شهر بومهن می‌باشد. شهر بومهن مرکز استان تهران بوده و در شرق این استان واقع شده است. این شهر بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، دارای جمعیتی بالغ بر ۵۳۴۵۱ نفر بوده و بر آورده می‌شود که در سال ۱۳۹۵ با رشدی ۴.۳ درصدی به ۶۷۶۵۳ هزار نفر

برسد. از نظر تقسیمات کالبدی، شهر به چهار ۲ و ۱۲ محله تقسیم شده است. در این تحقیق، نحوی توزیع ۱۱ نوع از خدمات عمومی شهری (خدمات آموزشی، ورزشی، فضای سبز، بهداشتی- درمانی و فرهنگی- مذهبی) مورد بررسی قرار گرفته است.

مدل تحلیلی تحقیق: دیدگاه این تحقیق به عدالت فضایی، تلفیقی از دیدگاه برابری فرصت‌ها و دیدگاه عدالت جبرانی یا نیاز مبنای است. از این رو، در این تحقیق بنا بر دیدگاه اول، میزان دسترسی محله‌ها و بلوک‌ها برای ساکنین و بنا در دیدگاه دوم، قیاس نحوه ی دسترسی ساکنین با نیاز آنها به خدمات عمومی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ضمن برای رسیدن به یک توزیع عادلانه، ابتدا باید عادلانه بودن توزیع تک تک خدمات را مورد سنجش قرار داده و بعد از بررسی وضعیت محله‌ای و کلی شهر در مورد نحوه توزیع، نتایج همه ی خدمات را با هم ترکیب کرده و در مورد چگونگی روش‌های توزیع هر کدام از خدمات با توجه به وضعیت کلی شهر که متأثر از توزیع همه خدمات است، به ارائه راه‌کار پرداخت.

سوال تحقیق عبارت است از: آیا توزیع خدمات شهری بر حسب توزیع جمعیت در محله‌های شهر بومهن به صورت عادلانه صورت پذیرفته است؟ آیا در محلات مختلف معیار کارایی استانداردهای توزیع، شبکه دسترسی در توزیع خدمات شهری در منطقه مورد مطالعه رعایت نشده است؟ فرضیات تحقیق نیز عبارتند از: به نظر می‌رسد که توزیع خدمات شهری بر حسب توزیع جمعیت در محله‌های شهر بومهن به صورت عادلانه صورت نپذیرفته است و همچنین: به نظر می‌رسد در محلات مختلف معیار کارایی استانداردهای توزیع، شبکه دسترسی در توزیع خدمات شهری در منطقه مورد مطالعه رعایت نشده است.

معیارها و شاخص‌های تحقیق و عناصر تشکیل دهنده آن: معیارهای در نظر گرفته شده برای این تحلیل تلفیقی از معیارهایی است که در تحقیقات قبلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند یا اینکه تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، که شامل: معیار دستیابی ساکنین به خدمات، معیار نیازمندی ساکنین به خدمات، معیار منفعت عمومی و معیار کارایی است. در ادامه هر کدام از این معیارها، نحوی



به کارگیری آنها در مطالعات قبلی و شاخصها و روش های سنجش آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. «معیار دسترسی»: برای سنجش معیار دسترسی از چندین مدل استفاده می شود: مدل شعاع خدمات رسانی؛ به صورت یک دایره به شعاع مسافتی که یک تسهیلات می تواند خدمات رسانی کند تعیین می شود. مثلاً شعاع خدمات رسانی پارک های همسایگی، مدارس ابتدایی و فروشگاه های محله ای، ۸۰۰ متر در نظر گرفته می شود. در مطالعات انجام گرفته بر روی واحدهای شهری، معمولاً مرکز ثقلی در نظر گرفته می شود و اگر این مرکز در محدوده قرار گیرد، کل واحد به این تسهیلات دسترسی دارند. این وارد بر این مدل اولاً، شعاع دایره ای به مرکز تسهیلات مثل مدرسه یا یک محدوده به همان شعاع به دور پارک زده می شود، یک خط مستقیم هندسی در نظر گرفته می شود که با واقعیت و شبکه دسترسی و موانع احتمالی هم خوانی ندارد و بیانگر واقعیت فاصله نیست. برای حل این موضوع، ما در این تحقیق از روش تحلیل شبکه استفاده کرده ایم که مسافت دسترسی را بر حسب شبکه دسترسی، محاسبه می کند و محدوده خدمات رسانی را مشخص می کند.

۲. «معیار نیازمندی ساکنین به خدمات عمومی شهر»: میزان نیاز بالقوه برای تهیه خدمات، یکی از مولفه های تحلیل عدالت فضایی در توزیع و تدارک خدمات می باشد. در ارتباط با معیار نیاز، سوالی که وجود دارد این است که آیا توزیع فضایی تسهیلات و خدمات، مطابق با نیازهای جغرافیایی و انسانی برای آن تسهیلات یا خدمات هست یا نه؛ و اینکه آیا کسانی که از نظر اجتماعی - اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند در نواحی محروم از نظر فضایی زندگی می کنند. جواب به این سوالات نه تنها به درک فضایی عدالت در درون شهرها کمک می کند بلکه به سیاست گذاران اجازه می دهد سودمندی سیاست های تدارک خدمات موجود را ارزیابی کنند. شناسایی نواحی نسبتاً برخوردار (محروم)، نتیجه ی بالقوه این آگاهی است که بهبود و دریافت خدمات و تسهیلات را به دنبال دارد. در این تحقیق در ارتباط با توزیع خدمات، دو نوع نیاز در نظر گرفته شده است: یکی نیازهای ویژه که برای دریافت یک خدمات

مورد نیاز است؛ مثل گروه های سنی، جنسیت و که نیازشان به بعضی خدمات بیشتر است و در واقع مخاطب خاص آن خدمات هستند و دومی نیازهایی است که در ارتباط با شرایط و کیفیت زندگی افراد مورد نظر است و به نوعی نیازهای عمومی است که در ارتباط با وضعیت کلی خدمات توزیع شده است؛ که این خدمات بر اساس شرایط اقتصادی و اجتماعی، باید پاسخگویی نیاز ساکنین باشند. نابرابری شرایط و کیفیت زندگی افراد و متناوباً محله های شهری از علل بی عدالتی های فضایی است که می توان با توزیع متناسب با این وضعیت، به برقراری عدالت فضایی کمک کرد. از آنجایی که نیازهای ویژه و نیازهای عمومی به خدمات مختلف، متغیر می باشد، شاخص نیازها برای هر کدام از خدمات هم متفاوت خواهد بود.

۳. معیار منفعت عمومی: برگرداندن مفهوم کمک به مصالح عمومی (منفعت عمومی) به مفاهیم جغرافیایی موجود کار نسبتاً آسانی است. در اینجا مسئله اصلی این است که تخصیص منابع به یک منطقه چگونه در وضع سایر مناطق تاثیر می گذارد. فنون چندی برای حل پاره ای از این مسائل در تحلیل ضریب فزاینده بین منطقه ای، قطب رشد و اثرات خارجی تکنولوژی وجود دارد. اثرات گسترده می تواند مثبت یا منفی باشد. منفعت عمومی در حقیقت معنای دیگری که همان افزایش کل تولید باشد را نیز دارد. که همان معنای کارایی و معیارهای رشد اقتصادی و تحلیل اثرات خارجی و تاثیرات جانبی است. اگر هدف دست یافتن به عدالت اجتماعی باشد، معنای منفعت عمومی باید نسبت به نتایج توزیعی، جنبه ثانوی داشته باشد. در واقع ما در پی یافتن تاثیرات مثبت و احیاناً منفی خدمات توزیع شده در یک منطقه یا محله بر سایر مناطق و محلات می باشیم و همچنین بررسی همین تاثیرات بر خود محله که ناشی از تاثیر دیگر محلات است. مواردی که می توان ذکر کرد شامل: جذب جمعیت یک خدمات فراتر از محدوده ی خدمات رسانی اش (شلوغی محله، ورود افراد غریبه، به زحمت افتادن اهالی منطقه برای دریافت خدمات، ورود سرمایه به منطقه). جاذبه یک یا چند خدمات که موجب کم رنگ شدن تاثیر دیگر خدمات در محله خود می شود

بررسی منفعت عمومی	جمعیت ورودی به محله	اثرات	اقتصادی - ورود سرمایه به محله
		فضایی	اجتماعی -
		مثبت	زیست محیطی -
	اثرات فضایی منفی	اقتصادی	به زحمت افتادن اهالی محله برای دریافت خدمات
		اجتماعی	شلوغی محله و ورود افراد غریبه از هم پاشیدگی یافت محله
		زیست محیطی	ترافیک بالا و آلودگی های صوتی و هوا آلودگی های میکروبی تولید زباله و ...
جمعیت خروجی از محله	اثرات	اقتصادی -	
	فضایی	اجتماعی -	
	مثبت	زیست محیطی -	
	اثرات	اقتصادی - افزایش هزینه سفر و طولانی شده زمان سفر	
	فضایی	اجتماعی - از هم گسستگی محله	
	منفی	زیست محیطی -	

ماخذ: رضویان، ۱۳۸۲، ۲۲

پایین آمدن اثر بخشی خدمات، از دست رفتن انسجام و یکپارچگی محله، طولانی تر شدن سفرها، و یا تاثیر یک خدمات فراتر از حوزه خدمات رسانی بر روی مناطق همجوار یا کل شهر (آلودگی محیطی، مکانیابی خدمات ناحیه ای یا شهری در محلات شهری) است.

۴. معیار کارایی: کارایی همچون عدالت یکی از اصول بنیادی شهرسازی در ساماندهی فضاها و فعالیت های شهری است. کارایی در توزیع خدمات عمومی شهری، مکمل عدالت فضایی است. کارایی در واقع به معنای ایجاد سازمان فضایی و عملکردی مناسب در مکان گیری فعالیت ها و همچنین تأمین ارتباطات لازم بین عملکردها و استفاده کنندگان، برای بالا بردن میزان کارآمدی در کارکردهای شهری است. این اصول بر اساس معیارهایی زیر تحقق می یابد:

۲. تحلیل خودهمبستگی فضایی محلی: برای آنکه از خصوصیات توزیع عادلانه خدمات شهری در هر کدام از بلوک های شهری پی برده شود لازم است که از روش های همبستگی فضایی در تحلیل ها استفاده شود و به دنبال آن ارتباط ساختاری فضایی احتمالی بین بلوک ها و الگوهای توزیعی فضایی خدمات شهری به صورت مجزا و پیوسته (جمع همه خدمات) مشخص شود. دوره برای ارزیابی وابستگی فضایی بین میزان دسترسی به خدمات بلوک ها و نیاز ساکنین بلوک به آن خدمات وجود دارد. اولی ضریب همبستگی رتبه ای اسپیرمن است که

روش های تحلیلی تحقیق

۱. روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP): فرایند تحلیل سلسله مراتبی روشی است که منعطف، قوی و ساده که برای تصمیم گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم گیری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

وابستگی بین نیاز و دسترسی را به طور نسبی محاسبه می‌کند. دومین روش برای کشف همبستگی بین دسترسی و نیاز بین بلوک‌ها و همچنین وابستگی فضایی بین بلوک در هر کدام از این مشخصه‌ها به صورت جداگانه خود همبستگی فضایی محلی (LISA) است.

بیان یافته‌ها و نتایج

شهر بومهن در مختصات جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی در ۴۰ کیلومتری کلان شهر تهران واقع شده و از شهرستان‌های تهران است (سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۵، ۱۳۸۵). طبق آخرین تقسیمات سیاسی این شهر دارای یک دو دهستان و ۱۹ آبادی مسکونی است بر اساس قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵، با جمعیت ۱۰۹۸۳ به عنوان یکی از نقاط شهری، شهرستان تهران معرفی شد و جمعیت این شهر طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۰ به ترتیب ۲۲۸۸۴، ۶۲۳۱۸ نفر ذکر شده است و متعاقب آن، کارکردهایی در بعد درون شهری و ناحیه ای به این شهر محول شده است (وزارت کشور، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

خدمات آموزشی

برای کل شهر بومهن درصد جمعیت برخوردار از خدمات کودکستان ۱۶ درصد و ۱۱ درصد جمعیت نسبتاً برخوردار و ۷۳ درصد جمعیت شهر از دسترسی به خدمات محروم هستند. درصد تراکم برخورداری ۵۶ درصد که تنها نصف جمعیت کنونی شهر بومهن را پاسخ‌گومی باشد. میانگین مقادیر نهایی معیار دستیابی به بلوک شهری ۱۲.۳ حداقل این مقدار ۴.۰ و حداکثر آن ۶۲.۵ است و همچنین مقدار دستیابی ۵۸ درصد از جمعیت شهر، کمتر از میانگین می‌باشد. انحراف معیار این مقادیر ۱۶.۵ بوده است که نشان از پراکندگی زیاد این مقادیر و اختلاف بالا در بین بلوک‌های شهری بومهن در معیار دستیابی به

خدمات شهری است.

شاخص جینی و ماران در ارتباط با خدمات کودکستان در جدول ۳ نشان داده شده است. شاخص موران برای عدالت فضایی خدمات کودکستان نزدیک به صفر است که الگوی توزیع تصادفی را نشان می‌دهد ضریب جینی نیز برای توزیع این خدمات مقدار بالای ۰.۶۵۴ است که نشان دهنده توزیع بسیار نابرابر خدمات نسبت به کل جمعیت شهر می‌باشد.

میزان عدالت فضایی در توزیع خدمات کودکستان در میان بلوک‌های شهری در واقع میانگین برابر با (۰.۵۶) و انحراف معیار (۲.۰۵) بوده است. همچنین میانگین و انحراف معیار میزان عدالت فضایی بلوک‌ها در سطح محله در جدول ۴ نشان داده شده که بیانگر بی‌عدالتی در بین محلات شهر است. تنها محلات ۳، ۵، تا حدودی وضعیت مناسبی در میزان عادلانه بودن خدمات دارند. بیشترین سهم بی‌عدالتی فضایی مربوط به محله‌های ۱۱، ۴، ۳، ۶، ۱۱، (میانگین، بالاتر از ۱، ۵) در مقابل محله‌های ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۲، میانگین کمتر از ۰.۵۰ بوده است.

برای کل شهر بومهن درصد جمعیت برخوردار از خدمات دبستانه پسرانه ۶۷ درصد و ۲۳ درصد جمعیت هم نسبتاً برخوردار بوده و ۱۰ درصد جمعیت شهری از دسترسی به خدمات محروم هستند. درصد تراکم برخورداری ۱۱۴ درصد بوده که تقریباً برابر با جمعیت کنونی شهر است. میانگین مقادیر نهایی معیار دستیابی بلوک ۱۳.۳۲ و حداقل این مقدار ۰.۴ و حداکثر آن ۳۳.۵۴ و همچنین مقدار دستیابی ۴۵ درصد از جمعیت شهر، کمتر از میانگین می‌باشد. انحراف معیار این مقادیر ۵.۳۴ بوده است و نشان از پراکندگی زیاد این مقادیر و اختلاف بالا در بین بلوک‌های شهری در معیار دستیابی به خدمات شهری می‌باشد.

نتایج در ارتباط با سطح نیازمندی ساکنین شهر به خدمات دبستان پسرانه نشان می‌دهد که درصد ساکنین

جدول ۳. ضریب موران برای شاخص عدالت فضایی و ضریب جینی برای میزان دستیابی بر حسب توزیع جمعیت؛

ماخذ: یافته‌های تحقیق.

خدمات	ضریب موران عدالت فضایی	ضریب جینی میزان دستیابی
کودکستان	۰,۰۱۲	۰,۶۵۴

نیازمندی بالا در کل شهر تقریباً ۱۳ درصد بوده و حدود ۷۳ درصد ساکنین نیاز متوسطی به خدمات داشته‌اند. میانگین مقادیر نهایی معیار نیازمندی در بلوک‌های شهری، ۱۳.۲۳ و انحراف معیار این مقادیر ۳.۴۵ است، که نشان از پراکندگی نسبتاً زیاد این مقادیر در بین بلوک‌های شهری و اختلاف معنادار بلوک‌های شهر در معیار نیازمندی ساکنین به خدمات شهری است. جدول موجود در تحقیق نشان می‌دهد که سطح نیازمندی محله‌های شهر را به خدمات دبستان پسرانه محاسبه شده است. درصد بالاترین نیازمندی‌ها را محله‌های ۱۰، در بین محلات شهر است.

جدول ۴. سنجش عدالت فضایی توزیع کودکستان در محله‌های شهر بر حسب توزیع جمعیت؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

محلات شهر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
میانگین	۱,۲۳	۱,۴۵	۱,۳۴	۱,۸۹	۰,۶۴	۰,۷۸	۱,۴۵	۱,۸۹	۱,۲۳	۰,۹۹	۱,۸۳	۱,۶۷
انحراف معیار	۰,۹۴	۱,۲۳	۱,۱۱	۱,۳۳	۰,۲۸	۰,۱۱	۰,۹۴	۰,۹۹	۰,۷۸	۰,۵۸	۰,۸۷	۰,۴۹

جدول ۵. میانگین درصد برخورداری ساکنین محله و درصد تراکم برخورداری محلات از دبستان پسرانه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

سطح برخورداری محلات شهر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
درصد جمعیت غیر برخوردار	۶	۷	۱۲	۱۱	۱۵	۵	۶	۳	۷	۸	۶	۸
درصد جمعیت نسبتاً برخوردار	۱۳	۱۶	۱۱	۲۰	۱۱	۱۷	۱۷	۲۱	۱۵	۱۹	۲۳	۱۳
درصد جمعیت برخوردار	۸۱	۷۷	۷۷	۶۹	۷۴	۷۸	۷۷	۷۶	۷۸	۷۳	۷۱	۷۹
درصد تراکم برخورداری	۱۳۴	۱۷۸	۱۴۵	۱۷۸	۱۶۷	۱۳۸	۱۵۶	۱۵۶	۱۷۸	۱۶۷	۱۷۸	۱۸۷

جدول ۶. ضریب موران برای شاخص عدالت فضایی و ضریب جینی برای میزان دستیابی بر حسب توزیع جمعیت؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

خدمات	ضریب موران عدالت فضایی	ضریب جینی میزان دستیابی
دبستان پسرانه	۰,۱۰۹	۰,۶۳۳

جدول ۷. سنجش عدالت فضایی توزیع دبستان پسرانه در محله‌های شهر بر حسب توزیع جمعیت؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

محلات شهر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
میانگین	۱,۲۳	۱,۴۵	۱,۳۴	۱,۸۹	۰,۶۴	۰,۷۸	۱,۴۵	۱,۸۹	۱,۲۳	۰,۹۹	۱,۸۳	۱,۶۷
انحراف معیار	۰,۹۴	۱,۲۳	۱,۱۱	۱,۳۳	۰,۲۸	۰,۱۱	۰,۹۴	۰,۹۹	۰,۷۸	۰,۵۸	۰,۸۷	۰,۴۹

جدول ۸. میانگین درصد برخورداری ساکنین محله و درصد تراکم برخورداری محلات شهر از پارک محله ای؛

ماخذ: یافته‌های تحقیق.

سطح برخورداری محلات شهر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
درصد جمعیت غیر برخوردار	۶	۸	۴	۲	۴	۴	۱۴	۸	۰	۱۵	۱۳	۹
درصد جمعیت نسبتاً برخوردار	۱۲	۱۲	۲۱	۱۸	۴	۲	۴	۹	۰	۰	۰	۴
درصد جمعیت برخوردار	۸۲	۸۰	۷۵	۸۰	۹۴	۹۳	۸۲	۸۳	۱۰۰	۸۵	۸۷	۸۷
درصد تراکم برخورداری	۳۴۵	۵۶۴	۴۳۲	۳۲۳	۳۴۲	۳۲۲	۲۳۴	۴۳۵	۵۶۴	۳۴۵	۲۳۴	۳۴۲

خدمات فضایی سبز (پارک محله ای)

ای در جدول ۹ نشان داده شده است. شاخص موران برای عدالت فضایی خدمات پارک محله ای نزدیک به عدد صفر است که الگوی توزیع تقریباً تصادفی را نشان می‌دهد ضریب جینی نیز برای توزیع این خدمات مقدار بالای ۰.۳۹۸ است که نشان دهنده توزیع نابرابر خدمات نسبت به کل جمعیت شهر است.

برای کل شهر بومهن درصد جمعیت برخوردار از خدمات پارک محله ای ۷۲ درصد و ۱۴ درصد جمعیت هم نسبتاً برخوردار بوده و تنها ۱۴ درصد جمعیت شهری از دسترسی به خدمات محروم هستند. درصد تراکم برخورداری ۱۲۳ درصد بوده که تقریباً برابر با جمعیت کنونی شهر است. میانگین مقادیر نهایی معیار دستیابی بلوک ۱۳.۶۷ و حداقل این مقدار ۰.۰ و حداکثر آن ۳۵.۲ و همچنین مقدار دستیابی ۴۸ درصد از جمعیت شهر، کمتر از میانگین می‌باشد. انحراف معیار این مقادیر ۶.۳۶ بوده است و نشان از پراکندگی زیاد این مقادیر و اختلاف بالا در بین بلوک‌های شهری در معیار دستیابی به خدمات شهری می‌باشد.

میزان عدالت فضایی یکپارچه در توزیع خدمات پارک محله ای در میان بلوک شهری میانگینی برابر با (۱.۱۵) و انحراف معیار (۱.۲۹) را نشان می‌دهد. که نشان از وضعیت نامناسب توزیع دارد. اعداد بزرگتر از یک نشان از بیشتر بودن نسبت دستیابی جمعیت است و اعداد کمتر از یک نشان از کمتر بودن نسبت دستیابی بلوک‌ها به نسبت جمعیت می‌باشد. برای کل شهر بومهن درصد جمعیت برخوردار از خدمات پارک شهری ۹۴ درصد و ۶ درصد

شاخص جینی و موران در ارتباط با خدمات پارک محله



جدول ۹. ضریب موران برای شاخص عدالت فضایی و ضریب جینی برای میزان دستیابی بر حسب توزیع جمعیت؛

ماخذ: یافته‌های تحقیق.

خدمات	ضریب موران عدالت فضایی	ضریب جینی میزان دستیابی
پارک محله ای	۰,۱۲۱	۰,۳۹۸

جدول ۱۰. میانگین درصد برخورداری ساکنین محله و درصد تراکم برخورداری محلات شهر از پارک شهری؛

ماخذ: یافته‌های تحقیق.

سطح برخورداری محلات شهر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
درصد جمعیت غیر برخوردار	۰	۰	۴	۰	۰	۳	۰	۳	۰	۲	۰	۰
درصد جمعیت نسبتاً برخوردار	۰	۷	۰	۶	۵	۰	۱	۰	۲	۰	۰	۵
درصد جمعیت برخوردار	۱۰۰	۹۳	۹۶	۹۴	۹۵	۹۷	۹۹	۹۷	۹۸	۹۸	۹۸	۹۵
درصد تراکم برخورداری	۲۳۴	۲۴۴	۲۲۲	۳۲۱	۲۴۳	۳۲۱	۲۱۴	۲۵۴	۲۳۴	۲۱۱	۱۹۸	۲۸۷

جدول ۱۱. ضریب موران برای شاخص عدالت فضایی و ضریب جینی برای میزان دستیابی بر حسب توزیع جمعیت؛
 ماخذ: یافته‌های تحقیق.

خدمات	ضریب موران عدالت فضایی	ضریب جینی میزان دستیابی
پارک شهری	۰,۱۶۵	۰,۳۵۶

جمعیت هم نسبتاً برخوردار بوده و تنها ۰ درصد جمعیت شهری از دسترسی به خدمات محروم هستند. درصد تراکم برخورداری ۱۹۸ درصد بوده که تقریباً دو برابر با جمعیت کنونی شهر است. میانگین مقادیر نهایی معیار دستیابی بلوک ۱۳,۲۸ و حداقل این مقدار ۴,۰۱ و حداکثر آن ۱۹,۳ و همچنین مقدار دستیابی ۵۲ درصد از جمعیت شهر، کمتر از میانگین می‌باشد. انحراف معیار این مقادیر ۴,۳۶ بوده است و نشان از پراکندگی زیاد این مقادیر و اختلاف بالا در بین بلوک‌های شهری در معیار دستیابی به خدمات شهری می‌باشد.

شاخص جینی و موران در ارتباط با خدمات پارک شهری در جدول ۱۱ نشان داده شده است. شاخص موران برای عدالت فضایی خدمات پارک شهری نزدیک به عدد صفر است که الگوی توزیع تقریباً تصادفی را نشان می‌دهد ضریب جینی نیز برای توزیع این خدمات مقدار بالای ۰,۳۵۶ است که نشان دهنده توزیع نابرابر خدمات نسبت به کل جمعیت شهر است.

میزان عدالت فضایی یکپارچه در توزیع خدمات پارک شهری در میان بلوک شهری میانگینی بابر با (۱,۰۹) و انحراف معیار (۱,۱۲) را نشان می‌دهد. که نشان از وضعیت نامناسب توزیع دارد. اعداد بزرگتر از یک نشان از بیشتر بودن نسبت دستیابی جمعیت است و اعداد کمتر از یک نشان از کمتر بودن نسبت دستیابی بلوک‌ها به نسبت

جمعیت می‌باشد.

خدمات ورزشی (ورزش محله)

برای کل شهر بومهن درصد جمعیت برخوردار از خدمات ورزش محله ۴۴ درصد و ۱۴ درصد جمعیت هم نسبتاً برخوردار بوده و ۴۲ درصد جمعیت شهری از دسترسی به خدمات محروم هستند. درصد تراکم برخورداری ۳۲ درصد بوده که کمتر از نصف جمعیت کنونی شهر است. میانگین مقادیر نهایی معیار دستیابی بلوک ۱۳,۲۸ و حداقل این مقدار ۰,۰ و حداکثر آن ۷۰,۳ و همچنین مقدار دستیابی ۵۸ درصد از جمعیت شهر، کمتر از میانگین می‌باشد. انحراف معیار این مقادیر ۱۳,۳۶ بوده است و نشان از پراکندگی زیاد این مقادیر و اختلاف بالا در بین بلوک‌های شهری در معیار دستیابی به خدمات شهری می‌باشد.

شاخص جینی و موران در ارتباط با خدمات ورزش محله در جدول ۱۲ نشان داده شده است. شاخص موران برای عدالت فضایی خدمات ورزش محله نزدیک به عدد صفر است که الگوی توزیع تقریباً تصادفی را نشان می‌دهد ضریب جینی نیز برای توزیع این خدمات مقدار بالای ۰,۵۳۴ است که نشان دهنده توزیع نابرابر خدمات نسبت به کل جمعیت شهر است.

جدول ۱۲. میانگین درصد برخورداری ساکنین محله و درصد تراکم برخورداری محلات شهر از پارک شهری؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

محلات شهر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
درصد جمعیت غیر برخوردار	۳۳	۶۵	۹۹	۱۰۰	۷۶	۷۸	۸۹	۷۹	۱۲	۷۸	۸۹	۷۸
درصد جمعیت نسبتاً برخوردار	۲۳	۷	۱	۰	۵	۱۷	۱۱	۰	۶۷	۲۳	۷	۱۴
درصد جمعیت برخوردار	۴۴	۲۸	۰	۰	۱۹	۵	۰	۲۱	۲۱	۰	۴	۸
درصد تراکم برخورداری	۲۸	۴۵	۰	۰	۲۵	۴۵	۴۴	۲۳	۳۶	۴۵	۳۴	۱۹



جدول ۱۲. ضریب موران برای شاخص عدالت فضایی و ضریب جینی برای میزان دستیابی بر حسب توزیع جمعیت؛
 ماخذ: یافته‌های تحقیق.

خدمات	ضریب موران عدالت فضایی	ضریب جینی میزان دستیابی
ورزش محله	۰.۶۵	۰.۵۳۴

جدول ۱۳. میانگین درصد برخورداری ساکنین محله و درصد تراکم برخورداری محلات شهر از بیمارستان؛
 ماخذ: یافته‌های تحقیق.

محلات شهر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
درصد جمعیت غیر برخوردار	۰	۲۰	۴	۰	۰	۳	۰	۰	۲	۰	۰	۰
درصد جمعیت نسبتاً برخوردار	۰	۰	۰	۱۱	۰	۴	۰	۰	۰	۴	۰	۰
درصد جمعیت برخوردار	۱۰۰	۸۰	۹۴	۸۹	۱۰۰	۹۳	۱۰۰	۱۰۰	۹۸	۹۶	۱۰۰	۱۰۰
درصد تراکم برخورداری	۲۵۶	۱۵۶	۱۷۶	۱۵۶	۲۱۱	۱۷۶	۱۵۶	۲۱۳	۱۲۷	۱۹۸	۲۳۴	۱۴۵

است و نشان از پراکندگی زیاد این مقادیر و اختلاف بالا در بین بلوک‌های شهری در معیار دستیابی به خدمات شهری می‌باشد.

شاخص جینی و موران در ارتباط با خدمات بیمارستان در جدول ۱۴ نشان داده شده است. شاخص موران برای عدالت فضایی خدمات بیمارستان نزدیک به عدد صفر است که الگوی توزیع تقریباً تصادفی را نشان می‌دهد ضریب جینی نیز برای توزیع این خدمات مقدار بالای ۰.۴۲۱ است که نشان دهنده توزیع نابرابر خدمات نسبت به کل جمعیت شهر است.

میزان عدالت فضایی یکپارچه در توزیع خدمات بیمارستان در میان بلوک شهری میانگینی برابر با (۱.۰۹) و انحراف معیار (۱.۳۴) را نشان می‌دهد. که نشان از وضعیت نامناسب توزیع دارد. اعداد بزرگتر از یک نشان از بیشتر بودن نسبت دستیابی جمعیت است و اعداد کمتر از یک نشان از کمتر بودن نسبت دستیابی بلوک‌ها به نسبت جمعیت می‌باشد.

میزان عدالت فضایی یکپارچه در توزیع خدمات ورزش محله در میان بلوک شهری میانگینی برابر با (۱.۲۱) و انحراف معیار (۴.۱۲) را نشان می‌دهد. که نشان از وضعیت نامناسب توزیع دارد. اعداد بزرگتر از یک نشان از بیشتر بودن نسبت دستیابی جمعیت است و اعداد کمتر از یک نشان از کمتر بودن نسبت دستیابی بلوک‌ها به نسبت جمعیت می‌باشد.

خدمات بهداشتی درمانی (بیمارستان)

برای کل شهر بومهن درصد جمعیت برخوردار از خدمات بیمارستان ۹۷ درصد و ۲ درصد جمعیت هم نسبتاً برخوردار بوده و تنها ۱ درصد جمعیت شهری از دسترسی به خدمات محروم هستند. درصد تراکم برخورداری ۱۲۳ درصد بوده که تقریباً برابر با جمعیت کنونی شهر است. میانگین مقادیر نهایی معیار دستیابی بلوک ۱۳.۲۸ و حداقل این مقدار ۴.۳ و حداکثر آن ۳۷.۵ و همچنین مقدار دستیابی ۵۵ درصد از جمعیت شهر، کمتر از میانگین می‌باشد. انحراف معیار این مقادیر ۳.۳۴ بوده

جدول ۱۴. ضریب موران برای شاخص عدالت فضایی و ضریب جینی برای میزان دستیابی بر حسب توزیع جمعیت؛
 ماخذ: یافته‌های تحقیق.

خدمات	ضریب موران عدالت فضایی	ضریب جینی میزان دستیابی
بیمارستان	۰.۳۲۱	۰.۴۲۱



خدمات بهداشتی درمانی (درمانگاه)

برای کل شهر بومهن درصد جمعیت برخوردار از خدمات درمانگاه ۹۵ درصد و ۳ درصد جمعیت هم نسبتاً برخوردار بوده و تنها ۲ درصد جمعیت شهری از دسترسی به خدمات محروم هستند. درصد تراکم برخورداری ۲۹۹ درصد بوده که تقریباً سه برابر با جمعیت کنونی شهر است. میانگین مقادیر نهایی معیار دستیابی بلوک ۱۳.۲۸ و حداقل این مقدار ۶.۳ و حداکثر آن ۳۹.۵ و همچنین مقدار دستیابی ۷۱ درصد از جمعیت شهر، کمتر از میانگین می باشد. انحراف معیار این مقادیر ۴.۰۴ بوده است و نشان از پراکندگی زیاد این مقادیر و اختلاف بالا در بین بلوک های شهری در معیار دستیابی به خدمات شهری می باشد.

شاخص جینی و موران در ارتباط با خدمات درمانگاه در جدول ۱۵ نشان داده شده است. شاخص موران برای عدالت فضایی خدمات درمانگاه نزدیک به عدد صفر است که الگوی توزیع تقریباً تصادفی را نشان می دهد ضریب جینی نیز برای توزیع این خدمات مقدار بالای ۰.۵۴۳ است که نشان دهنده توزیع نابرابر خدمات نسبت به کل جمعیت شهر است.

میزان عدالت فضایی یکپارچه در توزیع خدمات درمانگاه در میان بلوک شهری میانگینی برابر با (۱.۰۹) و انحراف معیار (۱.۳۴) را نشان می دهد. که نشان از وضعیت نامناسب توزیع دارد. اعداد بزرگتر از یک نشان از بیشتر

بودن نسبت دستیابی جمعیت است و اعداد کمتر از یک نشان از کمتر بودن نسبت دستیابی بلوک ها به نسبت جمعیت می باشد.

خدمات فرهنگی و مذهبی

برای کل شهر بومهن درصد جمعیت برخوردار از خدمات فرهنگی و مذهبی ۷۳ درصد و ۱۴ درصد جمعیت هم نسبتاً برخوردار بوده و ۱۳ درصد جمعیت شهری از دسترسی به خدمات محروم هستند. درصد تراکم برخورداری ۶۱ درصد بوده که تقریباً نصف جمعیت کنونی شهر است. میانگین مقادیر نهایی معیار دستیابی بلوک ۱۳.۲۸ و حداقل این مقدار ۰.۰ و حداکثر آن ۳۴.۲ و همچنین مقدار دستیابی ۵۶ درصد از جمعیت شهر، کمتر از میانگین می باشد. انحراف معیار این مقادیر ۶.۲۱ بوده است و نشان از پراکندگی زیاد این مقادیر و اختلاف بالا در بین بلوک های شهری در معیار دستیابی به خدمات شهری می باشد. شاخص جینی و موران در ارتباط با خدمات فرهنگی و مذهبی در جدول ۱۶ نشان داده شده است. شاخص موران برای عدالت فضایی خدمات فرهنگی و مذهبی نزدیک به عدد صفر است که الگوی توزیع تقریباً تصادفی را نشان می دهد ضریب جینی نیز برای توزیع این خدمات مقدار بالای ۰.۴۸۸ است که نشان دهنده توزیع نابرابر خدمات نسبت به کل جمعیت شهر است.



جدول ۱۴. میانگین درصد برخورداری ساکنین محله و درصد تراکم برخورداری محلات شهر از درمانگاه؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

محلات شهر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
درصد جمعیت غیر برخوردار	۰	۰	۳	۱	۰	۲	۰	۰	۰	۲	۰	۰
درصد جمعیت نسبتاً برخوردار	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۱	۰	۰
درصد جمعیت برخوردار	۱۰۰	۱۰۰	۹۷	۹۹	۹۸	۹۸	۱۰۰	۹۸	۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
درصد تراکم برخورداری	۹۸۴	۷۸۵	۶۷۶	۶۷۸	۴۸۹	۵۳۳	۵۷۸	۸۹۷	۱۲۳۴	۵۶۷	۶۷۸	۹۸۰

جدول ۱۵. ضریب موران برای شاخص عدالت فضایی و ضریب جینی برای میزان دستیابی بر حسب توزیع جمعیت؛

ماخذ: یافته های تحقیق.

خدمات	ضریب موران عدالت فضایی	ضریب جینی میزان دستیابی
درمانگاه	۰,۷۱	۰,۵۴۳

جدول ۱۶. ضریب موران برای شاخص عدالت فضایی و ضریب جینی برای میزان دستیابی بر حسب توزیع جمعیت؛
 ماخذ: یافته‌های تحقیق.

خدمات	ضریب موران عدالت فضایی	ضریب جینی میزان دستیابی
فرهنگی و مذهبی	۰.۵۸	۰.۴۸۸

شهری، پارک محله، فرهنگی و مذهبی مورد بررسی دقیق با استفاده از بلوک‌های آماری و محله بندی عرفی مورد سنجش و اندازه گیری قرار گرفت و در نهایت امر در یک امر تلفیقی و یکپارچه میزان کارایی هر کدام از کاربری‌های در مورد عدالت فضایی مورد سنجش قرار گرفت که جدول ۱۷ این امر را بهتر نشان می‌دهد.

میزان عدالت فضایی یکپارچه در توزیع خدمات فرهنگی و مذهبی در میان بلوک شهری میانگینی برابر با (۱.۳۲) و انحراف معیار (۱.۷۸) را نشان می‌دهد. که نشان از وضعیت نامناسب توزیع دارد. اعداد بزرگتر از یک نشان از بیشتر بودن نسبت دستیابی جمعیت است و اعداد کمتر از یک نشان از کمتر بودن نسبت دستیابی بلوک‌ها به نسبت جمعیت می‌باشد.

در راستای آزمون فرضیات نیز بدین طریق عمل شد:

۱- فرضیه اول: به نظر می‌رسد که توزیع خدمات شهری بر حسب توزیع جمعیت در محله‌های شهر بومهن به صورت عادلانه صورت پذیرفته است.

برای محاسبه عدالت فضایی و تشخیص نابرابری‌ها از ضریب جینی و برای تشخیص وجود الگو در توزیع بی عدالتی‌ها از ضریب موران استفاده شده است. با ترکیب کردن این دو ضریب می‌توان به قضاوت در مورد عدالت فضایی توزیع خدمات پرداخت بر همین اساس برای این

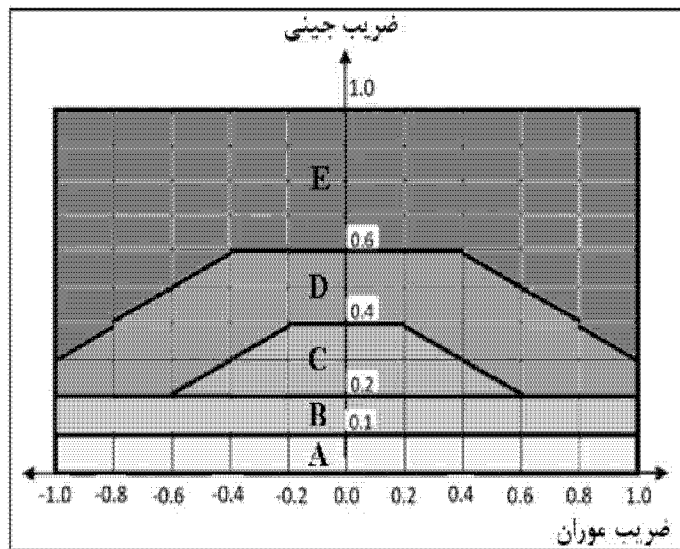
میزان کارایی خدمات شهری با تاکید بر عدالت فضایی در شهر بومهن

خدمات شهری در بخش‌ها مختلف مورد سنجش قرار گرفته‌اند به طوری که درصد میزان برخورداری در سه سطوح مورد بررسی دقیق قرار گرفت و در تمامی سطوح آموزشی (دبستان پسرانه، دبستان دخترانه، راهنمایی پسرانه، راهنمایی دخترانه، دبیرستان پسرانه، دبیرستان دخترانه - بهداشتی (درمانگاه بیمارستان) ورزشی، پارک



جدول ۱۷. میزان کارایی خدمات شهری با تاکید بر عدالت فضایی در شهر بومهن؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

بیمارستان	درمانگاه	ورزشی محله	فرهنگی مذهبی	پارک شهری	پارک محله	دبیرستان دخترانه	دبیرستان پسرانه	راهنمایی دخترانه	راهنمایی پسرانه	دبستان دخترانه	دبستان پسرانه	کودکستان	کارایی خدمات
۲۳	۶۷	۲۳	-	-	-	-	-	۸۱	۷۷	۸۲	۷۴	۶۵	کارایی فاصله از خیابان
۱۷	۱۳	۴۹	-	-	۳۱	۲۵	۲۰	۱۳	۱۴	۱۵	۲۳	۳۴	کارایی سازگاری
۱۵	۱۲	۳۴	۲۷	-	-	۷۷	۵۶	۵۲	۶۳	۷۶	۶۷	۶۷	کارایی ناسازگاری
۴۷	۵۶	۷۸	۴۹	۶۷	۳۴	۱۰۰	۷۳	۹۸	۷۸	۶۶	۶۲	۲۴	کارایی کشش پذیری
-	-	۸۹	-	۱۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-	کارایی مساحت
۲۵.۵	۳۷	۶۳.۲۵	۱۹	۴۱.۷۵	۱۶.۲۵	۵۰.۵	۳۷.۲۵	۶۱	۵۸	۵۹.۷۵	۵۶.۵	۴۷.۵	میزان نهایی کارایی



تصویر ۱. ترکیب ضریب جینی، ضریب موران ورده بندی عدالت فضایی در توزیع خدمات؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

می‌باشد. در تصویر شماره ۱ بی عدالتی‌ها به پنج رده تقسیم شده‌اند که عبارتند از: بی عدالتی فضایی بسیار کم (A)، بی عدالتی فضایی کم (B)، بی عدالتی فضایی متوسط (C) بی عدالتی فضایی زیاد (D)، بی عدالتی فضایی بسیار زیاد (E) میزان بی عدالتی توزیع خدمات شهری بر حسب توزیع جمعیت در تمامی خدمات در دوره متوسط و زیاد قرار دارند. میزان بی عدالتی در توزیع یکپارچه خدمات در سطح شهر نیز در حد متوسط ارزیابی شده است. میزان

تحلیل از روش ضریب جینی استفاده شده است با ترکیب نمودن این دو ضریب می‌توان به قضاوت در مورد عدالت فضایی توزیع خدمات پرداخت. مقادیر ضریب جینی بین ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد، ضریب موران ۱ تا -۱ است؛ از این رو هر چه ضریب جینی و موران به یک نزدیکتر باشند نابرابری‌ها بیشتر و دارای الگو توزیع مشخصی خواهند بود که بی عدالتی بسیار بالا تلقی می‌شود و هر چه ضریب جینی و ضریب موران به صفر نزدیک باشند، نابرابریها کمتر و الگو توزیع تصادفی خواهد بود که بی عدالتی بسیار کم

جدول ۱۸. رده بندی عدالت فضایی توزیع خدمات عمومی شهری بر حسب توزیع جمعیت؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

خدمات	ضریب موران	ضریب جینی	نمره بی عدالتی
کودکستان	۰,۰۱۲	۰,۶۴۵	E
دبستان پسرانه	۰,۱۰۹	۰,۶۳۳	E
دبستان دخترانه	۰,۱۱۱	۰,۴۲۳	D
راهنمایی پسرانه	۰,۱۴۵	۰,۳۲۱	C
راهنمایی دخترانه	۰,۱۹۳	۰,۳۴۰	C
دبیرستان پسرانه	۰,۱۷۸	۰,۴۴۴	D
دبیرستان دخترانه	۰,۱۳۴	۰,۳۲۹	C
پارک محله	۰,۱۲۱	۰,۳۹۸	C
پارک شهری	۰,۱۶۵	۰,۳۵۶	C
ورزش محله	۰,۰۶۵	۰,۵۳۴	D
بیمارستان	۰,۳۲۱	۰,۴۲۱	D
درمانگاه	۰,۰۷۱	۰,۵۴۳	D
فرهنگی مذهبی	۰,۰۵۸	۰,۴۸۸	D
مجموع	۰,۰۷۸	۰,۳۸۷	C

عدالت فضایی به صورت کمی برای هر محله محاسبه شد میزان بی عدالتی هر چه به یک نزدیکتر باشد توزیع عادلانه تر بوده و با فاصله از یک بی عدالتی فضایی نیز افزایش می یابد. اعداد بزرگتر از یک نشان از کمتر بودن نسبت دستیابی بلوک نسبت به جمعیت است. فرضیه شماره یک تایید می شود.

۲- فرضیه شماره دوم: به نظر می رسد در محلات مختلف معیار کارایی استانداردهای توزیع، شبکه دسترسی در توزیع خدمات شهری در منطقه مورد مطالعه رعایت نشده است.

در معیار کارایی در این پایان نامه ۵ شاخص (سازگاری، ناسازگاری، مجاورت با شبکه دسترسی، کشش پذیری جمعیتی و مساحت خدمات) در نظر گرفته شد. بررسی این پنج معیار در فصل قبل به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت شاخص کارایی برای چند درصد از تعداد خدمات عمومی رعایت شده است. میزان کارایی بالای ۷۵ درصد، خوب، ۷۵ تا ۵۰، متوسط، ۲۵ تا ۷۵، کم و زیر ۲۵ درصد بد ارزیابی شده است مثلاً دبستان دخترانه ۵۹.۷۵ ارزیابی شده است که کارایی این بخش متوسط ارزیابی می شود. نتایج حاصل از جدول شماره ۱۹ نشان می دهد خدمات عمومی دبستان پسرانه، دبستان دخترانه، راهنمایی دخترانه، راهنمایی پسرانه، دبیرستان دخترانه، ورزشی محله در حد متوسط ارزیابی شده است و خدمات کودکان دبستان، دبیرستان پسرانه، پارک شهری، درمانگاه و بیمارستان با کارایی خیلی کم ارزیابی شده و خدمات عمومی فرهنگی و مذهبی بسیار بد ارائه شده است. فرضیه شماره دو هم تایید می شود. بر اساس این دو

فرضیه که هر دو آنها تایید شده است محقق به این نتیجه رسیده است که عدالت فضایی در پراکنش خدمات در شهر بومهن معنای خاصی را تداعی نمی کند و بر این اساس در شهر بومهن عدالت فضایی وضعیت بسیار حادی را دارد.

نتیجه گیری و جمع بندی

از جمله عواملی که باید در جهت عدالت فضایی در برنامه ریزی شهری رعایت گردد، توزیع مناسب خدمات عمومی شهری و استفاده صحیح از فضا است. در این تحقیق مفاهیم مرتبط با عدالت فضایی در برنامه ریزی و توزیع خدمات عمومی شهری، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت عواملی چون دسترسی، نیازمندی ساکنین به خدمات، منفعت عمومی، معیارهای این بخش نیز از مبانی نظری مطرح شده گرفته شده است و استفاده از مدل AHP و مدل تحلیل خود همبستگی فضایی و ضرایب جینب و موران اشاره کرد. در این پایان نامه که در شهر بومهن مورد بررسی قرار گرفت ۱۳ نوع خدمات عمومی این شهر از جمله خدمات آموزشی، فرهنگی مذهبی، ورزشی، درمانی و بهداشتی برای این کار در نظر گرفته شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت نتیجه مطالعات اخذ شده بدین صورت می باشد عدالت فضایی در توزیع یکپارچه خدمات عمومی بر اساس قابلیت دسترسی در شهر بومهن در وضعیت نسبتاً متوسطی قرار دارد ولی تا رسیدن به عدالت فضایی کامل، فاصله زیادی دارد. در بررسی خدمات به صورت جداگانه نیز خدمات عمومی دبستان پسرانه، دبستان دخترانه، راهنمایی

جدول ۱۹. ارزیابی کارایی خدمات عمومی شهر؛ ماخذ: یافته های تحقیق

بیمارستان	درمانگاه	ورزشی محله	فرهنگی مذهبی	پارک شهری	پارک محله	دبیرستان دخترانه	دبیرستان پسرانه	راهنمایی دخترانه	راهنمایی پسرانه	دبستان دخترانه	دبستان پسرانه	کودکستان	کارایی خدمات
۲۵.۵	۳۷	۶۳.۲۵	۱۹	۴۱.۷۵	۱۶.۲۵	۵۰.۵	۳۷.۲۵	۶۱	۵۸	۵۹.۷۵	۵۶.۵	۴۷.۵	میزان نهایی کارایی

دخترانه، راهنمایی پسرانه، دبیرستان دخترانه، ورزشی محله در حد متوسط ارزیابی شده است و خدمات کودکان، دبیرستان پسرانه، پارک شهری، درمانگاه و بیمارستان با کارایی خیلی کم ارزیابی شده و خدمات عمومی فرهنگی و مذهبی بسیار بد ارائه شده است. بر اساس درصدهای ارائه شده در مورد خدمات عمومی و در نهایت خدمات یکپارچه در شهر بومهن نتایج اخذ شده از حاصل این تحقیق نشان می‌دهد که در هیچ کدام از خدمات عمومی و توزیع یکپارچه خدمات همبستگی قوی و در حد خوب رانداشته بلکه در حد متوسط و خیلی کم و در مورد بحث خدمات مذهبی بد بوده است. میزان بی عدالتی توزیع خدمات شهری بر حسب توزیع جمعیت در تمامی خدمات در دوره متوسط و خیلی کم قرار دارند میزان بی عدالتی در توزیع یکپارچه خدمات در سطح شهر بومهن نیز در حد نسبتاً متوسط ارزیابی شده است همچنین نتایج نشان می‌دهد که عادلانه بودن توزیع یکپارچه خدمات بر حسب توزیع جمعیت تنها برای ۲۱ درصد از جمعیت شهر رعایت شده است و درجه بی عدالتی فضایی در توزیع یکپارچه خدمات شهری بر حسب نیازمندی جمعیت، رده ی (75-25) یا رده متوسط است که نسبت به همه ی خدمات کمتر است. همچنین بی عدالتی در توزیع دبستان پسرانه، دبستان دخترانه، راهنمایی دخترانه، راهنمایی پسرانه، دبیرستان دخترانه، ورزشی محله در حد متوسط و در بحث فرهنگی و مذهبی بسیار بد ارزیابی شده است.

راهکارها و پیشنهادات

- ۱- برای رسیدن به یک الگو توزیع عادلانه و پایدار خدمات عمومی شهری، نقش شهروندان و مشارکت آنها در برنامه ریزی و مدیریت شهری غیرقابل انکار است. پس لازم است زمینه حضور و مشارکت آگاهانه شهروندان در برنامه ریزی و مدیریت شهری در سطح شهر و محلات شهری، نهادینه شود.
- ۲- توزیع خدمات شهری باید بر اساس تغییرات جمعیتی اعمال شود و شعاع خدمات رسانی و کارایی تسهیلات به عنوان هاملی تاثیرگذار در سنجش عدالت مدنظر باشد.
- ۳- برای سنجش وضعیت عدالت در سطح شهر، توزیع

خدمات به سبب پیوند فضایی عملکردی، می‌بایست در ارتباط با هم در نظر گرفته شود که نیاز به هماهنگی بین مدیریت‌های متنوع در توزیع این خدمات می‌باشد و مدیریت یکپارچه شهری می‌تواند راه حل مناسبی در این زمینه باشد.

۴- پیشنهاد می‌شود که بین سطح محرومیت ساکنین و دستیابی به خدمات روندی معکوس اتفاق بیافتد. به عبارت دیگر مناطق محروم اجتماعی اقتصادی، حداقل از بعد فضایی در محرومیت قرار نگیرند و این نیازمند سیاست‌گذاری در سطح سازمان‌های مرتبط برای توجه به عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری است.

۵- در شهرهایی نظیر بومهن که جداگزینه بین محلات وجود دارد، تمرکز خدمات در یک یا چند محله باعث تشدید بی عدالتی می‌شود، لذا مدیریت شهری می‌بایست سعی در کاهش بی عدالتی فضایی در توزیع خدمات در محله‌های شهر داشته باشد.

۶- تجمع خدمات عمومی در هسته شهر باعث به وجود آمدن جاذبه عملکردی، تک‌هسته‌ای شدن شهر و شکل گرفتن تضاد طبقاتی در شهر است، که این عوامل تشدیدکننده بی عدالتی فضایی هستند، پس در مراحل اولیه رشد و توسعه شهر، می‌بایست تمرکززدایی در توزیع خدمات در سطح شهر، مدنظر باشد.

۷- مکانیابی توزیع و تخصیص بودجه برای خدمات شهری، می‌بایست بر اساس سطح نیازمندی حال و آینده ساکنین شهر باشد، به طوری که سطح برخورداری ساکنین با سطح نیازمندی آنها تطابق داشته باشد.

منابع و مآخذ

۱. حکمت نیا حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۵) کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای، یزد، انتشارات علم نوین
۲. جاجرمی، کاظم و کلتی ابراهیم (۱۳۸۴)، شهر و عدالت اجتماعی (مطالعه موردی گنبد کابوس) فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دوم، شماره ۶.
۳. زیاری، کرامت الله و اسحاق جلالیان (۱۳۸۷) مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه ۷۵-۱۳۵۵، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱.



۴. سید، قطب، (۱۳۸۵) عدالت اجتماعی در اسلام، سید هادی خسرو شاهی و محمد علی گرامی، شرکت سهامی انتشار دارالفکر تهران، چاپ پانزدهم.
۵. فرهودی، رحمت الله، (۱۳۸۳) درسنامه تکنیکهای برنامه ریزی منطقه ای، دانشگاه جغرافیای دانشگاه تهران
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹) مجموعه مقالات گامی به سوی عدالت، جلد دوم، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۷. مرصوصی نفیسه (۱۳۸۰)، تحلیل عدالت اجتماعی در شهر تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
۸. هاروی، دیوید (۱۳۷۶) عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، محمد رضا حائری، بهروز منادی زاده، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۵) اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، جلد اول، چاپ دوم.
۱۰. وارثی، حمیدرضا، زنگی آبادی، علی یغوری، حسین (۱۳۸۷) بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی از منظر عدالت اجتماعی (موردی: زاهدان) مجله جغرافیا و توسعه، سال ششم، شماره ۱۱.
۱۱. پورمحمدی، محمد رضا (۱۳۸۷) برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت
۱۲. پورمحمدی، محمد رضا و همکاران (۱۳۸۹) مکانیابی خدمات شهری با ترکیب GIS و مدل AHP، مجله فضای جغرافیایی، شماره ۳۱، صص ۹۱-۱۱۸.
۱۳. حاتمی نژاد، حسین (۱۳۸۷)، تحلیل نابرابری های اجتماعی در برخورداری از کاربری های خدمات شهری، مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵، صص ۷۱-۸۵
۱۴. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۷)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. خاکپور، براتعلی، (۱۳۸۸) بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد، مجله دانش و توسعه شماره، ۲۷، صص ۱۸۲-۲۰۲
۱۶. رضویان، محد تقی (۱۳۸۱) برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، تهران، انتشارات منشی.
۱۷. رهنما، محمد رحیم، (۱۳۸۷)، اصول، مبانی و مدل های سنجش فرم کالبدی شهر، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۱۸. سعیدنیاء، احمد (۱۳۸۳)، کتاب سبز راهنمای شهرداری ها شهرسازی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیارها کشور.
۱۹. طیبیان، منوچهر (۱۳۸۶)، مقایسه تطبیقی دیدگاه شهری جان راولز و دیوید هاروی در فلسفه عدالت، مجله شهرنگار، شماره ۴۸، صص ۲۲-۷.
۲۰. مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۲)، تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۱. مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳)، توسعه یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، شماره ۱۴-صص ۱۹-۱۳
۲۲. حاتمی نژاد، حسین، فرهودی، رحمت ا... فرهودی و محمد پور جابری (۱۳۸۷) تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری های خدمات شهری مطالعه موردی، شهر اسفراین؛ پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵، صص ۸۵، ۷۱، پاییز ۱۳۸۷.
۲۳. عظیمی، ناصر (۱۳۸۲) روش شناسی شبکه سکونت گاه، انتشارات گستر، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
۲۴. وارثی، حمید رضا، (۱۳۸۶) بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مطالعه موردی، مناطق شهری اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۲۵. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰) مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، چاپ دهم. تهران انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

Urban Management

A Quarterly Journal of Urban
Management and Planning
Vol. No. 35 Summer 2014



The Urban and Rural Research Center

Address: No. 17, Shahid Naderi
St., Keshavarz Blvd, Vali-e-Asr sq.,
Tehran, Iran

Tel: 88976651-88986382-
88966239

Fax: 88977918

Urban Research Center:

Address: As above, North Forth
Floor

Tel: 88977919

Ministry of Interior



Iran Organization Of Municipality
and Rural Managers The
Cultural, Informative and
Publications Institute

<http://www.imo.org.ir>

License Holder: The Iranian Municipalities Organization (I.M.O)

Managing Director: Hoshang khandandel

Editor-in-chief: Mohammadreza Bemanian

The Editorial Board:

Aminzade, Behnaz. Associate Prof, Environmental Studies
Department, Tehran University

Asgari, Ali. Associate Prof, Management Studies Department,
York University of Canada

Azizi, Mohammad Mahdi. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Behzadfar, Mostafa. Assistant Prof, Architecture and Urban
Planning Department, Elm-o-san'at University of Iran

Bemanian, Mohammadreza. Associate Prof, Art and
Architecture Department, Tarbiat Modares University

Diba, Darab. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran University

Etesam, Iraj. Prof, faculty of fine art, Tehran University

Farhangi, Ali Akbar. Prof, Management Department, Tehran
University

Ghafari, Ali. Prof, Architecture and Urban Planning Department,
Shahid Beheshti University

Golabchi, Mahmood. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Latifi, Gholamreza. Assistant Prof, Social Sciences Department,
Allameh Tabatabayee University

Mirsepasi, Nasser. Prof, Management and Economy
Department, Azad University of Tehran

Naghizade, Mohammad. Assistant Prof, Art and Architecture
Department, Azad University of Tehran

Pourjafar, Mohammadreza. Prof, Art and Architecture
Department, Tarbiat Modares University

Sedigh Sarvestani, Rahmatallah. Prof, Social Sciences
Department, Tehran University

Tavosi, Mahmood. Prof, Art and Architecture Department,
Tarbiat Modares University

Editorial manager: Mahmoudinedjad, Hadi, Phd, Tarbiat
Modares University

Editorial Administarator: M. Shahryari

Editorial Committee: O. Ahadion, E. Taherimehr,

English Editorial:

- Papers submitted for publication should describe original work not previously published.
- Papers presented at a scientific meeting should be accompanied by particulars of the Meeting.
- Manuscripts may be submitted in English, and should be written according to sound grammar and proper terminology, irrespective of the language, the paper should be accompanied by both English and Persian abstracts.
- Manuscripts should be typed on one side of the A4 paper, with double spacing and 3 cm margin at each side submitted in triplicate.
- The first page of the paper should only contain the title, name(s), degree(s) and address of the author(s), and the source(s) or financial support for the study, if applicable.
- The text should include: title, 3-5 keywords, abstract, introduction, materials and methods, results and discussion, acknowledgment if any, and reference.
- The English and Persian abstracts for each paper submitted on two separate pages and inclusive of all information requested under item 4, should not exceed 20 lines.
- Tables, in limited numbers, should be submitted on separate with the captions placed above.
- Figures and graphs (only in black and white) in limited numbers, are accepted only if they are of high quality art work and mounted on separate pages with the legends placed below.
- The same data should not be presented in both tables and figures, and their suggested place should be clearly marked on the margin of the text.
- References alphabetically arranged by the author's name, and in sequential numbers, as will be referred to in the text, should include the following information: name of the author(s), year of publication, title, name, of the journal (as abbreviated by index medicus), volume number and page number. With regards to books, the edition, name and address of the publisher should replace the name and volume number of journal.
- Short communication and case reports should, when possible, follow the same be ordered in advance.
- The sole responsibility for the views and statement expressed in the article remains only with the author(s).
- Editors of the journal reserve the journal reserve the right accept or reject any article, as necessary.

Urban Management

36

Journal of Urban and Rural
Management, Urban and
Rural Research Center

Vol.13 No.36 Autumn 2014

1. Urban Design Framework for MollāSadrā Avenue in Shiraz (Iran) with an Approach to Social Interactions
2. Investigate the relationship between growth and size of cities in the urban areas of the rule Jybrat
3. Assessment of Neighborhood House's Functions in Develop Local Management; Case study: Neighborhood House of Evin, Tajrish and Niavaran
4. Strategies for Reviving the Environmental Aesthetic Values in Daar Abaad River-Valley of Tehran
5. Factors influencing organizational change perceived in District 17
6. Urban Entrance Design With the approach of Giving Identity to urban space (Case Study: East Entrance of Zanjan city)
7. Evaluation of Architectural Design in Mass Housing (Case Study: Comparison of Residential Complex in Melbourne, Australia, with a residential complex in Tehran No. 7)
8. Rural tourism Analysis city of Marivan using SWOT Model
9. Using Artificial Neural Network for float pricing of Tehran traffic tolls to improve urban management focused on decreasing air pollution
10. Disclosure Policy Studies evaluating the role of official bodies in the process of land and housing supply by providing guidelines and recommendations in Iran
11. Analysis Network Process in Evaluating Darakeh River-Valley's Ecological
12. E-participation in neighborhoods management and planning
13. Factors motivating residents of Shiraz distressed areas to participate in improving and renovating program
14. Role in improving the performance of audit services and rural development programs with an emphasis on knowledge-based society
15. Assess the spatial distribution utilities in terms of righteousness; Case Study: City Boomehen
16. Urban concept of civil discourse in the public arena heuristic approach, the baths and town halls
17. A semiotic analysis of architectural culture in the age of globalization, with an emphasis on post-structuralism architecture; from house to non-house
18. Analysis of Various Aspects of Civil (Citizenship) Rights from the Viewpoint of Citizens (Field Study: The Surrounding of Kargar Shomali Avenue and Tehran Heart Center)
19. Social and cultural development feasibility of Tehran With an emphasis on multi-criteria decision systems (Case study: Neighborhoods in District 20)
20. Economic impacts of vandalism on municipality expenditures and its relationship with social capital: Case study of Mashhad